





است تا هر چه از خیر و شر بر سر فرزند آید و بچش نکند یا مضرتی و گزند یا بوی برزند و در جوار او در  
نوشته را ملک الهی کند و چه که او گفت چون مومنی خوابی ببیند یا ویزا بخواب ببیند واجبست دانستن  
پیدا نیست یک بهره شادی برگیرد و از خواب بدختر کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود و آبر  
نه افتد علیه که بد که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش بگردد و قیاس تغییر  
برین آن معلوم نکند مگر این علم از اصل نبرد و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و همت و ارادت  
با اختلاف وقتها همگردد و زیرا که وقتی تغییرش با اصل باید کرد و وقتی بصددگاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان  
احلام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر علمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باشد که تغییر  
هر کتاب و مصطفی علیه السلام و امثال اشعار عرب و عجم و نوا در و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یک  
و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد بقیاس و علم و سهل نیک اندویدیم  
خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب را نداند و آنچه را حق سبحانه و تعالی کسی  
شمارم خوردن و از سخنهای نابکار و دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سبک الکلیه  
بغیر از این باشد پس بر خردمندان واجب باشد دانستن علم تعبیر و شناختن قوانین  
مگر آن قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئکه  
اعلم بالصواب فصل اول در شناختن مزاج خوابها  
باب از بخارهای تر متحدث  
گفته و مفصل شود و در اینجا

بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برف و باران و بچ و سرما گرفتار است چون بیدار  
 شود جامه خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب برپایی باشد و بی جاگی او بود و خواب  
 را اصلی نباشد و اگر بخواب بیدار که اندر که ما بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود  
 پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیدار که از غلظت می نالد و در روی  
 در اندام وی افتاده بود و پیرا بخود میداشت و همان در و دار و آنچه در خواب بیدار که بول میکرد چون بیدار شود بیدار  
 که در جامه خواب بول انداخته بود و یا بول بر وی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم  
 در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از  
 دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان  
 دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب ازادگان ششم خواب بندگان  
 هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب ثوالمکه  
 دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خواب  
 پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است  
 که پادشاهان را بر رعیت جایز و سبانه و کما جمل و علما پادشاهان را بر گزیده و سرور می داده و خلق فرموده تا  
 وی بجا آورند قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر من  
 و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الامیر فقد اطاع به الله و رسوله پس هر چه  
 خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیدار آن خواب معز و پادشاه را نزدیک بود و خواب پادشاه نزدیک تر  
 او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر  
 و کارهای خاص و عام بستان و کشاون با مورخلایق همه از قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است  
 بر خواب عوام چه ایشان دانایانند باصول فقه و حده و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان  
 بتوان دانست و خواب ازادان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا  
 و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را بر  
 و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بجزایات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند  
 را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری  
 سبحانه و تعالی ایشان را بر گزید بر زنان و بچند چیز رجحان داده تفصیل بنا و قوله تعالی الرجال قوامون  
 علی النساء و پیغمبران را علیه السلام فرستاد همه مردان بودند و جای دیگر فرمود قوئل و امی اتان من

تَوْضُوحٍ مِنَ الشُّكِّ كَرْدِ بَدِيْهِ عَقْلٍ اسْتِصْرَاجِ وَرَامِي وَشَجَاعَتِ وَسَخَاوَتِ وَعِلَامَتِ وَخَدَمِ مِثَالِ  
 اِمْرَةِ وَجِبِلَّتِ مَرْدَانِ مَذْكُورِ كَرْدَانِيْدِهِ وَخَوَابِ زَمَانِ نَزْدِيْكَسْتِ بِخَوَابِ بِنْدِ كَانِ وَخَوَابِ صَالِحِ مَرَاغِلِ فَخْلَسْتِ بِرُخْوَابِ  
 فَاسِقَانِ زَبَرِ كَرْدِ خَوَابِ صَالِحِ بَطَاحَتِ مِيلِ مِي كَسْتِ دَارِ مَعْصِيَتِ دَوْرِ بَاشَنْدِ وَخَوَابِ فَاسِقَانِ كَرْدِ رُخْسِيَتِ  
 بِرَايِشَانِ حِجَّتِ بَاشْتِ چُنَا كَمِهْ بِرِ كَا فَرَانِ زِيْرِ كَمِهْ فَاسِقِ بِرِ مَعْصِيِ وَلِيْرِي كَسْتِ وَخَوَابِ تَوَاكُلِ بَرُوْرِ وِيْشِ فَضْلِ دَارِ زِيْرِ كَمِهْ  
 تَوَاكُلِ كَرْدِ كُوْتِ وَبَسُوْتِ دِهْ وَجِجِ وَغَرِ كَسْتِ دَرِ سُوْلِ صَلِيٍّ اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرَمُوْدُ كَيْدِ الْعُلَيَّا حَيَّرَ مَنْ يَدِ السُّفْلِيْ  
 يَعْنِي دَسْتِ نَخْبَشْتِ دِهْ بَرِ اَزْ دَسْتِ بَتَانْدِهْ اسْتِ وَكَرُوِيْ اَزْ مَعْجِرَانِ كُوْبِنْدِ كَمِهْ خَوَابِ دَرِ وِيْشَا زَا اَصْلِيْ نَبَاشْتِ زِيْرِ كَمِهْ هُوْ  
 دَلِ اِيْشَا زِيْرِ اِيْشَانِ بَاشْتِ اَرْغَمِ كَسْبِ وَعِيَالِ چُونِ دَرِ وِيْشِ خَوَابِ نِيْكَوْ مَبِيْدِ اَثَرَانِ وِيْرِ پِيْدِ اِيْدِ وِچُونِ بَرِ مَبِيْدِ اَثَرِ  
 اَنْ نَدُوْ ظَا هِرْ كَرْدِ وَخَوَابِ تَوَاكُلِ اَنْ خِلَافِ اِيْنِ بَاشْتِ وَخَوَابِ اَهْلِ بُلُوْعِ مَعْتَبِرِ بَاشْتِ زِيْرِ كَمِهْ شَهُوْتِ بَرِ اِيْشَانِ  
 اِيْبِ بَاشْتِ وَنَابَالِغِ اَوْبِ وَعَقْلِ نَدَارِ وَبَعْضِيْ اَزْ مَعْجِرَانِ كُوْبِنْدِ كَمِهْ خَوَابِ كُوْدُكِ نَابَالِغِ چُونِ نِيْكَوْ بَاشْتِ نِيْكَوْ اَنْ پِيْدِ اِيْدِ  
 سِنْدِ وَبَدِيْ اِيْنِ زَبَانِ دَارِ وَخَوَابِ كُوْدُكِ نَابَالِغِ رَا دُوْ قَوْلَسْتِ قَوْلِيْ اسْتِ كَمِهْ خَوَابِ اِيْشَانِ دِهْسْتِ وَدَسْتِ  
 سِنْدِ حَكْمَشِ پِيْدِ اِيْدِ زِيْرِ كَمِهْ دَلِ كُوْدُكِ اَزْ كِنَا وَصَافِيْ بَاشْتِ دَارِ مَعْصِيَتِ وَشُغْلِ دُنْيَا فَاَرْغِ بَاشْتِ وَقَوْلِيْ وَكِيْرِ خَوَابِ  
 اِيْشَانِ كَا رَا عَقْلِ وَتَمِيْرِ خَوَابِ بَايْدِ نَبَاشْتِ وَخَوَابِ سَتِ وَجَنْبِ وَزَنْ حَايِضِ دِهْسْتِ بَاشْتِ چُنَا چِيْ صَفِيْهِيْ بِنْتِ مَبَسْتِ  
 اَزْ كَمِهْ وِيْدِ كَمِهْ مَاهِ وَافَاقِ اَزْ اَسْمَانِ هِرْ دُوْ كِنَا رُوِيْ اِفْتَا وَنَدِ چُونِ بِيْدَارِ شَدَا مِيْرِ خِيْرِ رَا اِيْنِ خَوَابِ اَكَا وَكَرِ دَا مِيْرِ خِيْرِ  
 كَا سِيْمِ بَرِ رُوِيْ وَنِيْ زُوْ وَكَلْتِ اَكَا اِيْنِ خَوَابِ رَاسْتِ مِيْكَوْ لِيْ مُحَمَّدِ مَصْطَفِيٍّ صَلِيٍّ اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خِيْرِيْ بَا نَدُوْ تَرَا بَرِيْ كُنَا كَمِهْ  
 زِيْرِ اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خِيْرِ كَرْمَلْتِ وَشَكَرِ اِسْلَامِ صَفِيْهِيْ رَا اِيْشِ بَرِ دَرِ سُوْلِ صَلِيٍّ اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَزْ صَفِيْهِيْ پِيْدِ كَمِهْ اِيْنِ  
 چُوْ قَوْلِيْ كَمِهْ بَرِ رُوِيْ سَتِ خِيْطِ صَفِيْهِيْ اِيْنِ صُوْرَتِ خَوَابِ بَا رَكَلْتِ چِيْجَانِ بُوْدُ كَمِهْ وِيْدِ بُوْدُ وَتَا وَايِلِ خَوَابِ اَوْرَاسْتِ اَمْدِ  
 وَاَللّٰهُ اَعْلَمُ بِالصَّوَابِ فَضْلِ مَفْتَمِ وَرِ مَعْصَرَفْتِ فَرْقِ مَنِيَانِ خَوَابِ كَرَامِي رَحْمَتِ اَللّٰهُ عَلَيْهِ كَمِهْ خَوَابِ سَلْمَانِ دِهْسْتِ  
 اَزْ خَوَابِ كَا فَرَانِ بَاشْتِ وَخَوَابِ دَا نَا بَهْتَرِ اَزْ خَوَابِ نَا دَانِ وَخَوَابِ صَالِحِ بَهْتَرِ اَزْ خَوَابِ فَاسِقِ قَوْلِ تَعَالِيٍّ اَفْ حَسِبَ  
 اَلَّذِيْنَ اجْتَرَوْا السَّيِّئَاتِ اَنْ يَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ  
 مَّا يَحْكُمُوْنَ وَخَوَابِ بِيْرَانِ بَهْتَرِ اَسْتِ تَرَا اَزْ خَوَابِ كُوْدُ كَانِ وَخَوَابِ زَنْ اَزْ اَوْبَهْتَرِ اَزْ خَوَابِ كِيْنِ كَرْدِ بُوْدُ  
 هِرْ كَسِ سَجَرِ رَا بِيْدِ كَمِهْ دَرِ وَقْتِ كَذَا رُوْنِ خَوَابِ مَرَاتِبِ نِيْكَوْ نِگَا هَارِ وِچُونِ اَزْ خَوَابِ نَدِ خَوَابِ سَوَالِ كَسْتِ وَافَاقِ  
 كَمِهْ شَدُوْ هِمِهْ رَا بَقِيْاسِ عَقْلِ رَاسْتِ كَسْتِ چُنَا كَمِهْ لَفْظِ اَوَّلِ بَا خَرِ بُوْدُ وَاَزْ اَنْ اَخَرِ مَابُوْلِ اَوْرَا نِيْكَوْ تَقْيِيْرِ كَسْتِ هِرْ كَمِهْ اَمِ كَمِهْ  
 اَمْرِ مَبِيْدِ بَا صُوْلِ هِمَانِ لَفْظِ تَقْيِيْرِ كَسْتِ چُونِ مَبِيْرَانِ كَلَامِ نِيْكَوْ دَاشْتِ بَاشْتِ اَوْرَا غَلْطِ نِيْغَدِ وَنِيْجِ كُوِيْدِ صَوَابِ كَمِهْ  
 هِمَانِيْ قَدِيْمِ قَبَاسِ چُنِيْنِ كَرْدَمِيْ وَصَوَابِ وَرَاسْتِ اَمْدِيْ حِكَايَتِ چُنِيْنِ كُوِيْنْدِ مَرُوِيْ اَزْ اِيْنِ سِيْرِيْنِ  
 اَللّٰهُ عَلَيْهِ سَوَالِ كَرْدِ كَمِهْ خَوَابِ وِيْدِ كَمِهْ بَا نِيْكَوْ نَا رَكَلْتِمِ اِيْنِ سِيْرِيْنِ كَلْتِ حِجِ اِسْلَامِ كِنَا رِيْ هِمِ دَرِ اَوْرَقْتِ مَرُوِيْ هِمَانِيْ



و گفت که خواب دیدم که بانگ نمازی گفتم گفت ترا بد زدی متهم کنند شاگردان گفتند که این دو خواب می  
داشت که بانگ نمازی گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت از سیاهی صلاح دیدم گفتم که چنانچه می خواهی  
و اذین فی الناس بالبحر یا نؤک رجلا و در آن دیگر سیاهی اهل فساد دیدم مخالفت در تعبیر گفتم که ترا بد زدی  
قوله تعالی فاذن مؤذن آیتها العیون که کسار قون جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وقتی باش  
بیند و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بیند و تاویل آن کیسان باشد و خوابی در شب بیند و تاویل آن  
نشش ماه باشد و وقتی باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه  
المؤمنین حسین رضی الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و سلم خواب دید که سکی خون و می  
بعد از چهل سال در سبی آن خواب پدید آمد که او را شهید کردند جابر مغربی رحمه الله علیه گوید که تاویل خواب  
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بیند درست نباشد اکثر اکثر اندیشه و اشتغال خوابی که در نیم شب بیند  
از قسم صفات و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ  
بنماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود آن سیرین رحمه الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بیند تاویلش  
بر پنج سال پدید شود و اگر میان شب بیند تاویلش بر پنجاه پدید شود و اگر در سحرگاه بیند تاویلش تا ده روز  
شود علی الجمله هر چند که شب بر روز نزدیکتر بود خواب درست تر و دورتر بود تاویل آن فصل هشتم در دینستن  
زجر تا بر سحر راست آید و انبیا علیه السلام گوید هر که خوابد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم زجر کو فال را  
استادان قدیم را بود نیک بدانند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل پرسد اگر نامش نیک  
باشد دلیل بر نیک کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سنان و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین نامند بزرگان  
و اولاد است بر خیر و فرج بود و بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از  
تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خربند بداند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز مین  
خواب سفر کند خاصه که اسپ و استر یا زین و لکام ببیند قوله تعالی و الخیل و البغال و الحمیر لیسر یوما  
بنی نیت و اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و از زمان کلاغ سب بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیک گوید و اگر کلاغ دو بار  
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جابر مغربی رحمه الله علیه گوید شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس  
رضی الله عنه در آن حال کلاغی بیاید و بر دیوار خانه نشست و دو بار بانگ کرد و عبد الله بن عباس گفت دلیل که  
ستورسد هم در آن شب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبد الله گفت که من با یاران کنم  
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مصرت و زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر  
و نیکوئی و اگر پنجاه بار بانگ کند و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد این سیرین رحمه الله علیه گوید که بانگ کلاغ

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جنت باشد دلیل بر تباهی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخندد  
 بر نیت آنکه خوابی به بیند و از انتخاب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گویند باریه یا کاه یا اسپ و مانند  
 این باشد که گوشت وی چیزی خورد و دلیل بر تباهی کار او باشد اگر ببیند در بسته از بر او کشادند و باطحا می شیرین  
 یافت و خورد و دلیل بر نیکی کند **فضل** نخم در خوابی که فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی  
 بر خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواب بد که خواب او بداند طریق آنست که نامش برسد و حرفهای نامش  
 ستارده و بحساب بخندد نه از وی بیدار و نگاه کند که چند مانده است مثلاً اگر نه مانده باشد شهر را بخوابید تا او  
 بشناسد برفا کند و قال و كان في المدينه شجرة وهبط يفسدون في الارض فكيف يصح  
 و اگر بخت مانده باشد سفر یا تیر و چرخ دیده باشد و قال تعالى ثمانين حج فان اتممت عمرتك في عندك  
 و اگر بخت مانده باشد و ان یاسکان دیده باشد و قال تعالى يقولون سبعة وثمانهم كلهم  
 و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب ستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را بخواب دیده باشد تا اویش  
 تمامی بشغال می باشد و اگر خداوند خواب مضرب بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد بخواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال  
 او کند و قال تعالى خلق السموات بغیر عملن و فيها ثمة استوی علی العرش و اگر پنج مانده باشد بیان  
 و سلا حجاب خواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان بخواب دیده باشد فی ربعة آیاه سواء  
 للسا فلین و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مایکون من نخوی ثلثة الا هو را  
 و دیگر گفت ثلثة آیاه الا اگر دو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثانی اثنتین اذ هما  
 فی الغار اذ یقول لصاحبه لا تحزننا و اویش آنست که آنچه میترسید این گرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید چون  
 کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب بداند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نه از عضوی  
 خویش اگر بر سر بند که در خواب دیده باشد و اگر چشم نه چشمه آب شور دیده باشد و اگر بر بینی بند دهن که دیده باشد  
 و اگر بر خنجر بندم غرار دیده باشد و اگر بر دمان بند چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش بند شکار و مفا که دیده  
 باشد و اگر بر ریش بند کیا مهادر خواب دیده باشد و اگر بر شکم بند رودخانه و خواب دیده باشد و اگر بر عورت بند  
 خرابات و خواب دیده باشد و اگر بر دوش بند کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو بند درخت میوه دیده باشد  
 و اگر بر گشتان بند شاخهای خور و درخت دیده باشد و اگر بر مقعد بند مبله دیده باشد و اگر از نو بند کربوه دیده باشد  
 و اگر بر ساق بند درخت بی بر دیده باشد و آنیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب ببیند و فراموش کند از چهار چیز بود  
 باشد یکی از بسیاری گناه دوم از گرد و از مختلف سوم از ضعف نیت چهارم از خلاف طبع که چون از حال بگرد و لاجرم خواب  
 فراموش کند **فضل** دوم در گذاردن خواب بقول جابران کرمانی رحمة الله علیه که یا اهل علم و حکمت جایز ندانند که

کسی خواب پیش جابل گوید یا تعبیر آن از جابل پرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسید و او تعبیر کرده و آنچه  
 معبر گفته باشد واقع شود و این محالست زیرا که نمائنده خواب فرشته است و هرگز خطا ندارد و آنچه که بدین باشد حق  
 بقول نادان باطل نکرده و میان عالم و جابل فرق بسیار است **قوله تعالى قل هل يستوی الذین یعلمون**  
**والذین لا یعلمون** و رسول صلی الله و سلم فرمود که استوی العالم و الجاهل و چون نمودار خواب  
 است که از لوح محفوظ گفته باشد و اگر بید که خبر خواهد رسید یا شر و هر که که عالم و جابل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیده  
 بود برسد که قضای معلق بود که بدعا و صدقه دفع شود چون ملک ریان آن خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود **قَالَ**  
**أَصْحَابُ أَهْلَامٍ وَمَا حَقُّ بَنَاءٍ وَبَلِّغُوا أَحْلَامَكُمْ بِعَالَمِينَ** قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت  
 تعالی یا ایها الملاء افقونی فی رؤیای ان کنتم للرزق تعبرون یعنی ای بزرگواران فتموی که  
 مرادین خواب قوم او گفتند یا تعبیر این خواب بنماید انیم پس یوسف علیه السلام تعبیر کرد و حدیث هفت ساله قضا بگفت  
 بدین عجب دانستیم که هر چند جابلان تعبیر خواب کنند حق باطل نکرده و فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات  
 واصناف و مهلت این سیرین رحمه الله علیه که بد خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی بشب خواب بیند که بر سبیلی  
 نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندر آن منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز بیند دلیل که بزرگی  
 طلاق دهد و اگر بشب بیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را با مردی ابله کار افتد و اگر بروز بیند بیاورد و خوش صواب  
 رضی الله عنه که بد که خواب از اهل نکر و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر  
 عذاب بود **قوله تعالى غُلَّتْ أَلْيَدُكَ كَيْفَ وَاغْوَايَ مَا قَالُوا** چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از کارها  
 و کارهای ناسزا بردارد چنانکه محمد بن عبدالغفری روایت کند با سناد درست از عبدالرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 میان ابوبکر صدیق و سلمان پارسى رضی الله عنهما برادری کرده و او و سلمان خوابی دیدم ابوبکر گفت و سبب آن  
 از وی دور شد و ابوبکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب بدید  
 عالم را صلی الله علیه و سلم خبر داد و تاویل همان فرمود که ابوبکر رضی الله عنه گفته بود و ابوسلمه رضی الله عنه روایت کرد  
 از عطاء بن خواب که محمد بن سیرین رحمه الله علیه که بد که تاویل خواب کسیکه بر منبر و چنین کرد که اگر از اهل صلاح است خبر  
 و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است برداشش کنند و در حدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابوبکر  
 که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پرسید خواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود و گفت که شوهرت از سفر  
 باز آید و او بیکر همین خواب دید پیش ابوبکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بمیرد و خواب بر روی کی بود  
 اما تا ویلش از اختلاف وقت بگشت و ابوحاتم روایت کند از اسمعی که اشعری پرسید که بخواب دیدم که گندم بجز  
 فرو ختمی گفت شتر بقرآن بدل کنی و گندم جواز اهل بگردانند از کشتن جال مرو و اگر کسی همین خواب بیند باشد که صاحب

اسمعی حدیث کرد و کرمانی رحمه الله علیه کوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویش  
 تاخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تاویش زود تر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند  
 تاویش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل آنست که مدی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب  
 که شنیده از زوجه بنی داود و اند ابو بکر گفت بختا و چوب بر تو زنند در آن هفته بختا و چوب بروی بزود پس همین سال بکر  
 خواب دید همان بختا و بکر از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت بختا و هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین  
 سال همین خواب دیدم تاویل آن بختا و چوب بود اسال بختا و هزار درم مرا گفتی از فضل این خیر کن گفت پارسا اصل  
 پارسا دیده بودی در آنوقت در خندان همه خشک می شدند و بکر میر بخت تاویل آن آن بود و اسال بهار است و  
 در خندان روی باقبال دارند تاویش اینست آنکه در بختا و هزار درم یافت و آنیال علیه السلام کوید که چون کسی در اقبال خواب  
 پرسید یعنی از باد تاخیر و حکم تاویش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شبگاه دلیل بر شرف و فساد بود و تعبیر آن  
 خواب بروی زبرد و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جای مغرب رحمه الله علیه کوید راست  
 ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تاویل آن  
 و شکفتن دختان و رسیدن پیو یا خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز رستان بیند حکم تاویش  
 ضعیف باشد که در رستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است **فصل دوازدهم**  
 در معرفت شرایط آواب با اهل خواب و آنیال علیه السلام کوید مجربا بد که دانا و پارسا باشد و ساکت و عظیم و از خصیان  
 دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل با حقیاط تمام بشنود و بداند که سایل با او  
 یا رعیت کمتر است یا ماهر عالمست یا جاهل از او است یا بنده غریب است یا شهری تو آنکه است یا در ویش مرد  
 یا زن فارغ دست یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در رستان چون اینها جمله بدانند هر یکی را باقیاب  
 عقل چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نکوید این سیرن رحمه الله علیه کوید با وجود آنکه درین علم نام چنان  
 بود با اینهمه فضل خوابهای که تعبیر آن ندانستی گفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که ابن سیرن از کسی تاویل  
 که پرسیدندی یک خواب گفتی و باقی را تعبیر گفتی پس معبر باید که اول سخن بیند خواب نیکو بشود و آنرا تعبیر نکند و آنرا  
 تاویل کند و اگر سخن درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنکه تعبیر کند و اگر سخنی در میان سخن باشد  
 آن سخنی را از وی جدا بکنند و بر اصل تاویل کنند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ سبکی که نماند از صفات و احلام است و تاویل  
 آن بکشد و اگر تاویل آن پیش بروی از آن معنی پرسد از سایل که تنگ و دست یا خوشدل و آنچه از او بشنود بنا بر تعبیر  
 خواب بر آن نهند و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبیع عبارت و گفتار و روشنی و نیکوئی  
 و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نکوید و بروی پوشیده دارد و کرمانی رحمه الله علیه کوید اصل خواب است

چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس این درختان و مرغان بود اینهمه در اوایل مردان باشد و صفت است  
 که معبر بدانند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت کردگان بقیاس بدانند  
 که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت کردگان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مردی عربی  
 بود و طبع آنست که بدانند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کنند اگر درخت کردگان بود مردی توکم  
 بود و لیکن بد معاطله و تحلیل و تشخیص بود زیرا که چون کردگان بجنبانی بانگ کنند و تانگش می نغزش بیرون نیاید و اگر درخت  
 خرما باشد کاری اعتبار کنند که آسان باشد کثرت طینه اصلحا ثابت و فروغها فی السماء و شجره طینه بجا  
 درخت خرما بود و اگر مرغی باشد که همی پرد بدانند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز نباید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی  
 بد عهد بود و نیز سینه خواب باید که مردی راست و بادبانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان  
 نمکند زیرا که همه خواب را زبان آورد و اگر کسی خوابی ببید و از آن بترسد باید که سته بار آیت الکرسی بخواند و باد بر خوشین دهد  
 و بگوید اَعُوذُ بِرَبِّ مُوسَىٰ وَنَارِ هَيْمَ الَّذِي وَمِنْ شَرِّ الرَّؤُفَا لَّتِي رَأَيْتُهَا مِنْ مَنَاجِي انْ تَصْرَفِي  
 فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَمَعِيشَتِي عَزَّ جَارِكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ پس از آن دور کست  
 ناز بخواند و صدقه دهد شران بگرد و مغربی رحمه الله علیه گوید ابلیس علیه اللغه در همه خوابها اعتراض کند و همه چیز را  
 مانند مکر بخدای عزوجل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماه تاب و ستارگان خود را بدان تشبیه مانند  
 نتواند کردن و اگر در اوقات آن بودی که خود را مانند اینچیز یا نمودی میان خلایق فتنه بگفتی که گاهی خود را بصورت  
 پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکنم با دیگر میبگویی که من آفریدگار توام گمانان ترا غفورم  
 و ترا آمرزیدم و چیز گفتی که بندگان خدا بتعالی عزوجل المکره کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید هرگاه که ابلیس علیه  
 اللغه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آتشی فرو آید و آنرا بسوزاند و صعبترین کار را بر ابلیس  
 علیه اللغه آن باشد که دل مومن روشن بود حق تعالی عزوجل را بداند و خوابهای او راست باشد فضل سیزدهم  
 در آداب نگاه داشتن سبیل و معبر کرمانی رحمه الله علیه گوید که داشتن معبر آن بود که استسکی و هوشیاری سر بایه خود سب  
 بوقت سوال تا خواب نیکو بشود و در یاد و بردین و مذمب و اعتقاد او واقف گردد تا بداند که سخن او درست است  
 که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود اَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا اَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا هَرُكَ رَأْسَهُ كَرَأْسِهِ که راست که تراست خواب  
 او راست تر گوید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجبست بر مرد عاقل که با طهارت خد و بهنگام خفتن خدای  
 تعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ نَفْسَ الْبَیْکَ وَوَجْهَکَ وَجْهَی  
 الْبَیْکَ وَفَوْضَکَ الْبَیْکَ وَکَلَامَکَ ظَهَرَیْ الْبَیْکَ لَا مَلْجَاَ مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ تَبَارَکَ وَتَبْنَا  
 وَتَعَالَتْ اَنْتَ الْغَنَیَّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ اَسْتَغْفِرُکَ وَتَوْبُ اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا الرَّؤُفَا صَادِقَةٌ

باریکه صالحه غیر فاسده غیر مجذبه و افیه غیر واضیه و چون بجهت بر دست راست بجهت  
 و چون بیدار شود همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب خورده  
 دیده باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم که بدو قل هو الله احد تمام بخواند و با بر سوی دست چپ خویش و بدو گوید  
 یا رب توفانی و من نذامکم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان  
 دور و از یا حنیف دعوت المضطربین یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن  
 و ابتداء کار یک گدازین دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم الذی لا یصور مع اسمیه شیئی فی الارض  
 و لا فی السماء و هو السميع العلیم و اما چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه خیر  
 و نزدیک معبر رود باید که وقتی نیک باشد و چون خواب کوید زیادت و نقصان نکوید این سیرین رحمه الله علیه کوید شرط  
 معبر است که چون خواب شنود با طهارت باشد و اگر کسی دشمن باشد از بهر دشمنی خلاف نکوید و شر شخصی که بداند با دیگران  
 نکوید مغربی رحمه الله علیه که بد هر که خوابی بنید باید که زیادت و نقصان نکوید و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب  
 راست و حقی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ برخی سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب مانقی  
 است میان خدا و تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند و اگر  
 تباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ اقرار میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عامی میشود و این دلیل است  
 بر نظیم و بزدکی خواب و شرط ادب نگا داشتن بر معبر و سایل و جهت فصل چهارم و هم در معرفت آنکه تعبیر چند  
 نوع باشد این سیرین رحمه الله علیه کوید معبر باید که غنچین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل علم  
 کند و وقت دیدن خواب که در روز و دیدن یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب  
 بر چه نشی میکند و فصل ماه پاری و روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند و انیال که او چون  
 کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه رجز فال لیل کند برخیر و بشارت و خورمی  
 و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و انیال علیه السلام کوید خواب در اول روز کیشنه نیکو بود که تعلق با فساد  
 در اول روز و شنبه تعلق با بد و نیکو باشد و در اول روز کیشنه نعلق بر بد و در اول خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه  
 تعلق بباطل و در دو قوم بود و احباب السر طاکت شدن هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه بیشتر یا باشد اول روز خواب  
 و لیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آدینه زهره را بدو دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمیعت خاطر باشد  
 مخربی رحمه الله علیه کوید معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد و اگر در خواب چنانکه طلیب را تجربه به بیمار و محالیت او  
 حکایت امیر المؤمنین محمدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبر از جمیع کرده خواب  
 بگفت در تاویل معبران در ماند و تاویل آن نداشتند ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه که استاد معبران بود حاضر آورد و در خواب



خلیفه بشنید گفت ترا و خری آمد معبران گفتند ترا و لیل برین چیت گفت **وَإِذَا ابْتِغَىٰ أَحَدُكُمْ بَاتِلًا مِّنْهُ ظَلَّ وَجْهَهُ**  
**مُسْوَدًّا** و **أَوْ كَظُلُمَ لَّيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ** هزار و درم بکرمانی و او هم در آن روز او را و خری آمده هزار و درم و بکرمانی و بکرمانی  
 نختد حکایت مروی بخواب دید که او را خسی کرد و بد بزد و یک معبر آمد و پرسید که روی گفتند این مرد و و بمیرد و دیگری  
 گفت از فرزندان جدا کرد و دیگری گفت عده او نقصان کند و دیگری گفت نسل او بریده شود و دیگری گفت زن او طلاق  
 و بد پس روزگاری بر نیاید که زن او طلاق داد و فرزندان بر گرفت و غم سفر کرد و در دیار لشتی نشست با و می مخالف  
 برخواست و لشتی غرق شد و در میان دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال او فرزندان او جمله هلاک شدند و بعضی خواب  
 چنان آمد که معبران گفته بودند که **رَأَىٰ رَجُلًا رَحِمَةً** الله علیه گوید باید که معبر در کوستانها تعجب خواب کند و سایل در وقت سؤال راست  
 گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت **قَضَىٰ الْأَمْرَ الَّذِي فِيهِ كُنتُمْ تَيَّاسُونَ** هر دو فال که پرسیدند راست آمد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار کرده خواب پرسیدن روانا شد یکی از بیدستان دوم از زمان سوم از جاهلان  
 چهارم از دشمنان **فَضْلٌ** تا نزد هم در دانسته سایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار سایل بود که از سایل پرسید  
 که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه با بعضی از آن درین فضل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نماید این سیرین رحمة الله علیه گوید که طالع  
 در خواب دیدن کارزار باشد و بیداری و کریمین در خواب شنادی بود و بیداری و حجامت کردن در خواب قباله شوق  
 بود و در و دندان محوی دیدن خود را و لیل کند که در گوش کنند و در خواب خود را و کور و بدن و لیل کند که در زندان کنند  
 و بیداری و در خواب خانه خراب شدن دختران دادن بود و دختران زادن در خواب گشت کردن بود و قوله **تَلَا نَسَاؤُكَ** و خوف گم فای  
**حَتَّىٰ تَكُونَ آخِي سِتِّ مِائَةٍ** نیک در خواب که پاسبان تنیدن بود و کر پاسبان تنیدن در خواب نیک کردن بود و انجیر خوردن و پاسبان  
 خوردن بود و سایل بجای آمدن دشمنی بود و بیداری و آمدن همه چیز که نواز آن نیک باشد که گفته اند باید باشد و هر چه نیک  
 در خواب که آن بد باشد نواز آن نیک باشد چنانکه موزه نواز کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با  
 سلاح موزه گفته پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب خلاصی خرید بد باشد و اگر میفرود  
 آن نیک باشد و اگر کینه یک میخیزد نیک باشد و اگر میفرودخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را بیاوریم  
 کتاب را از کرد و لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فَضْلٌ** شانزدهم در دیدن خدا و تعالی  
 و خوششان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که استاد این ضعیف بود تا و لیل و دیدن  
 خداوند تبارک و تعالی و خوششان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه مانیر صواب چنان دیدیم  
 که در اول کتاب یاد کنیم تا لیل بنا و خوا بهای دیگر بر نسق حروف مجسم بترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نمائیم تا استخراج  
 آن بر خواننده آموزنده آسان کرد و تا و لیل و دیدن خداوند تبارک و تعالی و انبیا علیهم السلام که دیدن هر بنده مؤمن که خدا  
 تعالی عزوجل با او خواب بیند چون و بچگونگی چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را و دیدار خویش روزی گرداند و

و حاجت های او روا کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد  
و مغفرت مخصوص گردد و اگر گناهکار بود توبه کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی سخن  
و دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی گردد و قوله تعالی وَقَدْ بَنَاهُ خِجَابًا اَرَبْنَهُ كَذَبْتَ  
و دلیل که او را درین غلی یا خطائی باشد قوله تعالی وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُّكَلِّمَهُ اللهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ وَرَاءِ  
حِجَابٍ و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را بیا مرزید دلیل کند که او را بیا مرزد و آنا  
در دنیا با وی کار و اگر بیند که خداوند عزوجل او را پند میدهد دلیل کند که رضای خدای عزوجل در آن نبود و لقوله تعالی  
يُعْطِيكَ لَعْنَتَكُمْ لَعْنَتِكُمْ تَذَكَّرُونَ اگر بیند که حق تعالی او را مژده داد و به نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدایتعالی و اگر بیند  
که او را بیم کرد و دلیل کند بر غضب خدای عزوجل اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش افکند و دلیل  
که غم و اندوه رسد قوله تعالی وَلَوْ تَرَى اِذِ الْخَيْرُ مَوْنٌ فَانْصَرَفُوا وَهُمْ عَنِ ذٰلِكَ غٰفِلُونَ و رحمة الله علیه گوید  
که اگر بیند که خدایتعالی او را چیزی داد و دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی نگارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید  
و دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از مستمع دنیا چیزی داد و دلیل که بیماری سخت کند و از آن  
اجر و ثواب یا بد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت گردد اگر خدای عزوجل پند اگر کسی او را که بد که این خدا  
عزوجل است دلیل که او را بیانشی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بر زمین فرو آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل  
آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آن موضع را نصرت دهد و اگر در آن موضع خطا و تنگی بود بفرایمی مسدل گردد و اگر  
اهل آن موضع گناهکار و عاصی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانه فرود  
می آید و بلطف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعت پوشانید یا بر گرفت یا بر بخانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی  
ما در دنیا برنج و بیماری بکشد و اگر خدایتعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد و آنرا دلیل چشم  
و اندوه کند و اگر بیند که خدایتعالی او را نامی دیگر نداد و دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی چشم گرفت  
و دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدایتعالی او را نزد یک خود خواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد  
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خدا را عزوجل در شهری یاد و بی بیند دلیل کند که آن موضع آنکه مصلح اند و عز  
شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود و قوله تعالی اَللّٰهُ يَخْتَصِمُ بَيْنَكُمْ فَمِنْكُمْ فَمِنْكُمْ فَمِنْكُمْ  
تَخْتَلِفُونَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آن موضع خشم گرفت و دلیل کند که قاضی آن شهر میل بدوست کند یا امیر  
آن شهر یا رعیت ظلم کند یا عام آن شهر بدین باشد و اگر این خوب و بدی بیند دلیل کند که دست و پای وی بزر  
و در آن شهر فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد و قوله تعالی وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً  
حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ عباد الله بن عباس رضی الله عنهما



اگر کسی خدای عزوجل را بیچون و بیچگون در خواب بیند از ترس و بیم این کرد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر ستمگر  
بود در آخرت دیدار حق تعالی میداند که **لَا تَنْتَهِیْ عَنْهُمُ الْغُلَّامَ الْخَنَازِیْرَ** و یافاده مفسران تعبیر در لغات حق  
سجانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل انصورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر  
بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد قاهر و نامدار گردد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند  
بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غرغری بیند دلیل کند که آن غازیان از نصرت باشد  
و اگر خدای تعالی را بر سر تربت مردگان بیند دلیل کند که آن مردگان از بهایمزد و اگر ببیند که خدای عزوجل را در شام  
میداد دلیل کند که آنکس کافر گردد و اگر ببیند که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته اینهمه صفات نامشروع است  
و دلیل کند که بیننده این خواب بدین و عاصمی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا ویدین خدای تعالی بر تخت  
و جد بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نوز و هدایت و قوت در دین چهارم ظفر بر ایل ظلم و جبر  
ایمنی از بلا و عفو و مغفرت و عذاب آخرت ششم دران دیار آبادی و عدل پادشاه و مقسم غر و شرف و بلندی و رودخانه  
آخرت چون رحمت نظر کند و اگر لغو باشد منبها بنظر قهر نگاه کند بر خلاف آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی  
عزوجل را بوسی با ششم بود دلیل کند که از شرع تجاوز کند و او مظلوم ندیده و اگر پادشاه بود دلیل بر سبیل کند و اگر عالم بود  
در دین و اعتقاد و خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر که را بنظر قهر بیند رحمت و عذاب بود و رحمت  
یا آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است دیدن او را از راه عقل باشد پس باید که خواب دیدن خدای تعالی عزوجل  
مشکوک نباشد ابو حاتم محمد بن حیرین شنیده که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی غاسمه را بخواب  
بیچون و بیچگونه رویه الملایکه تا ویدین و فرشتگان دلیل کند بر پادشاه و کامکار با دین و پادشاهت و با عالمی پر  
کار و بزرگترین ملائکه چهار نادر جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیه السلام این سیرین رحمت الله علیه گوید  
که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل کند بر دشمن ظفر یابد و برادر برسد و اگر جبرائیل  
این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میکائیل بیند که او را جبرائیل مرده و او را و عدو نیکو یا از کار سی باز و پشت و دولت  
و عزت و جمعیت یابد و اگر عیسی که جبرائیل او را چیزی داد دلیل کند که از پادشاه و قدر یابد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرائیل  
بوسی چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوسی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرائیلی دلیل کند که خدا  
فضیح کرد و مراد بیا بد و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت  
اوست دلیل کند بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرائیل آرنده عذاب و میکائیل آرنده بشارت و خیر و نعمت است  
این سیرین رحمت الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل او را عطا داد و دلیل خیر و بزرگی یابد و اگر جبرائیل  
که گویند تو میکائیلی دلیل کند که از وی خیر و بشارت بدو رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد دیدن اسرافیل را

و بیچگونه

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اسرافیل را پنجاب دیدن چنانکه صورت او است دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و دانش  
 بود و در بر و یار که او را بینند دلیل بر امانی و آبادانی آند یا بود و اگر بیند که صورت او دست داشت و میدید دلیل بر جاه و قوت و کینه  
 از آنکه او را امر خدای تعالی بد میدن صورت او است و هر جا که میدن صورت او میشود و سبب تشویش و غم و بلا باشد قوله تعالی  
 وَفُتِحَ فِي الصُّورِ فَصَبَّحَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَكَرِهُوا أَنْ يُرْسِلُوا إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةَ خِيفُوا عَلَيْهِ لَأَسْفِلَ إِلَيْكُمْ أُولَئِكَ  
 و داشت و میدید دلیل که در آن شهر غنیمت و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار  
 شود و دلیل که پادشاه آن شهر بروی چشم گیر و کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر اسرافیل را پنجاب بیند که اندو که بین بود و صورت او میدید  
 او او بتنه آید و از صورتی شگفت دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار بود و ظالمان کثرت شود و اگر بیند که اسرافیل تاز و روی بزرگ  
 و شاه در آن در وی نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و امانی رسد و اگر بیند که اسرافیل بر نامه مکرر و وید و او دلیل که جلش  
 نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد ویدن خراسان را  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل در کاریکه بود مغرول شود و اگر ملک الموت  
 را نزدیک خود بیند دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید گردد و اگر بیند که  
 با ملک گشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که ملک الموت را بیند اخت بعضی از مجرمان گفته اند که بیا رشت و اشقا  
 یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید که هر که ملک الموت را پنجاب بیند خورم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بیند که ملک  
 الموت بروی سلام کرد و دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و خانه کاروی بر شهادت نود و اگر بیند که ملک الموت  
 بروی چیزی شیرین داد و دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بیند که ملک الموت بروی بخشم نکرست دلیل که با خطر  
 مرگ او باشد و اگر بیند که ملک الموت بروی چیزی تلخ داد و دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد و اگر بیند که او را خجسته و  
 که ملک الموت اظنان حاسست و او از دور نگاه کرد و دلیل که او را بپادشاه کار افتد و اگر بیند که ملک الموت را بکشت  
 دلیل کند که او دشمن خلق گردد و دیدن حمله العرش آن فرشتگان اند که عرش با امر حق جل و علا برشته اند اگر کسی  
 ایشان را پنجاب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد بابد و اگر بیند که ایشان پیوستگی داشت دلیل که او را بپادشاه  
 بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند کرمانی رحمه الله علیه گوید دلیل که با کسی که اهل دین باشند پیوستگی کند و روح گزار  
 قوله تعالی وَتَوَكَّلْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ حَافِظِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَأُكْرِمُونَ فِيهَا الْقُلُوبَ الْحَافِيَةَ  
 و هر بندگی خویش باز داشتند و دلیل که جلش فرار رسیده باشد که اما کاتبین هر کلانند که کردار و گفتار خلاق از نیک است  
 بنویسند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی که اما کاتبین را پنجاب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و و جانی حاصل  
 شود و اگر مفلس بود غم و اندوه بسیار کند قوله تعالی يَتَكَلَّمُونَ مَا نَحْنُ بِمَسْمُوعِينَ إِنَّ رِجَالَكُمُ اللَّائِي يَلْقَاكُمْ فِي الصُّلُوحِ  
 که فرشتگان با هم جنگ و نبرد میکردند و دلیل که کنکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی

اَنَا نَبِيٌّ لَكُمْ لِيُخْلِسَ إِلَيْكُمْ وَيُخْلِسَ إِلَيْكُمْ وَكَرِهْتُمْ أَنْ تَكُونَ مِنْكُمْ وَكَرِهْتُمْ أَنْ تَكُونَ مِنْكُمْ  
 در يك موضع استاده بودند در آن موضع یعنی باشند و اگر بینه که فرشتگان در حشر شوند دلیل بر دشمنی ظفر باشد و اگر بینه که فرشتگان در کوه انداخته  
 و پس کند که احوال بنیادین و مستقیم بود و اگر بینه که فرشتگان بصورت زمانند دلیل که بینه خواب بر خداوند غرض بر او بود و قوله تعالى اَنَا نَبِيٌّ  
 وَكَمْ بِالْبَيْنِ وَاتَّخَذُوا مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَّا نَأْتِيكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا و اگر بینه که پرداخت و با فرشتگان  
 می پرداخت جلش نزد یک بود با قوت به از دنیا برود و اگر بینه که از دور فرشتگان را می دید و پیش ایشان نشو است رفت دلیل  
 که او را مصیبتی رسد قوله تعالى يَوْمَ تَذُوقُونَ الْمَلَائِكَةَ لَا تَصْلُحُ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُذْنِبِينَ و اگر بینه که فرشتگان او را اطاعت  
 خود فرمودند دلیل که او را اهل خیر و صلاح باشد شادی و خوشی بیند و از اهل ضلالت باشد رنج و اندوه و بوی رسد قوله تعالى  
 اَفْجَاكُنَا بِكَ كَفَىٰ بِفَيْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيَّكَ حَسْبًا و اگر بینه که فرشتگان بروی سلام کردند بحضرت دلیل که بر دشمن  
 ظفر باشد و عاقبت کارش محمود گردد و اگر بینه که ملائکه در یک مقام فرو آمدند دلیل که اهل انتقام از غم و اندوه فرج یابند  
 زیرا که فرشتگان پیوسته به حضرت پیغمبران آمده اند که مانی رحمة الله علیه گوید دیدن فرشتگان پسند و موعظت باشد خداوند و خواب  
 را و اگر بینه که فرشته او را وصیت کرد و پند داد و دنیا شهید برود و اگر فرشتگان مقرب را در جای بیند که انجا اهل اسلام  
 باشند و با کافران جنگ میکنند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در انجا رنج و محط و سختی بود حتی سجان و تعالی اهل آن موضع را از سختی  
 و تنگی خلاصی دهد و اگر بینه که فرشته کشت و با آسمان رفت دلیل که در دنیا زهد و ورع اختیار کند و دست از دنیا بردارد و راه حق  
 جوید و اگر بینه که فرشتگان با آسمان رفت و باز نیامد زود دنیا برود و دوزخ در جهان بدینی که بد جا بر مغربی رحمة الله علیه  
 اگر بینه که فرشته مقرب روی بخشیم محرم نگاه کرد و دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و بعد از آن حج کند و غزا و خیرات بسیار  
 کند و اگر خود را بصورت فرشته بیند دلیل کند که از غم فرج یابد و اگر وام دارد است و امش کرد و ده شود و اگر مالدار است مالش زیاد  
 شود و اگر در ویش باشد ثبات کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که فرشته او را بکاری مژده داد و دلیل که بزرگی او را  
 بشغل باز دارد و اگر بینه که فرشته او را عطا داد و عطا و بزرگی یابد و اگر بینه که در وی فرشته او را استقبال کرد و دلیل که دولت  
 و وجهانی یابد و اگر بینه که فرشتگان بدین او آمدند و شمعها و چراغها روشنند دلیل که او از فرزندی عالم و دانا آید و اگر بینه  
 که فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند و دلیل که کسی از خویشان او بمیرد یا جلش برسد و اگر بینه که در وی بخور می نگاه کرد و دلیل  
 که کارش سعادت بود و اگر بینه که فرشته او را جامه قرآن داد یا خطی نوشته دلیل که کسی بروی او روی کند و بروی غالب گردد  
 تاویل رؤیای پیغمبران علیه السلام اینست که رحمة الله علیه گوید که مراتب پیغمبران علیه السلام بر سه گونه است اول و دوم و سوم  
 و دوم مرسلند سوم بنی و پیغمبران الوعزم شش از اول آدم دوم نوح سوم ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد مصطفی  
 صلی الله علیه و سلم و مرسل بنا اند که جبرائیل علیه السلام آورد و ایشان سیصد و سیزده اند و انبیاء آن پیغمبرانند که جبرائیل  
 علیه السلام با ایشان باید و هر که الوعزم را بخواب بیند و قلیل که عز و جلالت یابد و اگر مرسل را بخواب بیند و دشمنان ظفر یابد

و اگر اهل آن موضع در غم و اندوه و سختی و ملامت باشند بسیار بشمار بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بیند که پیغمبر اهل آن  
 از جای نقل میکرد و بر اهل آن موضع دعای بد میکرد و ندوید و دلیل آن خداست تعالی بای عظمت بر اهل آن موضع فرستد که توبه کنند و نه  
 خدا تعالی بآنز که مانی رحمت الله علیه که دید هر بنده مؤمن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان بیند و دلیل  
 عز و جاه و نصرت یا بد و اگر از چیزی خشکین بود دلیل به بد حالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل که  
 از علم آن پیغامبران بهره یابد و شادمان شود و اگر بیند که پیغامبری را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد بقوله تعالی فَمَا  
 نَفْسُكُمْ مَبْنِيًّا قَتَلْتُمْ وَ كَفَرْتُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغْيٌ حَقٌّ جَعَلَ صَادِقَ رَضَى اللَّهُ  
 گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب بیند بزرگی و ولایت یا بد قوله تعالی وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ  
 رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى و اگر بخواب بیند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد و علم آید آدم  
 الْأَسْمَاءُ كُلَّهَا و اگر بیند که آدم دست او بگرفت بزرگی و مملکت یا بد و اگر بخواب بیند که آدم را طاعت نمود دلیل  
 که عاصی و بد بخت شود و حوا علیه السلام را بخواب بیند دلیل که دولت و اقبال یا بد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و عمر  
 و راز کرد و نوح علیه السلام را بخواب بیند عرش و راز کرد و ولس کن از دشمن رنج و سختی بیند و عاقبت برادر رسد  
 و در پس علیه السلام را بخواب بیند کارش نیکو شود و عاقبت محمود گردد و وجود علیه السلام را بخواب بیند دشمنان  
 بروی افسوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یا بد لوط علیه السلام را بخواب بیند کارش بصلاح باز آید و مراد دل بیند  
 صالح علیه السلام را بخواب بیند از جای بجای تحویل کند و در خیر بروی کشاده شود و ابراهیم علیه السلام را بخواب  
 بیند حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بدخالی کند با مادر و پدر اهل  
 علیه السلام را بخواب بیند بشارت فتح و غنیمت یا بد بقوله تعالی وَ كَثُرْنَا هَبْطَ أَخِيكَ بِمَا يَكُونُ مِنَ الْأَخْيَارِ  
 یعقوب علیه السلام را بخواب بیند از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یا بد یعقوب علیه السلام  
 را بخواب بیند خوششان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یا بد شعیب را بخواب بیند خصم بروی علیه کند و بعد از آن  
 بروی ظفر یا بد موسی را بخواب بیند مبتلا گردد و با اهل و عیال او بعد از آن حالتش نیکو گردد و در دشمن ظفر یا بد بقوله عز وجل وَ هَبْنَاهَا  
 لَهُ مِنْ دُونِهَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا و بعضی معبران گویند که موسی را بخواب دیدن دلیل که پادشاه دین و دینداران شود و او و عمار را بخواب  
 حق تعالی او را بزرگ و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت کرد و اندر که با علیه السلام را بخواب بیند حق تعالی  
 او را توفیق دهد و طاعت بجای علیه السلام را بخواب بیند حق تعالی او را توفیق دهد و در خیر خضر علیه السلام را بخواب  
 بیند سفری دراز کند با ایمنی و زرق و عمر و راز پولش علیه السلام را بخواب بیند از غنا فرج یا بد و در تاریکی روشنائی  
 آید انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را بخواب بیند کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد  
 حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بخواب بیند از بهر غنا فرج یا بد و اگر او مار باشد و آتش گذارد شود و اگر

بنده و زندان بود و ثانی یا بدو اگر ترس باشد ایمنی یا بدو اگر در خطا و تنگی بود و فراخی یا بدو بعضی گفته اند که هر کس که تا آنکه بود  
 درویش شود و ابو برره رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده ام هر که مراد خواب دید حق دیده باشد  
 که من دانی فقد رآنی الحق فان الشیطان لا یتمثل لى بدستی و رستی که شیطان بصورتی که تمثل نشود اگر  
 کسی مراد خواب بیند غم و اندوه بوی ترسند عجب دارد که تاویل دیدار من برسد است حضرت بیشتر باشند اما اگر محمد را ترس روی  
 خواب بیند دلیل سپیدی دین و آشکارا شدن بدعت و ران و یار بود و اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم مراد خواب بیند در  
 جای بانکت بگردد دلیل که اگر آن و یار خواب بود و ابادان کرد و اگر او را بد که چیزی میخورد دلیل که صدقه و زکوة باید داد  
 و اگر روی در جانی بیند که در آنجا هیچ بلا و محنت نبود اهل آن موضع را نعمت زیاده کرد و خاصه که اگر او را در مسجد بیند و اگر او را در  
 یا بیار بیند دین او ضعیف بود و اگر بانی رحمه الله علیه گوید که اگر محمد مصطفی راضی الله علیه و سلم در شهری یا جایی بیند دلیل که  
 در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را جمیعت پیدا یابد و اهل آن موضع بر دشمنان مغرور باشند و اگر بیند که اندامی از اندامهای رسول  
 صلی الله علیه و سلم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت سست باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد  
 و اگر بیند که مصطفی صلی الله علیه و سلم از میوای تر یا خشک بوی داد و او را در دین و بارسانی مرثیت حاصل شود این سیرت  
 رحمة الله گوید که اگر کسی رسول الله صلی الله علیه و سلم ناقص بیند نقصان آن بیند و باز کرد و زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 را مردم نیکت خواب بیند و مردم نیکت زام زده و بنده بود و بخیرای که بوی حواجر رسید و مردم پیدا حاضر فرماید از محسبیت  
 کردن تا آنصورتی که برتر کرد و زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشیر و نذیر بود بشیر ثمرستان و نذیر کافران و اگر او را در  
 بیند بد باشد عبد القدر بن عباس صنی الله عنه گوید که اگر کسی جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم خواب بیند و از یاری و محسبیت  
 بسیار بود و اگر بد که این جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفت دلیل بر هوا بدعت باشد اگر بیند که او را زیارت میکرد  
 دلیل که با حق نعمت و ولایت یا بدو اگر بیند که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر وی انصاف میکرد و دلیل که کار شود بقوله تعالی  
 قل ایا الله و ایا لاه و رسولاه كنتم تستغنون لا تستغنون و قد كنتم بعد انما كنتم جعفر صادق صلی الله  
 عنه گوید که زیارت پیغمبران در خواب برده و چه بود یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم  
 طهر هفتم سعادت هشتم جمعیت نهم فوت و هم خیر و جهانی و نیکوئی مردم آن موضع که این خواب بیند تاویل و تفسیر  
 را را شنید اول امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه در خواب  
 بیند دلیل شادی و کرامت بود و ثانی رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه زنده در شهری بیند دلیل که مردم  
 اندام او را شتر زکوة و صدقه بسیار دهند چون او را کشته زده می و خوش طبع بیند اگر ترس روی بیند و خوش طبع بیند  
 این بود امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عمر خطاب رضی الله عنه  
 در خواب بیند دلیل که واد و با اخصاف بود و اگر او را در شهری کشته زده روی و خوش طبع بیند دلیل که در آن شهر عدل

باب الف

جانضاف بود و اگر او در شهری کشته روی و خوش طبع بیند دلیل که در آن شهر عدل و انصاف پیدا آید امیر المؤمنین  
 عثمان بن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عثمان بن عفان رضی الله عنه در خواب  
 بیند دلیل که در غزو بدر و بدرین کاری اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع و کشته روی بیند دلیل که مرد آن شهر  
 بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین  
 علی را رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع دلیل که اگر امت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر عدل  
 و انصاف موصوف گردد و لیکن گاه گاه میان ایشان خصوصیت بود تا ویل صحابه رضوان الله علیهم جمیع ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند دلیل که در راه دین و اسلام بکانه باشد و در میان مسلمانان صادق  
 القول گردد و بدیانت موصوف گردد و لقوله علیه السلام اصحابی کالجوهر یا یاکم ایتنا یستثم ایتنا یستثم یخرجون  
 علیه و سلم یاران من ستارگانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند  
 خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یا بدرجه طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند دلیل که حج و غزوات او بر سر  
 و انس بن مالک رضی الله عنه را بخواب بیند دلیل که بسنتها راغب بود و علم و شریعت دوست دارد و سلمان  
 فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد و عبد الله  
 بن عباس بن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند دلیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند  
 دلیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت رود فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله  
 علیه و سلم دلیل بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زما و بخواب بیند دلیل که بر کار  
 خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و ارثان مصطفی اند صلی الله علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان را که  
 بیند که در شهری و یا در محلی کرده علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جا بلان بگفتن و کردن  
 امر و نهی منکر و تأیید حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر چیزی میگوید که بیند  
 بر حروف بحجم بیان کنیم چون الله تعالی حرف الف من کتاب کامل التبعیر آبادانی ابن سیرین گوید  
 اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان می کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین نماید دلیل که بر صلاح دین و خرد و خوار  
 آخرت که دریا حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان می کرد چون سر او دکان و مانند این دلیل که خبر و خایده  
 این جهان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان هفتاد و خراب شد دلیل که اهل آنجا بیکاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که  
 اگر کسی خوشی بخواب در جایگاهی آبادان معتمد بیند دلیل که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که ویده بود و اگر بخلاف بیند  
 دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بود اول بر صلاح کار  
 این جهانی و دوم خیر و منفعت ستیم بر او و کامرانی چهارم بر کشایش کارهای بسته آب بدانکه زندگانی همه چیز است

باب الف

باب الف

تَوَاصِلُ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ اِنْ سَرِينِ كَوَيْدِ كَرَمِ زَارِ آبِ هِي رَفْتِ چُون آبِ دِرِ مَاورُو وَخانِه وَاَنجِه بَرِينِ كَلِمِه  
 دِلِيلِ كَنْدِ بَرِ قُوَّةِ اِيْمَانِ وَاعْتِقَادِ پاكِ وِي وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ صَافِ خُشْكُواری سِیَارِ بَجَزْدِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرَمِشِ دِرِ زَارِ بَرِ حِشْتِ  
 وِي خُشْ بُودِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ تیره یا شُورِ هِمِ خُورِ وَاوَلِ بَخْلَافِ اِنْ بُودِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ زَارِ آبِ صَافِ خُشْ هِمِ خُورِ دِلِيلِ  
 كَنْدِ كَرَمِشِ اَنْ اَزِ پادِشاهِ مالِ وِ نَعْتِ یابِدِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ دِرِ پَارِ بَجَزْدِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ پادِشاهِی هِمِه جِهَانِ رَا بَكِیرِ وِ نَعْتِ  
 كَوِينِدْ كَرَمِشِ اَنْ اَزِ آبِ دِرِ مَاورُو بَجَزْدِ بَرِ بَرِ كِي وَاوَلِ نَعْتِ حَاصِلِ كَرِ دِ چُون آبِ رُوشِ وِ صَافِی بُودِ اَتَا كَرِ تیره بُودِ  
 اَنجِه بَدِ وِرْسِدِ یارِ نَخِ وِ سَخْتِ وِ بَیْمِ وِ تَرَسِ بُودِ كَرِ مَانِ كَویدِ كَرِ آبِ كَرَمِينِدْ كَرِ آبِ كَرِ مِ هِمِ خُورِ دِلِيلِ بُودِ كَرِ بَیْمِ وِ نَعْتِ اَكْرَمِينِدْ  
 كَرِ بَرِ وِي آبِ كَرِ مِ هِمِ رِیختِ چَا نَكِه اَوْرَا خِیَرِ نَبَاتِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ بَیْمِ وِ نَعْتِ بَدِ وِرْسِدِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ سَفِیاءِ دِلِيلِ  
 كَنْدِ كَرِ بَرِ نَخِ وِ غَمِ كَرِ قَافِرِ كَرِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ بَیْمِ وِ نَعْتِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ بَرِ مالِ وِ زَنْدِ كَانِی فَرِیختِ كَرِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ دَرِ كَاشِ  
 اَكْنِه بَرِ زَنْ خُوشِ وَاوِ وَاكْشِ اَكْنِه رَا نَبِتِ چَوِ پَرِ زَنْ اَنْ كَرِ وَاوِ آبِ كَرِ دَرِ كَاشِ اَكْنِه بُودِ فَرِزَنْدِ طُفْلِ بُودِ كَرِ دَرِ شَكِ مَادِ  
 بَاشَدِ اَكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ بَرِ نَخِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ جَفْتِ اَوِ بَیْمِ وِ نَعْتِ بَدِ وِرْسِدِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ بَرِ نَخِ وِ كَاشِ  
 مَادِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ فَرِزَنْدِشِ بَیْمِ وِ زَنْ اَوِ بَیْمِ وِ نَعْتِ كَرِ بَیْمِ وِ نَعْتِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ دَرِ نِیَا وَاخِرَتِ خَیْرِ اَوِ بَرِ وِ نَعْتِ  
 وَاچَا كِه خَرَابِ رَا اَبَادِ اَنْ كَنْدِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ دَرِ خَانِه كَرِ اَنْزِ اَنْ آبِ رِیختِ بُودِ وَاخِلِ شَدِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ عَمَلِینِ وِ مَظْهَرِ كَرِ دَوِ وَاكْرَمِينِدْ  
 كَرِ آبِ صَافِی پِیالِه مَانَدِ سَكِ خُورِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ زَنْدِ كَانِی نَعْتِ عَشْرَتِ كَنْدِ اَمَا كَارِی كَنْدِ كَرِ بِلَا وِ نَعْتِ بَدِ وِرْسِدِ مالِ  
 جَمْعِ رَا اَنْدَكِ بَرِ وَاوِ نَخِشْدِ وِ بَخِیرَتِ خَرَجِ كَنْدِ جَا بَرِ مَغْرِبِ كَویدِ كَرِ آبِ هِمَا كَرِ بَوَقْتِ زَیادِه شُودِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ اَنْسَالِ فَرَاخِ  
 وِ نَعْتِ بُودِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ سِیَارِ وِیدِ كَرِ بَرِ مِینِ خُورِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ مَرْدَمِ اَعْمَامِ رَا سَلَامَتِ وِ حَافِیْتِ بُودِ قَوْلِ تَعَالِی وَاَقِيلِ  
 يَا اَرْضُ اَبْلَغِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ اَقْلَبِي وَغِيْضُ الْمَاءِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ اَنْسَالِ مَرْدَمِ اَعْمَامِ رَا سَلَامَتِ وِ حَافِیْتِ بُودِ قَوْلِ تَعَالِی وَاَقِيلِ  
 نَعْتِ وِ فَرَاخِ بُودِ اَنْ دِرِ قَوْلِ تَعَالِی اِنَّا سَبَبْنَا الْمَاءَ صَبَابًا وَاكْرَمِينِدْ كَرِ دَرِ خَانِه اَوِ آبِ صَافِی بُودِ دِلِيلِ كَنْدِ نَعْتِ خَرَمِ  
 وِ حِشْتِ یابِدِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ دَرِ خَانِه وِي آبِ تیره اِیْتَا وِه بَاشَدِ تَا وِیْلِشِ بَخْلَافِ اِنْ بُودِ وَاوِ آبِ كَویدِ كَرِ آبِ دَاوَنْ بَاغِ وِ نَعْتِ  
 اَنْجِه یَا وِ وَاوِ دِلِيلِ كَنْدِ بَرِ مالِ وِ سَكَا رِی اَرْغَمِ وَاَنْدِه وَاوِ آبِ دَاوَنْ مَرْدَمِ اَزِ دِلِيلِ كَنْدِ بَرِ دِینِ وِ دِیانتِ وِ كَرِ دَارِ مَانِ  
 نَكِتِ وِ پَسَنْدِیدِه بُودِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ اَنْزِ هِمِ رَفْتِ وَاَنْدَرِ اَنْ وَقْتِ تَنْ اَوِ قُوْنِ بُودِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ بَشْغَلِ صَعْبِ شُخْلِ كَرِ دَرِ  
 اَزِ قَبْلِ رِئِیْسِ وِ قَوْلِ وَاَنْدَرِ اَنْ مَقْضُولِ بُودِ خَاصِه كَارِی اَنْدَرِ اَنْ كَارِ ظَاهِرِ كَرِ دَوِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ صَافِی رَفْتِ وِتَنْ اَوِ پُوشِیدِه بُودِ  
 دِلِيلِ بَرِ قُوْتِ دِینِ بُودِ وَاوِ كَلِ كَرِ دَنْ بَرِ اِیْزِ وِ تَعَالِی وِ سَتَقَامَتِ كَارِ وِي وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ بَاغِ هِمِ بَرِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ زَنْ خَوَابِ  
 یَا كِنِزَكِ خُورِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ پاكِ بَرِ وِي رِیختِ دِلِيلِ كَنْدِ كَرِ اَنْ كَسِ خَیْرِ وِ مَغْفَتِ بَدِ وِرْسِدِ وَاكْرَمِينِدْ كَرِ آبِ تیره بَرِ وِي رِیختِ  
 تَا وِیْلِشِ بَخْلَافِ اِنْ بُودِ حَضْرَتِ صَادِقِ عَلَیْهِ السَّلَامِ مِیْفَرِ مَایِدِ كَرِ آبِ فَرِوَرِ فِتْنِ بَخْوابِ مَحْتَبَرِ اَنْ بَرِ نَخِ وِجِه تَعْبِیرِ كَنْدِ اَوَّلِ یَقِینِ  
 دَوِیْمِ قُوْتِ سِیمِ كَارِ دُشَوَارِ چَا رَمِ نَدِیْمِ چِیْمِ عَمَلِ اَزِ جَهْتِ رِئِیْسِ شَهْرِ بَدَا نَكِه تَا وِیْلِ بَارِ اَنْ دَرِ حَرْفِ بِي بَیَانِ كِنِیمِ وَاوِیْلِ آبِ

در خواب  
در خواب

چشمه آب چاه و آب جوی را بحر جیم و آب دریا بحر دانی و آب رود بحر دانی و آب کار بحر حرف کاف و بحر قاف  
 حواشی دیگر را بر ترتیب هر چیزی بموضعش باز نایم تا معلوم بود آب بینی دانیال کوید که آب بینی دلیل بر فرزند کند و اگر  
 آب بینی و بینی که دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر بینی از بینی او غلیرون آمد همین دلیل کند که مانی کوید اگر بینی که از بینی او آب  
 فرو می آید دلیل کند که و امش گذارد و شود و از پنج و سخی و غم سرد و اگر بیمار بود و شفا یا بد این سیرین کوید که آب بینی در خواب  
 فرزند بود لیکن اگر بینی که آب بینی بر اندام او افتاد و دلیل کند که در پسر آید و اگر بینی که بر زمین افتاد و دلیل کند که دختر آید و اگر بینی  
 که آب بینی بر زن خویش افتاد و دلیل کند که زن او آبستن کرد و لیکن فرزند را بیفتند و اگر بینی که زن بر وی آب بینی افکند و دلیل  
 کند که او را پسر آید و اگر بینی که آب بینی در سراسر میساید افکند و دلیل کند که زن همسایه خنث است کند و اگر بینی که آب بینی خود  
 را در بستر مردی افکند همین دلیل کند این سیرین کوید اگر بینی که آب بینی خود را بر همی خورد و دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بذل  
 کند اگر بینی که آب بینی زن خویش را بر همی خورد و دلیل کند که او را فرزند نشود و اگر بینی که آب بینی او سیاه و تیره بود و دلیل کند که فرزند  
 او را ندیده و مصیبت رسد و اگر بینی که آب بینی او زرد بود و دلیل کند که فرزندش بیمار گردد و آب تا خنث این سیرین  
 که اگر کسی بینی که آب تا خنث کند بجا بکشد که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب نمکین و دام دارد و دلیل کند که از غم فرج  
 یابد و ویش گذارد که در و اگر بینی در خواب تو اگر که در و دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تا خنث دانیال کوید اگر بینی  
 که در جای بکشد آب تا خنث کند و دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کینه خرد اگر بینی که بجا آب تا خنث خون نیست  
 و دلیل کند که او را ناقص آید و اگر بینی که بجا آب تا خنث بریم بر پشت و دلیل کند که او فرزند می آید و بعضی گفته اند که آب خنث مال مرد  
 بود و اگر بینی که آب تا خنث بر همی خورد و دلیل کند که مال حرام خورد و مانی کوید اگر بینی که اندر جای آب تا خنث کرد و دلیل کند که اهل حال حاصل کند و  
 بینی که آب تا خنث بر همی کرد و دلیل کند که او را فرزند می آید که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بینی که برخی از آب تا خنث بر رخ  
 باخود داشت و دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بینی که در دامن از آب تا خنث بر وی  
 مسح بری کرد و دلیل کند که او را فرزند می آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی کوید اگر بینی که در سجده  
 آب تا خنث بر همی کرد و دلیل کند که مال خویش هزینه کند بر وجه خویش و اگر بینی که جانته وی باب تا خنث آلوده گشت و دلیل کند  
 که مال خویش بر فرزند خویش هزینه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تا خنث در خواب بموضع خویش مرد و مرده را ناکامی  
 رسد اما ناکامی در ویش باشد و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و مجوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل را  
 معزولی بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را عزل و باز کاران را زیان بود و در تجارت استعمل اشفت کوید که اگر بینی که در  
 خانه خویش بموضع آب تا خنث بر همی کرد و دلیل کند که مال خویش عیال خویش هزینه کند لیکن عوض آن باز آید قوله تعالی وَمَا أَفْتَقَمَ  
 مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ آنچه این سیرین کوید اگر کسی در خواب بینی که آنجا نمی ساخت  
 و دلیل کند که بکج کردن مال دنیا حریص گردد و در عجب گردد و تو آنرا بد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند

در خواب

در خواب



بایست

حزین

حزین

حزین

حزین

حزین

دلیل کند که زن جاوید و پیر حاصل کرد و آئین حرام خاوری و بیانیست بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایطی کرد  
 دلیل کند که مال خویش را هزین کند و اگر بیند که در آنجا نه بیفتاد یا در چاه آنجا نه افتاد دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند  
 که کسی در چاه آنجا نه خود افتد دلیل کند که مال کسی بجنب لبنا نذاکر بیند که چون بیفتاد دست و پای او بشکست دلیل  
 کند که برای سخت بد و در سند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آنجا نه در خواب برنج و جبه بود اول مال حرام و دوم  
 عیش دنیا سیم خزین چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار ابدستان ابن سیرین گوید که ابدستان در حرام  
 خزین و در صاحب تدبیر بود که صبح و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی ابدستان بوی داد دلیل کند که خرد  
 و مدبر پادشاه بود و اگر او کسی دهد هم برابر قیاس بود که زمانی گوید که ابدستان در خواب خادم بود بقول خدا می غوط  
 قوله تعالى يطوف عليهم ولدان مخلدون ما کو آب و آب و یقی و اگر بیند که ابدستان او بشکست یا ضایع  
 شد دلیل کند که زن از وی جدا کرد و یا میبرد و اگر بیند که از آب دستان آب می خورد دلیل کند که ویرا فرزند  
 حاصل کرد و خاصه که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن ابدستان در خواب  
 و جبه بود اول خادم و دوم خزین سیم مدبر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جانی که امید ندارد  
 ابن سیرین گوید که اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون آب است دلیل کند که او را مال و نعمت  
 و هر چند که شکم بزرگ تر بیند مال دنیا بیشتر بود که می گوید که فرزند  
 نعمت و مال حاصل کرد و اگر بیند که خواب برنج و جبه بود و مال حاصل کرد و ابکانه ابن سیرین  
 که خوردن ابکامه در خواب دلیل که برنج و بیماری تن کند اگر بیند که ابکامه می خورد دلیل کند که بقدر آن ویرا  
 بیماری بود که زمانی گوید که اگر بیند که ابکامه برنجت یا از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه فوج یا بد و اگر بیمار  
 بود شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن ابکامه برنج و جبه گفته اند اول بیماری و دوم غم سیم خصم  
 چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال آبکینه و انیال گوید که آبکینه در خواب زن بود و اگر بیند که در  
 آبکینه آب می خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یا بد اگر بیند که آبکینه کسی شراب داد دلیل کند که از هر کسی زن خواهد  
 ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آبکینه سفید داشت و نامش برانجا نوشته بود دلیل کند که دولت دینی و دنیایی خواهد  
 و حاجت او را و اگر او اگر بیند که بران آبکینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند که بر اجلس نزدیک بود و اگر بیند که  
 پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که هر قدر و انداز آن خیر و خرمی یا بد جابر مغربی گوید که اگر بیند که آبکینه داشت بیفتاد  
 و بشکست دلیل کند که زن دارد و طلاق دهد و اگر زن ندارد و زنی از خویشان وی رحلت کند بدانکه آبکینه که  
 بنا بر غیر خداوند کار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبکینه که کسی بود که کارهای زمان گذارد و پیوسته او را  
 بازمان محالطت بود و آبکینه ابن سیرین گوید که ابله در خواب زبان مال بود و اگر بیند که بر تن او آب بود که بقدر آن

سجده

توبه

شست

خواسته مال و را حاصل کرد و کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آبله بود و دلیل او که بقدر آن مال حرام حاصل شود حضرت  
 مشاوق علیه السلام فرماید که آبله بر تن و بدن برنج و جد بود و آل زیادتی مال و ویم زن و خادم سیم پسرش آید چنان  
 حاجت روا شدن پنجم از ترس و بیم این کرد و چون آبله سفید آید بنوس این پیرین گوید که دیدن آبنوس در خواب  
 مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تا آنکه و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب  
 زنی بود و برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت  
 که گفته کردید آتش و انیال گوید اگر کسی آتش بپزد و در خواب ببیند دلیل که پادشاهی نزدیک کرد و کار ریشه او  
 کشاده کرد و اگر بیند که کسی ویران آتش بکشد و آتش بر آسوخ و دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن زود خلاص  
 یابد و بشارت بنگونی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قلنا یا قاف کوئی بگو و اسلاک ما علی  
 این اهیم و اگر بیند که آتش در آتش دلیلی کند که روی بگرا هست سفری کند و اگر آتش را بافت و موز و سوز ببیند  
 دلیل کند که از علت تب بیمار کرده و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت و دلیل کند که بقدر آتش خشکی و پیرایه حضرت  
 رسد و اگر کسی ببیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه بی زود از سیم و ترس در دل نیاید  
 و دلیل کند که از محنت و مصیبت که بدو رسد بسبب بیماری و ضعف بود و چون همراه و طاعون و آبله و سرخه و آبله  
 ماند و اگر بیند که از آن آتش فرار گرفت و دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را در دلو  
 و دلیل کند که مال حرام وی را برنج و تیمار حاصل کرد و با جنگ و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و پیش بوی سیر  
 و دلیل کند که کسی وی را زود و رنجیت کند کرمانی گوید اگر بیند که شعله آتش بر دامن می انداخت و دلیل کند که در میان مردم  
 عداوت و دشمنی افکند و اگر از کرمانی ببیند که آتش در دکان و کالای او افتاد و دلیل کند که کالای که دارد بر باد و در آید  
 بدی زمی باز در دلمه درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد و دلیل کند که آنکس در جنگ و شهنه  
 و جو سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه او را بسوخت و دلیل کند که با خویشان جنگ و خصومت کند و از سبب آن  
 اندوختن کرد و اگر کسی آتش عظیم در زمینی ببیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته ببیند دلیل  
 کند که آنجست زمان ویران با کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محلی در سراسر آتش افتاد و چنانکه هر چه بود و همه را بسوخت  
 آن آتش زبانه میزد و آواز سهکین می داد و دلیل کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود و یا بیماری مصیب افتد و اگر بیند که  
 برخی چیزها را بسوخت و برخی را نکرد و آواز سهکین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ  
 نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و ببیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کار و اگر بیند که آتش از آسمان  
 بیفتد و شهری یا محله یا سراسر آتش بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر آن موضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهکین در  
 و زبانه بی زد و در جانی افتاد لیکن زبانه نیک و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد زبانه و اگر بیند

باب

که از زیر زمین آتشی میسوزد برآمد و سوزی آسمان شد و دلیل بود که آموذخ و دوشان با حق تعالی حرب کنند بدروغ و بهتان گفتند  
 بعد و قوه آن آتش که دیده بود اگر بنید آتشی از جانی بجائی نمی رفت و آن آتش هیچ کردند نیک و بلکه دلیل بود که در آن منفعت  
 یابد و اگر در پیش بود تو اگر کرد و اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بنید که از آسمان مانند باران آتش میبارد و دلیل بر بلا و خون بخشن  
 بود و اجبت پادشاهان و آموذخ و اگر بنید که آتشی از آسمان بیاید و چیزی نای خورونی که از آن او بود بسوخت و دلیل کند که عطا  
 وی نزد حق تعالی پذیرفته کرد و قوله تعالی یقرآن یا کله النار و اگر بنید که از آسمان آتش میبارد و کسی را سوخت هم عطا  
 حق تعالی باشد قوله تعالی عذاب النار الی کتم بها نکلن خون و باشد که از پادشاه ویرایم بود و اگر بنید که بر سر آتشی بزرگ  
 گرم میشد دلیل کند که پادشاهی بزرگ نزدیک کرد و اگر بنید که بر آتشی چیزی می پخت که شغل دنیا و دنیاوی تمام کرد و اگر بنید  
 که آتشی از آسمان فرو آمد و نبات زمین را بسوخت و دلیل بود که در آن دیار لغو باشد مرکب مغاهاست بسیار بود و اگر بنید که آتشی  
 قبه یا مناره بسوخت و دلیل کند که پادشاه آموذخ پلاک کرد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی بنید که آتشی از زمین برآمد و فروغ  
 میداد و دلیل کند که در آموذخ کعبه بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بنید پاری آتشی میسوزد و دلیل کند که مال بیابان خورد  
 قوله تعالی الذین یا کلون أموال البتاعی ظلما انما یا کلون فی بطونهم فادوا و سصلون سعیرا  
 و اگر بنید که از دمان وی آتش میرون می آید و دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بنید که بر جانی آتشی میسوزد و دلیل کند که از  
 بر جانی میبایخی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بنید که در پهلوی او آتشی فروخته بود و او را زیان نداشت و دلیل کند که بدو  
 خیر و نیکی رسد قوله تعالی انکم انتم النار الی تؤذون و اگر بنید که بنیرم آتشی عظیم میسوخت و دلیل بر جنگ و فتنه کند و در آن یا  
 قوله تعالی کلمه او قد و نارا الحریب و اگر بنید که آتش در مردم میزد و دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر بنید که آتش وی را  
 بسوخت و آن آتش نور نداشت و دلیل کند که از طاعت سرسام بهاری کشد و اگر بنید که آتش را نور بود و دلیل بود که کسی را از دنیا  
 و فرزندان وی فرزدی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بعد از آن آتش و اگر در زمگاه آتش بنید و دلیل کند  
 بر بیماری صعب چون آید و طاعون و سرسام و مرکب مغاهاست لغو باشد و اگر آن آتش را باد و دود بنید و دلیل کند که از باد  
 او را ترسیم بود و اگر آتش را در بازار بنید و دلیل کند بر بدینی اهل بازار و انگه اهل بازار در تجارت افساد نمیند و بر خرید و در  
 گویند و اگر در وی آتشی افتاده بنید و دلیل کند که در مردم انجام مصادره بود و از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در راه چهل  
 آتش بنید و دلیل بر بدینی بود و اگر آتش در جامه کسی افتاده بنید و دلیل کند که انگس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خورشید بر آتش  
 ایستاده بنید و دلیل که او را نرسد آتش فروختن این سیرین گوید که آتش او خشن بچواب پادشاه را قوت بود و آتش سید  
 فروغ قوت بود و خواسته آتش باد و پادشاه ستمگر و غم و اندوه و زیان بود و اگر بنید که آتش بر فروخت تا گرم کرد و کسی  
 دیگر بدان گرم شود و دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بنید که بیفایده آتشی بر فروخت و دلیل کند که بی سببی  
 جنگ و خصومت کند و اگر بنید که آتشی بر فروخت تا چیزی بریان کند و دلیل کند که کاری پیش گیرد بسبب غیبت مردمان

تشریح

برای

تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد و دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بر کوبیده  
 آتش می افروخت و در ویک کوشش بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که از آن کار کند یا بوی خانه را منفعیت رسد  
 و اگر بیند که در آن و یک هیچ طعام نبود و دلیل کند که از آن کار ورا غم و اندوه بود و اگر بیند که آتش بر افروخت حلاوت و دلیل کند  
 که او را سخی نیکو کند و اگر بیند که آتش بر افروخت از برای روشنائی دلیل کند که کاری را بخت و بر مان روشن کرد و اگر مانی کوید که  
 بیند در جایگاهی آتش بر افروخت تا ابل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که ابل آن موضع را غیبت کند بدی کوید و اگر بیند شعله  
 در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام برزد و دلیل کند که با موی از خویشان و یا اهل بیت او اجنک و خصوصیت  
 افتد و اگر بیند که خواست تا آتش بر افروزد و از بهر منفعیتش و آن آتش بر نمی افروخت و روشنائی نمیداد و دلیل کند که از  
 علم خویش هر خوراری باده و اگر این کس پادشاه بود و غوغا و دود و دلتش افزون کرد و اگر بیند که آن آتش که افروخت برزد  
 و دلیل کند که بلاک کرد و جابر کوید اگر بیند که در میان آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس موضع  
 و مقام خویش می یافتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بیند که آن آتش فرو میرود و نور او  
 زایل میگردد و دلیل کند که هو الش متغیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در میان افروخت نیز از راست  
 می درخشد دلیل کند که علم او مردمان را راه ضلالت برده و اگر بیند که آتش در موضعی بر افروخت تا آنکه منظر بسوزد و آتش  
 آنرا سوخت و آن باز در کان بود دلیل که خرید و فروخت بفقاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش  
 همی برزد و دلیل کند که مالی حرام بدور رسد و روشنائی آتش این سیرین کوید اگر کسی در خواب و روشنائی آتش بیند چنانکه  
 بدان و روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یا بدو اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند و دلیل کند که سبب دولت  
 او چنانجا بود و اگر کفر فروخته دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود او خردید چنانکه از نور آن خانه  
 روشن بود و دلیل کند که کارش بالا گیرد و دود و دلتش زیاده کرد و اگر بیند که آن خرد را کشت و دلیل کند که در خانه اندان  
 خصوصیت و داور می بود آتش پرستیدن و انبیا کوید اگر بیند که آتش را می پرستند و سجده میکرد و دلیل که پادشاه را  
 سجده کند و بخدمت مشغول گردد چنانکه او را نشکند اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجده میکرد و دلیل که بخدمت  
 مشغول کرد و اگر بیند که آتش را بوسه می داد و می پرستید و دلیل کند که صاحب خبر پادشاه کرد و اگر بیند که در میان  
 آتش مرا خفته همی کرد و دلیل که پادشاه بطمع و رغبت بازگانی کند و لیکن عاقبت کارش بر خطر بود و خاصه که از آتش بر تن  
 او کردند رسد و اگر آتش بر او ایستاد و دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفوس جمعیت باروز کار او از پادشاه  
 و اگر بیند که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعیت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا از جامه میاز دست او  
 روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او تحیر بودند و دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و در جهانی حاصل کرد و قوله تعالی و اخیل  
 یلک فی حبیبک **مخرج بیضا** من عین شوق و این حجره حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل شعث

در

در

باب الحاض  
محرر

گوید که اگر کسی در خواب ببیند که آتش میسپرد و دلیل کند که بازواری و عوایی کند و آن آتش که میسپرد اگر شکل انگریز بود که  
 غرض از این صحن کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شراره آتش این سیرین گوید که شراره آتش در خواب بخوبی  
 باشد که بوی رسیده اگر بقیاس شراره آتش در وی می افتاد و دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گردد و گمانی گوید  
 اگر ببیند که در شهری یا کوچه شراره آتش می افتاد و دلیل کند جنگ و فتنه در آن موضع پیدا آید و اگر ببیند که شراره آتش  
 سخت بزرگ بودند و دلیل بود که عذاب خدای عزوجل بدو رسد یا بد آن موضع رسد قوله تعالی ان الله لا یغفل عن شیء  
 کما لقضی کما فی جمالت حصصه اگر ببیند که شراره آتش در میان مردمان افتد و دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر  
 جنگ و خصومت افتد و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخت شست گفتم بود و چای مرغی گوید اگر ببیند که باره آتش  
 در دست داشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر ببیند که با آن آتش دود بود و دلیل کند که در آن کار ادا  
 بیم و ترس بود و اگر ببیند که آن آتش در دست می فرو مرد و دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر  
 که از آن آتش پاره مردم راهی داد و دلیل کند که اگر در وی مردمان را بچ و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر ببیند  
 که چیزی از آن در وی فرو می بردی همی بخت و میزد و دلیل کند که سخنها می خوش شنود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش  
 در خواب بر میت و بچ وجه بود اول فتنه بود و دوم کار زار نیم فساد چهارم مرگ بخت پنجم خصومت ششم سخنها  
 هفتم منع از کام و مراد هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم پیری و دوازدهم علم و حکمت سیزدهم  
 راه پیری چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس سیزدهم شانه زدهم سوختن هفتم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم  
 سیام بیستم آله بیت و یکم کتایش کار با بیت دوم فضیلت بیت سوم مال حرام بیت چهارم روزه  
 بیت پنجم منفعت آتش و آن ابن سیرین گوید که آتش در آن نجواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش در  
 آئین بود و دلیل کند که آن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتش در آن چوبین بود و دلیل کند که آن از خویشان  
 اهل آن خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتش در آن از کل بود و دلیل بود که آن زن اهل بدگوشان باشد و از مشرکان نیز  
 بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در نجواب برود و وجه بود اول زن خادمه دوم کین آتش زن ابن  
 سیرین گوید که آتش زن و سنگ آتش و آن ابن هرودانبار باشد که از ایشان کی تو می و دلیل بود و دوم سخت دل بود و این هر دو  
 بر شرف و کارهای بزرگ را آوردند که گمانی گوید اگر ببیند که از آتش زن آتش بیرون می آورد و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر ببیند  
 پادشاه بود و دلیل کند که رحمت از عدل و انصاف او آسایش یابد و اگر ببیند خواب عالم بود و دلیل که مردم در علم و دانش او  
 یابند و اگر از بزرگان بود و دلیل کند که با مردمان خیر وجود و احسان کند و اگر در ویش بود و دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار وی  
 شگفت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر ببیند که از آتش زن بیرون آورد و دلیل کند که مال حرام از بهت پادشاه حاصل کند یا بخل  
 او مشغول گردد و از ثروت مال بدست آید و اگر ببیند که از آتش زن ثمن است فروختن دلیل کند که مال طلب کند و بیاید

محرر  
محرر

محرر

سیرین کوید که شکله پنجاب جایگاه کرده بود کرمانی کوید که شکله چایگاه مردم حق و خالی بود و اگر میند که شکله رفت  
او از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آنقدر لذت و خاری بوی رسید نیکان بدی برده و سرانجام پشیمانی نور و آره و گون بدی  
آره و گون شکله سیت وینش در خواب نیل برینج و بیماری بود آره و دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی بی پنج و درسد نال  
کوید که میند که آره چون بر فزاید بومی آمد دلیل کند که بقدر آن مال و نعمت حلال و حاصل کرد و از آنجا که امید نادر داین سیرین کوید کرد  
چون با ویل و سیتی برین بود و آره و گون مای بود از تجارت که بسیار فایده بود و آره و گون و کاس لال اندک بود که حاصل کرد و جابر مغزی کوید کرد  
فروش بخواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدینا آورده بود آره و سیر کرمانی کوید که آره و سیر پنجاب مردی باشد که در میان دوستان  
و خوشان همی کرد و این سیرین کوید که آره و سیر پنجاب زنی بود و فضول یا خادمی بود و اگر میند که آره و سیر بزرگ نوفر گرفت با کسی  
بوی و دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار دوست وی کرد و بعضی از مقبران کوید که مردی مصلح که در خدمت است و سیم  
بود و دوست وی شود و حضرت اوق که دیدار و سیر در خواب بر چهار وجه بود و اول مردی مصلح و دوم زنی فضول سیم خادم چهارم حضرت  
اندک آره و گون کرمانی کوید که اگر میند که در خواب آره و گون برمی آورد و دلیل بود که شخصی کوید که او را از آن جرمتی بود اگر میند که آره و گون حلقه  
بود و از گولش سیرین آمد و دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین کوید که اگر میند که آره و گون ترش و ناخوش بر آورد و دلیل کند که شخصی کوید  
که از آن حضرت و خطر میند که اگر میند که آره و گون چون دو و بر آورد و دلیل کند که بی بی حکام شخصی کوید که از آن اورا عیب کوید و ملاست کنند  
و سرانجام از آن پشیمانی خورد و از او شدن و انیال کوید که اگر کسی میند که آره و گون شد یا کسی او را از او کرد و دلیل کند که اگر جابر بود و شایان  
و اگر و ام وار بود و امش گذارده کرد و اگر کج کرده باشد بگذار و اگر سنده بود و از او کرد و اگر گناه کار بود و توبه کند و اگر عیب بر پشیمان  
کرد و آره و گون فرج یابد و اگر عیوس بود و خلاص یابد و علی الحمله از او ای در خواب بجایست نیک و پسندیده است آستانه کرمانی کوید آستانه  
بالاین در خواب که غلبی خانه بود و آستانه ترین که بانوی خانه کوید که آستانه بالاین در و بیضا و در خواب سنده و لیدر که آستانه سیرین و اگر کسی  
خانه میند که آستانه ترین خانه بیضا و آستانه و دلیل کند که بانوی خانه سیرین کوید که میند که آستانه ترین خانه بالاین نوید  
کرد و دلیل کند که زنی را طلاق و بدون دیگر بخوابد و اگر میند که آستانه بالاین را بجز دلیل که خود را پاک کند و اگر میند که هر دو آستانه خوشتر از آن در خواب  
کند که که بانو که خدا بر او هلاک کرد و آسمان و انیال کوید که اگر کسی خویش را و آسمان اول میند و دلیل کند که اجل وی نزدیک  
آمده بود و اگر خود را بر آسمان و دوم میند و دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم میند و دلیل کند که عز و اقبال و یغمانی یابد  
و اگر آسمان چهارم میند و دلیل که پادشاه را دوست و مقرب کرد و اگر بر آسمان پنجم میند و دلیل کند که سبب و ترس و بیم یابد و اگر  
بر آسمان ششم میند و دلیل کند که بخت و دولت و نیکی یابد و اگر میند که بر آسمان هفتم برشته و لیکن در رانسته و دید و دلیل کند که  
کارهای وی سبب مردی بزرگ بشود و اگر میند که در آسمان هشتم نگاه کردن و سرافراز و شکوه بود و دلیل که از او دیدار مرد  
بزرگ جدا کرد و اگر میند که فرشتگان از آسمان فرو آمدند و بروی بگذشتند و دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی کشد و اگر میند که در آسمان  
سیرین کوید که اگر کسی خود را بر آسمان میند و دلیل که او را سفری پیدا شود و در آن سفر او را مرتبت دنیا و آخر حاصل کرد و اگر میند که بر آسمان

سیرین کوید که شکله پنجاب جایگاه کرده بود کرمانی کوید که شکله چایگاه مردم حق و خالی بود و اگر میند که شکله رفت  
او از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آنقدر لذت و خاری بوی رسید نیکان بدی برده و سرانجام پشیمانی نور و آره و گون بدی  
آره و گون شکله سیت وینش در خواب نیل برینج و بیماری بود آره و دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی بی پنج و درسد نال  
کوید که میند که آره چون بر فزاید بومی آمد دلیل کند که بقدر آن مال و نعمت حلال و حاصل کرد و از آنجا که امید نادر داین سیرین کوید کرد  
چون با ویل و سیتی برین بود و آره و گون مای بود از تجارت که بسیار فایده بود و آره و گون و کاس لال اندک بود که حاصل کرد و جابر مغزی کوید کرد  
فروش بخواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدینا آورده بود آره و سیر کرمانی کوید که آره و سیر پنجاب مردی باشد که در میان دوستان  
و خوشان همی کرد و این سیرین کوید که آره و سیر پنجاب زنی بود و فضول یا خادمی بود و اگر میند که آره و سیر بزرگ نوفر گرفت با کسی  
بوی و دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار دوست وی کرد و بعضی از مقبران کوید که مردی مصلح که در خدمت است و سیم  
بود و دوست وی شود و حضرت اوق که دیدار و سیر در خواب بر چهار وجه بود و اول مردی مصلح و دوم زنی فضول سیم خادم چهارم حضرت  
اندک آره و گون کرمانی کوید که اگر میند که در خواب آره و گون برمی آورد و دلیل بود که شخصی کوید که او را از آن جرمتی بود اگر میند که آره و گون حلقه  
بود و از گولش سیرین آمد و دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین کوید که اگر میند که آره و گون ترش و ناخوش بر آورد و دلیل کند که شخصی کوید  
که از آن حضرت و خطر میند که اگر میند که آره و گون چون دو و بر آورد و دلیل کند که بی بی حکام شخصی کوید که از آن اورا عیب کوید و ملاست کنند  
و سرانجام از آن پشیمانی خورد و از او شدن و انیال کوید که اگر کسی میند که آره و گون شد یا کسی او را از او کرد و دلیل کند که اگر جابر بود و شایان  
و اگر و ام وار بود و امش گذارده کرد و اگر کج کرده باشد بگذار و اگر سنده بود و از او کرد و اگر گناه کار بود و توبه کند و اگر عیب بر پشیمان  
کرد و آره و گون فرج یابد و اگر عیوس بود و خلاص یابد و علی الحمله از او ای در خواب بجایست نیک و پسندیده است آستانه کرمانی کوید آستانه  
بالاین در خواب که غلبی خانه بود و آستانه ترین که بانوی خانه کوید که آستانه بالاین در و بیضا و در خواب سنده و لیدر که آستانه سیرین و اگر کسی  
خانه میند که آستانه ترین خانه بیضا و آستانه و دلیل کند که بانوی خانه سیرین کوید که میند که آستانه ترین خانه بالاین نوید  
کرد و دلیل کند که زنی را طلاق و بدون دیگر بخوابد و اگر میند که آستانه بالاین را بجز دلیل که خود را پاک کند و اگر میند که هر دو آستانه خوشتر از آن در خواب  
کند که که بانو که خدا بر او هلاک کرد و آسمان و انیال کوید که اگر کسی خویش را و آسمان اول میند و دلیل کند که اجل وی نزدیک  
آمده بود و اگر خود را بر آسمان و دوم میند و دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم میند و دلیل کند که عز و اقبال و یغمانی یابد  
و اگر آسمان چهارم میند و دلیل که پادشاه را دوست و مقرب کرد و اگر بر آسمان پنجم میند و دلیل کند که سبب و ترس و بیم یابد و اگر  
بر آسمان ششم میند و دلیل کند که بخت و دولت و نیکی یابد و اگر میند که بر آسمان هفتم برشته و لیکن در رانسته و دید و دلیل کند که  
کارهای وی سبب مردی بزرگ بشود و اگر میند که در آسمان هشتم نگاه کردن و سرافراز و شکوه بود و دلیل که از او دیدار مرد  
بزرگ جدا کرد و اگر میند که فرشتگان از آسمان فرو آمدند و بروی بگذشتند و دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی کشد و اگر میند که در آسمان  
سیرین کوید که اگر کسی خود را بر آسمان میند و دلیل که او را سفری پیدا شود و در آن سفر او را مرتبت دنیا و آخر حاصل کرد و اگر میند که بر آسمان

سیرین



پادشاه یا از بزرگی و در غم و اندوه و رسد کرمانی گوید اگر بیند که پستانه خانه بروی صیقل و دوزیران گرفتار گردید و دلیل کند که او بریم  
 ملاک بود و قولی تعالی *عَلَيْهِمْ السَّكْفُ مِنْ قَوْنٍ قَوْنٍ* و اگر بیند که پستانه خانه او برنگهای منون و منقش بود و دلیل کند که  
 او را پیش دنیا مشغول کرد و سیاه و انیال کوید اگر بیند که در آسیاب غله برد و آردی کرد و دلیل کند که از خداوند آسیاب  
 خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسیاب شکست و از کار صیقل و دلیل که خداوند آسیاب هلاک کرد و اگر بیند که سنگ آسیاب  
 بشکافت تا غللی در وی پدید آید و دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و غللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بزد  
 و دلیل که خداوند آسیاب را منفعت او مضرت شود این سیرین گوید که در آن آسیاب بخاب جنگ و خصومت بود اگر کسی در  
 در آسیاب بیند و دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت افتد اما اگر او اندک آسیاب لک و بود و آسان تر بود و اگر در آسیاب غله داشت و اگر  
 که آسیاب چگونه میگرد و دلیل که بفرشود و اگر بیند که سنگ آسیاب نرس یا از بزرگی یا از آهین بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر  
 بیند که سنگ آسیاب آنگونه بود و دلیل کند که خصومتش با زمان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غله آرد میگرد و دلیل  
 کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن بیند که آسیاب را بدست میگرد و دلیل کند که او را انبازی سخت دل بود  
 و بواسطه او کارش نظام نباشد حضرت صادق فرماید که آسیاب در خواب دیدن و آتش برینج و جه بود اول پادشاه دوم رئیس  
 ستمگر و اگر کسی مردم و دلیر جلد بچشم خا سالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیاب جای ریس بزرگ بود و اگر بیند که آسیاب را خراب کرد  
 که اندران چیزی که با آسیاب مشغولست خراب کرد و آسیابان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میگرد و چیزی  
 بدست می آورد و تا ازل آن خانه بدان تعیش کنند این سیرین گوید که دیدن آسیابان در خواب بنا و ایل مردی بود که مردم را دوست  
 او روزی بود و چون آسیابان جوان بود بنا و ایل نیکو باشد و اگر بیند که آسیاب بخرسب کرد و یا با بشر و آرد  
 نیکو فرمود و دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال بود و اگر بوقت کردیدن آسیابان با نکت سنگ آسیاب میشنود و دلیل کند که  
 کار وی خیر گردد آشتی کردن این سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد و دلیل که عرش و راز کرد و اگر بیند که در آشتی کسی را  
 بفساد وین خواند و دلیل که او را بصلاح خیر و راه وین خواند اگر بیند که دشمن کسی را بصلاح دین میخواند و دلیل که وی را بفساد راه شر  
 خواند حضرت صادق میفرماید که آشتی کردن در خواب و دلیل کند بر سه وجه اول بر در آید عمر و تیم بر قوه ستم بر ستم عقاب  
 پسندیده آغوش گرفتن کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت و دلیل کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر  
 دین یابد و اگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت و دلیل بود که خواهشکار و محب فرزند بود و اگر بیند که شیر بر آغوش گرفت و دلیل بود  
 که با دشمن صلح کند آفتاب و انیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان  
 فر گرفت یا بر ملک خویش گرفت و دلیل که پادشاهی و بزرگی یا بدیدار دوست و مقرب پادشاه کرد و اگر بیند که خود آفتاب  
 و دلیل کند که پادشاه کرد و بر خنده و روشنائی آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر خنده و همت و اصل خویش بزرگی و عظمت یابد  
 و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود و دلیل که پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماهیتم

پادشاه  
 اگر بیند که  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت

پادشاه  
 اگر بیند که  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت

پادشاه  
 اگر بیند که  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت

پادشاه  
 اگر بیند که  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت

پادشاه  
 اگر بیند که  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت  
 و اگر  
 در آسیاب  
 غله داشت





تسلیم کند و بعضی از متجران گفته اند که آفتاب خادم تومی بود که آن قوم بطاعت او گردانیدند و از محبت پرستیدند و اگر بیند که آفتاب  
 داشت ای کسی بدو او دلیل کند که بر او خادمی که بکیندی حاصل کرد و بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتاب شکست دلیل که خادمه یا  
 کینک بیمار کرد و یا میر و اگر بیند که آفتاب به او ضایع کرد و دلیل که خادمه یا کینک او بگریزد و یا از او جدا گردد حضرت صادق علیه السلام فرمود  
 که آفتاب در خواب بر نهاده بود اقل زن و دیم خادم سیم کینک چهارم تو ام پنجم زن ششم عمر دراز میقت مال و نعمت هشتم خیر و برکت  
 نهم راحت از جهه زمان الحج بدانکه الحج را بتاری رخورد گویند اگر کسی در خواب بیند که الحج ایمنی خورد و دلیل که او را حج و بیماری رسد بقدر آن  
 کرمانی گوید اگر بیند که الحج داشت یا لباس داد یا از خانه بیرون ریخت و از او نخورد و دلیل که از حج و بیماری اینم کرد و عملی الحله خوردن  
 الحج در خواب در هیچ خیر و منفعت نباشد آما س این سیرین که دیدن آما س در خواب مال بود اگر بیند که برتن او آما س پیدا شده  
 بود و دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل کرد و خاصه چون که در آن آما س بریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر بیند که برتن او آما س بود  
 چنانکه او را پنج نماید و دلیل که بقدر آن مال تلاش باید و اگر آما س چنان نباشد که بدو پنج نماید و دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام فرمود  
 که دیدن آما س برتن پنج وجه بود اقل مالش زیاده کرد و دیم زنی با منفعت خواه سیم پسر آور و چهارم حاجتش را کرد و پنجم  
 اینم کرد و از عیال و اگر برتن خود را آما س بیند و دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل کرد و آما س و اشیا که بیکه اگر کسی  
 بیند که با آما س موی از تن بستر و دلیل که اگر مال دارد و بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل کرد و اگر عیالین بود از غم فتن  
 باید و اگر دام دارد و دوش گذارده کرد و این سیرین که یاد آما س کردن در خواب توانگر را زبانی مال بود و در ویش را گذاردن و ام  
 و کافران نشان مسلمان باشد حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر بیند که در خواب بر تنده وجه بود اقل خبر بدو و دیم سخنمانی را نشاندن  
 سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آما س در تایل بدو و این سیرین که یاد آما س معمول بخواب دیدن خادم بود و اگر  
 معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آن و اگر بیند که آما س بوی داد و دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آما س چیزی بدو رسد  
 گوید که هر آما س که کسی خواب بیند که آن سبب صلاح دارد و از منسوب به او شاه بود چنانکه خدای عز و جل در کلام مجید خود فرموده است قُلْ لَعَلَّكُمْ  
 الْخَيْرُ بَلْ فِيهِ بَأْسٌ مُّسْتَفْهِمٌ وَ مَتَاعٌ لِلْفُنَّائِینَ و اگر بیند که آما س از سنگ بیرون می آورد و دلیل کند که او را سختی پیش  
 قَوْلَهُ تَعَالَى قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْفُرُ بِلِقَائِ اللَّهِ كَذِبًا و اگر کسی خواب بیند که آما س  
 میگرد و از ایل بنگار بود و دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آما س بود و دلیل که بدو خیر و منفعت و بعضی از متجران گفته اند که آما س  
 بتاویل پا و شاه بزرگ بود و او را این سیرین که یاد آما س دیدن آما س بخواب چون معروف بود و دلیل پا و شاه بود و اگر معروف بتاویل  
 نیک و بد آنچه دیده بود با آما س با نگر و و اگر بیند که آما س بی که اخت و دلیل کند که این کس مرد و از غیبت کند و شقی  
 و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر آما س بخواب بیند که از وزن بود آن هم منفعت و قوه و ولایت و الوانانی و نظیر یافتن بر دشمن بود آما س و اگر  
 گوید که آما س که آما س از آفت و دلیل که کینک خبری او را حاصل کرد و اگر بیند که کلوی آما س بدو دلیل که دشمنی و خیر را برگیرد و اگر بیند که آما س  
 ظهور بدو دلیل که با کینک بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آما س را بخت و دلیل که با زنی غریب زمانا کند

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و اگر بیند که پوست آهورا همی خورد و دلیل که او را از زنی خوب روی حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهورا بکوشد یا سیر او را  
 عاید شد و دلیل که او را از زنان مال رسد و اگر بیند که آهورا بکشت و دلیل که از قبل آن اندوگین کرد و این سیرین که بداند اگر بیند که بی آنکه  
 کرد و آهورا و بیفکند و دلیل که نیز کی یازنی را و پیشتر که نبرد و اگر بیند که آهورا وقت شکار بیفکند و دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهورا  
 در خانه او برود و دلیل که از بخت زن غم و اندوه بدور رسد و اگر بیند که آهورا سنگ یا به تیر زد و دلیل که سختی نماند و اگر بیند که بی آنکه  
 که او را بیند چه چیز او را گرفت یا کسی بدو داد و دلیل که در آن کینتری فرزندان حضرت صادق فرماید که دیدگاه بود در خواب بر چهارم  
 بود و اول زن و دوم کینک ستم فرزندان چهارم منفعت از زنان آواز این سیرین که بداند که او را از مرد در خواب چون بلند بود و دلیل  
 کند که در میان مردم بزرگی یا بزرگی کسی بیند که او را نشسته بود و دلیل که بر قدر بلند می آواز نام و با بکشد بلند کرد و اگر بیند که  
 او را نشسته بود و دلیل که با بکشد و نامش ضعیف کرد و چنانکه کس یاد او کند گرمانی که بداند بلند می آواز مردان را و دلیل که  
 بلند می نام کند آن بلند می آواز از زنان در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود بسیاری آویندن و انیال که او را کسی  
 بیند که پادشاه فرمود تا او را بیا و بزند و دلیل که از پادشاه جنت و جاه و بزرگی یابد لیکن و دلیل که در پیش خلق افتد و اگر بیند  
 که شکام آویندن مردمان نظر دوری میکرد و دلیل که بر عدد آن قوم مهتری و فرمان روائی یابد و اگر بیند که در بی بیج و پیر بیاورد  
 و دلیل که بر آن قوم مهتری و فرمان روا کرد و اگر بیند که پیری مجبول و پیر بیا و بخت و مردمان بنظر آه او همی بودند و دلیل که بر خلق  
 همان فرمان روا کرد و چون بیند که خویشان بنظر آه او همی بودند و اگر بیند که خویشان بیا و بخت و محسوس روی بنظر آه او  
 بلکه خود را آنچه همی دید و دلیل که خواهد بر خویشان خود مهتری کند و لیکن کسی مطلع او نکند و جابر مغربی که بد چون و پیر او بخت  
 بود و در لیسان برید و بیضا و دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت بیخته آئینه ابن سیرین که بداند که آئینه در خواب جاه و ولایت  
 بود و اگر بیند که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد و دلیل که بداند بزرگی آئینه جاه و منزلت و ولایت و لغت یابد و اگر  
 بیند که آئینه کسی داد و دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهد و اگر بیند که در آئینه سپین نگاه میکرد و دلیل که از حرمت و جاه و  
 کرامت بیند زیرا که آئینه سپین را مکر و بیند و دانند گرمانی که بداند که اگر مردی در آئینه آئین همی نگذرد و دلیل که اگر زن  
 وی حامله بود پس آورد که بهیم چیزا مانند پدید بود و اگر زن بیند که در آئینه سپین گریست و آئین بود و دلیل که دختر وی آورد که هم  
 چیزا مانند او بود و اگر زن آئین نباشد و دلیل که شوهر او اطلاق دهد و زن و دیگر بخوابد و آئین شوهری دیگر کند و اگر بیند  
 که در آئینه نظر میکرد و دلیل که او را برادر وی آید و اگر دختری نگاه کند و او را برادرش نگاه کند و معزول  
 گردد و ولایت سازد و دوست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی که بداند که روی نیکو در خواب آئینه دید چون محروم  
 بود و پادشاه بود و اگر محروم نباشد تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد آئینه باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که  
 دیدن آئینه بختش وجه بود و اول زن و دوم پسر ستم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم نواز ششم کارکن  
 و پنجم او که اگر مردی غریب آئینه در خواب بیند و دلیل که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر دختر بیند و دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر بزرگتر

باید  
باید

و اگر اجماع بود و اگر بنید که مروی مجهول آئین بدو و در وی نگر نیست دلیل که بدیدن دوستی غایب شادمان کرد و  
 اگر بدیدن در خواب و انیال کوید که اگر بخواب دیدن برشش نوع بود اول بر سفید و سیاه و زرد و سرخ و بر بارنده و نابارنده  
 و بر یکبار انقباض مخصوص است و اگر کسی خوشی خوشی را در زیر بر سفید بارنده و بدلیل که خدای عزوجل بر علم و حکمت از انی و او  
 و مرد و از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بنید که در زیر بر زرد و بدلیل که بهار کرد و بعضی از متقین گفته اند که زنی خواب  
 و از وی بوی عجم و زنده کشد اگر بنید که در زیر بر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار کرد و در زیر که خدای عزوجل بهر تومی که خدا  
 و ستادی نخست بر سرخ بر فراز آن ظاهر شدی اگر بنید که بر فراز بر سر راست باستند و دلیل که بقدر آن فرمان روائی باید و اگر  
 بنید که بر سر سر وی میکشد دلیل که او را با کسی نیکو جا و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل کرد و این سیرین که  
 اگر بنید که بر را در خواب و دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه بدید دلیل که در ولایت خویش  
 رسولان و صاحب خیران فرستد و اگر بنید که بر را از هوا گرفت و بر زمین آورد و دلیل که کارش نیکو کرد و در بزرگی باید و علم حکمت  
 و اگر بنید که بر بر سر وی سایه می کرد و دلیل که در انشال خیر و نعمت بسیار باید و قوله تعالی وَكَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْكُتُبَ وَآفَقْنَا  
 عَلَيْهِمُ الْمَقَاتِلَ وَآلَسَوْا كَلِمًا اگر بنید که از بار جاده در وقت بود و در پوشید دلیل که چندین علم حاصل کند که کس را  
 نبود و اگر بنید که بر بر سر جهان را پوشید و هیچ باران نبود و دلیل که بدو در کافری کوید که اگر بنید که بر را جمع کرد و یا بر داشت یا بخورد  
 و دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش چکانه کرد و جابر مغربی کوید که اگر بنید که بر را میخورد و دلیل که در معیشت او از  
 حکمت بود و اگر بنید که بر سیاه بر فراز موضع جامی گسترده بود دلیل بر خشم و خدا جت حق بود و اگر اندر پس هر که اندران بر نزد یک تر میشد و ظاهر  
 احتشالی نزد یک بود و اگر با بر باران بید و دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بنید که از بار باران می خورد و دلیل که بقدر آن در راحت نیکوئی رسد که  
 با بر باران در حد سخت بود و دلیل که بر ترس از عوای مادی و پدیدار از عوای مسلمانان و اگر با بر برق بید این جمله با شکر و تیر بود و اگر بنید  
 ضاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بنید که در خانه وی و جایگاه شستن بر گسترده شده است و دلیل که در نزد و این است  
 حکمت بود و در انش نیز حاصل کرد و بر قدرتگی و تاریکی حضرت صادق ع فرماید که اگر بخواب دیدن بر نر و جد بود اول حکمت  
 و دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم بر پیغمبر گاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل شصت  
 کوید که اگر سیاه بخواب و دلیل هم و ترس و سختی بود و بر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن اگر از کشت  
 دریا آمد که بتازی آنرا سفید خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود و بر قدر آنچه دیده بود و اگر و با این سیرین کوید که بر باران  
 دیدن بخواب وین بود و اگر بنید که بر وایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود و دلیل که در نیت وی تمام و کمال بود و اگر بنید  
 که بر وایش فرو ریخت تا دیش بخلاف این بود که مانی کوید که اگر بنید که بر وانداشت یا موی بر ویش فرو ریخت و دلیل که آسمان  
 چیزی کند که از آنچه می روی را بدنامی و فساد وین حاصل کرد و اگر بخلاف این بنید و دلیل که قصد چیزی کند که در انیک نامی صلاح  
 وین حاصل آید و اگر بنید که بر وایش سفید گشته بود و دلیل که علم و استی وی زیاده کرد و لیکن بالش را نقصان بود جابر مغربی کوید

باید

باید  
باید  
باید

اگر کسی بر وی خدیش را بخت و بدو یکدگر کند و بدلیل کند که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل  
بر نقصان زینت دین وی کند اگر بشیم بداند که تاویل بر شیم چنانکه تاویل بر او در حرف قاف گفته میشود و خواهد شد  
و انیال که بدیده دیدن ابلیس بچانه دلیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبنده و بیشتر و نوسید از تنگی و هر دوازده بدی است  
و شرف و فساد اگر بیند که با ابلیس در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد و دلیل که در اینجا بر صلاح میل بود و اگر بیند که ابلیس بر وی غلبه کرد و دلیل  
که بر او شرف و فساد و مال بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن می گفت و دلیل که او را از راه بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که ابلیس  
او را نصیحت میکند و وی را خوش می آید و دلیل که او را بهم مال و بهم بن حضرت رسد و اگر بیند که ابلیس دست او گرفت و بجائی میرود  
و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم دلیل که بجای بزرگ مبتلا کرد و بعد از آن بخصیست کسی از آن گناه دارد  
و اگر بیند که ابلیس را بر کردن غلبه نمود و دلیل که اهل دین و صلاح را شادی رسد و اگر بیند که ابلیس ضعیف و درمانده بود و دلیل که  
و مردمان مصلح را قوت بود و کرمانی گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد و دلیل که بهوای نفس مبتلا کرد و اگر بیند که ابلیس چیزی را عطا  
داد و اگر آنچه نیک بود و دلیل که مال حرام یا بد و اگر آنچه بد بود و دلیل بر فساد و دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و محترم بود و دلیل که کار  
مردمان بفساد و قوی کرد و اگر بیند که ابلیس را خواست که بشیر زند و بطلان کند و بکجایت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و دلیل  
و انصاف کند اگر بیند که ابلیس را بخت و دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح و رزق از زمین این سیرین گوید اگر بیند که بر زمین  
داشت دلیل که بر قدر آن و بر آنچه می آید و دنیا حاصل کرد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبع و مانند این و و اندک است  
و دلیل که بقدر آن و بر آنچه می آید و دنیا حاصل کرد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبع و مانند این و و اندک است  
فرماید که دیدن از ریز در خواب ستم و وجه بود و اقل منفعت و دیم خدمتکار ستم متاع خانه ارش این سیرین گوید اگر بیند که بارش  
یا چیزی دیگر بارش می پیچد و او را سود و منفعت بود جابر گوید اگر بیند که دین یا جائه بشین بود و دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام  
است این سیرین گوید اگر در خواب بیند که بازه و رختی را گشاید کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد و مفارقت جوید و او را بسیار  
و تاویل هر رختی در حرف و ال میان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را با تبه بد و پاره بهرید و دلیل که مانند آن در آفرین  
دیگر باید یا برادر یا خواهر کرمانی گوید اگر بیند که آیه فرا گرفت یا بجزید یا کسی بد و او دلیل که اگر سپردار و ویرا سپر سیاه و دیگر  
و اگر دختر دارد و وی را دختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد و چار پای دارد و دلیل که چهار پائی مثل آن جوید حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که  
در خواب دیدن بر ستم و وجه بود و اقل منفعت و دیم خدمتکار ستم متاع خانه ارش این سیرین گوید اگر بیند که بارش  
که از ریز در میان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزی خورد و اگر بیند که از رازی ضایع شد و دلیل که از زن جدا کرد و اگر بیند که از رازی  
بدرید و دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که از رازی با تش سوخت و دلیل آفت و بیماری زن بود و جابر مغربی گوید اگر بیند که از رازی  
بشین یا پنه بود و دلیل که زن او ستیزه و دین دارد و اگر بیند که از رازی و چرکن داشت تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که از رازی  
قرین یا بر شین و داشت دلیل که ویرانی معاشره یا متکبر بود و پیغمبری و انیال که گوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران خلق

باید  
باید  
باید

باید  
باید  
باید

مجدداً میزند و راه تو خید می نمود و دلیل که تحت محبت و بلا گرفتار گردد و بعد از آن بر دشمنان ظفر بیاورد اگر میند که از او مصدق  
 این دلیل که تحت محبت و بلا می روی و در دنیا که تر از آن بود و اگر میند که او نخست و ثواب اگر کرد و بدست دنیا بروی فراخ گردد و با این او  
 نثار کرد و کرمانی گوید اگر میند که نام وی تغییر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی  
 و مثل این و دلیل بود که او را بنده خرید و نیکی یا دسازند و اگر بخلاف این میند مردمان و برادرش و بدی یا دکنند و اگر میند که او با دشمنان با  
 یاق می شد و دلیل که در شغل خویش عدل انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این میند دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر میند که  
 صلاح نفسا و سهیل شد و دلیل که بر جنبی و او بار می وی و اگر بخلاف این میند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیا می وی از او با  
 این سیرین گوید از او را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر میند که از او بائی داشت دلیل که با بزرگان  
 اگر میند که با از او با جنگ و نبرد میگرد و برادر خیره شد و دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سر انجام دشمن را که کند اگر میند  
 که از او با رجست و گوشت و می بخورد و دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد و مال بستاند و هزینه کند جابر مغربی گوید اگر میند که از او با رجست و  
 دلیل که بیم از دشمن بود که دشمن ویرانها کند و از او با نشسته بود و از او با مطیع و فرمان بر او بود و دلیل که دشمنی  
 بزرگ ویران مطیع و فرمان بر او بود و کارهای او نظام کرد و اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان میند دلیل علم بود اگر میند که  
 بی خود و دلیل که بقدر آن ویرانم و اندوه رسد اگر میند که کسی اسپندان بود و دلیل که غمی از آنکس بر دل می حاصل کرد و اگر میند که  
 اسپندان او بخشی را و غمی از وی بر دل او حاصل کرد و اسماعیل اشعث گوید اگر میند که اسپندان داشت لکن بخورد یا بکشی او  
 یا از خانه بیرون نکند و دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود و اسپ و انیال که بد که اسب تازی را بخواب دیدن و دلیل بزرگی  
 و عز و جاه بود اگر میند که بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مطیع و فرمان او بود و دلیل که عز و بزرگی و دولت یا بد بر قدر  
 نیکوئی و قیامت اسب اگر میند که اسب را فر گرفت و نه تازی بود یا کسی بد و او بروی نشست دلیل که شرف و بزرگی یا بد  
 لکن کمتر از آن که در اسب تازی گفتم و اگر میند که از آن اسب چیزی کم بود یا زین یا ندزین یا کلام و دلیل که بر قدر آن نقصان  
 و بزرگی او بود اگر میند که اسب ویران نبانوه و دراز بود و دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر میند که خوب  
 اسب و بریده بود و دلیل که ویران خادمان و چاکران نباشند اگر میند چیزی از اندام اسب و ناقص بود و دلیل که بقدر آن از عز و شرف  
 او نقصان بود اگر میند که با اسب جنگ و نبرد می کرد و اسب غالب بود و فرمان بروی نبود و دلیل که مصیبت و کناه که محبت  
 این سیرین گوید اگر کسی میند که بر اسب برهنه نشسته و دلیل که مصیبت و مصیبت و کناه او بیشتر بود اگر آن اسب اگر کسی دیگر بود اگر میند  
 خداوند اسب را بود اگر میند که اسب برهنه بود لکن مطیع او شد و دلیل بزرگی و شرف او بود اگر میند که بر اسب نشسته بود و آن  
 اسب بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود و دلیل آنکه گفتیم از کناه بیشتر و صعب تر کند و اگر میند برهنه نشسته بود و آن اسب و  
 می پرید یا میند که آن اسب را پر او بود چون مرغ می پرید و دلیل که بر شرف و بزرگی بود و درین و دنیا و باشد که خداوند شرف کند  
 کرمانی گوید اگر میند که بر اسب ابلق نشسته بود و دلیل که کاری کند که بروی کواهی و برسد و اگر میند که بر اسب سیاه نشسته بود و دلیل که

سجده

سجده

سجده

سجده

کند که بر مال و همتی مایل گردد و اگر بگوید که بر اسب کیت نشسته بود دلیل که از پادشاه فوت و بزرگی یابد و اگر بگوید که بر اسب  
 اشخربود دلیل که بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بگوید که بر اسب زرد بود دلیل که از یک بیماری یابد و بر اسب سهندین  
 دلیل بود و اگر بگوید که بر اسب سحر بود دلیل که بر خیر و صلاح و اگر بگوید که بر اسب پلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بگوید که از اسب فرو آمد  
 دلیل که از شرف و بزرگی است و اگر بگوید که از اسب بر میند فرو آمد دلیل که از گناه و محصیت باز آید و اگر بگوید که بر اسب نشسته بود و اسب  
 تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن را و خطر نیابد و اگر بگوید که اسب ای تاخت تا  
 جنگ کند دلیل که از وی کتابی در وجود آید یا ترس و هوی بدور سد بر قدر تا حق اسب و اگر بگوید که بر اسب نشسته بود  
 و اسب او را در مسجد برود دلیل که هیچ خیر اندر این نبود مگر بگوید که اسب او را از آنجا بیرون آورد و اگر بگوید که اسب او را در  
 همی کرد دلیل که مال دولت یابد و اگر بگوید که اسب با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردمان را از آن شکفتند  
 و اگر بگوید که اسب بیکانه در سرای وی درآمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دارد در سرای او در کوچه وی درآمد بقدر  
 و حقیقت اسب در آنجا مقام سازد و اگر بگوید که اسبی از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نام دارد در کوچه  
 او غایب گردد یا بمیرد یا بر کوبد اگر بگوید که اسب مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل کند که زن  
 خواهد و بروی مبارک بود اگر بگوید که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار نباشد و اگر بگوید که آن  
 مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر آن مادیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوب  
 روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پر پیروز کار باشد و اگر اشقربود دلیل که آن زن  
 عزیز و خداوند جا بود و اگر کیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بگوید که آن مادیان کره داشت  
 دلیل کند که زن را فرزندی بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسربود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزندی زن دختر بود  
 اگر بگوید که گوشت اسب همی خورد دلیل که پادشاه او را خاستار کرد و در خویش تنزدیک کند و اگر بگوید که در پس کسی  
 با اسب نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بگوید که اسبان بسیار پیر من سوار یا کوچه او بود  
 دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان کرد و اسمعیل اشعث گوید اگر بگوید که بر اسب رهوار نشسته بود دلیل که  
 نو اگر با صلاح بر نی نجا دهد و اگر اهل آن نباشند زیرا که با چنین زنی مصاحبت افتد و از او منفعت و نیکی یابد و اگر بگوید که کوش  
 اسب او بریده بود دلیل کند که پیغام محترمانه از وی بریده و اگر بگوید که اسب برآمده و زود برخواست دلیل کند که  
 بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر با بر صلاح باز آید و اگر بگوید که اسبی خریه بی دم و بر او نشسته دلیل کند که زنی بی حسن از بزرگی  
 بخوابد و اگر بگوید که با اسب بهوایر شده و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل کند که بر دست پادشاه ملاک گردد و اگر بگوید که اسب  
 ویرا لکزد و یا بگریزد دلیل که عیالش بهانه مشغول گردد و اگر بگوید که کسی اسب میرا بدزد یا پیغمبر بود که عیالش ملاک گردد و اگر بگوید  
 که اسب وی کم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بگوید که اسب خویش را بفروخت دلیل که خود جا و او کم رود یا عیال از وی جدا





[illegible]





چنگ و برده‌ی کرد دلیل که او را پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که اله بخرد یا پادشاه کند دلیل که بقدر آن از پادشاه مال و  
 پادشاه اگر بیند که اله بر سر روی وی نشسته بود دلیل که ویرا پیری آید و پادشاه کرد حضرت صادق ع فرماید که اله در خواب و در وجه  
 بود اول پادشاه ظالم و متکبر و خوشنور و در حکم عالم بی دیانت و حیلنی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که اله داشت دلیل که عمر او دراز بود  
 الوی سرخ این سیرین دید اگر خواب الوی سرخ و سیاه را وقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته بود و الوی زرد و دلیل بر بیماری کند  
 اگر بیند که الوی زرد و سیاه که بطعم شیرین بود و فراغت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل که بقدر آن مال خواسته نیاید اگر بیند که الوی  
 زرد و در وقت آن نبود دلیل که بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود این سیرین که پدید آمدن کردن اگر  
 که در پیش قوی امامی کرد و امام نبود دلیل که در آنقوم مستر گردد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که چاقی  
 ابنوه در نماز بود و ویرا گفت که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با که امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد دلیل که در آنجا  
 سیر و فرمان روا کرد و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر کعبه و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان  
 کرد دلیل که برایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود این سیرین که پدید اگر بیند که امامی میکند و لیکن نشسته بود  
 دلیل که بیمار گردد و اگر بر پهلوی نشسته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل که زود بمیرد و آنقوم بر وی نماز نکند و اگر امام بر نجاب و پیر  
 دلیل که شرف و منزلت یا بدر بر قدر و شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی نباشد و یا امام در خانه رفت یا امام او را چیزی  
 بخشید یا امام طعام خورد و دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بدورسد جای بر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل که با دولت  
 و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در شهری استعجیل اشعث گوید هر چه که در امام در خویشتن زیادت باشد و در ولایت  
 و بزرگی او زیاده کرد و بمیرد چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت و نقصان کرد و حضرت صادق ع فرماید که امامی که در خواب  
 بر شش وجه بود اول فرمان روائی و دوم پادشاهی بعدل و انصاف ستم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم این از سیرین  
 و اگر بیند که امامی زن آن کرد و دلیل که بر او و ضعیفان دالی کرد و اگر بیند که امامی از آسمان فرو آمد و قوی را امامت کرد و دلیل که  
 که رحمت بود بر اهل زمین و اگر بیند که بر مرده نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روائی یا بد امر و این سیرین گوید که خوردن امر و  
 بوقت خود چون سیرین بود و دلیل که مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود و بیماری بود اگر بیند که امر و میخورد و زرد بود و دلیل که پدید  
 گردد که نه بسکام بود و اگر امر و بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر ترش بود اندوه بود و کرمی گوید  
 امر و سبز و شیرین بوقت خود دید یافتن مراد بود و اگر بیند که امر و را بهی خورد و دلیل بر منفعت بود حضرت صادق ع فرماید که خوردن  
 امر و در خواب بر پنج وجه بود اول مال حلال و دوم تو اگر سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امر و میخورد  
 دلیل که از مردی بزرگوار منفعت یا بقدر آنکه خورد و بود اما نه و انیال گوید که اصل نماز نجاب مال بود لیکن بقدر حاجت مردم  
 که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود و اگر بیند که انار از دخت برید و بخورد دلیل که از نانی با جهل منفعت یا بد این سیرین  
 گوید که انار شیرین نجاب بیند مال صحیح کرده بود و بعضی از مجربان گفته اند که یک انار شیرین خوردن نجاب هزار درم بود که سیاه و

بسیار است  
 و در خواب  
 و در وقت

و در وقت

و در وقت



باز

حسین

نشان

که گوشت از اندام خویش می برید و در پیش مرغ می افکند دلیل کند که ازاله خویش چیزی می بخشد جابر مغربی گوید که اندامی از اندام حرامی  
 پناه گشت دلیل کند که بر است نبوده ام خصل گوید که بر رسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی سنگر دیده ام فرمود چه دیده عرض  
 کردم جواب دیدم که باز از اندام تو بریده و بر کنار نهادند رسول خدا فرمود که غلطه را پس بگیر که در کنار تو بزرگشت و بعد از آن از غلطه  
 حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پروردید انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب غنیمت بود از مالها و یکی بود از کارها  
 زیرا که در وی شغای در دما است و شهادت روزی بسیار بود چنانکه حقیقتی در کلام مجید خویش فرموده است **لَا تَقَالِي فِيهِ شُغَاءً**  
**لَنَا** پس حضرت صادق فرماید که خوردن انگبین در خواب برسته وجه بود اول روزی حلال دوم مغفرت سیم کام دل یافتن و عین  
 روزی بود که بی منت به درسد قوله تعالی **وَإِن كُنَّا عَلَيْنَا لَنَقُولَنَّ لَكَ أَلَيْسَ لَكَ مِنَ الْإِسْمَاءِ كُنُوزٌ مَّا لَا تُحِصُّ بِهَا أَمْكَالُ الْأَشْيَاءِ** دست راست  
 و تاهیل پنج ناز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از متبرکان گفته اند که انگشت حسین لیل ناز با درو انگشت سحر ناز  
 و لیل بر ناز میشین کند و انگشت میان و لیل بر ناز و بگو انگشت بصر و لیل بر ناز شام و انگشت خضر و لیل بر ناز خفتن و صلاح ناز  
 بود و اگر بید که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزندان برادرش میرود و بعضی گویند فرزندان برادرش را مصیبت رسد کرمانی گوید  
 اگر بید که انگشتان را در هم گشته داشت دلیل که سگ دست کرد و اگر بید که انگشتان را با هم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزندان  
 را بصلاح آورد و اگر بید که انگشتان را بگرداشت در هم بسته بود دلیل که کار با بر وی بسته کرد و در هم بر اهل بیت او جابر مغربی گوید  
 که اگر بید که انگشت حسین او بریده است دلیل که توهانالش بود و اگر بید که انگشت سحر او بریده است دلیل که در فریضه نازا تقصیر کند  
 و اگر بید که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهری پادشاهی یا بزرگی میرود و اگر بید که انگشت بعد از میان او بریده است  
 دلیل کند که ویران مال زبان افتد و اگر بید که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزندان او و میرود و سمعیل اشعری گوید که انگشتان  
 پای در خواب دیدن دلیل بود زینت آرایش و اگر انگشتان پای درشت قوی میند دلیل کند که کار که خدائی او ساخته کرد و اگر انگشتانین میند کاروی ساخته کرد  
 انگیز که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن توانست دلیل کند که ویرانی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان و سوسه پای  
 گسرید دلیل کند که کاروی بازگردد شود حضرت صادق فرماید که دیدن انگشتان در خواب برشش وجه بود اول فرزندان و سیم برادران و  
 سیم خادان چهارم باران پنجم قوه ششم پنج ناز و اگر بید که انگشتان وی بیفتاد یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم او را  
 مفارقت افتد و اگر بید که انگشت او شکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او میرود و خلفه او ضعیفی گوید اگر بید که از انگشت حسین  
 او شیر می آمد یا از انگشت سنا بر او خون می آمد دلیل که انگس با مادر زن خویش خساد کند و اگر بید که از انگشت او آواز برآید دلیل کند  
 که در میان خویشان باو گفتگو رود انگشتی و انبال گوید که چون میند نقش و صفت انگشتی دلیل که از خدا ویش بد و غیره می رسد  
 و اگر بید که انگشتی کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد بر خشی بیاید یعنی اگر لایق پادشاهی باشد  
 پادشاهی بیاید و اگر توانگر بود مال یا بد بقد و بقیمت انگشت اگر بید که در مسجدی یا در نماز یا در غزائی انگشتی بوی داد و اگر انگس  
 زاهد و عابد بود و اگر بازرگان بود و نصیب و نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر بید که انگشتی سلطان بوی داد

نشان

ولیل کند که از مملکتی سلطان بوسی دهد یا ولیل که از مملکت سلطان بدی بدورسد یا بخویشان وی این سیرین که دیگر سیرین  
که انگشتی او صنایع شد یا دوز بدو ولیل بود که در کارهای او آفت و دشواری پیدا کند و اگر بیند که انگشتی او شکست و شکست  
باشد ولیل که بر زنی او و جاده او بشود و آبرو و هیش بر جای بود و اگر بیند که انگشتی نکین او شکست دلیل کند که آبرو و هیش  
بشو و جاده او بر جای نماند و اگر بیند که انگشتی خود را کسی بخشد دلیل کند که از آنچه دارد و ازال مال و ملک برخی از آن به بخشد و اگر بیند که  
انگشتی خویش را بفروخت و بهیاست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفروشد و هیز کند و اگر ببیند آنچه دارد برخی از آن  
بفروشد که رانی گوید اگر بیند که صناعت انگشتی او ناپسندیده است دلیل کند که از نالی که دارد چیزی بشود و پادشاه  
بروحتی شم کند و اگر بیند که انگشتی او از نیم بود و ولیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتی از زربیند دلیل کند که  
دارد و ازال کرده و حرام حاصل کند و اگر انگشتی از آس بیند آنچه دارد و اندک حقیر بود و اگر بیند که انگشتی از زربیند یا از  
سپید روی بود و ولیل بود بر آنچه در آس نگه میدارد انگشتی از زرب بود و بر بود و حقیر از آن جمله بود که نفعیم جابر مغربی گوید  
اگر بیند که در انگشت وی انگشتی آس بود و ولیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از برنج یا از نس بود و ولیل کند که  
مردمان بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدورسد و اگر بیند که از نیم است آن  
... و اگر بیند که انگشتی خویش نزد کسی با مانع نهاد یا وی را بخشد و انگس هم انگشت بدور کرد و ولیل کند  
که بیند که انگشتی خود را ولیل بود و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ... و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ... و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ...  
چیزی بدور کرد و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ... و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ... و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ...  
که زنی بنکاه و خواهر و اجاقش کند و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ... و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ... و اگر بیند که انگشتی بدو در سر ...  
جانی افتد و اگر بیند که انگشتی او دو انگشت داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو انگشت موافق یکدیگر اند و ولیل کند که خداوند  
غلام توده بود و اگر بیند که از آن دو انگشت یکی سفید و ولیل کند که از دو کلاه یکی را توبه کند و اگر بیند که نامه نوشته بود و  
خویش مهر کرد و ولیل کند که چیزی پنهان بدورسد و اگر بیند که نامه کشاد را مهر کرد و ولیل کند که چیزی آشکار بدورسد و  
صادق عارفان بدید که انگشتی سیمین و خواب بر چهار وجه بود اول مملکت و دویم زن ستم فرزند چهارم مال و انگشتی زین  
نیک بود و اگر زنی بیند که انگشتی با کین از او صنایع شد و ولیل کند که حشمت و جاده او بشود یا فرزندش میرد یا مالش تلف شود و اگر  
بود و هر دل کرد و اگر زن بیند شوهرش میرد یا فرزندش انکور و انیال انکوید که خوردن انکور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و  
ترس و بیم بود و معتبران گفته اند بعد و روانه انکور که خورده بود زخم چوب یا زایانه بر او زنند و خوردن انکور سفید بوقت خود غم  
و خیر و نیاید و پیش از آنکه امید دارد و بغیر وقت ولیل کند که از آن خداوند خواب سخن چیزی برین آید و ولیلش بر صرف  
و اگر انکور سنج بیند پس ولیل کند این سیرین که بدید که انکور سفید بوقت خود خوردن ولیل بر مالی کند که بشواری بدست آید و انکور  
خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انکوری که پوست او سخت بود و ولیل که مالی بشواری بدست آید و هر انکوری که پوست  
روشن بود و ولیل بر مال حلال کند و هر انکوری که آب او تیره بود و ولیل بر مال حرام بود و هر انکوری که بدیدار سنج نماید ولیل بر مال  
کند و هر انکوری که بدیدار سیاه نماید ولیل بر غم و اندوه کند و هر انکوری که شیرین تره یا کیره تر بود و ولیل بر مال جاده نماید و هر



سینه

کرد و جابر که کسی بیند که انکور بر سر چوبین می نشو و دلیل که خدمت یا دوشاه شکر کند و اگر مید که آن محضر از پشت و کل بود و دلیل که  
خدمت یا دوشاه با دینت کند و اگر محضر از پشت بخت یا از کج و سنگ آهنگ بود و دلیل که خدمت یا دوشاه با سیاست و با سبقت کند و اگر بیند  
که انکور پشت می نشو و دلیل که خدمت زنی بزرگ کند و اگر بیند که انکور در کاشی می نشو و دلیل که خدمت شخصی خدیش کند و اگر بیند که انکور بر می نشو و دلیل  
آن در حتما می جمع کرد و دلیل که از بخت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انکور در محضر با ابرو عیال می نشو و دلیل که او را عیال و در آن  
پادشاه منفعت رسد و اگر بیند که او را بجز خدمت پادشاه نباشد و دلیل که کاری از بسبب می حاصل کند و در حضور محقق می نماید که انکور سیاه و سیاه  
بوقت خود و بوقت بر تبه و به بود و اول فرزند نیک و دوم علم فرزند ستم مال حلال و فرزند نیک و خواب ستم آن حضرت که نیک بر تبه و به بود و اول مال نیک و دوم  
دویم فراموشی نیک ستم آن خطا اما نیا قیله تکلم کام فییر یغاث الناس و فییر یغصرون افنا و ن این سیرین که بد اگر کسی بخواب بیند  
که بروی در افتاد و دلیل تشویش او بود و خاصه و جنگ و خصومت و اگر بیند که از جای پای بریز افتاد و چنانکه از کوبی یا از با می یا از  
دیواری دلیل کند که از زنی در می بود تمام بهر نشو و درش حاصل کرد و درانی که بد اگر کسی بیند که از جای پای بریز افتاد و دلیل بود که میدی دارد و بر نیا بد و ماسک  
و اگر بیند که از کوه بریز افتاد و دلیل که حالش بد کرد و بعد از افتادن برین در پنج رسد و اگر بیند که زخمی سخت بوی رسد و خون از آن جھنم روان شد و دلیل که بعد  
ازخم و یا زبانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد و دلیل که زخمی و مالی بد و رسد و اگر بیند که بیفتاد و ز سینه بد و ز سینه  
و دلیل کند که سهل آسان بود و اگر بیند که آستانه خانه او مار و کرم و کزندگان بیفتاد و دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ  
غم و اندوه رسد و اگر بیند که بام خانه یا دیوار بر افتاد و دلیل کند که مال بسیار بد و رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب ستم  
و شادان کرد و کارش کشا و نشو و اندام علم بالقاب حرف الباء من کتاب کامل البقیه : باوام این  
که بد که باوام در خواب دیدن نعت و روزی بود لکن بخت بدست آید اگر بیند که باوام فرا گرفت و دلیل بود که بعد  
آن ویران نعت و روزی بود و دشوار بدست آید و معجزان گویند که تاویل باوام در خواب علم بود و شفا از پنج چون مغز او  
بیند بهتر بود که زانی که بد اگر بیند که باوام با پوست و پشت یا کسی بوی داد و دلیل که از مز و بخیل چیزی یا بد بختی اگر بیند که از مغز او  
نخ روغن سیرین آورد و دلیل کند که از مردی بخیل ویران بعد از آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن باوام در خواب مال  
و نعت بود اما اگر باوام با پوست بیند و دلیل کند که از مال قدری برنج و سخی بدست آورد و چون باوام با پوست بیند و دلیل که  
مال باستانی بدست آورد و حضرت محقق می نماید که دیدن باوام در خواب برود و وجه بود و اول مال نهانی حاصل کرد و دوم  
از بیماری شفا یابد بد اگر این سیرین گوید که و از ده چیز است که بیند خواب را دلیل بر پادشاهی بود و اول آنکه بیند که سینه  
او را ام کرد و دوم آنکه بیند که علم شریعت و دین ستم آنکه گوش می شنود پیش خود بیند یعنی نظر قامت و نماز بود و چهارم آنکه بر سینه  
او خطبه کرد و پنجم آنکه جامه رسول پوشد ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد و هفتم آنکه بیند که اوقات یا با شتاب کرد و  
هشتم آنکه بیند که تن او رو و خانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر کشته است و دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جامع  
شده است یا زدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد و از دهم آنکه بیند که چشم او مانند گوی شده است این و از دهم

سینه

سینه

در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی و انیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه داد و دلیل که بر مردمان  
 خویش رئیس و ولی کرد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه و دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و روزی عمر او اگر بیند که بر  
 پادشاه کلاه چرخ و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر حق  
 بود دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بیند که پادشاه را باو گرفت و بضایان او شد دلیل که مملکت جهان بجز و بر آن  
 قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه کردید دلیل که بیند خواب تو انگر کرد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سرای او در آید چنانکه در این  
 او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل ان موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی اِنَّ الْمُلُوكَ اِذَا خُلُوْا قَرْعَةً  
 اَقْبَلُوْا وَّاجْعَلُوْا اَعْرَاجَهُمْ اَهْلًا اَذَلَّهُ و اگر بیند که دادن او با نجا چیزی منکر نبود دلیل بود که هیچ حضرت و زیان بهسل  
 آن موضع نرسد که بانی گوید اگر بیند که پادشاهی بر دو و دوش نبرد و بروی نگر بیند که نفس نساغند و جنازه او بزرگشتن دلیل  
 که بعضی اسیری او ضرب کرد و باشد که متکدر و در بخور کرد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سرائی او بود یا سرائی او کعبه بود دلیل  
 بود که هرگز مملکت او از او ال نماند و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که کسی سلام میکرد و یا کسی سلام بد و دلیل اینی بود از غم و اندوه  
 و خلوه و در چنانکه محتالی فرموده سلام علیکم طیبتم فاذا خلوا خالدا بین و اگر پادشاه بیند که رس و دست و دست  
 یا دست در رس زده بود دلیل بود که برادر است و در بر جاده عدل و انصاف تمام نماید قوله تعالی وَاَخْتَصِمُوا لِحَبْلِ اللَّهِ  
 جَمِيعًا جَابِر مغزنی گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را در لباسی بنویسند  
 بیند در سرائی یا در کوچه که منسوب با بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاده وی و خدم و خشم و مال و خزاین  
 او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تا ویش بخلاف این بود که بانی گوید اگر بیند که پادشاه بروی خفته بود دلیل که پادشاهی بروی نماند  
 و اگر پادشاه بیند که زمین فرو شد دلیل که از روی پادشاه او را حرم و منزلت یغیر از حضرت صادق فرماید اگر کسی پادشاه را  
 روی و خرم بیند دلیل بود که کار او گشاده کرد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کاری کند که زود فصلح با آید و اگر حاجب یا در بیند  
 که از شعله فرو مانده و با حقیقت برادر رسد و اگر بیند دلیل که او را کسی اقامت رسد و اگر طایران پادشاه را بیند دلیل که شغل او فصلح با آید  
 و ندیمان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده کرد و اگر وزیر پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را اقامت کند و چیزیکه از دست او رفته بود  
 بدست او باز آید و اگر چاکران و کینش دلیل کند که کسی او را اقامت کند که از شغل و دن عاجز کرد و اگر پرده باز پادشاه را بیند دلیل بود  
 که کار بسته او گشاده کرد و اگر متعنه زن پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده دهد و بدو روغ و اگر زندانیان پادشاه را بیند دلیل بود که  
 غمگین و مستمند کرد و اگر حلاله پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل کرد و اگر ویر پادشاه را بیند دلیل کند که انچه سجد میباید  
 و اگر سلاح پادشاه را بیند دلیل کند که از فی منفعت یابد و اگر رکاب پادشاه را بیند دلیل کند که سخنی دروغ بچای صل شد و اگر آواز  
 او را پادشاه را بیند که او را غم فایده رسد و اگر جامه او را پادشاه را بیند دلیل که کار او نیکو کرد و اگر و اوت او را پادشاه را بیند دلیل  
 که او را از زنان چیزی حاصل کرد و اگر فاسد او را پادشاه را بیند دلیل که خرم کرد و مال حاصل کند و معیال اشعث گوید اگر بیند که پادشاه

خداوند  
بزرگوار

محدث

محدث

محدث

محدث

بشتری در آمد و بر پادشاه شهر غلبه کرد و لیل کند که کار آتش فتنان و آفت پذیر بود و اگر بید که پادشاه و شهر او یعنی خانه اوجخت  
لیل کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عیش فرماید یا تیله این سیرین کوید که پاتیل در خواب ویدن که بانوی خانه بود  
او اگر بید که پاتیل نو بخرد یا کسی بدو داد و لیل کند که بانوی خانه را آفت رسد که مانی کوید اگر بید که در پاتیل چیزی بود از خود  
لیل بود که ورا از که بانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بید که در پاتیل چیزی ناخوش بود از طعام و لیل بود که ورا از که بانوی خانه  
ضرر رسد این سیرین کوید که پاتیل در خواب چیزی زیاده نبود با و این سیرین کوید اگر کسی بید که با دست همی جست و لیل بود که  
مردم آذینار بهم و ترس بود و اگر بید که با و چنان سخت بود که در خانه از ای کند و خرابی همی کرد و لیل کند که اهل انداز را بلا و صیبت  
از طاعت طاعون و سرجه و مانند این که مانی کوید که با و سموم در خواب لیل بر بیماری سر دگند و با و محتدل سر ویدن در خواب لیل  
بیماری شوره بود و در آن و یار و با و محتدل ویدن و لیل بر تن درستی بود از مردم آذینار و موجب نیکو فی و کسب انداز کند و اگر بید  
که با و را از جای بجای میبرد و لیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را با و زمین برده باشد و اگر بید که با و  
با کرد و تاریکی بود و لیل کند بر ترس هم و اندیشه آفتهم جابر مغربی کوید اگر بید که او را با و ی سخت بسوی آسمان سازد و لیل که اهل از کرب  
بود و اگر بید که او را با و آسمان زمین آورد و لیل بود که بیمار کرد و در وقت شفا یا با و حضرت صادق مخوفاید که ویدن بود و در خواب بر نه چشم  
بود و اقل اشارت و تیرم فرمان روانی سترم مال چهارم مرکب خیم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راست و اگر بید که با و  
نشسته بود و لیل بود که بزرگی و فرمان روانی یا با و اسمعیل اشعث کوید اگر بید که با و مغرب نرم جست و لیل که مردم آذینار را اهل لغت  
از یاد کرد و اگر بید که با و شمال نرم همی جست و لیل کند بر شفا و راحت آذینار و اگر بخلاف این بود و لیل خیر نباشد و اگر بید که او را از  
همی شنید و لیل که خیر پادشاه بزرگ در آن و یار کسره کرد و اگر بید که با و مردم آذینار را بر گرفت و بهر او بر و لیل بود که آن مردان شرف  
و بزرگی یابد با و در با کرد و لیل این سیرین کوید که اگر کسی بید که در میان مجمع مردمان با و در چنانکه مردمان او را از آنرا شنیدند  
و لیل که خفی زشت کوید که مردم بروی افکند و بسبب آن در میان مردمان رسوا کرد و اگر بید که با و نرم را کرد و او را از آنرا شنیدند  
تا ویش بخلاف این بود و اگر این خواب مردی بید و بید و لیل که او را خرمی رسد که مانی کوید اگر بید که با و دی را کرد و او را از لیل همی بود  
ناخوشی داشت و لیل کند که کاری کند که مردم بر او تشنیه کنند و او را علامت کنند و بهی و او کوید و اگر بید که او از دست و بوی ناخوش  
داشت و لیل کند که آن کاری پیایده جدا کرد و خیرش در آن بود و اگر بید که بر قصد با و ی را کرد و مردمان بر او بخندند و او شرم  
میداشت و لیل بود که از کاری بی شغل میشت او ساخته کرد و حضرت صادق مخوفاید که با و در آن در خواب بر چهار وجه بود و اقل سخن  
زشت و دوم تشنیه سترم کاری علامت چهارم سوای اگر بید که با و را قصد را کرد و لیل بود که آنکس بدین وجه مذنب بود با و در  
نوعی است از تر تا این سیرین کوید اگر بید که با و در وقت همی خورد و لیل بود که حاجت او را کرد و او را و یابد زیرا که رسول خدا فرمود  
الحديث ما اطلب الباك وما اطلب الباك يعني بوی خوش و چه خوش بوی تو حضرت صادق مخوفاید که خوردن با و در وقت  
در خواب سه وجه بود و اقل حاجت روانی و تیرم کام یافتن سترم و یار غایب ویدن با و رسیه بدانکه با و سه مهره دوک بود که مانی

خداوند  
بدرخشان  
سیرت

باران

اگر سینه زنی که با درسیه بیفت یا کسی بدو او دلیل بود که او را خدوئه یا کینه کی حاصل کرد و اگر سینه زنی که با درسیه از و کت او بقیه دلیل  
 که مهر او از شهر بریده کرد و با درخشان این سیرت کوید که با درخشان خوردن در خواب اگر بوقت بود و اگر بیوقت بود و اگر نخته بود و اگر خام دلیل  
 بر عظم و اندوه بود و بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک و کیسان بود که مانی که یادگر میند که با درخشان بسیار داشت لیکن جمله را به بخشید  
 یا بفرخواست یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن بخورد و دلیل بود که از عظم و اندوه رسته کرد و با درخشان این سیرت کوید که مانی که یادگر میند که بر  
 پشت یا سبک داشت دلیل که بقدر جنس آن بار ویران منفعت رسد و اگر میند که بر پشت بار که آن داشت دلیل که گناه و معاصی بسیار  
 کند قوله تعالی لَیْسَ لَکُمُ الْکُفْرُ الْاَوَّلُ وَ لَکُمُ الْاِیْمَانُ الْاَوَّلُ وَ لَکُمُ الْاِیْمَانُ الْاَوَّلُ وَ لَکُمُ الْاِیْمَانُ الْاَوَّلُ وَ لَکُمُ الْاِیْمَانُ الْاَوَّلُ وَ لَکُمُ الْاِیْمَانُ الْاَوَّلُ وَ لَکُمُ الْاِیْمَانُ الْاَوَّلُ  
 لکن داشت دلیل بقدر جنس بار ویران منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر میند که آن بار ملک آن بود و خیر و شر آن بخداوند و خدا  
 بار کرد و باران و انیال کوید که باران در خواب رحمت و برکت بود و از خدا یتغی که برین مکان چون باران عام بود و وجهی بار رسد و  
 وَ هُوَ الَّذِیْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَ یُنْشِئُ السَّحَابَ الْمُحْشَرَّ وَ خَافَ مِنْ نِجْمِهِمْ یُشْکِرُ لَکُمْ وَ یُؤْتِیْکُمْ مِنْ نِجْمِهِمْ یُشْکِرُ لَکُمْ وَ یُؤْتِیْکُمْ مِنْ نِجْمِهِمْ یُشْکِرُ لَکُمْ  
 باران خواهد شد بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بر سر آن کوهی که آن باران سخت بسیار بود و بر آنجا حای و کوهنار و برینچین دلیل  
 برینچ و بیماری بر باران موضع و سختی که باران رسد و اگر میند که باران آهسته می بار و دلیل کند بخیر و منفعت اهل آن موضع و اگر میند که آهسته  
 سال اول ماه باران بار و دلیل کند که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاده و پدید گردد و اگر میند که باران تیره و سخت بود که بسیار دلیل  
 بر بیماری که در آن سال یا در آن ماه کوید که باران سخت نه بوقت خویش بسیار دلیل بود که در آن و یا در آن سال یا در آن ماه رسد  
 و اگر میند که آب باران مسخ میگرد و دلیل کند که از ترس و بیم این کرد و اگر میند که باران بر سر و می بسیار دلیل بود که بفرود و با سوز  
 و منفعت باز آید و اگر میند که باران بر سر مردمان چون طوفان بسیار دلیل بود که در آن و یا در آن مکان مغاجات نفوذ یافته بدینا و دیگر  
 میند که از هر خطره باران آوازی آمد و دلیل کند که آوازه و آواز چاه اوز یا و کرد و اگر میند که آب باران مسخ می گرد و دلیل بود که از ترس و بیم  
 این کرد و اگر میند که باران عظیم می بارید چنانکه جو به از آن روان بود و زبانی بد و زرسید دلیل که پادشاه و منصب کند و شرف و  
 از خود باز دارد و اگر میند که از آن جو به نتوانست گذشت دلیل که شتر پادشاه از خود دفع سازد و اگر میند که آب از هوا می آید کرد و  
 باران دلیل کند که عذاب حق تعالی و بیماری در آن موضع بدید که مانی کوید که میند که بجای باران انگین می بارید و دلیل که نعمت و  
 در آن و یا بسیار باشد و هر چه که میند که از آسمان می بارد و تا ویش از بعضی آنچه بود و اگر میند که آب باران همی خورد و آب آن صافی و  
 بود و دلیل کند که بقدر آن خیر و راحت بد و رسد و اگر میند که آب باران تیره و ناخوش بود و دلیل که بر قدر آن بخت و بیماری که شتر حضرت صا و قی  
 فرماید که دیدن باران در خواب بر دوازده وجه بود و اول رحمت و تقیم برکت ستم فریاد و خشن چهارم بخت و بیماری پنجم بلا ششم کارزار ستم  
 خون برینچ ششم فتنه ششم فتنه خط و هم امان یا فتن یا دهم کفر و دوازدهم دروغ بارانی این سیرت کوید که اگر کسی میند که برین او بارانی  
 داد و نیت پادشاه بود و دلیل بود که نام نیک او و مدح و ثنای او و پیش مردان فاش کرد و اگر بارانی او از جهت جامه بر و بود و دلیل  
 است که او را خیر وین و دنیا حاصل کرد که مانی کوید که میند که بارانی او از ششم بود یا از گشتان یا از پنبه و کونه بر و بود و دلیل برینکونی

بازوی

بود اما بارانی نزد دلیل بر پنج و چهاری بود و اگر بارانی نبود دلیل بر گناه و محبت بود و اگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت  
 که از جانی بد و برسد با روی این سیرین کوی که روی شهر و قلعه دود و دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که بازوی شهر و دلیل بر پادشاه  
 بود و روی دود دلیل بر خداوند و کند اگر بیند که بازوی شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوه و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که بازوی شهر  
 بیفتا و خراب شد اگر چه بیفتا و دلیل بر پادشاه کند و اگر برخی از آن بیفتا و دلیل بر پادشاه والی بود و اگر بیند که بازو را نو کردند  
 دلیل بود که پادشاه نو را شهر مشتمل کرد و اگر بعضی از بازوی شهر را نو کرده بیند دلیل کند که والی نو را آنجا مشتمل کرد و اگر کسی که بازو را نو کرده  
 شهر و آنچه نزدیک دروازه شهر بود و آرایش عیش و امینی بود و آنچه در پس آن شهر بوده باشد و هر یک و بد و زیاده و نقصان که در بازو  
 بیند دلیل بر این پنج گونه بود که این سیرین کوی که بازوی شهر بیند که بازوی بگرفت یا کسی بوی داد و آنجا بر طبع او بود یعنی بر دست و پستی  
 دلیل کند بر برتری قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بیند بازوی سفید بر دست او نشست دلیل که پادشاه و خد و منزلت یابد  
 و اگر بیند که بازو دست و بیفتا و دود و دلیل بود که از منزلت بد و روشی و چهار کی افتد که کسی که بازو بیند که بازوی سفید بیفتا اگر از  
 مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه و ولایت و صدمه یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازوی کسی بوی سفید  
 دلیل که او را فرزندی آید صاحب حسن و جاه و اگر بیند که بازوی برام او نشست دلیل که او را پادشاه نو صحبت افتد و از او خیر و منفعت  
 یابد و اگر بیند که بازو بگنجیت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی پنهان کرد و دلیل که از زن را پسری خوب روی بد یابد و اگر بیند که بازو  
 پای انباز از شکله زمین یا همین بود دلیل که از زن را دختر می آید جای مرغری کوی که اگر کسی بیند که بازوی سیاه است و او را بگنجیت دلیل که اگر  
 اینکس از مردم پادشاه بود مغرول کرد و او را عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را بخشی و عینی رسد از جمله اهل بیت و اگر بیند که بازو دست  
 او بر پیر و باز نیاید و اگر انباز پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود و اگر بازو بد و دست او نشست و اویش  
 آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق علیه السلام که بازو بیند که بازو مطیع او بود و اویش بر پنج وجه بود اول امش و دوم شادی  
 سیم بشارت چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مرد و مال بقدر و قیمت بازو و هزار ورم خاصه چون بازو سفید و مطیع او بود  
 و چون بازو مطیع نباشد اویش بر چهار وجه بود اول پادشاه ستمگر و دوم حاکمی که میل کند ستم ختیه ناین چهارم فرزند که فرمان بد و مادر  
 نبود بازوی این سیرین کوی که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست مستعد یا انباز اگر بیند که بازوی قوی بود دلیل بود که بازو  
 از ایشان منفعت و وقت رسد و اگر خلاف این بیند دلیل که او را هیچ فایده و وقت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی  
 بازوی او را برید دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بازو  
 در خواب برش وجه بود اول برادر و دوم فرزند ستم انباز چهارم دوست پنجم پسر ششم همسایه بازو بیند که بازو را که بازو بیند  
 زمین اگر بیند که در بازو دست دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراست رسد و اگر بازو بند سیرین و در خیران گویند اگر بیند  
 خود را یا دختر خود را بشود و هر دو اگر این خواب زنی بیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که وقت خویش دیده بود  
 داشت دلیل بود که او را از برادر و وقت و یاری بود و اگر بیند که بازو بیند شکست یا ضایع شد یا عیش بخاورد یا مانند اینها و بالا و غیر اینها

بازو

بازو

بازو

نیز

برای

نیز

نیز

کند که آنچه جوید بسیار و او کرد و بعضی از معتبران که بیند اگر بیدار باشد بر بالایی رخت دلیل که آنچه میجوید بر سرخ و دشواری باشد  
و اگر بیند که بر نزد بان بالا میشت دلیل بود که درین شرف منزلت یابد خاصه که نزد بان او انزل بود و اگر بیند که نزد بان از کج و سنگین  
دلیل بود که درین و غلغل باشد که فانی گوید که از نزد بان بر بالا رفتن از کج و سنگین دلیل که شرف و بزرگی یابد و در اینجا بان و اگر بیند که از  
خام و کل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد و در اینجا بان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اصل و نزدیک باشد  
و اگر بیند که بر آسمان شد و باز نیامد دلیل بود که سخت بجا کرد و در سر انجام شفا یا بضرر صانع افروماید که دیدن بر بالا شدن بر سرخ  
وجه بود و اول روانی حاجت و توهم زن خواستن ستم قرب و بزرگی چهارم مراد بافتن خیمه بالا رفتن کمالان ابن سیرین گوید که بالا  
دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا کسی به بهانه بدلیل که زن خواهد یا اینکه جزو و اگر بیند که پالان بر پشت  
داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و بروی ستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا  
گردد یا طلاقش دهد یا بر سرخی گوید که اگر بیند که پالان پاکیزه نداشت دلیل بود که زن دستور سازگار نخواهد و او خیر و منفعت یابد و اگر  
که پالان درشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد سینه ز روی و ناسازگار و از وی مضرت بیند یا بالش بر سرین گوید که بالش  
در خواب خادم بود و بیند خواب را اگر بیند که بالش نو فرافت و آن بالش سبز بود یا کسی بوی داد و دلیل که او را خادم یا خدمتکار  
مصطفی یا رسیده اگر بیند که بالش او کهن و چرکن و زرد و سیاه بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که بالش او بدرید  
یا سخت یا زده می ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع گردد یا بگریز و یا رنج و بلائی نبرد و رسد و بسبب آن از وی جدا  
گردد و گمانی گوید که اگر بیند که کسی از خانه او بالش بدید دلیل بود که کسی از بی زن او میگردد که او را بغیرید یا از بی کینت وی تخیر  
گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه بمیرد و اگر مروی بیند که بالش بسیار ریخت دلیل بود که بقدر آن بالشها او را  
خانه مان و کینت حاصل گردد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش بسخت دلیل بود که خادمان و کینت ان و بر رویه بگریز و حضرت صانع فرماید که  
بالش در خواب بر سرخ و اول خادم تو که کینت ستم ریاست چهارم دین نیکوچهر بر سر کار و عدل با او و اگر بیند که بام خانه مهمل بود دلیل بود که  
خواه بر قدر بر بند می بام بقدر وقت اگر بیند که بام خانه معروف بود دلیل که شرف بزرگی یابد و کارش بر نظام گردد و جابر مغربی گوید که اگر بیند که بام  
پادشاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از بام بقیه و از جاه و منزلت بقیه و او را ندو رسد یا ناک داشتن  
چنان نوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم خواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بیند که او را بانگ  
میکرد و از جانی دور اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز گریستن  
دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش بشود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که  
حاجت او را در و در دشمن طغریابد و اگر بانگ دشنام شنود که امانتی بوی رسد و زود زایل گردد و گمانی گوید که اگر بیند که اسپین  
میکرد دلیل بود که او را بشاری رسد و بعضی از معتبران گویند که البته مکرری بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نگوید و اگر بیند که خر  
بانگ میکرد از دشمنی و جایی فریاد و شناعت شنود و قوله تعالی انکم کلا حیوانات لاصوات آنچه میگوید اگر بیند که شتر بانگ  
است له او

سبح

دلیل کنج رو و یا به تجارت و در آن و بر اسود و منفعت یا بد و اگر بیند که گو سفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی و بر خیر و منفعت رسد  
 و اگر بیند که از بزرگ عالم بانگ میکند دلیل بر خیر و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آه بانگ میکرد دلیل بود که او را کین و کینه حاصل کرد و اگر بیند  
 که شیر بانگ میکرد دلیل بود که بیم و ترس یا دزد یا دزدان و شاه و اگر بیند که ملک بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند  
 که یوز بانگ میکرد دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی که کند و اگر بیند که گن بانگ میکرد بر دشمنی و بد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل  
 بر غم و اندیشه گذار سبب دشمنان و اگر بیند که رو بانگ میکرد دلیل بود که مردی در مرغ زن بادی کرد و اگر بیند که گربه بانگ میکرد دلیل بود  
 که او را زور و بیم بود و اگر بیند که شتر مرغ بانگ میکرد دلیل کند که خادم و لیر یا بد و اگر بیند که کس بانگ میکرد دلیل بود که از خبر مردی بزرگ کین  
 کرد و اگر آله بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود و اگر بیند که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سر یگان پادشاه شنود و اگر بیند که خروس بانگ  
 میکرد دلیل بود که خبر مردی جوهر و شنود و اگر بیند که کلاغ بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بیند که خفاش بانگ میکرد دلیل که  
 اندوه و مصیبت شنود و اگر بیند که بوم بانگ میکرد دلیل برین بود و اگر بیند که فاخته بانگ میکرد دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بیند که ترازو بانگ  
 میکرد دلیل که خبر زنی با جمال شنود و اگر بیند که طاووس بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه عجبی شنود و اگر بیند که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر  
 مردی شنود و اگر بیند که لکک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی و بهتانی شنود و از آن خشم کرد و اگر بیند که گب بانگ میکرد دلیل که خبر  
 زنی نیکو شنود و اگر بیند که بانگ که کبان میشنود دلیل کند که خبر زنی مسرور شنود و اگر بیند که بانگ کلاغ میشنود دلیل که خبر مردی رام  
 خوار و شنود و اگر بیند که کنگش بانگ میکرد و خبر خوش شنود و اگر بیند که بلبل بانگ میکرد و خبر سطر یا یا نوحه گری شنود و اگر بیند  
 که سار بانگ میکرد دلیل برین بود و اگر بیند که مرغ آبی بانگ میکرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که بط بانگ میکرد و خبر مصیبت  
 از ابل و شنود و اگر بانگ بچکان مرغ شنود نام و مصیبت شد حضرت صادق فرماید که بانگ همه مرغان و خواب شنیدن نیک بود و مرغی که او را فغان  
 که بانگ و اندوه و مصیبت بود و بانگ نار ترس و بیم بود و از دشمنان یا بانگ زنبور و بلبل بر ترس و بیم بود و بانگ وزغ دلیل کند که در مرغی فرو افتد  
 جا بر مرغی که بد و اگر بیند که آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سمکین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه کند و هر چند خبر  
 خیر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که وایه جنبیده با من سخن می گفت پس ابن سیرین  
 گفت که ترا اهل نزویک آمده است قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَأْوِلَهُم مِّنَ الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مَّوْبِقِينَ** و چون بپوشیده برآمد آفراد از دنیا رحلت کرد بانگ نماز ابن سیرین گوید که هر سنده که مصلح و نومن و مستور چون بیند که در جایگاه  
 معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز و بد دلیل کند که حج بیت الله بگذار و قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَأْوِلَهُم مِّنَ الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مَّوْبِقِينَ**  
 و اگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول بود و مردی و ناپسندیده بد و رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که او را بد مردی که  
 و اگر بیند بانگ نماز از مسجد یا از مناره و بد دلیل بود که مرد ما را نرا بخند ایچو اند و اگر بیند که در بستر خفته بانگ نماز میداد دلیل بود که  
 زن خود الفت دارد و اگر بیند که بانگ نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش کرد و دو گویند کسی از ابل می تواند  
 و اگر بیند که بانگ در چاه یا در سر راه میداد دلیل بود که آنکس زندق یا منافق بود و اگر بیند که بانگ نماز کرد و چسبید و دلیل بر آنست

سبح





بقدر آنکه پانی وی در آن سخت شده بود اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت و اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت و اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت  
سختی بدو که دید که از آن برنج کرد و اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت و اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت و اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت  
پانی بنا بر میل ما در ویدر باشد و هر ضعیفی و نقصانی که در پایشید بهین دلیل بر پدر ما در کند و اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت و اگر بیدار می شد پانی در پایگاه می یافت  
شود و اگر در ویش بود تو آنکه کرد و ویدر پیش پانی خود دلیل زینست هر دو در حصول مال و طاعت که کرده بود جابر مغربی گوید که  
اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
و دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
چنگال مرغان بنید دلیل بر خورده و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یا بر حضرت صادق علیه السلام می زدند که دیدن پانی در خواب بر حضرت صادق علیه السلام می زدند که دیدن پانی در خواب بر حضرت صادق علیه السلام می زدند  
و آن عیش و ویم عمر ستمی کردن چنانکه طلب مال ستمی کردن چنانکه طلب مال ستمی کردن چنانکه طلب مال ستمی کردن چنانکه طلب مال ستمی کردن چنانکه طلب مال ستمی کردن  
او در چرخ این سیرین گوید که اگر مردی در خواب ببیند که پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
بند بر پانی خود نهاده بنید دلیل بود که ترسان و حراسان کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
او در دین ثبات بود و در نماز و غذای او کار یک در آن صلاح دین بود که پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
و او را غم سفر افتاد و دلیل بود که در آن سفر دیر بماند و در آنجا مقیم کرد و هر چند که بر پانی بدخوی تر و محکم تر بنید دلیل بود که تا مقیم شدن در آنجا بیشتر بود  
و اگر بنید بود که بنید فاح بود و بهتر باشد که تنگ بود و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
بر آنچه که غمت یاد کرده شد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
از بهر شاد دین بود جابر مغربی گوید که اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
و بنید بود دلیل که پادشاهی بروی پایدار بود حضرت صادق علیه السلام می زدند که دیدن پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
زن خواستن ستم زلف را زدن و علی الحمله هر که در خواب ببیند که پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد و اگر بیدار می شد پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
بود همچنین پانی تا به این سیرین گوید که پانی تا به در خواب چون نهاده بنید مال بود و چون پانی تا به در خواب چون نهاده بنید مال بود و چون پانی تا به در خواب چون نهاده بنید مال بود  
که پانی تا به بر پانی پیچیده است چنانکه مسافران است که بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود و دلیل بود که زود از  
وینا رحلت کند و اگر بیدار می شد پانی تا به خورشید بر خورده و غمت یا بکسی بخشد دلیل بود که مال و ضایع کرد و حضرت صادق علیه السلام می زدند که دیدن پانی در ویش پانی گاه بود دلیل بود که خورده مالش زیادت کرد  
در خواب بر سر نهاده بود و اول مال و خوشه بود و ویم سفر ستمی کردن بود که پانی تا به بر پانی پیچیده است چنانکه مسافران است که بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود و دلیل بود که زود از  
این سیرین گوید که اگر کسی در خواب ببیند که پانی تا به بر پانی پیچیده است چنانکه مسافران است که بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود و دلیل بود که زود از  
که پانی تا به بر پانی پیچیده است چنانکه مسافران است که بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود و دلیل بود که زود از

پانی در ویش

بنید

پانی در ویش

پانی در ویش

و ظالم میکرد و دلیل نفسا و مال کرد و مال حرام یا بد پرستخوان سیرین کوید اگر کسی بیدید که پرستود داشت یا کسی بوی داد و دلیل بود  
که اگر کسی که از او جدا شده بود مو است که در دو مقام او قرار گیرد و اگر بیدید که پرستور بکشت یا از دست بیفتند دلیل بود که  
که مو است و از جهانی جوید و در شود که مانی کوید که دیدن پرستور خواب مردی توانگر با خبر بوده اگر پرستوده ماد و میندنی  
با خبر بود و اگر بیدید که پرستور می پرید و دلیل بود که از مردی توانگر جدا کرده و اگر بیدید که پرستور دست و پیر و دلیل بود که مار او  
بمیرد و برنج و اندوه میند جابر مغربی کوید اگر بیدید که پرستوی را فرار گرفت و دلیل که انغمنا فرج یا بد و از ترس بیم این کرد و برنج  
این سیرین کوید که برف بخواب و بدین غم و اندوه و عذاب بود که اندکی دیده بود و اگر در زمستان برف بیدید یا بجا یکی که پیوسته در آن  
برف بود و دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی کوید که دیدن برف بخواب لشکر نمیست بود و خاصه که بابر برف نیست  
صدا و فریاد که دیدن برف بخواب برش و جبه بود و اول روزی و تویم زندگانی سیم مال بسیار و ازانی نر خوا چارم لشکر بسیار  
چشم بسیار می ششم غم و اندوه و اگر بیدید که بتابستان برف جمع میکرد و دلیل که مال حلال جمع میکرد و دلیل که بعضی فرخ کند و اند  
و منفعت بسیار باید که مانی کوید که برف بخواب و دیدن در سه و سپر و دلیل بر خیره نیکی کند و در گرم سیر و دلیل بر غم و اندوه و خطا و بیاز  
و اگر بیدید که برف بوقت خود میوز و بهتر از آن بود که بیوقت بود برق این سیرین کوید که برق در خواب خزان و بار پادشاه بود و  
از معتران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود و بدی و مرد طالع را بطبع وی اگر بیدید که برق زانیه و یا از بار فرار گفته و دلیل که  
کند که در آن شکلی و خیزان بود و اگر بیدید که برق می در شید و دلیل که در آن سال لغت فرام بود و خاصه که بابر برق یا دوست بود و حضرت صادق  
فرماید که برق در خواب برنج و جبه بود و اول خزان و بار پادشاه و تویم و عده بد شیم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست بر کشود  
این سیرین کوید که بر کشودن در خواب ستواری و محکم کاری بود و اگر بیدید که بر پهی یا بر گشتوان نشسته بود و دلیل بود که کاری محکم و ستوار  
کرد و بر دشمن ظفر یا بد و خشم را قهر کند جابر مغربی کوید اگر بیدید که اسب وی بابر گشتوان در میان زدم میرد و دلیل بود که کار بر خیزد  
و دولت مساعد و کرد و اگر بیدید که بر گشتوان از اسب و در افتاد یا ضایع کرد و دلیل بود که نام او ای یا بد و در دست خصمان مخلوب کرد  
برنج این سیرین کوید که برنج دیدن بخواب مالی بود که برنج حاصل کرد و بقدر آنکه دیده بود که مانی کوید اگر بیدید که برنج بخت می خورد و دلیل بود که  
حاجت او را کرد و خیر و نیکی بد و رسد و اگر بیدید که برنج با کوشش بخت می خورد و بهتر و نیکی تر بود و برنج با شیره خوردن بغایت نیکی بود و  
میند که برنج با دود بخت می خورد و دلیل بر غم و اندوه کند حضرت صادق فرماید که دیدن برنج در خواب بر سه و جبه بود و اول دل و تویم حیات  
سیم خیر و منفعت که بد و رسد بر نده این سیرین کوید اگر بیدید که بر نده داشت و از دست او پرید و دیگر بابر دست و دلیل بود که  
او را کرد و اگر بیدید که پرید و دلیل بود که بعضی از مال او در دیر نیان بد آنکه بر نیان در خواب چون تاویل یا دود شرح آن در حرف  
وال بیان کرده شود بر سه این سیرین کوید که بر سه در خواب اگر بر نود و اگر ما و بود و فرزند نود و اگر بیدید که بر سه فرار گرفت یا کسی بدو  
و او دلیل بود که او را فرزند می آید و آن فرزند بروی نود و اگر بیدید که بر سه داشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیدید که کشت بر سه  
را بخورد و او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که مانی کوید که دیدن بر سه در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر بر سه

نوع اول

نوع دوم

نوع سوم

نوع چهارم

نوع پنجم

نوع ششم

و کوه  
میرد

و گویند او را که بیدار شد و گفت ای پسر من و اگر بیدار شدی باز غلام را بکشت و از آن خود و نه از پدر بکشت  
 دلیل بود که او را صیقلی رسد بسبب فرزند حضرت صادق علیه السلام که میگوید که در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند و دوم هم مال حال  
 ستم معیشت چهارم غم و اندوه بر سر منگی محمد بن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند  
 دلیل بود که حج طلب کند و اگر بیند خواب روی مستور صالح بود گنا پیش خود کرد و اگر خداوند خواب صلیح بنا باشد دلیلش بد بود که مالی کوی  
 اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب و نیاز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که از آری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت محنت کند  
 چنانکه بر سر منگی در خواب لیل محنت و در سوای بود اما اگر عورت را پوشیده بیند هر صلیح را نیکو بود و عاشق را بد بود حضرت صادق  
 فرماید که بر سر منگی در خواب هر صلیح را خیر و نیکی بود و مرد مسفردادی و در سوای و حجر متی پروانه ابن سیرین گوید که پروانه در خواب بد بین  
 مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنا وانی در پلاک اندازد که مالی گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت او ببرد و اینکس او را گرفت دلیل  
 که کمینگری و دشمنی دراز کند از وی پسری آید اگر بیند که پروانه را بکشت یا در دست او پلاک شد دلیل که فرزندش هلاک کرد  
 پروت در خواب دیدن دلیل بر بیعت مرد کند اگر بیند که کسی بر دست او را بمقتضی بسیار است تا دل نگیرد و او را حضرت رسد  
 و اگر بیند که بر دست او در وقت پیرستن از تن برید یا بستر دلیل نقصان میبست مرد بود که مالی گوید اگر بیند که بر دست او دراز شده بود دلیل  
 که او را قوتی بود و اگر بیند که کسی بر دست او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بر دستش سفید کردیده بود دلیل که از کار ناگرفنی  
 باز ایستد و اگر بیند که او را بر دست بود و اگر دراز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر غم و اندوه و مراد کند بر ج و انبال که بر  
 که دیدن حمل و اسد و قوس شکر پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله و جدی پسر پادشاه و دیدن حوزا و میزان و دلو قاضی و ساجت  
 پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب حوت و یار صاحب شتر و شرب و یار پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند یا بر سر  
 محتشم در کاری افتد و حاجت او را نکند و اگر ثور را بیند یا مردی جان نادان او را کاری افتد و حاجت او را نکند و اگر حوزا را بیند او را بامردی  
 با زبان و ناگاری افتد و حاجتش بر آید و اگر سرطان را بیند او را بامردی بی اهل کاری افتد حاجتش بر آید و اگر دوزخی و جابه یا بد اگر سنبله را بیند او را  
 بامردی کشاورزی و باغیافتن و مراوش بر نیاید و اگر میز را بیند او را بامردی قاضی کار افتد و هر وعده که دهد خاکند و اگر عقرب را بیند او را بامردی  
 مسفد بکاری افتد و او را زحمت رسد و قتلین کرد و اگر قوس را بیند او را بامردی سالار و مترکاری افتد و حاجت او را نکند و اگر دلو  
 او را دوست دارد و اگر حوت را بیند او را بامردی غریب ساده دل و نیکوای همربان کم سخن کاری افتد و حاجت او را نکند و اگر دوزخی  
 بداند بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند محبت است و کام روانی در آنکار که بد او بر هر که بد از رسول خدا  
 میری در خواب دولت و بزرگی بود و دوست و دوست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود و محمد بن سیرین  
 که دیدن که خوشی و شادمان و خوب روی بود دلیل که عز و دولت یابد و اگر او را زشت و نمکین بیند دلیل بر غم و اندوه  
 که او را بری خوش بامردی بیند کار او شوریده کرد و اگر با بری جنگ میکرد دلیل که کار او آشفته کرد و اگر مالی گوید که بران بعضی ستم  
 در خواب و یار دوست و محبت و دولت بود و آنچه کافر باشند و یار ایشان و یار دشمن و او با و اندوه بود و انبال گوید اگر کسی در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

خوابگاه

و تویم بزرگی و رفت ستم مرتبت چهارم مان خیم عمر در از ششم تا بقدر بزرگی بدانکه چون نبطا فروش چون بهایستانه خلا  
 این بود بستر این سیرین کوی که بستر در خواب بن بود و نیک و بدان تعلق زن وار و اگر بید که بستی خرید یا بستر بدل کرد یا  
 بستر بستر دیگر دلیل بود که زن دیگر خواهد زن نخستین اطلاق دهد و اگر بید که بستر از حال خود متغیر کرد و دلیل بود که زن او را  
 به حال دیگر کرد و اگر بید که بستی بستر دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخاورد زن نخستین اطلاق دهد و اگر بید که  
 خوشتر از پیشینیت یا در وقت دلیل بود که زن اطلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی ببرد و کوی اگر کسی خود بر بستر  
 مجهول بید دلیل که بقدر قیمت آن او را زبانی رسد و اگر بید که بستی بر تختی مجهول گسترده بود و بر وی نشسته بود دلیل بود که بزرگی  
 و منزلت یابد و دشمنان را قهر کند چای مرغی کوی که بستر در خواب ولایت و تن آسائی بود قوله تعالی مشککین علی فرش  
 بطائنه امر است و کوی که بید که بستر از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن ملاحتی  
 افتد و اگر خوشتر از به بستر چهار بهرگی افتاده بید دلیل کند که بشماره هر بستی زنی بخاورد یا اینکه خرد و اگر بستر در خانه  
 بید یا در خاک که از آنجا بیرون و است آورد دلیل بود که زنش رنجور گردد و از آن رنج خلاصی نیابد و اگر خوشتر از بستر بزرگ  
 گسترده بید که خفته بود دلیل بود که آنسال بروی مبارک کرد و اگر بید که بستر از پیشم گنده بود دلیل بود که زن توانخواهد و اگر  
 که بستر آوریده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بید که بستر او بزرگ  
 بود یا بستر که پاسبین بدل کرد دلیل بود که زن فاسق را دوست بدارد و زن مسوره بخاورد و اگر بید که بستر او بزرگ بود و دلیل  
 بود که میان آن او و کسی ناسر معاطی اتفاق افتد و بفساد و زنا  
 اطلاق دهد و در کوی که بید که بستر از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن ملاحتی  
 بید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و یا از کسایه قوی کند اگر بید که بزرگ داشت لیکن بخاورد بستان دلیل کند که بزرگ و در  
 بلاک رسد و حاجت شفا یابد و اگر بید که از جانی بجانی پرواز همیکرد دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت باوق فرماید که بزرگ و در  
 وجه بود اول سفر و تویم سیم بزرگی چهارم تغییر حال خیم ساری و مرک لغو باقی بر بیان محمد بن سیرین کوی که بزرگ و در خواب فداوند  
 سخن بود و در فراخی طلب روزی و گوشت چخته بنا و میل بهتر از گوشت خام بود که زنی کوی اگر کسی بید که بریان از گوشت که سفید خور  
 دلیل کند که بقدر آن مال پنج و سخت بدست آورد و اگر بید که بریان از گوشت کا و خرد و دلیل بود که از ترس و بیم این که دود و اگر بید که بزرگ  
 بریان می خورد و دلیل بود که او را مالی اندک حاصل کرد و بعضی از متبران گفته اند که خور و زن بزرگ و در خواب دلیل آمدن سیری کند چای مرغی  
 کوی که بید که سر بریان می خورد و دلیل بود که او از متری منفعت رسد و اگر بید که مرغ بریان می خورد و دلیل بود که مالی از جهت زنی ببرد  
 بدست آورده اگر بید که ماهی بریان کرده می خورد و دلیل بود که بسفر شود و بطلب علم یا بصحت مردی بزرگ پیوندد و اگر خداوند خواب  
 بود و اگر سفید بود و دلیل بر پنج و خیم و اندوه بود و دشمن و ماهی بریان کرده چون تازه بود و بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خرد بود  
 و دیدن بریان خورده در خواب مردی بود که بسبب وی دیگر از فراخ روزی کرد و نیز از بغاوتی جاسه فروش بود و ویش مردی بود  
 عظیم خطر آن بزرگ بهای جامه درم و دینار بود که به بند و ستاند و مایل درم و دینار مکر و هاندیشه بود و در آن هیچ خیر نباشد لکن

چای

چای



بسیار

تین

تین

تین

رسد و اگر میند که پشت باد درشت و با قوه بود و دلیل بود که او را فرزند می بیند و اما و عاش بود و اگر میند که چیزی بر پشت گرفت و دلیل  
 که بقدر آن کرانی و غم و اندوه بودی رسد و اگر میند که مرده بر پشت گرفت و دلیل بود که بیونت کسان مرده بوی بود و اگر میند که پشت او  
 بر پشت دلیل بود که حال او بد کرد و جابر مغربی گوید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود و اگر دشمن و ویدن پشت زن دلیل گشتن  
 و دنیا بود و اسب حیل اشفت که پشت بخواب دیدن برادر بود و اگر میند که پشت او شکست و دلیل که برادرش میرد و اگر میند که پشت  
 او در و همبیکر و دلیل بود که میرد از برادر یا از دختر غم و اندوه رسد و اگر میند که بسبب غلظی پشت او را داغ کرد و دلیل بود که بر صلاح دین  
 و دنیا می آید و اگر میند که پشت بدیوار باز داد و دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرمود که پشت بخواب دیدن  
 برود و از ده و وجه بود اول قوه و دوم برادری ستم یا رچهارم پادشاه پنجم وزیر ششم حجت مفتاح پیر ششم برادر نهم پسر و نهم مال را نگه  
 داری و اوان و واز و هم جدید یعنی پدر پدر و معتبران گفته اند که دیدن پشت کاغذ از امان بود و فاسقا را توبه و جاد و را اسلام و سنا قرا  
 اختصاص پشت این سیرین گوید که اگر که دید و پشت زنی ناموس نشسته بود یا بر پشت کوبی دلیل بود که مردی بزرگوار که شرف و منزلت  
 یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که پیرین کوهست و اگر میند که بر سر آن پشت ایستاده بود و دلیل که بزرگ مردی بزرگ  
 شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر میند که آن پشت ملک در موضع او بود و دلیل بود که مردی بزرگوار که شرف و منزلت و مال است  
 و بجای او میقیم کرد و اگر میند که بعضی از آن پشت ملک او است و دلیل بود که بقدر آن نصبت و بزرگی یابد و اگر میند که از آن بزرگوار  
 یا کسی او را بزرگوار داشت و دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بچهرت کرد و در حضرت بید و اگر میند که بر آن پشت بد شکاری و وجهت بالا  
 همی رفت و دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که پشت دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلند و دوم مال ستم  
 قوه چهارم تنومندی پشت این سیرین گوید که پشت در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پیشی که باقیه نباشد بهتر بود  
 و نیکو بود و اگر میند که پشت داشت یا کسی بد و او یا بخیر یا بد موضع خویش بود و دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و قوله تعالی  
 احصی فیها و آوارها و اشجارها انا کا و منا عالی چنین کرانی گوید که پشت از خویشین و ورهیی از داشت و دلیل بود که  
 مال خود را تلف کند و اگر میند که پشت بی سوخت و دلیل بود که مال خود را بخرید کند و اگر میند که بر تن وی جامه نشین بود و دلیل بود که مال  
 از زمان مال حاصل کرد و اگر میند که جامه نشین یا پیشه بخرد یا بستر یا از پشت داشت و دلیل که زنی توانگر خواهد جابر مغربی گوید  
 که پشت از خواب مال بود و از قبل پادشاه و معتبران گویند که میراث بود و پشت این سیرین گوید که پشت مردی ضعیف و خوار و ناک  
 بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر میند که با پشت چنانکه بیکر و دلیل بود که با مردی ضعیف خصوصیت کند و اگر میند که پشت بکوی او فرود شد  
 و دلیل بود که با مردی حقیر کار می حقیر شود که او را از او اندک چیزی بد و رسد و اگر میند که پشت بسیار بر تن او جمع شد و او را مسکین بود  
 و دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی حضرت رسد و باشد که او را زبان رسد زیرا که پشت خون مرد را کند و اگر میند که پشت  
 گوش را برینی او فرود شد و او را برنج و کزناخت و دلیل بود که از مردم ضعیف بد و زود رسد کرانی گوید که اگر میند که پشت بسیار بکوی او فرود شد و دلیل  
 که او را غم و اندوه رسد و اگر میند که پشت کان غلبه کرد و در خانه او جمع شدند و دلیل بود که بر پشت ضعیف نفر یابد و اگر میند که پشت برینی او شده و برینی





نیمه

سب

سب

سب

سب

گفتند از او خنده که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بسیار بد و گفت بخواب دیدم که از عیند آب میخورد و آن عیند را دور بود و آن  
 آب شیرین خوش میخورد و دراز یکی آب شور و تلخ این سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را یکجا میداری تو بد کن و از خدا بیگانه  
 بترس و گفت چنین است که تو گفتی تو بد کردم و بخواب باز کردیم بلغم دیدن این سیرین که بد که بلغم در خواب مای بود که بود صلاح  
 افعال با نفقه کند کسی بخواب بدید که بلغم بجای گاهی که انداخت تا و لیس بخلاف این بود اگر بدید که بلغم سفید از کلو بر انداخت بجای  
 پاکیزه دلیل کند که مال بود صلاح نفقه کند که مالی که بدید که بلغم را برکت دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بدید که بلغم  
 برکت دلیل بود که مال بود صلاح نفقه کند که مالی که بدید که بلغم را برکت دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بدید که بلغم  
 برکت این سیرین که بدید که در خواب دیدن برکت درخت خلق و خوی به بیننده خواب بود خاصه به پنجم و سی و اگر بدید  
 که برکت سیرین از درخت پاره فرار گفت یا کسی با و داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو که مالی که بدید که  
 بیند که از درخت برکت تازه فرار گفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کرد و جا بر مغربی که بدید که برکت درختان میوه  
 شیرین دلیل بر خلق نیکو بود و برکت درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برکت درختان نیکه مار شایانند دلیل بر درم و  
 بود و برکتان کو بدید که برکت درختان نیکه میوه دارند دلیل بر درم و دینار کند پلنگ این سیرین که بدید که پلنگ در خواب  
 و شمشیری خوی و توانا بود اگر بدید که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود و پلنگ  
 پلنگ بروی غالب کرد و دشمن بروی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر بدید که کو  
 پلنگ بی خورد دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن مظهر کرد و شرف و بزرگی بدید که مالی که بدید که پلنگ  
 نشست دلیل بود که بر عروجه و بی و دشمن را قهر کند و اگر بدید که با پلنگ جنگ میکرد و هیچکدام بر یکدیگر ظفر نیافتند  
 دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بد و رسد یا بیماری صعب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بدید که شیر پلنگ را همی خورد  
 دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسد و سر انجام امین کرد و اگر بدید که پوست پلنگ یا استخوان یا میوه او را فرار گفت  
 یا کسی بد و داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بسیار بد و اگر بدید که پلنگ را بگشت دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و در راه  
 هیچ چیز نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی و دوم مال یا فتن از دشمن شوم  
 ترس از پادشاه بلور بد و اگر بدید که بلور در خواب بی بی اصل بود اگر بدید که بلور داشت یا کسی بد و داد دلیل بود که زنی بی اصل  
 بزنی بخوابد اگر بدید که بلور داشت یا صاحب شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب کرد و اگر بدید که بلور بسیار داشت  
 دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل کرد و جا بر مغربی که بدید که بلور درخت دلیل بود که دلالی زنان بی اصل  
 و اگر بدید که بعضی از آن بلور که میفرود خست بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلالی و خسران و دشمن و زنان  
 میوه بی اصل کند بلوط این سیرین که بدید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورد و بدید که اگر بدید که در خانه و

انسان



که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی سیاه و گفت که بجا بیدم که در آستین خنجران داشتم و یک کبریا و منم و میگویم و شهادت  
میکنم و از او چاه می انداختم تا ویش چگونگی بود این سیرین گفت خانه کجای داری گفت فلان محله و فلان کوچه و این سیرین گفت که کجاست  
بنشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال جنسیت و در اندازی مردم هست و مردمان  
پادشاه را و خانه او را و در دو دریا بجا جست و جو کردند و دیدند که فریب بر پنجاه مرد گشته و در آنجا انداخته بودند که آن مرد و ایشان را  
بجایه بردند و او را نشان میگردانید و ایشان را میکشید و خانه می انداخته و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشند و مردم از تغییر این شکفت  
مازند تغییر خشک و خواب کوک خود بود و تا ویش از خشک و بد آن بعد کوک خود بود و پسند و او را این سیرین که دید که اگر مردی  
بیند که کسی صلح را پسندید و که در آن پنداره را صلاح دین و در سنگاری آخرت بود و دلیل بود بر نشان رفتی که در آن خیر دین و دنیا می آید و بود  
مخلاف پسند دلیل بر فساد و تنهایی دین و دنیا می آید و بود و جابر مغربی که دید که پسند و او را این خواب کسی را که در صلاح دین بود و نیک بود و پسند  
و پسند و فریب مغرب بود که ایشان را در حد حجاب بجزات که بد و خدا در رسیده و مشک آن بجای آورد و پسند و او را این که در و او را و دین بود  
پسند و پسند آن و بود و جیم بود که او را خبر میداد از تنهایی و فساد کار او را و توبه باید کرد و بخدا باز نشن تا او را از شر و فساد نگاه دارد و از  
عذاب و تخریب که در پسند و او را این سیرین که دید که کسی بیند که بد آنستین در پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او را و دعوی است  
کند به فرغ و مردی بخیل بود و او را از چیزی بکسی نرسد و بعضی از معجزان گویند که چون مردی صلح بر دست خود بیند و دلیل بود که از کارها  
بد و ناسازگار با خداوند دوست دارد و اگر پسند و او را این خواب بیدار که گفتیم که ترو در کانی گوید اگر کسی در گردن خود بند از چوب  
و دلیل که انانی در گردن او بود و او امانت نمیکند و او اگر پسند و او را این خواب بر پای خود بیند و دلیل بود که از طاعت حق تعالی و اگر انگشت و سفر بود  
سلامت باز آید و اگر بیند که بند کرد و نش از سیم بود و دلیل بود که او را بسبب آن بخت و بخت بود که بندش از زر بود و بخت و خوش است  
مال بود و اگر بیند که بندش انیس بود و دلیل بود که سبب بخت او را که به محبت و نیاید و اگر بیند که بندش از شکست بیم خلیل بود و او را این  
خاصه که بند و بر دست بود و اگر بیند که بند از پای او بر داشته و دلیل بود که او را عمل پوشنا و خلاصی باید و اگر برای خود کند نه بیند و دلیل بود که او را  
با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را بر سر بسته بیند و دلیل بود که اگر کسی بومی شخصت رسد و انانی گوید که اگر امیری بیند که برای خود بیند  
آمین داشت دلیل که از ولایتش بفرستد و در آن سفر باید و اگر بیند که بر پرویش بند نهاده بود و دلیل بود که ولایت باید و اگر بیند که  
بند برای داشت دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بند از پای او بر داشته و دلیل بود که در نعمت فرج باید و اگر امیری بیند که پای او  
در بند و بر بخت بود و دلیل بود که او را از نسیان شخصت رسد و بعضی از معجزان گویند که کار وی آسان گردد و اگر بیند که بند از انیس بود  
و دلیل بود که زنی بکاخ خواهد یا زنی عاشق گردد و اگر بیند که بند از زرین بود و دلیل که بسفر شود و یا بیمار گردد و اگر بیند که بند از آستین بود و دلیل  
و در کند جابر مغربی که دید که بند و در خواب ثابتین بود و بقول جناب پیغمبر که فرمود **وَلَا حِبَّ الْفَقِيرِ فِي الْمَقُومِ وَلَا حِبَّ الْغُلَّ كَرَّ الْقَبِيلِ**  
**ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ** یعنی دوستی با کسی که بند از خواب و غفل را و دست ندارد زیرا که بند پای بند بود و درین صفت حق فرماید که **وَلَا حِبَّ الْفَقِيرِ**  
بند در خواب بر چهار وجه بود اول لغو و تم لغو و سیم بخت چارم از مصیبت دست برداشتن و بعضی از معجزان گویند که غل رست

نسخه

نسخه

نسخه

پنجاب و دین پادشاه ظالم را کوه هستی بود از ظلم بیدار بر سپهرین گوید که هر که بیدار بالغ با نجیب بیدار باشد است دلیل بود که  
 از او کرد و اگر کسی بیدار بود خوراک از او کرد و دلیل بود که نه و از دنیا برود و اگر بیدار را بیدار که خواجه را بفرخواست دلیل بود که شکم  
 مستند کرد و اگر بیدار بیدار بفرخواست دلیل بود که نشادمان کردن بشفقت محمد بن سیرین گوید که بشفقت و خواب و دین بوقت  
 خود دلیل بود که از زنی یا کتیر کی چیری بدور سدا بود از فرزند آید و اگر ویر از درخت خویش جدا بیدار دلیل بود که غم و اندوه خوردگاری  
 از زنی بیدار که بشفقت از درخت بکش و بشوهر خویش داد و دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیدار کسی و شفته بیدار بود دلیل بود که بریان  
 ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید که درخت بشفقت و خواب کتیر کی بود بدخوی و ناسازگار بنیاد و تهاون ابن سیرین گوید که اگر کسی  
 که بنیاد و نونیا و فایده و نیای وی بیدار خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بیدار که بنیاد و نیای نهاد و در جانی مجبور و خندانده که او را  
 کیست دلیل که بیدار که صنایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیدار که بنیاد بر زمین و ملک خود نهاد و دلیل بود که فایده و روزی حلال یا بیکر  
 گوید اگر بیدار که بنیاد از خشت بخت و کج نهاد و دلیل بود که مال و انحرام حاصل کرد و اگر بیدار که بنیاد و نیای خشت خام بر نه نهاد و دلیل  
 که همزاد بلند بود در کار دین و اگر بیدار که بنیاد و دیوار از خشت بخت نهاد و بر آورد و دلیل بود که در امل و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بیدار  
 خواب بنا کرد و بود و مردستان و دلیل بود که بشفقت یا بدو اگر بیدار که بنیاد از خشت بخت بر آمد و دلیل بود که بشفقت یا بدو پادشاه  
 و اگر بیدار که بنیاد از خشت خام و کل بر آورد و دلیل بود که بشفقت از مردم عام یا بدو بخت یا در قریب که اگر کسی بیدار که شهری بنا کرد و دلیل  
 که جماعتی از مردمان را در پناه خود گیرد و اگر بیدار که قلعه بنا کرد و دلیل بود که از شر دشمنان این کرد و اگر بیدار که کوشی بنا کرد و دلیل بود که بکار  
 دنیا مشغول کرد و اگر بیدار که سرانی بنا کرد و دوروی بنیشت دلیل بود که لغصا و خیرا بیدار و اگر بیدار که مسجد یا بنا کرد و دلیل بود که  
 جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر بیدار که بنای مساره نهاد و دلیل بود که نام و بجزایات بنیشت کرد و اگر بیدار که طرازی بنا کرد و دلیل بود که  
 خواهد و اگر نه بنا کرد و دلیل بود که در غم و رنج افتد و اگر بیدار که باغی بنا کرد و دلیل بود که زنی توانگر یا رسا بخواد و اگر بیدار که کورستانی را بنا کرد  
 دلیل بود که بکار آخرت مشغول کرد و اگر بیدار که قبه بنا کرد و دلیل بود که قدر و منزلت جوید بدانکه بر نیاید که بنده و تمام کند و دلیل بود  
 که کار دنیا و دین او تمام کرد و اگر بیدار که آن بنای تمام کرد و کاش نام تمام بپیر محمد بن سیرین گوید که بیدار که بنیاد از خشت بخت بود و دلیل بود که  
 کرد و بیدار که بنیاد از خشت بخت بسیار بود که بپیر تر مال بسیار بود که بپیر تر مال و نعمت بود که باستانی سیاه بدو بپیر خشت مغربی بود و دلیل  
 بشفقت اگر کسی بنیاد بیدار که نان یا بپیر بخورد و دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرد و بعضی از بپیران  
 گویند که علتی بدورسد لکن از آن زود خلاص کرد و بدانکه استادان این فن در تامل بود و خواب و دین خلافت بعضی گویند که  
 مستری بزرگ یا بدو از آن خیر و منفعت بیدار و شای نیگو بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیاری بود و آنکه حکم بیاری  
 چنین بود که آن چون بکوه زرد است دلیل بر بیاری کند و آنکه گوید که سفری دراز بود و بپیر تن بدان معنی که گفت جبرئیل علیه السلام  
 وقت بیرون آمدن از بنیشت به بوی هاد حکم سفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر او کم از بشت بنیاد بود و با چنین غم  
 که بوی رسد و آنکه حکم بفرزند کرده اند بدان معنی که گفته که چون آدم علیه السلام بنیاد از خرد و دین آن معنی بوی زیاد و شد و لاجرم

فرمان  
بجاء

تجربه

چند

روزی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنکه گفتند از عمر بزرگ خیر و منفعت بیند یا تنهای نیکو بدان سخن گفتند که در هر  
آن چنانست که بود و ستانده او آدم نما و از بوی خوش تنهای نیکو بود و چنان دانستند که هر خدایی که استادان تعبیر آن کرده اند از آن گفته  
ارباب هم که گوید که در خواب بیاری بود و خواه بوقت و خواه بیوقت و هر چند که بگویند زود تر بود و بیاری صعب تر بود و حضرت صادق  
فرمود که دیدن بوجوب چون بوقت خود بود بگویند سیر بود و بتاویل فرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که بگویند زود بود و بیاری بود و بجا  
این سیرین گوید که بهار و وقت بهار باو شده بود و اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا نازنا معتدل چنانکه از گرمی و سردی مردم  
مستفوت و رنج رسیدی دلیل بود که اهل اندام را از پادشاه رنج و مضرت رسد و بیند اگر بیند که هوا معتدل بود و چنان خرم شده  
از کار و شگفته مردم را رنج و مضرت نبود دلیل که مردم از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود باعتدال بیند  
دلیل که جاه و غرور رفت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تا ویل فصل بهار  
چنین بود و بهشت ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مژده بود از خدا تعالی قوله تعالی اَدْخُلُوْهَا سَلَامًا آمِنَةً  
و اگر بیند که از میوه های بهشت فراغت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود علم و دانش آموز و سیرت  
وین بدانند لیکن بود و نازد و اگر بیند که با حوران بهشت همی بود دلیل بود که ترغ بر وی آسان کرد و اگر بیند که در بهشت مقیم شود لیکن  
نگذاشتند دلیل بود که در دنیا میکش فساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بر وی اوبه کرده و دلیل بود که مادر و پدر از وی  
ناخوش شود باشد و اگر بیند که به نزد یک بهشت شده باز گردید دلیل بود که بیمار کرد و حال مرگ لیکن از آن شفایابد و اگر بیند که  
فرشتگان دست پر گرفته اند که در بهشت بر ندان مهرت و در زیر درخت طوبی نشست دلیل بود که مراد و وجهانی یابد قوله تعالی  
طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنَ مَا أَجْرُهُمْ و اگر بیند که وی را از خوردن شراب و شیر منع میکرد و دلیل بود بر تنهایی و پرهیزی قوله تعالی  
وَمَنْ قَاتَلَ لِيَّ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوه های بهشت کسی بد و داد و دلیل بود که آنکس را از علم و  
بهره بود و اگر بیند که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بگرام چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد و دلیل بود که  
و دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشه های بهشت را یکی بوی داد و دلیل بود که دلارامی یا کینگی بر نی بخوابد جا بر معزنی گوید اگر بیند که  
در برابر و خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و شادمان کرد و نعمت یابد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ فَاَدْخُلُوْهَا خَالِدِينَ  
و اگر بیند که بر جایگاه بنشیند بود که صورت بهشت و بهشت داد و پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوندد  
یا با نوا نگر می یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که براه حق پیوسته بود و حضرت صادق فرمود که دیدن  
بهشت در خواب بر نه وجه بود اول علم و دوم زهد و سیم منت چهارم شادی پنجم بشارت ششم امانی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت  
سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل بر ادات و وجهانی بود و بدست خیرات بسیار و او را چون مصدق بیند دلیل بود که بتا  
یابد بائی بستاند که در چنانکه ثواب اهل بهشت بیاید و عالم کرد و مردمان از علم و منفعت یابند و بصلوات ابن سیرین گوید که بهار و زود  
زن بود و اگر بیند که پهلوی چپ او آس کرده بود دلیل بود که زن و کینگی او هر دو آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ شده بود

بازگشت

و پاره گوشت خون آلود از پهلوی او بیفتاد و دلیل بود که زن او بچه بهیچکام سفیند و اگر بیند که هر دو دست بر پهلوی او نهاده بود دلیل بود که پاره  
 غمی سخت رسد که مانی کوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر  
 که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بیفتاد و دلیل بود که مان عیالش هر دو تلف کردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زده شده بود دلیل  
 عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن که هری یا لوثی سفید و دلیل بود که او از فرزند عیال آید یا رسا و اگر  
 بیند که هر دو پهلوی او زده شد و دلیل بود که او پیرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود که هر دو دستی وین  
 و قوه عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تا ویش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوی و خواب و دلیل بر زنان  
 بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر چه و شکر که در پهلوی بیند تا ویش آن بر زنان باز گردد و اگر بیند که او را پهلوی  
 بسیار بود و دلیل

بسیار بود و دلیل

جبه بود و اول زن دویم و خستیم کنیزک چهارم خادم چیم پیر زنی که در خانه بود و بوی  
 این سیرین گوید که **دوم** و مال ملال که از زن بدور رسد و اگر بیند که بوی تیار را بگرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بخت

بخت

از زن نال بخورد و بیند که بوی تیار را بگشت و از گوشت وی بخورد و دلیل بود که بخت آن از زمان بخورد که مانی کوید که بوی تیار  
 دیدن در خواب و بوی تیار را بگرفت و بخانه آورد و دلیل بود که از خوشبختی خود زنی خواهد و از او مال و منفعت  
 حاصل کند بوی تیار این سیرین گوید که اگر کسی بوی تیار را بگرفت و دلیل کند بر مردی که سفید و جنس بود و نیز دلیل بود که زن خود را بدی حاصل و ضعیف  
 حال و از عدم ملامت یا بدو اگر بیند که بوی تیار یافت و سپری شد و دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوی تیار را بگرفت و دلیل بود که  
 دلیل کند که بخت خداوند مشغول کرد و جابر مغربی گوید که اگر بیند که بوی تیار داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او از زنی منفعت

بخت

کوچکی و بزرگی بوی تیار حضرت صادق فرماید که بوی تیار خواب بر سر و جبه بود و اول منفعت دویم خستیم زن چیم بخت خداوند مشغول کرد و بوی تیار را بگرفت و دلیل بود که بخت آن از زمان بخورد که مانی کوید که بوی تیار  
 بوی تیار این سیرین گوید که بوی تیار را بگرفت و دلیل کند بر مردی که سفید و جنس بود و نیز دلیل بود که زن خود را بدی حاصل و ضعیف  
 حال و از عدم ملامت یا بدو اگر بیند که بوی تیار یافت و سپری شد و دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوی تیار را بگرفت و دلیل بود که  
 دلیل کند که بخت خداوند مشغول کرد و جابر مغربی گوید که اگر بیند که بوی تیار داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او از زنی منفعت

بخت

کوچکی و بزرگی بوی تیار حضرت صادق فرماید که بوی تیار خواب بر سر و جبه بود و اول منفعت دویم خستیم زن چیم بخت خداوند مشغول کرد و بوی تیار را بگرفت و دلیل بود که بخت آن از زمان بخورد که مانی کوید که بوی تیار  
 بوی تیار این سیرین گوید که بوی تیار را بگرفت و دلیل کند بر مردی که سفید و جنس بود و نیز دلیل بود که زن خود را بدی حاصل و ضعیف  
 حال و از عدم ملامت یا بدو اگر بیند که بوی تیار یافت و سپری شد و دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوی تیار را بگرفت و دلیل بود که  
 دلیل کند که بخت خداوند مشغول کرد و جابر مغربی گوید که اگر بیند که بوی تیار داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او از زنی منفعت



نسخه

پشت

پشت

نسخه

کرد و اگر پوست تن خود را بگوید یا سپاه بینه دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بید که پوست پایش روشن بود دلیل بود که کار  
خاسته کرد و اگر مانی گوید که پوست جمله چهار پایان خواب دیدن مال بود و پوست شمر میراث بود و از مردی بزرگ و پوست که سفید  
صاحب را از روی بود و اگر پوست درخت بنشیند خداوندش روزه دارد و اگر بید که پوست مسلخ باز کرد و دلیل که اگر انگش که  
بدان منسوب بود مالی بستاند و اگر بید که سرانی بنا کرد و از بهر پوست باز کرد و دلیل بود که اگر انگش قصاب بود و در سری او و یا از بینه  
و اگر معلم بود و بر کودکان ستم کند یا بر خری گوید اگر بید که پوست کوی یا زبیکر دلیل بود که انگش خلدای کنن و چیزهای تپاه  
شده را اصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میبایستی کند چون امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند در کارهای بسیار پوین  
این سیرین گوید اگر کسی در خواب بید که پوستین پوشیده بوده و وقت زمستان بود و دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجه حشیت  
او بود و اگر در وقت تابستان بود و پوستین پوشیده داشته و دلیل که اگر بید که پوستین برده یا بر خاله داشت  
دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از آن مال یا بدو اگر بید که پوستین سحر پوشیده داشت دلیل بود که زنی نخواهد که توانگر و مالدار  
بود و اگر بید که پوستین رو باه اندو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریفته و حیل کرد و اگر بید که پوستین  
خرکش پوشیده داشت دلیل که زنی نابکار بدخل نخواهد و از او رحمت بید و اگر بید که پوستین سحر پوشیده داشت دلیل بود  
که زنی ناسازگار بر بنی نخواهد و اگر بید که پوستین کر به پوشیده بود و دلیل بود که زنی بدخو بر بنی نخواهد و در زوجه بی امانت بود و اگر  
بید که پوستین و شش پوشیده بود و دلیل بود که زنی اهل وین دار بر بنی کند و اگر بید که پوستین جوش پوشیده داشت دلیل بود  
و شطید بر بنی نخواهد و اگر بید که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود و دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود و پوست  
طوبی پوستین گوید اگر کسی بید که کسی را بوسه داد و دلیل بود که انگش را دوست و خوشنکار بود و اگر انگش معمول بود و دلیل  
از جانی که طمع ندارد و خیر و منفعت بید و اگر بید که معیونی او را بوسه میداد و دلیل است که از انگش خیر و منفعت بید که مانی گوید  
اگر بید که مرد را به شربت بوسه میداد و دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا از بهر حای خیر یا آورد و اگر بید که مرده ویرا بوسه میداد  
و دلیل بود که طالب و خواستگار وی بود و اگر بخلاف این بید و دلیل بود که مرد مقصود دنیا بدختر صحت و قی فرماید که بوسه دادن  
خواب و دلیلش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت و دوم حاجت روائی ستم بر دشمن و ظفر باختن چهارم سخن شنیدن بوق  
این سیرین گوید اگر کسی خواب بید که بوق میزد و بوق زدن را نمیدانست دلیل بود که مردم را از ترس و آگاه کند و اگر بید که بوق میزد  
و دلیل بود که در میان مهران دروغ گوید و اندر دروغ را بوسه کند راست کند و بقاقت ظلم بر کرد که آن دروغ بود و جابر خری گوید که بوق  
زدن بنا بر میل مردان در مصیبت بود و زنا را رسوائی و ظاهر شدن را از ایشان حضرت صحت و قی فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار  
وجه بود اول خبر دروغ و دوم سخن بکر و ستم ظاهر شدن را از چهارم مصیبت بود و دلیل ستم حق این سیرین گوید که بوق در خواب  
پادشاه بود یا مردی بزرگ که مردمان را بلیل او برادر رسد که مانی گوید که بوق در خواب تا دلیلش آن بود که نیکو باشد اگر بید که از این  
بگذشت دلیل بود که از پادشاه و از عروجه رسد و از او منفعت بید و اگر بید که بنیادی بریل مینهاد و عمارت میکرد و دلیل بود که در

و پادشاهی باید و مال بسیار و اورا جمع کرد و قوله تعالی **وَالْقَنَا طِبْرَ الْمُقْطَرِ** **مَرَّ الدَّهْبِ** **حَضَرَ حَقِيقَتِ** **فَرَزَادِ** **کِه** **پِل** **و** **خواب** **بر** **چهار** **رو**  
 بود و آتد دی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس را کند و تویم پادشاه ششم نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کرد  
 اگر بیند که پل سفید و خراب شد دلیل بود بر تنهایی حال پادشاه و نقصان ملک و بوم بخواب دیدن مردی در دما بجا مفسد بود و  
 اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصوصیت افتد و دیگر همه حال و دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید اگر  
 بیند که بومی داشت یا کسی بد و او دلیل بود که مردی در زور اقرار کند و اگر بیند که گوشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مرد  
 دزد و بجز اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که غلام کوچکی از دزدان را حاصل کرد و بوم سیاهی خوش این سیرین  
 که بومای خوش و ناخوش شش نیک و بد و سخن ناخواب بود اگر بیند که بومی خوش شنید دلیل بود که او را نکوش کند و اگر در خواب  
 بومی خوش بسیار شنود دلیل بود بر هر که زیرا که مردی از بومی خوش و حسود ناکر نزد کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کرد و دلیل  
 که او را نیش کند و شاکویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب بخوبی شنید و نام او بر زشتی منتشر کرد و پی  
 این سیرین گوید که پی در خواب جمع کننده حال کار او بود و اگر خواب بیند که پی بر اندام او خشک شد یا بکشت دلیل بود که بومی  
 که جمع کننده کار و حال او بود و از او غایب کرد و یا از دنیا رحلت کند اگر بیند که چهار بر تن او خشک شد و دلیل بود که از دنیا  
 مفارقت جوید کرمانی گوید که پیهایی تن دلیل بر خولیشان و اهل بیت بود اگر بیند که پیهایی او درشت و قوی بود و دلیل بود  
 که خولیشان و اهل بیت و بد حال و ضعیف کردند سیاهان و انیال گوید که سیاهان در خواب بکشت روزی بود بقدر بزرگی و  
 آن اگر بیند در سیاهان تنها بود و دلیل کند که اگر سبب غیش مال فراوان حاصل کند اگر بیند که باکره هی در سیاهان بکشت دلیل بود که  
 مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی کشاده کرد و این سیرین گوید اگر کسی بیند که از سیاهان بیرون آمد دلیل بود که  
 غم و اندوه رسته کرد و اگر بیند که در سیاهان شد و دلیل بود که غمگین و مستمند کرد و حضرت صادق **ع** فرمود که دیدن سیاهان در خواب  
 بر چهار وجه بود اول روزی و تمت و تویم حیرت و سرکشکی سیم غنا و بیخ چهارم بیم و خطر و هلاک و از وی زد و بیرون آید  
 سیاه زکرمانی گوید که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و درشت و اگر بیند خواب صلیح و مستور بود و بجه خود را  
 از خوردن آن دفع گشت و اگر بیند خواب صلیح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان رشت گویند چنانچه  
 چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورد و دلیل بود که سر انجام از حرام خوردن تو بکند و بخدایت باز کرد و حضرت صادق **ع** فرمود  
 که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام و تویم غیبت و سخن رشت سیم پشیمانی در کار یا پیاله محب سیرین گوید  
 که پیاله در خواب کینز کند بود که با بومی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله آب یا حلاب میخورد و دلیل بود که با کینزکی بجلال  
 و از وی فرزند معصوم یا ورود اگر بیند که آن حلاب یا آب از پیاله برینخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد و حضرت صادق **ع** فرمود  
 که پیاله در خواب برد و وجه بود اول کینز و تویم خادم پیراهن و انیال گوید که پیراهن سفید در خواب دیدن مرد بد و بعضی از  
 سیران گویند که پیراهن زن بود و دلیل حال و کار او بود و در کسب حیثیت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود و دلیل بود بر

تویم

تویم

تویم

تویم

تویم

تویم

تویم

فصل

کارونیکوئی احوال و اگر بیند که پاره از پیر این او دیده بود تا ویش میانه بود و رنگی و بدی و اگر بیند که پیر این وی کن و چکن بود  
و لیل بود که در پیشی و پیر اینی رنج و غم بد و رسد و هر چند پیر این را گفته تر و دریده تر بیند بلا و مصیبت و پیش مشیت بود که خداوند  
خواب بآید کرد و اگر کسی بیند که پادشاه او را پیر این خود او پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند که مانی کوید اگر کسی بیند  
که پیر این نو پوشیده بود دلیل بود که نظام پیر این بود و باطن بد و اگر بیند که پیر این و شلواریش جمله چکن بود و کسی لیل بود که اگر نو  
بود و ویش کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که پیر این نو و فراخ پوشیده داشت و لیل بود که عیش  
فراخ کرد و اگر بیند که پیر این تنگ بود و لیل بود که عیش بروی تنگ کرد و اگر بیند که پیر این او دیده بود و لیل بود که رازش  
کرد و اگر بیند که پیر این بی گریان بود و بی آستین و یکد زربود و پوشیده و لیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیر این  
در از داشت دلیل که کارش بد کرد و مرادش بر آید و اگر بیند که گریان پیر این از سوی پس مریده بود و لیل بود که او بد و سخت  
نشد و گفته ثانی و آن کان قمیصه قل من دبر فکد کتب و اگر بیند که پیر این کبی داد و انگس پیر این را بدی فرو مالید  
لیل بود که سفر کرد و از جایگاهی او را بشارت رسد و گفته ثانی اذ هبوا فیهی هذ افا کفوه علی و حید اکیات  
پیر این و اگر بیند که پیر این خون آلود و در شست و لیل بود که روزگار در از و غم و اندوه بماند و اگر بیند که پیر این دریده پوشیده بود و لیل  
بود که کارش نکند کرد و رازش آشکار شود و حضرت صاحب دق عافز مایه که دیدن پیر این در خواب چون نو و فراخ بود و لیلش شش صبح بود  
اول دیدن مردم دویم ستر شیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم رازش و غم ششم بشارت بیت المعمور خانه است  
در آسمان چهارم برابر کعبه و آن چه که فرشتگان بود و این سیرین کوید اگر کسی بیند که در بیت المعمور شد و لیل بود که در میان مردم  
یا بعلم ظاهر کرد و در و چ کند و از شر دشمنان ایمن کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته کرد  
و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت یا نجفت و لیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیر این بیت المعمور طاعت  
بهر و لیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بر کوه و مسجدی دید و در وی نماز کرد و لیل بود که همه حاجات او بر آورد  
گرمانی کوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود و لیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بیند که  
بیت المعمور آراسته است و فرشتگان بروی طواف میگردند و لیل بود که علماء و اهل دین بنظام شوند و عروجه یا بند پیر این  
سیرین کوید که پیر این در خواب لیل بر مال و زمین زمان و کثیر ک کند بر قدر و محبت پیر این که دیده بود که مانی کوید اگر بیند که پیر این  
آراسته بود و بجا هر پوشیده بود و لیل بود که بقدرا آن او را مال حلال حاصل کرد و اگر بیند که پیر این او ضایع کرد و لیل بود که او را  
غم و اندوه رسد و اگر مردی بیند که پیر این زن داشت و لیل بود که غمگین کرد و پیر و زه این سیرین کوید که پیر و زه در خواب  
ظفر و توه و حال روانی بود و اگر بیند که پیر و زه از وی ضایع کرد و لیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی کوید اگر بیند که پیر و زه  
بجز و داشت دلیل بود که بقدرا آن او را مال حاصل کرد و در شرف و بزرگی یا بد حضرت صادق عافز مایه که دیدن پیر و زه در خواب  
بر چهار وجه بود و اول ظفر و نصرت و دویم حاجت روانی سیم توه چهارم ولایت پیر شدن این سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند

بیت المعمور

پیر این

پیر و زه

که پیر کردید

که پیر کرد و محاسن او سفید شد دلیل که غرور شریف یا بد و اگر پیری محمول بر ایند که خرم و شادمان بود و دلیل که اندوختی مراد نامی او بر آید و از  
خرم رسته کرد و اگر پیری محروم را بیند که خرم و شادمان بود و دلیل بود که از او چیزی بد درسد و اگر او را ترش روی و غمگین بیند دلیلش  
بخلاف این بود و جابر مغربی گوید اگر پیری را بیند که جوان شد دلیل بود که در غرور بزرگی او نقصان باشد و در دنیا سفر و کرد و اگر جوانی  
یا کودکی بیند که پیر شد دلیل بود که غرور بزرگی یا بد و بکار آخرت شغل کرد و پیسی ابن سیرین گوید که پیسی در خواب مال و توانگری بود  
و اگر بیند که تن او پیس گردید و دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که پیسی در خواب پیران  
حضرت صادق علیه السلام فرماید که پیسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال و دوم میراث ششم منفعت چهارم بدید آمدن کار مشکلی جابر مغربی  
گوید اگر بیند که با مردی پیس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد  
و خبیث دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده پاک  
تعالی است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزندی بود که از اهل بیت او تو انکر کرد و اگر بیند که بر پیشانی او نشانی بود و دلیل که خدا  
در پاک و پیری پرکاری مشهور کرد و اگر بیند که کسی زخمی پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده کرد و اگر بیند  
که پیشانی او کوچک گردید تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که پیشانی او از حال خود بکشت دلیل بود که زانی پوی رسد و اگر بیند که پیشانی  
او مورسته است دلیل بود که وام دار گردد و اگر بیند که آنوی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن و امش از بهت عیال بود و اگر بیند که پیشانی  
او آماست دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر بیند که از پیشانی او مار یا کژدم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را  
الم و کزندی از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که کار که خدای او پندارد و اگر بیند که  
پیشانی چشمهای بسیار داشت بهین دلیل کند که او را در مصالح خود پنداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود  
که او را فرزندی آید عالم و پیر پرکاری و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت را محمود کند و مرگ او برتر است  
او بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محروم باشد و تاویل بخلاف این بود و حضرت صادق علیه السلام فرماید  
که درین پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و دوم غرور بزرگی ششم فرزندی که چهارم سعادت پنجم ریاست ششم خود نیکی  
پیشانی گرفتار ابن سیرین گوید اگر بیند که در کارهای پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غزوا یا چیزی دیگر دلیل بود  
که در آخرت رستگاری یا بد و او را نزد خدا تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیا پیشی گرفت دلیل بود که غرور و قبایل ال یا حضرت  
صادق علیه السلام فرماید که پیشی گرفتن در خواب در کارهای خیر و صلاح و دلیل بر خیر و صلاح و وجهانی بود و اگر بیند که پیشی گرفت در کار شر و فساد  
و دلیل کند بر فساد و وجهانی پیشینه ابن سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر بیند که پیشه خود را با کرد و بد پیشه از آن بهتر شغل کرد  
و دلیل بود که کارش بهتر گردد و در کسب و کار روی نیکی پدید آید و اگر بیند که پیشههای کونا کون همی کرد اگر آن پیشهها نیکو بود دلیل  
بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر بیند که بعضی از پیشهها بد بود و بعضی نیکت بر کدام قوی تر بود و حکم بر آن  
ابن سیرین گوید که پیشه درختان و در خواب زنی بود بیا بانی اگر بیند که در پیشه شد و آن پیشه سبز بود و درختان میوه و در آن بود و در

خواب

پیشی

پیشانی

پیشانی

پیشانی

پیشانی

در وقت آن فارسیه آن بشیه همی خورد و دلیل بود که زنی خواهد که اسل او بیایانی بود یا کینه کی خرد که در میان او را پرورده باشند و آن  
 زن او را خیر و منفعت رسد و اگر آن بشیه را خالی از اینها دید و دلیل بر شر و ضرر کند و اگر بشیه که در آن بشیه بجای درختان خار بود و از آنجا  
 او را کند رسد و دلیل کند که او را غم و اندوه بخت زمان رسد و ضرر و آفتی که دیدن بشیه در خواب بر چهار وجه بود و اول زن بیایانی  
 بود که کینه یک چشم منفعت چهارم غم و اندوه بود هیچ این سیرین که دید اگر بشیه که مصحف بفرخت و دلیل بود که  
 درین او نوزاد و حقیر بود و خار و اگر بشیه که سنده خویش را بفرخت و دلیل بود که کار بروی تنک آید و شکر کرد و اگر بشیه که زن خوشتر  
 بفرخت و دلیل بود که حرمت و بزرگی او را از او شدت نام کرد و مکر و خدایت زن که بفرخت و او را زنی دیگر بود و دلیل بود که کارش صلاح  
 باز آید که مانی که دید هر چند که درین عزیز بود و فرختن آن بجناب و کار بد بود و ضررین آن نیکو بود و بیکان در خواب دیدن مروی که  
 خطر بسیار بود و اگر بشیه که بیکانی تیر داشت یا کسی بوی بخشد و دلیل بود بر درستی کار که بد و رسد جابر مغربی که دید که دیدن بیکان و خد  
 خوه بود و در سخنی که بشینه خواب با خصم که دید خاصه که بیکان نشن از نواد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بشینه تا ویش بخلاف این بود  
 سیخمر بد آنکه تاویل پیغام بران و ضلالت سازد و هم باید که در یک سیر این سیرین که دید که بیک بجناب زن بود و اگر بشیه  
 که او را بیکری بود و دلیل کند که زن خواهد و اگر بشیه که بیکر از کسی بیجا بود و دلیل بود که کینه خرد و اگر بشیه که بیکری داشت و از وی  
 صانع شد یا از دست او برفت و شکست و دلیل بود که زن را طلاق دهد یا زلزلن از دنیا رحلت کند و اگر چهره بیکر خود را بصورت  
 دیگر بشیه دلیل بود که احوالش بد و هم بران بیات که آن چیز رسیده بود که مانی که دید اگر بیکر خوشتر بصورتی زشت بدل کرد و بشیه  
 و دلیل که حال او متغیر کرد و اگر بشیه که بحال و صورت خود کرد و دلیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز کرد و اگر بیکر خوشتر باشد که  
 دلیل بود که همه روی از وی بگردانند و بروی جفا کنند جابر مغربی که دید اگر کسی بشیه که بیکر آدمی یا بیکر حیوانی بدل همی کرد و دلیل  
 که آنکس بد مذیب و دروغ بود و یا در صفات خدایتعالی چیزی که دید و اگر بشیه که بیکر کسی بخورده و دیگر که نه از جنس او بود و بخت و دلیل  
 که بشینه را کار صعب چه بد آید و در آن تخیل کند و صورت در خواب دیدن مروی بود که بر خدا بخدایتعالی دروغ گوید پس این سیرین به  
 که معتبران کینه که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز و اول پس اگر کسی در خواب بشیه که بر پس نشسته است و دلیل بود که  
 زنی خواهد که کار و اگر این خواب را بر زبش و دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کینه خرد و اگر بشیه که بیکر آدمی یا بیکر حیوانی بدل همی کرد و دلیل  
 بر دست او کشته کرد و یا حصار می محکم را بختاید و اگر بشیه که بیکری بر سر وی نهاد و او را بخت و دلیل بود که بیکان نزد یک کشته شود و دلیل  
 بد کرد و اگر بشیه که بر سر پس نشسته بود و آن پس بیکری داشت و دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود و کوفی  
 که دید اگر بشیه که بر پس نشسته بود و آن پس صلاح داشت و نیک طبع او بود و دلیل کند که پادشاه عجم کرد و یا پادشاه عجم را خد کند و اگر بشیه  
 که نیکوشت پس همی خورد و دلیل بود که بقدر آنکوست از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بشیه که از آتخا پس یا از پوست و چیزی خد  
 داشت همین دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بد و رسد و اگر بشیه که بیکر آدمی یا بیکر حیوانی بدل همی کرد و دلیل بود که دشمنی بزرگ را خد  
 کند و بر انقول قضا محال الغیاب و دلیل باورده اند و اگر بشیه که از پشت پس بختاید و دلیل بود که در عیای نختاید که بشیه که پس میان

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری و بر وی دل بود که پادشاه اندام بر وی و جابر بر وی که میگردید که از هر تاشا بر وی نشسته بود و قادر بود و دلیل بود که در  
 پنج کج خود بخوابد و از آن بر وی قادر بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که بر زن قادر بود و اگر بیند که بیع صلاح پوشیده بود و از  
 شهر شهر و یکی میرفت دلیل بود که بر مملکت آن دیار پادشاه بسیار توانایی دیگر افتاد و او را ملک کند حضرت صادق علیه السلام فرمود که در این  
 پس در خواب برش وجه بود و اول پادشاه عجمی و قویم مرو غلام ستم مرد و نکار چهارم مرد با قوت و بهیبت پنجم مرد و ششم ستمکاری چون  
 خواره پس کوش گسایبی است که بر یک بزرگ بین دارد و آنرا شکوفه زرد است و در آن در خواب زنی بود و خامه و بی اسل و توت  
 اگر کسی خواب ببیند که سیل کوش داشت یا کسی بومی داد و دلیل بود که او را چنین نوحی صحت افتد و از او صحت بیند پس بگوید این سیر که  
 که سیل در خواب مانند طیب بود و مانند خنجر زیرا که طیب چهار از اسباب کند و خنجر مرد را راه وین نماید اگر بیند که سیل در خواب زنی را زنی  
 و راحت رسد بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند چنانچه اگر کسی ببیند که سیل در خواب بر وی برسد و دلیل بود که آن کس خیر و منفعت بر کس برسد  
 و نامش بر نیکی در آن دیار منتشر شود پس این سیر که میگردید که در خواب خامه می کرد و دلیل بود که نامی بود که در خواب خامه می کرد  
 که کار با نفاق کند بعضی گویند که سیل در خواب کاری بود که از زنج و عنای حاصل کرد و اگر کسی ببیند که سیل دارد و از آن کاری کند دلیل بود که  
 تمام کرد و اگر بدان کار کند دلیل بود که از آن کار بریده کرد و بیماری این سیر که میگردید که در خواب ببیند که بیمار است و دلیل بود که در آن  
 بقضا بود و گفتار و با مردم نفاق بود و بعضی گویند که در آن سال بیمار و اگر بیند که از بیماری تن در دست شده بود و در خانه نباشد و در  
 سخن بخت و دلیل کند که بیماری بروی دراز کرد و در خطر بوده باشد که بمیرد و اما اگر بیند که با مردمان محالست میگرد و سخن بخت دلیل  
 کند که زود از بیماری شفا یابد که نامی بود که اگر بیند از بیماری وی برهنه بود و دلیل بود که زود برهنه و مسروران گفته اند که بیماری در خواب پس  
 بر فشق و فجر کند و غم داند و در قتل سلطان یا از قتل خیال بدیده بیند چنانچه مغربی گویند که بیماری که نامی بود که در خواب ببیند که بیمار است  
 خرمی و مسرت حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر کسی ببیند که بیمار بود و از غفلت خویش باز نگردد و دلیل بود که از غم این کرد و اگر از بیماری تانی  
 و رضی و شاکر بود و دلش تنگ و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود و دلیل که ایش نزدیک شده باشد و خداوند تعالی تفتت چشمه و آن  
 خواهری حکما خلق کند آنکه ستمگر بیماری که بیماری در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود و مردمان خاصه چون بیماری  
 در خواب میباید بود و اگر بیند که بیماری بست یا کسی بد و او دلیل بود که راستی و انصاف کند و معامله و او و رسته بخت کند و اگر بیند که بیمار  
 او بخت است یا صحت دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از بیماری خیری می بیند و اگر دلیل علم بود و دلیل که قاضی کرد و اگر از اصل  
 علم باشد دلیل از بهر و ادوی بقاضی محتاج کرد و در بقول که بیماری در خواب بروی بود و ستمگری و منفعت که او مردمان و در مینی تانی  
 گویند که مینی در خواب چنانچه در منزلت بیند بود و هر زاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بر بیند بود و اگر بیند که مینی او کونا  
 شده بود دلیل بر نقصان قدر و منزلت آن اگر بیند که مینی آن افتاده بود و دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ مینی او  
 فراخ شده بود دلیل بود که معیشت وی فراخ کرد و اگر تنگ شده بود دلیل که معیشت بروی تنگ کرد و این سیر که میگردید که در خواب  
 از مینی او بیرون آمده بود و دلیل بود که از متری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از مینی وی بیرون آمد چون کرم و کسوف مانند این دلیل بود

که او را فرزند می آید و اگر بیند که درین می آید و سوراخ بود و معمار در بین می آید و کرده بود و دلیل بود که هر دو از آن واقع گشته یا باری بزرگ صحن گشته  
 و از او مال و نعمت یابد و اگر بیند که سرین می آید و بسته بود و چنانکه هم زدن نتوانست دلیل بود که کار بر وی بسته گرد و اگر بیند که سخن برین می  
 میگوید دلیل بود که در لاش نایل کرد و اگر بیند که پوست سرین می آید و رفته بود و دلیل بود که او را زبانی افتد جابر گوید اگر کسی در خواب بیند که ازین  
 و خون می آید و معتبر است که جابر گوید که خواب دیدیم که ازین می آید و دلیل که مال بسیار یابد اگر گوید که دیدیم خون ازین می آید و دلیل که  
 مالش برود باید که چون سال سخن گوید معتبر است لفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بیند که هر دو سوراخ می آید و یکی شده  
 بود دلیل بود که باز نماند هیچ کرد و اگر بیند که سرین می آید و بریده بود دلیل که نزد خویش راخته کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت  
 او نقصان شود جابر گوید اگر کسی بیند که چیزی بکار بست درین می آید و شد دلیل بر خشم و نکی بود اگر بیند که خون ازین می آید و بیرون آمد چنانکه  
 جمله تن او خون آلود کرد و دلیل بود که مطلق حرام بودی رسد و اگر بیند که خون سبز و اندک ازین می آید و بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند نام  
 ماور بیفتد بقول جبران در ویش کرد و اگر بیند که خون ازین می آید و بیرون آمد و خون آلود نکشت دلیل بود که فرزند یا زن از خانه بیرون آید  
 یا بایشان کند رسد و اگر بیند که می آید و بر زمین افتاد و دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بیند که او می آید و خود را همی شست دلیل بود که  
 مردی زن او را بفرساید و اگر بیند که ازین می آید و می مرغی بیرون آمد دلیل بود که چهار پای دارد و بچه آورد و بقول بعضی از متبران خون  
 آمدن ازین می آید مال بود که از او پادشاه آید یا ربوبی رسد استغیاب شعث گوید اگر بیند که می آید و بی بر مثال خط می بزرگ شده بود یا کم  
 از آن دلیل بود که بقدر آن بر غر و جاه وی بنشیند و از آن خویشان نیز یابد که او را اگر بیند که درین می آید و بوی خوش رفت دلیل بود که  
 او را فرزند می مصلح بود و اگر بیند که درین می آید و کاف خوش رفت تا ویش بخلاف این بود جاحظ گوید اگر بیند که می آید و نذر دلیل بود  
 که کسی از خویشان وی میبرد و اگر بیند که او را در بین می آید و دلیل بود که فرمایان او و عیال خلافتند و اگر بیند که کسی بوی خوش فر  
 می آید و داشت دلیل بود که از آن کسی نفی رسد و اگر بیند که خواب زن بود و دلیل بود که او را پسری مصلح آید و اگر بیند که شخصی  
 بوی ناخوش در زیرین می آید و داشت دلیل بود که از آن کسی خشمی فرو خور و حضرت صادق فرماید که دیدن می آید در خواب بر سر و وجه بود و او را  
 و ویم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش خوش پیروز و ن باین سیرین گوید اگر کسی خواب بیند که پیغمبر و دلیل بود که خیر و نعمت  
 و فراخی یابد و اگر بیند که پیغمبر و سفند داشت و میخورد و دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که پیغمبر جانوری میخورد که کشت او را  
 دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق فرماید که دیدن پیغمبر در خواب بر سر و وجه بود و او را قتل نعمت و فراخی و ویم مال و منفعت سیم گشته  
 کاری بسته بهیوشی اگر مانی گوید اگر کسی بیند که بهیوشی کرد و چنانکه عقل او را زایل کرد و دلیل بود که او را کاری پیش آید که در آن کشته  
 و شجره و دلیل که سر بکام کارش نیل کرد و حضرت صادق فرماید که بهیوشی در خواب بر دو وجه بود و او را قتل شکاری کار و ویم شجره و سر  
 و فرود آمدن کی حرف التماس کتاب کامل تعبیر کتاب و او را این سیرین گوید اگر کسی بیند که رسد یا  
 سید و یا بهمان دلیل بود که بفرشو و خوش بقدر داری و کوتاهی پس بدینسان بود که دراز و سفر در آن و اگر کوتاهی بود و نظر کن و در و در و اگر  
 چیزی و نقصان را سبب از تاب میداد و دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس را بهجت کند حضرت صادق فرماید که تا به

نسخه

چهارم

پنجم

ششم

تاریخ  
ایران

مرح

تاریخ

تاریخ

تاریخ

پس در میان برتبه و جود او اول سفر و تحویل دویم بر ریاضت نفس ستم کشایش کارهای فرو بسته تا بستان این سیرین کوید که بهشت  
 بخواب و بدین پادشاه سخت بود و اگر گمانی سخت بود و چنانکه مردم را از آن زبان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر صلاح  
 و تابستان را بوقت خلیش بخواب و بدین بهتر بود که گمانی کوید اگر کسی تابستان را بخواب میزد بوقت و چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار  
 دلیل بود که غرور و دلش زیاده کرد و و کادش بر او رسد و مردم غام پادشاه را بخواب و بدین از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر  
 تابستان را نه بوقت خلیش بیدار و بلیش بخواب این بود و تاج محمد بن سیرین کوید که تاج در خواب بدین پادشاهان را بکشد و دلش  
 بود و نه از شوهر و مردم عاصه را بکشد و حال اگر بیدار بر سر تاج داشت از زهر مرصع دلیل بود که قدری بلند و مترقی عظیم باید گشت  
 و در زمین راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیدار دلیل بود که شوهری کند صاحب شست و جاه و در شغل و نیار گشت  
 کوید اگر بیدار پادشاه بر مردی تاج ستاد و دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روانی بود و اگر بیدار که پادشاه تاج بوی داد و دلیل بود  
 و او بر سر نهاد و دلیل بود که زنی توانگر و خوب روی بخوابد و او را کام دل و داد و باید و اگر بیدار که تاج از سر او بیفتد و او بشکست  
 دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بیدار که تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا شود و اگر بیدار که  
 تاج از سر وی بیفتد و بشکست دلیل بود که زن او بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد و او را دنیا رحلت کند حضرت عیسی و قیام فرماید  
 اگر زنی بیدار که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد و دلیل بود که بر زنان مترک شود و اگر زنی  
 بیدار که تاج از سر او برگرفته شد دلیل بود که شوهر از زنی خواهد داشت و طلاق دهد و اگر بیدار که تاج مرصع بود بر سر پادشاه  
 بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد تا راج این سیرین کوید که اگر بیدار که حال و لغت کسی را با تاج برود و دلیل بود  
 که انگش را غم و اندوه و زبان رسد بقدرا که اندوی برده بود حضرت عیسی و قیام فرماید که تاج کرون و دلیل بود بر چهار وجه اول  
 شعبه دویم زبان ستم غم و اندوه چهارم از زانی نیکو که غنیمت باید و تاج یکی این سیرین کوید که تاریکی در خواب منطالت  
 بود و راه دین اگر بیدار که تاریکی فکر گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بر قرآن منطالت و کراهی باید اگر بیدار که تاریکی  
 بود و آن تاریکی بر روشنی مبدل کرد و دلیل بود که تو به کند و راه دین بر او گشاده کرد که گمانی کوید اگر بیدار که تاریکی بود  
 و آن تاریکی باز بر روشنی شد و دیگر بار تاریکی شد و دلیل بود که این منافق بود و قوله تعالی و از آظلم حکم قاطع او گشت  
 جابر کوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود و اگر بیدار که تاریکی تاریکی کرد و دلیل بود که مردم آن دیار غم و اندوه رسد و کار  
 ایشان بسته کرد و اگر بیدار که هوا روشن بود و تاریکی ابر ناگاه بدیدار دلیل بود که در آن دیار مرگه مناجات ظاهر کرد و خوش  
 صاف و قیام فرماید که تاریکی در خواب بر خج وجه بود اول کفر و دویم تخیر ستم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم و منطالت انما  
 استحقاق شحت کوید اگر بخواب بیدار که تاریکی بر روشنی آمد و دلیل بود که از روشنی بتواند که از غم فرج یابد و کار  
 برومی گشاده کرد و او را زنده منطالت و بر بود تا زیاده و انیال کوید اگر کسی بیدار که تاریکی بخوابد و دلیل بود که تاریکی  
 نه بر مراد و نظام او بود و اگر بیدار که تاریکی از جحر خط نکرده بود و دلیل بر شرف بزرگی بود بقدرا که تاریکی و بعضی کوید که تاریکی



و خواب دلیل بر مالی ازک بود بر قدر سینه خواب که سینه که و مال تا زیاده او یکست دلیل بود که مال و بره کی از وی جدا کرد  
 این سیرین کوید اگر کسی بینه که کسی را بتا زیاده نبرد دلیل بود که بجای مشغول کرد و از آنکس کسب خایده بدو رسد اگر بینه  
 که زیاده از دست بینه دخت و دلیل بود که الحکاری که در دست دارد بینه زد و اگر بینه که چون او را بتا زیاده نبرد خون از تن می  
 رواند و دلیل بود که سخنی ناخوش شنود و اگر بینه که خون از وی نرفت و دلیل بود که بر تا زیاده در می یابد که کافی کوید اگر  
 بینه که او را بتا زیاده نبرد دلیل بود که آنکس مال حرام یابد اگر بینه که زخم تا زیاده خون از او روان شد و دلیل بود که مالی بدو اگر بینه  
 که زخم تا زیاده برهن او ماند و دلیل بود که سخنی ناخوش شنود و اگر بینه که او را بتا زیاده نبرد و داشت که کسی زود دلیل بود که  
 تا که مالی بدو جابر کوید اگر کسی بجای بینه که در دست تا زیاده نیکو و پشت یا علقه بر شین دلیل کند که او را فرزند می آید اگر  
 بینه که تا زیاده از خواب بود و دلیل بود بر قوه حال وی و اگر بینه که تا زیاده او حرم یا از دوال بود و دلیل بود که خیر و منفعت بدو  
 و اگر بینه که تا زیاده در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بینه که بر اسب نشسته بود و بتا  
 میزد و دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بینه که بر پشت کسی تا زیاده زد و از آنجا خون بر آید و دلیل بود  
 که آنکس مال حرام یابد یا زنده او را متمم کند بجای کسی و اگر بر پشت خود زخم تا زیاده بینه و ندانست که چه کس زود دلیل بود که  
 و نیای او تمام گردد و اگر بینه که کسی تا زیاده زد و چنانکه پاره پاره کردید دلیل کند که با او متفرق گردد و اگر کسی را بی انداز تا  
 زود دلیل بود که او را عزم و پراغمانده رسد اسمعیل اشعت کوید اگر کسی بینه که در خانه خود بدست خود تا زیاده که تا بود و پس از آن دراز  
 کرد و دلیل بود که زبان او بر خضم دراز گردد و اگر بینه که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بروی خلب کند حضرت یحیی  
 فرماید که تا زیاده خواب بر خد و هر بود و اتول شعت و هم جد کردن سیم روشن شدن کاری شکل چهارم سفر و مفارقت خیمه در  
 و مال تا و این سیرین کوید که تا و در خواب خد متکار خانه بود که آنچه بر که خدای خانه بود جمله رحیل خود و دیگران نفقه کند اگر  
 که تا و بود و پشت یا کسی بدو و دلیل بود که خد متکاری مصطلح او را حاصل کرد و یا از وی جدا کرد و جابر مغزی کوید که بینه که در تا و  
 چیزی بخت دلیل کند که کار خد متکار را و نیکو کرد و اگر بینه که تا و خیر میزد و دلیل بود که از آن خد متکار خیر و منفعت بدو رسد  
 بقدر خور و لی و اگر بینه که آن خور دلی ترش و ناخوش بود و دلیل بود بر غم و اندوه وی سب این سیرین کوید اگر کسی بخوابد  
 که او را تب پیوسته بود چنانکه زما نیش را نیکو و دلیل کند که پیوسته بفساد و کنا مشغول بود و تب بایکد و تا از عقوبت نجات یابد  
 که کافی کوید اگر کسی بینه که بش دراز بود و دلیل کند که تنش در دست و عرش دراز بود و اگر بینه که میرا تب ناکند بود و تا ویش بخلاف  
 این بود و سب این سیرین کوید که تهر در خواب خد متکاری بود که بخا که کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که آنرا کست و از  
 تا ویکارش فقر آید جابر کوید که تهر در خواب سیردی بر سینه بود و اگر یاری خواهد از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ است  
 شکست و اگر بینه که تهری و پشت یا کسی بدو و دلیل کند که او را با مردی بدین صفت دوستی افتد اگر بینه که تهر او شکست یا خج  
 کرد و دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد تیسره لغاری سهل بود و دیدن آن در خواب خبر کرده و سخن دروغ بود و کاری پیدا

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

و برین و این جمله دلیل بر زنده جان کنند این سرین کوید اگر بیند که با تیر و پای کوید و رض کند دلیل بود که بر غم و اندوه و  
او اگر بیند که او تیره و مفرد و بی زود دلیل بود که سخن باطل بود یا کاری با صواب کند که بدان شهر کرد و بعضی معتقدان کوید که تیره و  
آواز خویش بود لکن باطل بود و گمانی کوید اگر کسی بیند که تیره و میزد و دلیل کند که کاری باطل کند باشد که در آن هیچ اصل نباشد و با  
مردمان هر و عده که در جمله و دروغ باشد حضرت صادق علیه السلام میگوید که تیره و زدن در خواب کاری بود که بنادانی کرده شود و عاقبت آن کار  
نظاره کرد که باطلست و تیره و زدن در خواب مردی بود که دروغ شنید و آراسته کوید بظاہر و در باطن مرد و از اغیبت کند و بخوان  
از شدت کوید محتاج این سرین کوید اگر کسی بیند که محتاج بگوشت تیره یا با گوشت کشفند و ماست شیرین میخورد و دلیل کند که بقدر آن  
از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت کا و یا با گوشت خرگوش کشتک و ماست ترش میخورد و دلیل بود که منفعت  
از آن کم از مردم منفعت و در بد و رسد جا بر کوید که محتاج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه بود و تحت محمد بن سرین  
اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی کسره نبوده و دلیل کند که بسفر شود اگر بیند که بر تخت خفته بود و بر آن چیزی کسره  
بود و دلیل بود که بزرگی یا بد و بقدر و قیمت تحت دشمنان را فخر کند تا ازین غافل بود و اگر این کس از باطل فساد بود و دلیل بود که برادرانشند  
خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تحت شکست و او بیفتا و دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بد کرد و حضرت صادق  
فرماید که دیدن تخت در خواب بر صفت وجه بود و اول خواجه دویم سفر سیم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه و بخت هفتم مالی  
شدن کار با تخم کاشتن این سرین کوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر بیند که از  
انجا که کاشته بود میخورد و دلیلش ازین نیکوتر بود و اگر بیند که از آنجا کشته بود چیزی حاصل نگردد و یا ندانست که باران چیست و نیز آن  
و بسیار آنرا ندانست دلیل بر غم و اندوه کند که گمانی کوید اگر بیند که تخم کاشت و دلیل کند که او را خیر و نیکویی رسد و اگر بیند که چشمت  
دلیل بود که او را مال جمع کرد و اگر بیند که کا و رس همی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که حدس و باقی و لو بیا و مانند آن پیشکش  
دلیل بر غم و اندوه کند و انبیا کوید اگر در زمین خویش تخم بیهی کاشت دلیل کند که زنی خواهد کهارش ساخته کرد و اگر زمین کشته خویش را  
ناگفته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجای بجهول تخم همی کشت و برآمد و دلیل بود که غرا کند و غراب روی آسان کرد و  
و خیر کند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد و دلیل بود که او را مال و لغت حاصل کرد و اگر بیند که جایا کند م یا درخت در زمین کشت  
دلیل که جاه و خا و زیاوه کرد و بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دویم فساد  
سیم مال حرام چهارم نفع در بازگانی تخم این سرین کوید اگر بیند که او را تخم بود دلیل بود که او را مال بی خود و فساد کند یا بد که ازین  
کنا و توبه کند تا از عقوبت حق تعالی نجات یابد و اتفاق معتبران آنست که در خواب تخم دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که تخم در خواب  
بر چهار وجه بود اول مال با دویم فساد سیم مال حرام چهارم متابعت هوای نفس کند تخم نماز گمانی کوید که تخم در خواب دیدن آنچه  
ترش و ناخوش بود و جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بذر و صفت برود اما آنچه بطعم شیرین خوش بود خوردن آن در خواب  
منفعت اندک بود جا بر سفری کوید که تخم در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد لکن آن تخم که پوسیده یا گرم خورده بود مذکور است



بود و او مشتق از نصرت است و اگر ترسانی بیند که مسلمان شد و دلیل بود که مسلمان گرد و یا بجز حضرت صادق و فرما بدار کسی بیند که بنابر  
 صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و همواجرا او بود و اشتقاقش در دین اسلام ضعیف بود و ترسیدن این سیرین که بدید که  
 ترسیدن در خواب یعنی بود و هر که در خواب بیند که می ترسد از کسی و مانند که ترس و از گیس و دلیل بود که در وی از آن ترسانند و وی  
 رسد حضرت صادق فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده النصرة بالترعب یعنی نصرت یافتن ترسانند و اگر  
 بیند که از روی یا از جانوری می ترسد دلیل بود که از گسانی که با و منسوب اند و برامضرت رسد ترشیا ابن سیرین گوید که ترشیا  
 خوردن در خواب هم و اندیشه و غم بود خاصه میوه ای ترش و اگر بیند کسی چیزی ترش بوی داد و دلیل کند که از او بوی ریخ و غم و اندوه  
 رسد و اگر بیند که او چیزی ترش بکشد و او دلیل بود که بسبب غم و اندوه بوی رسد فی الجمله در خوردن ترش هیچ خیر نباشد مگر ترش  
 ابن سیرین گوید که ترش دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که ترش بوی خورد و دلیل بود که وام و اگر در دو سبب آن غم کن کرد  
 که ترش بطعم ترش و بدیدار پیره جابر گوید که دیدن ترش در خواب مال اندک بود و خوردن و غم و اندوه بود و ترش و انبال گوید که ترش  
 اگر چه مکنه زرد است اما بوی خوش دارد و بطعم بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوه ای بهشت است و دیدن او خواب نیک است اما مال  
 گوید اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بیند تا ویش فرزند بود و اگر بسیار بیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج بنزدیدن و خواب  
 بهتر از ترنج زرد بود و کرمانی گوید که ترنج در خواب هر دی بود تو فکر و به جمال و بهر و مان نزد یک چنانکه همه کس را دوست دارند و اگر  
 که ترنجی داشت یا کسی بدو و دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزندی خوبی  
 آید و اگر بیند که ترنج را بخورد و دلیل بود که او را مال خود یا مال بزرگی بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در پیچید و دلیل بود که ترنج  
 هلاک کرد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و کسی بخشد دلیل کند که در حق کسی نیکوئی کند و اگر بیند که ترنج در سبزه ها و دلیل بود که او  
 فرزندی از کنیزک آید و اگر بیند که از آستین بی و بیفتد و دلیل بود که او را فرزندی حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن ترنج در خواب  
 بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی و دوم کینک پاک دین ستم دوست تو اگر چهارم فرزند شریف صالح ترنگین ابن سیرین گوید  
 که ترنگین در خواب مال حلال بی منت بود و جمله غالی و اقولنا علیکم الکرب و السکوی کلوا من طیبات ما رزقناکم  
 و اگر بیند که ترنگین بسیار داشت یا کسی بدو و دلیل کند که روزی بسیار یا بد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود و حضرت  
 صادق فرماید اگر ترنگین در خواب دید یا خورد ویش برسد و جود اقل مال در روزی حلال بی منت غلق و دوم معیشت و کنایه  
 کار با ستم کام دل یافتن تره و دوغ ابن سیرین گوید که خوردن تره و دوغ خواب دلیل بر غم و اندوه کند تره ابن سیرین گوید که اگر تره  
 آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت کند تره فروشی اگر کسی خواب بیند که تره فروشی کردی تا ویش نیکو بود و نیز که بدست او  
 کاری رود که خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن خواب بیماری و مفلسی و غم و اندوه بود و تریاک ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تره  
 از به بیماری خورد و دلیل بود که از ترنج برسد و کار با بروی کشاد کرد و اگر خلاف این بود و دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه نقصان بود  
 تره هیچ ابن سیرین گوید اگر بیند که زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر عجب بود و دلیل بود که زنی تو فکر خواهد و اگر بیند

سیرین

ترنج

ترش

ترنج

ترنگین

تره

تره

تره

تره





چشم خشم پا و شاه اگر بیند که آواز تندر بوقلم باریدن می شنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که باران و غلغله  
بود دلیل بود که مرغم آید از آن دیار و شاه ترس و بیم بود و اگر بیند که باران ژاله می بارید دلیل بود که در آن دیار فتنه و عذاب و هلاکت  
پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغیر دلیل بود که باگشت و مسیبت پادشاه در آن دیار گستره کرد و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق  
و هم آتاکت بود دلیل که پادشاه متکبر پدید آید تند سیحان سیرین کوید که تند سیحان ساید آن بر زمین افتد چون بخوابند  
غم و اندوه بود و خاصه که بگوئیم سیاه بیند و آنچه در دیوار کجایند بهیض حضرت عیسی علیه السلام فرمود که پدید آمدن سیاه در خواب بر سه وجه بود اول  
غم و اندوه و دوم نقصان قدر و جاه و ستم بی امانی و در کار با تنگی ابن سیرین کوید اگر بیند که از تنگی بغیر از آن که از جایگاه می نهد  
بجایگاه می آید یعنی شد دلیل بود که کارهای او منظم شود و از رنج راحت و آسانی شود و اگر بخلاف این بیند بد بود و جابر کوید اگر  
بیند که در جایگاه تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود و گرسنگی در آن  
بر او تنگ کرد و در تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد تنور ابن سیرین کوید که تنور در خواب محتر بود و که خدای خانه و بعضی از  
کوبند که با نومی خانه بود و اگر بیند که تنور درست داشت و دلیل کند بر تن و رستی و نظام کار که خدای خانه و اگر بیند که تنور نیست  
و خراب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت که خدای و بدی وی و اگر بیند که تنور نان می بخت دلیل کند که بر قدران و نانها  
روزی حلال بیاید و کار بر وی نیکو گردد و در زمانی که پدید اگر بیند که در تنور لخم آتش است و شانی و بر بالای تنور شعاع آتش است  
و دو و بنو دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود و هیچ کند قوله تعالی من شاعطی لواء ی الا کمین فی البقعة المبارکة  
یعنی که بیت المقدس و بعضی گفته اند که آنرا خیر و منفعت رسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول  
خیر و منفعت بود و خاصه که نوب و دویم هر چه با هیبت و شود و شفت تو بره ابن سیرین کوید که تو بره در خواب خیر و منفعت بود  
خاصه که نوب و اگر بیند که تو بره داشت یا کسی بوی داد و دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بد و رسد و اگر بیند که تو بره های انجلیج  
گردید تا ویش بخلاف این بود تو بره کردن ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که تو بره کرد و دلیل کند که از بره گناه و مصیبت پشیمان گردد  
و اگر وارث کند که در آن خوشنودی خدا تعالی بود و دوست از دنیا بدارد و طلب عزت کند حضرت عیسی علیه السلام فرمود که تو بره کردن  
در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه و دویم رضای خدا ستم راه آخرت چهارم سعادت و توبه کرمانی کوید که تو توبه  
خواب و بدین مال بود اگر کسی بیند که تو توبه چشم کشید و مقصود از توبه و شانی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر مقصود  
وی بخلاف این بود و دلیل کند که خود را بنفاق بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی کوید اگر کسی بیند که تو توبه  
دلیل کند که بقدر آن میر مال حاصل کرد و اگر بیند که تو توبه می خورد و دلیل کند که مستمند و غمگین گردد و حضرت عیسی علیه السلام فرمود که تو توبه  
در زیر بغل داشت از بر وضع بوی ناخوش می مالد و دلیل کند که کاری کند که در آن و راجع و ثناء و نیکی گویند توبت تو تشریف  
در خواب روزی بود و خوردن خوراکت غم و اندوه بود ابن سیرین کوید که تو تشریف بهنگام خوردن و دلیل کند که بقدر آن که سب  
خوش روزی یابد و اگر انجواب بهنگام رسیدن توبت بیند نیکوتر بود و اگر نه بوقت آن بود و دلیل بر غم و اندوه کند که فراموشی کوید که

که تو شتر بن بخور و دلیل بود که انردی جانمزد و صلت و خطایا بد اگر بیند که خرقوت می خورد و دلیل است که نمکین و متفکر در حضرت  
صداق ۴ فرماید که بوقت در خواب بر سه وجه بود اول مال و دوم منفعت از کسب خویش سیم منازعه به زن توراته این سیرین که  
اگر بیند که توراته می خواند بظاہر دلیل کند که فیزا قوتی بدید آید از مردم خشم و اگر بدید که توراته خواند بظاہر دلیل کند که با کسی  
کند و بروی ظفر یا بد و مرادش حاصل کرد و اگر بیند که کسی را تعلیم بتورنت میگرد و دلیل کند که از آنکس خیر بد و رسید تیر و نیال گوید  
که تیر و خواب دیدن مردیست راست که اگر آنکس خیر مردم رسد بقول بعضی از متجربان عینت بود و اگر بیند که کسی تیر بوی می آید  
و دلیل کند که پیغمبی بد و فرسود خا صید چون بیند که بغرض انداخت اگر بیند که تیر بغرض انداخت دلیل بود که نام بد انگشت و اندک علم  
بالتصواب حرف الحیم من کتاب کامل التعمیر چادر این سیرین که بدید که چادر و خواب دیدن تیر پوشش ن بود و اگر بیند  
که چون زنمان چادر پوشیده بود و دلیل که در آن کار خیر و شرب و لکن انگار را از آنان کرده دارند و اگر کسی بیند که چادر را بدید یا سوخت  
و دلیل بود که در آن وقت ستروی دیده کرد و کرمانی گوید که چادر شب و خواب دیدن ن بود و اگر بیند که چادر شب فرارفت کسی  
بد و او دلیل کند که زن نوخا بد و اگر بیند که چادر نو بخورید و دلیل کند که کنیزی بخور و از او فرزند آید و اگر بخواب را زنی بیند و دلیل کند  
که او را شوهر آید و اگر زنی بیند که چادر شب او سوخت و دلیل بود که شوهرش میرد یا در اطلاق و در حضرت صادق ۴ فرماید چادر و خواب  
بر سه وجه بود اول قدر و جاه و دوم مردار زن و زن را شجر بر سیم که خدای سزای جادوئی گردون ابن سیرین گوید که جادوئی  
گردون و خواب کار باطل بود و اگر خواب بیند که جادوئی میکرد و دلیل کند که کاری کند بهود و باطل و بقول بعضی از متجربان جادوئی  
خفته بود و آنکس اگر از بهر او جادوئی کند جابر مغربی گوید که جادوئی گردون و خواب از بهر کسی تقدیر بود و بدروغ که مردمان را بد و فتنه  
و جادوئی و خواب دشمن فریبده بود حضرت صادق ۴ فرماید که جادوئی گردون و خواب بر شش وجه بود اول فتنه و دوم فریب  
سیم که چهارم سکا لش بر پیغم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اهلی بنو چهار پامی ابن سیرین گوید که کسی بیند که چهار پای را  
فرارفت و آن چهار پای مطیع و فرمان بر و او دلیل بود که بقدر و قیمت آن چهار پای انردی بیایانی او را منفعت رسد و اگر بیند  
که رنه چهار پایان و شتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که هر یک که سکین ایشان در میان بود و مطیع او شوند کرمانی گوید  
اگر بیند که چهار پایان و شتی را میسریند دلیل کند که مردمان و انا را خدمت کند جابر مغربی گوید که اگر بیند که چهار پایان شده بود و دلیل  
کند که از او عقل نایل کرد و اگر بیند که چهار پایان با او سخن می گفت دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بیند که از چهار پایان گوشت می خورد و دلیل بود  
که بقدر آن مال یا بد جارب و ب ابن سیرین گوید که جارب و ب خواب دیدن خادم دزد شکار بود و جارب در شب خادمی بود  
که تقاضای چیزی کند و اگر بیند که خانه را بجارب میرفت دلیل کند که مالش ضایع کرد و اگر بیند که خانه کسی میرفت دلیل کند که  
کسی بد رسد خاصه که بیند خاک رفته را بخانه خود آورد و حضرت صادق ۴ فرماید که جارب و ب دیدن خواب بر سه وجه بود اول خادم  
دوم منفعت سیم تقاضای چیزی که با مردم بود و بد رسد چهارم کرمانی گوید که اگر بیند که جام بر آب غلاب فرارفت یا کسی بد و او  
و از آن بخور و دلیل کند که زن خواه یا کنیز که هر دو را فرزند می پارسد آید که از او خدمت بیند و اگر بیند که آب جام بر بخت و جام باز و دلیل کند

خواب  
خواب  
خواب

خواب

خواب

خواب

خواب





حاج

بود که از متفرخیش دور کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل بود که بسبب کاری غلبین و مستند کرد و اگر بیند که  
جامه جامی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و نکست نامی کرد و اگر بیند که جامه کورکینی داشت دلیل کند که بخدمت مردی غلبه  
و درن هشت شغل کرد و اگر بیند که جامه کشیشانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال یا و رسد و اگر بیند که جامه تصافی  
داشت دلیل بود که ویرانی جانی رسد و اگر بیند که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که بازن صحبت دارد و بر است کانی  
گوید اگر بیند جامه نو داشت و او را مضار نکرده بودند نیکو بود و جامه تنگ و درین دیدن و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه  
نزدیفت زن خردمند و کینک با فزینک بود و جامه بر و محظوظ خیر و منفعت بود و جامه رسی که مجهول بود و زخم نازبان بود یا غمی خست  
که بد و رسد و جامه معین مال و خواسته بود جامه بود که تاویل دیدن جامه بر و کونه است یکت کونه بدین تعلق دارد و یکت کونه دیگر دنیا  
و جامه سفید دین است و جامه نوعنامه دنیا اگر کسی بیند که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه تنگ  
بیند هم دین را بد بود هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ زنا را نیکو بود و در دنیا  
و مردان هم نیکو بود و پیران و از ازار و طلیسان و قبا و دستار ایچله مردان را زخم و اندوه بود و ایچک و خصوصت و جامه زرد و مردان را آبرو  
بود و بقول بعضی از معتبران اگر بیند زنی که جامه زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید و اگر دارد و بجا کرد و جامه سبز زنان و  
مردان را دین بود و اگر بر نده بیند صلاح دین بود و اگر بر مرده بیند دلیل رشکاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشیده نیکو بود  
اما آنکه پیوسته سفید پوشد جامه سیاه و بدین نیکو نباشد و دین و نه دنیا را و جامه سفید بقول بعضی از معتبران خطیبت قاضی و پادشاه را  
نیکو بود و اتم حیت با غم و اندوه بود و جامه کبود و بهتان و غم و صیبت بود و اگر کسی بیند که جامه ملون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد و آبی  
که از پادشاه یا والی آفولایت سخنی سخت شنود که او را خوش نیاید همه میل اشکود که اگر کسی بخواب بیند که جامه داشت از رنگی که  
از رنگی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بدلت زندگانی کند اگر بیند که از جامه خویش بی خور و دلیل کند که از مال خود لطفه بسیار کند و اگر  
و اگر بیند که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بر کاری ویران زندان کشد و اگر بیند که جامه و ضایع  
گردید یا از وی بستاند و او بر میند یا ند دلیل بود که قدر و جایش کم کرد و حقیر و خوار گردد و اگر بیند که جامه فویش بریدند و  
که اندوه کمین کرد و بازن خویش خصوصت کند و اگر بیند که جامه وی بدرید دلیل کند که از انگس شود و اگر بیند که جامه خود را  
یا جامه اهل خود را موی کرد و دلیل کند که او را با خویش خود خصوصت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامه او کسی برود و بر میند یا ند  
کند که از محرم و مترات بفتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد و لیلیت که سفر شود و اگر بیند که جامه باز کرده را و بر  
دلیل بود که خایش از سفر باز آید و اگر بیند که جامه زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما ترسی عظیم بد و رسد و  
او را غم و اندوه رسد و بچرمت کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بد و رسد و جامه  
در خواب سفر بد و بقدر درازی و کوتاهی جامه در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد و دلیل بود که از غم باز در اصفهانی گوید  
که بهترین جامه در خواب جامه است که از پنبه بود و دوروی قزاقا بر شیم نباشد و جامه عثمانی را ز پنبه و ابر شیم بود و جامه

برود و دلیل بر بال هر دم و خفا کند درین و جامه ویسای هریر و ابریشم و انرا بد بود و زنا ز نیک و جامه کن غم و اندوه بود  
از قبل پادشاه و اگر کسی بیند که جامه کهنه فروشد نیک بود و اگر بیند که جامه کهنه بپوشد بد بود و جامه کهنه پوشیدن  
بد است و جامه کهنه از تن بیرون کردن نیک است جامه مرغی گوید اگر بیند که جامه شسته بود و پوشیده دلیل بود که تائب گشته و  
اگر بیند که جامه چرک و کثیف درویش کرد و اگر بیند که جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود و ارنیک بود  
و اگر بیند که جامه باشکوه داشت دلیل بود که او را مسکری پدید آید حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن جامه نو در خواب بسیار  
وجه بود و اول زن و دوم پادشاه ستم مال چهارم خیر و منفعت و هم او گوید اگر کسی بیند که جامه خود را بمقراض ببرد و دلیل  
که چیزی بد و رسد و اگر بیند که در آن جامه او را بیرون کرد و دلیل بود که عسادی در میان زنان ی افتد جامه خواب  
این سیرن گوید که جامه خواب دیدن بتاییدن بود و اگر بیند که جامه خواب سفید پاکیزه بود و دلیل که عیالش مریض دار بود  
و مستوره اگر بیند که جامه خواب او سیاه بود و دلیل بود که از عیالش اندوه رنج بد و رسد و بعضی از خبران گویند که جامه سیاه و در خواب  
پادشاه را نیک بود و در حقیقت را بد بود و اگر جامه خواب را بگوید بیند و دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند  
که جامه خوابش چرک و وریده بود و دلیل بود که زن او چرک و پلید و ناسازگار بود و اگر بیند که جامه خوابش خضایی کرد و یا بد زدن  
و دلیل بود که زن را طلاق بد یا زنا و مفارقت کند و اگر بیند که جامه خوابش بسوخت و دلیل کند که عیالش بمیرد حضرت صادق علیه السلام فرمود  
که دیدن جامه خواب بر سرته وجه بود و اول زنی نیک و دوم راحت و آسائی ستم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرن  
گوید که جان خواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر بیند که جان از تن وی بیرون شد و دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش  
تلف کرد یا خود بپاک کرد و اگر جان خویش بصورت مردی نیکو بیند و دلیل بود که وی را فرزندی نیکو بیاورد و حالش نیکو گردد یا بخت  
پادشاه خوش طبع جامه زیاده و حالش نیکو گردد و اگر جان خود را بصورت مردی زشت بیند تا ویش بخلاف این بود که گفتیم  
در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا و کار فرست  
از آن آسمان رفت رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بجان خویش رسید پس بهم در آن روز آخر و از دنیا رحلت کرد و گمانی گوید اگر کسی  
که جان خود را در کف خود دید و دلیل بود که کار محاطه مشغول کرده که در آن ویرانیم جان بود و اگر بیند که جان از کف او با آسمان شد و دلیل  
که زود بمیرد و اگر بیند که رنگ جان او زرد بود که در بیماری صعب میرد و اگر جان را بگونه شمشیر یا سفید بیند عاقبتش نیکو بود و اگر غم  
یا بد و اگر بیند بگونه سیاه بود و دلیل است که مستوجب عذاب است تعالی بود و جامه مرغی گوید اگر بیند که مرده جان می کشد و خویشان او  
بر وی نوحه و زاری می کردند و دلیل بود که این میت مرده را غم و اندوه رسد و اگر بیند که خویشان وی آهسته میکشد و دلیل که خویشان او را  
از وی شادی و غمی رسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که بیند که مرده در خواب جان میکشد و دلیل بود که جانش در عقوبت بود چاه این  
سیرن گوید که چاه در اصل تایلین بود و اگر بیند که در جایگاهی چاه میکشد و دلیل بود که زن خواهد و اگر بیند که بجن چاه کسی او را بد کرد  
دلیل کند که میان او و آن زن کسی متوسط است و خواهد که بگوید حیدر از آن را برنی و می و بد زنی که کشن چاه که حیل بود و در امثال گویند

سیرن

سیرن

سیرن

سیرن

که طالع

در خواب

که فلان چاه برای فلان میکند یعنی بوی بدی و کفر و جاهل و کجایه در خواب مانع بود اگر کسی بیدار نمیشد و دلیل بود که مانع بود از بیدار شدن و اگر از بیدار شدن  
که از پشت پنجه برآورده بود و بهم دلیل بر مانع شدن و اگر بیدار کسی چاه کند و آب بر نیاید دلیل بود که زنی در ویش خواب کرده و مانع  
که بیدار آب چاه خوردن بطعم خوش بود و دلیل بود که مانع بکار نیست بماند و اگر بیدار آب چاه گرم همی خورد و دلیل بود که بیدار  
مانع زن چاه یابد و بقول بعضی از معبران بیدار کرد و اگر بیدار آب چاه خنک و خوش بود و دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند  
و اگر بیدار آب چاه بسیار بود که زن جوان مرد و سخن بود و اگر بیدار آب چاه اندک بود و دلیل بود که زن سفل و دود بود و اگر بیدار  
که چاه بکند و آب زود بر آید و دلیل بود که زن بیدار کرد و مال خود در بیماری بخورد و اگر از چاه آب سیاه بر آید و دلیل بود که غم  
و اندوه بد و رسد و اگر بیدار چاه آب سفید بر آید و دلیل بود که میراث یابد و اگر بیدار آب چاه بقعر فرو رفت و هیچ غلظت و دلیل بود  
که زن هلاک کرد و مالش تلف شود و اگر بیدار چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی که دید اگر کسی بیدار کرد  
در چاه کرد و آب بر آورد و در چاه افتاد و در میان گشت شد و دلیل بود که او را فرزندی آید تا تمام حکایت و خبر هست که هر کس  
از عهد افتد عباس پرسید که خواب دیدم که در چاه کردم تا آب بر آید و در میان بد و باره کشت و آن بد و باره را یکی بر آورد و  
و یکی در چاه ماند عهد افتد گفت که تو انعیال خود غایب بودی و ترا فرزندی آمدشش مایه که بد و باره زن کرد و آن مرد گفت که مرا  
از آن شخص عجب آمد و انیال را گوید اگر کسی بیدار که در جای کاهی معروف چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود و مکر و حیل سازد  
و بقول بعضی از معبران کندن چاه و بر آمدن آب حکم نکاه دارد و اگر بیدار چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط  
بود کسی را بکلیج کردن جابر که بیدار چاه میکند دلیل بود که بکر و حیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کند باشد اگر بیدار  
بد و آب همی کشید و در سبب میراث دلیل بود که مال خود نیکو نکاه دارد و اگر بیدار آب را بر کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را  
تلف کند بخیر و اگر در چاه افتاد و دلیل کند که در مکر و حیل افتد و اگر بیدار که باغ را آب همی داد و دلیل کند که مالی که حاصل کرده است  
زن خواهد یا نیکتر خرد و اگر بیدار که در باغ میوه بود و دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بیدار که باغ را آب همی داد و دلیل  
کند که با زن خود محاسنت کند و اگر بیدار آب بر سر چاه آمد و روان شد دلیل کند که زنی توانگر برنی خواهد و از آن زن او را مال و ثمن  
حاصل کرد و حضرت صادق فرمود که دیدن چاه در خواب برش وجه بود و اول آن دویم کتیرک سیم عالم چهارم توانگری چشم  
مکر ششم مکر و حیل و مرد چاه کن در خواب مکر و حیل بود و چشمه ابن سیرین گوید که چشمه در خواب بود و اگر بیدار که چشمه فراخ و پاکیزه و دلایل  
کند که زن او نیکای و نیک سیرت بود و اگر بخلاف بیند دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بیدار که چشمه او بدید یا بخت  
و دلیل میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق فرمود که دیدن چاه در خواب که بیدار در رستان درش داشت نیکوتر بود و آن چاه  
وجه بود و اول زن دویم قوه سیم شادی چهارم منفعت و چشمه کس و چکر غم و اندوه بود جابر گوید اگر بیدار که چشمه نداشت یا کسب و  
داد و در نیک بن بود و دلیل بود که زن پاک دین بخاند و اگر بیدار که چشمه نداشت زنی ناپسند و با امانت بود و اگر زود بیدار زنی بیدار بود  
بود و اگر بیدار بود و زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بیدار زنی معاش بود و با او سازگاری کم کند چشمه ابن سیرین گوید اگر کسی بیدار که

در خواب

در خواب

سرو چتر میروند دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی باید و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی باید و اگر بنید که چتر پادشاه در دست داشت  
 دلیل که مقرب حضرت پادشاه بود و حضرت عطا دوق فرمایید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود و احوال سلطنت و تویم عزت ستم ستم  
 چهارم را بایست چتر رفت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و مقربان  
 که که با نومی خانه بود و اگر در خواب بنید که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که با نومی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود  
 و اگر بنید که چراغ تاریک سیاحت دلیل بود بر پنج که با نومی خانه یاران یا خادم اگر بنید که چراغ فرو مر و دلیل بود که خانه با نومی خانه غیر  
 جالبه گوید اگر بنید که از آتش نه چراغ بر آتش و دلیل که اگر زن دارد و فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا اینکه خرد و اگر سفر خانه و اگر  
 بسط است باز آید و اگر بنید که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه ولایت مایل بود و قاضی منصف و مردم شهر عزت  
 و منشط بسیار بود و سبیل اشفت که پدید اگر بنید که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزند آید که عزت و دولت باید و اگر  
 بنید و خواب فاسق بود دلیل که بخدا تعالی باز کرد و توبه کند و اگر شرک بود هدایت باید و اگر مسلمان بود توین طاعت باید و اگر  
 و سبب اجابت و او کثیر المؤمنین یا ان کلمه من الله فصدک لک یا و اگر بنید که چراغ بر دلیل بود که فرزندش ملاک کرد و اگر  
 بود و نشن نقصان پذیرد و اگر بنید که در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیای او ساخته و اگر بنید که در دست چتر  
 داشت که در وی و سوراخ و دفت بل فرخته بود و دلیل است که او را دو فرزند نیک بود که بیک شکم آید حضرت عطا دوق فرمایید که اگر  
 چراغ در خواب بر چهار وجه بود و احوال پادشاه و تویم قاضی ستم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم منتهی ششم شاد  
 ختم علم و هم توانگری یا زود هم عیش خوش و دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بنید چنان بود چراغ پایا بر سر بر  
 که چراغ پایا در خواب مذمکار خانه بود و اگر بنید که چراغ پایا داشت یا کسی با و او دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر  
 چراغ پایا زنگ گرفته بود دلیل بود که زن خادمه منکبه و غریب بود و دیش منصف بود و اگر بنید که چراغ پایا چین بود زن خادمه  
 سخته و دود بود و بر قول او و اما و بنو چراغ دان در خواب زن بود و مقربان که بنید که مذمکار خانه بود و قبله و چراغان کار فرمای بود و کرمانی  
 گوید اگر بنید که چراغان چنین بود دلیل بود که اصل آن مذمکار گیر بوده باشد و اگر سفالین بنید اصل آن مذمکار مسلمان بود و دیر انداز  
 و اگر بنید که چراغان از دست و بیفتا و شکست دلیل بود که زن یا مذمکار او میر و چراغ این سیرین گوید که چراغ در خواب پادشاه بود  
 و اگر چراغ خوشی بنید دلیل فرزند سی بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر بنید که چراغ را بگرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه  
 بر او ستم و پیدا کند و اگر بنید که پادشاه چراغ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی باید و بر دیگران  
 ستم کند و اگر بنید که چراغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزند آید یا فرمان اگر بنید که از گوشه آن چراغ چیزی میزد  
 دلیل بود که از فرزند پنج و بدی بنید کرمانی گوید که چراغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با سببیت و خوت بود و اگر بنید  
 که چراغ در خانه وی یکبار باد و بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر ستم بار بانگ کرد و هیچ زبانش رسد و بعضی از  
 مقربان که بنید که چراغ مردی و دود بود که بشب کار با کند چتر این سیرین گوید که هر که در خواب بنید که جامه چکر داشت دلیل که

چتر

چتر

چتر

چتر

چتر

چتر

چشم  
چشم  
چشم

منا و کار بود و اگر کسی بیند که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود و دلیل بود بر تنهایی و دین و دنیا می او و اگر بیند که چرک جامه او  
بروگان بود و دلیل بر مشا و دین و صلاح و دنیا بود و اگر مانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سرش غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن  
خیر و منفعت نباشد چرخ در خواب زنی بود مختلف حال پرالندگی احوال و موی زاده اگر بیند که خرع داشت یا کسی بدو و دلیل بود  
که زنی بدینصفت که گفتیم بمباد و اگر بیند که خرع او ضایع و دلیل بود که زنش بمیرد و باطلاق و بدیها بر مغربی گوید اگر بیند که خرع سفید روشن  
بود و دلیل بود که زنی مستور با مانست و خوب روی بخوابد اگر بیند که خرع تیره و سیاه بود و تا و پیش خلاف این بود چشمت این سرین  
اگر کسی بیند که از جانی محبت دلیل بود که از جانی که دارد بحال دیگر شود و اگر حسرت دور بود و دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی  
یا نینجه در دست داشت و بدان از جانی بجائی محبت دلیل بود بر روی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد و کارهای تا انکار بر روی  
باید و اگر بیند که از دیواری فرو جست و بر ستون نشست و دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت  
و مرد و دلیل بود که زن او جدا گردد و با پیش می آید و اگر بیند که از زمین به هوا بر جست و روی بقبله آورد و بعد از آن فرود آمد و در محرم وید  
یا در مکه یا در مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرانی جهول سرانی جهول جست دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که انگشت  
همی جست و محلق می زد و دلیل بود که کار وی بالنگه بود و عیش بر وی تباها کرد و اگر بیند که به هوا بر جست و مرغی را بگرفت و دلیل کند  
که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعضائی از جانی بجائی محبت دلیل بود که از پنج و اندیشه برهد و کاشتن نظام  
چشم این سرین گوید که چشم بختاب و دیدن مرد بینائی بود که بدان راه بدی یا بد چشم از رزق محبت بود چشم شعله افروز بود  
و اگر بیند که نا میاشته است و دلیل بود که از راه بدی کشته شود یا فرزند وی بمیرد و اگر بیند که چشمش کور شد و دلیل بود که چشمش کور  
رفته بود یا کناهی بزرگ کرده بود و میگفت یا بیک اذام تن وی یا صیبتی بوی رسد یا در کاری از آن می کرمانی که دیگر  
بیند که چشم سر می کشید و دلیل بود که صلاح وین جوید و اگر بیند که از سر سر مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشش را با ناست  
و دین دار بر دمان نماید تا غریر گردد و اگر بیند که کسی سر می بوی و او تا و چشمش کشد و دلیل بود که بقدر آن مال یا بد و اگر بیند که روشنائی  
چشم او ضعیف بود و بظاهرو باطن دور وی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را با بکمال سید و دلیل بود  
بر زیادتی صلاح وی و دین و بجای آوردن سنت و فرائض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند و دلیل بود که چیزی که چشم او  
بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب کرد و چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آبن است  
و دلیل بود که پرده او دریده کرد و اگر بیند که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانچه چشم باز نمیشد است کرد و دلیل بود که با مردی مخالفت  
کند و اگر نزد چشم را ضعیف بیند و دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم خود را کشته بیند و دلیل بود که از دین شریعت  
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است دلیل بود که بر زبان او سخن ناستر او در باب دین و اگر بیند که چشمهای او را  
است و مردمان بیند که او کور است یا شب کور و دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و دلیل  
شد دلیل بدی و بر کشتن حال بود و قوله تعالی وَ كُنْشَرُّ الْمَرْءِ مَنْ يَوْعَدُ فِي وَفِّهِ و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره با

شت دلیل بود که بجا کرد و با کسی خدمت کند و اگر بیند که چشم چشم و سیاه گشت چنانکه سفیدی می داشت دلیل بود که مشکبهر بود  
 و اگر بیند که یک چشم او آفت رسیده دلیل بود که فرزندان او آفت رسد و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را بر کند دلیل  
 که فرزند او را از راه بیرون و اگر بیند که کسی چشم او را بپست یا بدست گرفت دلیل بود که فرزند او را زبانی رسد یا مالش برود یا گستا  
 کند و اگر بیند که از دیده او خون می رفت دلیل بود که بجهت فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال و شود و امحیل شفت گوید اگر  
 بیند که چشم او گوش گشت و گوش چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را دختری بود و با سر و مجامعت کند و اگر بیند که چشم  
 کف و سفش بود دلیل بود که مال یا بد و اگر بیند که چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و لهه تعالی و انصاف  
 حکایت از حزن حکایت چنین گویند که مردی پیش دانیا آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بود  
 چشم چپ من می داد و گفت ای مرد از خدا ترس و تو به کن و بعد ازین باز من بمسایه خیانت کن تا از عقوبت حق تعالی ایمن گرد  
 مرد گفت که تو به کردم که بعد ازین زن کنم حضرت صادق ع فرمود که چشم در خواب بر برفت وجه بود اول و روشنائی و دوم بین  
 بدی ستم سلام چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی و دین و مال چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب بر  
 بود و جو از نم بختند چون آب خوش طعم و خوش بوی بود و که تعالی فیها عین جباریت و اگر آب شیر و کند و خوش  
 بود دلیل بود که انجام غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بیند که از آن چشمه می خورد دلیل بود که از غم فاجع یا بد و اگر بیند که  
 چشمه زیاده شد دلیل بود که جاه و عزت و دران و یا در جو از نم زیاده کرد و اگر بیند که آب چشمه نقصان کرد و تا ویشتر نکند  
 این بود و اگر بیند که آب چشمه خشک کرد دلیل بود که مهربانی جو از نم زیاده رحلت کند که مانی گوید اگر بیند که در خانه او یا  
 و کان از چشمه آب بدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و گریستن بود بر قدر و قوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش  
 غم و اندوه بود و مصیبت و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی میشت دلیل بود که اگر بیند بود از آن کرد و اگر شکین بود  
 از غم فوج یا بد و اگر بجا بود شفا یا بد و اگر وام دارد و امش که آرد و شود اگر گناه کار بود تو به کند و اگر حج نکرده باشد حج کند  
 جابر گوید که آب چشمه بخواب لیل بر سر صاحب خواب بود با قدر که در چشمه آب بیند خاصه که دست دران آب زند و آب  
 ایستاده بتا و بل ضعیف تر از آب روان بود و بعضی از معتبران گویند که چون آب چشمه ایستاده بود بتا و بل لیل بر سر صاحب  
 دین کند و چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرمود که دیدن آب چشمه در خواب بر سر وجه بود اول و دوم  
 جو از نم و دوم غم و اندوه ستم مصیبت چهارم بیماری پنجم غم و زندگانی یا خن چنانکه ابن سیرین گوید که چنانکه در خواب  
 سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که چنانکه میزد دلیل که سخن باطل و دروغ گوید یا او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه و یا  
 چنانکه داد و دلیل بود که از پادشاه و یا غم و اندوه رسد و اگر بیند که چنانکه در شکست و بیفکند دلیل بود که از دروغ و یا  
 تو به کند و اگر بیند که چنانکه بر سر میزد و چنانکه ندانند و دلیل بود که اگر صاحب علم بود و مازا تعلیم کند و از آن علم فایز  
 بر دمان رسد و باشد که از شکوه علم گوید تفسیر و علم حدیث و فقه و اگر انگس جابل بود و شخی پیشه کند که از آن شغل و از سرش

گفته و اگر بیند که با چنانچه چشمت و نامی و دقش بود و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند چندان خواب مروی بود و با بکار و حرام بود و اگر بیند که کسی چندان می که و دلیل بود که او را با چنین مروی خصوصیت افتد و دیگر چه حال دیدن چندان خواب مبارک نباشد که مانی که دید اگر کسی بیند که او را چندان می شنید و دلیل بود که در اینجا نوحه و شیون بود و بقدر بانک چندان که چندان بود و دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که گوشت چندان می خورد و دلیل بود که از مال مروی در و با بکار بقدر آن چیزی بخورد و چندان را بن سیرین گوید که چندان در خواب بلیل غم و اندوه بود و اگر کسی بیند که چندان می خورد و دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که چندان را از خواب برون انداخت و دلیل بود که از غم فرج یابد این سیرین گوید که چندان در خواب نفع است اندک بود از جهت زمان و چندان پخته هم از زمان منفعت یابد اندکی چک محمد بن سیرین گوید که اگر بیند که جگر ه بوی داد یا هر که بویافت دلیل بود که مال و منفعت یابد اگر کسی بیند که کسی برو چک یا خط و قباله میوشت و دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید که اگر بیند که جگر ه مرده گرد و با داشت هر از و بر گرفت و لیس است که در مال و نقصان افتد اگر بیند که جگر از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی ضایع کرد و چکا و ک بفارسی قبره خوانند و تا ویش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکا و ک نر گرفت یا کسی که او و دلیل است که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکا و ک نر بود غلام پسر آید و اگر ماده بود غلام را دختر آید که مانی گوید که چکا و ک در خواب مروی بود شیرین سخن غریب و کم از و چرب زبانی اگر کسی بیند که چکا و کی ویر اعطا داد یا گرفت دلیل بود که با چنین مروی او را صحبت افتد چنان سیرین گوید که جگر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که جگر مروی بود دلیل بود که مال پنهان کرده یا بد و هنرینه کند اگر بیند که بسیار جگر بخت یا بریان کرده او را حاصل کردید یا خام و دلیل کند که بخت یا بد و جگر کا و و کوفتند هم دلیل مال و نفع بود و بعضی از متعبران گویند که جگر بخواب و دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول فرمود او لا و نا کلبا و نا کلبا و مانی گوید که بیرون آمدن جگر پیدا شدن مال پنهان بود که پیدا کرد و جگر بسیار اگر بخت یا خام بود و دلیل کند بر یافتن کج و بر علم عیسی خست صادق فرماید که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود اول فرزند و مال و تویم دوست که بجای فرزند بود و سیم علم اگر بیند که از خانه او جگر بیرون میگرداند یا آتش جگر را از او بسوخت دلیل بود که پادشاه کج و مال و بستاند اگر از خواب را عالمی بیند دلیل بود که با جمله فراموش کند محاجات و انیال گوید که محاجات کردن در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون بیند که سنی از وی جدا کردید اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد و دلیل بود که از آنکس نیکی یابد و حاجت او روا کرد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد و دلیل بود که غایت او تو او نکردند و اگر بیند که با زن خود جماعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت بیند این سیرین گوید که اگر بیند که با زن خود یا زنی دیگر جماعت کرد و دلیل که مروی مستعد بود بر طلب کار ناسزا و در آنکارا و مصلحت نباشد و سنان رسول عزرا نکاه ندارد و اگر بیند که با عورت یا با عورتی دیگر جماعت کرد و دلیل که مروی مستعد محاجات کرد و دلیل بود که شفقت خویشی از وی بریده کرد و او را از زنده بود یا مرده و دلیل بر غم و اندوه و بعضی از متعبران گویند که اگر زنده بود از وی خیر و نیکی بیند باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زن که مرده بود جماعت کرد و دلیل بود که غمگین و مستمند که او را بیند که با زن مرده بیگانه

چند

چند

چند

چند

چند

چند



جماعت کرد و دلیل بود که کاری کند که از آن نوسید شده باشد تمامی بنیاد مرده که بیگانه بود اگر میند که با جان مهورل مجامعت کرد و میند  
ارشان خصوصت بود و دلیل بود که صحبت با نواز و خیر و نیکی میند و اگر آن مرده جان معروف بود و بر وی ظفر یا دیگر میند که جماعت  
با مرودی پیر سیکر و دلیل بود که خیر و نیکی از بخت خود میند که مالی که دیگر میند که دختری بد و شیخی بست و دلیل بود که و آتشانی غواهر  
یا کیشکی بخرد و اگر میند که بحرم پادشاه شد و مجامعت کرد و دلیل بود که بر دشمن نظر یا دیگر میند که با دوی جماعت کرد و بهین دلیل کند و کاش  
برادش بود و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بودی رسد و اگر میند که با مرغی مجامعت کرد و دلیل کند که کسی که بدان منسوب باشد  
ظفر یا دیگر میند که با ترسانی یا جمودی یا کبری مجامعت کرد و دلیل بود که کارهای و شیای او بنظم شود و اگر مرودی پیر که بجای  
شهرتش زایل شده بود و در خواب میند که شهرتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود و دلیل کند که در کار وین نیک راغب  
و اگر میند که با زنی با یکا جماعت کرد و دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر انتخاب زنی میند بهین تاویل دارد و با مغربی  
گوید اگر میند که با شتر جماعت کرد و دلیل بود که از سختی برسد و بر دشمن ظفر یا دیگر میند که بسیار دشمن میند که دو و اگر میند که با پادشاه  
جماعت کرد و دلیل است که غم و زردی کند و اگر میند که از پادشاه جماعت کرد و دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر میند که با زن حایض مجامعت کرد و دلیل  
که کاش بدو میند که با زن مجامعت کرد که مرده بود و دلیل که کاش بدو یا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر از زن زنده بود و از  
خویشان او مفارقت کند و بعضی از متحران گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیایی بود و با جمیل شفت گوید اگر کسی میند  
که با زن او که کینکرت بود مجامعت کرد و دلیل که از پادشاه خیر و منفعت برسد و اگر میند که با مرودی معروف حایض جماعت کرد و دلیل است که از او خیری بدو  
و اگر میند که با مرودی مجهول جماعت کرد و دلیل بود که از پادشاه حاجت دهد و اگر میند که با مرودی مرده جماعت کرد و دلیل بود که از برای او دعای یا کبریا  
کند و اگر زنی میند که با زنی دیگر جماعت کرد و دلیل بود که از او نیکی میند و حاجتش بر آورد و خیر و منفعت یابد و اگر میند که با زنی که از او حسن واجب کرد و او را  
جدا پس برین گوید که جلاب خوردن مال حلال دین پاک بود و اگر کسی میند که او را جلاب داد و بخورد و دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل کرد  
و دلیل است بر دین پاک و اتم و درست او و اگر میند که کسی با جلاب داد و دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد و اگر میند که جلاب  
بخورد و بر زمین ریخت تا ویش بخلاف این چنانکه اگر کسی میند که جنازه میبرد و دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردان  
که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا کرد و لکن بر ایشان ظلم کند و اگر میند که او بر مرد و او را بر جنازه نهاد و او را بر سر و فرمان او نهاد  
جنازه او میفرستد و دلیل بود که شرف و بزرگی یابد لکن دین او فساد بود و با الهی که از پس او میفرستد او را فرمان روا بود و اگر میند که جنازه  
مرده برداشت و میرد و دلیل بود که خدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی میند و اگر میند که قومی از پس جنازه او میفرستد و بر سر او  
و دلیل که مرودی بزرگ را آتش در سفر میبرد و اگر خدایش را در جنازه میند که آن جنازه بر زمین میچسبند و دلیل کند که بسفر شود و مالی که  
اگر میند که جنازه میبرد و دلیل بود که کسی بنود و دلیل بر نقصان غرق و جاه و کاروی کند و اگر میند که مردمان و بر چنان  
او بود تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که بر جنازه کران بود و دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر میند که بر جنازه سبک بود و دلیل بود  
که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو کرد و اگر میند که اجنازه میفشانند و یا کسان که او را میبردند و اجنازه میند و دلیل بود که از او







بر جائه و بخت و دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر برسد و او را زیانی نداد و اگر میند که بجز خبری میبوشد از آنچه نوشت از طرف  
 یا از نام خدا تعالی بود و دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که میند و دلیل بر شر و فساد او کند حسب خوردن این سیرین  
 بود که حسب خوردن در خواب اگر میند که از برای بیماری خورد و دیده که در خوردن او شفا و منفعت یا در دلیل بر خیر و منفعت کار کند و اگر میند که از خوردن  
 او منفعت نباشد و تا پیش بخلاف این بود که گذاردن این سیرین بر منته علیه گوید که خواب میند که بچ رفت بجا نه و تا چای گذاردن و در روزی  
 و اگر بیماری این خواب میند شفا یابد و اگر دام و دامیند و امش گذارد و شود و اگر سفری میند سلامت یفام خود برسد  
 و اگر بخواب میند که بچ رفت و حج از وی فوت شد و دلیل که عمرش دراز نگردد و کارش نظام بود و اگر مانی رحمه الله علیه گوید که  
 بخواب میند که بچ رفت و در حرم سلیمت میرد و دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر میند که بچ بروی واجب شد لیکن در رفت قصد نکند  
 و دلیل که خیانت کند و اگر میند که روز عرفه است و دلیل که با کسی صلح کند و اگر میند که در خانه کعبه نماز میکند و دلیل که از بزرگان  
 منفعت یابد و کارش نیکو شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گذاردن در خواب بر بخت و وجه بود یکی تزویج کردن و دیگری  
 کنیزت خریدن سوم زیارت پادشاه و او که کردن چهارم نیکوئی پنجم سعی نمودن در کار خیر ششم مراد ثواب یافتن هفتم صحبت  
 علم رسیدن هجدهم الاسود این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر میند که بچ رسد و دست مالید دلیل که از اهل حجاز و از منفعت رسد و اگر میند  
 که بچ الاسود را بر کند و داشت دلیل که بد مذمب باشد و بی اعتقاد و ناپاک بود و اگر میند که بچ الاسود را باز بجای خود نهاد و دلیل  
 باز بر راه صلاح آید و اگر میند که آب زهرم میخورد و دلیل که چیز گرانزدی کشده باشد باز بوسی رسد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید که اگر میند  
 که بچ الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید و دلیل که خیر و صلاح دین می زیاده شود و با علم پیوندد و حجامت کردن  
 سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر میند که حجامت میبکند و در جانی بیکانه کرد و دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر میند که حجامت  
 کننده و دست بود و دلیل که امانتی بد و بسیار دوا نشود و شملی بین شود و از غم فرج یابد اگر جانی این خواب میند همین دلیل دارد  
 و اگر میری میند بزرگی یابد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید که اگر میند که بچ را حجامت کرد و دلیل که کارش نیکو شود و اگر میند که پادشاه را حجامت  
 کرد و دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر میند که چون حجامت کرد و خون از وی نیامد و دلیل که زن از وی بنا کام جدا گردد و با او بر طرف  
 بد یا ببرد و مغربی رحمه الله علیه گوید که حجامت میند که خواب بود و حجامت جوان و شمشیر او باشد و اگر میند که خواب میند که او دست  
 و دلیل که مستوفی شود یا ببرد پادشاه گردد و اگر عاقل بود و در قرض غرق شود و جعفر صادق علیه السلام میگوید که حجامت کردن در خواب بر بخت  
 وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شرط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم غرور بزرگی پنجم مرقت ششم سبب غلبه  
 السلام هفتم نیکوئی که عاقل بود و اعمل مغرور کرد و بعضی از معتبران گویند که حجامت جوان بود و دلیل که محاسبه خرج بود یا نماند و حجامت  
 و کار مردم بدست وی کشاده کرد و حد ثرون این سیرین رحمه الله علیه گوید که حد زدن در خواب و دلیل بر فراهم آمدن کارزار  
 باشد اگر میند که او را حد میزنند و دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر میند که او را کسی حد زد و تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه  
 گوید که اگر میند که کسی را از بزرگان می حد زد و اگر میند که خواب صلح بود و مشغول نیامد و مشغول شود و اگر میند که خواب منفعت بود و دلیل که

خواب میند که بچ رفت

خواب میند که بچ رسد

خواب میند که بچ رسد

خواب میند که بچ رسد

و اندوه بود و حربه نیزه کوتاه بود و اگر بخواب بیند که حربه داشت دلیل که او از زندگی آید و اگر زن نذر و مال یابد و اگر بیند که با حربه ای  
 تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که حربه خود کسی را  
 دلیل که از آنکس بد و چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود شکست دلیل که از دشمن نصرت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 هر که در خواب دیدن برشش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت حرم جای این بود  
 اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از آفات دنیا ایمنی یابد و او را حج روزی شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگ  
 رفت دلیل که زنده بماند و پادشاه که از پادشاه چیزی بوی رسد و بعضی معتبران گویند که او را حاجت با اهل آن حرم و اگر بیند که  
 پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار بدنامی حاصل آید و  
 بیند که حرم پادشاه ظالم رفت بهین تاویل دارد و حربه و خرو و دیب و حرف و ال میان کنیم حساب ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و عذاب افتد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در حق  
 حساب با وی آسان میکرد امید است که رستگاری یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در محنت افتد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 حساب قیامت خواب دیدن برشش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و پنج چهارم بد حالی پنجم اندوه ششم  
 عمر کوتاه هفتم اگر بیند که در حصری شد دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد دلیل که بد دشمن ظفر گوید که مانی  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در حصری محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد  
 این در آخری رحمه الله علیه گوید اگر در حصار بیند دلیل که نشت در روزی فروخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بتباختن  
 او و فو و بستی کار باشد حصیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد و اگر بیند  
 که حصیر میافت دلیل که زنی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که میافت دلیل که آزن بی حاصل و درویش بود و اگر بیند که  
 قیمتی یا پاکیزه بود دلیل که زنی محترم با اصل بخوابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حصیر میافت و میفرخت دلیل که او را  
 عنی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم منفعت سوم خوشکاری که او را  
 اورا نصبت بود و حقه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حقه در خواب در خشم شدن باشد و از جانی یجانی شدن چنانکه  
 از شخصی آن بهیوش شود و بعضی از معتبران گویند حقه در خواب گاری بود که بر میزند و باز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند  
 که او را حقه کردند و از آن پنج وید دلیل بر بدی احوال و بود و اگر بخلاف این بیند خیر منفعت یا بد حقه ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید حقه در خواب زن باشد یا کینه اگر بیند که حقه نو گرفت یا بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که زن خواهد یا کینه خرد و اگر بیند که  
 حقه شکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ نقش است دلیل که  
 زنی توانگر خواهد و از منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد حکمت ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بخت و دلیل بر تباهی دین وی بود

خواب  
 اگر بخواب بیند که حساب میکرد  
 حربه  
 حقه  
 حقه

کرامانی رحمه الله علیه که یاد اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق سید  
دلیل که باینده خواب ناز نگذارد و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید و دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه  
علیه که دید که حلاج در خواب مردی توی بود که کارهای مردم بردست وی کشاده کرد و اگر بیند که حلاجی میکشد و دلیل که با  
مردی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه که بد حلاجی در خواب برود و وجه بود یکی منفعت و توهم کشش  
حاصلیت آنکه زده بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه که بد حلاجی در خواب  
بود که بر دست پادشاه که نشسته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه که بد حلاجی در خواب مان بسیار بود و دین خالص  
و یک لغت از حلاجی بوسه بود که بفرزند و هر یک لغت از زینب نیکو بود و حلاجی که مخربا دم یا مخرب جز در و با نشد منفعت بود که  
رسد از مردی بخین مغربی رحمه الله علیه که بد حلاجی کردن در خواب دلیل که بقدر آنکه لاجل و روزی حلال یا بد و اگر بیند که در حلاج  
از عفران بود بهتر بود و حلاجی در خواب مردی شیرین سخن بود و حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه که بد حلاجی در خواب  
خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک شد و آن بار ملک او بود و دلیل که بقدر آن که بار او را راحت و سیر  
رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که زنده میرسد دلیل که کتا بهنگار و عاهی شود و قوله لکما حلاجی  
او را بهم کما طعمه یوم القیمه مغربی رحمه الله علیه که یاد اگر بیند که حلاجی از هر دیگر آن میکشد و بی اجرت و دلیل که با خلق خدای خیر و حسن  
کنده و اگر بیند که حلاجی میکشد و مزد میگرفت و اویش غم و اندوه بود و حلاجی که بانی رحمه الله علیه که یاد اگر بیند که بر دست و پای  
حنا بنا و دلیل که خوشش را بیا یاد و لیکن در دین که است بود و بعضی معبران گویند که حال خوششان از دوزشیده نماند  
و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بسن نشاید و دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یا بد جعفر صادق رضی الله عنه که بد  
حنا بسن در خواب بر سر و وجه بود یکی از این نشان دوم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند  
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بروی پراکند و دلیل که تا بپس گردد و در درینا حقتالی باشد و اگر این خواب کسی مصلح میزند  
و اندوه فرج یا بد و از ترس این کس کرد که بانی رح گوید که حنوط خوشبو شدن ستایش مردم بود و با خطر محبت آنکه بعضی از متعبران گویند  
که نیکنمایی بود بر اهل بیت بر اندازد حنوط حوض ابن سیرین رحمه الله علیه که چو پهل حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند  
حوض آب پاک صفائی خورد و دلیل که بقدر آن که از علم بهره یابد و اگر بیند که خود را با آب حوض میشت و دلیل که توفیق طاعت یابد و از عیب  
بازایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذارد و مالش زیاده شود و کرامانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در  
بشت و دلیل که اهل بیت او توبه کنند و براه دین و آیند و اگر بیند که جامه در حوض میشت و پلیدی در زیر آب ظاهر شد و دلیل که بعلکم  
کنند و اگر بیند که بخناره حوض بنه رسته بود و دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند و حاصه که حوض ملک او بود  
و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بقدر آن زیاد گردد و اگر بیند که آب حوض نمره  
و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمه الله علیه که یاد اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یا بد از مردی لیا که و حاجت وی محقق

بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با منفعت و دیگر مردی تا اگر سوم مال جمع کردن چنان  
 عالمی که مردم از علم وی نفع یابند حوض کوثر این سیرین روح گوید اگر خواب ببیند که قیمت بر خاست و خلق را بنزدیک حوض کوثر طلب  
 میکرد و دلیل که باو نشان می سپید شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر خواب ببیند که از حوض کوثر یک جام آب خورد و دلیل که مرگ  
 وی بر مسلمانان بود و اگر ببیند که سیرین حوض کوثر میگشت و آب میخورد و او را آب نداد و دلیل که دشمنان را از پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 و اگر ببیند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم در از حوض کوثر آب داد و بخورد و دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و سلم هر یار کردار وی رحمت الله علیه گوید  
 ببیند که نام وی بر حوض کوثر ثبت بود و جامی بسته و آب میخورد و دلیل که او را با عالمی محبت افتد و از وی منفعت و در جهانی یا بر خیزد  
 علیه که دیگر اگر ببیند که از حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود و دلیل که ببیند خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر خواب ببیند  
 که حوض کوثر بران صفت بود که در اخبار آمده است و او از جمله آب کوثر بخورد و دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد  
 و از جمله بزرگان دین گردد حیض ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چنانچه در خواب مرد را از ابقا باشد در معیشت و زنا را زیادتى مال اگر ببیند  
 که جایض شده دلیل بر فساد و حرام باشد و معتبران گویند اگر خواب ببیند که جایض شده دلیل بر اندوه و سختی بود و اگر زنی ببیند که جایض  
 شده دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی ببیند که زارش جایض شده دلیل که کار دنیا بر وی بسته شود و اگر ببیند که حرام  
 خواب ستور بود و دلیل که در دین خیر گردد و اگر ببیند که زارش حیض پاک شده غسل کرد و دلیل که کارهای دنیا و بیهوشی کشاد گردد و او است  
 و علم حرف الحاء خارج ابن سیرین روح گوید اگر ببیند که خارج بخورد یا کسی بوی داد و دلیل که در دین وی غلبه باشد و پیش از وفات  
 بود و اگر ببیند که خارج در گردن داشت دلیل که عطا و شادماند بود و اگر ببیند که خارج میسر سینه و دلیل که در ذات خداوند تعالی شریک  
 گردد و اگر ببیند که خارج بدو داد و او شکست یا از خانه بیرون انداخت دلیل که دین اسلام بر وی محکم است و اگر در دو کار و از نازد شن  
 گردد و اگر ببیند که خارج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بود و خار در خواب و ام بود اگر ببیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری  
 بوی زد و دلیل که از کسی و می مبتلا ند و بقدر بیخ خار از وی سخن تلخ نشود و اگر ببیند که خار در اندام کسی زد و دلیل که او کسی را و ام و در  
 و سخن تلخ انگیزد را گوید که تانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که خار بسیار داشت و پایش را از خار خار کرد و میرسد و دلیل که و ام دارد شود  
 و عاقبت و ام تا بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خار در خواب بر سه وجه بود یکی و ام و دوم دشنام سوم دشواری کار و خار پست  
 جابر مغربی رحمه الله علیه گوید خار پست در خواب دشمنی زشت دیدار بود اگر ببیند که خار پست را بجست و دلیل که دشمن را قهر کند و اگر  
 ببیند که پوست خار پست بخورد و دلیل که به قدر آن مال دشمن میخورد و اگر ببیند که خار پست را بگزید و دلیل که او را از دشمن حضرت رسد  
 خاصه چون ببیند که زان زخم خون میرفت خارش تن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که خارش تن پیدا کند دلیل که  
 طلب خویشان کند و از بصر ایشان غم و اندوه خورد و اگر تانی رحمه الله علیه گوید خارش انعام و دلیل جستن احوال خویشان و این  
 و غم و رنج کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خارش تن اگر زشت و دوار از خویشان حضرت رسد خاشاک  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خاشاک بخواب دیدن مال و نعمت بود و مردم عامه را اگر ببیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود

خواب  
 حوض کوثر

حیض

خارج  
 خار

خار

خاشاک  
 خار



داد و در میان خاشاک میقیم شد و لیل که بقدر آن اورا مال لغت حاصل شود و اگر میند که خاشاک اورا با و بر و یا با تش بسخت لیل که با و  
مال و یا بستاند و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر تور میسخت و لیل که مال خود پهن کند و اگر میند که خاشاک انحصامی آورد و  
بخانه میبرد و لیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه با و خاشاک می آورد و لیل که مردم آشپز را بقدر آن  
بیشتر و منفعت رسد خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه که بد خاک و در خواب دیدن از ک و بسیار ورم بود و اگر میند که در خانه او خاک  
و لیل که بقدر آن خاک ورم یا بد و بی ریج نوی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر میافشید یا خاک  
و لیل بر مال بود که مانی رحمه الله علیه که دیگر میند که خاک را خانه میکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد و لیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک  
می افشاند و لیل که بقدر آن مالش ضایع شود و مختبران گویند که از مال می دست بماند جعفر صادق رضی الله عنه که بد خاک و در خواب بر ریج و جگر  
یک مال و دم منفعت سوم شغل چهارم فایده از قبل پا و شاه پنجم فایده از قبل شش خاک بستر ابن سیرین رحمه الله علیه که بد خاک و در خواب  
مال باطل بود و از قبل سلطان که بر کسی باقی نماند و مختبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه  
عنه که بد خاک و در خواب بر نه وجه بود یکی علم ناپذیرفته و دم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصوصیت پنجم شتم و مکر و حیل  
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نبود قوله تعالى مثل الذين كفروا بائعون ما هم آعمه لهم و ما دین شئت  
عبر التبیح فی یوم عاصف خامه قلم باشد و اگر میند که قلمی فراموش یا کسی بوی داد و لیل که قلم حاصل کند و کارش درست شود  
و مرادش بر آید و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن نوشته خیر بود و لیل بر نیکی کند و اگر شر بود و لیل بر فساد کند و اگر میند که بد  
قلم می نوشت و لیل که غیبی که در سفر دارد و زود باز آید که مانی رحمه الله علیه که بد اگر کسی در دست خود قلم بنشیند یا اگر از اهل علم بود  
و لیل که با صلحا صحبت دارد و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت و میخواهد دلیل بر برگ وی بود قوله تعالى افوا و کما بک کفی  
بنفسک الیوم علیک حسیدا و اگر آنچه نوشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود و لیل که غرق و جاوید و اگر میند که قلم در دست وی  
بنگست اگر عالم بود و لیل که حسرتش کم شود و کارش بی رونق رود و اگر میند که بقلم شکسته می نوشت و اگر آنچه نوشت از شمار چهارم  
بود یا از شمار پرندگان تاویل آن کوه هر صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه که بد قلم در خواب بر بیفت و جگر  
یک حکمت و دم فرمان سوم علم چهارم فریبک پنجم و لایست شتم راست شدن چیزها به قلم کام و مراد خانه ابن سیرین رحمه الله  
علیه که بد خانه مرده را در خواب زن بود اگر خواب میند که خانه بستانهها از جای برداشت و لیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر میند که  
خانه نوزده دلیل که زن نواکز خواهد و نواکز شود و اگر میند که خانه مفرد بچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب  
آن خانه از دنیا برود و اگر میند که در خانه که نمیده بود و در آن خانه غلط کرده بود و آن خانه بخانههای دیگر پیوسته و لیل که از بیخ و سخی  
رسته گردد و اگر بیاورد و شفا یابد و اگر میند که در خانه خود بنگست دلیل که مال پهن کند و اگر میند که خانه وی بازان بزرگتر شود که بود و لیل  
مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر خلاف این بود و لیل که مال لغت بروی شاک گردد که مانی رحمه الله علیه که بد اگر میند که خانه او  
بفتند و یا در خانه و لیل که مال بسیار بوی رسد و اگر میند که خانه وی بی سببی خراب شود و لیل که مال و درش حاصل شود و اگر میند که خانه

خاشاک

خاشاک

خاشاک

خاشاک

آهین است دلیل که تو نگردد و اگر بیند که در خانه و سین بود دلیل که او را توبه باید کرد و قوله تعالی *لَنْ يَكْفُرَ الْإِنْسَانُ لَبَّيْهُمُ*  
*مُسْتَقَرًّا مِنْ غَفْلَةٍ* و اگر تو اگر بدو نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیر من خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تبا در خرابی  
 این سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بزر شد نسبت اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد  
 و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمناخ یا بد کردگانی رحمة الله علیه گوید اگر در سرائی یا در خانه خانهای بسیار پیدا دلیل که  
 انجا غم و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر قد بود دلیل که در خرابی بر قومی منتری کند اگر بیند که خالیست بسیار  
 داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را با همتر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیست کسی را بزر دستریا  
 مقهور کند و اگر بیند که خالیست و ضایع شد دلیل که از همتری جدا افتد که گاهی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری زندان و  
 که خالیست بر زندان میزد دلیل که میان دو همتر سخن چینی کند و دشمنی نکند خایه مرغ و انیال علیه السلام گوید خایه مرغ و  
 کینک بود اگر خواب بیند که ماکیان پیش او خایه کرد و جمل بیند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن  
 زن بماند و اگر بیند که خایه مرغ بچینه میخورد دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه یا پوست خورد دلیل که  
 بگن مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه می خورد دلیل که زن بسیار بخواد و بجاع حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست  
 چنانکه مرغان نشیند دلیل که با زنان نشیند و فایده یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاده مرغ آن خایه بیرون افکند  
 دلیل که کار مرده اوزند و گرد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه شکست دلیل که دختر یا پسر یکی  
 بستاند و اگر بیند که خایه داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بطفرزند در ویش و پچاره بود و خایه  
 بختک دلیل بر خود میبوید و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد دلیل که قوت و فرزند و مالش زیادت  
 شود و اگر بیند که پرده خایه او کوچک شد ندانیش بخلاف این بوده و اگر بیند که خایه او بریده است دلیل که دشمنان او  
 ظفر بایند و اگر بیند که خایه خود کسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسبت می از کسی دیگر باشد و اگر بیند  
 که خایه اش آسیده بود یا با و بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بیند که خایه اش دراز  
 چنانکه بر زمین میخشد دلیل که مال بسیار او حاصل شود و اگر بیند که خایه ای کسی بکشد دلیل که هر دو بازمان یکدیگر ضا و میکنند  
 و اگر بیند که پوست خایه خود بکشد دلیل که کسی بر فرزندی ستم کند و اگر بیند که کسی خانه وی سخت گرفت دلیل که خبر من  
 فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمش کم شود و اگر بیند که خایه از بن برید دلیل که قوتش بریده شود و اگر  
 بیند که خایه ای وی بر لیسان یا پیرنی دیگر بسته بود دلیل که کار مابروی بسته کرد و مغربی ح گوید خایه مردم در خواب دلیل  
 بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که خایه  
 وی بیرون کشید دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند  
 و دوم مال سوم اهلیت چهارم غنیمت بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چاره وجه بود یکی

این سیرین گوید  
 اگر بیند که خایه او بزرگ شد  
 دلیل که قوت و فرزند و مالش زیادت  
 شود و اگر بیند که پرده خایه او کوچک شد  
 ندانیش بخلاف این بوده و اگر بیند که خایه او بریده است  
 دلیل که دشمنان او  
 ظفر بایند و اگر بیند که خایه خود کسی داد و بخشید  
 دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسبت می از کسی دیگر باشد  
 و اگر بیند که خایه اش آسیده بود یا با و بر شده بود  
 دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود  
 و اگر بیند که خایه اش دراز چنانکه بر زمین میخشد  
 دلیل که مال بسیار او حاصل شود و اگر بیند که خایه ای کسی بکشد  
 دلیل که هر دو بازمان یکدیگر ضا و میکنند و اگر بیند که پوست خایه خود بکشد  
 دلیل که کسی بر فرزندی ستم کند و اگر بیند که کسی خانه وی سخت گرفت  
 دلیل که خبر من فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد  
 دلیل که جاه و حرمش کم شود و اگر بیند که خایه از بن برید  
 دلیل که قوتش بریده شود و اگر بیند که خایه ای وی بر لیسان یا پیرنی دیگر بسته بود  
 دلیل که کار مابروی بسته کرد و مغربی ح گوید خایه مردم در خواب  
 دلیل بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود  
 دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که خایه وی بیرون کشید  
 دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب  
 بر هفت وجه بود یکی فرزند و دوم مال سوم اهلیت چهارم غنیمت بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چاره وجه بود یکی

مرا و یا خن و دم زن خوشن سوم کثیر خردن چهارم فرزندان آوردن خیمه کردن ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر خواب بدید که خیمه کرد و دلیل که شکین شود و و علی مغزول کرد و اگر بدید که کسی را خیمه کرد و دلیل بر غم و اندوه بود و بعضی از  
مستقران که بدید تنگ عیشی بود و خفته کرد و ابن سیرین ج گوید اگر خواب بدید که خفته کرد و دلیل که سنتی بجای آورد که او  
یا که که جاند از گناهان و اگر بدید که بهنگام خفته خون از وی روان شد و دلیل که در آن سنت ثابت بگردد و از گناهان توبه  
کند و اگر بدید که چون خفته کرد و نظر خفته داشت و دلیل که غم و اندوه و بر بسیار رسد که آنی گوید اگر بدید که از خفته کرد و دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر  
خفته باشد و دلیل که راه سلامانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیاد است و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که خفته  
کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکوئی چهارم روشن چشم بدانی از زن و فرزند خود  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خمره در خواب بیماری بوده و بر شیرین عافیت و منفعت بود و چون بوقت خود بدید و خمره خورد  
نیکوتر از بزرگ بود که مانی رحمه الله علیه گوید خمره در خواب لیل بر و ال غم و اندوه بود و اگر بدید که خمره بسیار پیش وی  
نهاد و دلیل که ماند هوی گرفتار کرد و مغربی ج گوید خمره در خواب چون بوقت خود بدید زنی بود با منفعت بسیار و عیش  
خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خمره در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت عیش  
عیش و شفا صده که چون خمره خورد و در خواب لیل بر مرد و در آن وقت بود اگر بدید که خمره بگرفت و دلیل که با کسی  
همت بدو می صاحب کرد و و اندک مایه از وی نفع یابد و اگر بدید که خمره بگرفت یا دور انداخت و دلیل که از بد خوئی دور  
همت جدا کرد و اگر بدید که گوشت خمره خورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند که مانی ج گوید اگر بدید که خمره بگرفت و داشت  
دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوش خوئی باشد که از وی نیکی باشد خردانیال علیه السلام گوید خمره در خواب دیدن بخت  
و بزرگی بود و نیکی و بدی خمره بدید خواب باز کرد و اگر بدید که خمری ملک وی شد یا در و ثاق وی آمد و او خردا گرفت و  
دلیل که در خیر بروی کشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خمره بسیار بدید دلیل که لغت مال او زیاده کرد و در بهترین خردانی که بخواب  
بدید آنست که مطیع او بود ابن سیرین ج گوید اگر بدید که بر خمری سیاه نشسته بود دلیل که ممتري و بزرگی یابد و اگر بدید که  
خمر سیاه نشست دلیل که عذبه جایش بپذیرد و اگر بدید که بر خمری بنفشه نشست دلیل که عابد و ناپاگرد و اگر بدید که بر خمری  
سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بدید که بر خمری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بدید که بر خمره آهسته نشست دلیل که خمره خردی  
و اگر بدید که گوشت خمره خورد و دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بدید که خمره خورد و بخت و گوشت و خمره خورد و دلیل که مال خود هر چه کند و اگر بدید  
نشست و خمره خورد و دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بدید که از خمره خویش سیفا و دلیل که در ویش و تنگ عیش شود و اگر بدید که از  
خمره که ملک او نبود و سیفا و دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بدید که از خمره فرو آمد و دیگری بر خمره نشست دلیل که مال خود را  
نفعه کند و اگر بدید که از بهر کاری از خمره فرو آمد و دلیل که گادی و حاجتی که طلب کند و در میان ج گوید که بدید که  
شیر خمره خورد و دلیل که بیمار شود و دوشفا یابد و اگر بدید که خمری خرید و بهای او نداد و دلیل که راحتی یابد بسبب سختی که با آن

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب





کریم بود و خراش شک و خواب لیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم و مال حلال و فرزند و نیک بود و حکایت  
 شخصی پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سراسی سلطان چهل خرمایافتم گفت فرا ترا بیا چهل چوب نهند و همچنان بود  
 و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سراسی سلطان چهل خرمایافتم چهل هزار درم بیای  
 گفت پارسال تعبیر این خواب بگوئید و دیگر بود و سال چو نیست که بخلاف آنست گفت پارسال خرمایافتم و درخت نبود و ما مثل آن چوب بود  
 و سال خرمایافتم و درخت است و درختان سبز و تازه اند تعبیر آن چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص هزار درم یافت خرمن که خرمن  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و قندیل حاصل کند و آن مال بکفایت هزینه کند و اگر ببیند که گشت  
 و دور و در خرمن در آرد و دلیل که مال برنج حاصل کند که آنی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خرمن غله بخیزد یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خواب  
 و بعضی گویند که او را بامردی صحبت افتد که مال برنج و قندیل حاصل کند خرمن است ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن در خواب  
 مردی باشد که مال سختی و برنج بدست آورده باشد اگر ببیند که خرمن خود و دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر ببیند  
 که خرمن از دست جمع میکرد و دلیل که از مردی بخیل افتد که آن مال حاصل کند و اگر ببیند که خرمن با تشییع و خشت و دلیل که با تشییع  
 مال و ملک بستاند خروس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خروس داشت و داشت که ملک او است و دلیل که مردی که  
 بنده زاده او بود او را قهر کند و اگر ببیند که خروس را بکشت و دلیل که بر بنده زاده خطر یابد و اگر ببیند که با خروس جنگ میکرد و دلیل که با مردی  
 خصومت کند و اگر ببیند که از خروس او را بکشد و دلیل که از آن غمی او را مضرت رسد و اگر ببیند که خروس بچسبید و دلیل که غلامی  
 کوچک یا پسری از کتک او را حاصل آید و اگر ببیند که با نیک خروس می شنید و دلیل که نیک و خیرات گزیند و اگر ببیند که خروس بر بخت  
 و دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خانی خروس در خواب غلام بود و اگر ببیند که کسی خروس بچسبید بوی داد و دلیل که غلامی بوی بخشد  
 و خرفی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب ببیند که خروسی داشت و دلیل که او را پسری آید یا او را بامردی مؤان صحبت افتد چنانکه در  
 صلی الله علیه و سلم فرمود **وَاللَّيْلُ مَحْجِيٌّ وَهُوَ يَكُونُ إِلَى الصَّلَاةِ** یعنی خروس دوست صفت که مرد را بنام میخواند  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر ببیند که بر خروس دست یافت و دلیل که بر بهتر زاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر خواب ببیند  
 که تخم خروسی یافت و شکست و دلیل که بر بهتر می و یا خروسی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرید  
 و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که مردم و دنیا را کنند و اگر کالای بکالای معاوضه کند و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله را از او پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر  
 بر یک صورت بود و اگر نبود و غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرمای در خواب  
 کسی را که شرای خرم بود و بر وجه بود و نیک مال و منفعت و درم خیر و برکت و عرق و جاده چارم مرستت با ناله و قیامت  
 ریاست و بزرگی که آنی رح گوید و پوشیدن جامه خرم در خواب لیل بر مال حرام کند معتبران گویند مردان را بر ششم و خواب دیدن جامه  
 قه ناز نیک باشد و در خرم و شمس کسی باشد که دنیا را بختیار کند خسته گردان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زن او

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

کسی بخت و از خون بیرون آمد دلیل که خسته کند و او را بخنی رست گوید چنانکه باشد که جواب تواند کرد و اگر بیند که از آن حرکت  
 خون نیاید دلیل که او را بخنی گوید که دروغ باشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ بر او و پنجم کرد و او را دلیل که پیش او خنی گوید  
 و بر و طعن زند و اگر کسی در خواب خشکی بسیار بر تن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت یا مدد مغربی رحمة الله علیه گوید خشکی بسیار  
 بر تن نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خشکی در خواب بر سر و وجه بود یکی مال مردم منفعت سوم سخن  
 مانوش خشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار درهم نماید اگر بیند که  
 بسیار جمع کرد دلیل که او را مال بسیار جمع شود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیواری بر تپشید دلیل که مال خداوند  
 دیواری بر او اگر بیند که خشت پاره پاره کرد و پراکند دلیل که مال خود را پراکند و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت  
 چخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر عجم و اندوه بود و چشم که خشت ابن سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی خشم از بهر دنیا گرفت دلیل که کار دین را خیر و خوار دارد و بد دنیا مغرور شود که آنی رحمة الله علیه  
 علیه گوید اگر بیند که پدر او را در بروی خشم گرفت دلیل که از جانی بلند افتد قوله تعالی وَمَنْ يَجْلِ عَظْمٌ غَضَبِي فَقُلْ  
 هَوَىٰ خُصُومَتِ ابْنِ سِيرِينَ رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی خصومت کرد و بره غالب شد دلیل که سر انجام  
 کار غالب گردد و در چشم غلبه نماید اگر بیند که دشمن بر او غالب شد تا و پیش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر  
 بیند که با والی آند یا خصومت کرد و بر او غالب شد دلیل که از والی بد و خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند از او  
 خج بیند و اگر بیند که پیش پادشاه خصومت رفت دلیل که حاجتش روا گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم بی  
 خصومت کرد و دلیل که مردم از وی اندوگین گردند زیرا که از مردم جوید خصمی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 را خصمی کرد و دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی متحیران گویند که فرزندش میرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی را راغب باشد و  
 توانا شود و اگر کسی مجهول خصمی بیند دلیل که آنکس بسزیه و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را بر اهر خیر و صلاح خواند  
 یا بایات مژده دهد زیرا که فرشته کار است و نیست اگر بیند که دشمن علم و حکمت نیست انگس فرشته نباشد و اگر آنکس که در خصمی بود  
 و مغرور بود آنچه از نیک و بد دید تا و پیش بروی باز کرد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایه روی بریده شده و پنهان  
 و دلیل که بر دشمن ظفر ناید و بعضی متحیران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر دختران بود یعنی پس از این او را و خنری خود زیرا  
 که خایکان دختر بود و اگر بیند که خایه خود بر آرد و کسی او و دلیل که دختران کسی در مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 سببی خصمی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضییش از تن بریده شد بهرین تاویل دارد و نامش از میان مردم  
 که شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصمی در خواب بر سر و وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عباد  
 خضاب کردن و انبیا علیهم السلام گوید خضاب کردن بر پیش پوشیدن کار با باشد اگر بیند که سهراب از خنری  
 کرد و رنگ منگرفت دلیل که ظاهر مردم نماید و اگر بیند که خضاب کرد و دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده بماند

خون

خشت

خشم

خسومت

خسومت

خضاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزی میبرد که مردم آنرا میگردند دلیل که خود را بچیزی میمالد کار نیکو است  
و بدو اگر بیند که دست و پایی بخضاب بکشد دلیل که مال از دست افتد و باز آید و اگر بیند که هر دو دست را بخضاب بکشد  
دلیل که فرزندان خود را بپاراید یا آیشی که خلاف شرع بود که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را بکار کرد و بخضاب  
کرد و دلیل که خداوند مکر و حیلت بود در کسب عمل خویش و اگر بیند که کاروی هم شده بود دلیل که او را غریزی میبرد و یا خود طاعت شود  
و اگر این خوابها را نمی بیند شادی و خورجی بیند بمعنی اشعث علیه الرحمه گوید اگر بیند که دست و پایی خود بخضاب بکشد  
دلیل کار می کند که مردم بروی افسوس کنند و اگر بیند که سرش را بخضاب بکشد دلیل که تسلیج کند جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کارشایسته دوم آرایش حال نیا سوم طلب عروجه چاه چهارم معرفت  
شدن بدو غ خطبه خواندن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر سرش خطبه میخواند و از اهل خطاب بود و دلیل که پس  
عروجه بر نهد یا بدو اگر از اهل خطاب نبود دلیل که بسفر رود و در نکسب بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر تو را بگرد و دور  
و اگر بیند که بی دینی خطبه میخواند و دلیل که مسلمان شود یا میرد که مانی گوید اگر بیند که پادشاهی بر سرش خطبه میخواند اگر پادشاه  
بود و دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود و دلیل که تائب گردد و اگر بیند که بی بر سرش خطبه میخواند و مردم را پسندید و دلیل که شهادت  
رسو است و در قضیت و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه ترویج میخواند و دلیل که با همه کس خیر و همان کند خیر صلاح  
و منفعت یا بدو خطمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بیوقت غم و اندوه بود و خوردن  
آن مصرت و نقصان بود و شکرستن بآن دلیل بر توبه و پاک دینی بود و خشن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خشن در خواب  
راه کسی را که پوشیده بود و راحت و دستگیری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود و دلیل که بزرگی یا بدو راه و دین بر نیزگاری بخیر  
تیرا که خفتن غفلت بود و در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر سرش خوابیده بود و دلیل بر تجارت و خواری بود که مانی رحمه الله  
گوید خواب ترسند را این بود و در آتش و سوزن و آزار و زخمی بود و غریبی گوید اگر بیند که در میان دو گان خفته بود مردم را و دلیل  
دلیل که در میان مردم شهرت یا بدو که با و کسب هم ایضا ظاهر و قو و احوال کردن ابن سیرین گوید بخل کردن در خواب بیکو بشارت و دلیل  
اهل بیت بود و احوال مانند جارب که مال اهل بیت میرود و اگر بیند که بخل میبرد و دلیل که بقدرا آن که از ندان بیرون می آید  
نقصان اهل بیت می باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بخل میبرد که بخل از بن دندان بیرون آورد و کسی داد و دلیل که از مال  
اهل بیت خویش بناحق بستاند و کسی و بدو خلعت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود و دلیل  
عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد و زن و کنیز و حکم تاویل بقدر و قیمت خلعت دهنده بود که مانی  
گوید اگر بیند که پادشاه بدو خلعت داد و دلیل که آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یا بدو و اگر بیند که عالمی ویرا خلعت داد و دلیل  
که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو داد و ندانند که بدو  
دلیل که عروجه دینی یا بدو اگر دنیا یا جامه ابریشمین بود و دلیل که عروجه چاه دنیا یا بدو خرقة جامه کهنه و پوشیدن آن غم







در دو روز و پنج شب که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمه الله علیه گوید و ام در خواب که حلیت نمود اگر بیند که با کسی  
 او برام گرفتار شده تا دیش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که با کسی گرفتار شد که بداند  
 جانور منسوب بود بکرم حلیت بدست آورد و آنها این سیرین رحمه الله علیه گوید و آنها در خواب اگر بخند یا خام بیند  
 دلیل غم و اندوه بود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترخش از آن گرد و  
 چیز از آنها که دید و در خانه خود برود یا در جال کرد دلیل که آنچیز که آن گرد و اگر بیند که مردکان و آنها برود میداند دلیل  
 که آن و آنها از آن شوند و باغی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید و باغی کردن در خواب که در آن شغل و فرزند  
 بود اگر خواب بیند که باغی میکرد دلیل که همیشه باغی کند که زمانی رحمه الله علیه گوید و باغی بتاویل و مالی بود و پوست و  
 میراث باشد مغربی رحمه الله علیه گوید و باغ در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به این سیرین رحمه  
 الله علیه گوید و به رغن در خواب مردی این بود اگر بیند که و به رغن داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی این را  
 صحبت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقد آن و به رغن و اگر در هر چهرین و گفته بود دلیل که بیند در حضرت رسد حضرت  
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن و به در خواب بر نه وجه بود یکی مرد این دوم زن سیوم خادم چهارم قوام دین  
 صلاح تن ششم عمر در از به فتم مال و نعمت هفتم خیر و برکت هفتم میراث از رحمت زمان و سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر خواب بیند که بیری میکرد دلیل که مال مردکان بحلیت ستاند و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که بیری پادشاه  
 و دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد اگر بیند که بیری مردم عام میکرد دلیل که دل های مردم بر خود و کرم کند و انیال علیه السلام  
 گوید اگر بیند که نوبینه شد دلیل که بکر و حلیت روزی از مردم بدست آورد و اگر بید و تا بود که بیری میکرد دلیل که منفعت  
 بسیار یابد و اگر بیند خواب عمل را بود و دلیل که مغزول شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می  
 دلیل که خیر و منفعت آنجانی یابد و اگر بیند که غزل و شعر می نوشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نوشت  
 و مداونیک بود و دلیل که قباله را بنویسد و اگر بیند که آنچه می نوشت خلاف شریعت بود و دلیل که عاقبتش بد بود و سیرین  
 بخواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جال این سیرین رحمه الله علیه  
 و جال را در جانی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد  
 و خشر این سیرین رحمه الله علیه گوید و خشر بخواب دیدن خرج و شادی بود و اگر خواب بیند که او را ختری آمد یا کسی  
 بوی داد و یا بخند دلیل که بقدر جمال و خوبی و خشر او مال و خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که خشر و تا و یا کسی  
 این بود که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خشر و بوی چهرین و ناقص بود و دلیل بر غم بود و اگر بیند که خشر و بر گرفته بود  
 دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که خشر و کسی داد و دلیل که از وی خرمی بر آنکس رسد و خشر اگر بیند که در زیر خود دود  
 عود میکرد یا از بویها خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یابد و با مردم عیش خوش گذراند

در دو روز و پنج شب

جانور منسوب

چیز از آنها

میراث باشد

صلاح تن ششم

دلیل که از قوم

و جال را در جانی

و خشر این سیرین

دلیل بر خیر و

در خواب  
و در خواب

و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دشمن در خواب بر سر او چه بود یکی کسب و نیست و دوم  
و منفعت سوم بنای نیک و دوگان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت جمله خرشنه یا یکی خرش  
یکی گاو یکی کوسپند دلیل که روزی بروی فراخ شود لیکن او را زیان دارد و اگر بیند که چهارپایان وی دوکان شده  
تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن دوکان و خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن و دوم پادشاه  
چهارم سوم زمان سلطه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشه خنجر خود دلیل که مال مردم بحیثیت پست  
گرمای رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بصورت دوی شده دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بیند که دوکان با وی سخن گفت  
و دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که دوکان از میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و تراج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید تراج در  
خواب زنی خوب روی بود به مهر که با شوهر سازگاری نکند اگر بیند که تراجی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی بدین  
صفت خواهد و اگر بیند که گشت و تراج بخورد و دلیل که مقدار آن مال زن مبتدا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تراج  
بسیار داشت و داشت که ملک دست دلیل که بقدر آن زنان و کنیزان او را حاصل آید اگر بیند که تراج از دست وی  
بر برید دلیل که زنا حلاق دهد و راعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که راعه نو و بزرگ و فراخ و بستر نو  
بود و دلیل که بقدر آن او را جاده و قوت و شرف در دین بود و اگر بیند که راعه چرکین و تنگ پوشیده بود تا ویش بخلاف  
این بود که زانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که راعه سپید پوشیده بود و دلیل که مال نعمت و بزرگی یابد و اگر در اعطاس بود  
بود و دلیل که مضیبت بود و اگر سیاه بود و دلیل غم و اندوه باشد لیکن راعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بیند  
که راعه از تن وی بیرون کرد و دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن راعه در خواب بر سر  
وجه بود یکی فرخ دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم کار به مقم زن و در خواب بین  
زن بود و اگر بیند که در می بسته از جای معرک یا محمول در برابرش کشادند و آن درگاه کشاده شب بر جانب راه بود  
و دلیل که مالی که دارد خرج کند و اگر بیند که در سرمائی در برابرش کشاده شد و دلیل که مالی از پادشاه بیا بد بر عیال نفع کند  
و اگر بیند که در سرمای او شکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در سرمای او کشند  
بروند و کس نه انت که کجا بروند و دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر بیند که در سرمای او آتش شد و دلیل بر  
مصیبت اهل سرمی بود و اگر بیند که در می کوچک بود و دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر بیند که در سرمی چنان فراخ  
بود که هیچ در می بدان فراخی نبود و دلیل که قومی بی فرمان در سرمی او روند بقوت و مصیبت با خصومت اگر بیند که حلقه  
در سرمی او می جنبانید اگر جزایش دادند و دلیل که وعای او مستجاب گردد و باشد که کخی بیا بد و اگر بیند که چون حلقه جنبانید  
زود در آتش را بکشادند و دلیل که خدا تعالی البته وعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد که زانی رحمه الله علیه گوید  
اگر بیند که در می حکم بست و قلی بر و نه و دلیل که زشت میرد یا زنا حلاق دهد و اگر بیند که در و در که را فرمود تا در نو

در خواب

در خواب

در خواب

درخت

درخت

درخت

درخت

درخت

خانه او نهادند دلیل که کثرتی و دشمنی و مجروحی که در خانه ویران خلق بنود دلیل که زنی بیوه بخواجه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بگوید که  
 دو ان بر در خانه وی میسجدند و با ملک میگردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بگوید که آسمان ناکشاده شد دلیل که در  
 اندام و در خیرات بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سر نهاده بود یکی خداوند سراسی دوم زن سوخته  
 و در وازه این سیرین رحمه الله علیه گوید هر که در وازه شهری بخواب بید دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب  
 دیدن مردی بزرگ بود و در بانی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بید که در بانی میگرد و دلیل که حاجتی که دارد زود روا  
 و از غریب بزرگ عود جا به یاد اگر بید که در بانی میگرد و دلیل که حاجت بروی سبب کسی بود و روا شود اما او جا به نیاید مغربی  
 رحمه الله علیه گوید اگر بید که در بانی پادشاه میگرد دلیل که مقرب پادشاه گردد و در بر گرفتن شرح بر گرفت و در حرف گفتیم  
 و در حاتم و انیل علیه السلام گوید درختی که پیش مردم غریب است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و اگر درختی بیند که پیش  
 مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دارد بود دلیل که مردی توانگر بود و درختی بی بر دلیل بر مردم درویش بود و درختی  
 که در دیار عوب بود دلیل بر مردم بیایانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود بخدا  
 باغ اگر بیند که درختی ازین بکند دلیل که مرد بر از جا به و نعمت افکند و درخت خرمایا بخواب بید دلیل بر مردی شریف  
 و عالم بود و اگر بیند که درخت خرمایا در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود خرمایا چون باغ میزد دلیل که تامل و بخت انداخته باشد  
 کرد و درخت انبوس دلیل بر مردی فرومایه باشد و در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کینک و درخت الو مردی طبیب بود  
 که اندوی نفع بهر کس شد و درخت با و ام زنی خوبروی صاحب حال بود و درخت انار مردی توانگر بود و با منفعت و درخت  
 پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و درخت بر دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و درخت تریخ دلیل بر مردی مخالف خود  
 رای کند و درخت زیتون دلیل بر مردی پهل و نسب باشد و درخت خنظل دلیل بر مردی درویش بدین کند و درخت زرد لاله  
 دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و درخت سرو دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند و درخت سجد دلیل بر مردی سبک روح  
 و محشم باشد و درخت سیب دلیل بر مردی پیاگون باشد و درخت شمامه دلیل بر مردی تیز و ولت کند که زود و پاک  
 شود و درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشیرم باشد و درخت عمو دلیل بر مردی نیکروی و خوش زبان باشد  
 و درخت شفتق دلیل بر مردی توانگر بخیل بود و درخت کل دلیل بر مردی شاد کام باشد و درخت فندق دلیل بر مردی غریب  
 سخت مل بود که لهو دوست دارد و درخت بلوط دلیل بر مردی بیخبر منافق بود و درخت جوز دلیل بر مردی شریف و جوانمرد  
 بود و درخت جوز بهندی دلیل بر مردی عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بید که بالای درخت بود دلیل که مردی  
 بزرگ پیوند دارد و منفعت و بزرگی یابد و درخت لیمون دلیل بر مردی بود که جادو کند یا منجم بود و درخت مور و دلیل  
 بر مردی کران طبع و ناسازوار بود و درخت نی دلیل بر مردی بدخوی و سخن چین بود و هر درختی که میوه دارد و دلیل که  
 میوه او بود و اگر بید که از درختی میوه دارد میوه میخورد و دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و نعمت یابد و مقبران گویند دیدن

در خواب

خانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که خداوند پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق نازک  
 همچون درخت خیار و خربوزه تا ویش بر مردمان دون بود که مافی رحمة الله علیه گوید اگر رنگهای درخت قوی بیند دلیل که زکوة مال  
 بر او باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت نازک بر روی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان  
 بود و اگر بیند که درخت بر کما بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارانی اندک دارد تا ویش بخلاف این بود  
 و میوه درخت دلیل بر خداوندش که برین کار و دین دارد و اگر بیند که درخت بر پر و بیفتا و دلیل بر کمند خداوندش بود و مغزلی  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی مصطفی و پاک دین بود و اگر بیند که درختی میوه خوش  
 دارد و خار دارد و دلیل بر مردی مصدق و یاسنت باشد و اگر بیند که در سراسر او یا در سراسر دیگران که تا درخت بود و دلیل بر مصیبت  
 بود که در آن سراسر افتد و اگر بیند که در سراسر خود تنگی میکشد دلیل که بقدر آن تنگی چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین  
 بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه اند و از صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سراسر خود درختی می نشاند دلیل که با  
 خود و اگر بیند که بر بالای درختی بلند میشود دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که برگ درختان جمع میگردد و دلیل که بقدر آن  
 مردم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میگردد و دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت بشود و اگر درختان میوه و آب بسیار  
 و دانه ملک اوست و دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میسرید دلیل که بیمار گردد یا از آن کسی  
 میسرید و اگر بیند که در وقت نمران در باغ مجهول بود و میسرید که برگ از درختان می افتاد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت  
 با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت از جامی بکند و دلیل که بیمار شود یا از آن میوه بکند  
 کند کسی میسرید و مغزلی رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند و دلیل که مردمان بدین باشد و هر درختی که نیکو  
 بیند و دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند و دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایه درخت نشسته بود و پای  
 بود و دلیل که در سایه مردی رود که بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر وجه بود و یکی  
 پادشاه و دوم زن سوم بازرگان چهارم مردم مباد و پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم عوان نهم خصومت دهم مال شهنش  
 و رو اندامها این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بر خواب بیند که اندامهایی وی در میگرد و دلیل که مال از دست وی برود و اگر  
 بیند که سرش در میگرد و دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه کند و صدقه دهد و قوله تعالی فمن كان منكم مریضا او بهاء اذی  
 من و انسیه ففذلک من صیام او صدقة او نسک و اگر بیند که پیشانی وی در میگرد و دلیل بر فساد دین  
 و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود را در میگرد و دلیل که او را کسی ماه نماید بحق و اگر بیند که دوش در میگرد و دلیل که از هر کس خفتنی است  
 نشود و اگر بیند که بینی وی در میگرد یا در زبان وی نقصان بود و دلیل که خنکی گوید که بوبال باز گردد و اگر این خواب باز در کافری  
 دلیل که در تجارت و روع گوید و اگر زبان خود بریده بیند و دلیل که بر صلاح و پارسائی بود و اگر بیند که کاش در میگرد و دلیل که تا مسخبت  
 دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دوش در میگرد و دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او در میگرد و دلیل که او را

در خواب

در خواب

در خواب وی باشد و نمیکند و اگر نمیکند که شکش در میکرد و دلیل که مال حرام خورد و اگر نمیکند که پشت او در میکرد و دلیل که از سر خود آرزو کرد  
و اگر نمیکند که پهلوی او در میکرد و دلیل که سبب خوشی او در نمیکند و بر بخور شود و اگر نمیکند که جگر او در میکرد و دلیل که بر فرزندش شفق بود و اگر  
در دوست نمیکند و دلیل که برادر بسیار را بجا کند و اگر نمیکند که در جنگ داشت و دلیل که کینه دارد و اگر در ناف نمیکند و دلیل که عیال را رنجاند  
و اگر نمیکند که عورت او در میکرد و دلیل که بغضا دارد و اگر نمیکند که مقدار در میکرد و دلیل که فساد و حرام کند و اگر نمیکند که سرخ و در میکرد و دلیل که  
بر خوشی او در دوستان جفا کند و اگر نمیکند که پای وی در میکرد و دلیل که بر زیر دوستان شفق نکند و اگر نمیکند که تن ویران و میکرد و دلیل که  
مال یابد و درم این سیرین رحمة الله علیه گوید طبعهای مردم مختلف بود و مردی باشد که در مرا بخواب نمیکند و دلیل بر حاصل شدن مال  
است در بیداری و بعضی بجهان گویند هر که درم در خواب نمیکند و دلیل که سخن خوش نشود و باو حید باری سبحان تعالی گوید اگر نمیکند که درم  
بود و دلیل که خوب تر و اگر درم بسیار باشد و بدان نقش و صورت بود و دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از متبرکان گویند اگر نمیکند که درم  
یافت و دلیل بر فرزند که چاک بود و بعضی از متبرکان گویند اگر نمیکند که درم صنایع شد یا کسی از وی دزدید و دلیل که از فرزند وی خورد و بار  
او آید و اگر نمیکند که درم کو چاک گوید که دوبار یافت و دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز یافت و دلیل که فرزند او چاک شود و کوفتی  
رحمة الله علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیک بود و درم شکسته سخن پراننده و درم بسیار مال باشد و اگر نمیکند که در خانه  
با عیال خود در مهار دست صحت کرد و دلیل که میان ایشان داور می افتد و اگر نمیکند که درم در خانه بجهت داشت بقدر آن مال یابد  
و اگر نمیکند که درم بسیار جمع کرد و دلیل که مردم را راضی و باطل باز دارد و قوله تعالی **جَمَعَ مَالًا وَ هَدَىٰ وَ هَدَىٰ مَالًا** اخذ کند  
گوید درم سپید و کف خود نمیکند و دلیل که او را فرزند می آید و اگر نمیکند که آن درم از وی صنایع شد و دلیل که فرزندش میرد و اگر بدین می درم و دنیا  
یافت و دلیل که مال و نعمت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب نمیکند درم سیاه یا بد و بسیار مردم در خواب  
نمیکند و در بیداری همان باید به حیل اشفت رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صغای دین بود و درم شکسته خصومت بود و  
نمیکند که پادشاه او را درم و او دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بر یازده وجه بود یکی  
درست و دوم گذاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم ایمنی دهم  
کینک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب ستور بود و اگر مستور نبود و دلیل که رحمت فرزندان و عفو و اندوه بود و اما درم  
شکسته در خواب بدین چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنگ و خصومت سوم بنده و زنان چهارم گفتگوی درم سیرین پنجم گوید درم  
در خواب و دین بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل نقصان مال و عیال بود و دروغ گفتن این سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن  
در خواب و دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر نمیکند که گواهی دروغ میداد و دلیل که دین وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر  
نمیکند که پادشاه دروغ گفت و دلیل که مردم نکویش و بدی او گویند و حراست و آبروی او برود و درودگری کردن این  
سیرین رحمة الله علیه گوید درودگری در خواب نیکو خواهد بود و لیکن صحبت با مردم منافق و بد مذہب باشد و برادر ایشان  
روزی که اهل چوب خواب و دین دلیل بر نفاق باشد قوله تعالی **كَانَ قَلْبُكَ خَشَبًا** جعفر صادق علیه السلام گوید در خواب

در خواب

در خواب

در خواب معلّم که دوکان باشد که مرد جابل و نادر از دانش و فزینک آموزد و در مصلح کارهای مردم باشد و راه نفاق و فساد از ایشان  
زایل گرداند سفری رحمة الله علیه گوید در دو گر معلّم که دوکان باشد و زویشی این سیرین رحمة الله علیه گوید در ویشی در خواب سیران  
توانگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود اگر بینه که در ویش شده بود دلیل بر صلاح دین بود و اگر بینه که توانگر شده بود و پیش  
مخلاف این بود که توانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که با ویش مسلمان خیرات کرد دلیل که از نعم و ریح رسته گرد و اگر بینه که بر روی مسکین  
و نان میخاست دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و در پان سیرین رحمة الله علیه گوید در یاد خواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر  
بینه که آب در یار و شن و صاف بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و دادگر بود و اگر بینه که آب در یا خوش طعم نبود  
دلیل که پادشاه مفید و ظالم بود و اگر بینه که آب در یا بخور دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی با بد یا از عالمی بهره مند گرد و اگر بینه  
که آب در یا بر میگرفت و در سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه و او را منفعت رسد و اگر بینه که در یا فرو شد چنانکه تن راه  
بگل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بینه که تن خود را از گل شست دلیل که غم و اندوه از وی زایل گردد  
و اگر بینه که آب در یا شنا کرد و دلیل که پادشاه او را محسوس دارد و اگر بینه که از دریا با شنا بیرون آمد دلیل که از زندا خلاصی یابد  
و اگر بینه که در دریا غرق شد و مرد و دلیل که در کار دین غرق شود و اگر بینه که از دور دریا دید و نزدیکت رفت دلیل که بد آنچه امید  
سیدار برسد و اگر بینه که فراز دریا میرفت و پای او تریبی شد دلیل که از آتش و فرخ این کرد و کارهای دنیاوی بروی ایشان  
گرد و اگر بینه که در دریا بود بقول کرمانی رحمة الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه ردد و مطیع و فضل گرد و اگر بینه که در میان  
دریا رفت دلیل که کار وی با خطر باشد و اگر بینه که از دریا بیرون آمد دلیل که بیغم شود و اگر بینه که از دریا آب خورد و سر  
بود و بینه خواب عالم بود دلیل که بر مقام یابد و اگر بینه خواب عالم نبود و بخلاف این بود قوله تعالی لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ  
لِئَالِمَاتٍ لَّيْلًا لَقَدْ أَهْلَكَ الْإِنْسَانُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْإِنْسَانُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْإِنْسَانُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْإِنْسَانُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْإِنْسَانُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْإِنْسَانُ  
پادشاه گرد و اگر بینه که آب در یا خور بشت دلیل که از پادشاه این گرد و اگر بینه که آب در یا خور کرد و مرد بود دلیل  
گناهی کند قوله تعالی وَسَقَوْنَا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ و اگر بینه که آب در یا بخور و کند و ناخوش بود دلیل  
که او رخصی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود قوله تعالی لَيَحْجُرَنَّ عَنْكَ وَلَكِنَّكَ لَا تُدْرِكُهُ جَابِرٌ غُزِي رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ  
بینه که آب در یا میرفت دلیل که توفیق طاعت یابد و امانت که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر  
بینه که آب در یا زیادت شد دلیل که لشکر پادشاه زیادت شود و اگر بینه که آب در یا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند  
و اگر بینه که آب دریا رود و ما بهم جمع شدند در یک جای دلیل که پادشاه آذینار مال و خزانه خویش بیکت جامع کنند و اگر بینه  
که از جهان موجها برخواست و جهان از ابر تارک شد دلیل بر گناه و هسین ابل آذینار باشد قوله تعالی مَوْفِقٌ  
صَحَّحَ وَمِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ اگر بینه که از دریا شکار میگرفت دلیل که روزی حلال یابد و عیش و بعیال و فراخ گردد  
قوله تعالی لَكُمْ صَيْدٌ الْبَحْرِ وَطَعَامٌ مِمَّا عَمَّا لَكُمْ اگر بینه که آب در یا شور بود دلیل که کسب حرام کند



مجلس

ت

ت

ت

ت

و اگر بیند که آب دریا تیره بود و اندک ساکت میگرفت و دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالی و اسئلهم عن القرية التي كانوا  
 حاضروا البحر و اگر بیند که از دریا مریحان و یا قوت برآورد و دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گرد و یا نابل علم باشد جلوس  
 زیادت شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را گرفت و بکشت و دلیل که دشمن پادشاه بر دست می هلاک شود و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید و دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم  
 کارهای بزرگ و شرا این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در بنا کرد و دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که در خود را  
 خراب کرد و دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود و گمانی رحمه الله علیه گوید در خواب گنج و آجر میگرد و دلیل که صاحب دین  
 و اگر بیند که از کل خشت میگرد و دلیل که از اعمال اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم مقیم بود و دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه اگر بیند که در  
 از دیرین آمد و یا از درون میشد و دلیل که در کار دین کامل باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خود را در دژ میشد بقول مغربی دلیل  
 صلاح دین بود و اگر بخلاف این میشد دلیل بر تباهی و ضعف در دین وی بود و زوی کردن اگر بیند که مال کسی در دژ بود  
 و چیزی خرج کرد و دلیل که او را بکشد و اگر بیند که نیت داشت که بدزد و اما ندزد و دلیل که کسی مکر وی رساند و بعضی گویند که بیا  
 شود و اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزد و دلیل که برخی واقعی بودی رسد که گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب  
 که او در دست درد اسپر شد دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دران بروی راه زد و دلیل که غم  
 و اندوه بیند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر زدی کال او کسان بر و دلیل که عیش بر خداوند خواب نهد شود و جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید زدی بخواب بیماری بود و مختار گویند آنجا که زدی کنند دلیل و اما وی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداوند خواب  
 غامبی دارد سلامت باز آید و انیال علیه السلام گوید در خواب دیدن خیانت و حیلت بود و ستاره چه این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر بیند که دستاره از کتان بر دست داشت دلیل که او از مردی یا رسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستاره چه  
 از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او از زانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستاره در خواب بر سر نهاده چه بود یکی منفعت  
 دوم کینک سوم عطاء اذک و ستاره سمر این سیرین رحمه الله علیه گوید دستاره بخواب دیدن دین بود و اگر بیند که دستاره  
 یا سیر بود یا از کتان یا از پنبه بود و دلیل صلاح دین بود و اگر بیند که دستاره سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود و دستاره قر  
 و یا بر ششم دلیل نیکویی حال این جهان بود و اگر بیند که دستاره وی دستاره و یک بر سر نهاده شد دلیل که بزرگی و منزلتش بیشتر گردد و اگر بیند که  
 از زوی بخت و وضایع شد و دلیل بر نقصان دین و پیرستی او باشد که گمانی رحمه الله علیه گوید اگر دستاره خود زود دیده بیند و دلیل بر نقصان  
 خدا و جاه او بود و اگر بیند که دستاره پیچیده خوب داشت دلیل با صاحبین و دنیا سازگاری کند و اگر بیند که دستاره را از دست  
 دلیل که در میان سفر و مردم مشهور گردد و اگر بیند که دستاره شش جمله سبز بود و دلیل که بشته اوت از دنیا برو و مغربی رحمه الله  
 علیه گوید هر چند که دستاره بزرگتر باشد غرضش شش بود و اگر بیند که دستاره و چکرین بود و دلیل بر نقصان غرضهاش بود و اگر  
 دستاره سرخ میشد و دلیل که بر کسی شتم کند و اگر زود بیند دلیل که بجا شود و اگر بوزین دلیل که او در مصیبت رسد و اگر سیاه بیند و دلیل که زبانی

فصل

و حضرت بنید که خطیب و قاضی و اگر بر سر دستا بر پیشین بنید دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بنید که دست  
 دراز پیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستا بر پیشین دلیل بر فساد دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دین و ستار و ستار  
 بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانا هفتم سفر و ستار حامی در حرف می بیند  
 کنیم انشاء الله تعالی دست اس این سیرین رحمة الله علیه گوید دست اس در خواب از فکر رستن بود و اگر بنید که دست  
 داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بنید که سنک است دست شکست دلیل که خداوند است و است هلاک یا محنت است  
 و اگر بنید که سنک است دست بدزدید دلیل که بیمار شود و اگر بنید که باس دست حنا و غیره خور و سکر دلیل بر خصومت بود و دست  
 در انبال علیه السلام گوید دست رست تاویل برادر بوده دست چپ ظاهر بود و اگر بنید که دست راست وی دراز شد دلیل که  
 کار برادرش یا ایشانش نیکو گردد و اگر بنید که هر دو دستش بازگشته دلیل که برادر و خواهر از وی روی بگردانند و اگر بنید که هر دو دستش  
 کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر باز نگردد و اگر بنید که هر دو دستش بریده واقفاده بود دلیل که برادر و خواهر از زندگی اندوی جدا  
 و اگر بنید که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بحجت دوستان خود غم خورد و اگر بنید که میان کمر وی بود و دست میزد دلیل که  
 در اینجا عوسی کند و اگر بنید که مینما دست میزد و شادی میکرد دلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که قاضی یا سلطان دست رست  
 میرید بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش میرد و اگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب و مراد خود بازماند  
 و اگر بنید که سبک دست از دست دیگر دست باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و بیاد کند و اگر بنید که دست خود را بکار و میرد دلیل  
 که با کسی خصومت کند یا دل وی کسی مشغول بود و قوله تعالی **فَقَطَّعْنِ اَیْدِیْهِمْ** و اگر بنید که کف دستها بر یکدیگر میبست دلیل که خوشی  
 بکجای آرد و اگر بنید که یکی دستش بریده و او را برادر کند دلیل که انیران آن موضع معزول گردند و اگر بنید که مانند چهارپایان چهار دست  
 و پای میرفت و بازگردد وی با آسمان داشت دلیل که از زوایا محال بود و بر شواری بر آید و اگر بنید که دست وی مادر از او خشک بود دلیل که  
 از صدقه دادن و کار خیر فراموش کند و اگر بنید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که دستها بشوین و نیک کرده بود دلیل که هفتش تجدید علم نمود  
 بود و اگر بنید که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بنید که چون دستش  
 بریده شد و قرآن میخواند دلیل که دستش از مصیبت باز دارد و معتران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز گردد و عصبانیت از ترک کردن  
 بکار خیر مشغول بودن و اگر بنید که دست راست او زهر گناهی بریده و اند دلیل که دروغ گوئی بود و بی دیانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید  
 اگر بنید که دست خفیش چون چنبره گردن کرده بود دلیل که بر کردار نیک و ناز و طاعت و حج و غزاکردن و کردار نیک بجای آورد  
 و اگر بنید که دست رست او بریدند دلیل که سوگند بدروغ خورد و اگر بنید که دست از تن وی تحمل کرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن  
 پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و بدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بنید که  
 وی از دست دیگر دراز تر شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بیاورد و اگر بنید که بر دو دست میرفت دلیل که از خود اعتماد و تکیه بر  
 گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بنید که دست و پای سخن گفت با و دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بنید که از بهر دست خود دراز

دست

دست چپ

بسته داشت دلیل که جمله قرآن بطاهر بخواند اسمعیل اشفت رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود و دلیل  
 بزرگی و پادشاهی یا بدو اگر بیند که دست راست او از زمین شده بود و دلیل که دولتش نایل گردد و اگر بیند که دست خود با نشان  
 و صبا لون می شست و دلیل که نامیده شود و اگر بیند که جانوری که در تاول نیکو باشد از دست چپ او بیرون آمد و بدست راست  
 بر شد یا از دست راست برآمد و بدست چپ بیرون شد و دلیل که انغم رسته شود و عاقبتش محمدرده و اگر آن جانور ستا و پل  
 باشد و دلیل که بر بعضی ستم کند و اگر بیند که دست وی خشک شد و دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند که دست وی در دست گرفت  
 یا دست در گردن او زد و انگشت زنده است یا مرده و دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که بدست مشرکی دست تنه میگرد و دلیل که آن  
 شرک بدست وی سلمان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر و او زده و چه بود یکی برادر دوم خواب  
 سوم انباز چهارم دست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم صفت  
 دست او بر بخت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بدست او بر بخت در خواب در نماز او شهر بود و مرد از او غم داند و بود و اگر بیند  
 که دست او بر بخت شصین داشت و دلیل که اندویش کثیر بود و توانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسحت او بر بخت بدو و دلیل که  
 او را فرزندی آید یا برادری و اگر این خواب زنی بیند و دلیل که شوهری کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که هر دو دست  
 او بر بخت داشت و دلیل که او را مال و نعمت بخت حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست او بر بخت در خواب  
 بر بخت وجه بود یکی در بخت دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند دست و روی شصین ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر بیند که دست و روی بخت صافی بخت دلیل که از غم فرج یابد و اگر بخت بود و شفا یابد و اگر او را مرد بود و او را شمش کذا شود  
 و اگر بیند که دست و روی نمانسته نماز میکند و دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود و مغربی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که هر دو دست و روی می شست و دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می شست  
 و او را حدیثی بیاید و وضویش باطل نشد و دلیل که در کار و کسب خود چهاره کرد و اگر بیند که او را حدیث افتاد و دیگر در دنیا  
 شست و نماز آغاز کرد و اما نماز تمام نکرد و دلیل که عمرش با خرسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست  
 و روی او را شست و او را مال در آن میگرد و دلیل که مرادش حاصل آید و سینه در خواب مرد از او بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که سینه از آسین و در دست داشت و دلیل که او را توانگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یا بد خاصه که دستینه از طلا  
 و اگر دستینه زرین یا سیمین باشد تا ویش چون دست او بر بخت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستینه در خواب برسته  
 و چه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی و دشمن اگر خواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد  
 و دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بر وی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بخورد و دلیل که در ملا و مصیبت  
 افتد و بهر با دیگر در تالاف دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب برسته و چه بود یکی کشتن کارها  
 و دوم غم داند و سوم خسران مال و ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که کسی او را دشنام میدهد و دلیل که او را

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

نیکو بود و آنکس بر دشنام دهنده عطف باید کرد که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند کسی در دشنام داد و دلیل که آنکس بر وی چیره و دهان کار  
شود و عاگردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روانی حاجت بود اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش مستجاب  
دلیل که خانه و کارش بخیر بود و حاجتش برآید و اگر بیند که مصلحتی را دعا کرد و دلیل که بظلم و فساد نکند و امر معروف بجا آید و اگر  
بیند که حلقه او عسکری و دلیل که نیکو خلق بود و حاجتهایی وی روا گردد و اگر بیند که دعا و خاص میخواند و دلیل که فرزندش از دنیا نماند  
را که نادانست که آنکه خفایا که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلحت و پارسا بود و دلیل که محتاج او را  
بسیار نزد حاجت وی روا گردد و اگر بیند که آن خواب معصوب بود و او را توبه دهند و اگر کار فرمود اسلام آورد و وف زدن این  
سیرین رضی الله عنه گوید زلف زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر بیند که دف سیر و دلیل که تبرک کار صلاح کند  
که مافی رحمته الله علیه گوید اگر خواب بیند که دف زدن است و او را دلیل که زنی بدکار بخوابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز زدن  
در خواب شنیدن نشا ط بود و چون از کنیزی زنی بشنود بهتر بود و اگر از مردی بشنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی بشنود  
دلیل ظاهر شدن کار با باشد و لالی کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت  
کردن و رسان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجا آوردن و دلالی مردی بود که برهنای مردمان  
باشد بخیر و اگر کسی بخواب بیند که دلالی میکرد و دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود  
که بالا گرفته است اول بدانکه دل پاوشاه شهرت است و تن به فرمان او قایم است و دل خزانة عقلست در نهان و آشکار  
این سیرین رحمة الله علیه گوید دل خواب دیدن جمع کردن مالیت که بوی رسد و اگر بیند که دل بیرون از تن وی بود و دلیل  
مصلحت و نگوئی بود و قوله تعالی اَفَرَأَيْتُمْ مَا كَانُوا مَعَاذَ اَقَالِ رَبِّكَ مَا لِلَّذِي اَكْرَمِنَا كَدُلِ و ی تنگ شد و دلیل که کار  
بر وی دشوار شود و اگر بیند که دل او شادمان بود و دلیل که کار با بر وی گشاده گردد و اگر دل را فرو بسته بیند و دلیل که کار با بر وی  
گرفتار شود و قوله تعالی اَفَرَأَيْتُمْ مَا كَانُوا مَعَاذَ اَقَالِ رَبِّكَ مَا لِلَّذِي اَكْرَمِنَا كَدُلِ و ی تنگ شد و دلیل که کار  
که دل بهر دو دست گرفته بود و دلیل که کار با بر وی گشاده بود و اگر بیند که دلش در دست دیگر و دلیل که مالش زیاده بود  
و اگر بیند که چشمهای وی گشاده بود و دلیل که کار با بر وی بهر دو جهان راغب و حریص بود و اگر بیند که از وی خون بیرون می آید  
و دلیل که از کار ناگرونی توبه کند و بخداوند باز می آید باز گردد و اگر بیند که از وی صفرا بیرون آمد و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن  
خستگی رسید و دلیل که بنغم شود و اگر بیند که از وی گوی هر بیرون آمد و دلیل که هر از بین نماند و دلیل که کار فرود و اگر بیند که گوی از زمین برفت  
و بخورد و دلیل که باز مسلمان گردد و اگر بیند که گوی از زمین برفت و دلیل که گوی از زمین برفت و دلیل که گوی از زمین برفت  
چرخ نماز بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد و دلیل که دل او پاره پاره شد و دلیل که دل او پاره پاره شد  
روشن و متوجه بود و دلیل که بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود و دلیل که بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود  
دل در خواب برده و بعد بودی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم چنانچه وی ششم حرمی ششم نصرت ششم شهادت ششم نهان شدن

نیکو بود و آنکس بر دشنام دهنده عطف باید کرد که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند کسی در دشنام داد و دلیل که آنکس بر وی چیره و دهان کار

شود و عاگردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روانی حاجت بود اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش مستجاب

دلیل که خانه و کارش بخیر بود و حاجتش برآید و اگر بیند که مصلحتی را دعا کرد و دلیل که بظلم و فساد نکند و امر معروف بجا آید و اگر

بیند که حلقه او عسکری و دلیل که نیکو خلق بود و حاجتهایی وی روا گردد و اگر بیند که دعا و خاص میخواند و دلیل که فرزندش از دنیا نماند

را که نادانست که آنکه خفایا که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلحت و پارسا بود و دلیل که محتاج او را

بسیار نزد حاجت وی روا گردد و اگر بیند که آن خواب معصوب بود و او را توبه دهند و اگر کار فرمود اسلام آورد و وف زدن این

سیرین رضی الله عنه گوید زلف زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر بیند که دف سیر و دلیل که تبرک کار صلاح کند

که مافی رحمته الله علیه گوید اگر خواب بیند که دف زدن است و او را دلیل که زنی بدکار بخوابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز زدن

در خواب شنیدن نشا ط بود و چون از کنیزی زنی بشنود بهتر بود و اگر از مردی بشنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی بشنود

دلیل ظاهر شدن کار با باشد و لالی کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت

کردن و رسان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجا آوردن و دلالی مردی بود که برهنای مردمان

باشد بخیر و اگر کسی بخواب بیند که دلالی میکرد و دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود

که بالا گرفته است اول بدانکه دل پاوشاه شهرت است و تن به فرمان او قایم است و دل خزانة عقلست در نهان و آشکار

این سیرین رحمة الله علیه گوید دل خواب دیدن جمع کردن مالیت که بوی رسد و اگر بیند که دل بیرون از تن وی بود و دلیل

احوال خویش و بنیال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که چون سبب خروکادوم داشت ولیکن مالش زیاده گردد و زنده گانی او  
 راحت کرد و او را در راه دین ست بود و اگر میند که دم او چون دم سبک یا چون دم کرک یا شغال بود و دلیل مال حرام یا بدوم و در راه  
 کنند و اگر در دست دم سب یا کا و یا خرد داشت دلیل که بقدر آن مال لغت یا بد و اگر میند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت  
 و حرام بود دلیل که مال حرام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بنیال خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بیج دوم باران سحر مال  
 چهارم راحت عیش و شل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که ذبل داشت دلیل که مالش زیاده شود بقدر بنیال اگر میند  
 وی بشکافت و خون آمد دلیل که چندی از مال وی تلف شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از ذبل خون و ریم می آمد و می مکید دلیل  
 که بقدر آن مال حرام یا بد و اگر میند که دار و بنیال ندارد و عمار از خون بشت دلیل که انعام توبه کند و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 در خواب بدو مال بود که یکی که میند و یا مال آن بود بر قیاس زیادت و یکی او را که میند که تنه خام بخورد و دلیل که مال شبهه خور و اگر  
 میند که تنه نیمه میخورد و دلیل که دشمنش از مال وی بخورد که کافی رحمه الله علیه گوید اگر میند که او را چون گوسفند و تنه بود دلیل که او از فرزندی  
 که خداوند ولت اقبال بود و روزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تنه در خواب دیدن بدو در بدو و دندان و بنیال علیه السلام  
 گوید دندان و خواب دیدن ابرو دندان بود و دندانهای بالا و دلیل بر زنیسه بود و دندانهای زیرین دلیل بر اوینه بود و دندانهای پیشین  
 دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و دندانهای که بر جنب آن باشد دلیل بر عجم و عزا دگان بود و دندانهای پسین  
 دلیل بر خویشان دور بود و سفیدی و پالیزی دندان و دلیل بر قوت و جاه و اهل بیت بود و بعضی معتبران گویند که دندانهای پیشین  
 از سوی راست است و دلیل بر پدر و خویشان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر بود و اگر میند که دندانهای پیشین  
 می جنبد دلیل بر این جماعت که وصف کردیم یکی میاگرد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که دندان پیشین آن کو بر کف دست یا بر  
 کنار یا بر زمین خفت و دندان که ده نکشت و دلیل که او از فرزندی آید یا برادر می یا خواهری و اگر میند که دندان وی در خاک خفت  
 یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی میرود و اگر میند که دندان وی بشکست یا پوسیده شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی را فتنی  
 رسد و اگر میند که دندان پیشین او گوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر میند که از دندان یکی بکشد و دلیل که آنجا  
 او را سختی زشت بگوید و از وی مفارقت جویند و اگر میند که دندان پیشین وی زیاده شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خرمی و در دست  
 باشد و اگر میند که جنب دندان از دندان دیگر برست اگر از زیر بود دلیل که او را در خرمی آید و اگر از بالا بود دلیل که او را پسری آید و اگر  
 که دندان پیشین خود بر کند دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر میند که جمله دندان بیفتد و در حال پدید شد دلیل بر هلاک اهل  
 خانه آن او باشد و اگر میند که دندانها بر کف دست یا در کنارش افتاد و دلیل که اهل خانه نشین بسیار گردد و اگر میند که همه دندان او از نو  
 ازیر بود و اگر میند که خواب بر صلاح بود و دلیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از اهل شر بود و دلیل بر شر و عداوت او بود و اگر میند که دندانهای پیشین  
 یا از آن بکین بود یا از سفال دلیل بر هلاک او بود و معتبران گویند که افتادن دندان گذاردن و ام بود و بعضی گویند و دلیل بر جنگ و خصم  
 کند که کافی رحمه الله علیه گوید دندان بالا که در مقابل چشم است دلیل بر زنیسه کند و دندان زیر دلیل بر اوینه کند و اگر میند که جمله

در کمال

و ندانمش در کمال افتاد و جمله در کف دست گرفت و لیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند و اگر بیند که از  
 ندانها بوی خوش می آید و لیل که خویشانش را گویند و اگر بخلاف این بیند و لیل که غیبت می کنند و اگر بیند که ندانها شوق میگرد  
 و لیل بر عزم و اندوه بود و اگر بیند که ندانها نشاز بود و لیل انگس که بدان منسوب بود و بسیار گردد و اگر بیند که ندانها می اوسه باشد  
 و لیل که در اعظم و اندوه رسد و اگر بیند که ندانها نشاز افتاده بود و زکوه پاره بسته و لیل که عیش دراز کرد و چنانچه همه خویشان خود را  
 کند مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ندان وی دور و میگرد و بدست خود بر کند و بهر دو دست گرفت و لیل که مال فراوان باشد  
 و اگر بیند که از دامن کسی دانهانی خون آلوده بدست گرفت و لیل منفعت را بداند که ندان بر گرفت اما او را مصیبت رسد و اگر بیند  
 که بعضی از ندانها پدید شد و لیل که بعضی از خویشان وی بغیرت رود و بدست با آید و اگر بیند که ندانها می اود میسان با  
 جمع شدند و دیگر مدانی بجای خود باز شد و لیل که از خویشان مشکلی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گویند ندان در خواب شش  
 بود یکی این است و دوم مال سوم منفعت چهارم عزم و اندوه پنجم مفارقت ششم مصرت و هفتم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ندان  
 در خواب کلید کار داده و حاشه کار وی در هر چه از دامن سیسرون آید و لیل بر جوهر و کلام بود و اگر رنگش باشد و اگر بد باشد  
 در دهن بود و دنیا وی بود و اگر آن بکر است و ندان بود و لیل بر محنت و رنج بود و در معیشت و آنچه در دامن شیرین بود و باقی  
 فرود و لیل بر معیشت و رحمت بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ندان وی سخت بسته بود و لیل که ملاک شد  
 و اگر بیند که ندانش از آرد جو یا کندم آگه بود و لیل که جانش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که ندان او فراخ شد چنانکه طعام بسیار  
 در دهن بخند و لیل که بقدر آن اورانعت و روزی برسد و اگر بیند که ندان او نیک بود و لیل که سخنان می گویند و اگر بیند که گوشت  
 او بپشتا و لیل که در پرازیانی رسد و اگر بیند که از ندانش خون بیرون آمد و لیل که با کسی گفتگوی کند سهیل ششت رحمه الله علیه گوید  
 اگر بیند که از ندانش گرم و یا جانوری بیرون آمد و لیل که یکی از اعمال او جدا شود و اگر بیند که از ندان می پلیدی بیرون آمد و لیل  
 که هر چه بجای برده باشد بسبب منت نهادن باطل شود و اگر بیند که از ندان می مردار پدید می آید و مردم بر میگرفتند و لیل که  
 مردم از علم وی بهره میابند و اگر بیند که از ندان خود پلیدی می انداخت و مردم از آن میگریختند و لیل که شاعر بود و مردم را همچو  
 و اگر بیند که کسی در دامن وی مهر نهاد و ندانست که کیست و لیل که رسوا شود و لیل که ایام ختم علی افعوا هم و ککامینا  
 آید یا هم و ککامینا و ککامینا حاضرمیر رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی خوب از دامن بیرون آمد و لیل که سخنی گوید  
 نیکو معنی دارد و اگر بخلاف این بیند تا پیش بخلاف این بود و اگر بیند که چیزی در دامن نهاد و آن چیزی نیکو بود و لیل که چیزی حلال خورد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید و ندان در خواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم ترانه سوم کنشایش کار چهارم مانع  
 حاجت ششم وزیر هفتم در بان و لیل از دامن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و لیل زدن در خواب کلام باطل خبر کرده و دروغ  
 و کارهای پیدایش بود و تا و لیل این جمله زنده و لیل بر باشد اگر بیند که با و لیل زدن و پایی گرفتند و لیل بر عزم و اندوه بود  
 و اگر بیند که و لیل تنها میزند و لیل که کلام باطل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و لیل زدن در خواب خبرهای مختلف بود و در آن

در خواب

در خواب

در خواب

هیچ غایه نبود و بلکه کرامانی رحمة الله علیه گوید و بلیز در خانه خادم بود و اگر بیند که دیرتر از آن بود و نیکو بود و دلیل بر تندستی بود و  
 خادم خانه بود و اگر بیند که دیرتر از آن است بلیز بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیرتر از آن بود و از پشت  
 و کل بود و دلیل که اگر اکل بود و خادم خانه معصوم و بین بود و وال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب ببیند و وال را و دلیل  
 و منفعت بود و نقد و حقیقت آن جانور که دوال از پوست می بود یا بد و اگر بیند که دوال پاره پاره کرد یا صانع شد و دلیل که بقدر آن  
 معصوم بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال است  
 و دلیل که مال حلال یا بد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال حرام یا بد و و خشن جامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب  
 که جامه خود میدوخت و دلیل که کارش بر او شود و حالش بصلاح آید و اگر جامه خیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بیند  
 که جامه زنی بیکانه میدوخت و دلیل که عینی و زبانی بد و رسد و اگر بیند که جامه مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکو بیند و اگر بیند که  
 سوزن در دست و جامه تمام و دوخت و دلیل بر شغلی که پیش گیر تمام کند و اگر بیند که جامه دوخته در خانه بسیار داشت و دلیل که  
 وی فراخ کرد و مال تمام از میراث یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیراهنی از بر خود بدوخت و تمام کرد و دلیل که با عیال بارگاه  
 بود و اگر بیند که شلوار بی بدوخت و نیت آن تمام نکرد و دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بیند که قبا بدوخت و دلیل  
 که بجهت می شغول گردد و اگر بیند که جامه عیال میدوخت و دلیل که بکشتگی عیال در انداخته شود و اگر بیک از بر جامه رشته میت و دلیل  
 عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بیند که از بر عیال خود جامه بپوشید و دوخت و دلیل که غمگین گردد و بهت کنایه اندوه یا جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید روزی در خواب دیدن کسی بود که کالای پراکنده بدست وی جمع شود و با صلاح آید و دو و این سخن  
 رحمة الله علیه گوید و در خواب یا دوشاه سمرقند و اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب و دوی عظیم بود و دلیل که مردم آن دیار  
 از دست پادشاه جو و رستم کشند و اگر بیند که دود در عالم بر خاسته بود و آتش بانه میزد و دلیل که غلته در عالم افتد مغربی رحمة الله علیه  
 علیه گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود و دود بود و دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بپوشد و اگر بیند که از  
 خانه یا از دامن وی دوی و دوی آمد و دلیل که پادشاه عالم او را مضرت با مصادره کند و مال وی بزرگستان و دویخ ابن سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دویخ بود و بیرون نیامد و دلیل که عاهی و بد کردار باشد و بده باید کرد و اگر دویخ را دید و آنرا  
 کوفندی بوی نرسید و دلیل که در یخ و غم گرفتار آید و حاجت سلامتی یا بد و اگر بیند که در دویخ مقیم بود و ندانست که کی بخافت  
 و دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بیند که طعام و شراب ابل و دویخ میخورد و در آتش بدوخت و دلیل که در دنیا کار بد  
 و در آخرت وبال بود و اگر بیند که فرشته از وی پیشانی او را گرفت و در دویخ انداخت و دلیل که بیند خواب را علامت بد  
 باشد کرامانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دویخ بیند و دلیل که بر کناه کردن و بلیز بود و اگر بیند که از زقوم و حمیم خرد و دلیل که بلیز  
 و جمل شغول گردد و اگر بیند که شمشیر بر کشید و در دویخ رفت و دلیل که سخن غش و سکر گوید و اگر بیند که در دویخ چیزی میخورد و دلیل  
 که مال یتیم و رباخورد و اگر بیند که تزویک و دویخ آتش می افروخت و دلیل که کاری صحب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید

اگر بیند که دیرتر از آن است بلیز بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیرتر از آن بود و از پشت

رحمة الله علیه گوید و در خواب یا دوشاه سمرقند و اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب و دوی عظیم بود و دلیل که مردم آن دیار

علیه گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود و دود بود و دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بپوشد و اگر بیند که از

اگر خواب بیند که او را کسان بدو رخ میروند و دلیل که عاقبتش بکفر شد قوله تعالى **يَوْمَ يَتَجَلَّوْنَ فِي الْاَناءِ عَلَى وُجُوهِهِمْ**  
**وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ** اگر بیند که بدو رخ میروند و دلیل که از کسای که کرده باشد تو بکند و اگر بیند که او را در دو رخ میروند  
 و فریاد غمناک است که دلیل که بر کفر بود قوله تعالى **قَالَ احْسَبُوا افِيها وَلَا تَكْفُرُوا** و اگر بیند که بانگ زد و در دو رخ میروند  
 دلیل که سبب و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دو رخ قرار گرفت دلیل که جهان بر وی تنگ شود جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید در دو رخ و خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم چهره سلطان چهارم پادشاه  
 مصیبت و پنج و شش این سیرین رحمة الله علیه گوید و شش در خواب نال غمت بود ولیکن نه بسیار و اگر بیند  
 که دو شش میخورد دلیل که بقدران او مال حاصل کرده و اگر بیند که دو شش میساخت دلیل که کاری کند که از آن خبر  
 و منفعت یابد و اگر بیند که دو شش در دمان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 دو شش سپید و پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوب صورت آید و شش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
 و شش در خواب زلفت مرد بود و اگر بیند که دو شش راست و ضعیف شد یا شکسته بود تا ویش بخلاف این بود که  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوش وی قوی و درست بود دلیل که امانتی در کون وی بود و مال یا دزد جانی که اسید  
 نثار و دوشی که ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشی که زنی بکجاست دلیل که مال حرام یا بدو اگر زنی  
 نباشد و در خواب بیند که دوشی که است دلیل بر ستر و عفت وی بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوشی که  
 بست دلیل که در آن سال زن خواهد یا اینکه خرد و دوش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرمین دوش در خواب دزد و دوشی که  
 و معبران گویند که خوردن دوش در خواب نال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند و اگر بیند که دوش یکسای داد و دلیل  
 آگس غناک کرده و کان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب خواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بیند  
 که دکان را خراب کرد دلیل که زنی را طلاق دهد و اگر بیند که دکان بیفتاد دلیل که زنیش میبرد و اگر بیند که بیضای خود بید  
 دکان و در بر دکان نشست دلیل که بیع مال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب  
 وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عتو و جاه چهارم نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان بود در مرتبت باشد و دکان  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دکان در خواب دلیل بر دختر بود و اگر مردی بیند که دکانی فرار گرفت و در وی و مهره دکان  
 بود دلیل که دختر بشود و اگر بیند که دکانی شکست دلیل که دختر یا خواهر میبرد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید دکان در خواب  
 مردی مسافر بود و اگر زنی بیند که دکانی فرار گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مردی مسافر یا شوی کند و اگر بیند که مهره از دکان  
 وی بیفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دکانی بیشت دلیل که اندوخته گنجین  
 و اگر این خواب بن بیند دلیل که بنیم کرده و نیز گویند که دکان دلال بود و دلال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید و دلال  
 در خواب خزانة بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بیند که دلالی میساخت که از ابلان بود دلیل که خزانة از دغانا بود

اگر خواب بیند که او را کسان بدو رخ میروند و دلیل که عاقبتش بکفر شد قوله تعالى **يَوْمَ يَتَجَلَّوْنَ فِي الْاَناءِ عَلَى وُجُوهِهِمْ**  
**وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ** اگر بیند که بدو رخ میروند و دلیل که از کسای که کرده باشد تو بکند و اگر بیند که او را در دو رخ میروند  
 و فریاد غمناک است که دلیل که بر کفر بود قوله تعالى **قَالَ احْسَبُوا افِيها وَلَا تَكْفُرُوا** و اگر بیند که بانگ زد و در دو رخ میروند  
 دلیل که سبب و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دو رخ قرار گرفت دلیل که جهان بر وی تنگ شود جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید در دو رخ و خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم چهره سلطان چهارم پادشاه  
 مصیبت و پنج و شش این سیرین رحمة الله علیه گوید و شش در خواب نال غمت بود ولیکن نه بسیار و اگر بیند  
 که دو شش میخورد دلیل که بقدران او مال حاصل کرده و اگر بیند که دو شش میساخت دلیل که کاری کند که از آن خبر  
 و منفعت یابد و اگر بیند که دو شش در دمان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 دو شش سپید و پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوب صورت آید و شش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
 و شش در خواب زلفت مرد بود و اگر بیند که دو شش راست و ضعیف شد یا شکسته بود تا ویش بخلاف این بود که  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوش وی قوی و درست بود دلیل که امانتی در کون وی بود و مال یا دزد جانی که اسید  
 نثار و دوشی که ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشی که زنی بکجاست دلیل که مال حرام یا بدو اگر زنی  
 نباشد و در خواب بیند که دوشی که است دلیل بر ستر و عفت وی بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوشی که  
 بست دلیل که در آن سال زن خواهد یا اینکه خرد و دوش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرمین دوش در خواب دزد و دوشی که  
 و معبران گویند که خوردن دوش در خواب نال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند و اگر بیند که دوش یکسای داد و دلیل  
 آگس غناک کرده و کان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب خواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بیند  
 که دکان را خراب کرد دلیل که زنی را طلاق دهد و اگر بیند که دکان بیفتاد دلیل که زنیش میبرد و اگر بیند که بیضای خود بید  
 دکان و در بر دکان نشست دلیل که بیع مال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب  
 وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عتو و جاه چهارم نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان بود در مرتبت باشد و دکان  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دکان در خواب دلیل بر دختر بود و اگر مردی بیند که دکانی فرار گرفت و در وی و مهره دکان  
 بود دلیل که دختر بشود و اگر بیند که دکانی شکست دلیل که دختر یا خواهر میبرد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید دکان در خواب  
 مردی مسافر بود و اگر زنی بیند که دکانی فرار گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مردی مسافر یا شوی کند و اگر بیند که مهره از دکان  
 وی بیفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دکانی بیشت دلیل که اندوخته گنجین  
 و اگر این خواب بن بیند دلیل که بنیم کرده و نیز گویند که دکان دلال بود و دلال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید و دلال  
 در خواب خزانة بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بیند که دلالی میساخت که از ابلان بود دلیل که خزانة از دغانا بود



یا از آن باشد که خزانه خود بسازد اگر بینه که پادشاهی یا بزرگی و پیرا دولابی و او دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بسازد  
 و اگر بینه که از دولاب آب بخورد یا جمع میکرد و دلیل که از خزانه دار او منفعت رسد و لو که مانی رحمة الله علیه که بدو در خواب میبرد  
 بود که مالها را شناخته بیرون آورد اگر بینه که دل پر آب کرد یا بدو آب سیکشید و دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر  
 و اگر بینه که دل پر آب صافی داشت یا کسی بوی و او دلیل که او مالی آسان بدست یابد و اگر بینه که بدو آب از جوی بر سر گرفت و دلیل  
 که بقدر آن مال یابد و آن مال بکر و خیل بدست آورد و اگر بینه که آب از دوز زمین ریخت دلیل که مال بگیری خرج کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید اگر بینه که دوی بزرگ داشت یا کسی بوی و او دلیل که با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد  
 و او است این میرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که دواتی داشت یا کسی بوی و او دلیل که با کسی از خویشان خویش خصوصاً  
 و اگر بینه که بدوات می نشست دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بینه که دوات شکست یا بدزدید یا ضایع شد دلیل  
 که زن بیوه بکراهیت بخوابد و اگر بینه که بقم سیاهی در دوات میکرد دلیل که او از فرزندش نرنیزه شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر  
 که دوات زین بود دلیل که متفکر شود و اگر بینه که دوات سپین بود دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بینه که دوات بکبرین  
 بود دلیل که منفعت یابد و اگر دوات آئین بود دلیل که در کار با قوت یابد و اگر دوات مسین بود دلیل که چیزی کمتر بوی  
 و ویدن این میرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بینه که میدوید یا ستور میدوید دلیل که بسفر رود و هر چند و ویدن دلیل  
 تر بود و سفرش دور تر بود و اگر بینه که بر اسب یا لانی سوار بود و میدوید دلیل که با عیال بسفر رود و مال یا بد مغربی رحمة  
 الله علیه گوید اگر بینه که در و ویدن کسی سبق گرفت دلیل که بحر مال از وی سبقت گیرد و اگر بینه که در و ویدن ماله شد  
 و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک کند و وقانع گردد و سیاه این میرین گوید و بیدار خواب خیره صلاح این جهانی بود و اگر زنان  
 بینه بهتر بود و اگر مردی بینه که قیای و سیاه و پریشان پوشیده بود و غرا کرد و دلیل که عروجه یابد و درین و دنیا مغربی رحمة  
 علیه گوید اگر زنی بینه که جب و لباسه اطلس بپوشیده بود دلیل که آن زن و نیکار و با دانت بود و اگر بینه که مجلس سفید پوشیده بود دلیل که  
 او کند و اگر اطلس بود و دلیل که از مصیبت رسد و اگر بینه که اطلس سیاه بود دلیل که اندوگین گردد و سیاه بافت در خواب مردی  
 مسافر بود با صلاح دنیا و فساد دین و تاویل پریشان چون تاویل و سیاه بود و یکت این میرین رحمة الله علیه گوید و یکت نو  
 و در خواب زن بود و معبران گویند که ویکت که خدای خانه بود و اگر خواب بینه که ویکت فرا گرفت یا کسی بوی و او و بر آتش نهاد  
 و خوردنی می بخشت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بینه که ویکت مسین یا ویکت سنگین داشت  
 دلیل که بقدر قیمت ویکت فائده یابد و اگر ویکت سفالین بود دلیل که کاری کند که بدان کار از ممتنع خانه چیزی بوی رسد  
 و اگر ویکت بر آتش نهاد و در وی هیچ طعام نبود دلیل که مردی کار یابد و که در آن کار او را کراهیت باشد که مانی رحمة الله  
 علیه گوید ویکت در خواب که خدای خانه یا که با نوبه و اگر بینه که ویکت گوشت و خوردنی بود دلیل که روزی فی الجمله بوی رسد  
 و اگر بینه که ویکت وی شکست و دلیل که که خدا و که با نوبه و بهر جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن ویکت در خواب

نارنگ  
رنگ

رنگ

رنگ

رنگ

رنگ

در خواب  
بروید

در خواب  
بروید

در خواب  
بروید

در خواب  
بروید

برنج و جو بود یکی که خدای خانه دوم که با نوسیدم پیش چهارم خادم تجمیع موقوف بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر  
در خواب بروید و هر دو یکی که خدا و دم که با نوسیدم پیش چهارم خادم تجمیع موقوف بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدیگر  
بینه که و یکدان شکست دلیل که که خدای خانه سیر و مغربی رحمه الله علیه گوید که یکدان که خدای خانه بود یا مروی قوی حال که از کسی  
نه از نیش و نیار و اینان علیه السلام گوید که اگر سیر و دوست دینار را داشت که بعد و پیش از چهار بود دلیل که او را که است رسد بخانی  
شده و که ویرا شود از این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر سیر و دوست دینار را داشت که بعد و پیش از چهار بود دلیل که او را که است رسد بخانی  
یا هزار دینار دلیل که علی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عدد وی باید که هفت بود و اگر بینه که دینار کسی و او یا ضایع شد  
دلیل که از جهت فرزند او مصیبت رسد و اگر بینه که دینار های بسیار داشت دلیل که برخی بوی رسد و معجزان گویند که دینار را در  
خواب امانت بود گذاردنی قوله تعالی وَفَنَاهُمْ مِنْ أَنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُوَفِّقُهُ الْإِيكُثُ اگر گرفت دست فرزند دینار بینه  
دلیل که پنج تا زعفران بجای آرد و اگر بینه که دینار های بسیار داشت و بجای حکم نهاد و دلیل که امانت سلمان گفته اند و اگر بینه که بنای  
قسمت کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر بینه که یک دینار یافت دلیل که مروی  
قبلا که نوسیدم از هر امانتی که بد و بسیار ند و بسیار بود که در خواب دینار یا بد و در بیداری هم دینار یا بد و اسمعیل ششت رحمه الله علیه گوید  
که دینار در خواب دیدن دین بود و راه درست ما دام که بدان دینار صورت نقش نگرد و باشد و اگر بینه که دینار داشت و یک دینار  
نام خدای عزوجل بود و بروی دیگر صورت اگر بینه که صاحب خواب سلمان بود دلیل که مرشد شود و اگر کافران شود و حصر  
رضی الله عنه گوید دینار در خواب برنج ناز بود و اگر بینه که بعد و جفت بود دلیل که دینار پاک و علم با منفعت بود و اگر بینه که بعد و جفت  
بود و اویش بخلاف این بود و حافظ معبر رحمه الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیز بود و دینار بسیار دلیل بر مالی بود که برنج  
و خصوصت بدست کرد و میر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر خواب بینه که در وی بود و نام آن دینار دینار خیر و نیکی بود  
و اگر نام آن دینار و اند دلیل بر بدی باشد و اگر بینه که از دین سیرون آمد دلیل بر نیکی باشد و اگر بینه که در وی رفت دلیل بر بدی  
باشد مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر کسی خواب بینه که از شهری پدیدی آید و آن شده که در وی نعمت بود و دلیل بر خیر و برکت و غوا  
کند و اگر بخلاف این بینه دلیل بر شر و آداب بود و اگر خواب بینه که در وی کشده بود دلیل بر خیر بود مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر  
بینه که کسی دینار بوی داد یا بخیر یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت و دین خیر و منفعت بینه و اگر بخلاف این بود دلیل  
مضرت یا بد و لیو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که دیوار حال بینه خواب باشد و اگر بینه که دیوار محکم و نیکو بود دلیل بر نیکی  
حال او بود و دینار و اگر بینه که دیوار کهنه بود و خراب میگرد دلیل که مال یا بد و اگر بینه که دیوار نوزاد و خراب میگرد دلیل بر غم و اندوه  
بقدر خرابی دیوار و اگر بینه که دیوار سست و تنگ بود دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بینه که دیوار بر پای بود دلیل  
حالش مستقیم باشد و اگر بینه که دیوار و خفته بود دلیل بر پرگشنگی احوال و زوال عیش و می بود و اگر بینه که دیوار بفتا و دلیل که نه نیست  
و صنعت بفتا وانی رحمه الله علیه گوید که اگر بینه که دیوار شتر یا دیوار مسجد جامع بفتا و دلیل که والی آن شهر پلاک شود و اگر بینه که

در خواب

خود و یار از گنج خشت کرد و بتوان جعفر صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از گنج و آجر بود دلیل بر ثباتی حال و بود و در خواب  
 و اگر دیوار از آجر است سنگ بود دلیل که بدینا فرقیته شود و طالب حجت نباشد و یو این سیرین رحمة الله علیه گوید و در خواب نشستی برین  
 باشد فرمیده و مکار و اگر بیند که دیوار او را و سوسه کرد و دلیل که از کارهای نامصواب توبه باید کردن تا دشمن بر وی ظفر نباشد قوله  
 لَعَنَ اِنَّ الْكَافِرِينَ اتَّقُوا اِذَا امْتَحَنَتْهُمْ طَائِفَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَكَرَّرُوا فَاِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ و اگر بیند که با وحشی گری  
 و از غلبه که دلیل که دین وی درست باشد اگر خلاف این بود دلیل از ضعف دین باشد که آنی رحمة الله علیه گوید و اگر دیوار  
 خرم بیند دلیل که بهیو او شهرت مشغول گردد و اگر دیوار نمکین بیند دلیل که لعبادت و صلاح دین مشغول گردد و اگر بیند که دیوار به  
 از تن وی کشید اگر حال بود دلیل که از عمل مغرور گردد و اگر این خواب در حقانی بیند دلیل که او را سطر رسد مغربی رحمة الله علیه گوید  
 اگر بیند که دیوار بی و افزاشد دلیل که دشمن بر وی ظفر بابد و اگر بیند که او بدست دیو میرسد و او را بر دلیل که بر سواد فی مشهور گردد  
 و اگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهش بزرگ از وی صادر شود و اگر بیند که با دیو گفتگو میکرد دلیل که با دشمن با صلاح کی شود  
 و از زوال تعالی حل و علامه او ایشان به بد قوله اِنَّمَا الْجَنَى مِنَ الشَّيْطَانِ اخْرَجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِصِرَاطِهِمْ شَيْئًا  
 اَلَا يَذَرُ النَّفْسَ اَسْمَعِيلَ شَعَثَ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ گوید اگر بخواب بیند که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل که برافسوس و فساد و در راه طاعت  
 و یو کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر راه خیر و صلاح باشد و قانع راه دین بود و اگر بیند که دیوار بر گرفت یا در شکم دیو در رفت دلیل که  
 از راه فساد و در شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و در خواب بر شش وجه بود یکی دیو  
 دشمن و دوم فساد و سوم شهرت و صلیت و چهارمی نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دوری ششم شش  
 چیزهای حرام و دیوانگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید و یو انگلی در خواب مال حرام بود بر بیند خواب بقدر دیوانگی که او را کی حرام  
 الله علیه گوید اگر بیند که دیوانه بود دلیل که مجرم افتد و رباخورد و قوله تعالی الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ اَلَا كَمَا  
 يَقْوَمُ الَّذِي يَخْطِئُ الْاِسْطِطَانَ مِنَ النَّاسِ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مردی  
 رباخوار و فساد مصاحب گردد و او را طاعت و بدنامی حاصل گردد و حرف الذل و ذکر و انشای علیه السلام گوید قضیب  
 خواب فرزند می مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب بیند که او را و قضیب بود دلیل که او را فرزند بود و هم بزرگی میان دم  
 یا بد و اگر بیند که قضیب می بریده شد دلیل که فرزندش میرد و اگر بیند که قضیب می نیمید دلیل که فرزندش نباشد و اگر بیند که قضیب  
 وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزند و نام آوری بود و اگر  
 قضیب بخلاف این بود و اگر بیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخا به پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند  
 از دکان باشد و اگر بیند که از قضیب وی مایه بیرون آمد دلیل که او را و ختری آید از یکدیگر آن زن از کنار رهای مشرق باشد و اگر بیند  
 که از قضیب وی گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزند می دزد و در برهن پدید آید و اگر بیند که از قضیب وی موش بیرون آمد و پیش از  
 آن رخ باشد و اگر بیند که از قضیب وی موش بیرون آمد دلیل که او را و ختری با یکدیگر در وی خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او با

در خواب

در خواب

فصل

بیرون آمد دلیل که او فرزندی آید که او را دشمن باشد اگر میند که از قصب که در دم بیرون آمد پس ناول دارد اگر میند که از قصب که در دم  
 و موبیرون آمد دلیل که او فرزندی آید و ون همت فرومایه و ضعیف ترکیب بود و اگر میند که از قصب و نان بیرون آمد دلیل که فرزند  
 و عیال در گرسنه و تنگ دست شوند و اگر میند که از قصب و کج بیرون آمد دلیل که کسی پنهانی عیال او را دوست میدارد و اگر میند که از  
 قصب و در بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که از قصب و منی بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و خواسته باشد و اگر میند  
 که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و اگر میند که از قصب و آتش بیرون آمد و نیمه بطرف شرق رفت و نیمه بطرف مغرب  
 و دلیل که او فرزندی آید که پادشاهی باشد و مغرب کند و اگر میند که از قصب و سرک بیرون آمد دلیل که میش بلوط است بود و اگر  
 میند که قصب وی برخواست و سخت شد دلیل که بخت و اقبال و قوی کرد و اگر میند که قصب وی سخت و دراز شد دلیل که او را  
 فرزندان بسیار شود و اگر میند که پیرهن قصب وی پراسته بود دلیل که ناش رویش شود و در حرمت و جاهش نیز آید و اگر میند  
 که دست خود خا به بیرون کشید و باز بجای خود نهاد دلیل که فرزندش بیرون و او را فرزندی دیگر آید و اگر میند که قصب خود در دست  
 نهاد و می کشد دلیل که از وی بدگس منفعت رسد و اگر میند که بر قصبش سوی رسته بود دلیل که بخت فرزندش امان گردد و مغرب  
 رحمة الله علیه گوید اگر میند که قصب از وی جدا شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قصب و خواب دلیل بر قوت  
 و فراخی بنت کند و اگر میند که قصب سی لشکاف و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرکب فرزند بود و اگر میند که قصبش  
 آس گرفت دلیل که مالش زیادت شود و اگر میند که کسی بر قصبی زند و دلیل بر تنهایی عیش وی بود و اگر میند که قصب بر میان  
 بسته بود دلیل که گاهی که دارد و ندهد و اگر میند که زنی قصب داشت اگر آن زن آستین دلیل که پسری آید پس بیرون و اگر آستین بود  
 اگر میند که قصب و بار یک بود پس ناول دارد و اگر میند که قصب وی بر می بریده بود دلیل که فرزندش بیرون  
 و دارد یا جوی بیرون آمد دلیل که او فرزندی عالم و پارسا آید

فصل

در خواب بر همت و جد بود یکی فرزند و دوم اهل خانه سوم مال چهارم حجر پنجم بزرگی  
 ست نیکوئی حال حرف الرابعه راز یانه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راز یانه در خواب  
 هر چه بزرگی سم وانه بود و خوردنش مضرت باشد و اگر میند که در سینی که کشت و بود راز یانه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه  
 و بنود را سوا بن سیرین رحمه الله علیه گوید راسودر خواب و زو بود و اگر میند که راسودر گرفت یا بخت دلیل که در کسب و  
 بروی خلفا بد و اگر میند که گوشت را سوزید یا چیزی را اندامی وی درد دست داشت دلیل که مال فرویده از روز بستاد کمالی  
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که راسودر گرفت و بگزید دلیل که بیمار گردد و عاقبت شفایابد و اگر میند که بار سوزنگ میگرد و بروی  
 که بر روز خیزد و او را قهر کند جعفر صادق عنی الله علیه گوید راسودر خواب دیدن بر سوز و جبه بود یکی در دو دم خود را  
 ان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ران در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر خواب میند که ران او شکست  
 نشان جدا شود و تن ضعیف گردد و لغزبت هلاک شود و اگر میند که ران کسی بدریا آنگس را پس ناول باشد

فصل

کرامتی رحمه الله علیه گوید ران دست دلیل بر خویشتان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشتان مادری کند اگر بیند که رانی باریک  
و دلیل که کار خویشتان می ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خویشتان جدائی جوید و اگر بیند که ران وی شکست  
و دلیل که از مهری ذل و خواری بدور رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خویشتان وی ضایع شود و مغربی  
گوید اگر بیند که رانهایش بر پنهان بسته بود دلیل که از خویشتان جدا نشود و پیوستگی بینگی کند و اگر بیند که گوشت ران خود پیوستگی  
بافتن ران مال خویشتان بجز در حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمه الله علیه آمد و گفت بجزاب دیدم که ران بر سر  
شده بود و بر روی موی بسته بود و کسی گفت که موی ران من بر شش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشتان  
تو کسی وام ترا بگذارد و بعد از آن کسی از خویشتان آن شخص پیدا آمد و دو بیت دینار وام بگذارد و جعفر صادق رضی الله  
عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که برایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم خشم  
راه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه خواب دیدن دلیل برین استقامت بود و جستن بر سنی در راه دین و اگر بیند که در راه  
میرفت و دلیل که بر راه دین بود و اگر بیند که روی را بر راه درست میبرد و دلیل که قوی را بر راه راست و صلاح دین است  
کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد و دلیل که در راه دین یاد کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که درازا  
او را از راه ببرند و دلیل که بقدر آنچه بر دند غرمت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده نمیشد و دلیل که حق خود بشناسد  
از کسی ستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست براد که برود دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که  
بشبه تاریک میرفت و راه بره مشکل بود و گمان آن داشت که راه راست است و دلیل که استقامت و راه درست یابد و اگر  
راههای بنید و نداند که از کدام راه می باید رفت و دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت بامردمان بدوین دارد و اگر بیند که راه  
بروی مشکل شده و ندانست که کدام رود و بگوید یا مبر صلی الله علیه و سلم جانب راست گرفت و دلیل که راه حق بر روی  
پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست میسیر رفت و دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند که بر راه درست میرفت از بر  
حشمت کسی بازگشت و دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بحالات مشغول شود بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت  
و زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بیکسو رفت و دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود و مغربی رحمه الله علیه  
گوید اگر بیند که در راه میسره بود و دنیا تنهایی نیک و دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده و بچکان میرفت و دلیل  
که در دین دعوت آورد و یاد کار خود سرگشته شود و قوله تعالی ان هذا صراطی مستقیم فانتعوه و اگر بیند که کسی را از راه  
ببرد و دلیل که برضا و دین وی بود و قتل خواب من دستها اسمعیل الشافعی رحمه الله علیه گوید راه درست و از راه  
سکونی نبود و راه که بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا باشد و اگر بیند  
سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و رحمت را هر زن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید از راه زن در خواب مردی بر زن آمد تا ویش از  
کند اگر بیند که راه زن مال وی بسته و دلیل که با مردی پیوندد که او را غریزه گرامی کند و از وی فایده نماید و اگر بیند که از تنهیب او با

و اگر بیند که از زمان بروی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیاورند و شفا یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
 که راهزنان از وی چیزی بزد و دلیل که از بهرن با وی دروغ گوید و اگر بیند که رهزنان کلاه او را بردند دلیل که مصیبتی آلوده گردد  
 سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهزنی کرد و کالائی کسی را برد و دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خورده زد و کالائی کسی را برد  
 دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهزنی در خواب بر سر و وجه بود یکی جنگ دوم خصومت دوم  
 و دروغ گفتن سیدم تباهی عیش و بهاری رهبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رهبا در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوش  
 بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر مصرت و رنج و اندوه بود و چنان رب در خواب چنان شیرین بود دلیل بر کار خیر  
 و منفعت بود و چون ترش بود تا و میش بخلاف این بود که باب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رب در خواب دلیل بر سخن  
 باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر جواب بیند که رب باین دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را هیچ و ستایش بدو دروغ کند و اگر  
 که در پیش وی رب باین دلیل که سخن باطل رضاء دیگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با رب جنگ و چنان نامی بود  
 و آنچه دلیل بر غم مصیبت بود و اگر بیند که رب باین شکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ توبه کند و اگر بیاورید که رب باین دلیل که  
 یا بهیاری بروی سخت شود و رهبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید در خسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر جواب  
 بیند که در خساره او شمع بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که در خساره سپاه یا زرد گشته بود تا و میش بخلاف  
 این بود که مانی رحمة الله علیه گوید در خساره در خواب آرایش مردم و که خدای بود و اگر خساره چندی بیند دلیل نقصان که خدای بود  
 و اگر بخلاف این بود دلیل نیکی که خدای باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خساره در خواب دیدن دلیل بر نیکی که حال شاد می  
 بود و روشنی در خساره دلیل بر غم و اندوه و بهیاری کند رهبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر نیکی که به نیکی کار بود و اگر  
 بیند که زری داشت که در خسار بنزد پاکیزه بود و بهیاری وی دلیل که زنی نیکی کار بر زنی کند و از و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در خسار  
 رز را هیچ برکت نبود تا و میش بخلاف این بود و اگر بیند بر گهای رز زرد گشته بود دلیل که بهیاری شود و اگر ملکات او نبود تا و میش بخلاف  
 رز کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سر و وجه بود یکی زن که به نیکی کار و دوم منفعت سیدم رنج و اندوه  
 و اگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند ز بود رهبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت است و خفتن  
 بر خواست دلیل که حقتعالی جل جلاله در اندیشه عدل کسرت و اگر پادشاه آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر  
 مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خداست و استاده اند دلیل که خشم خداست و ایشان  
 سست که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر خاست و دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت باشد دلیل که عذاب  
 مذکرهاست از عذاب امتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا با جوج یا دجال علیه السلام پیدا شد یا از  
 اهل باز گرد و اگر بیند که شمار گاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اقرب للناس حسا بهمة  
 و اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیادتی رسد قوله تعالی تحاسبنا حسا باشد یا

وَعَلَىٰ بَنَاتِهِ عَدْلٌ جَانِحٌ أَوْ أَلَا أَرْمِيكُمْ كَمَا تَفْعَلُونَ  
مَوَازِينَهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰلِقُونَ و اگر بیند که بدی وی زیادت شد دلیل که جاییش در و تیغ باشد قوله تعالی فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ  
خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَلَا أَرْمِيكُمْ كَمَا تَفْعَلُونَ و اگر بیند که نامر که دارد بد و دادند و بدست راست گرفت دلیل که بدست راست رسد و  
را بهش در راه دین بایست باشد قوله تعالی وَأَنزَلْنَا مَعَهُ الْقُرْآنَ الْكَرِيمَ و اگر بیند که نامر که دارد بد و دادند و  
که این را بخوان چون از اهل صلاح بود دلیل که کارش نیکو بود و اگر از اهل فساد بود کارش در خطر باشد قوله تعالی أَفَتُؤْمِنُونَ بِمَا نُنَزِّلُ  
وَلَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أَفَتُلَاقُونَ اللَّهَ وَرُسُلَهُ ثُمَّ تُكْفِرُونَ و اگر بیند که بر راه راست باشد و اگر بیند که بر صراط استوار است  
و دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کردن تا حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود و در رسن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رسن در حق  
عهد و پیمان بود و اگر بیند که دست در رسن زده بود و از بهو معلق او بچینه بود دلیل که بقدر بلند می رسن منزلت یابد و اگر بیند که رسن  
در دست او بماند و بیفتد و دلیل که از قدر و منزلت بچینه که تا می رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رسن از آسمان او بچینه بود و او دست  
در آن زده بود دلیل که پیمانی بود میان او و حقیقی چنانکه مثلا اگر بیاورد و گوید یا اگر خدایتعالی مرا شفا بخش چنین کنم و اگر بیند  
که رسن بر پای ایستاده بود و دلیل که آن پیمان بود که با وی حقیقانه و تعالی کرده باشد و اگر بیند که دست در رسن زده  
بود و دلیل که دست در رسن زده باشد قوله تعالی وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَبِارْزُقُوا بِهِ لَكُمْ مِنَ ثَمَرِهِ و اگر بیند که رسن پیمان بود که با حق  
و تعالی کرده باشد و بهم با خلق خدای و اگر بیند که رسن در گردن وی کرده بود و دلیل پیمانی که با کسی کرده باشد و در گناهان وی  
تاخیر میکند و اگر بیند که مشبه باری میکرد و دلیل که در اعتقادش خلل بود و اگر بیند که تا نام باز جانی بلند خور بر رسن فرو میشت  
و دلیل که بزرگ مقصود و حاجتی که دارد بگوید از ترس جعفر صادق رضی الله عنه گوید رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد  
و پیمان دوم دین سوم مانت چهارم روانی حاجت رضوان بدانکه رضوان در باطن بهشت باشد ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر بیند که رضوان بخواب و دلیل که از عذاب این گروه و اگر بیند که رضوان در بهشت ایستاده بود و دلیل که از دنیا برود  
و بعضی میتران گویند که رضوان در خواب دلیل خرنه دار سلطان بود که بوی صحبت افتد زیرا که رضوان خازن بهشت است  
و اگر بیند که رضوان یا قوت و گوهر وارید و دلیل که او را فرزندی آید و او عالم جهان که ما شنیدیم مشهور گردد و فرشتگان  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از شهر خود میرفت و ندانست که کجا میرود و دلیل که بجا پاره و سرگشته گردد و اگر زن و فرزند  
همراه داشت و دلیل که مجموع سرگشته و حیران گردد اگر بیند که مانند شتری میرفت و دلیل که سعادت دنیا یابد و اگر بیند که مانند دوا  
میرفت و دلیل که تا ویش بد باشد و اگر بیند که مانند گزوم میرفت تا ویش بهین بود و اگر مانند مرغ خان شکاری میرفت و دلیل که  
ویشکی بود و اگر مانند کسی که از تاریکی بود و بر و شتایی میرفت و دلیل که از راه باطل بر آید و اگر از خرابی بآید و مانند و اگر بیند  
که از تنگی به فراخی رسد و اگر بیند که از نادانی بخردانی میرفت و دلیل که از فلاحین بود و اگر بیند که بجا گاهی میرفت و دلیل که از نادانی به فراخی  
نیک میرفت و دلیل بر خیر ویشکی بود و فرمودن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فرمودن در خدا

برون که

جنگ و خصومت بود اگر بیند که جامه یا مقنعه خود را زخور و دلیل که او را با کسی از خویشان خصوصاً افتد یا با دوستی که در وی خیر نیابد  
گرمائی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه خود را زخور و دلیل که او را با کسی از خویشان خصوصاً افتد یا با دوستی که در وی خیر نیابد  
جنگ و خصومت بود و بجهت کار خود را با صلاح آورد و از خصومت بر بردار و رخص کردن این برین رحمة الله علیه گوید پایی که کوفتن  
و خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مردان از زنان خلاصی بود که گرمائی رحمة الله  
علیه گوید رخص کردن در خواب زمان را رسوائی بود و مردان را مصیبت اما صوفیانه و کسانی که رخص بسیار گفتند ایشان را غم و اندوه  
نبود و رخاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخص کردن در خواب  
غم و مصیبت بود رک کشا و ن این برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رک کشا و ن دلیل که از دوستی سختی شنید و یا کسی  
تلف شود و اگر بیند که رک کشا و ن از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را اجتناب رسد و اگر بیند که رک کشا و ن دلیل  
آنکه از رحمت باشد و بعد از آن رحمت یابد که گرمائی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عالمی از رک زد و خون بسیار آمد و در جانی کرد  
و دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اما عیال اشقت رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رک از دست راست کشا و ن  
مال او خسته بود و اگر از دست چپ کشا و ن دلیل بر زیادتی مال و دستان بود و اگر بیند که معرفی او را رک کشا و ن اگر نشناختن  
دلیل که آبتن شود و اگر آبتن بود دلیل که دختری آید و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رک زد و خون از تن وی بیرون آید دلیل  
که او را سختی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رک زدن در خواب لیل چهار و جمعه بود یکی کشا و ن کار دوم سفر سوم خصومت  
چهارم از رحمت مال انباز می کردن و اگر بیند که رک زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آید چنانکه  
در تن خون نماند دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که به جراحتی خون آلود داشت دلیل که چیزی بوی رسد و معتبران گویند که رک زدن  
در خواب اگر بیند خواب مستور بود دلیل که خرمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد کند رخص این برین رحمة الله  
علیه گوید اگر گناه تن دلیل بر اطمینان بود و اگر بیند که رک را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خوردند  
و هر یکی که معین است که یکی تعلق دارد و بر گناه پیشانی دلیل بر بهتر آن کند و گاهی دست و بازو دلیل بر فرزندان و گاهی شکم  
و دلیل بر خویشان مادر و گاهی پشت دلیل بر خویشان پدر کند و گاهی سرین در آن لیل بر اطمینان و زن و دوستان و گاهی  
ساق و دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که گناه بخشا و و بر پنهان و در پیده شد یا شک شده دلیل که از خویشان وی یکی که  
تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معتبران گویند که مخفی ماند و بوی بخویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان  
جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رک زد و دلیل که از خویشان خود سختی درشت شنود و بعضی گویند که بعد از آن خون از وی برشته  
مال یکی از خویشان خود تلف کند و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که رک قیال کشا و ن دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که  
باسبک کشا و ن دلیل دارد و چون سایل گوید که از رک من خون می آید و دلیل بر که باشد مال یابد و اگر گوید که از دست خن  
بسیار رفت دلیل که او را زانی رسد و معتبران باید که در لفظ گویند خواب نگاه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند و اگر بیند که رک در تنی



بود و لیل که او را ندیده بود و رسید که ابی بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر جناب بیند که رکاب از زمین جدا بود و لیل بر فرزند یا غلام  
 بود و اگر رکاب با زمین بود و لیل بر فرزند یا غلام بود که در هیچ خیانت نباشد که آنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رکاب و زمین بود و لیل بر  
 خویش بن زمین و شکله آورد و اگر بیند که رکاب سیم بود و لیل که فرزند مال دنیا فرقیته شود و اگر بیند که رکاب سیم بود یا بر زمین  
 فرزند و بن بهت بود و اگر رکاب سیم بود و لیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت و کار دنیا بود و اگر رکاب و زمین بود و لیل  
 فرزند و بد را می و فرموده بود و رکاب دارد و خواب نیکو بود زیرا که او بمحض آن نزدیک است رنگها این سیرین رحمه الله علیه  
 رنگ سفید خواب و دین در جامه و غیر آن و لیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را که است و رنگ بود و زنا را نیک بود و رنگ  
 زنا را و مردان را نیک باشد و دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد که کسی که پوشد و رنگ بود و زنا را و مردان را نیک باشد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید و لیل بر خور و بخت کند و دین پاک زیرا که لباس این بهشت است و رو باده  
 ابی بن سیرین رحمه الله علیه گوید رو باده در خواب مردی فریخته باشد یا زن یا کینک دروغ زن اگر بیند که رو باده در بن و بود  
 و لیل که او را با مردی خصوصیت افتد و اگر بیند که رو باده میست از پریان و لیل که ترسند شود و اگر بیند که رو باده با مردی میسود  
 و لیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود که آنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رو باده میسانه سیکرد و لیل که با کسی  
 حلیت کند او را بفریزد و اگر بیند که رو باده میس و چایلو میس و لیل که غریبی با او مکر حلیت کند و پست رو باده مالی بود  
 که بحلیت بدست آورد و شیر و رو باده بخواب خوردن و لیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و  
 بعضی از متبحران گویند که شیر و رو باده خوردن و لیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید رو باده در خواب  
 دیدن زن در غم باشد اگر بیند که رو باده گرفت یا کسی بوی داد و لیل که زنی فریخته و دروغ زن خواهد و اگر بیند که رو باده  
 در خانه وی آمد و قرار گرفت و لیل که زنی خواهد که دوستدار بود که اگر بیند که رو باده از بکر بخت و لیل که دام دارا و بکر نزد  
 رو و ابی بن سیرین رحمه الله علیه گوید رو و بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بیند که در رو و بزرگ صافی شد و لیل که  
 با مردی بزرگ با دیانت پیوند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از رو و بیرون آمد و لیل که از بلا و غم رسته گردد  
 و اگر بیند که در رو و بزرگ رفت و آبش تیره بود و لیل که با مردی بزرگ تنگ پیوند و اگر بیند که در آن رو و غرق شد  
 و لیل که تارک از آن ستکاری یابد و انیال علیه السلام گوید رو و بزرگ و وزیر بود و اگر بیند که رو و بزرگ خشک شد  
 و لیل که وزیر محضول گردد و اگر آب رو و زیادت بیند و لیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رو و تیره بیند و لیل که مال  
 حرام یابد و اگر آب تلخ بود و لیل که رشوت ستاند و اگر آب رو و کنده بیند و لیل که بیمار گردد و اگر آب رو و سرد  
 و خوش بود و لیل که از وزیر نجات یابد و اگر بیند که در جوئی خون بود و میرفت و لیل که در آن یار غریب پیش  
 بسیار شود و اگر بیند که آب رو و سفید و خوش بود و لیل که مردم عام شنائی وزیر گویند و اگر بیند که آب رو و زبر سیرین  
 رفت و هیچ نماند و لیل بر عقوبت باشد در آن یار تو که تعالی قل را یتیم ان اصبح مائو که خود را با کسی

شاه متعین و اگر میند که باب رود خود رشت لیل که از شهر پادشاه و وزیر این روز و اگر میند که بزیر آب غوطه میخورد و دلیل که از راندن زیر  
آب باشد و اگر میند که جامه خود رشت دلیل که او را و اهل بیت او را از پادشاه و وزیر این بود و اگر میند که در در میرفت و جامه اگر  
گشت دلیل که از قبل بازگانی غم خور و اگر رود و حله نجاب میند بقول که مانی رحمة الله علیه خلیفه بود و روحین پادشاه خراسان بود  
و روح و سیحون پادشاه میند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند پادشاه روم بود و روح ذیل پادشاه مصر بود و روح و در کرد  
ارمنه بود و آب خورون و شستن خود را در آن خیره و منفعت بود و بقدر آن آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خنده باشد و اگر خود را  
در روی از شهر میند دلیل که در قننه افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن رود در خواب بر بخت و چه بود یکی حج دوم بندگی سیدم بود  
چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم ظفر نگار و دوازدهم وادی را اگر میند که در و داری شد دلیل که در غنی و اندوخی گرفتار شد  
این سیرین رحمة الله علیه که یا اگر از روی سیرین آمد دلیل که از غم و اندوه سیرین آید که مانی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب حج  
اسلام بود و قوله تعالی یواد غیر ذین ذریع عینک بنیت الحشر مغربی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب دلیل که گفتن  
شعر بود و الشعراء یبغیهم الغاوان الکر تکرانهم فی کل وایهیمون روده این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجار  
میند که روده فراگرفت و بجز دلیل که از خویشان خیره و منفعت میند و اگر میند که رود مایوی از روی پیداشد دلیل که فرزندی از خویشان  
و می مهر کرد و اگر میند که روده کسی میخورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد که مانی رحمة الله علیه گوید آشکارا شدن رودگان و خواب  
مال بناده بود که پدید آمد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که رود مایوی از روی سیرین آمد دلیل که برکن بر فرزندانش بوده و اگر میند که رود  
کسی سیرین آورد و دلیل که بقدر آن مال بنهان کرده کسی را یا به جعفر صادق رضی الله عنه گوید رود و خواب برش و چه بود یکی  
مال حرم دوم سخنهای ناخوش سیوم و شام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن خویش روز نهم این سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر میند که روز آینه بود و در شنبه بود دلیل که در کاری شروع کند و پندار که در آن کار خیره است و در آن شرب بود و اگر میند که روز شنبه بود و  
آینه بود بخلاف آن بود و اگر میند که شب است و روز باشد دلیل که شبی باشد و اگر میند که روز شنبه بود و دلیل که دوست جهودان باشد  
و اگر میند که خواب میند و دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر شنبه را آینه پندار و دلیل که به خواهر اهل نعمت و تو اگر باشد جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید بهترین روز را روز آینه بود و در شنبه و در پنجشنبه بعد از آینه و روز هر چند روشن تر و صافی تر باشد  
بهتر بود و روز شستن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجاب میند که روزه میند است و تسبیح و تملیل و قرآن بخواند و دلیل که از  
گناه و حرام توبه کند اگر میند که روزه داشت و غیبت بروم میکرد و با خوش میگفت و دلیل که اطاعت بر میا میکند و راه در میان  
میت که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که ماه روزه بود دلیل که گمانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از  
غم فرج یافتن باشد و نگارون و ام خاصه که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه داشتن در خواب برده  
و چه بود یکی بزرگی دوم ریاست سیوم تندستی چهارم مرتبت پنجم تو چشم ظفر هفتم نعت هشتم چرخم غم نهم سیرین دوازدهم  
بغیر از شوی دلیل بر نیک نودی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد کشاید دلیل بر نیک نودی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد کشاید

فصل

و اگر

و اگر

و اگر

و اگر

دلیل که در سفر باشد یا بسیار گردد و اگر بیند که دوازده روز و دشت دلیل که از گناه و گریه کند و روزی قطع میباید دلیل که از بیماری  
این کرد و اگر بیند که یک سال تمام در بیماری روزی دشت دلیل که حج بگذارد و اگر خواب بیند که روزه عاشوره و دشت دلیل که از غم و اندوه  
خلاصی یابد و روستا این میرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجهول و بد دلیل بر حسیر بود و اگر  
در جایگاهی معروف میبند دلیل نیک نباشد و اگر خواب بیند که از روستا بی شهرستان رفت انشاء الله تعالی از فتنه  
و عذاب این گردد و کاشن نظام شود و اگر بیند که از شهر بر روستا میرفت دلیل آن بخلاف این بود و سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که در روستای خلوت او بود یا کسی بوی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیک بوی رسد و اگر روستا خراب بیند تا پیش  
بخلاف این بود و روستائی این میرین رحمة الله علیه گوید در روستائی در خواب بیند که روستائی در گرفت یا کسی بوی  
او دلیل کسی را علم دین بیاورد و راه درست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بدینی بود و قوله تعالی **وَلَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ**  
**مَنْ الظَّالِمُ الْكَبِيرُ** که روستائی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روستائی بسبب اوقات بود و دلیل که پارسا و بدین بود و قوله تعالی **وَلَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ**  
**اللَّهُ صَدَقَ وَعْدَهُ لَوْلَا مَسْرُومٌ** همو علی بن ابی طالب علیه السلام که در خواب بیند که پیران میروند و دلیل بر خیر و عافیت بود و جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید در روستائی در خواب بر چهار وجه بود یکی درون میروند و دوم علم سوم راه درست چهارم عافیت و آن  
روغن دانیا و انبال علیه السلام گوید در روستائی در خواب مال و نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر خواب بیند که روغن کا و دانه  
و از آن بخرد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم عزیز شود و اگر روغن گو سپند بیند همین تاویل دارد و روغن گاو و بقر  
از روغن و منبر و روغن بادام و روغن کنجد مال و نعمت بود و روغن غنما می دیگر گرانمایه چون روغن مسلمان و روغن غنچه و روغن  
زیتون دلیل که جمیع منفعت بود و از بوقیان و روغن خرمی و روغن زیتون منفعت باشد از عجب و روغن نرگس منفعت باشد  
از روستا این میرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که همه تن وی بر روغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر پاشیده  
دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبونی بود چون بنفش و یاسمین دلیل بر آرایش نیا بود و همه روغنها چون خوشبونی  
دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و کثیف بود تا ویش بخلاف این بود و اگر تافتی رحمة الله علیه گوید در روغن زیت و روغن نال و نعمت  
بود و اگر بیند که مروی بر سر مروی روغن میساید دلیل که با وی کز و حیلست سازد و سفری رحمة الله علیه گوید در روغن در خواب بر روغن  
مالیدن و دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که بر روغن سپند چرب میکند دلیل که سوزند و روغن خرد و هم حیلست  
رحمة الله علیه گوید روغنهای همه تاویل بد بود مگر روغن زیت که بخوردن دلیل مال و مالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه را  
بر روغن آلوده شد دلیل که اندوه گین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بوی بر شش و خج و بوی نرگس و بوی  
دوم که نرگس سیوم شامی نیکو چهارم منفعت پنجم سخنامی خوش ششم طبعی نیکو و روغن گند و دلیل بر سر و وجه بود و بوی  
روسی دوم فسخ سیوم سخنامی زیت و ناس این میرین رحمة الله علیه گوید روغن و ناس در خواب دیدن دلیل که از  
دنیا بود و خور و نش و دلیل بر حضرت و برنج بود و اگر بیند که جامه خود بر روغن سیخ کرد و دلیل که بعثت دنیا مشغول گردد

در خواب بیند که از روستا بی شهرستان رفت  
دلیل که از روستا بی شهرستان رفت  
دلیل که از روستا بی شهرستان رفت

و روغن



تحت

بود دلیل که حضرت کثر بود و اقل علم در ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم که خدای او باشد و در خواب  
که حق سبحانه و تعالی را فرشته است که تسبیح او اینست سبحان من و این الرجال بالحق و النساء بالذ و این یعنی پاکست  
آنچه اینکه بسیار است مردان را بر ریش و زنان را بکین و اگر بکیند که ریش او را زنده شد دلیل که کار که خدای او ساخته کرد و اما چون در رازی است  
گفته باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بکیند که ریش خود را با خن بسیار است دلیل که خدای او را بسیار بکیند و اگر بکیند که ریش خود را  
که در دلیل که حال خود را بر دامن نماید و بپوشد و اگر بکیند که ریش خود بپوشد دلیل که اجلس نزد یک بود و اگر بکیند که ریش او بر  
بود دلیل که زبان مال خواست و عاده او بود و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بر داری و اوستکی او زیادت شود و لیکن عکسش  
و اگر بکیند که ریش بر دامن می برید دلیل که اهل بیت ویرانان رسد و اگر بکیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از امر  
مغایبات بیم باشد و مان آب ریش بر دوه و اگر بکیند که ریش را شانه کرده و بوز و کلاب بر دخت دلیل که شغل کند که مردم سنگینه  
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بکیند که ریش او را زنده چنانکه بخت ناف بود دلیل که مال یابد و اگر بکیند که دست بر ریش او گرفت  
و بازه ریش بدست او بماند و آنرا بخت دلیل که مال از دستش بر دوه و اگر بکیند که بازه ریش او چسبی نماید و نگاه دارد  
دلیل که مال نگا دارد و اگر بکیند که ریش او کو چاک و کوتاه بود و اگر و ام دارد دلیل که پیش گذارده شود و اگر عکسین بود دلیل  
که بفرگردد و اگر بکیند که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل که بمیرد و اگر بکیند که ریش او کنده شد دلیل که هر شش بیکبار بر دوه و اگر  
بکیند که موی سپید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالفت سفت پیغام بر صلی الله علیه و سلم باشد و همیلا اشوت رحمه الله  
علیه گوید اگر بکیند که او در حرم بر پسر جهر سر تراشید و اگر و ام دارد دلیل که او ش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بکیند که  
سر و ریش را بیکبار بر سر دلیل که حرمت و آبروی او بر دوه و اگر بکیند که بی سببی اندک ریش او می افتد و نقصان  
وروی ظاهر شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد و اگر بکیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در حرمتش نقصان شد  
و اگر زنی بکیند که او را ریش بود دلیل عکسین شود و کاری کند که ازان رسد و اگر مردی بکیند که او را ریش بر دوه و اگر  
که او را بر کفر زنند و نماند و اگر فرزند آید محشمه قومی گردد و اگر کودکی نابالغ خود را با ریش بکیند دلیل که بر غم و اندوه است  
و اگر بکیند که ریش کسی گرفت و بکیند دلیل که آنکس مال او میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب  
بر دوه وجه بود یکی بیج دوم غر و جاه سیم مرقت چهارم سبب پنجم مرد و ششم نیکی هفتم تر و بیج هشتم مال نهم فرزند  
و هم گزاف شدن قوله تعالی و لقد كفرنا بحی ادم اما ریش سترن بواب حاجب از او زدنیا را نمیکو باشد نه یک  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریک در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بکیند که در میان ریک نشد دلیل که از هر  
کس بشغلی مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بکیند که ریک بخورد یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریک در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت  
و یکی رنج در ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بواب بکیند که بر تنی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل

سی

تحت



بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زبان زاله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 اگر بیند که در شهری یا در محلی زاله می بارد دلیل که مردم آن شهر را از پا و شاورنج رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برقی  
 در یا زاله بود دلیل که در اینجا خط و تنگی و مضرت بود که آنی رحمه الله علیه گوید زاله با باران بخواب و درین لیل بر نیت فراموش  
 و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زاله در خواب دیدن برنج وجه بود یکی که دوم خصومت سیوم لشکر چهارم خط و تنگی  
 بیماری زانو حاد است که در آب می باشد بسیاری آنرا دیوچه گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زانو در خواب دیدن  
 دشمن طلع بود و اگر بیند که زانو خون از اندام می کشد دلیل که دشمن بروی چیره گرد و بقدر خونی که خورده باشد زانو  
 وی نقصان شود و اگر بیند زانو در گلوئی وی شد دلیل که دشمن از درون خانه با وی محاسبت کند و اگر بیند که زانو از  
 اندام خود جدا گردد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یا دگر کاری رحمه الله علیه گوید زانو عیالی باشد که مال دیگران خورد اگر بیند  
 که زانو بسیاری جمع شدند و خون و بزاج می کشد دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که زانو بر اندام وی بود و خون می کشد دلیل که از دشمن او را مضرت رسد زانو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که  
 زانو در خواب معیشت بیند خواب بود اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و عیش و شادی  
 فراخ شود و اگر بیند که زانو بر او میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بر وی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانو  
 وی ضعیف یا خشک است بود دلیل که کار وی تباه گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او افتاد دلیل که مایه که دارد از دست او برود  
 که آنی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم بوده اگر بیند که زانوی وی سخت قوی گشت دلیل که کسب  
 و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد  
 مغربی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه رنج و غنا باشد و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو  
 بیند تا ویش چنین بود که یاد کردیم زانو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زانو با خود داشت یا کسی بوی او  
 دلیل که با او ب و فریبگ است بود و مردمان بدح و شنائی او میگویند و اگر که از آن زانو بوی خوش می آمد دلیل که مردمان  
 نگوشتی کنند و اگر بیند که از آن زانو بوی نیاید دلیل که با کسی نیکویی کند که از او هیچ منت ندارد و اگر بیند که زانو هیچ  
 دلیل که فرزندان وی با د و فریبگ باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زانو در خواب بر چهار وجه بود یکی او ب  
 دوم فریبگ سیوم نام نیکو چهارم که او را پسندید زانو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زانو بر پیشانی  
 و ناصت گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت حجت زانو بر پیشانی بسته شده تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که  
 زانو بر طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زانو بر وقت حجت زیادت شود و جسم روان گردد و خطر ناله بد  
 و اگر بیند که زانو وی دراز شده بجهت دلیل که سخن گفتن دراز شود که آنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را در زبان  
 بود دلیل که سخن سبانه و تعالی او را علم و دانش و زنی کند و اگر بیند که زبان خود بر پیشانی سخن نگوید دلیل که از گفتن بطل

فصل

تنبه کند و اگر بیند که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخن گوید که حق تعالی اجل علا و در آن رهنی نباشد و اگر بیند که کسی زبان در دهان  
 وی نهاد و دلیل که او را کسی قوی و جنتی باشد و سخن و اگر بیند که زبان کسی می گوید دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند و سخن  
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ است شده بود و دلیل بر ضا دین و دنیا می وی بود و اگر بیند که زبان در دهانش برید دلیل که  
 چیزی بدر ویش دهد و اگر بیند که زبان نمی میرد دلیل که میسرش کند و از زبانش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش بکام گرفته بود  
 و دلیل که وام دارد شود و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان می قوی و ستر شده دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبانش  
 ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی بندد یا دروغی گوید و اگر بیند که بر زبان می موی بر آید بود و دلیل که از سبب گفتارش در کار  
 افتد و اگر بیند که زبان وی آساید بود و دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید استمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید اگر بیند  
 که زبان وی و دوشاخ شده بود و دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از بیم شغلها و دوا نداشت و اگر کسی بیند که  
 زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نپوشد گفت دلیل که سخن وی بدست وکیل بر آید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود  
 دلیل که در تامل باشد جعفر صادق رحمت الله علیه گوید وین زبان در خواب شش جبهه بود یکی حکمت دوم ریاست  
 ترجمان چهارم حاجت چشم و دلیل ششم یار و سخن گفتن و در زبانها در حرف سین یا خو هم کرد و زبر جده این سیرین رحمت الله علیه  
 گوید زبر جده در خواب وین دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بیند که زبر جده بسیار بهشت دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند  
 و اگر بیند که زبر جده از وی ضایع شد و دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رحمت الله علیه گوید وین زبر جده در خواب  
 بر سه وجه بود یکی خورمی دوم مال سوم منفعت زبور این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند زبور میخورد و دلیل که  
 خداوند تبارک و تعالی باز کرد و دیگر خیر رحمت نماید و اگر بیند که زبور را بظا میخورد و دلیل که نه در خیرات بر او نفاق کند  
 مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زبور میخورد و دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخورد و دلیل  
 که کار و کاره نیکو گردد و زبور میخورد و دلیل که بیکار ماند و اگر بیند که بیابان مرغان بود و دلیل که بیابان مرغان فال میگرفت تا ویش غرور و باطل نیاید  
 و در خواب و بیداری از راه تامل نکو میباید بود این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بیابان مرغان فال می گرفت و دلیل  
 که باطل نیاید تا وین نه بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر کسی بیابان مرغان فال بگیرد و اگر فرد باشد  
 و دلیل که نیکو بود و اگر بعد از زوج باشد و دلیل که بیمار گردد و شفا یابد و پنجم این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زبور  
 داشت و از خون پدید آمد و دلیل که بر زخم زنده خطر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان و اندام او آلود  
 شد و دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که از زخم او دود بگشت و دلیل که زنده دارد و اینجا می یابند و ششم مرغان و اگر بیند که زخم خود  
 دین او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمت الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رحمت الله علیه گوید زخم و  
 وین بر سه وجه بود یکی خطر زخم دوم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زبون و نبال علیه السلام گوید اگر بیند که او را  
 تازیانه زد و زخمی که از زخم پدید آمد یا بر سهون بستند و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تا ویش بد باشد

باید

باید

باید

باید

باید



ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که او را تازیانه زد و دلیل که مال حرام بر مال او یا خاصه چون ببیند که از اندک  
خون آمد و اندام خون آلوده گشت و اگر خشکی بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن از هر کسی غایده یا بدو بعضی از معتبران گویند که  
جامه نو پوشد که تازیانه زد و دلیل که اگر ببیند که تازیانه بر پشت وی زود و خون بیرون آمد و دلیل که اگر کسی مال حرام یا بدو  
و اگر ببیند که بر پشت خود تازیانه دید و ندانست که او را که زد و دلیل که شغل دین و دنیا می وی نیکو باشد و اگر ببیند که تازیانه بر تن وی  
چند آنکه تازیانه پاره پاره گشت و دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر ببیند که او را کسی تازیانه بیشتر زد و دلیل که او را غنی  
و سدد و اگر کسی او را خواب آورد تازیانه زد و دلیل که عسکین شود و سبب مروری بدین و منافعی و اگر ببیند که محشوب او را بدنه بر و دلیل  
که سلطان او را اعل و در و کارش نیکو گردد و اگر ببیند کسی او را بگلج زد و دلیل که از آنکس منفعت یابد و اگر ببیند که گلجی بر پشت وی  
زود و دلیل که کسی او را خفیت کند و اگر ببیند که طهانه بر روی وی زد و دلیل که اگر کسی سخنی زشت بشنود و مغربی رحمه الله علیه  
گوید اگر ببیند که مرده او را میزد و دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر ببیند که مرده بود و او را میزد و دلیل  
که قوت دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شش و جد و یکی منفعت و دم مجاهد سوم روشن شدن  
کار مشکل چهارم سفر خیم شرف و بزرگی ششم مال حرام زدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زدن در خواب دیدن مرد از او دلیل غمنازی  
بود و زدن زنی و پسندیدگی باشد و اگر ببیند که زنی یافت یا کسی بوی او و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود که تازیانه زد و دلیل  
علیه گوید اگر ببیند که زنی یا سیم میگذاخت و دلیل که در زبان مردم افتد و اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که او را غنی و اندوهی بر  
و اگر ببیند که زنی بخور و یا بخانه بر و دلیل که مال او بدو اگر ببیند که زنی بخور و دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمه الله علیه  
از زین در خواب مردان را بدو و اگر کسی زنی سیم بچایم یا بدو دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم ببیند و دلیل که دختر بزرگی خواهد  
و گویند که زنی خواب مردی باشد و دروغ زن و اگر ببیند که پیش زنی نشست و با وی معاشرت میکرد و دلیل که او را باد و غم  
کوئی سر و کاری افتد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زدن و الو بوقت خود چون سیرین بود و هر زنی که خود را  
باشد و دلیل که و نیازی حاصل کند و اگر زنی که او ترش بود و دلیل بجاری و غم بود و بعضی معتبران گویند که زنی که خواب دیدن  
بود یا مال کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که استخوان بشکست و تلخ بود و دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید زنی که بوقت بیماری بود و بوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر سیرین باشد منفعت یابد و زنی و یا ابن سیرین رحمه الله علیه  
زنی دید و خواب دیدن بیماری بود و از میوه خورد و و جامه از رشک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی که در رشک و خواب غم و  
بود و خوردن آن همچنین و اگر ببیند که زنی رشک از درخت جمع میکرد و دلیل که او را با مردی نیکو دوستی افتد زنی و یا ابن سیرین رحمه الله علیه  
علیه گوید اگر خواب ببیند که زنی سیم بخور و دلیل بر بیماری و هلاک بود و اگر ببیند که زنی سیم بخور و دلیل که زنی بیماری  
اگر در سفر تازیانه زد و دلیل که زنی یا زنی لیل که مال بسیار بدست آمد و به بیماری بخور و اگر ببیند که زنی سیم بخور  
جمع کرد و دلیل که در سفر بیمار گردد و زنی و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی پو شیده بود و دلیل که از روشن این کار

خون

خون

خون

خون

خون

میند که زره صنایع شد دلیل که دشمن بروی چیره گردد اگر میند که کسی ندی بوی داد و او پوشید دلیل که با او نگرند یا بقهر کردن  
 دشمن با وی یار گردد و دو دوفرست می خواند و بعضی خبران گویند که زره حصن این است که تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب  
 میند که زره داشت دلیل که او را و این بیت او را این بود و از شر و نشان و اگر میند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه و نشان  
 مین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن برش و چه بود یکی آیینی از دشمن دوم حصن این سوم تو حیات  
 مال تخم زندگانی ششم نیکی و زره که در خواب مردی بود که مرد و ما را او ب آموزد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 اگر کسی خواب میند که زعفران داشت دلیل که مردم راجع و شاگرد و اگر میند که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود  
 که تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زعفران ناکوفته بود که بوی داد و دلیل که زنی نوکتر خواهد و اگر میند که زعفران بخورد داشت  
 و میخورد و دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب و دلیل بر پادشاه آموخت  
 کند اگر میند که زعفران طبع او گشت دلیل که او را علامتی باشد به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آستین میند دلیل که پسر می  
 که مقرب پادشاه گردد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که زعفران از دست پیرد اگر زنی آستین بود دلیل که فرزندان او  
 یاز و نیا برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زعفران در خواب بر چهاره چه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگاری سیدم فرزند  
 چهارم مال زلفت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب غم و اندوه بود و اگر میند که زلفت داشت کسی بوی داد  
 و دلیل که بوی فانی و فانی آید و اگر میند که زلفت میخورد و دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر میند که زلفت را بفرودست ناکند  
 یا از خانه بیرون کند دلیل که از غم و اندوه و استکباری یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زلفت در جراحت نهاد و در سینه  
 و دلیل که اگر کسی خیر و راحت بیند و اگر میند که جامه وی زلفت آلوده گشت دلیل که از وی کاری آید که او را از آن رشتی بود و جامه  
 حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد دلیل که مالش زیادت شود و اگر میند که زکوة فقر میند  
 و دلیل که نماز و زکوة و تسبیح زیاد و کند و رستگاری یابد و اگر و ام دارد و گذارده شود و اگر بیمار بود و شفا یابد و اگر دشمنی دارد و بر وی  
 ظفر یابد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد دلیل که مال او حصن و آید و بلا از وی دفع شود بقول حضرت رسول  
 الله علیه و سلم حصنوا أموالکم یا لک زکوة یعنی حصن سازید خود را بر زکوة مال و اذن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند  
 زکوة مال میداد دلیل بر فزون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا أُوتِیْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ  
 هُمُ الْمُتَصَدِّقُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب بر پشت و چه بود یکی بشارت دوم خبر بد  
 سببوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هشتم ظفر یافتن بر دشمن نهم  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر میند که زنگار از کسی بسته دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل  
 و اگر میند که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیکافروخت دلیل که با پادشاه معاملت کند و از وی خایند یا بد که تانی رحمه الله علیه  
 گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خواسته بود و اگر میند که جامه یا اندامش زنگار شد دلیل که او را از سلطان حضرت رسد اگر زنگار

خواب

زعفران

زیت

زیت

زیت

زیت

زیت

که زکام میخورد و دلیل که مال حرام خورد و سرانجام او را از پادشاه غم و اندوه رسد زکام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر سینه که  
 او را علت زکام بود و دلیل که چند روز بیمار شود و هر چند که زکام بیشتر و بسیاری بیشتر بود که گاهی رحمه الله علیه گوید اگر سینه که او را  
 زکام بود و دلیل که بر کسی ششم گیر و دوز و وصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب برسد و وجه بود یکی مایه ای که  
 دوم ششم گرفتار سیدم منفعت یافتن زکام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زکام در خواب برسد و شش هر دو از اندک  
 و یافتن بال سیاه و شادی بود و اگر سینه که زکام داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر سینه که اندک زکام بود و او را  
 و بان وی نهاد و دلیل که آنسی سخن خوش شنود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر سینه که زکام زعفران می خورد و دلیل که بقدر آن آن را  
 و اگر سینه که باز عفران میخورد و دلیل بسیاری بود زکام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر سینه که زمین می جنبید دلیل که مردم آن را  
 را از پادشاه رنج و علامت رسد بقدر جنبیدن زمین و معتران گویند که آنست مردم رسد و در آن دیار بیماری افتد و اگر سینه  
 که زمین برگردد و دید و زیرو بالا شد دلیل که در آن دیار رفته و بلا افتد که گاهی رحمه الله علیه گوید اگر سینه که زمین آهسته جنبید و یک نیمه  
 و دلیل که در آن دیار پادشاهی آید و اهل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در آن دیار رفته و زمین فرو شد  
 محنت و بلا فی عظیم از قبل پادشاه بود و قوله تعالی تحسنا بیه و یکا اید الا وضح همه حال زکام در خواب دلیل بر عقوبت و عا  
 بود با اهل آن دیار زمر و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمر در خواب دلیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر سینه که زمر و او  
 یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند آید یا برادر آید که از منفعت یا بد و اگر سینه که زمر وی ضایع شد دلیل که فرزندش میرد یا مال او  
 تلف شود که گاهی رحمه الله علیه گوید زمر در خواب دیدن دلیل بر مذنب و دین پاک بود و هر زیادت و نقصان که زمر بود و دلیل  
 آن مذنب پاک و باز کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید زمر در خواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمر در خواب  
 بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم برادر سیدم مال حلال چهارم کثیر کج غلام نیکو و هر چند که زمر و نیکو تر باشد از نیکو اما گفته اند  
 زمرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمرستان در خواب پادشاه بود اگر خواب سینه که زمرستان بود و چنانکه فرمود از آن حضرت سید  
 و دلیل که اهل آن دیار را از پادشاه مضرت رسد اگر سینه که زمرستان بود و هر دو سید و کسی از حضرت سید کسی از نانی منبشت دلیل  
 مردم آن دیار را از پادشاه خیر منفعت یا بند و زمرستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل نصرت و ظفر باشد زمین و انبیا علی السلام گوید  
 زمین در خواب بن بود و اگر سینه که زمین داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک دلیل که او را زنی باشد بر سر صلاح چنانکه میا از او  
 او و فضل و منزلت باشد بقدر بزرگی او را خن زمین اگر سینه که در آن بن سبز و نبات مجبول بود و اندک از آن او سبب دلیل که آنکس و سید  
 و مسلمان باشد و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر سینه که در زمین سبز و نبات بود و جامی معروف بود و دلیل  
 او خصل و دیانت باشد اگر در زمین بنائی نهاد و عمارتی کرد و دلیل که او خصل دین و دنیا باشد و سرانجام ثواب راه آخرت بود  
 و اگر سینه که او را در میان صحرا نمینی بود مانند سیاهان و آن زمین را شناخت دلیل که سفری دور کند و اگر سینه که زمین میخورد و دلیل  
 که بقدر خوردن خاک مال با بد و اگر سینه که فرزند می فروخت بی آنکه چاهی یا مغاک در آنجا بود و در آنجا ناپدید شد و دلیل که میرد و اگر

کتاب

را مانند چاه و سوراخ میکند و دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بیند که در پیش فراخ بود و بزرگی  
ساخت شد و میرفت در آنجا و دلیل که در آنجا از کار می نیک بجای می آید و منفری رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زمین با وی  
سخن گفت و بخیر و صلاح او را مرده و او دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کند و اگر بیند که زمین با او فراخ  
و بزرگ شد و دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیند که زمین می پیچد و دلیل که بسفر رود و اسماعیل اشعث رحمة الله علیه گوید  
اگر بیند که زمین از بهر کشت بیشگافت و دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل آن منفعت یابد و اگر بیند که زمین خویش را آبادان میکند  
و دلیل که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین با ضرب بیدار و پیش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین  
بیند و دلیل که او را با کسی بنازی بود یا زنی را بکاخ و آرد و اگر بیند که با کسی آید و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تا به نزد دلیل که از  
پادشاهی ملامت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیدم مال چهار وجه  
تر مان این بر سرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب دیدن پیر و دنیا و شغل اینجانی و نیز دیدن نان و خواب بقدر خوبی  
و جمال و فریبی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بیند زنی باشد معروف باشد و زن فربه و معروف و فراخی روزی بود و زن ترشت  
و لاغر و خط و تنگی بود و زنان شادمان و آهسته مراد اینجانی بود و پیر زن هر کس دلیل بر نامرادی و بد حالی بود که زنی رحمة الله علیه  
گوید اگر زنی بیند که او را قضا بود همچون مردان و دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگت و سرور گردد و اگر زنی جوان  
بیند که پیر شده بود و دلیل بر خیر و صلاح و پیر و دنیا کند و اگر زنی بیند که قضا داشت مجامعت کرد و دلیل که هر مسته و بزرگی او  
کم شود و اگر بیند که زنی جامه مرده پوشیده بود و اگر آن زن مستور بود و دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود و دلیل بر شر و فساد بود و منفری رحمة الله علیه  
علیه گوید هر مستی زن در خواب بل دنیا را زیادتی مال بود و اصل صلاح را علم و زن غریب را تا و بل تر از زن آشنا باشد و اگر  
بیند که بر زن وی کسی دست درازی کرد و دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بیند که زنی بی عسار و نزدیکی بکار رفت دلیل که پیری  
آورد و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زن در خواب بر شش وجه بود یکی ثنای وی دوم دنیا سیدم مال  
اینجانی چهارم فراخی نعمت پنجم خط ششم توانگری زن تا را بر سرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زاری در دست داشت و دلیل که  
در دین ضعیف بود و اگر بیند که زن را بر میان بسته بود و اگر بیند مستور نبود و دلیل که کار نشود و اگر بیند مستور بود و اوصاف خیرین  
و اگر بیند که زن را بر پیر و نداشت دلیل که از کار بد توبه کند و بخدا استعا باز گردد و راه صلاح اختیار کند زن بنور این بر سرین رحمة الله علیه  
گوید زن بنور در خواب مردی و دود و سفید بود و اگر بیند که زن بنور او را بگریزد و دلیل که مردی دود او را بگریزد و اگر بیند که زن بنور بسیار بر او  
جمعه شد دلیل که میان مردم و دود گرفتار گردد و خاصه چون زن بنور او را گریزد که زنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زن بنور گریزد دلیل که او را با  
دود و سخن چهرن کار افتد و اگر بیند که زن بنور را بکشت و دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که زن بنور را بران بسیار بقیاس کرد و  
بود و دلیل که دود را ببار لشکری برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زن بنور در خواب بر شش وجه بود یکی غوغا و دود مردم و دود  
سیدم لشکر چهارم تلخ پنجم ششم ششم فرزندان زنی دلیل این بر سرین رحمة الله علیه گوید زن بنور در خواب آن بود که اکثر و اگر بیند

نشان

نشان

نشان

نشان

که زنبیلی داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زنبیلی مال و نعمت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن زنبیلی را  
 بر پشت و جبهه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیز که چهارم توام وین پنجم صلاح تن ششم عمر و از هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت  
 نهم بخیل این سیرین رحمه الله علیه گوید زنبیلی در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن حضرت و زیان و بعضی معتبران گویند  
 زنبیلی در خواب دلیل بر عیبت و گفتگوئی کند و ویدن و خوردن زنبیلی در خواب دلیل بی لفتی بود و بخیل این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید زنبیل در خواب مصیبت و گناه بود اگر بیند که زنبیل شکست و بیند زنبیل از گناه نوبه کند و بجا آید تعالی باز کرد و مغربی حجت  
 الله علیه گوید اگر بیند که زنبیل در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام نیندیشد و اگر بیند که زنبیل در پاهای  
 داشت دلیل که در خانه های مردم مصیبت کند و ویدن زنبیل در خواب مردی فاحشی و گندگار بود زنبیل در خواب مهر خانه  
 بود و خداوند عقل بسیار اگر بیند که زنبیل از بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه غار کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی از زنبیل  
 بر زنج او میزند دلیل که مهر خانه آن بادی سخن گوید که از آن زنجور شود و اگر بیند که از زنج بادی سخن بیرون شد دلیل که بقدیر آن  
 از مهر آن خانه از زیان رسد و بعضی از معتبران گویند که در کسب و کارش نقصان افتد زندان این سیرین رحمه الله علیه  
 اگر بیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود و دلیل بر هلاک بود و اگر زندان معروف بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که  
 زندان بر پای داشت دلیل که بر عقلی که وارد ویر بماند و در غم و فکر بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند خواب مستور نباشد  
 از شناسایی و بینی ویر غم و اندوه رسد و اگر بیند که مردی یا پائی بند میرفت دلیل که کار بسته او بشاید جعفر صادق رضی الله عنه  
 عنه گوید زندان در خواب ویدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود و قوله تعا قال رقیب الشیخ کن  
 الی تمنا یک عوخی الیاء و چون زندان محمول بود و کور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهر یوسف علیه السلام فرمود  
 الشیخ یقیناً لا حیاء و مثل الیاء و شجره الا صلی قاء و شجرة الا عک او یعنی زندان خواب گور زندان است  
 و مثل بلاست و آزمایش کردن و دستا بست و خرم کردن دشمنانست و اگر بیند که در زندان شد و زود بیرون آید  
 دلیل که مراد تمام بیا در این سیرین رحمه الله علیه گوید زندان در خواب گور بود زنگنه این سیرین رحمه الله علیه گوید زنگنه در خواب  
 جنگ و خصومت بود و اگر بیند که زنگنه داشت دلیل که با کسی جنگ کند و اگر بیند که زنگنه زنجیرین بوسی و او دلیل که با تو فکری  
 خصومت کند و اگر بیند که زنگنه سپین بود یا برنجین دلیل که ویرا با کسی عام خصومت افتد زنگنه این سیرین رحمه الله علیه  
 اگر بیند که در زنگر گریست و پنداشت که هرگز نمویی نمود و دلیل که کار بروی بسته شود و اگر بیند که بر زنگر روی برنجی بود یا دردی که  
 که بقدیر آن او را رحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن زنگر در خواب بر زود و جبهه بود یکی زن دوم مال و بهر زیادت  
 و نقصان که در زنگر بود و او اهل آن بزندان و مال باز کرد و زهر این سیرین رحمه الله علیه گوید زهر در خواب خوردن مال حرام بود  
 یا خون باطل ناحق بریزد و اگر بیند که از خوردن زهر تن می آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند که مانی رحمه الله علیه  
 گوید اگر بیند که تن وی زهر آلوده بود و دلیل که در کار که بود سخت حریص بود و بعضی از معتبران گویند که سخنی گوید و بدان آید

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

و اگر بیند که تن او از زیر گزندی رسیده آس و پشت دلیل که بقدر آس او غم و اندوه رسد و اگر بیند که زهر خورده و دلیل که از گشتن خورده زهره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد و دلیل که خشم خورده و اگر بیند که زهره چهارپائی میخورد و دلیل که بدخوی دشمنان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی زهره مردمان آلوده گشت دلیل که از مردمان چو بدو اگر بیند که تن وی زهره چهارپایان آلوده گشت دلیل که لباس حرام بپوشد و اگر بیند که تن وی زهره دادن آلوده گشت دلیل که صحت با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود زو و بین این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که زو بین در دست داشت و چیزی دیگر غیر زو بین با وی نبود و دلیل که او از فرزندی آید و اگر بیند که بازو بین سلاحهای دیگر داشت و دلیل که از بازو او راحه و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زو بین از اخت دلیل که کسی را سخن بد گوید و اگر بیند که زو بین کسی را محروم گردانید دلیل که بر کسی بهتان بندد زیتون این سیرین رحمة الله علیه گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد که مانعی رحمة الله علیه گوید روغن زیتون در خواب لیل خیز و رکوت باشد و اگر بیند که روغن زیت می پالود و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیتون تلخ نبود و بانان میخورد و دلیل که او منفعت بخشد حاصل شود زیره باج این سیرین رحمة الله علیه گوید زیره باج در خواب چون ترش نباشد و بیل شیرینی دارد و دلیل که منفعت باشد و چون بیل ترشی دارد و دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بوده بعضی از مشیر گویند که خوردن زیره باج در خواب لیل مصیبت و غم و اندوه بود و زیلو این سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو در خواب چنان گسترده باشد دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل بر نقصان عمر کند و اگر بیند که زیلوی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود و اگر زیلو بدست خود پیچیده و در گنج خانه نهاد دلیل که غرور و ولت خود را تباه کند و اگر بیند که یلو بر پشت نهاد دلیل که امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر بیند که زیلو پیچیده و کسی دیگر او دلیل که عمرش با آخر رسیده باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود و دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که زیلونی کهنه و در پیره بود دلیل که عیش و روزی دشوار شود و اگر بیند که زیلونی مجهول حکمه بود و دلیل که آنچه دوست دارد از دست او برود و اگر بیند که زیلوی نو بدو داده و در خانه بگسترده و دلیل که دولت شاقبال یابد و عمرش دراز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین زیلو در خواب شورش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیم روزی فراخ چهارم غرور و ولت پنجم دشواری عیش ششم گناه زیره این سیرین رحمة الله علیه گوید زیره در خواب چون بسیار بیند و دلیل منفعت دین و دنیا می باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیره در خواب چون اندک بیند منفعت کمتر بود زین این سیرین رحمة الله علیه گوید زین کجاست چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود و اگر بیند که بر پشت چهارپای بود و دلیل که حکم نیکت و بآن بر راکب باشد

و اگر بیند که نبی بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که کینر که بخیر یا زنی بخیر و خداوند مال بسیار نشود و باشد که میراث یابد اگر  
بیند که زمین وی بشکست دلیل که زن میرد یا بیمار شود و اگر بیند که زمین می بر و سیم آراسته بود و دلیل که زنش خلیفتن بین  
و مشکیز بود و اگر بیند که زمین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت و دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زمین که در خواب زن دلاله بود  
و دلالی کار بود و الله اعلم بالصواب **حرف السین** به سار این سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب  
بیند که ساری داشت و دلیل که مردی مکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که مامروی سفر  
اور هجرت افتد و اگر بیند که گوشت سار بخورد و دلیل که بعد از آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید وین  
سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بروی جمعند و دلیل که میان کافران گرفتار شود  
سماطو را بر این سیرین رحمة الله علیه گوید سماطو در خواب مردی شجاع و دلیر بود و اگر خواب بیند که سماطو درشت و دلیل که همچنین  
مردی اور هجرت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سماطو در شکست یا ضایع شد و دلیل که همچنین مردی ادا و جدائی افتد  
مغربی رحمة الله علیه گوید سماطو در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب و آسان کرد و خاصه که سماطو در بزرگش بود  
سعادین سیرین رحمة الله علیه گوید سعادین دست و دست و انبار معتد بود و اگر بیند که سعادین دستش قوی بود و دلیل که او را از کار  
و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که سعادین شکست و دلیل که انبار و دست از وی جدا شوند و مغربی رحمة الله علیه گوید  
اگر بیند که بر سعادین دست وی موی بسیار بود و دلیل که دوستان از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند که موی از سعادین جدا شود  
و دلیل که او را شکر گذارده شود و ساق این سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معجز  
گویند که ساق مرد مرا غرور جا به باشد و اگر بیند که ساق وی قوی بود و دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف بود و دلیل که  
حال کارش ضعیف و بی نظام بود و اگر تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ساقش این سیرین یار و یمن بود و دلیل که عمرش دراز شود و دلیل  
باقی باز و اگر بیند که ساق و شکست و دلیل که برتن او بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید وین ساق در خواب مرد و از زن بود  
وزن نامرئ شوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر می پیچید و دلیل هم پاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود و دلیل که وادار گردد  
و اگر بیند که موی از ساق بستر و دلیل که او را شکر گذارده شود و جعفر صاوق رضی الله عنه گوید وین ساق در خواب بر چهار چوب  
بود و کیال دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مردان از زن و زن نامرئ شوی سایه این سیرین رحمة الله علیه گوید سایه در خواب نیک  
و طبیعت بود و سایه پادشاه و تادیل هم پادشاه بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود و سایه درخت بی بر و دلیل بر ساق  
کسانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جانی زیر سایه نیسته بود و دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی ان الله یکتب الیک کیف  
مک الیطلق و کونشا جعلاک سائکنا جعفر صاوق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب بر سرچ و چه بود و چه  
دوم سبب سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرکب سایه بان این سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه فرود  
یو و اگر بیند که زیر سایه بان نیسته بود و دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان مردی افتاد و او را از نزدیکی

و اگر بیند که نبی بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که کینر که بخیر یا زنی بخیر و خداوند مال بسیار نشود و باشد که میراث یابد اگر  
بیند که زمین وی بشکست دلیل که زن میرد یا بیمار شود و اگر بیند که زمین می بر و سیم آراسته بود و دلیل که زنش خلیفتن بین  
و مشکیز بود و اگر بیند که زمین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت و دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زمین که در خواب زن دلاله بود  
و دلالی کار بود و الله اعلم بالصواب حرف السین به سار این سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب  
بیند که ساری داشت و دلیل که مردی مکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که مامروی سفر  
اور هجرت افتد و اگر بیند که گوشت سار بخورد و دلیل که بعد از آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید وین  
سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بروی جمعند و دلیل که میان کافران گرفتار شود  
سماطو را بر این سیرین رحمة الله علیه گوید سماطو در خواب مردی شجاع و دلیر بود و اگر خواب بیند که سماطو درشت و دلیل که همچنین  
مردی اور هجرت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سماطو در شکست یا ضایع شد و دلیل که همچنین مردی ادا و جدائی افتد  
مغربی رحمة الله علیه گوید سماطو در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب و آسان کرد و خاصه که سماطو در بزرگش بود  
سعادین سیرین رحمة الله علیه گوید سعادین دست و دست و انبار معتد بود و اگر بیند که سعادین دستش قوی بود و دلیل که او را از کار  
و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که سعادین شکست و دلیل که انبار و دست از وی جدا شوند و مغربی رحمة الله علیه گوید  
اگر بیند که بر سعادین دست وی موی بسیار بود و دلیل که دوستان از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند که موی از سعادین جدا شود  
و دلیل که او را شکر گذارده شود و ساق این سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معجز  
گویند که ساق مرد مرا غرور جا به باشد و اگر بیند که ساق وی قوی بود و دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف بود و دلیل که  
حال کارش ضعیف و بی نظام بود و اگر تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ساقش این سیرین یار و یمن بود و دلیل که عمرش دراز شود و دلیل  
باقی باز و اگر بیند که ساق و شکست و دلیل که برتن او بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید وین ساق در خواب مرد و از زن بود  
وزن نامرئ شوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر می پیچید و دلیل هم پاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود و دلیل که وادار گردد  
و اگر بیند که موی از ساق بستر و دلیل که او را شکر گذارده شود و جعفر صاوق رضی الله عنه گوید وین ساق در خواب بر چهار چوب  
بود و کیال دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مردان از زن و زن نامرئ شوی سایه این سیرین رحمة الله علیه گوید سایه در خواب نیک  
و طبیعت بود و سایه پادشاه و تادیل هم پادشاه بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود و سایه درخت بی بر و دلیل بر ساق  
کسانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جانی زیر سایه نیسته بود و دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی ان الله یکتب الیک کیف  
مک الیطلق و کونشا جعلاک سائکنا جعفر صاوق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب بر سرچ و چه بود و چه  
دوم سبب سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرکب سایه بان این سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه فرود  
یو و اگر بیند که زیر سایه بان نیسته بود و دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان مردی افتاد و او را از نزدیکی

دلیل

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و دلیل که پادشاه بروی چشم گیر دستخیز رحمة الله علیه گوید اگر میند که سایبان پیشین پاک پس بود و لون آن بنر یا سپید بود و دلیل که پادشاه عالم کند سپهر این سپهر رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب در دوست و دشمن دلیل که از کسان پادشاه و ارباب بود و اگر میند که سپهر سلاح دیگر بود و دلیل بر مردی بود که دوستان و برادران از انزاع شکرگاه دارد و اگر میند که سپهر زمین نهاد و دلیل که او را بامردی کامل صحبت با جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپهر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر و دوم یار سپهر قوت چهارم سپهر خیم همی ششم شش و پنجاه بقدر بزرگی سپهر سپهر ز این سپهر رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دیدن مال شادی بود و اگر میند که سپهر کا و دشت دلیل که او را در آن سال چیزی حاصل کرد و اگر میند که سپهر دشت دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپهر در آن دشت دلیل که بقدر آن مال از زیر پاد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپهر های مجموع در خواب مال بود و سپهر جانور که گوشت و حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت و بی ملام باشد مال بود سپهر ه این سپهر رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دیدن بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخوابد میند که زمین دشت و در آن سپهر بسیار بود دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر میند که در آن بین گاه محمول بود و در آن گاه دانست خست به دستان می گزید و دانست که در آن زمین ملک و بیست ایخله دلیل بر دین و دیانت میند که و اگر میند که در آن زمین گاه معروف بود و دلیل بر قوت نعمت و مال می بود و دستخیز رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب چون بوقت بیدار دلیل از در و درج بود این سپهر رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب نیک بود و اگر میند که در سپهر زمانه می شد دلیل که در راه دین می قدم شود و اگر میند که مرده در میان سپهر زمانه می بود دلیل بر قوت و ثواب خیرت او بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر سپهر زار پاکیزه و خرم میند و دانند که ملک است دلیل بر دین پاک و درج و دشت او باشد و اگر سپهر زار زرد و پر مرده میند و دلش بخلاف این بود و اگر میند که در میان سپهر زاری بود که ملک دیگران بود و دلیل که او را بامردان پادشاه و دیانت باشد و اگر بخلاف این بیدار دلیل که صحبت او با مردان معصود بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپهر در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام و دوم دین ستم و عتقا و پاک چهارم بر بزرگاری سبل این سپهر رحمة الله علیه گوید اگر میند که چشمهای وی سبز است چنانکه نمیتوانست دیدن دلیل که بقدر تاریکی و در دین وی نقصان باشد و اگر چشمهای او سبز بود دلیل که در راه بدعت باشد و اگر چشمهای او سبز بود و دلیل که در آن بود و دلیل که فرزندش بیمار بود و اگر میند که سبل چشمهای او سبز بود دلیل که تو بکنند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غیبت بود و دلیل که سلامت در وطن خود باز رسد و سپهر این سپهر رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب مرد منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب کتیرک یا خاوم بود و اگر میند که سبونی تو را گرفت یا بخیزد و دلیل که کتیرک بخیزد یا خاوم او را حاصل شود و اگر میند که سبونی ضایع شد یا کتیرک یا خاوم او را بپیرد و اگر میند که سبونی او را سوراخ شد و دلیل که کتیرک یا خاوم او بیمار شود و اگر میند که سبونی او را سوراخ شد یا کتیرک یا خاوم منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپهر در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی فرو و منافق و دوم از آن سپهر خاوم چهارم کتیرک یا خاوم دین سبوس این سپهر رحمة الله علیه گوید سپهر در خواب دلیل بر بنای زمینی بود و اگر بخوابد میند که



حکایت  
سید

سید

سید

سید

سید

بن سید بن محمد و دلیل که در آنجا قحط و تنگی افتد و اگر بید که بنسوس را از خانه بیرون ریخت و دلیل بر نیت و فراخی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بنسوس در خواب بر سر نه و وجه بود یکی نیاز مندی و دوم قحط سیدم تنگی میشت سید اب بن سیرین رحمه الله علیه گوید بنسوس در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بید که سید اب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر بید که سید اب بروی داشت و دلیل که بقدر او در مشایخ دنیا حاصل شود و زمانی رحمه الله علیه گوید سید اب روی خد مکنار بود و بعضی از سید اب گویند که که خدائی خانه بود و و نیک و بدان که خدای خانه باز کرد و سید اب بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که سید اب بروی داشت و دلیل که از زبان وی ظاهر گردد و اگر بید که سید اب بنسوس زدن دلیل که کاری کند که آن کار نداند مغربی رحمه الله علیه گوید سید اب در خواب دیدن مرد از اینج و سختی بود و روز نماز رسوائی و ظاهر شدن را از بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سید اب در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر کرده و دوم سخن دروغ سیدم ظاهر شدن را از چهارم رنج و سختی مستارگان و انبیا علیه السلام گوید ستارگان در خواب لیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه و دلیل بر روزی بود اگر عمل را بخواب بید و دلیل که او را با او باقیین شغل افتد و او را مال نعمت از او حاصل آید و اگر مستر را بخواب بید و دلیل که او را با بهتری یا رسا و مصلح نیک خواه کار کند و اگر رنج را بخواب بید تاویل آن بر زمان خبر وی محشم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطار در خواب بخواب بید و دلیل که او را با مردم حکیم مشکلی پیوستگی افتد و از وفایده یابد و اگر بید که بعضی از ستارگان با وی سخن بگفتند و دلیل که بزرگی و منزلت است این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ستارگان تا سه چوین عید و عشیق و سبیل و کلین بعضی از مشرکان می پرسند که اگر یکی از ایشان بخواب بید و دلیل که او را با مشرکان محبت افتد و اگر بید که ستاره روشن زمین افتاد و ناپدید شد و دلیل عالمی در اندازد و دنیا بر او توکل کند و حکمت و بالیج هم نیک شد و آن اگر بید که ستارگان میگردند و دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر بید که ستاره بخت گرفت و دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بید و دلیل که او را فرزندان بسیار شود و زمانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که ستارگان در آسمان تفرق شدند و دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر بید که ستارگان سعد بهم جمع شدند و دلیل که حالش نیک شود و اگر بید که ستارگان از خانه وی بر آید و دلیل که فرزندان می بهرت پادشاه گردد و اگر بید که ستارگان مطیع وی شدند و دلیل که پادشاهی یابد و اگر بید که ستارگان سخن میگفتند و دلیل که پادشاه وقت داد و اگر باشد و اگر خلاف این بید و دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر بید که ستارگان با هم جنگ میکردند و دلیل که در آنجا جنگ و کارزار باشد و اگر بید که ستارگان در استین خود دنیا و دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که از ستارگان یک ستاره در برابر او متحرک شد و در وی کافا و دلیل که در او فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بید که ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است و دلیل که نسلش زیاد شود و اگر بید که ستاره می پرسند و دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید ستارگان که مردم در میان بدو می برند و خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگان نیکه مردم آنرا می پرسند و دلیل بر شر و مضرت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقرا و دوم علما سیدم مضات چهارم خلفا پنجم ویران ششم و سیران هفتم خزانه و ابر ششم مردان

تتمین

ججاء

ججاء

ججاء

ججاء

بجوی نم شکران حکایت آورد و اندر بغداد مروی بخوابید که سارو روشن بر زمین افتاد متعجبان گفتند که عالمی  
 در آن هفته امام عظمی از دنیا رحلت کرد و سقون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقون در خواب خداوند اقبال و دولت بود که  
 بخوابید که سقونی داشت و قوی بود و دلیل که از مروی مقبل مالی حاصل کند و اگر بید که سقون خانه وی بنیفا و پاشکست  
 دلیل بر طاک او بود که مانی رحمه الله علیه گوید سقون در خواب سلام بود اگر بید که سقون خانه بنیفا و پاشکست دلیل که خداوند  
 خانه طاک شود و اگر بید که سقون خانه وی بار یک بود و دلیل بر ضعف من وی وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سقون  
 در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرگ سیوم مرد و خشم چهارم فوت در کار با پنجم ولایت سجاد و ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید سجاد و در خواب دیدن بخیر بود اگر بید که در مسجدی بر سر سجاد و نشسته بود و دلیل که بسفر سجاد زود قوله  
 واتخذوا من مقام ابن ابي ابيهم مصلى خاصه چون بید که در مسجدی متکلف شد متعجبی رحمه الله علیه گوید اگر بید  
 که سجاد و بشین یا پنجه و پشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بید که سجاد و او بسخت تا ویش بخلاف این بود  
 و اگر بید که سجاد و وی بشین بود دلیل که طاعت وی ریائی بود مسجد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که بار سجاد  
 و تعالی را سجده کرد و دلیل که بر مروی بزرگ خطر یابد و اگر بید که غیر خدا تعالی را سجده کرد و دلیل که مرادی که دار و بر نیاید و جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید اگر بید که مهر بر سجده کرد و دلیل که او را از سلطان رحمت رسد قوله تعالی فَعَبَدُوا وَنُفُوسَ  
 اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که تر از و دست داشت و جعفر سجاد  
 دلیل که میان مردم داری کند و اگر بید که رست می سجد دلیل که حکم رستی کند قوله تعالی وَذُنُوبًا أَلْقَطَا مِنَ السِّتْرِ  
 اگر بید که رست سجد اگر از اهل علم بود و دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود و دلیل که بقاضی محتاج گردد و جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید رست سخن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم رست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن داری چهارم حاکم شدن و اگر  
 کج سجد تا ویش بخلاف این بود سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سخن گفتن در خواب شنیدن بنا و ل بر زبانها ختم  
 بود و اگر بید و اگر بید که بر زبان عربی سخن گفت دلیل که از متران عروجه یا بد و اخبار یا حضرت رسول صلی الله علیه و سلم  
 استماع کند و اگر بر زبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با متران او صحبت خدا و از ایشان نیکی یابد و اگر بر زبان عربی سخن  
 گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بر زبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی مهل و دین همت ویرا کاری آید  
 و اگر بر زبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دو با قین صحبت افتد و اگر بر زبان خاوری سخن گفت یا شنید دلیل که بر زبان  
 کرد و هشتم و اگر بر زبان سغدی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را شغلی افتد و اگر بر زبان یونانی سخن  
 گفت یا شنید دلیل که معقولات مشغول گردد و اگر بر زبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت نادانی غم و اندوه  
 رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که به زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از انصاف  
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بید که بر زبان که در خواب سخن گوید و شنید و اگر خواب خیر و صلاح بود تا ویش از خیر و صلاح

باشد و اگر سر و قشا و گوید تاویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندازی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که بر خویش گوا  
 راست و به قول تعالی **يَوْمَ كَيُفَكِّكُم عَنْ بُيُوتِكُمْ وَاجْعَلَكُم مَّيَاطًا لِّمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ** ه  
 و براندازی که بدان سخن گوید دلیل بر ستم و بیداد باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب و خواب خصوصت و دواوری  
 بود و اگر بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی خصوصت کند و اگر بیند که سراب بخورد و همین تاویل دارد و مخرب رحمة الله علیه  
 اگر بیند که سراب زده شده بود و بخورد و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب کسی داد یا از خانه بیرون آنخذ دلیل که از جنات خصوصت خلاصی  
 و در دیدن سراب خواب هیچ منفعت نباشد سر و انیال علیه السلام گوید سر خواب دیدن بهتر قوم بود و اگر بیند که سر برید و دلیل  
 که بهتر بود و دست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر خرم تیغ سرش از تن جدا گردد اگر دامن دارد باشد دلیل که ویش گذارد  
 شود و از خرم فرج یابد و اگر آن خواب بنده بیند دلیل که آزاد گردد و اگر بخور بیند شفا یابد و اگر متهتری بیند ولایت یابد و اگر از آن بیند دلیل که  
 خواهد تا آنکه باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرمانی بریده بسیار بیند دلیل که بهتران آنجا بسیار جوشند و اگر بیند که از آن سر است  
 یا پوست یا خنجر یا بویشت دلیل که از آن بهتران مال یابد و اگر بیند که پوست سر یا میخورد و دلیل که از بهتران و ایشان مال حاصل کند و اگر بیند  
 که پوست سر را در ده میخورد و دلیل که متهتری با وی عتاب کند و اگر بیند که سر مردی معروف میخورد و دلیل که سرمانی خود را بخورد و اگر بیند که سر  
 یا بی وشی میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر مردی مجهول میخورد و دلیل که سرمانی کسی بخورد و اگر بیند که سر مردی میخورد و دلیل که بقدر آن مال پادشاه  
 بخورد و اگر بیند که مردی سر می یا سر پیش آورد و دلیل که سر و ناگردد و در و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر در خواب سر زن بیند دلیل که از زن  
 تو اگر راحت یابد و اگر بیند که سر کو سبندی میخورد و دلیل که عرش را از گرد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر کاه میخورد و دلیل که انزال مال  
 نعمت یابد که تا آن رحمه الله علیه گوید اگر در خواب خمر بزرگ بیند دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که او را و سر و دلیل که کارش قوی  
 و اگر سر خود برهنه بیند و دلیل که از تشنگی و در بیفتگی و غمگینی شود و اگر بر سر خود جراحی بیند که از آن خون می آید و دلیل که با کسی دواوری  
 و اگر بیند که سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین افتاد و دلیل که سرمانی از دست وی برود و اگر بیند که مغز باز جای خود نماند و دلیل که مایه باز پدید  
 آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود و دلیل که کار با بی خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی بهتر  
 و فرمان روا گردد و اگر بیند که سر وی سخن نگوید گفت دلیل که نیکو کار باشد و در کار با انصاف نگاهد و اگر سخن بد گفت و دلیل که از آن  
 و اگر سر خود را بدو نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست و اشت و یک نیمه در دست چپ و اشت و دلیل که مادر و پدر وی بمیرند و اگر بیند  
 سر خود در دست خود داشت دلیل که از متهتری خیر و منفعت یابد و مخرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سپر شد و دلیل که ولایت یابد  
 و اگر بیند که سر وی چون سر شتر شد و دلیل که بفساد و حرام گراید و اگر بیند که سر وی چون سر پش شد و دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که  
 وی چون سر خر شد و دلیل که از بخت خود کامکاری یابد و اگر بیند که سر وی چون سر گاو شد و دلیل که بهتر و خلق خواهد کرد و اگر بیند که سر  
 چون سر گوسفند شد و دلیل که چهل مردی غالب گردد و اگر سر خود چون سر شیر بیند و دلیل که فرمان روائی یابد و دشمنان او بترسد و اگر سر خود  
 چون سر گاو بیند و دلیل که دل دواوری یابد و اگر بیند که سر خود شکسته شد و دلیل که بفرمانش نغوذ باشد و اگر بیند که سر وی گوسفند شد

نسخه

دلیل بر پاک دی بود و اگر میند که سر او زمین یا بین شد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر او زمین یا بین بود دلیل که خدمت سرتی سخط  
 کند و اگر میند که سر او چوپن بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر میند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن  
 کند و اگر میند که سر وی چنان سر مرغان شد دلیل که بفرزد و و اگر میند که سر خود بریده داشت دلیل که او را برودار کنند و اگر میند که سر  
 اتقن جدا کردند و باز بر جای نهادند و درست شد دلیل که عاقبت در جهنم باشد یا بد و اگر میند که سر وی داشت و زشت است پس بود دلیل  
 که او را پسری آید و اگر زنی خود را ستر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر میند که سر بریان میخورد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر بریان  
 بجزید یا کنی بوی داد و از آن بجزر و دلیل که از مهربانی فایده یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان تابوین شیی یا مهربانی کردن  
 باشد و اگر میند که سر خام میخورد و دلیل که مهربان نیست و سر خفته بهتر از خام بود و حقا معتبر رحمه الله علیه گوید سر مردم بخواب  
 بود یا مهربان یا سپرد و اگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان پیوند دارد  
 سر خود را باز برگردان خود بدست دلیل که از کسی بضاعث بستاند یا وام کند و اگر میند که سر می بریده و پیش داشت و خشم می کرد  
 دلیل که مهربانند یا را غم و اندوه و مصیبت شد و اگر سر پاوشا بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار دردم یا بد جعفر صادق رضی الله عنه  
 سر مردم خواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس دوم مهربان سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار دردم  
 نهم سپرد دهم غلام یازدهم زن دوازدهم نو انگری اگر خواب بیند که سر بزرگ کرد و جامه پاک پوشیده بود دلیل که او را با مهربان  
 افتد و اگر جامه چرکین بود که پوشیده دلیل که از مهربانی غم و اندوه یا بد و اگر میند که سر را در تنور نهاد و دلیل که از مهربان و خادم کارش  
 بر سر آب تا ویش سخن باطل باشد و علی که در منفعت نبود این سرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در زمین سر را می میقیم شد دلیل  
 که بعلم باطل و سخنی که درو خیر نباشد مشغول گردد و اگر میند که از زمین سر را میخورد و دلیل که از علم باطل نان هیچ کند سر او و این  
 سرین رحمه الله علیه گوید اگر خود را در سر پرده بیند و داند که ملک او بود و دلیل که بزرگی و منزلت یا بد و اگر میند که سر او را در تنور  
 که در سر پرده پاوشا میقیم شد دلیل که از پاوشا حرمت و جاه یا بد و اگر میند که سر او را در پاوشا میقیم شد دلیل که زوال ملک است و ی  
 و اگر میند که سر او را در پاوشا بسخت دلیل که پاوشا بمیرد و اگر میند که پاوشا او را از سر پرده بیرون آورد و دلیل که پاوشا بیچاره  
 و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین سر او را در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست سوم ولایت  
 چهارم دولت پنجم سرنگی سمر و انیا ل علیه السلام گوید اگر کسی خواب بیند که در سرای بیگانه نشاند و هیچ نشاخت و در آنجا مردگان و پیر  
 دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر میند که در آنجا شد و بیرون آمد و دلیل که بر جای می آید و او بسکین  
 شفا یا بد و اگر میند که سر او را معروف شده و بنیادش از گسل بود و دلیل که روزی حلال یا بد و اگر میند که بنیادش از گسل و آجر بود و دلیل که مال  
 حرام یا بد و اگر میند که آن سرای بزرگ و فراخ بود و دلیل که روزی بزرگ و فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود و تا ویش بخلاف این بود و این سرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که سر او را میخورد و دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر میند که سر او را میخورد و دلیل که در  
 خیرات بروی کشا و شود و اگر میند که سر او را میخورد و دلیل که بر تن درستی و عمر دوازده و در کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که سر او را میخورد

نسخه

خواب کرده و دانست که فلک نیست دلیل که روزی بروی فراخ گردد و خود و جاه یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین سرای  
 و خواب بر بهشت و به بودی که مردان و زن را شوی و دم تو اگر می سپوم یعنی چهارم پیش پنجم مال ششم ولایت به ششم امانت و غرض  
 سرب این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی درون دار حاصل شود و اگر ببیند که سرب  
 سبک داشت دلیل که به بدی و زبان مردم افتد سرخی احاطه بداند که در جائه مردان سرخی که است بود و برنج و اندیشه و زانرا آنچه در  
 و اگر روی ببیند که همه جائه وی سرخ بود دلیل که فتنه و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم ستم کند بعد سرخی احاطه بر سر خجسته  
 و خواب دیدن دلیل بر نیا دنی مال بود و اگر ببیند که بر تنی سر خجسته بیرون آمد دلیل که مالی برنج و سختی بدست آورد و اگر ببیند که سر خجسته  
 از تن او ناپدید شد تا ویش بخلاف این باشد سر خجسته این سیرین رحمه الله علیه گوید سرخیدن و خواب برنج و به بودی که سرفه نزد مردم  
 سرفه خشک سوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآورد پنجم سرفه که صفرا برآورد اگر خواب ببیند که بجا سرخیدن بلغم برآورد دلیل  
 پیش کسی شکایت کند از نانی که بوی رسد یا بسبب نالی که از وی ضایع شود و اگر ببیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت  
 وی از حال او به پیوسته بود و اگر ببیند که سرفه نزد داشت دلیل که شکایت وی از خلیشان بود و اگر ببیند که سرفه خون داشت دلیل  
 شکایت وی از فرزندان بود و اگر ببیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مری بود که از بهر شکایت کند و اگر ببیند که متری می سرخ  
 و دلیل که غمخوار دین بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در اسرف می آمد دلیل که توانی باشد و اگر ببیند که سرفه و دگر بوی او ماند  
 و دلیل که وقت مرگش باشد اگر ببیند که در اسرف سیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت و دلیل که انغم و محنت فرج یا بد جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید اگر خواب ببیند که می سرخید و دلیل که از پا و شاه بوی آفت رسد سر که این سیرین رحمه الله علیه گوید سر که در خواب  
 مال حلال بود یا برکت و خور و نش تناول هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه و السلام فرمود و خیر لا ادرم الخ  
 و بعضی خبر آن گفته اند که سر که ترش و خواب غم و اندوه بود و سر که فروش و خواب مری خصوصت طلب بود سر که این سیرین  
 رحمه الله علیه گوید سر که این سب و کاه و خواب نال و لغت بود و اگر ببیند که سر که این بسیار جمع آورد و دلیل که مال و نعمت حاصل شود  
 و اگر ببیند که سر که این مردم بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر ببیند که در آب خانه سر که این می انداخت دلیل که مری بوی می رسد و نقصان  
 مالی بود و اگر ببیند که در ستر پیدی بگرد و دلیل که از مال خود بعضی بپای و به و اگر ببیند که سر که این نکند و آن سر که این را بجان بپوشد  
 و دلیل که مال در زمین پنهان کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که سر که این مردم می خورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که بجا بگای  
 مجهول سر که این بخت و دلیل که مال خود بجائی خرج کند و اگر ببیند که تن خود را بر سر که این بپاید و دلیل که در گناه افتد و اگر ببیند که استهلا  
 پیدا شد دلیل که مال با اسراف خرج کند و انیال علیه السلام گوید سر که این مردم مال حرام بود و سر که این چهار پایان مال حلال بود  
 و سر که این دوان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمه الله علیه گوید بر پیدی که از مردم جدا شود و دلیل نایان باشد و اگر ببیند که  
 میان پیدی بر پشت و غرق شد دلیل که او را از پا و شاه غم و اندوه رسد و اگر ببیند که پای بر پیدی نهاد و بپشت او جامه و آب  
 آلوده گشت دلیل که از خاک مصرت ببیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر که این و خواب بر چهار وجه بود یکی آن مردم دوم گشایش

سیدم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم سرگین گردان یعنی چهل باشد مردی بود که مان جمع کند این سیرین رحمة الله علیه  
گر بیند که چهل گرفت لیل که از بزم مردی حرم خوار صحبت افتد و اگر بیند که چهل یکشت لیل که مردی حرام خوار یکشد و اگر بیند که چهل دو لیل  
که مال حرام خوار بخورد و سر ما این سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما در خواب رنج و مضرت بود و اگر بیند که سر ما بیفت لیل که بقدر سر ما در  
و تنگستی او را بود و اگر بیند که سر ما در مضرت رساید و لیل که از خوشی او در مضرت رسد سر ما این سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما در  
مال بود و اگر بیند که سر ما در چشم کشید و لیل که صلاح دین چوید و اگر بیند که سر ما کسی بوی او و لیل که بقدر آن مال باید گرفتاری رحمة الله علیه  
سر ما در خواب مال جاهد بود و مردوزن را بعضی متبران گویند که سر ما در خواب بافتن راه حق و صواب بود و جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید سر ما فروش در خواب مردی بود که در صلاح دین چوید زیرا که چشم دین بود و سر ما روشنائی باشد سر ما و آن این  
سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و آن در خواب زنی بود که پیوسته با خدا متعالی باشد و مرد و زن را به دین خواند و اگر بیند که سر ما و آن  
وی شکست لیل که زن وی ببرد و مغربی رحمة الله علیه گوید سر ما و آن در خواب زن دین دار بود و اگر بیند که سر ما و آن بی ضایع  
شد لیل که از صحبت فی حد انشود و اگر بیند که سر ما و آنی بخرد و لیل که کینک ویند بخورد و سر ما که گمانی رحمة الله علیه گوید سر ما و آن  
عم و اندوه بود و اگر بیند که سر ما داشت یا کسی بوی او و لیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که سر ما میخورد و لیل که بیمار شود و اگر بیند  
که سر ما کسی او یا بفروخت و لیل که از غم رسته گردد و سر ما و این سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما در خواب لیل سخن باطل و صیبت  
بود و اگر بیند که سر ما و آنای دیگر چون دفع جنگ و نای میرزد و لیل که اندوه و صیبت بیشتر بود و اگر بیند که سر ما و آنی  
و لیل که سخن باطل شنود و گمانی رحمة الله علیه گوید چون بخواب بیند که سر ما میگفت اگر در بازار بود و لیل که تو اگر از اسوانی باشد  
و درویش از غم تو و متبران گویند سر ما و گفتن در خواب یا شنیدن بر شش و چوید و یکی کلام باطل و دوم غم و اندوه سیدم مصیبت  
چهارم رسوائی نیم جنگ ششم علم و حکمت سر و مخا این سیرین رحمة الله علیه گوید سر ما و آنای دیدن همه نیک باشد که  
از آن بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بیند و اگر سر و ن کا و ما و بیند و لیل که در آسناں او منفعت بسیار بود و اگر بزرگ تر باشد  
حاصل بیشتر باشد و اگر بیند که سر و ن در هوا معلق آویخته بود و لیل که بدوم آذینار خیر و منفعت رسد گمانی رحمة الله علیه گوید اگر  
بخواب بیند که سر خود و سر و ن داشت و لیل که از بزرگی فوت یا بد و اگر سر خود و سر و نهای بسیار بیند و لیل که بر غم و اندوه  
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر و ن داشت و لیل که صلاح در کادش باز پیدا آید و عمر و خورمی بگذارد و اگر بیند که بدوم  
بدان سر و سر و لیل که بدوم بدی رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر و نهای چهار پایان و شقی و لیل که خیر و منفعت  
بود و سر و ن چهار پایان ششمی و لیل که خلاف این بود و سر و ن این سیرین رحمة الله علیه گوید سر و ن در خواب لیل بر غم و اندوه  
بود و خور و آن مضرت نقصان باشد و اگر بیند که سر و ن چیزی می چسبند و لیل که کاری کند که باز به صلاح آورد و سر و ن  
این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر و ن داشت یا کسی بوی او و لیل که بقدر آن ویرا راحت رسد و اگر بیند که سر و ن میخورد  
و لیل که بسبب عیال کاری کند که محکم و استوار باشد سر و ن این سیرین رحمة الله علیه گوید سر و ن در خواب دین یکی از توانان

سیرین رحمة الله علیه

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پیر کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که  
 فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک باشد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی شکست دلیل که  
 فرزندش میر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بین سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دم قوت سوم باغ چهارم یکم از  
 خوشنشان سطل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر خدشگار بود و اگر بیند که سطلی از بخیرید دلیل که کثیرت بخیر و اگر  
 بیند که سطلی در شواخ شد دلیل که عیبی بر کثیرت ظاهر شود و ستر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ستر در خواب غم دانه و ده بود و  
 خوردن آن خسروست و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن ستر در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن  
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و داشت که آتفاق بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این  
 بود و اگر بیند که سفر کرد و نداشت که بگرفت دلیل که اغیال خود و ر کرده و یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بود و  
 قوی میرفت یا گرویی بود و او می آمد و دلیل که مدتی حال و کار بروی متخیر گردد و باز به حال خویش آید مغربی رحمه  
 علیه گوید اگر بیند که با بیک و ساز تمام بسر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود و سفره  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو و پاکیزه داشت یا بخیرید دلیل که کثیرت زشت روی بود و اگر بیند که  
 بران و نخت بود دلیل که از آن کثیرت منفعت یا بدگرفتی رحمه الله علیه گوید سفره بخواب سفری با منفعت بسیار بود  
 و اگر سفره کوچک و تهی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کثیرت بنشیند  
 یا مالش تلف شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کثیرت دوم خدمت کار  
 سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم دانه بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود سقا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقا  
 مردی بود که بروست وی خیرات بود و خاصه که اگر بیند که بر مردمان آب بی طمع میداد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که سقانی میگرد و بی طمع دلیل که بکار خیرت راجع باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و کسی نداد دلیل که مال  
 جمع کند و الا راحت از آن نیا بد و اگر بیند که آب بخانه کسان میرد دلیل که بخت کسان مان جمع کند و او را از آن جمع  
 منع نباشد سفقور مایه ای است که در میان ریگ میباید این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب سفقور  
 داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و معتبران گویند که مایه  
 در خواب کرده باشد سفقور مایه ای است که در میان ریگ میباید این سیرین رحمه الله علیه گوید سفقور مایه ای است که در میان ریگ  
 و اگر بیند که از بهر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سفقور مایه مضرت یافت  
 دلیل بر نقصان مال بود سگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرماید بود و همراهان با  
 و سگ سیاه دشمنی از غیب بود و سگ سفید دشمنی از بزم باشد و اگر بیند که مسکی او را بگریزد دلیل که از دشمن گزند یابد

سپید

و اگر بیند که جامه او باب و حسن سگ کرده شد و لیل که از دشمن بپنج خسته گردد و اگر بیند که سگ جامه او بدرید و لیل که در مال نقصان  
آید و اگر بیند که گوشت سگ سیخ و لیل که دشمنی را دفع کند و اگر بیند که مان سگ او و لیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند که  
با وی نزوی کند و لیل که دشمنی بوی طبع کند و اگر بیند که سگ بروی تکیه کرد و لیل که بر دشمنی فرومایه عطا کند و اگر بیند که شیر سگ سیخ و  
و لیل که ترسی بوی رسد و اگر بیند که سگ از وی میگریخت و لیل که دشمنی بر حذر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی در  
خانه وی آمد و لیل که زنی دون بخت و فرومایه برنی کند استعجیل شعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند  
که سگ شکاری شکار میگرد و لیل که او را از دشمن که دعوی داشت کند خیری بدو رسد و اگر بیند که گوشت سگ شکاری سیخ و لیل  
که مبرات یابد و اگر بیند که سگ شکاری از وی دور گشت و لیل که از دشمن بامنفعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن و دم پا و شاه طامع سوم و دانشمند چهارم و از غماز سگ با این سپهرین رحمة الله علیه  
گوید سگ با اگر گوشت گو سپند و حواش بگو بخت بود و لیل بر عیش خوش و غرور و جاه بود و اگر بگوشت گاو بخت بود و لیل بر این بخت  
بود و اگر بگوشت مرغ بخت بود و لیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود و سگ کور این سپهرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سگ کور  
نوبد و او اند و لیل که سختی طایف شدند و اگر بیند که سگ کور شکست یا ضایع شد و لیل که سخن باطل شنود و بعضی از سپهرین گویند  
که سگ کور در خواب کینه بود و اگر بیند که سگ کور نه خبر بد و لیل که کینه نومی خورد و اگر بیند که سگ کور شکست و لیل که کینه ناک شود و جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید که سگ کور در خواب بر نه وجه بود یکی زن و دم خام و سیم کینه چهارم و دم وین پنجم صلاح تر ششم و هفتم مال ششم  
سخن خوش نهم میراث دهم زن آن سگ بچین این سپهرین رحمة الله علیه گوید سگ بچین در خواب چون شیرین بود و لیل بر مال و روزی حال  
که آسان بدست آید و اگر ترش بود و لیل بر غم و اندوه بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سگ بچین خورد و اگر شیرین بود و لیل که شفا  
یابد و اگر ترش بود و لیل که بیماری او دراز گردد و صلاح این سپهرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده و در میان غلغلی بگانه بود  
و لیل که عوام زبان بروی در آید و لیکن کروی بوی رسد و اگر بیند که روی شتاب بود و لیل بر دشمنان ظاهر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بوی  
باید و حکان بیند و لیل که بزرگی یابد و اگر بیند که از آن الهامی که بدان جنگ کنند چیزی شکست یا ضایع شد و لیل بر نقصان بزرگی بود  
و اگر بیند که با کسی جنگ نبرد و لیل که در جنگ حضورت افتد و اگر بیند که کسی او را بود و لیل که آنکس را مضرت رساند و مغربی رحمة الله  
علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزد و نداند که آنکس که بود و لیل که او را مضرت رسد و اگر بیند که در آن زخم ریم جمع شد و لیل که بعد از آن جان  
شود و اگر بیند که بدان زخم که زد و گوشت دستخوان برید و لیل که از آنکس مال و نعمت رسد و اگر بیند که در حرب است کسی برید و لیل که او را سختی  
سخت گوید و در میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که سر یکی برید و لیل که مالش بماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین سلاح در خواب  
و چه بود یکی قوت و دم بزرگی سیم و دولت چهارم و لایست پنجم و ریاست ششم حصن و صلاح گرد و خواب پا و شاه بزرگ دادگر بود  
سلام کردن این سپهرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و لیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر  
بیند که دشمنی بروی سلام کرد و لیل که دشمن دوست وی شود و اگر بیند که کسی محبوس بروی سلام کرد که او را ندیده بود و لیل که غریبی

سبک

سبک

سبک

سبک

سبک



بادی و دوشی و آشنائی گیرد و اگر بید که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود و دلیل که از عذاب جحش تعالی امین گرد و اگر بید که پیری آشنائی  
 بروی سلام کرد و دلیل که زنی خواب بروی خواهد کرد و آنی رحمة الله علیه گوید اگر بید که دوشی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد و دلیل که میان  
 ایشان جدائی افتد و سفر آبی رحمة الله علیه گوید اگر بید که زنی جوان بروی سلام کرد و دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بید که در نماز بود و سلام  
 بجانب چپ داد و دلیل که کارش شورید و اگر در جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی و دوم شادی  
 سیوم اقبال چهارم منفعتی است از سلطان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که سلطان در سراسی یا در مسجدی یا در شهری یا در  
 شد دلیل که بخی و مصیبتی بدان تمام رسد قوله تعالی ان الملوك اذا دخلوا اقرب قریة فسئلوا بها الملك فبذلک یصلحون و اگر بید که در جنگ سلطان  
 علیه کرد و دلیل که حاجتیکه دارد روا شود و بمقصود برسد و اگر بید که سلطان دست رهنش برید و دلیل که سوگندش و بید و اگر بید که  
 سلطان از تحت بغی یا تحت شکست یا اسب او را لکه زد یا شمشیر وی شکست یا کادی سرونی بروی زد و او را مجروح گردانید  
 اینها دلیل بر زوال ملکتهی بود و اگر سلطان داد و اگر بید و دلیل بر شرف بزرگی وی بود بقدر آنکه عدل کند و اگر بید که سلطان بساط  
 بزرگ بگستر و دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد و سفری رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کاخ خویش بنیکو بید و دلیل که عمر و جانش  
 زیادت گردد و اگر سلطان مرده را کشته و روی و خرم بید و بادی سخن گفت و دلیل که کار او نیکو شود و دشمنای مرده او زنده گردد و  
 سببها روع کیا بیت که او را کجای خوانند و بدین وی خواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر مرده او را زنده سازد و بید و دلیل بر آنست  
 بود که از زنی بوی رسد که زانی رحمة الله علیه گوید اگر سببها روع بزرگ بود و دلیل که او را پیری آید و اگر کوچک بود او را دختر آید و سببها  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سببها روع در خواب و بدین دلیل بر جنگ و خصومت بود اگر بید که سببها روع خورد و دلیل که کسی بنیکو کند و در خوردن  
 سببها روع خیر نبود و سببها روع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سببها روع در خواب پیری غلام بود و اگر خواب بید که سببها روع یا کسی بوی  
 دلیل که غلامش را فرزندی آید و اگر بید که سببها روع در دست وی پرید و فرزند و غلامش میرد که زانی رحمة الله علیه گوید سببها روع در خواب  
 مال روزی حلال بود قوله تعالی و اتواکم علیکم الملق و المستلوی و اگر بید که گوشت سببها روع میخورد و دلیل که روزی حلال باشد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید سببها روع در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام و دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم خیر و مال  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سببها روع در خواب مردی کا و ظالم در این بود و اگر بید که با سببها روع و دلیل که با مردی بدین صفت خصومت  
 کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بید که گوشت سمور میخورد و دلیل که مال مردی ظالم بخورد که زانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی  
 غریب ترا گردد که گوشت موموی وی در خواب مال و خسته بود و اگر بید که سمور در جنگ و گوشت او بر زمین افتاد  
 دلیل که مال مردی غریب تلف کند سببها روع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که سنان بر تن خصم زد و او را بکشد و دلیل که خصم  
 بجنگ غلبه کند و بروی نظر یابد و اگر بید که سنان وی بشکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود که زانی رحمة الله علیه گوید  
 اگر بید که سنان پولاد درفشند و داشت اگر از اهل آن باشد و دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت پیشه اگر  
 بید که سنانش زنگنه بود و دلیل که نفسش از آن بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین سنان در خواب بر شش وجه بود یکی

دوم ولایت سوم مرد از چهارم طهر پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنگ بنابرین رحمة الله علیه گوید سنگ در خواب نهد  
 بود اگر بید که سببی و اگر گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند ی آید و اگر بید که سببی داشت و از صنایع شد دلیل که فرزندش غایت  
 یابید و گمانی رحمة الله علیه گوید سنگ در خواب مال بود و اگر بید که سببی و اگر گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند  
 و اگر بید که بر پای او سنگ بود و دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد اگر بید که سببی و تا ویش بخلاف این بود سنگ بنابرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر خواب بید که سببی داشت و دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بید که سببی داشت و شش ویش  
 بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که سببی تازه میخورد و دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزند ی آید شش که در آن یا شش  
 گردد و اگر بید که سببی برکتش بیخود و دلیل نقصان مال بود سحاب بنابرین رحمة الله علیه گوید سحاب در خواب مردی غریب  
 و تو اگر فنانا میزند بود و پوست و موی و استخوان ی مال و خسته بود و گوشت ی مال غریبی بود و اگر بید که سحاب در خواب  
 و گوشت او بخورد و بیگانه و پوست و پا و ده که دلیل که مال مردی غریب تاه کند و یا بقصب بتازد که فانی رحمة الله علیه گوید  
 اگر بید که سحاب را خفه کرد و از گردنش خون روان شد و دلیل که دو شیرگی بر سر سجد بنابرین رحمة الله علیه گوید سجد  
 در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آرد و اگر بید که سجد خرد یا کسی بوی داد و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بید که سجد  
 میخورد و دلیل که مال را بر خیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سجد در خواب بر سر و وجه و یکی مال پنج دوم مال پنج نهم  
 منفعت از مردوم بدو می سندان بنابرین رحمة الله علیه گوید سندان بخواب دیدن ریش بزرگ بود و اگر بید که سندان و اگر  
 یا کسی بوی داد و داشت که ملک است و دلیل که از ریشی خیر و منفعت یا بد که فانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل  
 با متری صحبت افتد و از وی راحت یابد و اگر بید که سندان کسی داد یا صنایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن سندان در خواب بر سر و وجه بود یکی متری دوم منفعت سیوم خوت چهارم ولایت پنجم اقبال کرد  
 سنگها که فانی رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر دو وجه بود یکی مال دوم متری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر  
 و اگر بید که سنگی سپید گرفت و دلیل که با متری خوش خلق و از صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بید که سنگی سیاه گرفت  
 و دلیل که با متری از خواب و از صحبت افتد و اگر بید که سنگی سرخ گرفت و دلیل که از متری مفید و از راحتی باشد و اگر بید که بزرگ  
 گرفت و سنگهای بسیار در دهن کوه گرفت و بسیار و و بکزد یا اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود و دلیل بر منفعتی که از بن سیرین رحمة  
 علیه گوید دیدن سنگها در خواب سخنی باشد و اگر بید که سنگ از زیر آب جمع میکرد و دلیل که مال بکر و حیلت جمع کند و اگر بید که سنگ  
 از کوه میتراشید و دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بید که سنگ از نیایان جمع میکرد و دلیل که از سفر مان جمع کند و اگر بید که سنگ  
 انداخت و دلیل که بکراست از مال خود بچی چیزی دهد و اگر بید که کسی سنگ بر و انداخت و دلیل که بقدر آن مال یا به مغربی رحمة الله علیه  
 اگر بید که کسی سنگ انداخت و دلیل که بروی تمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی  
 مال دوم متری سیوم ختی در کار یا چهارم کسب برنج سنگ خواره مرغیت که سنگ ریزه میخورد و بن سیرین رحمة الله علیه

سنگ  
سنگ  
سنگ

سنگ

سنگ

سنگ

سنگ

اگر بینه که سنگ خاره گرفت و دلیل که در کار دشواری افتد و از آن خیر نمید یا او را بامردی ابله که افتد و اگر بینه که سنگ خاره از دستش ببرد یا در دستش برود دلیل که از کار دشواری و دشواری بزدی خلاصی یابد و اگر بینه که گوشت سنگ خاره خورد و دلیل که از کسب بدشواری چیزی بدست آرد و سواری کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سواری میکرد و دلیل که از پا داشت و اسب و سلاح و نعمت یابد و اگر بینه که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند و دلیل که برگردوی فرمان روانی یابد و اگر بینه که سواران مجبور از شملع دنیا چیزی بوی دادند و دلیل که او را کسی غریب نفعت رسد و اگر بینه که سواران معروف چیزی بوی دادند و دلیل که او را آشنائی یابد و سستی نفعت رسد و اگر سواران با جانم بود و بر سپاهان همچو کلین میند تا ویش به خلافت این بود و سواران مایهائی که خاندن در خواب سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الفاتحه میخواند و دلیل که عمرش دراز باشد و طاعت کارش ایمان بود و سوره البقره اگر بخواب بینه که سوره البقره میخواند این تاویل دارد و از شر دشمنان این گرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میان خلق سه تگ است گوی باشد و اگر در ویش باشد تو انگر دو و اگر چهار بود دشمنایا بد و اگر غمگین بود و نشاء و اگر دو بینه بود و از آن سوره آل عمران این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره آل عمران میخواند دلیل که از همه بدبها این گرد و پا نشود و عاقبت خیر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که آیه شهادت میخواند دلیل که بقضای حق بقالی راضی باشد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر او امی دارد بگذارد و مردم او را خیر دارند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که آیه قل الله صفا لک الملک در خواب میخواند دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او را گرد و سوره النسا این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سوره النسا میخواند دلیل که میراث یابد و خوشیشان و اهل بیت او بسیار شوند که تانی رحمة الله علیه گوید یا نعت بسیار شود و سوره المائدة جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که سوره مایه میخواند دلیل که شرف و بزرگی یابد که تانی رحمة الله علیه گوید خواندن سوره مایه و دلیل زیادتی مال و نعمت بود و تبرک آن گویند که خواندن سوره مایه در خواب بیل بصحت و سلامتی بود و سوره الانعام این سیرین رحمة الله علیه اگر کسی بخواب بینه که سوره الانعام میخواند دلیل که سعادت دنیا و آخرت یابد که تانی رحمة الله علیه گوید چهار یا پان بسیار حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با حسان و سخاوت و توفیق یابد و سوره الاعراف این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الاعراف میخواند دلیل که دیندار و مؤمن بود و عاقبتش محمود گرد و که تانی رحمة الله علیه گوید خواندن سوره اعراف در خواب بیل که که در طور راز باریست جعفر صادق رضی الله عنه گوید خواندن سوره اعراف در خواب بیل که خفته روی خوشند و گرد و امانتگاه دارد و سوره الانفال این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره الانفال میخواند دلیل که بخیر و صلاح بود و سوره التوبة این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره التوبة دلیل از گناه توبه کند که تانی رحمة الله علیه گوید سرانجام کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین گماند بود و سوره یونس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که سوره یونس میخواند دلیل که روزی از فراخ گردد و کارش برادر شود که تانی رحمة الله علیه گوید که کاروان یکجا و از روی دفع شود و بر غلبه جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفظ عبادتش نیکو شود و سوره هود این سیرین رحمة الله علیه گوید که در راه دین گمانه شود و سوره یوسف این سیرین رحمة الله علیه گوید که کاروان را اقبال یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین گمانه شود و سوره یوسف این سیرین رحمة الله علیه





سوره حم عشق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب رسته گردد که بانی رحمة الله علیه گوید تا پیش همین باشد جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید عمر مشهور از گرد و سوره الزخرف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت با  
کند و پیوسته روزه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود سوره الدخان ابن سیرین رحمة الله  
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند که بانی رحمة الله علیه گوید راست کوشی باشد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید توانگر گرد سوره الحاشیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحاشیه میخواند دلیل که توبه کند  
و بخواند تعالی بزرگوار جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سوره کار بد توبه کند سوره الاحقاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب  
که سوره الاحقاف میخواند دلیل که فغان مادر و پدر بجای آورد و کربانی رخ گوید با مادر و پدر چنان کند و عجاایب بیا بیند سوره فتح طایفه المؤمنین  
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره محمد علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر بید کر بانی رحمة الله علیه گوید انانیت و بلا امین گردد  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد سوره الفتح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الفتح  
میخواند دلیل که در همه باب و رافع و نصرت باشد سوره الحجرات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحجرات  
میخواند دلیل که مرد مرا بالقاب بخواند و غیبت نکند که بانی رحمة الله علیه گوید که آثار کس بخواید جعفر صادق رضی الله عنه گوید با  
مردم پیوند سوره الذاریات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره الذاریات میخواند دلیل که لطاعت و عبادت شوی  
گرد که بانی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای خود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی غریب گرد و سوره  
قاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد  
که بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر کس خود بهره یابد سوره الطور  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الطور میخواند دلیل که بر دشمن ظفر بید کر بانی رحمة الله علیه گوید که حق تعالی عز  
او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه مجاور شود سوره الحج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره  
الحج میخواند دلیل که حق تعالی جلع ملا رحمت بروی کشاده گرداند که بانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر بید جعفر صادق رضی  
عنیه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد سوره القم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره القم میخواند  
دلیل که بر دشمن ظفر بید کر بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مجاور شود  
کار نکند سوره الرحمن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل که از دوزخ و حرام اجتناب  
کند که بانی رحمة الله علیه گوید که سیرت نیکو و راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین جهان مال یا بد و در جهان  
نعمت سوره الواقعة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الواقعة میخواند دلیل که از کشتن توبه کند که  
رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند سوره الحی یا این  
رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحید میخواند دلیل که روزی برنج و سخی یابد که بانی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت

سوره الزخرف  
سوره الدخان  
سوره الحاشیه  
سوره الاحقاف  
سوره الفتح  
سوره الحجرات  
سوره الذاریات  
سوره القاف  
سوره الطور  
سوره الحج  
سوره القم  
سوره الرحمن  
سوره الواقعة  
سوره الحی  
سوره الحید

از سید و رضای خدا تعالی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین ستوده کرد و سورة الحجا و له ابن  
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحجا و له میخواند دلیل که او را با زمان خصوصیت افتد که مانی رحمه الله علیه گوید  
 که در راه دین با خلق حجا و له کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با اهل خود خصوصیت کند سورة الحشر ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد که مانی رحمه الله علیه گوید که صحت  
 او با و یزیدان و اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر ناید سورة الممتحنة ابن سیرین رحمه  
 الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الممتحنة میخواند دلیل که آزمایش کار برستی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که صحت  
 او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بخندنی گرفتار شود که هلاک و دران باشد سورة الصف ابن  
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الصف میخواند دلیل که در راه خدای عز و جل غرا کند که مانی رحمه الله  
 علیه گوید که پیوسته در رضای خدا تعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شهادت یابد سورة الحج  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحج میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را توبه روزی کند که مانی  
 رحمه الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد سورة المنافقون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة  
 المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافق توبه کند سورة التغابن ابن  
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد که مانی رحمه الله علیه گوید  
 که دستگیری ضعیفان بکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سورة الطلاق  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطلاق میخواند دلیل که بازمان گفتگوئی کند که مانی رحمه الله علیه  
 گوید که سیرت حق نگا دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند سورة التیجیم ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التیجیم میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر  
 توبه کند و در باشد سورة الملک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الملک میخواند دلیل که اورا خدا بگردانند که مانی رحمه الله علیه گوید که  
 محمود و باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد سورة القلم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب  
 بیند که سورة القلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد که مانی رحمه الله علیه گوید که با همه کس حسن کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید که خدای عز و جل او را علم روزی کند سورة الحاقة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة  
 الحاقة میخواند دلیل که فرضیه های خدا تعالی بگذارد که مانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید که بر جاوه شرع باشد سورة المعارج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المعارج میخواند دلیل  
 خیر و نیکی بسیار کند که مانی رحمه الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گزاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس بیم گنج  
 سورة النوح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النوح میخواند دلیل که توبه کند و تقایش محمود گردد

کرمانی رحمه الله علیه گوید که تا ویش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از معروف کند سوره الجن ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن این باشد جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که دیو پری حضرت او را رساند سوره فزئل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورت فزئل  
میخواند دلیل که ناز شب دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سوره مدثر ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک  
و راه راست یابد سوره القیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القیمه میخواند دلیل که بشهادت  
از دنیا برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تائب گردد سوره الانسان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب  
بیند که سوره الانسان میخواند دلیل که در ویش از اطعام دهد و رضای حق تعالی بخرد و جبل جوید کرمانی رحمه الله علیه که سوره  
و شک نعت توفیق یابد سوره المرسلات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المرسلات میخواند دلیل که  
از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد  
سوره النبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النبا میخواند دلیل که ترس کاره متوکل بود کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سوره النازعات  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کنن از مرگ نترسد کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت این گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از مرگ وحشت و خیانت نکند  
گرد سوره عبس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره عبس میخواند دلیل که بر مردم روی نرشد  
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که روزه بسیار دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سوره التکوین  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التکوین میخواند دلیل که از درد چشم نترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید  
که سفر بسیار کند از جانب شرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد این شود سوره الانفطار ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانفطار میخواند دلیل که از خدا ایستای ترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیل  
وی بآل دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد سوره المطففين ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المطففين میخواند دلیل که کیل و پیمان است و در کرمانی رحمه الله علیه  
گوید که رستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سوره الانشقاق ابن سیرین رحمه الله  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمالی در دست راست وی  
و هند کرمانی رحمه الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت به امان و صدق و بر وی آسان گردد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که نسلش بسیار گردد سوره البروج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره البروج میخواند دلیل

الله

سوره الجن  
سوره الفزئل  
سوره المدثر  
سوره القیمه  
سوره الانسان  
سوره المرسلات  
سوره النبا  
سوره النازعات  
سوره عبس  
سوره التکوین  
سوره الانفطار  
سوره المطففين  
سوره الانشقاق  
سوره البروج



که در دنیا اند و گویین باشند و ثابت کاش محمود و در کانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع اندرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه  
وید که از آنها پنج یا بدسوره الطارق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الطارق میخواند دلیل که او را فرزند صالحی  
آید که کانی رحمة الله علیه گوید او را فرزند بی خبری آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سبب فرزند مقبل و خرم شود سوره الاعلی  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تسبیح بسیار خواند و کانی که در دنیا بشنید تسبیح خوان  
کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار و شتاب بروی آسان گردد و سوره الفاتحه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
بیند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که از قبول قیامت ترسد و توبه کند و از آن ترس این گردد که کانی رحمة الله علیه گوید که در فضای  
حق تعالی غرق جل ثابت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل و بزرگ شود و سوره الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر خواب بیند که سوره الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد و کانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام گذارد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که بهیبت و شکو و کم شود و سوره البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که صفت  
و ادب بر او واجب باشد و دوست دارد و کانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر  
خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که از آفات بلیات امن گردد و سوره الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
بیند که سوره الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلا ناپسین گردد و سوره الليل  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الليل میخواند دلیل که سالیان از من گذرد و کوفه مال بدسوره الضحی ابن  
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الضحی میخواند دلیل که چیزی بجا آیند گان بدو جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریب را  
فرزند دارد و سوره الم نشرح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد  
و کانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یا بدسوره التین  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره التین میخواند دلیل که نیکو سیرت و خبری و خوب کردار گردد و کانی رحمة الله  
علیه گوید که در خیر و نفع است یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد و سوره العلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
بیند که سوره العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند و کانی رحمة الله علیه گوید که عالم و ضعیف گردد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود و سوره القدر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القدر میخواند دلیل که از دنیا بپای  
نزد و ثواب شب قدر یا بدکافی رحمة الله علیه گوید که در عرش دراز گردد و مراد یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدش عالی گردد  
و سوره البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که با توبه از دنیا برود و کانی رحمة الله علیه گوید که در  
راه خیر و صلاح وارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که همین تاویل دارد و سوره الزلزال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که  
الزلزال میخواند دلیل که او را کسی کاری خیر و عمل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران بپاک کند و سوره  
الحادیات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الحادیات میخواند دلیل که اهل بیت او را دوست دارد

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب بیند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که از قبول قیامت ترسد و توبه کند و از آن ترس این گردد که کانی رحمة الله علیه گوید که در فضای حق تعالی غرق جل ثابت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل و بزرگ شود و سوره الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد و کانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام گذارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بهیبت و شکو و کم شود و سوره البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که صفت و ادب بر او واجب باشد و دوست دارد و کانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که از آفات بلیات امن گردد و سوره الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلا ناپسین گردد و سوره الليل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الليل میخواند دلیل که سالیان از من گذرد و کوفه مال بدسوره الضحی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الضحی میخواند دلیل که چیزی بجا آیند گان بدو جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریب را فرزند دارد و سوره الم نشرح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد و کانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یا بدسوره التین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره التین میخواند دلیل که نیکو سیرت و خبری و خوب کردار گردد و کانی رحمة الله علیه گوید که در خیر و نفع است یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد و سوره العلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند و کانی رحمة الله علیه گوید که عالم و ضعیف گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود و سوره القدر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القدر میخواند دلیل که از دنیا بپای نزد و ثواب شب قدر یا بدکافی رحمة الله علیه گوید که در عرش دراز گردد و مراد یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدش عالی گردد و سوره البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که با توبه از دنیا برود و کانی رحمة الله علیه گوید که در راه خیر و صلاح وارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که همین تاویل دارد و سوره الزلزال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که الزلزال میخواند دلیل که او را کسی کاری خیر و عمل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران بپاک کند و سوره الحادیات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الحادیات میخواند دلیل که اهل بیت او را دوست دارد

کرمانی رحمه الله علیه گوید که بعضی از او و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خاکستد و منظر گرد و سورة القارعة  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة القارعة میخواند و دلیل که در قیامت تر از وی اعمال  
وی از گردانیت گران آید کرمانی رحمه الله علیه گوید که در کار خیر که شد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هر مردی که امری دارد و چون  
الشکاشرا بن سیرین رحمه الله علیه گوید که هر کس که سورة الشکاشرا میخواند و دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمه الله علیه  
گوید که او را با قومی در بخ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدارد سورة العصر ابن سیرین رحمه الله علیه  
گوید که اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند و دلیل که در کار با صابر و شکلیا بود کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زانی رسد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود سورة الهمز ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که صور طاهره  
دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم و شناس گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که کمال حریص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که در راه خدا یتالی مال نفقه کند سورة الفیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الفیل  
میخواند و دلیل که ظالمیاری و دیگر کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر دشمن نظر نماید و مرادش حاصل گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
که بر دوست وضعی بر آید و بر دشمن نظر نماید سورة القریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند  
و دلیل که از ترس بیم این گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را فضاحت کند و راه دین جعفر صادق رضی الله عنه  
عنه گوید که با خلق همان کند سورة الماعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون میخواند و دلیل که  
گناه گرد کرمانی رحمه الله علیه گوید که حذر باید کرد از صحبت بد و بی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن نظر نماید سورة الماعون  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون میخواند و دلیل که مال نعمت یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید که از بزرگان عطا  
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سورة الکافرون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که  
سورة الکافرون میخواند و دلیل که براه دعوت رود و دنیا مغرور گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که اجل و فراسیده باشد زیرا که چون این وره نزل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آخر عمر بود سورة  
التصیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة النصیر میخواند و دلیل که در راه خدا یتالی متوکل گردد سورة التبت  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة التبت میخواند و دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدا یتالی خلاص  
گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زنی بد کرد و او را باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هر کسی که بدی وی کرد و سورة خلص  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الاخلاص میخواند و دلیل که در راه دین متوحد و یگانه گردد و توفیق طاعات  
کرمانی رحمه الله علیه گوید که با کت دین و نیک هم قرار باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یابد و عیش و  
خوش گردد سورة الفلق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند و دلیل که جاد و بروی کار نکند  
کرمانی رحمه الله علیه گوید که از شر دیگران این گردد سورة الناس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الناس

سورة القارعة  
سورة العصر  
سورة الفیل  
سورة القریش  
سورة الماعون  
سورة الکافرون  
سورة التبت  
سورة الاخلاص  
سورة الفلق  
سورة الناس

میخواند و لیل که در احتیاجی از چشم بنگاه دارد و روزی بروی فراخ گردود اگر بیند که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم میگفت  
و لیل که مال و خرمسته یا بد اگر خواب بیند که آتی از آن میخواند تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی سوزن این سیرین  
رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوزن و هشت و چیری و دخت لیل که شغل های بر آگنده بوی جمع شود و جفتش روا شود در کانی  
رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که جاسه مید و دخت لیل که احوال و نیکو گردود اگر بیند که سوزن او کشته و لیل که احوالش بد بود مغرب  
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی حوزنی بوی بخشد و لیل که کس شقی احوال و باشد و اگر بیند که سوزن بسیار و هشت و لیل که خیر صلاح  
کار او بود سوسمار این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسمار ویرانگر بد و لیل که مضرت یا بد و اگر بیند که سوسمار را  
و لیل که دشمن را تهر کند که مانی رحمة الله علیه گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب و لیل بر منفعت بود که بوی رسد و اگر بیند  
که سوسمار در خانه دی بایک کرد و لیل که از خانه دی آواز بشنود بر آید سوسون این سیرین رحمة الله علیه گوید سوسون در خواب  
بوقت خود و دیدن لیل که چیزی بوی رسد و او را فرزندی آید و بی وقت دیدن و لیل بر عظم و اندود و اگر زنی بیند که سوزن  
از دخت بکشد و بنجام و او و لیل که غلامش بگریزد و کمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دشته سوسون بود و لیل که  
میان ایشان گفتگو فی خیر و مغرب رحمة الله علیه گوید که دخت سوسون در خواب کیترت بود و سوسون این سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر بیند که سوسون خورد و لیل که کاری نیک بر دست وی بر آید یا ماتی گذارد یا خیراتی کند و از آنچه میترسیدین گردود اگر بیند  
که سوسون بد و رخ خورد و لیل در چشم خدا تعالی بود و در رحمت فخر تو به کند و در اوم عرق نشود و از پادشاه زین بیند که سوزن  
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوسون خورد و لیل که او را تو به باید کرد و از کناه و خطا تا سنگار شود و اگر بیند که سوسون بد و رخ  
خورد و لیل که دیش تباه شود و اعتقادش خلل پذیرد و قوله تعالی و یخلفون علی الکذیب و هم یعلمون ه  
مغرب رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسون خورد و لیل که اندوه و مضرت بیند سوراخ این سیرین رحمة الله  
علیه گوید اگر خواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد و لیل که انداز یا شاه آگاه گردود و اگر بیند که در اندام وی سوراخی  
بود و از آن جن میرفت و لیل که او را زبانی رسد و مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود و لیل که انجیال  
خود نا امین بود و اگر بیند که در سنگی سوراخ میکرد و لیل که در مسلمانان پایدار بود و اگر بیند که در دختی سوراخ میکرد و مالیش  
بخلاف این بود و مقبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود حکایت در خبر است که مروی پیش امیرالمؤمنین  
ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت خواب دیدم که از سوراخی که چاکت کاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که با  
سوراخ رود و نتوانست رفت گفت آن سوراخ دهن است و آن کاو سخن است چون گفته باز بجای خود زد و سوسون  
در حرف میسبایان کنیم سبیل این سیرین رحمة الله علیه گوید سبیل خواب دیدن چون سبیل باشد و لیل بر فرزند بود و چون  
باشد شغفت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازار کان بود و چون زرد بود سوسون بود و لیل  
بر بیماری رسید بود و اگر بیند که سبیل سبیل بد و نیم کرد و لیل که شرکت با کسی که دار و از وی جدا شود

سوزن

سوسمار

سوسون

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

و اگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز کرد و خورد و دلیل که او را و خیری آید که آنی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب لیل خیر بود و اگر سیب  
 ترش بود و دلیل خیر ناخوش باشد و اگر بیند که سیب شیرین بود و دلیل که خیر خوش شود و انیال هدایت السلام گوید اگر خواب بیند که  
 سیب داشت و خورد و دلیل که نفع یابد و سبب همت بیند و خواب باشد و شغل و صفت وی و اگر پادشاه سیب خواب بیند  
 و دلیل که مملکت یابد و اگر بزرگان بیند و دلیل که تجارت نیک باشد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب بر همت و جود  
 یکی فرزند و دم منفعت سوم بیماری چهارم نیز که پنجم مال ششم فرمان روانی هفتم همت خداوند خواب و خبر غایب و حاضر  
 سیمین سیرین رخ گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود که آنی رخ گوید خوردن سیر در خواب خبر زشت بود که آنی سیر و دم بیند اگر بیند که سیب  
 و دلیل که آنی زشت شود که مغربی رخ گوید که سیر در خواب برنج و گرسنت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب  
 برنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیدم غم و اندوه چهارم گرسنت جسم سختی دیدن سیری ابن سیرین رحمة الله علیه  
 اگر کسی خود را در خواب سیری بیند و دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خود را گرسنه بیند و دلیل که معصیت  
 کند که آنی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب گرسنت که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود  
 از وی مزاج برنج آید سیرین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سیری داشت و دلیل که هوش بخیزد و نیکی منتشر گردد و اگر بیند  
 که در زمین ناوسفره بود وقت خود و دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند و دلیل بر حضرت باشد سیکی ابن سیرین رحمة الله علیه  
 علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیکی شد و دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سیکی میخورد و دلیل که بقدر آن  
 مال حرام یابد و اگر بیند که سیکی می بخت و میخورد و دلیل که مال حرام برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیکی بسیار داشت  
 و دلیل که بقدر آن از دهقان منفعت یابد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیکی می بخت و میخورد و دلیل که مالی یابد که بعضی حلال  
 باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیکی می فروخت و دلیل که چیزی حرام فروشد و با دهد و سیکی خوردن خیر نباشد و مالی  
 و دلیل بر غل بود و سیکی خرما غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیکی در خواب برسته وجه بود یکی مال حرام دوم  
 تنگی کردن سیدم لغت اینجا می و سیکی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند سیل ابن سیرین رحمة الله علیه  
 سیل خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر خواب بیند که سیل از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد و دلیل که بر دشمن  
 یابد و غم و اندوه می کم شود و اگر بیند که از سیل می بخت و دلیل که از دشمن بگریزد که آنی رحمة الله علیه گوید سیل در خواب در یاب  
 سیر غم و اندوه بود و در یاب کرم سیر و دلیل بر منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پسین بیند و نداند که این سیل از کجاست  
 و دلیل که خس بجانده و ثانی غنای بدان و بار فرستد قوله تعالی فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از متجربان گویند که چون خواب  
 بیند که سیل جانی خراب میکند و دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس بریم هماره بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیل در خواب  
 بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه شکر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی بسیار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
 اگر خواب بیند که در معدن سیلاب درون شد یا از آنجا سیلاب برگرفت و دلیل که زلزل و کار بافته و اگر بیند که سیلاب بغزوخت

دلیل که از مکر و حیلت زن این کرد و اگر بینه که در چشمه سیاه عرق شده دلیل که زمان بروی خا و کند سیم این سیرین رحمة الله علیه بود  
 بسیار مردم باشند که در خواب سیم بیدار می شود و بسیار بود که در خواب سیم بیدار می شود و بسیار بود که در خواب سیم بیدار می شود و بسیار بود که در خواب سیم بیدار می شود  
 مای مختلف کرمانی رحمة الله علیه که در سیم در خواب خبر است باشد و سیم شکسته خبر و رخ باشد اگر سیم در کینه بود دلیل که  
 کسی پیش او و بعضی هند و انبال علیه السلام که دیگر کاسه یا آفتابه با پشت سیمین خواب بیدار می شود بی اندازه آلات سیمین بیادش دلیل که  
 آن کج یابد و اگر بینه که از معدن سیم پاره بیافت دلیل که از آذین زنی خواب و سیم پاره در خواب بیدار می شود که در خواب و سخن نشسته بیدار  
 سیمین این سیرین رحمة الله علیه که دیگر در خواب سیمین بیدار می شود که با مردی خوش طبع بزرگوار دوستی کند و اگر سیمین پاره بیدار  
 دلیل که زنی با جهان خبر می بود و اگر بینه که سیمین با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر بینه که با سیمین جنگ میکند دلیل که  
 با مردی بزرگ خصومت کند و اگر بینه که گوشت سیمین می خورد دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال بیدار کرمانی رحمة الله علیه که دیگر بیدار  
 که سیمین پاره گوشت دلیل که و شیرگی و ختری بستاند و اگر بینه که سیمین از دست وی بزد دلیل که زنا علق و دود و اگر بینه که بچه سیمین  
 گرفت دلیل که او را غرق نهدی ابله آید مغربی رحمة الله علیه که در سیمین در خواب پادشاه بود و اگر بینه که سیمین در کوه خفه فرود آمد و اهل کوه  
 سیمین را بکشند دلیل که پادشاه آذین را بکشد و اگر بینه که از سیمین میترسید دلیل که پادشاه او را عطا و به سیمین این سیرین رحمة الله علیه  
 علیه گویند که سیمین در خواب شریعت بود و قوله تعالی **أَفَنُشْرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ** اگر خواب بیدار می شود و بی فراخ  
 شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر بینه که سیمین وی تنگ شد دلیل که در دیش خلل بود و اگر بینه که بر سیمین وی خطی نشسته  
 بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بینه که بر سیمین وی خطی نبود نشسته بود دلیل که در دین او خلل افتد و بی شهادت می رود و اگر  
 بیدار می شود از سیمین موی سترده بود دلیل که وایش گذارد شود و مغربی رحمة الله علیه که دیگر بینه که سیمین وی دم گرفته بود چنانکه دم نشسته  
 زدن دلیل که دین و دنیا بروی کشاده شود و اگر بینه که سیمین وی کرم بود و باقی اندام سر و دلیل که دل او متعلق کسی بود و انبال علیه السلام  
 گوید اگر بینه که سیمین او تنگ بود دلیل که تنگدل گردد و اگر سیمین خود فراخ بیدار می شود که خرم و شاد گردد و بعضی معتبران گویند اگر کافری سیمین  
 خود را فراخ بیدار می شود مسلمان شود **فَمَنْ يُؤْمَرْ بِاللَّهِ أَنْ يُكْفِرَ بِهِ فَكَفَرْنَا لَهُ** **لِلْإِسْلَامِ** جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید دیدن سیمین در خواب بر بخت و چه بود یکی حکم و حکمت دوم سخاوت سیمین ایمان چهارم کفر پنجم ایمان ششم مرگ هفتم غم  
**حرف الشین** شادی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیدار می شود و اندوه بود و اگر بینه که کسی شادمان  
 شد دلیل که از آنکس غم و اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و خرم بیدار می شود که حالش نیکو گردد و دو خوشش بسعادت بود و چهارم  
 رضی الله عنه گوید اگر خواب بیدار می شود بی سبب شادمان بود دلیل که اجلش فرا رسیده بود و قوله تعالی **حَتَّىٰ إِذَا فَرَغُوا مِنْهَا أَوْ تَوَلَّوْا الْخُلَافَ**  
**بِقَبْضَتِهِ** شاد و روان این سیرین رحمة الله علیه گوید شاد و روان از فراخ در خواب اگر بیدار می شود و دانست که ملک دست دلیل  
 بقدر بزرگی و فراخی آن همیشه و عمر دوازده یا ده و اگر بینه که بشاد و روان با دوستان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل که مال  
 و داری عمر و روزی بود و اگر بینه که در جایگاهی بیگانه از بهر و شاد و روان کسره بودند و ندانند که شاد و روان از آن کیست دلیل که او را

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

در خواب

دری متغیر گردد و در غایت بیدار و اگر شاد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 بر خور گرفته بود و لیل که از جای خود بجای بگانه رود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 گفت و لیل که آنرا در بدو رخ ستایش کند و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 که شاد و آن گسترده بود و لیل که بر روی عمر و سادگی کار بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیدار و لیل که بر روی او تنگ شود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 و کج خانه و لیل که دولت و اقبال خود تنها کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 و نیا شغل گردد و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 و اگر شاد و آن سپید بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 در جایگاهی مجهول افکنده بود و لیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 خانه را روی و لغت بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 و لغت حاصل کند جوهر مفاد و رضی الله عنه گوید و در آن در خواب بر چهار وجه بود یکی روی حلال و هم عمر  
 منفعت چهارم معیشت شاخ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و در آن در خواب بر چهار وجه بود یکی روی حلال و هم عمر  
 فرزندان و خویشان سپیده خواب کند و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 او بسیار گردد و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 کند و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 باز گردد و رانی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 بخرد و لیل که بقدر آن مال فرزندان خود داشته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و در آن در خواب بر چهار وجه بود یکی روی حلال و هم عمر  
 و اتفاق باشد اگر خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 علیه گوید اگر خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 باران موافق در کار خیر باشد و موای را شانه کردن یا فتنه را و بود و شانه تراش مردی بود که غم و اندوه از دلش بر دوام گلبان  
 و بعضی متبران گویند که مردم خواب روی باشند که از دیدارشان چشم روشن گردد و شانه آدمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و شانه  
 آدمی در خواب بدین زن بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 زنی حاصل شود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 بود و لیل که در آن سال پنج بسیار بود و اگر بخلاف این بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار  
 آفت و بلا باشد و اگر در آن سرخی و یا سیاهی بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و آن کوچه در خواب بیدار و لیل که بر روی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیدار نشد و رانی بیدار

در خواب

در خواب

در خواب



در این

در این

در این

در این

در این

در این

در این

در این

در این

در لیل که خوش و ضعیف باشد و اگر میند که پیشین بسیار بروی جمع شدند و او را میگردانند و لیل که در زمان مردم افتد یا او را نقصان مال بود  
 اگر پیشین مردم بخورند و خون بنا و لیل بود ششپشت این سیرین رحمة الله علیه گوید ششپشت جانوری بود که در تابستان در بهشت  
 پیشین و پوستین افتد و تبا و کند و بر سوسن هم خوانند و بدن وی بسیار بود و اگر میند که ششپشت جانوری بخور و لیل که در مال او  
 نقصان افتد و اگر میند که ششپشت بسیار پیشین تبا و کرد و لیل که از خانه وی دزد چیری بر و اگر میند که ششپشت بخت و لیل که در در را بگیرد  
 و مال بسیار بد ششپشت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب میند که ششپشت یا بخورید و سوراخ کرده بود و لیل که او را دزدی آید  
 و اگر دزدی بد شک شود و دیدن ششپشت بود و سیاه خیزی نبود و مغربی رحمة الله علیه گوید ششپشت بسیار خوب و دیدن لیل بخیر و منفعت  
 کند و بعضی گفته اند که ششپشت زرد و لیل بر بیماری بود و ششپشت فتن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که بجاری می شست و لیل که از  
 آشکار پیشانی یا بد و اگر میند که از این پیشان شد و ششپشت فتن و لیل که در آشکار شتاب کند مغربی رحمة الله علیه گوید در همه کاری شست  
 و لیل در ناک بود و در ناک لیل شست فتن بود و ششپشت لنگ یا فتن در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بخواب میند که با شتاب لنگ  
 بازی میکرد و با ناک و ششپشت می داشت و لیل که او را خصومت افتد و اگر به بکام بازی خاموش بود مال حرام یا بد شرباب این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید خوردن شربابانی که بطعم شیرین بود چون شرباب سلب و شرباب ناز و شرباب ترنج و مانند این شرباب و عید بود  
 یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر در از پنج پیش خوش ششم ذکر حقایق اما شربابها نیکه بوی آن ترش بود چون  
 شرباب یواس و شرباب لیمو و شرباب ترنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود اما شربابها که تلخ باشند چون  
 شرباب مورد و شرباب زوفا خوردن آن در خواب لیل بر فایده دین و دنیا بود و اما شربابها نیکه بطعم معتدل و خوشبو  
 بود چون شرباب عود و شرباب بنفش و شرباب کل خوردن آن در خواب لیل بر خیر و خوشی بود و دستا این که مغربی  
 رحمة الله علیه گوید شربابها نیکه از برای دار و خوردن در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچه بخت دار و بکار ندارد و لیل بر صلاح و خیر  
 دنیا و وی کند شربابی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب میند که شرباب بخورید و لیل که کینک بخور و معتبران گویند که شرباب  
 در خواب خادم خانه بود و اگر میند که شربابی وی بشکست یا صنایع شد و لیل که کینک یا خادم و بمید و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید دیدن شربابی در خواب بر نر و وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کینک چهارم قوام دین پنجم صلاح  
 دنیا ششم عمر در از هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زمان شرم این سیرین رحمة الله علیه گوید شرم از  
 ایمان باشد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود **اَلْحَيَاءُ مِنْ اَكْلِ اَيِّمَانٍ** مغربی رحمة الله علیه گوید اگر  
 میند که در کاری شرم داشت و لیل که در آشکار خیر و صلاح بود و زیادتای ایمان و شرم داشتن از کاریکه در آن شرم بود  
 و لیل بر نقصان ایمان بود ششپشت این سیرین رحمة الله علیه گوید ششپشت در خواب باب جوی و کار بر و حوض و در راه  
 بر نجات از غم و اندوه اگر این خواب محسوس میند و لیل که از زنان خلاصی یابد و اگر وام دارد و همش گذاره شود و اگر  
 بیمار میند شفا یابد و اگر تن خود تمام شست و لیل که کارش تمام نشود و کراتی رحمة الله علیه گوید اگر میند که مرد خود را



خواب

شست لیل که در ایشان اواز غم و اندوه خلاصی یابند و اگر بیند که بآب شور خود را می شست لیل که برخی بوی رسد و اگر بیند که جانها پاک  
 بآب چکین می شست لیل که بر تپای کار و فساد وین بود و اگر بیند که بآب سرود یا بآب چکین خود را می شست لیل که توبه کند مغفرت  
 شستن بآب سرود بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم اینی از ترس شستن بآب کرم غم و اندوه  
 بود و دست و روی شستن و خواب بر سه شست وجه بود یکی حصول مراد و دوم شفا از بیماری سوم یافتن مال چهارم حج و عجم  
 ششم همین هفتم دین پاک هشتم زوا شدن حاجت نهم این سیرین رحمة الله علیه که پیشش در خواب بنامی و خرمی بود و اگر بیند  
 که کسی شش بدو داد و آنکس معروف بود و لیل که از وی خرمی بیند و اگر او شش بمسی داد و لیل که خیر بدانکس رساند مغفرت  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شش خام یا پخته می خورد و از جانور که گوشتی حلال بود و لیل که بعد از آن مال حاصل کند شش  
 بن سیرین رح گوید شش با فتن و خواب بتان و سخن و روض بود و اگر بیند که شش باخت خضر علیه بود و لیل که به اهل کسی را بخند  
 و بهتان کند مافی رح گوید اگر بیند که شش مخی باخت و لیل که جنگ سازخت کند و بخت آن گویند که شش باختن خیر و منفعت بود  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شعر یا غزل چنانچه می خواند یا کسی یا بچوی میخواند و لیل که سخن باطل گوید بقره تنک و التضرع  
 یشعرو الخافون اما اگر توحید یا ذمت یا سخن حکمت میخواند پسندیده بود و بقره کار نشود و شغال این سیرین رح گوید اگر بیند که  
 شغال میکشد و متحیر بود و نتوانست گرفت لیل که بیمار شود و اگر بیند که شغال باری بازی کرد و لیل که بر تری عاشق شود و اگر بیند  
 که گوشت شغال می خورد و لیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر وام دارد و هوش ندارد شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب با او  
 شغال او این سیرین رح گوید شغال او و خواب اگر زود بود و لیل که بیماری بود و اگر گرفت باشد مضرت کم شود و اگر بیند شغال او سیرین  
 در و بنو و کنیزک باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شغال او و خواب سیرین رح گوید  
 کنیزک دوم سپهر سیدم علت چهارم مال خیم منفعت از قبل مردی غریب اگر بیند که استخوان شغال او بشکست و بجز روض و لیل  
 بر غم و اندوه بود و اگر سیرین بود و لیل که از وی بی اصل بقدر آن مال منفعت یا بدشکار کردن این سیرین رح گوید اگر بیند که سگ  
 یا کوهی یا غرور یا مانند این شکا میگرد و گوشت وی می خورد و لیل که بی بود و اگر بیند که شکا بفریاد لیل که غمی باشد  
 که مافی رح گوید شکا ریکه بدام گیرند یا بجایه طلبند و لیل که زبان بود و بعضی سخنران گویند که شکا گیر و خواب چوینده معاش بود و  
 این سیرین رح گوید پاره شکر و خواب سخن لطیف بود یا بوسه که کسی بد چون فرزند و برادر و دوست اگر شکر بسیار بود و لیل  
 مال و روزی حلال بود و مغفرت رح گوید شکر بسیار کرده بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد و شکر  
 رضی الله عنه گوید شکر و خواب سیرین رح و وجه بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزندان عجم مال شکر کردن  
 این سیرین رح گوید اگر بیند که شکر خدا تعالی گذارد و لیل درستی بین و قوت جاه و مال بسیار و ده و جهانی بود و قول تعالی  
 لا یغفر الله له الذنوب الا الذین یؤمنون و یعملون الصالحات این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بشکست و لیل که بعد از آن رازبان رسد و اگر  
 که شکستان و دیگری بود و لیل که منفعت آن بر بسته باز گردد و اگر بیند که اندامی از اندامی دی شکست و لیل غم و مصیبت باشد

شستن

خواب

شستن

شستن

شستن

شستن

شستن

شستن

شستن

حرف الشیخ

حرف الشیخ

حرف الشیخ

حرف الشیخ

حرف الشیخ

حرف الشیخ

اندام تعلق دارد و بود اگر میندک از آلات چون چنگ در باب طنبور و نای چیزی بکشت دلیل بخوری بود شکم در تپه سیران سرقل است  
و انیل علی السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود که کافی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب لیل بر خوشان باشد  
اگر میندک شکم وی بزرگ شده دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خوشان کند و اگر میندک شکم وی کوچک بود و از پوست و بی چیزی  
نقصان شده دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر میندک هر چه در شکم بود جله بیرون آمد و بشت و یا زجای بنا و دلیل که حال و شکم  
شود و مقصدش حاصل گردد و اگر وی میندک از شکم وی فرزند بیرون آمد دلیل که از قبل وی کسی پیداید که این بیت را در جامه و  
بغیر از مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را ماسیده میندک دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافه میندک  
او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته میندک دلیل که او را از قبل عیال ام افتد و اگر کسی شکم خود موی ستره میندک  
بسیار گردد و او مالش گذارد و شود و اگر کسی میندک سوراخی در شکم داشت دلیل که عیال مال او بخورد و جحفه صادق رضی الله عنه گوید شکم  
بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینة سیوم نظام عیش چهارم فرزند شکم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکم در خواب از جانی  
که گوشت و حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر میندک شکم بر سر گین بود دلیل بر مال حرام بود و اگر میندک شکم بختی خور و دلیل  
خیر و منفعت میندک شکم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکم در خواب لیل بر خاری و پچاری بود و اگر بخواب میندک او را از خیر  
المی رسد و دلیل بر بهمن بود و اگر میندک او را از شکم رحمت نرسد تا ویش بخلاف این بود و اگر میندک پادشاه او را از شکم دلیل  
که او را پادشاه کند میندک شکم و درختان شکم و درختان تباویل بود و شکم بیش بهتر بود و شکم و درختان تباویل کمتر از شکم و شکم بود  
و گمان در خواب عروسی نیکو بود و شکم و درختان بقدر کوتاهی بلند و درخت نخل لطیف بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میندک شکم شکم  
درختان بجز دراز کردی که بدان درختان نسبت دارد نخل لطیف شود و از ایشان خیر و منفعت میندک و اگر میندک شکم فومی بود دلیل که مرد  
او را مدح و ثنا کند میندک شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میندک اندامی از انا و شل شد و کج خانه افتاد و در فتنه است خوشی دلیل که از  
کارهای بد بود که در شر و زور و دام دارد و اگر میندک خواب پسند بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میندک اندامی از  
اندامهای او خسته بود دلیل که از خوشی که بدان اندام نسبت دارد آفتی رسد شلغم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اندام  
بود و اگر میندک شلغم کسی داد دلیل که بد آنس بچ رسد از مغربی رحمة الله علیه گوید شلغم بختی در خواب باز خام بود که کافی رحمة الله علیه گوید  
اگر میندک شلغم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندام خلاصی یابد شلوار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلوار در خواب کثیر که عجبی بود و بار  
وون که بخوابد و اگر میندک شلوار بخورد و بپوشد دلیل که کثیر که عجبی بخورد و اگر زنی میندک شلوار پوشیده بود و دلیل بر زنی سقیم بود و اگر  
که او را شلوار پوشیده اند دلیل که او را خاکی زیادت شود و اگر میندک شلوار از نیافت دلیل که خاکی نیاید و اگر میندک شلوار از چکین است  
دلیل که عقوبت از حق تعالی محروم است یا بد قول تعالی سکر یا یلهم من شکر این و لغشی و جوههم انما و اگر میندک شلوار سرخ و پایی را  
دلیل که زنی با حرمت یابد و اگر میندک شلوار زرد و شست دلیل که بیمار شود و اگر میندک شلوار سبز و شست دلیل که مرد و او را طاعت کند و اگر  
شلوار از گین نیکو باشد اگر زنی میندک شلوار نو خرید دلیل که شوهر کند و اگر میندک شلوار روی گشته دلیل که کثیر که خاکی بخورد و اگر میندک شلوار



خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

بود و دلیل که زنی از اصل کبار خواهد و اگر بیند که شمعندان از اصل قوی خواهد و اگر بیند که شمعندان از اصل  
 زنی از مردمان عاصه باشند که زنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمعنی فروخته و بر دست داشت ناگاه بر درش پیرو و اگر بیند که شمع  
 در دست داشت و کسی بکشت و دلیل که آنکس حسد بر او برد و اگر بیند که روشنی شمع کم شد دلیل که عز و دولت او کم شود و بنیال علیه السلام  
 گوید که اگر بیند شمع فروخته و در دست داشت دلیل که اگر زن دارد و او را پسری آید و اگر در شهر می شمعهای فروخته بسیار بیند دلیل که پاد  
 آنجا عادل داد که باشد و قاضی منصف و دانشمند و نایب و خوری در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند دلیل که مردمان آن موضع  
 بطاعت و تقوی مملو باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم غنی سوم  
 فرزند چهارم عوسن پنجم فرمان روائی ششم مستری هفتم سرای هشتم شادی نهم تو انگری دهم علم یازدهم عیش و بازی دهم  
 سیزدهم زن چهارم دلیل بر بیند شمشاد و کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید شمشاد کردن در خواب در آنجا فی طلب  
 کردن بحیثیت تدبیر بود و اگر بیند که در آنجا شمشاد و غرق شد دلیل که در آنجا غرق شود که زنی رحمة الله علیه گوید اگر  
 که در دریا شمشاد و کرد و بکنار نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بیند که شمشاد کردن بر روی آسان بود دلیل  
 که کار وی آسان گردد و اگر بیند که شمشاد بر روی دشوار بود و دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر کند و در میان دست  
 و اگر بیند که آب غلبه کرد و در میان آب برود دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بیند که از غرق شدن امان یافت دلیل که از خصمان  
 ایمنی حاصل می یابد و در کار آخرت در آید و اگر بیند که آب و از زمین فرو برد دلیل که او غنی پیش آید و اگر بیند که از زیر زمین  
 آمد از غم فرج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دریا شمشاد و بیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از دشمنای پادشاه خلاص  
 یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تا ویش باز نماند بود و اگر بیند که از روی بزرگ شمشاد و بکنار آمد دلیل که از دشمنی بزرگ رستگار  
 و اگر بخلاف این بیند دلیل که در آنجا شمشاد و بیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از دشمنای پادشاه خلاص  
 بیند که شمشاد و داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخواب بیند که شمشاد و دلیل که بیمار شود و اگر بخواب بیند که شمشاد و  
 می نگاشت دلیل که بطل و دنیا فریفته شود و اگر بیند که شمشاد و چیزی می نشست اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل که نیکوئی بود و اگر  
 بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد شهادت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهادت بر می آورد و دلیل که از غمنا  
 فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مصلح بود و بیند که شهادت بر می آورد و دلیل که بوقت مرگ شهادت  
 یابد و اگر بیند که مضرت یابد و دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیند که خواب مشرک بود و دلیل که مسلمان گردد و عاقبت  
 شهادت بلوط این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت میخورد و دلیل که غمگین گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر  
 بیند که شاه بلوط داشت یا بکسی داد و دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد شهادت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 شهادت با موم بود و تبارک و تعالی میراث بود یا غنیمت حلال بود و اگر بیند که شهادت داشت دلیل که بقدر آن از حاجی ثیرات حلال یابد  
 که زنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهادت داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که از آن شهادت مردمان

و میخوردند و دلیل که مردم از علم او خاییده یا بنده و اگر خلاف این بیند منفعت نیابد و معتبران گویند که شهید دلیل بر قربان  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهید دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود  
شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی بتواری بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند  
که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب  
بر سهفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم علم چهارم قوت دین پنجم منی ششم طهارت هفتم بخت و دلیل بر ستواری کار  
شهر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که در پیش قوی گردد و اگر کاری در پیش دارد تمام شود و بعد  
برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تا ویش بخلاف این بود اگر کسی خود را بیکنگه یا بر روی  
شهر بیند دلیل بر بلاک او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زلزله اطلاق دهد و زن وی متشوی دیگر بکند و اگر بیند  
که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تفرق کرد دلیل که از دین رستگین  
باطل گردید و باشد که تنی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر بر فتنی بیند دلیل بر قتل و تکی بود و اگر در شهری سرد سیر بیند  
فراخی و از زانی نجات بود و اگر بیند که در شهری رفت و آتش را و را خوش آمد دلیل که عروجه یابد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت  
دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که از شهر بر روستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید و قوله تعالی و تَنَالُوا الْوَسْطَانَ هَذَا الْقَوْمُ  
الظَّالِمُ أَهْلُهَا و اگر در شهری گمشده بود و تا پیش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آتش فتنه و غلا  
و اگر بیند که زنان در آستانه شهری رفتند دلیل که در آند یا رنجمت فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلا  
پادشاه آنجا در و نذر بر اهل آنجا ظلم بپایان کند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ناخوش  
و اگر در خواب در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب غربی رخ گوید اگر خواب خود را بشهر چند و ستان بیند  
دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن خلفه یابد و اگر خود را در شهرهای بلغاری و سقلان بیند  
که بروی ضیانت بود و کار با بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراءالنهر بیند دلیل که عروجه یابد و پنهانی یابد و اگر خود  
را بخوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند دلیل که دولت کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای  
خراسان بیند کار او با آسانی تمام گردد و اگر خود را در شهر فارس بیند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را در شهر  
کرمان بیند دلیل که محالش بسپارد و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهرهای بیند دلیل که سگ  
و امینی بود و اگر خود را در شهرهای مصر بیند دلیل که نشا و مان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند دلیل که در  
کار رنج و بلا کشد و اگر خود را در شهرهای منیه بیند دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را در شهرهای مغرب بیند دلیل که کارش فتنه  
افتد و اگر خود را در شهرهای فرنگ بیند دلیل که کار دنیا بی او نیک گردد و او دین ضعیف باشد و اگر خود را در شهرهای شیراز  
بیند دلیل که کار او نیکو باشد شهرهای مفرو و دیدن کرمانی رخ گوید اگر خود را در مکه بیند دلیل که عروجه نصرت یابد و اگر خود را در

خواب  
شهرستان  
دلیل

دلیل  
شهرستان

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل که اورا با تاجا بصحت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهرین بنید دلیل که از ترس و بیم یمن گردد و اگر خود را  
بطایف بنید دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به به بصره بنید دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را به بهسط بنید  
دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را به بکوفه بنید دلیل که از عام نیکوئی یابد و اگر خود را به بند بنید دلیل که توانگر شود و بازگردد  
و از اخیر رساند و اگر خود را به بجلوان بنید دلیل که صحبت خوش گذراند و اگر خود را به بصفهان بنید دلیل که اورا با بزرگی صحبت  
و اگر خود را به بصل بنید دلیل که برادر رسد و اگر خود را به بشق بنید دلیل که رفویری بر وی فراخ گردد و اگر خود را به بجلب بنید دلیل که از بزرگان  
منفعت یابد و اگر خود را به بانطاکیه بنید دلیل که از منتری منفعت یابد و اگر خود را به بیت المقدس بنید دلیل که غرق کامرانی یابد  
و اگر خود را به اخلاط بنید دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را به بقصر بنید دلیل که منفعت یابد و اگر خود را به دژ بنید دلیل که کارش  
بسته گردد و اگر خود را به تغلیس بنید دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را به بنجه بنید دلیل که نعمتش زیادت گردد و اگر خود را به بنجه بنید  
دلیل که مالش کم شود و اگر خود را به بر ابراهیم بنید دلیل که امان و رحمت یابد و اگر خود را به بنیر بنید دلیل که از بنیر رسته گردد و اگر خود را به بنیر  
بنید دلیل که اندوگین نشود و اگر خود را به بهمان بنید دلیل که جاه و منفعت یابد و اگر خود را به بفر وین بنید دلیل که اورا با منتری صحبت  
و اگر خود را در می بنید دلیل که اورا سو کند افتد و اگر خود را به بککان بنید دلیل که او را خصوصت افتد و اگر خود را به بهستان بنید دلیل که  
شود و اگر خود را به بطام بنید دلیل که خورمی یابد و اگر خود را به بسا و بنید دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را به بر و بنید دلیل که  
ساخته بود بجائی یابد و اگر خود را به تیشا پور بنید دلیل که با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را به بطوس بنید دلیل که خیر منفعت یابد  
خود را به بلج بنید دلیل که بر شمر طغیان یابد و اگر خود را به بمرقند بنید دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را به بغرنی بنید دلیل که از بزرگان  
خیر و منفعت یابد و اگر خود را به بکا شخرب بنید دلیل که اندوگین نشود و اگر خود را به باسکندریه بنید دلیل که کاری در پیش گیرد و از آن پشیمان نشود  
و اگر خود را به بانکس بنید دلیل که با وی خیانت کند و اگر خود را به حصاری بنید دلیل که کارش فریبند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین  
شهر ما در خواب بر چهار وجه بود یکی دین و دوم انگار شدن سیوم عیش و شمع حرام ز نیک جنتی باشد شور با بن سیرین  
علیه گوید شور با در خواب اگر گوشت است و طعم بوی خوش باشد دلیل منفعت بود و اگر خلاف این بود دلیل عزم و اندوه بود  
مغری رحمة الله علیه گوید اگر شور با با گوشت باشد و خوب بخت باشد نیکو باشد و اگر گوشت غلیظ باشد دلیل عزم و اندوه بود و شور با بن سیرین  
گوید شور با در خواب دلیل عزم و اندوه کند و خوردنش دلیل بر فقرت کند و نقصان بود و اگر سبک شود نیز بسیار و شست دلیل که در اندوه گرفتار  
نشد و شیراز بن سیرین رحمة الله علیه گوید شیراز در خواب عزم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صبر باشد و اگر سبک باشد شیراز بن سیرین  
یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل که خود می بیند که مانی ج گوید خوردن شیراز در خواب سخن بد بود که از آن برنج شیر و انبیا علی بن ابی طالب  
گوید شیراز در خواب هر چند که تازه تر و خیر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود و مالش خلاف این باشد و اگر  
بنید که شیراز می خورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بنید که شیر در پستان وی جمع شد و دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی  
بنید که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بنید که شیر میدهد و عرض می شیر خون می آید و دلیل که

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل

بیمه بنید دلیل



در پیش

در خواب

در پیش

در خواب

در خواب

و از پیش می بیرون شد و لیل که از پادشاه او مرخصت رسد و انبیا علی السلام گوید اگر خواب ببیند که سرش ریخت لیل که پادشاهی بد  
و اگر ببیند که پادشاهی او سرش ریخت و لیل که پادشاهی خود بد و دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر ببیند که بر سرش ریخت  
لیل که دولت و مرقت او را زیادت کرد و سفری رحمت الله علیه گوید پیشتر در خواب پادشاه بود و شیر مادر زن پادشاه بود و اگر  
که پیشتر میسر و شیر و لیل که بر پادشاه گرد و اگر زنی بر این خواب ببیند و لیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر ببیند که شیر را بر پشت گرفت  
بود و لیل که دشمن بروی ظفر پادشاه اگر ببیند که شیر او را بگریزد و لیل که از دشمنی مرخصت رسد و استعجال اشعث رحمت الله علیه گوید اگر ببیند  
که شیر او را در بر گرفت و لیل که مغرب پادشاه گرد و اگر مخالفین ببیند و لیل بخشم پادشاه بود و اگر ببیند که با شیر طعام خورد و لیل که مغرب  
پادشاه شود و اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله لیل بر دشمن بود و اگر ببیند که گوشت شیر میخورد و لیل که دشمن را باستان  
به دست آورد و اگر مخالفین ببیند تا و لیل مخالفین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن شیر در خواب برسته وجه بود یکی از  
دو هم مرد و یکم هم زن و دشمن قوی شیر خور شتابن سیرین رحمت الله علیه گوید شیر خور شتاب در خواب روزی حلال بود و اگر در خواب  
ببیند که شیر خور شتاب جمع میکرد و لیل که از سفر مال حاصل کند و اگر ببیند که شیر خور شتاب میخورد و لیل که مال بر عیسیا نفقه کند  
و عوض باز یابد و اگر ببیند که شیر خور شتاب داشت و لیل که مال از بازگانی یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن شیر  
در خواب برسته وجه بود یکی مال حرام و هم فراخی عیش سیدم کام دل یافتن شیشه این سیرین رحمت الله علیه گوید شیشه در خواب  
زن باشد و گویند خامی بود که خدمت زنان کند و لیکن ثباتش نباشد و اگر ببیند که شیشه خالی بود که بوی دادند لیل که زنی  
در ویش خواهد و اگر ببیند که در آن شیشه روغن بود و مثل روغن گل و بنفش لیل که زنی دیدار باشد و مغربی رحمت الله علیه گوید زن  
توانگر باشد و اگر ببیند که از آن روغن چیزی برمالید و لیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر ببیند که از شیشه شرابی میخورد چون آن  
سید به شراب ناز و غیره و لیل که بقدر آن مال زن خورد و مغربی رحمت الله علیه گوید اگر ببیند که شیشه گینه داشت و سپید پاکیزه بود  
و لیل که زنی خبر بوی و پارسا خواهد و اگر ببیند که شیشه شکست و لیل که زن او هلاک شود و اگر ببیند که شیشه ضایع شد و لیل که زن  
حلاق دهد و استعجال اشعث رحمت الله علیه گوید اگر ببیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود و لیل که زنی سازگاری  
خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تا و لیل مخالفین بود و اگر ببیند که در شیشه چیزی خوش بود و لیل که زنی سست و در خواب  
خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن شیشه در خواب برسته وجه بود یکی زنی با جمال و هم کمترین سیدم خام خانه شد طبع  
دارد نیست که در خور آن هیچ ضرر نباشد حرف اصفا و صابون این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخوابد  
که جامه خود را بصابون می شست و لیل که از کارهای بد باز گردد و اگر ببیند که جامه کسی بصابون می شست و لیل که کسی را از کار  
بد باز دارد و اگر ببیند که صابون میخورد و لیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که صابون بچی داد که بخورد و لیل که مال خود را بخورد و کسی  
که زنی رحمت الله علیه گوید اگر ببیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را شست و لیل که او را خسته حاصل گردد و اگر ببیند که خود  
خود بصابون شست و لیل که از مردمان باز ماند و مغربی رحمت الله علیه گوید صابون در خواب خریدن به از هر وقت بود و اگر صابون







[illegible]



دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر میند که طاؤس مایه بود و دانست که نیکو است و دلیل که زنی عجبی بزرگ با جمال بخاورد و از مال و فرزندان حاصل کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طاؤس با کبوتر جفت شد دلیل که توانا گوی کند و انبیا علی السلام گوید که طاؤس در خواب زنی منفرد بود و اگر میند که طاؤس زربادی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر میند که تدر و طاؤس با هم بود دلیل که بیگانه با جمعیال و فساد کند و اگر میند که طاؤس از خانه وی پیرید دلیل که زنا طلاق دهد و اگر میند که طاؤس را بگشت دلیل که از و ختری و دشمنی است و اگر میند که طاؤس در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر میند که بچه طاؤس را بگرفت دلیل که او را ختری آید و اگر میند که طاؤس زنا دوست وی پیرید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاؤس در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزانه مال طبایخ در خواب بروی حریص بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که طبایخی میکرد و آن طبع بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی میند و اگر بخلاف این میند دلیل که مضرت یا بد طبع این سیرین رحمة الله علیه گوید طبق در خواب خامی بود که کار مجلس ساز و وقت شادی و هر که دیر پاید شاد گردد و اگر میند که طبق بزرگ داشت دلیل که بدین صفت او را خامی حاصل آید و اگر میند که طبق شکست دلیل که خادم او میرد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند طبق بگشتن افتاد و بسوخت دلیل که کینزکی و یا بر ستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کینزک سوم غایب چهارم بدین طبق این سیرین رحمة الله علیه گوید طبق در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر میند که باطل نای و در حق بود دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر میند که طبل مسرور میزند و دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بدورسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طبل میزند و دلیل که کاری باطل کند و طبال در خواب بروی بود که دروغ آراسته کند طبیب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که طبیبی بیمار را علاج کرد و درست شد دلیل که یکی را از راه فساد و راه صلاح آورد و اگر میند که بیماری بر آنکس صعبتر شد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که مردم را در واد و نافع آمد دلیل که علم گوید و پیزد و مردم پیزد وی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر در وی وی نافع نبود و بخلاف این بود و طبیبی کردن در خواب مردم مصلح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مسعد را صلاح حق و کسب حیات بود طعام و انبیا علی السلام گوید هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تا ویش بدو مگر با پلوده و غیره زیرا که جواهر حلا از آن را روغن و انگبین باشد و این هر دو در مال بود این سیرین رحمة الله علیه گوید هر طعام که بخورون و شواء و پیازه باشد با طایل پنج و اندوه بود و هر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طعام از رز و سیم بست دلیل بر زیان مال باشد و اگر میند که طعامی در خانه داشت و همه بخورد و دلیل که عیش بسر آمده باشد و اگر میند که چندان طعام بخورد که طاقت نداشت که بر خیزد دلیل بر مرگ وی بود و اگر میند که مرده طعام میخورد و دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که درویشی را طعام داد و دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر میند که کافر یا طعام داد و دلیل که در کار دشمنان حقیقی او را یاری دهد و طعمه خیره زن بود و اگر میند که کسی را خیره زد و خیره در تن وی و در تن شد دلیل که اینک بعد از آن خیم

نکته

نکته

نکته

نکته

نکته

نکته

و شش اینکس و ردی دار و مغربی رحمه الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر میندکی را طعنه زد و جای داشت  
دلیل که از سخن که در حق وی بگوید و در او حاصل آید و اگر در نکود تا و بلیش بخلاف این بود طلاق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند  
که زن طلاق داد و او را یک زن بود و دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر او را زنی دیگر بود و بغیر این زن دلیل که از شرف و جاه بعضی  
تقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که زن طلاق داد و دلیل که کاری کند که از ان پشیمان شود و طلع کردن در خواب  
نواگری بود و قوله تعالی و ان یفرقا یفرق الله کلامین سعته طلع این سیرین رحمه الله علیه طلع بار خراب بود اگر میند  
که یک طلع یاده باشد و اگر طلع دلیل که او را فرزندی آید و اگر میند که طلع خورد و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر میند که طلع بسیار  
داشت و از آن پنجه رد و بکسی نمیداد و دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع  
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم شدن مال بقصب طلق این سیرین رحمه الله علیه گوید  
طلق اندک مایه سخنی بود که در کار دایره که جوهر وی از شک است اگر میند که از بجائی طلق بسیار جمع میکرد و دلیل که او را بکس حلیت  
از سفر مال حاصل کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که طلق بخواند تن بالید و در میان انشرف و اندک نش پهن بوی بر  
دلیل که شرب پادشاه از وی دفع شود و اگر میند که طلق مخور و دلیل که مال برنج و سخنی حاصل کند و اگر میند که طلق از وی ضایع  
دلیل که مالش تلف شود و طنبور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در خانه و منزل خود طنبور میزد و دلیل که در آنجا غم و  
بود و اگر میند که طنبور وی بشکست و دلیل که توبه کند و اگر میند که طنبور میزد و دلیل که مرکش نزدیک بود و اگر کسی میند که او را  
طنبور می نشیند و دلیل که بسخ بطل شنیدن رضا و طوطی این سیرین رحمه الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود  
کسی بخواب میند که طوطی از دست می آید و دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر میند که طوطی با وی سخن گفت و دلیل که سخنی  
گوید یا کاری کند که مردم را از آن عجیب آید و طوطی ماده و خنثی و شیر بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد یا سبزه  
اگر میند که طوطی ماده رکبت و دلیل که دو شیرگی دختر می آید و اگر میند که طوطی از زبان یا از مقعد او بیرون آید و دلیل که او را فرزندی  
آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم  
و خنثی و شیر سوم شکر و پارسا طوق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در گردن او طوق بود و از زرب یا از سیم و دلیل که  
آن ولایت یا بدوردان انصاف نگا دارد و اگر میند که از آهمن بود و دلیل بر بی امانتی و فساد دین بود و اگر مانی رحمه الله علیه گوید  
طوق در گردن خود میند و دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق زد و دلیل که ولایت  
یا بدو اگر از مس یا از آهمن بود و دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین طوق در گردن در خواب شش  
وجه بود یکی حج دوم ولایت سیم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیز و اگر طوق در گردن اسپ خود میند و دلیل که  
از پادشاه مال و بزرگی یا بطیلسان این سیرین رحمه الله علیه گوید بطیلسان در خواب خنجر و بزرگی و جاه بود و اگر میند که  
نور پاکیزه بود و دلیل که قدرش نیک بود و اگر بخلاف این میند و دلیل که قدرش کم شود و اگر میند که بطیلسان بدرید یا بوخت و دلیل که عجز

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

فراغت

سجده

حکایت

عاج

سجده

سجده

از آن او بمیرد و انبیا علیه السلام گوید و دیدن طلیسان در خواب امانت و وایست و قوتش بین بود و اگر بیدار که طلیسان پاکیزه بود  
و لیل که امانت بگذارد و اگر طلیسان چرکین بود و لیل که امانت در گذارش بگذارد اگر بیدار که طلیسان زرد و پیر و لیل که او را نمی سخت  
افتد مغربی رحمه الله علیه گوید طلیسان سپید در خواب فرزند صالح بود و اگر سرخ بود و لیل که فرزندش معاش و طرب دوست دارد  
و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن طلیسان در خواب برده و وجه بود و کسی  
عزت جاه و دم و لایست سوم فرزند چهارم دولت پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین یازدهم شش حرف الظواهر  
ظلم کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که بر و طلی رفت و لیل که بر ظلم کند نصرت یابد و اگر بیدار که او بر کسی ظلم کرد و لیل که  
انگس بروی ظفر یابد و اگر بیدار که پادشاه بروی ظلم کرد و لیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بیدار که او بر پادشاه ظلم کرد و لیل که  
از پادشاه مضرت یابد و تعبیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بزرگی بیدار که بر چاره ظلم کرد و لیل که آن چاره را نضرین کند و اگر خواجه  
بیدار که بر بنده ظلم کرد و لیل که از خواجه او را به ملا و محنت رسد و ظلمات این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که در ظلمات بود  
و بر و شانی بدل شد و لیل که راه وین بروی کشاد گرد و گدازنی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که در ظلمات بود و بر و شانی آمد و باز  
در ظلمات رفت و لیل که منافق باشد قوله تعالی و اذ اظلم علیهم قاهوا و کواشأ الله الایه مغربی رحمه الله علیه گوید  
ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیدار که در بادهای ظلمات ظاهر شد و لیل که در اند یار غم و اندوهی صبر یابد و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر دوم خیر سوم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر تو اگر بیدار  
که بدویشی آمد و لیل که زیادت شود و اگر درویشی بیدار که بتوانی رفت و لیل که کارش بد بود و حرف العین به حاج  
این سیرین رحمه الله علیه گوید عاج در خواب دولت بود و اگر بیدار که حاج داشت و لیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیدار که حاج از  
ضایع شد و لیل که مالش ضایع شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که حاج در صندوق داشت و لیل که یکی از خویشان وی زنی  
بزرگت خواهد و اگر بیدار که دواتی از حاج داشت و لیل که پادشاه او را کینگی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیدار که حاج بشتک یا ضایع  
شد و لیل که زن پاکیزه او طلاق گردد و هر چند که حاج سپید تر و پاکتر باشد مال پیشتر بود عاریت کردن این سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر بیدار که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند و لیل که ثابت شود و برو و اگر چیزی بود  
که دوست ندارند تا مدتی بخلش بخلش این بود عاشق این سیرین رح گوید اگر خواب بیدار که عاشق هست و حریص بود و لیل ضیاع  
و بدمی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود و لیل خیر و صلاح باشد و اگر بیدار که بر کسی خوب روی عاشق شده بود و اگر در آن  
عشق نیت حرام بود و لیل بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود و لیل خیر و صلاح بود و تعبیل اشعث رحمه الله  
علیه گوید اگر بیدار که از عشق تو کام دل یافت و لیل بر خیر و منفعت بود عالم اگر بیدار که عالم با فقیه شد و در اصل جابل بود  
و لیل که مردم سخن بخت و در زبان مردم افتد به بدی و اگر عالم با فقیه بود و لیل که علمش زیادت شود و اگر بیدار که قاضی یا حکیم  
یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی گذشت که در آنجا ترس و بیم بود و لیل که مردم از موضع ترس و بیم این شوند و پاد

در حدیث  
در حدیث  
در حدیث

ایشان عادل گرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را علم میگفت اگر اهل علم نبود دلیل که از اندام برگزیده و اگر عالم بود  
دلیل که غرور جاه باید و اگر بیند که بعلگه گفتن خطابت دلیل که او را رشوت دهند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب چنان  
و چه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خلیف عبادت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت خدا را  
میگرد تا و پیش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت در مسجد یا در صومعه میکرد دلیل که خیریت اینجانی  
یابد و اگر بیند که عبادت کرد که مکر و بود تا و پیش بخلاف این بود عجز و پیر شدن است در حرف کافیهان کفر  
حد و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی از مردم یا از دنیا را جامه یا خنجر بوی داد و دلیل که خیر و نیکی بیند  
تو که تعالی من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی یک طاعت را ده پاداش است بنا برین معبران گویند  
که اصل ده از یکی است کرمانی رحمة الله علیه گوید عدد یکی نیکی بود و دو غم و اندوه و لیکن بر دشمن خیر و گردن ثانی نشین  
اذها فی النار و اگر عدد شمار بیند بر باشد از کاریکه در آن بود بر خور داری نیاید قوله تعالی قال ایتناک انک  
تکلم الناس ثلثة ايام و لفظ سه و ثلاث بر فرقت کند زیرا که طاق است و اگر عدد چهار بیند نیکی باشد  
چون چیزی دیگر و مضاف نباشد ما یکون من نجوى ثلثة الا هو و اگر عدد پنج باشد نیکی بود  
و تیکه صاحب ناسخ تازی داری و اگر عدد شش بیند نیک باشد خلق السموات و الارض فی سبته آیام و اگر عدد هفت  
بیند باشد سبع سموات طباقا چون یا هفت یا هشت باشد بود قوله تک سبع کمال و ثمانین آیام و تسع و اگر عدد  
نه بیند باشد ثمة و طبعه و ن و اگر عدد دهم باشد نیکی باشد و مرادین و دنیا و حاصل گرد و قوله تعالی  
تلك عشرة كاملة و اگر عدد یازده بیند دلیل که شغل مای دی بروزگار بر آید و اگر عدد دوازده بیند  
نیکی باشد قوله تعالی ان عد الشهور عند الله اثنا عشر شهرا و اگر عدد سیزده بیند باشد  
بر کارش بد شود و اگر عدد چهارده بیند نیک باشد و اگر عدد پانزده بیند کارهای پرکنده فوی بر آید و اگر  
عدد شانزده بیند حاجتش دیر بر آید و اگر عدد هفده بیند بد باشد و اگر عدد هجده بیند امیدش بر نیاید و اگر عدد  
نوزده بیند او را بامردم کار افتد قوله تعالی کواحة للبشر علیها تسعة عشر و اگر عدد بیست بیند نیک  
باشد و بر دشمنان نفع یابد قوله تعالی عسرون صابرون و اگر عدد سی بیند او را کسی داری ضل گردد و قوله تعالی  
و واعدنا موسى ثلثین ليلة و اتممنا لها عشرين و اگر عدد چهل بیند کارش بهتر گردد و اگر پنجاه بیند  
و سبیل برین و سختی بود قوله تعالی الف یسنة الا خمسین عاما فاحذهم الطوفان و اگر شصت  
بیند دلیل که او را سوگند گردن افتد و او را ده ماه پیوسته روزه باید داشت یا شصت و هشتاد و او را ده ماه  
تعالی شهرتین متتابعین من قبل ان یمنّا ثلث لیل و یومینا بالله و سؤله و اگر عدد هفتاد  
بیند دلیل که بتاخیر بر آید و اگر عدد هشتاد بیند دلیل که او را تمت کنند و چوب بزنند قوله تعالی فاجلوا و انما یأین



جلد ۱ و اگر عدد نو دیند دلیل که چند زنا از بزرگان بکلی کند قوله تعالی **تَسْعَ وَتِسْعُونَ نَجْةً وَاحِدَةً** و اگر عدد صد دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی **مِائَةً تَعْلَبُوا مَا تَتَن** و اگر سلطان خود را بزند که صد سوار با وی بود و دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر کسی بزند که ویرا صد درم دادند و دلیل که همتی بزرگوار نهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالی **فَاجْلِدْهُمُ وَاَكْلُوا حِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً** و اگر بزند که کسی او را صد دانه کند یا پنج یا چیزی از دانه ها داد و دلیل که در آخر و برکت بود و عیش بروی فراخ گردد و قوله تعالی **فِي كُلِّ سَنَةٍ مِائَةً حَبَّةً وَاللَّهُ يَصْنَعُ لِمَنْ يَشَاءُ** و اگر عدد دویست دیند دلیل که دشمنان بروی ظفر یابد و اگر عدد سیصد دیند دلیل که بر روزگار مرادش حاصل شود و قوله تعالی **وَلِكُلِّ شَيْءٍ ثَلَاثٌ مِائَةً** و اگر عدد چهار صد دیند دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که **خَيْرُ مِائَةٍ اَوْ لَبَّةٍ اَلْفٍ** یعنی بهترین خوابها چهار صد و بهترین لشکرها چهار صد هزار و اگر عدد پانصد دیند دلیل که کارش محمود و جاف باشد و اگر عدد ششصد دیند دلیل که شاد شود و مقصود رسد و اگر عدد هفتصد دیند دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت برآید و اگر عدد هشتصد دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر عدد نهصد دیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد هزار دیند دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قدر کند قوله تعالی **وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ اَلْفٌ يَغْلِبُوا اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللَّهِ** و اگر عدد دو هزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد سه هزار دیند دلیل که بر فیزی بود و قوله تعالی **يُكَفِّرُ الْاَلْفَ مِنَ الْمَذَكَّةِ مِثْلَيْنِ** و اگر عدد چهار هزار دیند دلیل که رفعت و نصرت باشد و اگر عدد پنج هزار دیند دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد شش هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد هفت هزار دیند دلیل که کارهای او گردد و اگر عدد هشت هزار دیند دلیل که کارش نظام شود و اگر عدد نه هزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد دوهزار دیند دلیل که نصرت و فیزی بود و اگر عدد بیست هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد سی هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر بدست یابد و اگر عدد چهل هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد پنجاه هزار دیند دلیل که برنج و سختی و عجز فرمانده شود و قوله تعالی **وَقَدْ اَرَاهُ خَمْسِينَ اَلْفَ سَنَةٍ** و اگر عدد شصت هزار دیند دلیل که خرم و شادمان گردد و اگر عدد هفتاد هزار دیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد هشتاد هزار دیند دلیل که کارهای بروی پوشیده گردد و اگر عدد نود هزار دیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد صد هزار دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و قوله تعالی **وَاَرْسَلْنَا مِائَةً اَلْفٍ اَوْ ثَمَانِيْنَ** و اگر عدد سی و هشتاد و نود تاویل عدس خلافت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت ابراهیم علیه السلام وارد دست داشتی که مانی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل را از من و مسوئی طال گرفت از حق جل و علا عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نال بود که از زمان ابو یوسف رسد خاصه که نخسته بود و اگر خام بود و دلیل بر مضرت و اندوه باشد عزا و هابن سیرین رحمه الله علیه

گوید اگر بیند که عاود و دشمن کاfran می انداخت دلیل که کاfran سخت را دشمن دارد و اگر بیند که عاود  
 در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که دروین مسلمانان بخان ناهمسوار گوید و باشد که اهل اسلام را و غایب  
 و اگر بیند که عاود می انداخت دلیل که اهل آن موضع با خبیثت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمة الله علیه  
 عرش در خواب بسیار بزرگ یا مال خواسته بسیار بود و اگر بیند که عرش آراسته بود دلیل که او را بامروی بزرگ صحبت  
 افتد و عرش نصرت یابد و اگر عرش را حقیر بیند دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشسته بیند دلیل که  
 که او را بامروی بزرگ پیوندد و از وی حرمت و جاه بیند و اگر بیند که از عرش بریزد یا دیش بخلاف این بود و جعفر  
 رضی الله عنه گوید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ و دوم بخت سوم مرتبت چهارم عرش بزرگ  
 عرش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عرش داشت دلیل که بامروی اسیل او را صحبت افتد و خست  
 عرش بتاویل روی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی خواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر  
 عرق ویران یافند خاصه اگر عرق وی بر زمین میچکد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که جانم روی از  
 عرق تر شده بود دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود میخورد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق  
 سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود و کافای رحمة  
 الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی کند و اگر بیند که عرق میگرد دلیل که حاجتش روا شود  
 و اگر چهار بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر کسی خواب بیند که عروسی بخواند و لیکن او را  
 ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و بای نخت دلیل که بزرگی یابد و چیزیکه  
 ملک و نباشد ملک و شود و کافای رحمة الله علیه گوید عروسی که در اینجا چنک و چنانده نامی باشد دلیل بر مصیبت  
 بود و مخرب رحمة الله علیه گوید اگر زنی خواب بیند که عروسی شده و او را بنزد شوهر می بردند دلیل که عرش با خبر رسیده  
 باشد و اگر بیند که شوهر او را بست و بای نیکی کرد دلیل که خیر و منفعت یابد و غل دور کردن انکاری بود و اگر بیند که  
 پیرا معزول کردند دلیل که خاری و بیحرمی بیاید و اگر بیند جوانی معزول کردند یا دیش بخلاف این بود و کافای رحمة  
 علیه گوید اگر بیند که متبر یا معزول کردند دلیل بر صلاح دین بود و اگر انکاری کرد دلیل بر کسب حیثیت کند یا دیش  
 نقصان حیثیت می باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را غل کردند دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد  
 عس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با عس میبکشد ایشان مردمان مصلح بودند و دلیل که او را خیر و منفعت  
 رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و مضرت بود و اگر بیند که عس او را گرفت که نذر ساند دلیل که از مردم پادشاه  
 بوی پنج رسد و اگر بیند که آن عس بوی طالت نرسد دلیل بر خیر و نیکی کند کافای رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عس جامه  
 وی بر کند یا بر بندد آن کرد دلیل که از مردم پادشاه او را زیان سد و بیحرمی بیند و اگر بیند که آن عس بخت کسی را

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

نتوانست گرفت دلیل که اندک نوبی رسد عصا را بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که عصای میگرد و دلیل که  
 بجاری مشغول گردد که او را شتا گویند و نام نیکی و خیر برود و عصا بن سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب مردی بزرگوار  
 با قدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه پدید آید و اگر بیند که  
 عصای وی ضایع شد و دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که شکی بر عصا کرد و دلیل که بمعاونت مردی بزرگ آنچه میخواهد  
 کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد و دلیل که بر او رسد و اگر کوتاه شد تا دلیلش بخلاف این بود و اگر  
 بیند که عصای خود بکسی بخشید و دلیل که بپاک شود و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت و دلیل که او از نزدی آید و از دست  
 یا پدر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عصا در خواب برسته بود یکی مرد بزرگوار دوم پادشاه سوم وقت عصا  
 بن سیرین رحمة الله علیه گوید عصبه نوعی از عللها با است و آن بهتر که زعفران بود و دیدن او در خواب نالی بود که  
 بدست آید و اگر بیند که لقمه عصبه در دهن او و دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصبه بسیار خورد و دلیل که مال  
 بخصومت حاصل کند و خطا بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که چیزی او را عطا و او بدست میاید که سیرین  
 او را ازین خطائی که او انداخته نوع بود و زیاده یا سیم یا چانه بود و عطا و بنده معروف بود یا مجهول بدن یا مرد بود و چون هر یک از اینها است که  
 تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آرزو و مست میدارند و دلیل که از آن عطا می کرد بوی داد و نیکی بوی رسد و اگر عطا و بنده مجهول  
 و دلیل که بسبب دنیا و اخاری رسد و اگر عطا و بنده در خواب بود و اگر بیند که عطا و بنده دیگر باز داد و دلیل که نیکی  
 آن ببطا و بنده باز گردد و اگر بیند که او را میوه یا چانه یا چیزی سیرین عطا و او و دلیل که با کسی دوستی کند و اگر عطا و بنده  
 بود یا ترساید و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر عبت سند و دلیل که ایمان او بر خطر باشد و اگر جهود یا ترساید یا ترساید که  
 ایشانرا عطا و او بر عبت سند و دلیل که مسلمان شود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا و او او را شک گفت و دلیل  
 که زیادت مال و تندرستی بود و اگر شک گفت تا دلیلش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی نیکی بود  
 و عطا و بنده دون بود تا دلیلش بد بود و عطا بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی خوش داشت و او را  
 بود دلیل که مردم و از علم وی منفعت بود و اگر تو انگر بود و دلیل که از مال نفع رساند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که با  
 خود عطا داشت و دلیل که مردم او را آفرین کنند و شتا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر در خواب بر نه و بهر بود  
 شای نیک و دوم سخن خوش مردم علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد در یک هفتم مرد با فرزند یک هشتم دین پاک نهم  
 خوش عطا را اگر خواب بیند که عطاری میگرد و دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که مردم بوی خوش میبرد و دلیل که  
 و عده دهد و دیگر خلاف کند اتماعی اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطا در رشتی و آشنائی شد و دلیل که او  
 او را مدح و ثنا گویند و نامدار شود و عطا بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت  
 و دلیل که اگر بیمار است او را بطیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند و دلیل که کسی حاجتش روا کند و بروی منت نهد و اگر بیند

تجرب

عقل

تجرب

عقل

عقل

عقل

که بنده بار عطره داد و لیل برینگی و قمری بود و اگر بیند که عطره بسیار داد و لیل که مرادش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطره داد و آب بینی  
 باز کشن گرفت و لیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطره داد و بخا یا از بینی باز گرفت و روان شد و لیل که در وی نخی زشت گیند و اگر  
 بیند که عطره آید و چند آید و بیرون آید و لیل که از جوهر آن چند و او را فرزند آید که بدان حیوان منسوب باشد که آنی رحمة الله علیه گوید  
 اگر عطره در خواب باستانی داد و لیل که مالی آسانی بدست آید و اگر عطره بدشوار داد و لیل که مال بدشواری بدست آورد و عقل  
 این سرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام و دانند که عقل نیست اگر بیند و خواب با  
 آن باشد و لیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از و خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر کسی  
 عقل خود را بدین صورت بیند و لیل که بخت روی بکسی نهد و غر و جاه یابد و تو انگر شود و انیال علیه السلام گوید عقل در خواب بخت  
 و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام و لیل که بخت و دولت یابد و او شود و مغربی رحمة الله علیه  
 عقل و جان در خواب مارد و پد بود و اگر غائب باشند و زنده بودند و لیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند و لیل که دعا  
 و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مروی پیش حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آمد و گفت بخواب دیدم که مال جان  
 من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من درآمدند و هر سه بنشینیم و بشرب نشو و بشکر نشو و بشکر نشو و بشکر نشو و بشکر نشو  
 فرمود که عقل قسمت این جهان است و جان قسمت آن جهان کار تو برادر شود و اگر بیند که عقل و جان بیکدیگر و لیل که باطل  
 و لایست نیست کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مارد و  
 سیدم فرزند پادشاه چهارم مال و نعمت عقیق این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد و لیل  
 با بزرگی صاحب شود و از و خیر یابد و اگر بیند که عقیق از و ضایع شد وایش بخلاف این بود و اگر بیند که بخواب عقیق داشت و بوی  
 چیز می بخورد و لیل که او را فرزند آید که شرف و بزرگی و جاه یابد و عکالت کند بود و اگر بیند که عکالت برایش نهد و لیل که بخت  
 در مال او نقصان شود و اگر بیند که عکالت میخاید و لیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد علم در خواب مروی و انما یا امام ما بود و شخصی که مرده  
 بوی افتد اگر بیند که علم در دست داشت و لیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم با کسی شناسد و از وی راحت یابد و اگر بیند  
 که علم از دست می بیند و یا ضایع شد وایش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب لیل بر بصر بود و اگر بیند  
 که علمی بوی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
 که علمی سپید بزرگ و درست داشت و لیل که با مروی تو انگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سبز  
 داشت و لیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه داشت و لیل که قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بیند  
 علم در خواب بر چهار وجه بود یکی مشرودم سفر سیدم جاه چهارم نیکی احوال عمارت این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند  
 که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد و لیل بر صلاح وین و ثواب بجهان بود و اگر بیند که بر زمین خراب  
 شده بود و از بهر خود عمارت میکرد چون ساری و دوکان و مانند این و لیل که فایده اینجهانی یابد و اگر بیند که جای محروم و خراب بود و عمارت

شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جائی محروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که از آن مقام خیر  
صلاح و منفعت بقدر عمارت آن مقام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح آنجا  
دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته عمارتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب  
که در عمارتی نشسته بود و عمارتی وی بر سر تریا یا راسپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر مید عمارتی بیفتاد و یا از عمارت  
بیرون شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عمارتی نشانده دلیل که با بزرگی پیوندد  
و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارتی در خواب بر هفت وجه بود یکی  
بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهتری محمود و ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید عمو در خواب مروی درست در است بود و مستحارن گویند که بخندای سخت باشد و اگر بیند که عمو دی بر کسی ز دلیل  
که سختی سخت کسی گوید و اگر بیند که عمو آهنگین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که عمو از دوستی  
بسته شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمو در خواب بر سه وجه بود یکی محرومیت دوم تنگنا  
سخت و درشت سوم مهتری بزرگ عتاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب داشت و میوز و دلیل که بقدر  
آن مال حاصل کند و اگر بیند که عتاب بکسی داد و دلیل که از او بد انگس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب از درخت جمع  
میکرد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند عنبسیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عنبسیر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد  
بیند که عنبسیر بسیار جمع میکند و با نیافت دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبسیر بکسی داد و دلیل که از او بد انگس  
رسد و اگر بیند که عنبسیر از وی ضایع شد دلیل که مال بی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبسیر مالید و دلیل که بجای او نیکی کند  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبسیر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم شناسی نیکی  
عقبا نوعی از نوا بود چون چنگ و بر لقا و مانند این ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عقبا میزد و دلیل که به طلق و خوشحال  
رخداد دهد و اگر بیاری بیند که عقبا بشکست یا بپایکند و دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عقبا میزد و دلیل که نزد میرد  
شکست ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شکست در خواب مروی ضعیف و گمراهی و عاهی بود و بعضی معجزان گویند که جو  
بود و اگر بیند که شکست از وی دور شد و دلیل که از مر دی جولا هر دور شود عمو و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو بر  
پسخت و دلیل که از خیر و منفعت یابد و عمو در خواب مروی خوب مروی و لطیف طبع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو غنا  
داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از پا و خلعت یابد و هر چند که عمو خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عمو در  
بر چهار وجه بود یکی مروی خبر وی دوم سخن خوش سوم ثناء و آفرین چهارم مال منفعت عمو و سوز ابن سیرین رحمه الله  
گوید عمو سوز در خواب کیانک یا فرنگ یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عمو سوز سپید روی باشد و دلیل که غلام یا کینک از اسباب  
ترس باشد و اگر از مس بود و دلیل که از اهل جود باشد اگر از آهن بود از اصل که آن باشد و اگر سینه که عمو سوز بشکست یا صانع باشد

در خواب

عمو

عتاب

عنبسیر

عقبا

عکس

عمو

سوز

١٢

7

2

2

—

دلیل که غلام با کینک هلاک شود عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بینه که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مردم او  
میدیدند دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بینه که عورت خود زود باز پوشید و دلیل که ستر او زود پوشید و مرد و معتبران  
گویند که بینه که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید و دلیل که اگر جایز بود شفا یا بد و اگر اوام دارد و دلیل که پوش گذارد  
شود و اگر ترس دارد و دلیل که این کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بینه که عورت او برهنه بود و بیدار شد و از آن شرمند  
شد و دلیل که ابر حال بد بحال نیک آید و اگر بینه که قصد عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد  
یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد و عید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که عید قربان بود و دلیل که او را بمرودی حاصل  
گرفت و اگر بینه که عید رمضان بود و دلیل که او را بمرودی عاید از حد صحبت افتد و منفعت دینی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید  
اگر کسی بینه که عید بود و مردم را سبیه بیرون آمدند و دلیل که از زندانی بود خلاصی یابد و اگر از ابل عز و شرف بود و دلیل که شرف او زیاد  
گردد عا شورا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخوابد بینه که کاسگاری یابد و قوله تعالی اکملت لکم  
دینکم و انتم متعینون و اگر خواب سر سال و ماه و روز بینه سام ماه و روز بروی نخته و مبارک بود و دلیل بر خیر و صلاح بود  
صرف الغین غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد و دلیل که در کاری سخت گرفتار شود  
و اگر بینه که در غار شد و بیرون آمد و دلیل که در کاری صعب گرفتار نشود و خلاصی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در غار  
و آن غار روشن بود و دلیل که او از بزدان نکند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار نشود و اگر بینه که از غار بیرون آمد و دلیل که رنج  
شود و شفا یابد غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که مال و منفعت می غارت کردند و دلیل که غم و مصیبت بود  
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که لشکر اسلام دیار کفر را گرفت و غارت کرد و دلیل که اهل کفر را غم و مصیبت بود و اگر بینه که  
لشکر کفر اهل اسلام را غارت کردند و دلیل که غم و اندوه مسلمانان را رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب  
بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زبان سوم غم و اندوه چهارم نرخ ارزان غالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غالیه در خواب  
فرسنگ و نام آور بود اگر بینه که غالیه کسی را و دلیل که انگس از وی ادب فرسنگ است و ذکر کرمانی رحمه الله علیه گوید غالیه نشاء  
جج بود و معتبران گویند که غالیه یالی باشد که از خمر برسد و اگر بینه که غالیه یافت و دلیل که از زنی یا از مرودی باز رگان منفعت یابد  
و اگر بینه که کسی چشم می غالیه یا دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بینه که کسی برنگاشتنی غالیه یا دلیل  
که او را رستم بد و غوغائی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرسنگ دوم ثناء  
و آفرین سوم حج اسلام چهارم مال و خسته چشم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که غایبی از سفر  
نزدیکی می آمد و دلیل که نامه و یا خبر غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد و دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد و خبر  
رحمه الله علیه گوید اگر بینه که غایبش از سفر باز آمد و دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد و اگر بینه که غایبش ترسند  
و متفکر بود و مالیش بخلاف این بود و اگر بینه که غایبش سواره از سفر باز آمد و دلیل که غایبش زود و با نعت و مال باز آید و اگر

غایب را بیاد و دعا بخور و برهنه بنید و دلیل که در راه غایب را قطلاع الطریق بزنند و غسل شده باز آید عبا را برین  
رحمة الله علیه گوید اگر بیند عبا بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که عبا بر  
آسمان زمین میفتد دلیل که مردم آن موضع از آفتکار که دارند بیرون آیند و اگر بیند که بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل  
بقدر آن مال حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او بر عبا بود دلیل که او را برنجی و عقیق می رسد قوله  
وَجُئِيَ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهِمْ غَبْرَةٌ ثُمَّ هُفَّتْ فَانْقَضَتْ وَكَانَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ الْآخِرُ و اگر بیند که بر زمین که ملک اوست عبا بود دلیل که بقدر آن مال  
حاصل کند غریبال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غریبال در خواب خادمی بود همین اگر کسی بخوابد بیند که غریبال پشت  
دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که غریبال وی نکند دلیل که خادم وی بگیرد و دیگرانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
غریبال پاک میکرد دلیل که کاری کند که مردم از آن منفعت باشند و او را مضرت رسد و اگر بیند که آنچه پاک میکرد باز بر خود  
میکرد دلیل که منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غریبال در خواب بر سرته وجه بود یکی خادم دوم یار سوم  
زیرک غرق شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دریا غرق شد و برود دلیل که پادشاه او را هلاک کند  
و اگر بیند که آب او را فرو برد و بالا آورد و غرق دلیل که از کار دنیا دست بردارد و صلاح دین و راه آخرت جوید مغربی  
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهارپائی در سرای یا دکانی یا باغی غرق شد دلیل که بکار صعب در ماند و سر انجام رانی باید  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نال سپارد دوم اقبال سوم صحبت با مردم بدین  
چهارم منفعت نگر کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بیند که در راه خدا یا تعالی غرق میشود دلیل که کار خیرش  
و عیال او نیکو شود ولی نیازی باید بگوید تعالی وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فِتْنَةً يَسْبِيلَ اللَّهُ يَجْعَلْ فِي الْأَرْضِ مَرَاغًا كَثِيرًا وَ سَعَةً  
اگر بیند که انرا روی برگرداند دلیل که از خویشان روی برگرداند قوله تعالی هَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ  
وَقَطْعًا اَوْ هُمْ كُرْآنِ رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بغرافت دلیل که دولت اخمت و بزرگی باید بگوید تعالی  
وَقَضَى اللَّهُ أَمْرًا هَدَى عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر بیند که مردم از دنیا بغیر بیرون شدند دلیل که عواید  
یابد و مردم را ره کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کافران تنها جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر میاید و روزی حلال بدو  
در عرش داند و قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَوِّدُونَ  
فَرِحْتُمْ بِمَا أَنْتُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرا کردن در خواب برش وجه بود یکی خیر و برکت  
دوم سنت رسول صلی الله علیه و سلم گذاردن سوم بر دشمنان ظفر یافتن چهارم شفا از بیماری پنجم اطاعت پادشاه و شستن و شستن  
یا ختن غسل کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بیند که در محل و یا نمک دلیل که غم و اندوه وی که گردد  
و اگر بیار بود شفا یابد و اگر وام دارد و امش گذارد و شود و از ترس امن گردد و اگر محبوس باشد خلاص یابد و اگر بیند که  
کم غسل میکرد و آنکه دست و روی او را شست دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دست یا پایش شست اگر بخوابد و دلیل

غایب را بیاد

غریبال

غریق شدن

غرا کردن

غسل کردن

که در میان

در میان ایشان

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

و جنابت بلیل بر پاکی

که در میان ایشان وقت افتاد و اگر بیدار از جنابت بشت بلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمه الله علیه که پیش کرون در  
 جنابت بلیل بر پاکی از نور و غوغ بود و هر زیادت و نقصان که پیش از جنابت پدید آید بلیل بر دین و روح خود غلبه برین  
 رحمه الله علیه گوید و بدین غلبه در خواب کفر باشد و بلیلش بناحق بود و اگر بیدار غلبه بر دین داشت و بلیل که کافر میبود و اگر بیدار غلبه  
 کرون بند سگ شده بود و بلیل که منافق بود و اگر بیدار غلبه بر دین و بند بر پای داشت و بلیل که کافر بود و دعوی مسلمان بود و  
 کند کرامانی رحمه الله علیه گوید و اگر بیدار غلبه بر دین و ستم داشت و بلیل بر بخل او کند قوله تعالی و قال لا اله الا الله و لا اله الا الله  
 خلقت آلهما یاکم و لعلوا یما قالوا و مقصود از غلبه بر دین است این عبارت ضعیف است معین گویند چون مرد صالح غلبه بر دین  
 بیدار و بلیل که دست از کارش بردارد و خلاف این برین رحمه الله علیه گوید خلاف در خواب زن بود و اگر بیدار غلبه بر دین داشت  
 پیشتر و بسلامت باند و بلیل که فرزندان بسلامت از مادر بیرون آید و مادر پاک شود و خلاف کار و پیر حکم دارد غلام این برین  
 رحمه الله علیه گوید و اگر بیدار غلبه بر دین شده بود و بلیل که بگاری سخت افتد و در آن رجوع شود و اگر بیدار غلبه بر دین داشت و بلیل که در کارش  
 بود و کرامانی رحمه الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود و قوله تعالی و کثیر ناکم حکیم و در جای دیگر فرمود یا فیه فی هذا  
 غلام و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و اگر بیدار غلبه بر دین یا کثیر میفرودخت و بلیل که نیک بود و اگر بیدار غلبه بر دین داشت و بلیل که  
 غلام و کثیر اگر زویم ستانده بود و اگر اجناس ستانده بود باشد غلبه بر دین این برین رحمه الله علیه گوید و اگر جواب بیدار  
 غلبه بر دین و بلیل که بر خصم غالب شود و اگر خلاف این بیدار و بلیل که خصم بر وی غالب شود غلبه بر دین این برین رحمه الله علیه گوید و غلبه بر دین  
 و شادی بود و اگر بیدار غلبه بر دین شده بود و بلیل که فرج یا بد و بد و برسد مغربی رحمه الله علیه گوید و اگر بیدار غلبه بر دین داشت و بلیل که  
 بقدر آن مال یا بد و اگر بیدار غلبه بر دین شده بود و بلیل که مخالف این بود غلبه بر دین این برین رحمه الله علیه گوید و غلبه بر دین  
 اگر مال کافران بود و بلیل که در جنایات گران کرده و اگر بیدار غلبه بر دین شده بود و بلیل که در جنایات گران کرده و بلیل که غلبه بر دین  
 بر دین نیست شود و در جنایات گران شود و اگر بیدار غلبه بر دین شده بود و بلیل که در جنایات گران شده بود و بلیل که غلبه بر دین  
 خواص این برین رحمه الله علیه گوید و اگر کسی بجناب بیدار که بر یا فرود رفت و مر و آید در آور و بلیل که بقدر آن علم و دانش  
 و از مال سلطان راحت یا بد و اگر بیدار غلبه بر دین شده بود و بلیل که در یا فرود رفت و مر و آید در آور و بلیل که بقدر آن علم و دانش  
 از قصر در آور و بلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یا بد و غلبه بر دین این برین رحمه الله علیه گوید و اگر کسی بجناب بیدار  
 بوقت خود میخورد و بلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت دست آورد و بلیل که پادشاه در کرامانی رحمه الله علیه گوید و اگر بیدار غلبه  
 میخورد و بلیل که اندوگین شود و اگر بیدار غلبه بر دین شده بود و بلیل که در یا فرود رفت و مر و آید در آور و بلیل که بقدر آن علم و دانش  
 بخت بود بهتر باشد غوغ و در غوغ و شرح آن گفته شود و حرف الفاء فاخته این برین رحمه الله علیه گوید و فاخته  
 در خواب زنی ناقص دین به مهر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیدار غلبه بر دین داشت و بلیل که زنی بد دین به میان بجا آید و اگر  
 بیدار غلبه بر دین داشت و بلیل که او را فرزند می آید و اگر بیدار غلبه بر دین داشت و بلیل که او را فرزند می آید و بلیل که غلبه بر دین داشت



علیه گوید فاخته فرزندى دروغ زن بود و اگر بیند که فاخته بر بام وى بانگ بجا کرد و دلیل که خبر غایت نبود و اگر دوبار بانگ کرد و بهتر بود و اگر سه بار بانگ کرد و نهایت نیکو بود و اگر بیند که فاخته باز فاخته بنزد و بخانه وى در آمد دلیل که زود و خانه وى در آمد و کالاسى او را  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سیدم خادم قال گرفتن ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خال گرفت و خال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد و اگر بیند که خال گیرى نیکو و دلیل که انگشتر خرد کند  
بسیار خور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خال گرفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر بیاورد و دوم مرد سوم حاجت  
برداشتن اگر خال نیک بود و اگر بد باشد ما و لیث بخلاف این بود و خال و ده اگر بر حضرتان بود و نیامری بود و بدن خال و ده  
برنج و خصومت بود و بقدر آن آتشى که بروى رسیده باشد اگر بیند که خال و ده در دهان نهاد دلیل که سخن لطیف گوید و اگر بیند که خال  
خال و ده یکسى داد و دلیل که بانگس سخن خوش گوید یا از بهر وى کارى کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خال و ده در خواب بر چهار وجه  
بود یکی سخن خوش و دوم مال سوم منفعت چهارم با جنگ کاریکه بر آید بد شوى بود و خام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
بیند که خام بروى بود دلیل که چو کند و اگر نازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتى در گروان دارد و باز رسد و اگر وام دارد  
و دلیل که بگذارد و فتنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که فتنه از جایگاهى زایل شد دلیل که اهل آند یا بخداوند تبارک و تعالی  
باز گردد و ذکر تبارک رحمه الله علیه گوید اگر از ده چیزى بیند دلیل در اند یا فتنه و بلا اقتدی تاریکى دوم آتش سوم با دشمن چهارم باد  
گرم چم سپاهی آفتاب و اما شش ششم غبار هفتم باران هشتم بر کندن درختان نهم ابر سح یا سیاه و دهم جامه سرخ و زرد و یازدهم  
فراسخى ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از جایگاهى تنگ بفراسخى آید باز سختى آسانى رسید و دلیل که از غم بیغم شود و از  
اندوه فرج یابد مغربى رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خانه بروى فراخ شد دلیل که روزى بفرخیال از وى فراخ گردد و اگر بیند که خانه بروى  
تنگ شد دلیل که روزى بروى و عیال او تنگ گردد و اگر بیند که خانه بروى تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و  
شرعت بروى مستقیم شود و فی الجمله فراخ شدن چیزى تنگ دلیل بر کشایش کار ما بود و برکت در چیزى فراسخ ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید فراسخ در خواب و لاله بود که از بهر کسى زن خواهد فرج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسى خواب بیند که او را  
همچون زمان فرج بود و دلیل که خوار و بیچاره گردد و اگر بیند که کسى با وى مجامعت کرد و دلیل که حاجت از وى روا شود و اگر و زن  
بیند که ایشان را یک فرج است و دلیل که هر دو زن از یک کس باشند که تبارک رحمه الله علیه گوید اگر زنى بیند که فرج وى از آتش باز  
مس بود و دلیل که از یافتن مراد او نمید شود و اگر مردى بیند که فرج از تن وى پس بود و دلیل که آن زن چیزى دوست دارد که رضای  
حق تعالی در آن نباشد و اگر زنى بیند که فرج وى بریده شد و دلیل که بر دشمن ظفر بیاورد و اگر زنى بیند که از فرجش مایى بیرون آمد دلیل  
او راه ختمی آید و اگر زنى بیند که از فرج او کرم بیرون آمد و دلیل که او از فرزندى دزد و راهزن پدید آید و اگر زنى بیند که از فرج او آواز  
بیرون آمد و دلیل که او از ختمی نابکار آید و اگر زنى بیند که از فرج او مار بیرون آمد و دلیل که او از فرزندى آید که دشمن دارد و اگر بیند  
که از فرج وى کرم بیرون آمد و دلیل که او از همین مادیله دارد و اگر بیند که از فرج وى کرم با موری بیرون آمد و دلیل که او از فرزندى دزد

نصف

باز

نصف

نصف

نصف

نصف

نصف

نصف

توضیح

حج

زاد

زاد

هست که پدر اگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفلس و تنگ دست گرد و اگر بیند که از فرج وی کج بیرون آمد دلیل که شوهرش  
 او را دوست دارد و اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی جماعت کند و اگر بیند که از فرج وی  
 ریخ بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بیند که از فرج او آب تیره بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند  
 که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال بدو اگر بیند که از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهان گیر  
 و اگر بیند که کسی فرج وی بزرید دلیل که از آنکس منفعت یا بد است تحصیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی سویی  
 رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خود داند و مبین شود و اگر بیند که بر فرج وی سویی نبود دلیل که شاد شود و اگر بیند که  
 فرج وی آما سیده بود دلیل که مال بدو اگر زنی بیند که او را بجای فرج قضیب بود اگر آستین بود دلیل که پسر آرد و نماند و اگر آستین  
 نبود دلیل که پسرش میرد و اگر بیند که از فرج وی گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید و فرجی این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یا بدو اگر فرجی چرکین و کثیف بود تا ویش بخلاف این بود  
 اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از دیو یا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد ولیکن با مردم پارسا بود و دیو یا بی نیت  
 از ملعون بود و فرجی که با سحر و جادویشم دلیل بر زیادتی دین بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی زنان پوشیده بود دلیل  
 که او را طاعت رسد و اگر بیند که در آن فرجی با کسی جماعت کرد و دلیل که حاجتش روا شود از آنکس که با وی جماعت کرد و تحصیل  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی پخته پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده  
 بود اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت دلیل بر  
 مصیبت و غم و اندوه بود و فرزند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند او را و آخری آمد و دلیل که خیر و راحت یا بدو از اهل  
 بیت شادمان شود و اگر بیند که پسری آمد و دلیل که دختر وی آید و اگر بیند که دختری آمد و دلیل که پسری آید و مغربی رحمة الله علیه گوید  
 اگر بیند که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بست و دلیل که بیمار شود و استعجیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جانی  
 خفته بیاقت یا کسی بوی داد و دلیل که از جای نیکه امید ندارد چیزی بوی رسد و فرعون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر  
 بیند که یکی از عوینان یا از پادشاهان مقدم شود و شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که پسرش فرعون علیه السلام در آن ظاهر گردد و اگر بیند که  
 مقدم می در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آن ظاهر گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرعون عطا الله بوی  
 یا خلعتی او را بخشد و دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یا بد فرعون ابن سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را بگوشت پز و دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که دیکه بر او نماند  
 یعنی بر چند باشد و اگر بیند که بدو افتند که نان بشکن یعنی برادر از اخوش وار و اگر بیند که کسی گوید که گتم بفرش یعنی  
 بدو اگر بیند که گویند میان او رسد یعنی خایه برگیزد و اگر بیند که گویند توقف کن یعنی بر دشمنان خفاهی یا نشسته اگر بیند  
 که کسی گوید یا کش کم باشد یعنی مان نگردد تا در ویش نشود و اگر بیند که گویند چراغ برافروز یعنی مال خرج کن و اگر بیند که گویند



علیه گوید غلوس در خوابیدن دلیل بر عقلی بود فندق در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخوابد بید که فندق داشت دلیل  
 که از مردمی بخیل منفعت یابد اگر بید که بخوابد فندق داشت دلیل که او را با کسی خصوصیت افتد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بید که فندق  
 شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد فندق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فندق در خواب مردی غریب توانگر و آموخته  
 با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بید که فندق مطبوخ  
 نبود دلیل که فایده نیابد و اگر بید که فندق را بگشت و پوست و گوشت و برابری کند و گوشت و پیرایه کند دلیل که مال مردی غریب تلف کند  
 و اگر بید که فندق را خیره و از گردن او خون روان شد دلیل که دو شیرازی و ختری غریب بستاند و اگر بید که فندق بسیار مردی جمع شده  
 و از ایشان گزیده دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند مضرت یابد فواق ابن سیرین رحمة الله علیه  
 گوید اگر کسی بخوابد بید که فواق آمد دلیل که خشم گیرد و دو ششام دهد و سخن ناسزا گوید که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بید که فواق از زبان خورد  
 و از فواق پدید آمد دلیل که چهار شود و اگر بید که او را فواق بیانی می آمد دلیل که بی حجتی بر کسی خشم گیرد و اگر بید که فواق او با بکشت آمد  
 بود دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را ملاحت رسد و اگر بید که فواق نرم و آهسته بود دلیل که بر کسی خشم گیرد و لیکن زود بگذرد  
 و اگر بید که فواق میگرد و هر چه بود بر آورد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد فود و خمیر خشک باشد که از آن بگامه سازند و در  
 وی در خواب غم ماند و نود و اگر بید که فود میخورد دلیل که بسبب کاری متفکر گردد و فود در خواب جنگ و خصومت با دشمنان  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فود در خواب بر پنج چیز یکی بیماری و دوم غم و اندوه سیدم خصومت چهارم بخت پنجم ناسا کار  
 بر عیال فوطه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بید که فوطه از پهنه بود که داشت  
 دلیل بر راحت دین و دنیاوی بود که باید خاصه چون نو و فراخ بود و اگر فوطه کمند و دریده بود تا و بیش بخلاف این بود که آنی رحمة  
 الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بید که جامه فوطه پوشیده بود و بیند و مستور بود دلیل بر زیادتی  
 سر او بود و اگر بیند خواب فوسد بود دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامه فوطه با شاه بیند  
 دلیل که عدل داد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشیده دلیل که حکم برستی کند و اگر شرک بیند مسلمان شود و اگر قاضی بیند  
 ناسب کرد و اگر نوزد بیند توبه کند و راه صلاح جوید صرف القاف قاضی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد  
 که قاضی شد و در میان خلق داری میگرد و از اهل قضا نبود دلیل که در پنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر سفر فرست  
 باشد او را قطع الطريق بزنند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیند خواب عالم نبود و جوان بود و سفر  
 بسلاست باز آید که آنی رحمة الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخوابد دلیل که بزرگ علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی  
 محمول بیند که نشسته بود و او کسی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد و هر حکمی که رفته باشد آن بود که تعالی و الله  
 یجزم لا معقبات لحکمه و در جای دیگر فرموده یَقْضِي الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاضِلِينَ مغربی رحمة الله علیه گوید  
 اگر بیند که قاضی بروی حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی تر از دوست داشت دلیل که در میان خلق حکم برساند

قالب  
بنام  
قالب

و اگر میند که قاضی میر و شفقت بر او نگاه کرد و با وی مطلق و بد را نسخ گفت دلیل که او را نزد اهل علم حرمت و عباد نبود و خوار و فرو داشت  
قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنام قاضی میند که کار بسته وی کشاود کرد و از خویشان و در شوق قلب  
کالد بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر قالب کفش یا میز و در خواب میند دلیل که زن و خا و نم که کارهای وی درست دارند و اگر میند  
که قالبی داشت دلیل که خادمی او را حاصل آید و اگر میند که قالب شکست یا سوخت دلیل که آنجا دم خانه و هلاک شود مغربی رحمه الله  
علیه گوید اگر میند که قالب بسیار داشت دلیل که او را از خادمان خیر و منفعت رسد و اگر میند که کفش و میز و میز و در خواب و در خواب و در خواب  
قالبی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که قالبی بزرگ از بهر وی افکند و بود و دانست که ملک نیست دلیل که بر درازی عمر  
و فراخی روزی بود و اگر میند که بزرگ نشسته بود و در جانی بیکانه ندانست که آن جایگاه کیست دلیل که دنیا بروی متغیر شود و در غیرت  
بسیار در مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که بر قالبی تنگ و کوچک نشسته بود و دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود مغربی رحمه الله علیه  
اگر میند که قالبی در چیده بود و بر دوش داشت دلیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالبی بزرگتر و خوشتر  
باشد سعادت و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر میند که بر قالبی کوچک نشسته بود و در زیر وی فرج شده دلیل که عیش و روزی وی فراخ گردد  
و اگر بخلاف این میند دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر میند که قالبی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کج خانه نهاد  
دلیل که دولت و اقبال و عو و تبا و کند و اگر میند که قالبی بر پشت نهاد و میر و دلیل که بزره بسیار کند و انیال علیه السلام گوید اگر میند که قالبی  
کوچک و سبب بود دلیل که روزی بر وی تنگ شود و اگر عمرش دراز شود و اگر میند که قالبی سبب و پاکیزه داشت دلیل که روزی بروی فراخ شود  
و اگر میند که قالبی در خانه کسی افکند و بود دلیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر میند که در خانه محمول قالبی افکند و بود دلیل که سفر  
کند و مال و نعمت یابد قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قبابی که پاس در خواب پناه و قوت و سفر بود و اگر میند که قبابی که پاس  
فراخ پوشیده بود و دلیل که از غنما فرج یابد و اگر میند که قبابی حریر پوشیده بود و در خواب کرد و بود و اگر که با سلاح پوشیده بود و اما از  
سروى بزرگ شرف و منزلت یابد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند قباب پوشیده و بحر میرفت بر دوش و اگر میند که قبابی  
سبز پوشیده بود و دلیل که روشنائی یابد و اگر میند که مصیبت باشد و اگر سیاه بود و غم خانه باشد و اگر ملون بود و کارشن نظام گردد  
و اگر قبابی که سبز و دریده بود و دلیل که در نزاع و طلاق و بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که قبابی عنبی داشت اگر اهل آن قباب باشد و دلیل غم  
بواند و بود و اگر میند که قبابی پستین سیاه و سپید پوشیده بود و دلیل که زنی توانگر زنی کند و اگر میند که قباب از پوست رو به بود و دلیل که  
از قی با سبزی کند و اگر قباب از پوست سمور بود و دلیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباب در خواب بر دوش و جلد  
سجی پناه و دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب  
که قباله و خطا داشت دلیل که بعد خط و قباله او را حکمت حاصل شود و اگر میند که پادشاه خط و قباله بوی او و دلیل که او را آن  
گرداند و اگر میند که قاضی قباله بوی او و دلیل که علم شیخ او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله در خواب بر دوش و جلد  
ریاست و دم حکمت سیم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قباله در خواب بر دوش

قالب

قالب

قالب



کرد و دلیل که اگر بیدار شود و اگر در پنج و بلا و نجات گرفتار بود و شفا یابد و اگر دین بود و خلاصی یابد و اگر درویش بود و ثواب گرفت و اگر گرسنه  
 و اگر دین بود و اگر دین را در دوش گذارد و شود اگر چه نکرده باشد حج بگذارد و اگر بیدار بود و بصره بجهت قربان فتنه بود و دلیل که آنقدر که  
 از چیزی ترسد این گزند و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر محظوظی بود و بفرمانی بدل شود خاصه که این خواب نزدیک عید قربان  
 باشد تا دیش زودتر از آنکه که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که گشته قربانی مردم قسمت میکرد و دلیل که مردی محشم آنجا میرود و  
 قسمت کنند و اگر بیدار گشت بدزدید و دلیل که بر خداوند تعالی خود جل و روغ گوید و قربان در خواب بشارت بود و قوله تعالی و  
 بُشِّرْنَا لَهُ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ النَّسْلِ أَكْرَمَ جَعْفَرِ  
 صادق رضی الله عنه که بد تاویل قربان در خواب بر شش و هر بود یکی آئینی از ترس دوم حاصل شدن مراد و حاجات سوم چیزی  
 چهارم ششم زوال خط و تنگی قرا به این سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به در خواب کند پیری بود که مال و خسته بد و بسیارند و اگر  
 در قرا به آب یا جلاب یا چیزی که خوردنش حلال بود بیدار دلیل که آن کند پیر حلال خوار بود و اگر بیدار که در قرا به چیزی بود که شکی  
 دلیل که آن کند پیر حرام خوار بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که قرا به دشت دلیل که او را با کند پیری صحبت افتد و اگر بیدار  
 که از قرا به آب یا جلاب خورد و دلیل که او را از کند پیر خیر و منفعت رسد و اگر از قرا به چیزی ترش خورد و دلیل که غم و اندوه خورد و  
 قرا به بختی مسیح خیر و منفعت رسد و اگر بیدار که قرا به شکست دلیل که از آن کند پیر جدا گردد و قرفل این سیرین رحمة الله علیه گوید  
 قرفل در خواب شنای نیکو بود و اگر بیدار که قرفل بسیار داشت و هر کس عطا داد دلیل که اهل دنیا بر وی شاکه پیدا نمیشد و بختی  
 گردد و اگر بیدار که قرفل میخورد و دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد قرا به این سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به بر ششم چون سپید باشد دلیل  
 بر نعمت جهانی باشد و اگر زرد بود و دلیل بر بیماری کند و دیدن ابریشم بخت بهتر از خام بود و اگر بیدار که ابریشم یا قرا به بخت یا صانع  
 شد دلیل که دیر از بانی رسد و اگر بیدار که قرا به بر ششم دشت و سفید بود و ملک وی بود و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر سبز بود و بهتر باشد و اگر  
 سرخ بود و مراد از بد باشد و اگر سیاه یا کبود بود و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیدار که از بر ششم دشت دلیل که او را از هر رنگی متاع حاصل  
 و ابریشم مراد از دین مکرده بود و زنا نیک است باشد قسط این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که قسط دیز و زخو و میسخت و دود  
 میکرد و دلیل که مردم از ولایت او خارج و شاکه پیدا نمیشد و از دنیا بر بختی منتظر گردد و اگر دود و کنده و ناخوش بود تا ویش و خلط  
 این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که قسط میخورد و دلیل که غمگین شود و قسمت کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که میان بی  
 چیزی قسمت میکرد و دلیل که میان خلق انصاف را نگاه دارد و اگر بیدار که مال خود بخیر و صلاح قسمت کرد و دلیل که او را فرزندان آید و مال برایشان  
 قسمت کنند و اگر بیدار که مال خود بشرف و قسمت میکرد و دلیل که مال وی تباه شود و اگر بیدار که مال کسی بر ضایع او قسمت میکرد و اگر بیدار  
 یا فساد و دلیل که خیر و شر آن بوی باز گردد و قضا ب این سیرین رحمة الله علیه گوید قضا ب چون مجهول باشد ملک الموت بود و اگر بیدار  
 که قضا ب و در حوائی یا در کوه در آمد و دلیل که در آنجا کسی میرود و اگر بیدار که قضا ب است و قضا ب نبود و دلیل که کسی را بکشد و اگر بیدار  
 که قضا ب بهتری که در دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که قضا ب کرد و قضا ب نبود و دلیل که غم و اندوه

از وی نایل شود و اگر بیند قضاب بود خون حق ریزد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قضاب مجبول در خانه وی در آمد یا در کوچه در آمد  
 دلیل که در آن موضع مرگ مغایرات پیدا شود قصه گفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قضاب مجبول میخورد  
 که از ترس و بیم شکاران این شود قوله تعالی فَاَتَا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ  
 الظَّالِمِينَ که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرد را قصه میگفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت دلیل  
 بر شر و فساد و کینه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قضاب میگفت دلیل که کارش نیکو شود و مرد او ش حال گردد و قضیه گوی و غرض  
 مردی نیک محض بود و قضیب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند که  
 شاخ درخت تازه و باریک بود و بد و داند و آنکس حروف بود و دلیل که او را آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند  
 که شاخی باریک و خشک بود و دلیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درختی که ترش میوه او بود  
 و بد و داند و دلیل که آنکس بد و غم و اندوه رسد و اگر از درخت شیرین بود و دلیل که خیر و منفعت یابد و قضایف ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قضایف بشکوه با و دام کسی بوی و او و از آن بخورد و دلیل که او را مال لغت آسان بدست آید و اگر  
 بمغز خورد و قضایف بود و دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قضایف در خواب بر جامه و وجه بود  
 یکی سخن خوش و دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت برج قطران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قطران  
 خواب مال حرام بود و اگر بیند که قطران و اشت و از آن یکی خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که تن یا جامه  
 وی بقطران آلوده بود و دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند که قطران از  
 خانه بیرون انداخت و دلیل که توبه کند و قنای خوردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قنای خود موی بیند  
 و دلیل که وام دارد شود و اگر بیند که موی از قنای پتیده بود و دلیل که و همیکه دارد گذشته شود و اگر بیند که بر قنای آویخته  
 کسی زوچنانکه آس کرد و دلیل که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بیند که بیگانه بر قنای او سیلی زد و دلیل که  
 از بیگانه یابد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی چندان سیلی بر قنای او زد که خون روان شد و دلیل که او با کسی و او را  
 کند و زیانش رسد و اگر بیند که قنای خود بدید و دلیل که عیالش بروی خیانت کند و اگر بیند که بر قنای خود حجامت کند  
 و دلیل چیزیکه خورده باشد قبل از نوبت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رویش بقفا کشت دلیل که با مردم منافقت کند  
 قفص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قفص داشت دلیل که در جای گرفتار شود و معتبران گویند که او را با  
 از خویشان در زندان کنند و اگر بیند که قفص شکست یا ضایع شد و دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد و جعفر صادق رضی  
 عنه گوید و دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جانی تنگ سوم سرری نخاس قفل ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید قفل در خواب دلیل بر راست شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بیند که قفل زو بکشد و دلیل که کارها  
 بروی کشنده شود و شاید که هیچ اسلام نگذرد و اگر بیند که قفل نتوانست کشد و دلیل که کارش دیر کشنده شود و مغربی رحمه الله علیه

تفسیر  
 قضیب

قضیب

قضیب

قضیب

قضیب

قضیب

قضیب



خواب

بیم

نوع

نوع

بیم

نوع

علیه گوید اگر بیند که قفل محکم بر جانی ننهد و دلیل که مال خود مصلح بسیار و اگر بیند که قفل سست و ضعیف بود تا بلیس  
بجای آنکه بگوید رضی الله عنه گوید و بدین قفل در خواب بر تشنه و جبهه بود یکی ساختن کار و دوم خوت سوم محبت چهارم  
منفعت پنجم زن ششم عتقاد بر کسی مصلح داشتن قلمعه و ز بود و حرف و ال و کش رفته است قلم معبران در تاویل  
قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم امر حق است و خدا یغالی را بقلم لوح محفوظ نیاز نیست مغربی نوشته  
علیه گوید قلم فرشته است که بفرمان خدا یغالی جمل و علی کار کرد و اگر کسی قلم را بدین صورت که هست بیند و دلیل  
که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حق تعالی جمل علاقه نماید کرده است و القلم و ما یسطرون اگر بیند که قلم بر دست  
گرفت و دلیل که او را فرزندی فاضل عالم آید اسماعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بران قلم که در دست داشت چنانچه  
بشت و دلیل که علم آسوز و قوله تعالی علم الا انسان ما لکم لعلکم تعقلوا رضی الله عنه گوید و بدین قلم در خواب بیخ  
وجه بود یکی امر حق تعالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار با پنجم قلم خامه گویند و شرح آن در حرف خامه یا کرم  
قلیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم که با بخت باشد بهتر از آنکه بی آب بخت باشد هر چند که قلم بیخ نوشته بود و منفعت آن بهتر  
باشد و اگر قلم از گوشت گاو و فربه باشد و خورد و دلیل که در آن سال از ترس بیم بین بود و اگر از گوشت بیه یا زغال خورد و دلیل که مال او  
یا بد مغربی حقه الله علیه گوید اگر بیند که قلم از گوشت اسب خورد و دلیل که مال از پادشاه برنج و سختی بدست آرد و اگر از گوشت شتر  
خورد و دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلم از گوشت شتر خورد و دلیل که از جنت زنان بکر مال بدست آرد و اگر از  
خواب معنی بود و دلیل بر عجم و اندوه کند و اگر بیند که قلم از گوشت چهارپای خورد گوشت وی هر مست و دلیل که مال حرام خورد و معنی  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم که چک در خواب غلام و کینک بود و معنی بزرگ هی مرتدیر کننده بود و اگر بیند که قلم که چک بخورد  
یا کسی بومی و او دلیل که غلام یا کینک که چک بخورد و اگر بیند که قلم او بشکست یا ضایع شد و دلیل که او را از صحبت چنین مردی  
مفارقت افتد و اگر بیند که قلم او سبب بود و دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قلم او آتشین  
بود و دلیل که با مردی قوی دایمی و شجاع صحبت افتد و از خیر و منفعت یا بد قند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلم او  
دلیل که بتجیل کاری کند که از آنکار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پاره قند و روان او ننهد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر بیند که بخورد  
قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند می فروخت و دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن آن  
قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قندیل فروخته توفیق عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر کسی خواب بیند که در خانه او  
قندیل فروخته آویخته بود و دلیل که زنی صالحه یا پارسا بخوابد و اگر این خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید قندیل فروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خوشن دوم توفیق سوم غرور دولت چهارم کثرت  
در کارهای سببه و قندیل نافرخته دیدن منفعت اندک بود قنوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که قنوت  
خواند دلیل که مردم بد و شاکویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند و دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند

که

که صلح بود و از ورگه حق تعالی حاجتهای او بر آید و اگر بیند که سفید بود و دلیل که از بزرگی کارهای دنیای می برای قفسینه این دنیا  
رحمة الله علیه گویند قفسینه در خواب حاوی بود که کلید خانه بد و بسیار بد اگر کسی بخوابد بیند که قفسینه داشت و در وی آب بود یا  
یا چیزی که خوردن آن حلال بود و آن میخورد و دلیل که مال حلال باید و اگر قفسینه چیزی حرام بود و از آن میخورد و دلیل که او را از آن حرام  
چیزی حاصل شود و اگر بیند که قفسینه شکست یا ضایع شد و دلیل که خدا و او بگریزد و اگر مالکی رحمة الله علیه گویند قفسینه در خواب حاوی  
بود که چیزی با بر دست وی باشد قیامت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه و تعالی  
در دنیا را بخیر گذرد و اگر از اهل دنیا را ظالم باشد و دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل دنیا را مظلوم باشد و دلیل که حق تعالی  
غرض اهل ایشان را نصرت دهد و اگر بیند که اهل دنیا را پیش حق تعالی حرام و عداست او بود و دلیل که چشم و غذا حق تعالی حرام و عدا باشد که  
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بهر جاست اگر مظلوم باشد و دلیل که بر ظالم دست یابد و از عمر رسته گردد و اگر بیند که علامتی باشد  
چنانکه آفتاب از مغرب برآید یا و حال و یا حوج و یا حوج پیدا شدند باید که توبه کند و بخت تعالی گراید و اگر بیند که گور یا بشکافت و مردن  
بیرون آمد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که او را بر تخت باید که از کتا و توبه کند و رضای حق تعالی حاصل و عدا وید و اگر بیند که شتر  
گاه بود و دلیل که در غفلت بود و توبه تعالی اِقْوَابُ النَّاسِ حَسْبُكُمْ غُلَّتْ مَعْخِرُ خُونِ اگر بیند که با وی شتر کمر و دلیل  
که او را زیان برسد قوله تعالی اِنَّمَا سَنَبْتَا هَا جَسَا بَا شَدَّ يَدَا وَعَدَّ بِنَا هَا عَدَا بَا نَكَرَا و اگر بیند که او را بهنجاری  
وی سنگی زیادت آمد و دلیل که سر انجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ  
و اگر بیند که بی وی بیشتر از نیک بود و دلیل که سر انجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَاُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا  
اَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ و اگر بیند که ترازوی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست داشت و دلیل که وی براه است  
بود قوله تعالی وَاُولَئِكَ لَنَا مَعَهُمُ الْكِتَابُ وَالْمِيزَانُ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر بیند که نامه کار وی او دود  
که بر خوان اگر اهل صلاح بود کاش نیکو شود و اگر اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اِقْوَامٌ كَانَتْ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْكَفَىٰ  
اگر بیند که بر صراط است و دلیل که براه راست میرو و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت هم راه راست بود و جعفر صادق علیه السلام  
الله عنه گویند قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سپوم نظر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال  
و خامت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود قیصر ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخوابد بیند که قیروا شت و دلیل که بقدران نیست  
و روزی یا بدیش غری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیروا شت و یا بدیش غری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیروا شت و دلیل که بقدران نیست  
بیرون افکند و او را بدیش بخلاف این بود و اگر بیند که در قیروا شت افتاد و بسوخت و دلیل که پادشاه او را محاصره کند و او را شتر بستاند و اگر  
بیند که قیصر بخورد و دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی سیرین گویند که او را غم رسد فی کردن ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخوابد بیند  
که فی میگرد و آسمان بر وی آمد و دلیل که توبه کند و اگر بیند که فی نتوانست کردن یا در وقت بر آمدن باز جانی رفت و دلیل که از توبه  
باز نگردد و سر انجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد مگر بیند که فی بگیرد و میخورد و دلیل که از بخت چیزی عیب

انقضه کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که می میرد و طعم او ترش و ناخوش بود و دلیل که بعد از توبه برنگشته و رود و اگر بیند که بسیار  
تقی کردن چیزی از شکم وی بزبان آید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بلغم برآورد و دلیل که بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار  
برآورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که صفرا برآورد و دلیل که از رخ بکین شود و اگر هر چه در شکم بود برآورد و دلیل که پاک شود و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید تقی کردن در خواب برنشش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سیوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن  
ششم کارهای بسته گشاده شدن و اگر بیند که تقی کرده و بخورد و دلیل که چیزی که می بخشد و از انگس باز ستاند و حرف الکاف  
کاجی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاجی بروغن انجد و شکوفه و روغن بادام خور و دلیل که بعد از آن  
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بروغن و انگبین می خورد و دلیل که بعد از آن راحت یابد و اگر بیند که کاجی بروغن و ماست می خورد و دلیل که  
از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاجی بخیزی ترش می خورد و دلیل بر غم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که کاجی بخیزی شیرین می خورد و دلیل که او را مال باستانی بدست آید و اگر بیند که بخیزی ترش می خورد و دلیل که غم و اندوه بود و بعد ترشی  
کار و این سی و رحمة الله علیه گوید کار و فرزند باشد و نیام کار و زدن بود اگر کسی بخواب بیند که کار و دور دست و دشت و دشت که  
از آن و دشت دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کار و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که سلاح پوشیده و گوی و در دست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار و گری آموزد مغربی رحمة الله علیه  
علیه گوید اگر بیند که کار و از نیام بر کشید دلیل که زرش سپری آورد و اگر بیند که کار و در نیام شکست دلیل که پدید آید یا یکی از ایشان  
پدرش بمیرد و اگر بیند که اندام خود را بکار و بخت دلیل که بعد از جنگ اندام او از آن رسد و اگر بیند که بکار و چیزی تراشید دلیل  
که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کار و او رخصه افتاده بود یا زنگ گرفت یا عیبی در ظاهر شد و دلیل که نقصان مال او  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید پدید آمدن کار و در خواب بر بهفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم ظفر چهارم پنجم برادر ششم  
توانایی محقق و لایست کارزار کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود و اگر کسی  
بخواب بیند که کارزار می کرد و دلیل که او را از علت طاعون بچم بود و اگر در کارزار دشمن را قتل کرد و دلیل که از علت طاعون  
یابد و اگر در کارزار دشمن بروی چیره گشت دلیل که بعد از طاعون پاک شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کار  
با کسی مشیبه جنگ می کرد و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل بر خدمت بود و از آن خطر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار بر  
می کرد و همین تاویل وار و اگر چه تیر و کمان کارزار می کرد و دلیل که میان ایشان بزبان گفتگو می شود کارزاری ابن سیرین رحمة الله علیه  
علیه گوید اگر بیند که کاری می کرد و اگر کارزار بود و دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چون جامه بتاویل غم و اندیشه بود  
و کار پاک کننده چرت است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن  
و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه در دیده راجحت دلیل که باز توبه کند اگر بیند که او شستن سپید شد و دلیل که از توبه پاک  
و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید نمیشد و دلیل که همواره در گناه باشد مغربی رحمة الله علیه گوید کارزار و خواب بروی

از کارزار

کاجی

کار

کارزار

کارزار

در خواب

و در خواب

و در خواب

و در خواب

و در خواب

که بر دست وی خیرات و حسنت هر دو برود و از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر در خواب مردی باشد  
که غم و اندوه از دل مردم بر دوزین سبب جبران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه میشوید دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد  
و از گناهان توبه کند خاتمه که جامه را سپید شود کار روئیا کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار  
مسکرو دلیل بر فنا و نقصان دین وی بود و اگر بیند که کار دین مسکرو دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال جهانی تمکین بود  
و اگر بیند که کارهای دنیا وی آرد سست شد دلیل که بجایش نزو یک باشد و اگر بخلاف این بیند عیش و دراز بود و اگر بیند که بجای  
مشغول بود که او را غم و اندوه از ازان منفعت نبود دلیل که بجای مشغول شود که در آن خیر و منفعت باشد جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید اگر بیند که با مردی بجاری عیش و دراز نشسته است دلیل که مخالف دین بود و قوله تعالی **فَرَحَ الْخَالِفُونَ بِمَعْقِدِهِمْ حَتَّى**  
**الْوَسْوَءُ لِلَّهِ كَارِوَانِ** این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصلح  
و پارسا بود و دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تا وایش بخلاف این بود  
بیند که سوار بود و برکت تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برکت نداشت تا وایش بخلاف  
این بود که فانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آید دلیل که کار با مردی کشاده گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار با مردی  
بسته گردد و کار بیز این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در جایگاهی معروفا کار بیزی میکند دلیل که با کسان خود  
و حیلت سازد و این تاویل وقتی بود که بکنن کار بیز آب پیدا نشود و چون آب پیدا آید و روان گشت حکم کار بیز کند این معنی  
که با فانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کار بیز آب می ستد دلیل که بکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کار بیزی کند باشد منفعت  
بقدرا که از مرد بر آید و مردی رسد و اگر بیند که آب از کار بیز بر دشت و در خم و دشت یا در سبزه و دلیل بر مالی باشد که طرح کند و اگر بیند که  
کار بیز افتاد و دلیل که در بکر و حیلت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کار بیز آب می آید و دلیل که با باین خود جماعت کند  
کار بیز دین در خواب مردی بود که کارهای دنیا بکر و حیلت ساز کند کاسه این سیرین رحمة الله علیه گوید کاسه چوبین در دوش خود  
بود و بجز در بقدر آن از سفر روزی حلال یا بد و کاسه خالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود و کانی رحمة  
علیه گوید کاسه طعام خادی بود و بابرکت منفعت که بر دست وی خیرات رود و مال بوقت صلاح تمت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی  
خردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبتهی بود و کاسه آئینه دلیل بر آن کند و کاسه تنی و سیمین  
مغسی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت و دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی ترش  
و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندوه باشد و کاسه این سیرین رحمة الله علیه گوید کاسه در خواب مال و بزرگی بود و اگر بیند که کاسه سفید و پاکیزه  
و دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر بیند که کاسه وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال و نقصان  
شود و کانی رحمة الله علیه گوید کاسه در خواب علم و دانش بود اگر کاسه در خواب پارسا بود و اگر بیند که کاسه بسیار داشت دلیل که فضل  
علم شهرت یابد و اگر کاسه در خواب خست و جابل بود تا وایش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کاسه در خواب بر چاه

بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم مکر و حیلت کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید که فور در خواب لیل بر نفس پاک  
 بود در راه حق اگر بیند که کا فور سیاحت و از آن بوی ناخوش می آید لیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت بدارد و اگر بیند که اندکی کا فور یا  
 لیل که نشانار نشادی بپاید و اگر کا فور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور در خواب  
 بر سخت و جد بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کنیزک خبری بچشم مال بسیار ششم شای و فرین و سخنهای خوب و غم رکن  
 نفس کا فور بر سر غم ثابت که شکوه او زرد بود و از وی بوی کا فور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که مدح و ستای او در دنیا  
 مجموع مردم باشد و اگر بیند که کا فور بر سر غم از جانی بر کند دلیل که از آن موضع شای او منقطع شود و اگر بیند که کا فور بر سر غم میخورد و لیل که او را  
 غم و اندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور بر سر غم در خواب بوقت غش بر سر غم بود یکی شای و فرین دوم نفع از آن سوم غم  
 لطیف شنیدن و گفتن کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کا فور شده است دلیل که او را بخت کفر میل باشد اگر بیند  
 که گریه شد و آتش بر سر شد دلیل که بخداوند تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نوره و شعاع نداشت دلیل که مال حرام جتید و دین خود را مال  
 حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کا فور در خواب بر سر و جد بود یکی میل کفر داشتن دوم صحبت با مردم و داشتن و با بچه ها و  
 داشت و خواست کردن سوم خدا ن خداوند تبارک و تعالی بروی کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بی چنان  
 دراز شد که کله ای از درازی او بسته شد دلیل که بدینا حریف بود و در مرغیت کند که کافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور با بی بی  
 بر سرین لب بود دلیل که کار با بی بی بسته گردد و اگر بیند که کا فور دراز شده بود و بر برید و بیدار شد دلیل که بزرگ حرص و از بگو بدو  
 را غیبت کند کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید که کا فور در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کا فور میخورد و لیل که بقدر  
 ریح و اندوه بوی رسد و اگر کا فور کسی داد و او بخورد و دلیل که انگس از وی بخورد و در غم و اندوهش کشته بود جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید که کا فور خورون بر سر و جد بود یکی غم و اندوه دوم حضرت سیوم خصوصت و گفتگوی کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید  
 کا فور در خواب مال نعمت بسیار بود و خاصه که کا فور گندم باشد و اگر بیند که کا فور بسیار داشت و در خانه میخیزد دلیل که مال و نعمت  
 بسیار حاصل کند و اگر بیند که کا فور بود آنچه گفته شد از آن باشد که کافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کا فورانی رفت و اندک مال است  
 دلیل که تو اگر شود و مراد و جهانی یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کا فوران و افتاد و کا فور بسته شد دلیل که پاد  
 و ارمصا و کند و مال و خوشه از وی بستاند و اگر بیند که چهار پانی کا فور میخورد و دلیل که بجهد مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید دیدن کا فور در خواب بر سر و جد بود یکی مال حلال دوم کسب محبت سیوم کام دل و شادی کا فور این سیرین رحمة الله علیه  
 اگر کسی بخواب بیند که کا فور بر سرین بوقت خود میخورد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کا فور میخورد و دلیل که حضرت وزیران بیند  
 و اگر بیند که کا فور میخورد و دلیل که با کسی گفتگوی کند کا فور این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور میخورد و دلیل که  
 و خوشه یا بد اگر بیند که کا فور بسیار داشت و دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که کا فور بر سرین بوقت و دلیل که او را فقر  
 رسد که کافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بود و دلیل که مالی از آن یا بد و خیر و نفع در آن است که او و انیا علی السلام

اگر کسی بخواب بیند که بر کاوشفته بود و کاوازان او بود و دلیل که از پادشاه عمل گیرد و نفع بسیار از وی بیاید خاصه چون کاوشاید  
 باشد و اگر کاوشد و بیند دلیل که بیاید بود و اگر بیند که کاوشی نرازد در خانه وی و دلیل که حقیقتی در خیر و روزی بروی کشاید  
 لیکن اندویش سپری نگردد و اگر بیند که کاوان نر بسیار داشت دلیل که غلامان بسیار زیر دست وی شوند و او در کار ایشان  
 کند و اگر بیند که کاوشی نرازد و بسرون بزد و از ترشش بیرون برود دلیل که از غلامان او را حضرت رسد و او خود را مغرول گردان  
 و اگر بیند که کاوا و او را بسرون بود و ترشش بیرون برود دلیل که بعد و بر سر وی غلامش کیسای عمل می کند و اگر در اندامی از اندامها  
 وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان بیند تا ویش بخلاف این بود که تانی رحمة الله علیه گوید که ویر  
 در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و غم کا و و خرید و فروخت نیز عامل بود و اگر بیند که دنبال کا و نر و سیری  
 و نر دلیل که مال بسیار یا بد روزی او فرج شود و اگر در کوه خیزش کاوان بسیار بیند دلیل که مکر گردد و در کار او خیر  
 و برکت پدید آید و اگر کاوشی نرازد و بسرون بزد و بیند خاکی اگر بیند خواب صاحب عمل بود و دلیل که مغرول گردد و اگر  
 باز کاوان بود دلیل که زیان کشد و اگر پادشاه بود از ملک بگیند و اگر بیند که کا و بسرون بزد و او بیفتد و دلیل که کسی بر وی خیر  
 و بزرگی کند و در غل وی کوشد و مخری رحمة الله علیه گوید که اگر بیند که کا و نر از میان کاوان بگیند و قسمت کردند و کاوان  
 عامل بود و دلیل که مردی بزرگ از ان که چه بگیند و اگر بیند که کا و راجحت و کوششت او بخورد و دلیل که خداوند کا و را بگیند  
 و مالش بستاند و اگر بیند که کاوشی بگیند که نه کا و او بود و دلیل که مردم محشم در آن موضع میرند و اگر کاوان بسیار نر و ما و محشم  
 بیند که در آن موضع آمد و شد میکند و دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند اگر کا و فریه باشد ویش فرخ  
 و ازانی بود و اگر بیند که کاوان زمین را بیشکافتند و دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید و همه میل شفت رحمة الله علیه گوید که اگر  
 که با کا و جنگ میکند و دلیل که او را با مخری جنگ افتد این سیرین رحمة الله علیه گوید که و در خواب سال بود و اگر ماده کا و بیند دلیل که در  
 آن سال فراخی و غنی باشد و اگر ماده کا و لاغر باشد تا ویش بخلاف این بود و گوشت ماده کا و مال و فراخی در آن سال بود و بیست وی  
 ذخیره باشد و اگر بیند که ماده کا ویر اسید و شفته دارد و شیر بخورد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند تا در دو اگر در ویش بیند تو اگر  
 گردد و اگر از او بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خدای بیند غریز گردد و اگر بیند که ماده کا و او آهسته بود و دلیل که امید واری بود و حقا سحر رحمة الله علیه  
 گوید که اگر بیند که گوشت کا و فریه بخورد و دلیل که در آن سال زنی تو اگر زنی کند و اگر بیند که ماده کاوشی بدو رشید و از ان شیر بخورد و دلیل که مال بسیار جمع کند  
 و از آن چیزی بخورد و اگر بیند که ماده کاوشی با ویش گفت دلیل که عیش و وی فرخ گردد و اگر بیند که ماده کاوشی پیش در دلیل که سال وی مبارک بود و اگر بیند که ماده  
 از وی و اگر داند دلیل که آن سال وی بد باشد و اگر بیند که ماده کاوشی نشسته بود و حیثا و دلیل که حال بروی متغیر گردد و اگر بیند که ماده کا و جنگ میکند و دلیل که در آن سال  
 خصومت کند و اگر بیند که ماده کا و در آن زمین حرافه میکند و دلیل که در آن سال ای نعمت بر او اگر بیند که ماده کا و او را بر دلیل که عیالش با ویش است کند و اگر بیند  
 ماده کا و ناگاه و در خانه او را آمد و دلیل که ناگاه مال بدو میسر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در آن سال ماده کا و در آن سال پیش  
 یکی فرغانه و دومی دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکی ششم سال نیکی گاو و ششتری کرمانی رحمة الله علیه گوید که و شش و در آن

[illegible]

که کبوتر بجهت غم و اندوه بود و از قبل زنی که بوی سدر کرمانی رفته اند علیه گوید اگر بخواب بیند که کبوتر بسیار در خانه او بود و دلیل که او را  
 نوزدان بسیار شد و نیز گرسنگی او را مال بسیار از جهت زنان حاصل شود و مغربی رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زنان آزار بود و اگر بیند  
 که کبوتر گیسوان بحدیست گرفت دلیل که بقدر آن مال بکرو حلیت حاصل کند و اگر بیند که کبوتر از ترس او پیش روی آمد و مطیع وی شد دلیل که  
 از جانی که امید ندارد بدو منفعت رسد و اگر بیند که کبوتر بر طعام او و دلیل که زنی را سخن فحشین کند و اگر بیند که کبوتر از بسیار حبشه  
 و دانست که لک است و دلیل بر ریاست و سروری کند و بهترین کبوتران در خواب آن باشند که سفید بود و اگر سبزه غام باشند  
 و خداوند خواب زن باشد و دلیل که شوهری کند یا او را دختر می زاید و کبوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند که کبوتر خانه در خواب  
 جای زنان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کبوتر در خواب بر سر و بر روی زن دوم کنیک سوم مال چهارم نامه غائب  
 پنجم ریاست و معتبران گویند کبوتر در خواب هر کبوتری دوم بود که بیاید بکتاب خواندن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی  
 بخواب بیند که کتاب بنویسد یا بخواند دلیل که در راه دین و زهد بکارد و کارهای بسته بر وی کشا دهد و اگر بیند که کتاب بنویسد یا بخواند دلیل  
 از کارهای فکری و فکری با زیادت و اگر بیند که کتاب بخواند یا بخواند دلیل که نزد پادشاه صاحب پای شود و اگر بیند که کتاب بپوشد یا بخواند دلیل  
 بکاری مشغول شود و منفعت بر سر حاصل کند و اگر بیند که کتاب بپوشد یا بخواند دلیل که بعلیه مشغول شود که در آن فایده دینی باشد  
 و اگر بیند که کتاب مضایق بخواند و تملیح و تمیل بخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص بخواند دلیل  
 بر سخن اولیا و انبیا حریص بود و اگر بیند که کتاب نجوم بخواند دلیل که صلاح اجتماعی او را حاصل شود و اگر بیند که کتاب نجوم و ادب بخواند  
 دلیل که بخل دنیا مشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بیند که کتاب سائل بخواند دلیل که بصلاح که خدای مشغول گردد و اگر بیند  
 که کتاب طبایع بخواند دلیل که در طلب چیزها و بشناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعر بخواند اگر غزل و دوح بود دلیل که بکار  
 مشغول شود که مردم او را طاعت کنند و اگر گفت و توحید بخواند دلیل که نیک باشد و اگر بیند که کتاب فقه بخواند دلیل که بحدیث نزدیک  
 بر جبری منت نهد و از وی چیزی یابد و اگر بیند که کتاب هدایه بخواند دلیل که بعمل مشغول شود که مردم او را امانا خوانند و لیکن این  
 سود ندارد و اگر بیند که کتاب صاحب و تهنیه بخواند دلیل که بپذیرد و دوازده آن منفعت یابد و اگر بیند که کتاب حساب بخواند دلیل که  
 چهارده بگیرد و اگر بیند که کتاب مضاحک و مسانهل بخواند دلیل که کاری کند که از آن زشت نباشد اگر بیند که کتاب جود و عیب بخواند  
 دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد و کتاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کتاب در خواب مال حلال بود و بقدر  
 آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در صرح جیم یا کرد و نیم جامه کتابان در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم گمان بخورد  
 و دلیل که مال تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتابان در خواب بر سر وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم  
 گفت در خواب به تنگی مرد و جمال وی بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گفت وی درست بود و دلیل بر زیاتی مال و جمال  
 و اگر گفت شکسته و ضعیف بیند تا ویش بخلاف این بود که کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گفت با درست و قوی بیند امانت گذارد و اگر  
 ضعیف بیند امانت گذارد و اگر گفت نای وی موی بسیار بود و دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر گفت نای وی



باینکه دلیل که امانت بگذارد و بعضی معتبران گویند اگر بینیکه برکت نسوی داشت از جانی که خبر ندارد مال باید کثیر این سیرین خسته  
 علیه گوید اگر بینیکه کثیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن فضل از مری بخیل بوی رسد و اگر بینیکه کثیر است و دلیل که مالی که  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کثیر در خواب بر سر و وجه بود یکی فصله مال مردم دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت  
 خواب برسد کج این سیرین رحمه الله علیه گوید که کج در خواب جنگ و خصومت بود اگر بینیکه کج بود دلیل که در جنگ و خصومت  
 و اگر بینیکه کج کسی داد و بیش بخلاف این بود که مالی رحمه الله علیه گوید که در خواب سختی باشد و هر بنیادی که از کج دست بیند چه بسیار  
 زیرا که همه با تشنجه اند و اگر بینیکه کج میخورد و دلیل که کج مالک او بود و کمال هر که کمال را بخواب بیند و دلیل بر صلاح کار گذشتها کند  
 و راه نمودن بکارهای که در آن گمراه باشند و اگر بینیکه کمالی میکرد و داری او چه چشمه نافع بود و دلیل که خلق را به راه صلاح خواند و اگر  
 راه ناپدید مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینیکه کمالی میکرد و دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند  
 و میان مردم صلاح جوید و اگر داری وی نافع نبود و بیش بخلاف این بود که مالی که در آن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی  
 بخواب بیند که کمالی میکرد و چیزی میخواست و دلیل که او را چیزی و منفعت بسیار رسد و با هر کس زندگانی بملطف کند و اگر داری  
 و اگر بیند که از او چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد و دلیل که کار بروی بسته گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مالی که در آن  
 خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم حدیث چهارم عز و جاه که و این سیرین رح گوید که در وقت خود اگر کسی بخواب  
 بیند که در خانه او درخت که در او بود و دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر بسیار بیند شفا یابد و اگر بیند که در او کار فوید بسیار  
 گردد و اگر مسلمان بیند بسلاست بطن خود و رسد و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کدوئی داشت  
 و دلیل که از زنی یا پارسا منفعت یابد و اگر بیند که درخت که در او بن بر کند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که کدوئی بخت  
 میخورد و دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید که در خواب بر سر و روی بود یکی عز و جاه دوم  
 و مال سوم نظام کار را که این سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب مال و خسته بود و اگر کسی خواب بیند که بر تن وی کپه یابد و او را اندک  
 خاکی میگیرد و در کریم بود و دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در داشت و جمله از تن وی میخورد  
 و ناپدید شد و دلیل که مال جمع کرده او تلف شود و بعضی معتبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه بود و دلیل بر تالی که جمیع از حرام  
 که با سوخته جانور است دیدن وی در خواب مری بود که در میان خلق و مردم فساد اندازد و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی  
 بیند که کرباسو را گرفت و دلیل که مری بزرگ بختن نزدیک کند و اگر بیند که کرباسو از بکر بخت و دلیل که آن منفعت از بکر بزد  
 و اگر بیند که کرباسو را بخت و دلیل که آن منفعتا حالی تباه شود و اگر بیند که گوشت که با سوخته خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام از مری  
 منفعت خورد که به این سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب درو منفعت بود اگر کسی خواب بیند که کرباسو معروف بخاند و در او را دلیل  
 که در وی معروف بخاند و در آید و اگر کرباسو مجهول بود و در وی بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد و با بر و دلیل که در او را  
 وی چیزی ببرد و اگر بیند که کرباسو را کشت و دلیل که در او را کشت که کانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت بخورد و پوست از او بسته

در خواب

اولی که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گریه جنگ میکند و گریه او را بخارشد و دلیل که بیمار شود و اگر گریه را قهر کند و دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر گریه او را بگریزد دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از متبحران گویند که گریه بتاویل خادم بود و انبیا علیهم السلام گویند کسی نباشد که گریه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنده بخواب بیند که گریه بدو شدید و شریوی بخورد و دلیل که آزاد گردد و از آن خانه که آزادی یافته باشد زنی را برنی کند و اگر آزادی بیند که شیر گریه بخورد و دلیل که او را با کسی خصوصت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گریه در خواب بر مہمت وجه بود یکی دزد دوم غماز سوم خادم چهارم بیمار پنجم زنی مشفق ششم حسود و مہتمم جنگ خصوصت که تره جائد کوتاہ باشد که مردم آنرا قاطع خوانند و پوشیدن آن در خواب قوت و سفر بود و اگر تره وی بنیر بود از مردی پناہ و قوت یا بدین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که تره سستید بود و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که تره زرد پوشیده بود و دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که تره کبود پوشیده بود و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود و دلیل که بعشرت نیا مشغول گردد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تره ابریشمین پوشیده بود و دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف بود و اگر تخمیکه که تره بیخوت یا ضایع شد و دلیل که در پناہ و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن کتله در خواب بر چہا وجه بود یکی قوت دوم پناہ سوم سفر چهارم نظام کار یا گریه و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تره خریکه ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود و دلیل که کار پوشیده در آن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او گرد آلوده بود و دلیل که او را برنج و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بر زمین که ملک او بود نشست و دلیل که بقدر آن مال و خوشه است یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب دیدن بر سته وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت و حق تعالی گردان و انبیا علیهم السلام گوید گردن در خواب جایگاه امانت و جای دین بود و اگر بیند که گردن آن سقبر شد و دلیل که او را قوت و امانت گذاردن و صلاح دین و نگاه داشتن دیانت بود و اگر بیند که گردن او کوتاہ و ضعیف بود و دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود و دلیل که زکوٰۃ مال ندہ قوله تعالی سیطوفون ما بخلوا به يوم القيمة اگر بر گردن خود گردانی بیند بی آنکه چیزی برگردان داشته باشد و دلیل که بیمار شود و اگر باری برگردان خود بیند و هیچ گردانی پیدا نبود و دلیل بر درستی دین و داری عمر وی بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی سقبر و خوی شده بود و دلیل که امانت نیکو گذارد و کارش قوی گردد و اگر گردن خود را زمیند و دلیل که امانت گذاردن وی دیر بماند و از گواہی دادن خود باز ماند و اگر گردن خود کوتاہ بیند و دلیل که امانت از گردن خود زود و دور کند و اگر گردن خود بسیار بیند و دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته بیند و دلیل که از برادر خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانت بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاہ بیند و دلیل که در امانت خیانت کند و اگر برگردان خود موی بیند و دلیل که او را

در خواب

از جهت امانت گذاری و امانی افتد و اگر سومی از گردن خود بستر و دلیل که و امش گذارده شود و اگر گوشت از گردن برید و پدید  
 و دلیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر گردن خود را کوتاه نیند و دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشد خیانت کند مغربی رحمة  
 الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گردن وی بخورد تا ویش بخلاف این بود اگر بیند که بر گردن کسی نشسته بود و دلیل که بر دشمن  
 ظفر یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم  
 و ام پنج بیماری گردن بند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن بند از مر وارید سفید داشت دلیل که سحر یا  
 و تعالی عزوجل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که چه گردن تو تیر بود و علم و دانش او بیشتر بود و کراماتی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که گردن بند وی از زرد بود یا از سیم وضع بگوید که ای گماناید دلیل که بعد از آن شرف و بزرگی باید داشته که  
 امانتی در گردن گیرد و اگر گردن بند او دراز شد و دلیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که گردن بند خود بجا هر وضع کرده بود و بامر صیحه در گردن داشت دلیل که جاه و ولایت یا بد و اگر گردن  
 بند وی دراز بود و دلیل که منزلت یا بد و اگر کوتاه بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گردن بندای بسیار داشت  
 دلیل که در علم بسیار کامل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن بند زین در خواب بر شش وجه بود یکی  
 حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنج معالجت ششم کینه و هم او گوید گردن بند زین حج باشد  
 و از آن سیرین کینه گردن زدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را گردن زنده و سرش از تن جدا شد اگر بیند  
 بود دلیل که از او شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر و ام وار و امش گذارده شود و اگر خوف دارد و امین گردد و اگر کار و مصلحت  
 شود و اگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا شد تا ویش بخلاف این بود و اگر آنکس که گردن زد و محروف باشد بخیر ناکه  
 گفته شد از گردن زنده بدو رسد و اگر گردن زنده کوک و نابالغ بود و دلیل که اگر بسیار بود و بمر و کراماتی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس  
 گردن او زودتر رسد است و از او توانگر بود و دلیل که از نیک بختی به بد حالی افتد و مال و تنش نماند و در ویش شود و سرش  
 کار با ملک شود و علی الحلیه گردن زدن در خواب بر ویش شان و خداوندان محنت را نیک باشد و مر و لو آنکه آن و خداوند  
 نعمت را بد باشد کرده و خواب با آن نهان کرده باشد که بیاید و خرج کند و اگر بیند که کرده پخته یا بر این کرده بسیار داشت  
 و دلیل که بعد از آن مال نهان کرده بیاید و اگر کرده از جانی که گوشت و حلال بود و داشت دلیل که با فتنه مال حلال بود و اگر  
 از جانی که گوشت و حرام باشد و دلیل که مال حرام بود کراماتی رحمة الله علیه گوید کرده یا فتنه در خواب مال نهان کرده  
 بعضی متجران گویند که کرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از او بود و می آید اسمعیل اشعث رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که کرده اسب داشت و پخته میخورد و دلیل که از مر و بزرگوار مال یا بد و اگر بیند که کرده گاوداشت دلیل که  
 در آن سال مال بغیت حاصل کند و اگر کرده کوسپند داشت دلیل که در آن سال مال نعمت حلال یا بد و قتل دشمنی اگر بیند که  
 کرده های خام میخورد و دلیل که مال حرام یا بد و اگر کرده های بخورد و پخته ختم کند و گردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند

در خواب

در خواب

در خواب

نسخه

نسخه

نسخه

نسخه

نسخه

برگردون نشسته بود و گردون نیک نیرفت دلیل که شرف و بزرگی باید و اگر بیند که گردون بی کاوان ایستاده بود و او در گردون  
 دلیل که در پنج و شش و چهارمی افتد و اگر بیند که پادشاه از گرد و نهایی خود گردونی بدو او دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی باید  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر شرف و جبه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم  
 بزرگی پنجم بصیبت ششم فقری هفتم رفعت هشتم آسایند کار اگر سنگی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر سنگی در خواب بترازی  
 بود و سیری آب بتراشنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد و دلیل که حرص و آرزوی در مال دنیا کمتر باشد  
 فقری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود و دلیل که بقدر گرسنگی او مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد  
 دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه  
 ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر مصیبت رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی حضرت دوم  
 حرص و آرزو سوم مصیبت و گناه چهارم طمع داشتن بر دم کرسی این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است  
 و از راه فقر و چنین واجب کند که ایزد تبارک و تعالی جل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سح کسبیه السموات  
 و الا وض این عباس رضی الله عنه گوید وسیع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی عاقل و قدرت خداست تعالی  
 و بعضی از متبرکان گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربا رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یا کفر  
 کمال دارد و یا پادشاهی عادل و پرمیزگار و امانی و از چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و بیند که از  
 از سلطان عادل خیر و نیکی بیند و مالش زیاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل  
 دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان کرسی نشسته بود دلیل که کار او  
 بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه باید و بهمه مراد و برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق  
 پیدا شود و اگر این کرسی که در گردن بیند و در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه باشد و بر  
 دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی بنشیند دلیل که دختری و دوشیزه بخواند و اگر بیند که در  
 بر روی کرسی بنشیند دلیل که زن وی همیرد و اگر بیند که کرسی وی که چاکت و کند و دلیل که زن وی در ویش و حقیر و دانه بود  
 و اگر بیند که کرسی در پشت آما بر نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد و کرفس این سیرین گوید اگر کسی بخوابد  
 که کرفس بخورد و بوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از متبرکان گویند که چیزی کرده خورد و اگر بیند که کرفس داشت آن  
 آنچه گفتیم که بر جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و دانه دوم خصومت و گفتگوی سوم خورد  
 چیزی کرده کرفس مرغی بود بقدر که بوتر و تاویل آن برین کنند اگر کرفس در خواب بیند و غریب بود و دلیل که زن کند و اگر کرفس  
 خورد و اگر بیند که از دست وی پیرد و دلیل که زنا طلاق دهد و اگر کرفس دارد و بگریزد و اگر بیند که در اجشت و گوشت او بخورد و دلیل که  
 آن چیز زن یا بد که کس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کس مکرر بخان بود و قوی و تیز بین و در آخر عمر بخان بود و اگر بیند که

و فرزند

داشت و دلیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی باید و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر تخوان یا بریان گوشت که کس داشت  
 همین تاویل وار و کرامتی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کس را در برگرفت و در برابر و نزد یک آسمان رسید دلیل که بفری و کند  
 و از آن سفر یا نفع بسیار حاصل کند اما دین وی بفساد و بوسبب نگر فرو و بکس آسمان بر رفت و اگر بیند که کس را در  
 از بهر بریر بکشد یا خود از چنگال کس بفریاد و دلیل که از شرف و بزرگی بفرستد و کاش خراب شود و اگر بیند که کس را در آسمان  
 بر و بخواسته باند دلیل که بفرود و در آن سفر میرود و اگر مقیم نشد و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی باید و اگر نه از اهل پادشاه بود  
 یا از اهل خویشانش خود بزرگی باید و اگر کس بی چنگال در خواب بدیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حلقه العرش بصورت کرک  
 و اگر بیند که کس بی بالای سروی شکار میکرد و دلیل که بیند خواب بازگانی کند و اگر بیند که با کس جنگ میکرد و او بر کس  
 غالب شد و دلیل که با مردی بزرگ خصومت کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن او را قهر کند و اگر در خواب  
 بچرخ کس بیند اگر زن دارد و دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد و دلیل که دختری و دشمنه بزرگ کند و اگر بیند که کس بی  
 نشسته بود و دلیل که او را برادر کند و آن اهل علیه السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه کس فرو آمد و دلیل که پادشاهی بهمان کوچه فرود  
 آید و اگر بیند که در آن کوچه کس بکشد و دلیل که پادشاه آید یا بر معزول گردد یا هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 کس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی و دوم فرمان روائی سوم ریاست چهارم شاد و ستایش پنجم مرتبت ششم امر وی  
 کردن کرک ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کرک در خواب پادشاه دروغ زن سنگر بود و اگر بیند که با کرک جنگ و بزرگ و دلیل  
 که او را با پادشاه یا کسی دشمنی بود و خصومت کند و اگر بیند که شیر کرک میخورد و دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی انگیخت  
 و اگر بیند که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه سنگر بقدر آن مال باید کرامتی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کرک را بکشد و دلیل  
 که اهل اسلام از وی روی بگردانند و روی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قهر کند و اگر بیند که سر کرک بیافت یا کسی بپوشد  
 و دلیل که شرف بزرگی یا بد بقدوی و اگر بیند که کرک در خانه وی درآمد و زیانی انداخت و دلیل که او را از پادشاهی محروم شد  
 و اگر بیند که زیانی نکرد و دلیل که پادشاه همان او را بفری رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کرک در بستر و کمین کرد و دلیل که پادشاه او را  
 وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ زن سوم  
 مخالف ضعیف حق کرک ده باشد که ما به ابن سیرین رح گوید که ما به در خواب غم و اندوه بود و خوشنشین شاد و خوشی بود و آب گرم نیک  
 و آب سخت گرم بد باشد و اگر بیند که در کبابه رفت غسل کرد و خود را پاک داشت و دلیل که از بخت و فکر رستگاری باید و اگر بیند که در کبابه رفت  
 خود را نشست و دلیل غم و اندوه بود که بدلای رسد بسبب آن که روانی ج گوید اگر بیند که در کبابه رفت و آب گشت بخورد و دلیل که خود را پاک داشت  
 و او را پس نشود و اگر غمگین بود و شاد گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دامن دارد و دوش گذارد و شود و اگر بیند که تو انگر هست ازین  
 چیز که گفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر بیند که آب بخورد و دلیل که کارش تمام نگردد و بفری رحمت الله علیه  
 علیه گوید اگر بیند که بر کبابه رفت و دست و روی و سروتن را بکشد و بیرون آمد و دلیل که از غم بیرون آید و اگر بیند که در کبابه

و فرزند

و فرزند

از خواب

و بعضی

و بعضی

و بعضی

و بعضی

و بعضی

خانه که بایه بود دلیل که در مقام زنی روی پدید آید و اگر بیند که بکر مایه شدنی آنکه بشستن محتاج بود و دلیل که غلغله و ام وارشود و اگر  
بیند که در مایه جامه او وزد و بر دوا و برینه بماند دلیل که سبب کاری غلغله و رسوا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر  
در خواب بر شش و جبهه بود یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم نا کاری پنجم دوست ششم وام و کر مایه بان تا و زن  
بود و بعضی متحران گویند که خدای سرای بود که مانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کر مایه بانی میگرد و بود و دلیل که زن محترم خواهد بود  
زن مشغول شود و اگر زن بود و دلیل که شوی بدین صفت کند که مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کرمان بسیار  
در شکم وی شدند و طعام و ریشم میخورد و دلیل که عیالان دیگر از مال دیگری خواهد و اگر بیند که کرمان در از تنش می افتادند و نیز  
بر تن و جامه وی کرمان بسیار بودند و دلیل که مان عیال حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کرمان از تن خود بر زمین می  
افتند و دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و بیمار نشان نذر و کرمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اذامهای  
او کرمان خورد و دلیل که عیال از مال وی خوردند و اگر بیند که از کرمان تن ویرا مضرت میرسد و دلیل که او را از عیالان رنج و مضرت  
و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دین و یا از مقعد کرم بیرون می آید دلیل که بقدر آن مالش بایا لاش زیاد شود و اگر بیند  
که کرمان از تن وی می افتادند و می مردند و دلیل که عیالان وی بکشتن یا زدن یا زدن و اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانه وی  
و غیره بر میرفتند و دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کرمان در خواب  
و جبهه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته که افکندن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر سیمان کوه  
و دلیل که از کار یک دور بود و بران میگوید اگر بیند که بر سیمان باز شود و دلیل که بر آنکار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی می حکم است  
و کرمان و دلیل که روز کاری و مشغول آنچه بسته بماند چنانچه کشون بزودی نتواند اگر آنچه تعلق بدین دارد و یا بیا کرمانی رحمت  
علیه گوید بختن کره در خواب دلیل بر بستی کار با کند و هر چند که رخت تر بود و بستی کار او سخت تر بود و اگر بیند که کرمان  
نتوانست دلیل که کاری بسته بماند که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جانی که راست یا تن خود را بخیری کرمان  
و دلیل که از کرمان بسیار بر تن خود میترسد که روه است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود بکسی که و دلیل که بروی ستم و سدا  
کند و اگر بیند که خود را پیش کسی که روهنا و دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند که مانی رحمت الله علیه گوید اگر  
که خود را که و دلیل بر فساد وین کند کل نفسی یا کسبت و هدینة و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی که و  
و دلیل که با کسی از بهر متاع گفتگو کند و مضرت یا دیگر و به ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کرمان داشت و دلیل که غلغله  
و متفر نشود و اگر بیند که کرمان به سوز و دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوی بوی رسد زیرا که بطعم کوزه ناخوش بود و  
کج و ناخوش باشد و تاویل غم و اندوه بود که بختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که بختن در خواب رستگاری بود و  
کسی خواب بیند که از دشمن یا از جانوری که زنده میگرد و دلیل که از شر و خوف این گرد و در خصم مظهر شود زیرا که  
علیه السلام در خواب دید که از قهر و علی اللغه میگرد و بخت پس از شر فرعون رستگار شد و سر انجام بروی ظاهر افتاد

گوید اگر بیدار شود از دشمن پنهان میگردانند چنانکه دشمن را و امید بدلیل که متفکر شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار شود  
 میگردانند دلیل که او را از بزرگی شمت رسد قوله تعالی یَوْمَ تَكُونُ لَهَا نِجَالٌ مَّكْحُولَةٌ ذُرَاهُ رُغْمٌ اَوْ صَعْتٌ اگر بیدار  
 که مردمان از زمان میگردانند اگر زمان صلح و پارسا بود و دلیل که بد باشد و اگر مفسد بود و نیک باشد جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید اگر بخفتن در خواب شادی بود چنانکه با نیک مصیبت اندوه بود و از نفع کسب است اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 نشان بود و دلیل که بیدار نیک است و از طعنه زندگانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 اگر در خواب بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 بروی رحمت کند و کنایان وی عفو کند و اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 حسرت خورد و تو به کنه اگر از بزم مصیبت میگردانست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بیدار کرد بیدار کرد  
 رضی الله عنه گوید اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 کردی در خواب در پیشی و بد حالی و فرد بستی کار ما بود این سیرین رحمة الله علیه گوید کردی در خواب در پیشی و بد حالی و فرد بستی  
 و کار ما بروی بسته کرد و در پیشی و بد حالی و فرد بستی کار ما بود این سیرین رحمة الله علیه گوید کردی در خواب در پیشی و بد حالی و فرد بستی  
 خواب لیل بر بیداری و بستی کار ما بود این سیرین رحمة الله علیه گوید کردی در خواب در پیشی و بد حالی و فرد بستی  
 و از رحمت تعالی نصیب بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کردی در خواب در پیشی و بد حالی و فرد بستی کار ما بود این سیرین رحمة الله علیه  
 و اندوه چهارم بستی کار ما بود این سیرین رحمة الله علیه گوید کردی در خواب در پیشی و بد حالی و فرد بستی کار ما بود این سیرین  
 که بی منت خلق بد رسد قوله تعالی اِنَّ كُنَّا عَلَیْكُمْ اَلْمَوْتُ وَ اَلنَّاسُ اَوْیَ اَلْاَرْضِ اَلْاَرْضُ اَوْیَ اَلْاَرْضِ اَوْیَ اَلْاَرْضِ اَوْیَ اَلْاَرْضِ اَوْیَ اَلْاَرْضِ  
 که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 علیه گوید اگر کسی خواب بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 و از شوهر خیر و نفع بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 سبب پوشیده بود و دلیل که آن زن صلح و دیندار بود و اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 قرآن سیاه پوشیده بود و بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 بود و اگر کرانند که بیدار بود دلیل که آن زن پدید و ناجار بود و اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 و دوست و دشمن نزد او چنان است اگر کسی خواب بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 بر دشمن خیر یا بد و دیگر باره دشمن قصد او کند و اگر بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد  
 مردمان را بیدار کرد و از دو فتنه بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد بیدار کرد

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و بان نهاد و بگوید دلیل که دشمن را بخانه دارد و با وی جماعت و خفت و خیر کند و اگر بیند که گروم و در درون جامه داشت همین  
تاویل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از گروم ترسید و گروم او را بگوید دلیل که از دشمن گزند یا بد و بعضی از متبحران گویند  
بازن جماعت نتواند که کند و اگر بیند که گرومی و پیراهن می پوشد و دلیل که از دشمن باور حضرت رسد و اگر بیند که در شلوار می  
گروم بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کثیرت وی فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گروم در خواب بسیار  
وجه بود یکی دشمن دوم حاسد سوم سخن چین گروم خواره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که گروم خواره در خواب بسیار  
که در خروستان در میان آب می باشد دوم بزمین می کشد و چون کسی زخم آن می خورد حال هلاک شود و گمانی رحمه الله علیه  
دیدن گروم خواره در خواب دشمنی باشد با خود و عظیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صاحب بود و اگر بیند که  
گروم خواره او را بگیرد و دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلاء و محنت بدور رسد و اگر بیند که او را از گروم خواره گزند  
ترسید و دلیل که از دشمن آیین گردد و اگر بیند که چیزی مانند گروم خواره بود و از او میترسید و دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد  
و او نه دشمن وی باشد گزند از ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که گزند از خواب غم و اندیشه بود و اگر کسی خواب بیند که گزند از  
و دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گزند از شیرین بود و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر گزند  
گوشت بخت باشد و دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی متبحران گویند خورن گزند از خواب بیماری بود و اگر  
گزند بریان بیند بزم نیک نباشد و بهتر آن بود که گوشت بخت بود و گزند از ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخت بخت  
که کسی را بگوید دلیل که مهر و هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را بچشم و کینه بگیرد و دلیل که بخت بران از وی زیادت  
برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را خری بگیرد و دلیل که کارش از سخت و خطر بود و اگر بیند که او را بگوید دلیل که او را  
از سفر زیان برسد و اگر بیند که او را بگیرد و دلیل که در آن سال حضرت بیند و گزند از کان در خواب رجاء و چه بود  
یکی حضرت دوم دشمن بیوم خصومت چهارم جاه و مال کشتی گرفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کسی کشتی  
و آنکس او را بیند اخت دلیل که حال او نیک گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بخت و تاویش بخلاف این بود و اگر هر دو  
قایم بودند دلیل که احوال هر دو در خیر و شرمسار باشد اما بظاهر با هم بدگردد و سستی کنند کاسنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خورن  
کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخورد و دلیل که اندوه بگین شود و مغربی رحمه الله علیه گوید خورن کاسنی در خواب بسیار  
و خصومت بود و گشت و زار از ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که گشت و زار در خواب توکل خداست و جل و علا بود و روزی حلال طلب کردن و یکی  
و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بیند که از بر تخم کشتن زمین کافت و دلیل که خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت هستند  
گویند اگر بیند که شاه و زری میگرد و دلیل بر بیماری بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین کافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد  
و دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که شمشیر بود و بازش خورد و از آنجا غنیمت ببرد و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن شمشیر چیزی حاصل نشد و باز  
که بازش چگونه است و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گندم می کشت و دلیل که از پادشاه خیر و نیک بوی رسد و اگر بیند که جو می کشت و دلیل که



مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که کارش میکشد دلیل که مال اندک یا بد و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که در زمین خود تنگ میکشد دلیل  
که زن خواه و کارش ساخته گردد و اگر باز کارش زمین خود ناکشته بیند دلیل که زبان بند یا کسی خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه مجرب  
زمین پیشگامی و تنگ نمی انداخت دلیل که بفرز او صدقات و خیرات کردن راعب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل  
نعمت بروی فراخ گردد و اگر گندم یا جو درخت در زمین خود کشت دلیل بر فرزند جاه کند بقدر آنکه کشته باشد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که  
در خواب برنج و جو بود یکی روزی حلال طلبیدن و دوم خیر و منفعت سوم بیماری چهارم خود جاه پنجم معیشت کشته زار ابن سیرین در حدیث  
علیه السلام کشته رسته چون معروف بود و در جای معروف بوقت خود بیند دلیل بر فرزند زن مردم بود و اگر بیند که کشته می دروید  
مردم در جنگ میشوند و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عمل کند که دروین و دنیا نیکو باشد و اگر بیند که  
گرد و دروید و در خرمن افکند دلیل امیدوی که دارد بر آید و اگر بیند که در میان کشت زار سیر رفتن دلیل که با غازیان بغار و در سفری میشت  
علیه السلام گوید کشت و در بویاب دلیل بر خرب و خصومت بود و بعضی از متقدمان گویند اگر بیند که در میان کشت زار رفت و بپزند بر سر سبزه بود  
دلیل که در میان بهلطف رسد و اگر بیند که آتش در میان کشت زار افتاد و بود و همه بسوخت دلیل که در اندام با رقط پیدا شود و اگر بیند  
کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از دست وی بر آید که دنیا و عقبی بر منفعت دهد و اگر بیند که آتشی بیاید و کشت زار بسوخت  
دلیل که او را از پا و شاه حضرت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری رود و بزرگ می آمد دلیل که در اندام با رقط و تنگی پیدا شود و اگر بیند  
که از خوشمای گندم و انبیا بر زمین می افتاد و دلیل که بقدر آن خداوند کشت زار یان رسد و اگر نداند که آن موضع از آن کیست و دلیل که  
آن بخند و اند خواب بود و قوله تعالی **لَا تَكُنْ كَالْعَجْزِ الْكُنُوزِ** اگر کشت زار در وقت خویش سبز بیند دلیل  
و در اندام نعمت فراخ گردد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا گردد و اگر بوقت خویش کشته را بدو و خوشه بخانه برد و دلیل که  
بود و اگر بیند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل بغار و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت و درویدن خوشه رسیده  
خواب بوقت خود و دلیل بر نیکی و منفعت کند چون نارسیده و سبز بود و دلیل بر و با بیماری بود و همچنین اشفت رحمه الله علیه  
کشت و درویدن بوقت خویش دلیل که امر خدا تعالی بجای آورد و توفیق یابد تا در حق رویان خیرات کند قوله تعالی **وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ**  
**يَوْمَ عَصَا** اگر این چیز که میدید و میدرد و دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشتن ابن سیرین در حدیث علیه السلام گوید اگر بیند  
کسی را بکشتن و اگر سرش برید و دلیل که از مردی تو اگر خیر و نیکی بوی رسد و معجزان گویند که کشته بر کشته ظلم اندیشند و اگر بیند  
که وی را بکشتند و دلیل که عمرش دراز بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی را بکشت و دلیل که خیر و منفعت بیند و اگر بیند که  
کرد وی او را بظلم بکشتند و دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بدو رسد قوله تعالی **وَمَنْ قَتَلَ ظُلْمًا**  
**فَقَدْ جَسَدًا وَلَكِنَّهُ سُلْطَانًا فَلَا يَكْتَسِبُ فِي الْقَتْلِ** و اگر بیند که کسی را بظلم بکشت و دلیل که عاصی و ظالم باشد و جعفر تعالی  
جل و علا کسی را بر کمر دانا و از بر جانده قوله تعالی **وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ** و اگر بیند که بعضی گویند که ستم بر فرزند کردن بهر باب خردنا  
باشد و اگر بیند که کسی را بکشت خون از تن می رواند و دلیل که بقدر آن مال بدو اگر تن خود خون آلوده بیند و دلیل که از مال خود چیزی بکشد

در خواب  
دیدن کشتی

و بدو اگر بیند که خون روان شد دلیل که دین کشنده بر او جعفر صادق رضی الله عنه گویا اگر بیند که سوزی یا چیزی از خشت و گشت  
دلیل که بر خصم خود ظفر بیاورد و کسیکه بران جنس سنوب باشد قلع کند و کشنده چنان آید و دیدن خدا و بنیاد گریه باشد کشتی و آتیا علی  
گویا کشتی دیدن در خواب غم و اندیشه بود و یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بد و رسد خامه که از دریا کشتی بیرون نیاید  
یا کشتی در دریا فروماند و در این سیرین غمناک شد علیه گوید اگر کسی بخواب بنشیند که کشتی بود و بسلاست آنجا بیرون آمد دلیل که از  
منجرب بود قوله تعالی **فَاجْتَنِبْهُمْ وَهَمَّ مَكَانَهُمْ فَالْفُلُ الْمَشْكُونُ** اگر بیند که بدریا کشتی هلاک شد دلیل که بدست قوی هلاک  
شود و اگر بیند که کشتی وی بر زمین ماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و در سنگاری ویروست و بدو اگر بیند که کشتی غرق شد و او بسلا  
ماند دلیل که هلاک شد و او بسلاست ماند و اگر بیند که کشتی شکست و غرق شد دلیل که مصیبت عظمی کند که بدو رسد و اگر بیند که کشتی بر جای ماند  
و کشتی در میان آب میرفت دلیل که او را زانو شاه و بزرگانان قری و غریب پیدا شود و اگر بیند که در میان دریا کشتیها و کاز و میرفت دلیل که بسفر رود  
**لَا يَجُوزُ الْمُنْشَأُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَاقِ** و اگر بیند که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود و اوین با فدا بکند و در سفر میرفت و اگر  
که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد و دلیل که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که کشتی ایستاده بود و از هر دو جانب  
کشتی موج می آمد دلیل که او در سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد قوله تعالی **وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ** اگر بیند که کشتی از  
پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاردی دشواری افتد و عاقبت خلاصی یابد قوله تعالی **فَاجْتَنِبْهُمْ وَأَصْحَابُ السَّيْفِ**  
اگر بیند که در پیروی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود و قوله تعالی **لَكُمْ الْفُلُ فِي الْبَحْرِ**  
**لِيَتَّبِعُوا أَمْرَ فَضْلٍ** اگر بیند که در میان کشتیها چیزی بود و محمی میرفتند دلیل که پادشاه رسولان را بجای فرستد و اگر بیند که  
غرق شد و دلیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کشتی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی ملک او بود  
و دلیل که او را هلاک اندیشه شود و اگر بیند که در کشتی نشسته بود و از پادشاه میرسد دلیل که مغرب پادشاه شود و بعد بزرگ کشتی او را منفعت رسد  
و اگر در کشتی ایستاده بود و دلیل که او را از پادشاه چیم بود و اگر بیند که در دریا کشتیها بجای میماند و دلیل که پیش پادشاه میرفت  
شود و اگر بیند که کشتی در قدر و با فرو شد و دلیل که او را پادشاه قوی عظیم باشد و اگر بیند که کشتی میرفت تا و پیش بخلافین بود دلیل  
اشفت رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بیند که کشتی در آب  
روان بود دلیل که بسفر رود و او را با آید و اگر کشتی خود را در خشک ایستاده بیند دلیل که بجاری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
دیدن کشتی در خواب بر پشت وجه بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم بینی هفتم پیش ششم نوک ششم کشتی  
این سیرین رحمه الله علیه گوید کشف سنگ نیت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مروی زا به عالم باشد و از صحبت او  
رسد اگر کسی بخواب بنشیند که کشف داشت یا بخانه او در آمد دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد و اگر بیند که گوشت کشف بخورد دلیل  
بعد آن علم حاصل کند که زانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کشتی در سکنین وانی بیافت و دلیل که صحبت عالمی رسد و اگر بیند که کشتی در جهنم  
جائی غریب بیافت دلیل که ناپاد شود و بزرگان و علما او را محرم است باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب

برسته بود یکی ناپدید دوم مردی عالم سوم مردی مسافر در کارها کشاکش این سیرین حج گوید اگر بیند که کشاکش عذاب و تنگنای  
میخورد و دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و در پنج و غم از دلش برود و اگر بیند که کشاکش بیفتد است خوردن تا و لیکن از این  
بود کشتن این سیرین رحمة الله علیه گوید کشتن در خواب دلیل بر مال و نعمت کند اگر بیند که کشتن داشت یا کسی بود یا در خواب  
و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بداند و اگر بیند که آب کشتن در خواب و بخورد اگر عالم بود و دلیل که کشتن زیادت شود و اگر از دکان  
بود مالش زیادت شود و اگر مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتن بخورد و داشت اگر عالم بود و دلیل که مال زیادت شود و اگر از دکان  
بود و دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشتن در خواب خوردن برسته وجه بود یکی منفعت و  
مال حلال سوم کسب کشتن این سیرین رحمة الله علیه گوید کشتن در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشتن داشت و خورد  
که بقدر آن اور غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بین کعب بخواب بتاویل مقام بود اگر بیند که با کعب بازی  
میخورد و دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کعب بیار داشت و دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب پای او  
باشکست و دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که بتاویل منارعت بود و کعبین خصومت و مکر و حیل باشد مغربی رحمة الله علیه  
بازی کردن با کعبین و دلیل بر دشمنی حقیقه جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر سرخ و وجه بود یکی  
دوم زن سوم فرزند چهارم مانع خیم گفتگوی قولی تعالی و کوا کعب ترا آگاه و گاسا ده ها قار بیند که کعب با نازی داشت  
که گوشت وی حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود بر مال حرام بود کعب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کعب در خواب  
خلیفه بود و نه کسی که قتل وی کعب بود بر نایوت و نفقه مان که در کعب بیند دلیل بر خلیفه بود و اگر بیند که طوطی کعب میگردد و دلیل بر صلاح و  
می بود و اگر خلیفه راحت یابد و اگر بیند که اهرام گرفته بود و روی کعبه داشت و دلیل بر زیادت و بی صلاحیت او بود و اگر بیند که سرای کعب  
شده بود و در مردم زیادت میکرد و دلیل که امانت نیکو نگه دارد و حرمت منزلت یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر با دشا بیند که کعب  
میرفت دلیل که از خلیفه بزرگی یابد و اگر بیند که کعب بنفیا و یا با تش سوخت و دلیل که احوال خلیفه بد گردد و اگر بیند که کعبه خیمه خری برگرفت  
و دلیل که او از خلیفه فایده برسد و اگر بیند که در کعبه ناز میگردد و دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد و اگر مالی رحمة الله علیه گوید اصل کعب  
ایمانست و مسلمانی بود و اگر خورد و کعب بیند و دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و در عایش مستجاب گردد و قول تعالی و من دخلک  
کان اهناء و اگر بیند که روی بجز الاسود نهاده بود و بوسه میداد و دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بر زیارت قبر حضرت رسول صلی  
علیه و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام وید و دلیل که حج رود و سلامت یابد و اگر خورد و با کعب بیند و دلیل که بد مذمت  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام متوم ایمان و مسلمانی چهارم بین با بیم گفتار  
در خواب بد زن داشت پلید و بد کردار باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کعبه بسته بود و دلیل که زنی زشت طلب بخوابد و اگر  
که گوشت کفتار میخورد و دلیل که بروی جاد و کند و اگر مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شکر کفتار میخورد یا از پوست یا از تخم آن چیزی  
داشت و دلیل که از آن زن فایده یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار یا وی سخن گفت و دلیل که زن با وی زبان بازی

کشتن  
کعب  
کعبه  
کعبه

کعبه

بقدر صاوق رضی الله عنه گوید ویدن گفتار در خواب بد باشد کچمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کچمه خواب کار فرمای خانه بزرگ  
 اگر ببیند که کچمه نزد پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کچمه کند و شکسته بود تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه  
 گوید اگر ببیند که کچمه وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر مضایح شود یا بسوخت نیز خادم بمیرد و کچمه آتش بخلاف این  
 گوید سلاطین و ملوک چون ببیند دلیل که نایب وی باشد و انکس و غیاز زن و ببیند دلیل بر خفتگی کاری خانه و ابل وی باشد  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کچمه آتش داشت دلیل که او را خدمتکاری حاصل شود و اگر انظام کثرت یا مضایح  
 دلیل که خدمتکارش بمیرد و یا بمیرد و کفش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر ببیند که کفش نزد داشت  
 بود و پای کرد و دلیل که زن خوابد یا کینک خرد و اگر ببیند که کفش دیگر دپای کرد و دلیل که زنی بیوه بخوابد و اگر کفش سیاه بود و دلیل  
 زنی سلیزه کار بود و اگر کفش سرخ بود و دلیل که زنی محاشه و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود و دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر  
 کفش سفید بود و دلیل که ننی خبر وی خوابد که زنی رحمه الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاه بود و دلیل که زنی با اصل بخوابد و اگر از پوست  
 گوشت بود و دلیل که زنی از اصل عیب بود که بخوابد و اگر ببیند که یک کفش از پانی وی بنفقا و مضایح شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر  
 ببیند و اگر کفش در پای او تنگ بود و دلیل که زن او تنگ کار بود و نیز گویند که کفش کهنه در خواب ویدن بهتر از کفش بد باشد حضرت  
 صاوق رضی الله عنه گوید ویدن کفش در خواب بر بخت و چه بود یکی زن دوم خادم سوم کینه چهارم قوت ششم  
 ششم مال هفتم سفر و کفش در خواب مردی بود که خدمت میرا نهادند کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که چیزی در  
 کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر ببیند که کفها دست بر جمعی شود و دلیل که آنجا عروسی و شادی بود  
 و اگر ببیند که کفها آهسته باریش بود و دلیل که از سفر و تحویل از ماند و اگر ببیند که کفهای وی کشاده و خوی بود و دلیل بر فاجعه وی  
 بود و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود و حضرت صاوق رضی الله عنه گوید ویدن کف در خواب بر شش چه بود  
 یکی دست فراخی دوم مال سوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم با زین بحرام و روشن کف در میان ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید کف در خواب تنفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود و کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زهر مرد  
 یا زنده کف یا بخت اگر انکس معروف بود دلیل که از انکس بوی برنج رسد و اگر ببیند که کفن مرد معروف کند و دلیل که در دنیا طریقی  
 آن مرد وجود دیگر زانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کفن مرد و میسرید معتبران گویند اگر ببیند که صالح و پارسا بود و طالب علم  
 و سخنانی باریک گوید و دلیل که دنیا روی بوی بنده و مال حرام جمع کند و اگر ببیند که مرد کا زنه کفن میکند و از جانی بجای نمیرد و دلیل  
 که ماهای حرام بدست وی روان شود و اگر ببیند که مغسب بود و دلیل که منافق و غماز باشد و فساد مردم گوایی و بگلاب  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بگلاب در خواب تندرستی بود و اگر ببیند که گلاب بر روی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او  
 روح و ثنا گویند و اگر ببیند که گلاب بر کس میسپارد و دلیل که نامش در آید یا منتشر گردد و اگر عالم بود و دلیل که خلق از علم وی بهره  
 مند گردند و کلاه زه رفیت و آنرا عقوق گویند و خواب ویدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بدین بود و اگر ببیند که کلاه زه

گرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاه نبرد و میکرد و دلیل که با مردی بدین صفت  
 که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلاه از دستش بیرون آید و دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگر بیند که کلاه را بکشد و گوشت  
 وی بخورد و دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد و کلاغ این سیرین رحمة الله علیه گوید کلاغ و خواب مردی با حق  
 و بدعهد بود و اگر کسی خواب بیند که کلاغی را گرفت دلیل که غنیمتی از کسی بچلبلی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ و درخت  
 بود و یا نکشت و دلیل بر وبال وی باشد اگر و کلاغ بیند و دلیل بر بچ و مشقت بود و دریدن کلاغ و خواب خیر نبود کلاه  
 هاشمال علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عروجه بود و بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم حیره شود  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که سخن منفعت یابد و اگر بیند که کلاه منان  
 بر سر داشت دلیل که غریختی یابد و الا درین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند  
 که کلاه عتایی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه بروی بر سر داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند  
 و اگر کلاه بر سر دستار نهاد و بود دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان یابد داشت و اگر کلاه بر شین داشت  
 دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاهی از در بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مرد و ارباب بیند دلیل که پیش مردم  
 عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دارد و غازی بود و اگر آنرا بیند بود و دلیل که از پادشاه عروجه و وقت بیند و یا بدو اگر  
 از چوب بود دلیل که خود را از مردمان غازی ندارد و دروغ و محال گوید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر  
 بر سر نهاد و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه این بیند دلیل که از مردان باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید  
 دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بفتاد و دلیل که از عمل مغرور گردد یا غنی بخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی از بر کلاهها  
 که صفت کردیم بر سر پیش نهاد و دلیل که بقدر قیمت کلاه از حتمی جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفته بود و دلیل که  
 عروجه و غنیمت و اگر نمی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاد و دلیل که آنرا نیز از پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه وزیر بر سر  
 نهاد و دلیل که آنکس بدین بود و اما پادشاه یا نژاد شایسته بود و مغربی رج گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت  
 زیادت کرد و اگر بیند که کلاه دریده و کهنه بود و دلیل که اندوختن شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سر وی در بود و دلیل که از مردی  
 بزرگ دور شود و اگر کلاهی از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل در دین  
 و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود و اگر سفید باشد دلیل بر نیکی وی کند و اگر سرخ بود و دلیل بر بد او کند  
 گویند که ازین نوع کلاه داشته باشد و بیداری و اگر کلاه سرخ بود و دلیل بر بیماری باشد و همچنین اگر بیند که کلاهی سرخ  
 پوشیده بود و دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین و نقصان بود و اگر بیند که کلاهی شنی افتاد و بود دلیل  
 که پادشاه او را مصاره کند و جعفر صادق علیه السلام گوید کلاه و خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب شرف  
 بود و یکی ولایت و هم ریاست سوم بزرگی چهارم عروجه و پنجم مقدار ششم منزلت کلاه و دوازدهم خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند

کل شدن  
بنشین  
من

کل شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سروی گل شده بود و دلیل که مال خوشه بسیار یا بد و بعضی از معجزان گویند که غم  
اندوخته از وی زایل گردد و اگر اوام و دوش گذارده شود و اگر بنید که او را با مردی کل صحبت بود و دلیل که با مردی تو اگر دوست  
و آشنا شود و اگر بنید که سروی گل بود و بعد از آن بوی برآورد و دلیل که یا وی تلف شود و اوام و دوش و کل این سیرین رحمة الله علیه  
گوید حکم بر کل در خواب برود و نوع بود یکی آنکه کل درخت بود و یکی آنکه کل درخت شده باشد و کل که از ابقای نبود و دلیل که غم  
و اندوه بنیده خواب بود و اگر کسی گشت بوقت خویش درخت بنید و دلیل که او را فرزندی آید و چون بوقت بنید و دلیل که  
بسبب فرزندان و مصیبت بود و درخت کل در خواب مهنری و سخن روانی بود و درخت گل زرد زنی بود و بازگان حاجت  
روا کننده و درخت گل سفید و دلیل بر غرور و ولت و جاه بود و اگر در سرای خویش درخت کل بنید و دلیل که دختر را نکاح آورد  
و اگر در سرای خود گل صد برکت بنید و دلیل که بسبب فرزندان شود و اگر گلها از هر گونه شکفته بنید و دلیل که از خوشنشان و مال  
بیت شادمان شود و اگر سرخ درخت گل از زمین کشته بنید و دلیل که مردم سرایش کار نباشند و مغربی رحمة الله علیه گوید کل در خواب  
و درون همت و بدعهد بود که با کسی فاخته و اگر بنید که کل کسی داد یا از دوست بقیه گذار صحبت چنین مردی دور افتد و معجزان  
رحمة الله علیه گوید کل در خواب نامه بود که از غایبی بدور رسیده یا بدن غائب بود و حفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب  
برشش وجه بود یکی فرزند دوم و دوست سیوم مرد و درون همت چهارم که نیک چشم غلام ششم نامه غائب گشت که این سیرین  
رحمة الله علیه گوید گلشن در خواب کل انگبین و خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بنید که گلشن با کل این  
و انشت و از آن بخور و اگر تو اگر بود و دلیل که مالش زیاد شود و اگر بسیار بود شفا یا بد و اگر غمگین بود و شادمان گردد و اگر اوام داد  
و دوش گذارده شود کل خور و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بنید که کل میخورد و دلیل که از پس مرغان میخورد  
و اگر بنید که کل با خاک میخورد و دلیل که مال خود در عیان نفقه کند و اگر بنید که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم میخورد و دلیل  
که حج گذارد و اگر بنید که خانه بگل می اندود و دلیل که غمگین شود و مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن گل سفید در خواب مال حلال بود و کل زرد  
بیماری بود و کل سرخ لعل و طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آبیزه دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بنید که در میان گل  
غرق شده بود و دلیل که درختی عظیم افتد که رمائی نیاید و اگر بنید که از میان گل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشت و دلیل که از غم  
و اندوه رمائی یا بدحرف صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب در سر و سر صعبتر بود که در گرم سیر گلبین این سیرین رحمة الله علیه  
گوید که بخت در خواب خدای بود که بخوابی از دست پادشاه بدار و در بر دم نفقه کند و اگر بنید که گلین در دست داشت و دلیل که او را مال نصیب شد  
و اگر بنید که گلین در می صنایع شد و دلیل که او را زبانی نرسد که زبانی گوید اگر بنید که گلین خیزی از میان آتش بیرون آورد و دلیل که بعد از آن با پادشاه  
کلام این سیرین رحمة الله علیه گوید که کسی خواب بنید که کلم داشت و بخورد و دلیل که از زنی منفعت یا بد و چون بی گشت خورد و دلیل که  
کشته بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گشت کلم با هم چخته خورد و دلیل که منفعت بسیار یا بد و اگر خام خورد و منفعت کتر باشد و اگر کلم بیو  
میخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود و منفعتش بیشتر باشد گلشن این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گلشن در خواب عروسی

خوردن

خواب

مجلس  
تجارت  
مجلس

یا کینه بود یا کینه کی خوب خاصه که به هنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گنار از درخت میفتد و دلیل که از دیدار عروس یا کینه یا کینه  
ماند کلنگ در خواب مردی غریب بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی گرفت یا کسی بود و دلیل که با مردی  
غریب پیوند و با وی نیکویی کند و اگر بیند که بد کلنگ یا کوشت او داشت و دلیل که از مردی غریب راحت بیند که آبی در حوض  
علیه گوید اگر بیند که کلنگ را از چرخ انداخته و دلیل که بر گروهی غریبان و دورویشان مستر گردد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت و دلیل که  
شود و کلنگ این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلوی وی سلامت است و هیچ آبی ندارد و دلیل که امانت و اطمینان  
یگذازد و اگر بیند که بخ و آفتی در کلوی وی پیدا کند تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فریاد بیند و دلیل که روزی بروی  
گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بیند و دلیل که امانت را از یک بگذازد و سفری رحمه الله علیه  
اگر بیند که کلوی او را برید و دلیل که بر زنده بروی ظلم کند یا درین اوطاع زند و هر جا نوری که کشتن را و در انباشت چون بیند  
کلوی او را برید و دلیل که مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم را ستم کند و اگر بیند که بهینه را کلید برید و دلیل که کار بروی  
گردد و اگر بیند که کلوش را بضر و دست برید و گوشتش بخور و اگر گوشتش را جانور حلال باشد و دلیل که مال حلال باید و اگر حرام بود  
مال حرام باید و اگر بیند که کلوی او می برید و دلیل که بر انگس پیدا و ستم کند یا در حین اوطاع زند و اگر بیند که کلوی کسی را بشوید  
کرد و دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب دلیل بر خل و مخرج مردم کند اسمعیل  
رحمه الله علیه گوید که در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش و خواب بود کلیچ این سیرین رحمه الله علیه گوید کلیچ در خواب دلیل  
عیش و خوش نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچ میخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که  
چرخ را داشت و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچ در دهان نهاد و نتوانست خوردن و دلیل که مال و نعمت او همت  
و بیکان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که آسان بدست آید و دوم روزی  
فرخ سوم نعمت چهارم عیش و خوش کلیچ این سیرین رحمه الله علیه گوید کلیچ در خواب مردی کشایده کار بود و اگر کسی خواب بیند که  
تغلی را کلید باز کرد و در بخش و دلیل که کارهای سیه بروی کشا و شود و دشمن خطر یابد و اگر بیند که در دست کلید بسیار  
و دلیل که بزرگی و منزلت یا بقره تعالی که مقالید السموات والارض الا یتة کرانی رحمه الله علیه گوید که کلید در خواب کشتن  
و در خبر بود و در دستن شری و بعضی گویند که کلید در دستن ترویج بود و اگر بیند که کلید در دست داشت و دلیل که در دین  
سلطان بود و عاقبت کاش نیکو و محمود بود و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که کلید اینین داشت و دلیل بر قوت و نیکویی بود و اگر بیند  
که کلید بر بختن یا مصیبت بدست داشت و دلیل که او را سخن بد و آبی بود و اگر بیند که کلید چوبین داشت و دلیل که بر نیکویی کمتر بود و اگر کلید  
آزین یا سیمین داشت و دلیل که سخن او را یابد و نیز گویند که کلید یا بد سفری رحمه الله علیه گوید که کلید بسیار بود مال بیشتر بود و بیشتر  
که کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفل نهاد و در را باز کرد و دلیل که حاجت او  
و کار بسته شود و کشا و شود و اگر بیند که کلید در گنبد و ان شکست و دلیل که دعا و عوفی حاصل نباشد و اگر بیند که بیک کلید و قفل ان شکست

مجلس  
تجارت  
مجلس

در بارگاه

خبر

خبر

خبر

و در بارگاه و دلیل که زنی خبری بخوابد و حقه الله علیه که اگر کسی دست خود را بکشد و دلیل که نماز کند و بود و او را بکشد و می بیند و  
 دلیل که کابل ناز و جعفر صادق رضی الله عنه که بکشد و در خواب بر پشت وجه بود و یکی کشان کار داد و هم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم  
 یا خنجر بر او خنجر توت بن ششم گذارون چه معتم اجابت ششم و انشق عین کلمه و ان این سیرین رحمة الله علیه که دیگر بنید که کلمه را  
 زود بکشد و در حمت نذا و دلیل که کارهای دینی و دنیا و دنی کشاید کرد و اگر بنید که کلمه و ان بدشواری بکشد تا ویش بخلاف این بود  
 و اگر بنید که کلمه و ان شواست شود و در بسته باشد و دلیل که کارهای دینی بسته کرد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه که  
 اگر بنید که کلمه و ان زود باز کرد و اگر غنکین بود و دلیل که زود فرج یابد و اگر بیمار بود و زود شفا یابد و اگر سبب بود از آزار دیگر و اگر حتی دارد  
 روا شود و اگر عا کد استجاب نشود و کارهای ششام کرد و کلمه این سیرین رحمة الله علیه که دیگر بنید که در کلمه رفت و در کلمه  
 قبله نماز کرد و دلیل که انکس از ناله و توبه کند و درین قوی شود و از هر آنکه کلمه جای عبادت است که تانی رحمة الله علیه که دیگر بنید که  
 کلمه بود و دلیل که میل اف بابت پرستان باشد خاصه چون نماز سومی قبله ایشان بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه که دیگر بنید که در  
 شد اگر بنید که خواب باز سا باشد و دلیل که بود و خاصه که بنید و اینجا معتم شد کلمه این سیرین رحمة الله علیه که دیگر بنید که در خواب  
 و سرور بود و اگر بنید که خواب بهتر بود و دلیل که بزرگی و جاه و پیغزاید و بعضی از سحران گویند قوی ضایع و گزیده بود و از و سبب  
 و بنید که تانی رحمة الله علیه که دیگر بنید که کلمه بیافت و دلیل که زنی توانگر بزی کند و اگر این خواب بی بنید و دلیل که شوهر کند و از  
 غیر منفعت بنید و اگر بنید که کلمه که نشسته بود و دلیل که زنی خبری و پارسا و موافق بزی کند و اگر بنید که کلمه سیر بود و دلیل که زنی سینه  
 و بنید که بود و اگر بنید که کلمه شخ بود و زنی محاش و طرب و دست بود و اگر کلمه زود زنی بیمار کون باشد و اگر کلمه سیاه بود و از  
 که باشد زاده و عابد بود و اگر کلمه ملون بود و این خنجر کفتم در زن موجود بود و اگر بنید که کلمه پوشیده بود و دلیل که در دنیا و دهری پارسا  
 و از و منفعت یابد و اگر کلمه از خود و در افکند و ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه که دیگر بنید که در خواب  
 برنج وجه بود و یکی مرد پیش و دم مهر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم تیر که خنجر و منفعت حکان و انبال علیه السلام که دیگر بنید که  
 نماز بی تیر کشید و دلیل که سفر و در با فایده باز کرد و اگر سبکام کشیدن زه کمان پیرید و دلیل که سفر شخ نام نشود و یا شد که در سفر  
 رسد و اگر بنید که کسی کمانی بوی داد و دلیل که سپر بر آرد و اگر بنید که کمانی بشکست و دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از  
 مال و تلف شود و اگر بنید که از کمان تیر می انداخت و دلیل که از بزرگی نامه بد و رسد این سیرین رحمة الله علیه که دیگر بنید که از کمانی تیر می  
 انداخت و دلیل که سخن حق و باطل گوید سبب است و کبر فتن تیر و اگر بنید که تیر هر دو کمانی ساخت و دلیل که او را از پادشاه عجبی شرف و بزرگی حاصل  
 یازنی عجبی بخوابد و او پرسی آید و اگر بنید که از کمان تیر شواست نداشت و دلیل که او را از پادشاه یا از از من فایده نباشد و اگر بنید که کمان از فقر است  
 یا کسی داد و دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تیر و زنی عمر بود که تانی رحمة الله علیه که دیگر بنید که کمانی نو  
 و پاکیزه و شست و دلیل که زن خوابد و اگر بنید که کمان کشید و دلیل که زن پادشاه بود و اگر بنید که کمان ضایع شد و دلیل که از زن جدا شود و اگر بنید که کمان  
 او سخت بود و در وقت کشیدن بزم باشد و دلیل که زنی بکاح بخوابد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن خبر بر او رسد



و در

کتاب

کتاب

کتاب

و اگر بیند که کمان مست بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که کمانی بدست خویش از بهر خود میساخت و دلیل که کار راست است  
 گردد و اگر بیند که کمان بفرخست و اندبای او درم و دینا ر بسته و دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای کسان بخردم چیزی که  
 بست و دلیل که مراد وی میسلسد و اگر بیند که کمانی عطا بوی دادند و دلیل که زود تر از خواهد بود و شمس خضر باید اگر بیند که کمان خنجر کشید  
 بوی و او ندانی آنکه کمان را کشید و دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که کمان در کمان آن بنا و دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که کمانهای  
 بسیار داشت و دلیل که او را دوستان بسیار باشند که بکاه سختی بفرماید و می رسند و اگر بیند که کمانی پاکیزه و نیکو داشت و دلیل که در باره  
 نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و حج گذارد و آنچه بدین اند بخداوند تعالی نزدیک بود و قوله تعالی فکان قاب قوسین یا ذی قوسین  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کمان در خواب بر شش و چه بود یکی سفر دوم و فرزندان را در سوم تن چهارم قوت یکم کردار که  
 نیکو ششم مرد درست در کار و کمان حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کمان حلاجی در خواب شاعت زنده بود و اگر بیند  
 که کمان حلاجی در دست داشت و دلیل که مشافق کند و اگر بیند که کمان حلاجی داشت و نداشت که کمان دست و دلیل که شش  
 خواهد که کمان آسمان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که کمان آسمان زد بود و دلیل بر بیماری مردم آنند یا بود که کمانی زنده  
 الله علیه گوید اگر بیند که کمان آسمان بیشتر از سرخی بود و دلیل که در اند یا رحمت فراخ گردد و اگر بیند که سرخی بیشتر از سرخی بود  
 تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کمان علامت سرخی بگرداورد و شد و دلیل که پادشاه آید یا را فرستد و  
 کارگاری رسد و اگر عموهای سیاه بیند تا ویش بخلاف این بود کمان کرد و همه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کمان کرد و  
 در خواب کار پادشاه بود و او را نداده و اگر بیند که کمان کرد و همه در دست داشت و کله می انداخت و دلیل که کسی را سنجین شد  
 گوید و دشنام و بد زنی که کمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و کمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده  
 و دلیل که سبب از مردم نمکین شود و اگر بیند که کمان کرد و همه می شکست یا ضایع شد و دلیل که آنرا کسی بزدید که سبب این  
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان مری بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و  
 پناه فرزند بود یا خوشنشان و اگر بیند که کمان در دوجا هر مصرع بود و دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه  
 وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و حشم قایل گردد و کمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ستم چهار بار بکر زمین بسته داشت  
 و دلیل که او را مال حشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کمانی بدو افتد و میان است و دلیل که بسفر رود و اگر  
 که کمر شکست و بیفتا و وضایع شد و دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کمانی بخوابد  
 بود و دلیل که مهر قومی شود و این سبب می تواند که شود و اگر بیند که کمر شکست و سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کمانی بخوابد و دلیل که  
 او را کمر شکست و دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کمان در خواب شش و چه بود یکی شصت و یک  
 یا برادر یا خوشنشان و دوم فرزند سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم تضایف دادن و یا عین مراد ششم پاک دین و اگر بیند که کمان  
 بسته داشت و دلیل که انصاف از خصمان است یا نماند عمر گذشته بود و کم شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که

دلیل که در آن وضع که ادب و ضایع شود زیرا که او را معرفت نشنا سده و قریب و ندانند و اگر بدینکه بحیال یا فرزند و گشت دلیل که از آن  
 اند و بگویند شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بدینکه چیزی از وی کشد اگر آن چیز بنا بر میل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت  
 از وی زایل شود و کارش نظام گردد و اگر آن چیز بنا بر میل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش نظام نشود و گشت این سیرین  
 گوید اگر کسی خواب ببیند که گندی بدیندخت و مرد و بر او گرفت دلیل که با نذاز و گنداندگی یاری خواهد اگر بدینکه که گشت این  
 رسن بود دلیل که از مردی یمن یاری خواهد اگر بدینکه که گشت از مردی که از مردی که فریاری خواهد اگر بدینکه که گشت  
 انداخت و در گردن مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بدینکه که در دست آمد و افتاد دلیل که از  
 مردی مسئله فریاری خواهد اگر بدینکه که گشت انداخت و خشم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس را یاری ندهد گشت این سیرین  
 گوید که در خواب باقی پیش بود و از میوه یا هیچ میوه را خالصت آن نبود و گوید که میوه هست آدم علیه السلام در بهشت کنار بود  
 و اگر بدینکه که کنار بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت پیش باشد جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید که در خواب  
 مال حلال بود و روزی فراخ باشد اگر بدینکه که بخورد و داشت دلیل که مال بسیار یا بد گشت این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بدینکه که گشت و داشت که آن گناه چه بود دلیل که در گناه و فتنه افتد که تانی رحمه الله علیه گوید که در گناه و در خواب هم مصیبت  
 و گناه بود و توبه باید کرد تا از عقوبت حق قائل غرض جلایین شود و کارش صلاح آید گشت این سیرین ج گوید که در خواب  
 بود اگر گشتی پاکیزه ببیند و اندک ملک و دست دلیل که زنی خیر و یاری خواهد که تانی ج گوید که در خواب شرف بزرگی بود اگر گشت  
 که در گشتی بزرگ بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گشت در خواب بر چهار وجه بود  
 یکی تن و دم گشت سوم منفعت چهارم غوغا و گشت این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بدینکه که گشت بیافت دلیل که بیمار گردد  
 یا رنج بدل و رسد اگر بدینکه که گشت و یا شش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید که گشت یا فتنه در خواب در جایگاه  
 خراب بیمار یا ملک شود و اگر بدینکه که در جایگاه آبادان یا بد دلیل که بیمار یا بد گشت این سیرین رحمه الله علیه گوید که گشت در خواب  
 مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بدینکه که گشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بدینکه که گشت کسی داد  
 دلیل که بقدر آن از مال خود او را منفعت رساند و اگر بدینکه که گشت خورد و طعم آن ناخوش بود دلیل که بقدر آن مال حرام یا بد و بعضی  
 از میوه آن گوید که او را غم و اندوه رسد چه این سیرین ج گوید که گشت در خواب دنیا باشد که پیر مسلمان که بجایگاه  
 باشد دلیل که مال حلال یا بد و گشت چه بیکر بجا هر کس باشد و کار فرود و بنا بر مال حرام بود و گشت چه بر خوروی و نیکو جامه یا  
 ایجهان و آن جهان باشد و اگر بدینکه که گشت بر فرزند و مسلمان زنی خواست و داشت که ملک و دست دلیل که مال حلال  
 و اگر بدینکه که زنی نیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد و دلیل که ترک دنیا بکوشد و راه آخرت جوید و اگر بدینکه که بکشد  
 پیری جماعت کرد دلیل که مراد او خجانی او را حاصل شود گشت و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بدینکه که گشت و میخورد یا  
 دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خاندن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بدینکه که گشت و داشت دلیل که غم و اندوه

نسخه

نسخه

قِشْقُون بخته ولی بخته و احلت اگر بیند که ماه پیش فراغت یا کسی بوی داد و دلیل زنی بخصیفت که بختیم و او محب و خوشگاری  
 شود و از وی مال حاصل کند و اگر بیند که ماه پیش صنایع شد و دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشک رحمة الله علیه  
 اگر بیند که ماه پیشی را کلهو برید و دلیل که زنی مستور است و اگر ماه پیش سیاه بود و دلیل که آن زن از عرب بود و اگر  
 بزوار تخم باشد و پوست کوسپند غنیمت مال حلال بود و دیدن کوسپند در خواب بر پنج وجه بود یکی تهمتری دوم زنی بز  
 سوم مال چهارم فرمان پنجم ماه و منفعت کوشش و انیال علیه السلام گوید که ششما بتاویل هر چند بخت خورد و دلیل  
 بر مال و منفعت کند که آسان بدست آید و گوشتهای که خام خورد و دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و خرید و فروخت  
 گوشتها در خواب تخم و اندوه بود این سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پنجه بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت  
 بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را میخورد و دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از متعبران گویند کاری کند  
 که از انکار پیشانی بخورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد و دلیل که غیبت مردم بنجاح کند و گفته اند که آن کس که  
 حکم آخیه میکند فکر هفتاد و اگر بیند که مرید را برادر کرده بود و او گوشت او میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر  
 بیند که گوشت کوسپند خرب بخت بود و میخورد و دلیل که مال نعمت یابد و اگر بیند که کوسپندی مسلوخ بخانه آورد و دلیل که  
 بزگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام کوسپند در خانه آورد و دلیل که در آن خانه کسی بپاک شود و مغربی رحمة الله علیه  
 علیه گوید گوشت خرب بهتر از گوشت لاغر بود و اگر بیند که گوشت تازه کسی را میخورد و دلیل که او را بر زبان بخورد و اندام او را  
 غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد و دلیل که بقدر آن روزی باغم و اندوه یابد و اگر بیند که از مضایب گوشت  
 بخورد و بهایش بداد و بمنزل خود برود و دلیل که بپاک شود و اگر بیند که گوشت از دما میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن  
 بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت سب میخورد و دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از ابادی  
 چیزی بدور رسد و اگر بیند که گوشت شتر میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت  
 شتر میخورد و دلیل که بقدر مال میمیرد و بعد از آن بیمار شود و شفایا بدو بعضی از متعبران گویند که از مردم بپوشد  
 او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت شتر مرغ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند  
 که گوشت آه میخورد و دلیل که از پادشاه شکر او را دردم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آه میخورد و دلیل که بقدر آن  
 از زنی بخورد و او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد و دلیل که او را صفت مال دشمن بدست آورد و خرج  
 کند و اگر بیند که گوشت برتن میخورد و دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از متعبران گویند که مال دشمن بخورد و اگر  
 بیند که گوشت بظ و دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت پلنگ میخورد و دلیل که در جنگ نام آورده  
 و شرف زنی یابد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد و دلیل که از مال مردی ثقیل از مال فرزند بقدر آن او را مال حاصل شود  
 و اگر بیند که گوشت بوز میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد و دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر

بینه

بینه که گوشت چرخ میخورد و لیل که از پادشاه شکار و اسفند رسد و اگر گوشت تذرو میخورد و لیل که مال مروی غذا خورد و اگر  
 بینه که گوشت چند میخورد و لیل که مال در دیده خورد و اگر بینه که گوشت چکا و ک میخورد و لیل که چیزی از مال بنده خورد  
 و اگر بینه که گوشت خر میخورد و لیل که مال حرام یا بد و اگر بینه که گوشت خر گوش میخورد و لیل که از مال زن چیزی اندک سیاه  
 و بعضی از معتبران گویند که میراث یا بد و اگر بینه که گوشت خروس میخورد و لیل که بقدر آن از مروی عجمی منفعت یا بد و اگر بینه  
 که گوشت خر چنگ میخورد و لیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بینه که گوشت دراج میخورد و لیل که مال  
 زن بستاند و خرج کند و اگر بینه که گوشت راس میخورد و لیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یا بد و اگر بینه که گوشت زبانه میخورد و لیل  
 که بقدر آن از مال فاسق بخورد و اگر بینه که گوشت سنگ خاره میخورد و لیل که از مال مروی ابله منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت  
 سوسمار میخورد و لیل که از مروی که سفر بسیار کند خیر منفعت یا بد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار و لیل بر کمال است  
 اینجانی یا مخرن باشد و اگر بینه که گوشت سگ میخورد و لیل که بر دشمن ظفر یا بد و اگر بینه که گوشت سنجاب میخورد و لیل که مال  
 مروی غیب خورد و اگر بینه که گوشت سیخ میخورد و لیل که مال مروی بزرگوار بد و رسد و اگر بینه که گوشت شیر میخورد و لیل که مال  
 مال مروی سنگ نفع یا بد و اگر بینه که گوشت بره میخورد و لیل که با کسی که محروم پیوندد و اگر بینه که گوشت شتر میخورد و لیل که  
 تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بینه که گوشت طاوس میخورد و لیل که مال و نیت یا بد و اگر بینه که گوشت طوطی میخورد و لیل که علم  
 و ویرا منفعت نکند و اگر بینه که گوشت فک میخورد و لیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بینه که گوشت قمری میخورد و لیل که از زنی  
 خوب منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت ماده کاه میخورد و لیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش نظام گردد و اگر بینه که گوشت کاه  
 میخورد و لیل که بقدر آن او را از مال زن یا کثیر نفع رسد و اگر بینه که گوشت کبوتر میخورد و لیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر  
 بینه که گوشت گربه میخورد و لیل که منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت کرک میخورد و لیل که از پادشاه ظالم مال حرام یا بد و اگر بینه  
 که گوشت کشف میخورد و لیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بینه که گوشت کفتار میخورد و لیل که پیر زنی بروی جادو کند و اگر بینه  
 که گوشت کلاه میخورد و لیل که مال مروی بیابانی خورد و اگر بینه که گوشت کوزه میخورد و لیل که مال و منفعت یا بد و اگر بینه  
 که گوشت ماکیان میخورد و لیل که او را مال از کثرت یا از خادم جمع شود و اگر بینه که گوشت ماهی میخورد و لیل که چیزی از مال زن خورد  
 و اگر بینه که گوشت مرغابی میخورد و لیل که بزرگی و ولایت یا بد و اگر بینه که گوشت مرده میخورد و لیل که آن مرده را به بدی یا دکنه و اگر بینه  
 که گوشت نهنگ میخورد و لیل که برنج و بلا بد و رسد و اگر بینه که گوشت هدهد میخورد و لیل که از مروی بزرگ منفعت یا بد و اگر بینه  
 که گوشت هابی میخورد و لیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بینه که گوشت هزار و شان میخورد و لیل که از مال  
 زن یا فرزند یا غلام او را اسفند رسد و اگر بینه که گوشت واشه میخورد و لیل که از مال دشمن بخورد و اگر بینه که گوشت یوز میخورد و لیل که از دشمن  
 بخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال و دوم میراث سوم تو انگری چهارم مصیبت است و اندو  
 گوشت را بر سیرین و حقه است و عدیه که اگر کسی بخواب بینه که گوشت و بخت و یا بریده شد و لیل که زنا اطلاق و یا بدترین چیز است

گوید که در کورستان در خواب دیدن صحبت با جاجان بود که دین و دنیای ایشان بفساد و غم و دشمنانی بود که آتی رحمة الله  
 گوید اگر بینه که اهل کورستان را زیارت میکرد و دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر بینه که در کورستان باران بارید دلیل که اهل کورستان را  
 رحمت از حق سبحانه و تعالی بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر تو اگر بینه که در کورستان میرفت و بر کور با سلام میکرد و دلیل که در کورستان  
 و از مردمان که آتی کند زیرا که کورستان جای مفسدان است و اگر بینه که در کورستانی معروف بود و مردگان از کور برخاسته بود  
 و دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر بینه که در کورستان گور را باز میکرد و بعضی مرده دید و بعضی زنده و دلیل که در آن  
 ولایت محنت و تنگی پدید آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در کورستان در خواب بر سر توبه و جه بود یکی از زندان دو غم غم سوم  
 محنت و بلا کوزه در خواب مالی بود که محنت و بلا و ریخ و سختی حاصل گرد و اگر بینه که با کوزه بازی میکرد و با کوزه در دست داشت  
 و دلیل که در جنگ و خصومت بود که آتی رخ گوید که کوزه که مغز آن تباه شده باشد دلیل که مال حرام بد و رسد بقدر کمی و بسیاری اگر  
 مغز کوزه بطعم خوش بود مال حلال بد و رسد و اگر بینه که کوزه میکشت و دلیل که از مردی عجمی مال گیر و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کوزه  
 داشت و دلیل که در جنگ و خصومت افتد و اگر بینه که کوزه تلخ و ناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بینه  
 که از مغز کوزه روغن بیرون آورد و دلیل که از مردی بخیل او منفعت رسد که از بیهندی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کسی بینه  
 بوی واد دلیل که سخن قال گیر و منجم شود و اگر بینه که کوزه بیهندی میخورد و دلیل که سخن ایشان راست است و بعضی از متبران کوزه  
 کوزه بیهندی در خواب مردی و در آن یا کینه کینه بیهندی بود که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کوزه بیهندی میخورد و دلیل که سخنان متبران  
 پندار و اعتقاد و بران داشته باشد کوزه بویا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کوزه بویا در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شریع  
 بینه که کوزه بویا خورد و دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد و که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کوزه بویا بسیار  
 میخورد و بزم میسازد و دلیل که در علم و حکمت یکنه نشود و از آن علم او را دیگر از منفعت بود و اگر بینه که کوزه بویا بی که داشت از آن  
 کسی نداد و دلیل که از آن علم منفعت نبرد و او را و نه دیگر از آن باشد و بعضی گویند که کوزه بویا در خواب بر تعلیم علم نجوم کند کوی  
 زمین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کوی زمین در خواب مالی بود که بکر و حیلت بدست آورد و اگر بینه که کوی زمین بیهان  
 که از آنجا او را برون آمدن نبود و دلیل که بکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدستواری بر آید و هر چند که کوی دور تر بود کار  
 صعبتر بود و اگر بینه که آن کوی مانند سرداب بود و دلیل که در دوازده چیز میبرد که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کوی یا چاهی  
 و دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت سازد و اگر از آن کوی آب بیرون آمد و دلیل که در آن کوی بکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدین  
 معیشت کند و اگر بینه که کوی از بهر کسی دیگر بود و دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که در  
 کوی افتاده بود و از آن بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این  
 دلیل که در سنگاری مایه کوزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کوزه از سپید روغن یا از مس بود و در خواب خام باشد و اگر  
 سفالین نبود و داشت دلیل که او را کینه کی حاصل شود و بقدر خوبی کوزه و اگر بینه که کوزه آب خورد و دلیل که با کینه کینه جماع کند

و اگر بیند که کوزه شکست دلیل که کیش میر و مغربی رحمه الله علیه گوید کوزه در خواب مال نعمت باشد و اگر بیند که کوزه در پیش و پشت  
 او مال خفته حاصل شود و اماران مال تمت باشد و اگر بیند که کوزه سفید و زمین یا قلمی داشت دلیل مال و نعمت باشد و اگر  
 کوزه آینه بین و پشت دلیل مال بود اما که خسته و صادق صحنی رحمه الله علیه گوید دیدن کوزه در خواب بر نه و چه بود یکی زن دودم خادم ستم  
 کنیز که چهارم قوام و بن ستم صلاح تن ششم عمر و در بهفتم مال ششم خیر و برکت نهم میرا شاز قبل زبان و کوزه او و نیز از راه خوا  
 تا ویش بخواب فی بزرگرا ده و ممتد بود که ساله این میرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کوزه از گرفت یا کسی بپوش  
 دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که کوزه بود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که کوزه ساله بخانه برود و برودست لید دلیل که  
 اند و بکین شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوزه در منزل او در آمد و شد میسر و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کوزه ساله  
 و شتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت کوزه ساله سوار بود دلیل که با پادشاه عجمی پیوند و از بزرگی یا پیوستگی  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوزه بود دلیل که فرزندش میرد و اگر کوزه ساله وی ضایع شد دلیل که فرزند او از وی مفارقت و جدا شد  
 و اگر بیند که کوزه داشت و از گوشت می خورد دلیل که میراث فرزند بخورد و اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوزه  
 سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که کوزه ساله ابلق بود دلیل که میان برود و اگر کوزه ساله وی قوی و قوی  
 بود و دلیل که فرزندش سندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغر بود تا ویش بخلاف این بود که سپید از بن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید که سپید و خواب غنیمت بود و اگر بیند که کوزه سپید چرخ اند دلیل که برگردی بزرگی و ممتدی یا بد و اگر بیند که کوزه سفید  
 بعضی سپید و بعضی سیاه بود و دلیل که آنکس و بعضی عرب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که کوزه سپید بسیار رجسته و دانست که کوزه  
 اوست دلیل که او را مال بسیار حاصل آید و اگر بیند که کوزه سپیدی برگردن گرفته بود و دلیل که مونت کسی برگردن گیرد و اگر بیند که کوزه  
 کوزه سپید چرخ بود و دلیل که بقدر آن او غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده بخورد و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند  
 که از بهر خوردن کوزه شکست دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال می خورد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زهر میشتی فرا گرفت  
 یا کسی بوی داد و دلیل که او را بامردی بزرگ صحت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که زهر میشتی را کلو بهرید و اگر دلیل  
 که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که زهر میشتی نشست و مطیع و فرمان بردار او بود و دلیل که بزرگ  
 بزرگ چهره گردد و اگر بیند که زهر میشتی روی غالب بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سر و پای زهر میشتی شکست و دلیل  
 که بر آنکه که صفت کردیم غالب شود و اگر بیند که سر و پای زهر میشتی دراز و قوی بود دلیل که اینم و قوی و توانا شود و اگر  
 که چشم بر تن زهر میشتی دراز بود و دلیل که بقدر آن مال نعمت زیادت شود و اگر بیند که چشم زهر میشتی بسیار حاصل شد و دانست که  
 اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشان را زیر دست خود گرداند و از ایشان مال نعمت بسیار یابد و بعضی گویند  
 که بعد از زهر میشتی او را سالی بزرگی و شرف یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید ماه میشتی در خواب فی بزرگ و کینه بود و چنانکه  
 حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه داود علی نبینا و علیه السلام فرمود و قوله تعالی اِنَّ هَذَا لَاجْنٌ کَبِیرٌ



در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

عید که بدینک در خواب خیر و نیکی بود بقدر جمال و اگر کسی بچوب بید که کنیک خبر وی فرزند داشت دلیل که چیزی پنهان بودی رسد  
و از آنچه مستفاد کرد و در کتابی رحمه الله علیه که بدینک در خواب مال بود و اگر بید که کنیک خبر وی دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر بید که کنیک  
بفر و خست تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کنیک بفر و خست و بهای او بست و دلیل که او را غم رسد و اگر  
که کنیک خبر بد و دلیل که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت یا بد و اگر بید که کنیک بر سینه بود و دلیل که زیانی بد و رسد و اگر بید که کنیک  
خبر بدی بسته بود و در خانه وی درآمد و دلیل که شادی و منفعت بد و رسد که با این سیرین رحمه الله علیه گوید که با در خواب بسیار  
اگر کسی بچوب بید که بد داشت دلیل که بیمار شود و در شفا یا بد و بعضی گویند که بیماری او را از کند و اگر اش این سیرین رحمه الله  
عید که بد و اگر اش در خواب چون سیرین بود و دلیل بر منفعت و خیر و شادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد و دلیل بر غم و اندوه و بیخوشی  
بود و هر گوارش که بوی خوش بود و دلیل بر روح و شاد بود و هر چه بوی او ناخوش باشد تا ویش بخلاف این بود و در کتابی رحمه الله علیه  
گوارش سیرین خود غم و اندوه بود و گوارش و اندوه و خوشبو و در خوردن و دلیل بر سائیش کند که او این سیرین رحمه الله علیه  
گوارش در خواب دلیل بر مردی عالم باشد و چیزی نای که دره از خیر و شرف بود بدینقول لیل از امیر المومنین علی کرم الله وجهه می آید چنانکه  
فرموده ان القاف اوعیت مغربی رحمه الله علیه گوید که گوارش چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود و دلیل بر منفعت بسیار بود و اگر  
انک باشد که او با این سیرین رحمه الله علیه گوید که او با که در خواب بید بهتر و گوارش خرم و بعد از آن که او با حبس  
با دام و بعد از آن که او با مان و بعد از آن که او با خشک و رطوبت و منفعت از پنهان باشد و اگر بید که او با حبس میخورد و دلیل که  
بقدر آن مال و نعمت از مردی بخت بدست آید و اگر بید که او با خشک و رطوبت و منفعت از پنهان باشد و اگر بید که او با حبس میخورد و دلیل که  
که او با نان میخورد و دلیل که بقدر آن مال و نعمت از مردی بخت بدست آید و اگر بید که او با خشک و رطوبت و منفعت از پنهان باشد و اگر بید که او با حبس میخورد و دلیل که  
میخورد و آنچه گفتیم بدو رسد مغربی رحمه الله علیه گوید که او با خشک و رطوبت و منفعت از پنهان باشد و اگر بید که او با حبس میخورد و دلیل که  
بر بدی کند که او را نیال علیه السلام گوید که او با خشک و رطوبت و منفعت از پنهان باشد و اگر بید که او با حبس میخورد و دلیل که  
گویند و آنکه وضع که گوید باشد از خبر خود و بهای وی نوسازد و اگر بید که او را در گرد و زنده دلیل که احوال بدی و شوار شود و قوله تعالی  
لَا آمَنَّا لَهُ فَاَقْبِرْهُ ثُمَّ آتِ شَأْنَهُ أَفَتَشْرَهُ وَ اگر بید که او را در گرد و زنده و خاک بر سر او کردند و دلیل که دین بر او نقصان بود و چیزی  
از دنیا بر او این سیرین رحمه الله علیه گوید که او را در گرد و زنده و دلیل که او را در زنده و اگر بید که او را در گرد و زنده و دلیل که او را در زنده  
بسیار و اگر بید که بر با او گوی میخندد و دلیل که زنده گانی او را از بود و اگر بید که بر سر او ایستاده بود و دلیل که بر کشته و پنهان  
بود و در کتابی رحمه الله علیه گوید که او را در گرد و زنده و دلیل که او را در زنده و اگر بید که او را در گرد و زنده و دلیل که او را در زنده  
منکر و خطا و او دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر بید که او را از گرد و زنده و دلیل که او را در گرد و زنده و دلیل که او را در گرد و زنده  
و دلیل که پادشاه او را بنزد و خلعت پوشانید و بعد از آن که او را از گرد و زنده و دلیل که او را در گرد و زنده و دلیل که او را در گرد و زنده  
بود و شمار هر کس یا جنس خود و مختار یا بد که قیاس از چیزی نای نیک بداند تا خطای نیفتد که درستان این سیرین رحمه الله علیه



جدا شوند و بعضی متحیران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او گشته چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند و لیسین فساد و  
 و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گوش در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خیر سوم و دو سچ چهارم  
 ز قفس چشم پیر ششم غلام هفتم مال و خسته هشتم ترس و سیم گوشواره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در هر دو گوش  
 گوشواره داشت و لیل که او را پیش از آرایش و جمال فروزن کرد و اگر بیند که در هر دو گوش مروارید گرانبه او نخته بود و لیل که علم و دان  
 بیاموزد و عالم و داناشود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در دیگر نبود و لیل که علم و قرآن بیاموزد و کرمانی رحمة الله علیه گوید  
 بیند که هر دو گوشواره داشت و لیل که بزرگی جاه باید و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر و یکی از سیم  
 و لیل که زبیر طلاق دهد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش  
 دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه و سبب طلاق دادن زن کو شکست این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی  
 بخواب بیند که در گوشش شد و لیل که او را مال و خسته حاصل آید خاصه که کو شکست از شکست خام و گل بود و اگر بیند که از گوش  
 و لیل که مال یا بیا مادورین و نقصان بود و اگر بیند که پادشاه و لیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
 که کو شکست و خراب شد و لیل که مال او تلف شود و اگر بیند که کو شکست و آتش بفتاد و لیل که پادشاه او را مصداق در کس خضر صادق  
 رضی الله عنه گوید و دیدن گوشه در خواب بر پشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم مرتب چهارم ریاست پنجم بزرگی و آرایش  
 پادشاهی هفتم راهش ششم شادی و خرمی بقدر بلند و نیکوئی کو شکست گوید و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب  
 و اندوه بود و در دیدن گوش و خیر و منفعت بود و کو شکست و انیال علیه السلام گوید که کو شکست و خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که  
 شده بود و در کتاب چیزی پیش علم میخواند و لیل که در غم و اندوه گرفتار گردد و زیرا که کو شکست صلاح از فساد خواند و معتبران گفته اند که اگر  
 خود را کو شکست بیند و لیل که کارش ضعیف شود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کو شکست بر میان کرد و پیش از خواب  
 و میخورد و لیل که نفعی چیز بسیار باید و آن کو شکست با احتشام بسیار برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که کو شکست خبری بتاویل  
 بود و کو شکست روى منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خوار شده بود و لیل که اند مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کو شکست  
 شیر سپارد و لیل که بوقت زادن سلامت بود و گوید و انیال علیه السلام گوید اگر خود را بگویند بینه و اندک آن کو شکست  
 و لیل که مردی بزرگوار و در پناه خود گیرد و اگر بیند که کو شکست از جای خود بر کند و لیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کو شکست  
 کرد و لیل که از مردی بزرگ غرور جاه یا بد و اگر بیند که بر بالای کو شکست همی شود و لیل که بزرگی و جاه یا بد و بعضی معتبران گویند که اگر بیند  
 بر بالای کو شکست و لیل که غم و اندوه بد و رسد اگر بیند که از کو شکست بزرگی و جاه و نقصان شود و اگر بیند که بر سر کو شکست  
 و لیل که از پادشاه حرمت یا بد و مقرب شود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کو شکست میگذارد و یا با نکت نماز میخواند و لیل که  
 و نیکو شود و مغربی رحمة الله علیه گوید بالای کو شکست رفتن در خواب و لیل که مقصود می که دارد و بسیار بد و اگر بزرگ آید تا ویش بخلاف  
 این بود و اگر بیند که بر من کو شکست و لیل که اند و گین شود و اگر بیند که بر من کو شکست میگذارد و لیل که کاری کند که موافقین

و اگر میند که در که مردی از گستان پادشاه با وی بود و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر میند که کو به بنفید و بعد از آن قرار  
 گرفت دلیل که مردی بزرگ در انجا بر خیزد و شفا یابد و اگر میند که کو را می کند و کو که کنن بروی آسان بود و دلیل که بزودی عطا  
 یابد و اگر میند که کو از خاک بود و دلیل که او را به متری خمیس طبع باشد و اگر میند که بر که قاف نشسته بود و دلیل که اجلش فرارسیده باشد  
 و اگر میند که بر که طوری سینا بود و دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل آید و اگر میند که بر که عرفات بود و دلیل که تو که  
 و از کتا به پشیمان شود و اگر میند که بر که کینان بود و دلیل که با علما و صاحبان صحبت و از و اگر میند که بر که بی تاریک بود و دلیل که او را  
 بیم طاعت باشد و اگر میند که بدره شد و دلیل که اجلش نزدیک آید یا نزد آن گرفتار آید و اگر میند که بر که بی روشن بود و دلیل که مال او  
 استخفیل اشفت رحمة الله علیه گوید و اگر میند که در که بی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و به ثواری میرفت و تیری انداخت و دلیل که  
 او را از پادشاه بنگریم بود و اگر میند که میان و کو که میرفت و تیری انداخت و دلیل که میان و در و بزرگ توسط کند و اگر میند که کو  
 سوراخی بود و در آن سوراخ شده و دلیل که از راه پادشاه آگاه شود و اگر میند که از آن سوراخ چیزی بیرون آید و دلیل که از آن پادشاه عطا  
 یابد و حافظه سحر که دیگر میند که بر که بی بالا میرفت و دلیل که بی خدمت مردی بزرگ مشغول کرد و اگر میند که از که بهاس سنگ میگرفت  
 و هر یک بجای می انداخت و او بر میگرفت و بر که میند و دلیل که ما طحا بقصر جمع کند و اگر میند که از که بهاس سنگ گرفت و دلیل  
 که خود او کسی بزرگ بنده از وی خیر و منفعت یابد و اگر میند که از که بر فراقت و دلیل که مرادش بر نیاید و اگر میند که بر که نزدانی از کج  
 و اگر بستر بود و بدان زردمان بر سر که شد و دلیل که مرادش زرد و حاصل شود و اگر میند که نزدانی از کج فشت خام بود و دلیل که بهتر باشد  
 و اگر از منس بود و بد باشد و اگر از پنج بود و مرادش بر نیاید و اگر میند که بر سر که بی بلند ایستاده بود و دلیل که خاص و مقرب پادشاه کرد و  
 مال بسیار یا بدین صفت صافی الله عنه گوید و دیدن که در خواب بر سر که وجه بود یکی پادشاهی و دوم دهری سوم ظهر چهارم بنگر  
 به چشم ریشی یافتن که هر این سیرین رحمة الله علیه گوید و دیدن که در خواب با جمال توانگر بود و اگر میند که کو هری داشت و دلیل که  
 دارد و طلاق دهد و اگر میند که کو هر بسیار داشت و دلیل که مال بسیار حاصل کند که تا بی رحمة الله علیه گوید و اگر میند که کو هر میرفت و دلیل  
 که بختل زن مشغول کرد و دلایل کند و اگر میند که بعضی کو هر سوراخ داشت و بعضی نه داشت و دلیل که دلالت دختران و دشمنه و زنان  
 برود کند مغربی رحمة الله علیه گوید که بر سفید در خواب بر فرزند بود و اگر میند که کو هر سفید داشت و دلیل که او را فرزندی آید و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید و دیدن که کو هر خواب بر پشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بجای چشم زن با جمال  
 ششم سخن سفید به چشم خیر و برکت ششم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تو نباشد و دلیل پشیمانی بود و کو هر فرشت و در خواب  
 علم و حکمت بود و کو هر چیه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که در که چه آید و دان بود و دلیل که خیر و منفعت بوی رسد و جامه  
 که در و مردم مصلح باشد و اگر بخلاف این میند و دلیل که شر و معرت بد و در سد مغربی رحمة الله علیه گوید و اگر میند که در که خیر و فرخ و چشم  
 و دلیل که غم و اندوه بوی رسد که یکم اگر کسی خواب میند که یکم داشت یا کسی بود یا و دلیل که اندوه گین شود و اگر میند که یکم فرزند  
 و دلیل که غم و اندوه صبر بود و اگر میند که یکم بوی رسد و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و دیدن که یکم به چشم و منفعت نباشد

و الله اعلم **حرف اللام** لبیا چه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبیا چه در خواب دیدن نیکوئی و ناپسندی وین بود و چنانچه  
 که سبز باشد و اگر میند که لبیا چه سمور یا سخاب و اشت و لیل که پناه مردی با و یا نیت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند  
 که لبیا چه سبز و اشت و لیل که او را از مردی دیدن با امانت منفعتی رسد و اگر میند که لبیا چه سفید بود و لیل که از مردی مص  
 تو اگر او را نفعتی رسد و اگر لبیا چه سرخ بود و پوشید و لیل که از مردی محاشرت بقدر بهای آن او را منفعت رسد اگر  
 لبیا چه زرد و اشت و لیل که بیار کرد و اگر لبیا چه بنید که پوشیده بود و لیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لبیا چه سیاه پوشید  
 اگر قاضی یا خطیب بود و لیل که خیر و نیکی یابد و اگر خلاف این میند و لیل که مضرت و بخرستی یابد و همچنین اشعث حمله الله  
 علیه گوید لبیا چه دیبا مرد و از نقصان دین بود و زنا تراشادی بود و لبیا چه عنبابی مرد و از زنا نیک باشد خاصه که  
 سفید و فراخ بود و لیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لبیا چه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لبیا چه که پسر زنا  
 و مرد و از نیک بود و لبیا چه در خواب بر چهار وجه بود یکی زمان و دوم امانت داری سوم صلاح کار و چهارم خیر و منفعت  
 لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود و لیل که مالش زیادت شود  
 اما ترس و بیم عظیم بود پس لیکن انجاش نیکو باشد و اگر زنی میند که لباس مردان پوشیده بود و لیل که بشویش خیری رسد  
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن میند که در بیداری بود و لیل که کارش بد شود و اگر بهتر بپوشد  
 و اگر بر خود لباس بهتر از آن میند و لیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان میند و لیل که گناه بسیار کند و اگر میند که لباس  
 سلطانین و اشت و لیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر میند که لباس علما پوشیده بود و لیل که از علم بهره یابد و اگر  
 صوفیان و اشت و لیل که از دنیا دست بردارد و اگر میند که لباس نوکران و اشت و لیل که بجمع کردن مال چریص بود و اگر میند که لباس جهودان و اشت  
 و اشت و لیل که مالش ایشان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میند لباس در خواب بر منفعت و وجه بود یکی دین پاک دوم تو اگر نیکو  
 عروجه و چهارم منفعت پنجم عیش و عشرت ششم عمل نیکو و هفتم عدل و هشتم لبها ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبها و خواجه  
 و دین و لیل بر بر آمدن حاجات بود و لب سیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از متعبران گویند لب در خواب خجسته  
 و قریبات بود و اگر میند که لب بالائی وی باز جازایل شد و لیل که مال وی و زوال شود و لب سیرین همین تاویل دارد و اگر  
 میند که لب بالائی وی بریده و لیل که زیر اطلاق و بدیازن او را هلاک کند و اگر بر لب خاوه میند و لیل که او را مصیبت  
 رسد از جهته مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را در دهنه میند و لیل که عکس شود و اگر میند که لبها حسن  
 پوشیده بود و چنانکه باز نتوانست شود و لیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه میند و لیل که غوازی یابد  
 که دو مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد و لیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه  
 بیم هلاک بود و اگر میند که لبها شام سید بود و لیل که مال وی زیادت شود و اگر میند که لبها سرخ شده بود و لیل که زنا  
 روا کرد و اگر میند که لبها شام سبز یا سفید بود و لیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر میند که لبها شام سیست و ضعیف بود

و دلیل حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا و دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود  
 و لحاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که لحاف نو داشت دلیل زن  
 خواهد و اگر بیند که لحاف نو بخرد دلیل که کنیزکی و شیزه بخرد و اگر بیند که لحاف او ضایع شد و دلیل که زن را طلاق دهد  
 و اگر لحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لحاف  
 نو داشت دلیل که زنی ویندارد و توانگر خواهد و اگر بیند که لحاف سفید بود دلیل که زنی توانگر  
 و پارسا و زرا بود و اگر بیند که لحاف سرخ بود دلیل که زنی شراب را دوست دارد و اگر لحاف  
 زرد بود دلیل که بر زنی بیارگون باشد و اگر لحاف او ملون بود دلیل که زنی شش سکاره و فریبنده بود  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لحاف در خواب چون نو باشد برتر و وجه بود یکی زن صاحب  
 دو دم دختر و شیزه سوم لرزیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در نش میزند  
 و دلیل که در امانت واری ضعیف بود و اگر بیند که سروی میزند دلیل که از مالش زیان رسد  
 و اگر بیند که قفایش میزند و دلیل که زنیست و آهستگی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میزند  
 و دلیل که نیکبخت بود و اگر بیند که سینه وی میزند و دلیل که سختی است و که اندوگین شود و اگر بیند که شکم وی میزند و دلیل که  
 از مردی که قوت او بود و پناه او بود و بخی بود و اگر بیند که پایش میزند و دلیل که در سفر بخی بود و اگر بیند که اندامش  
 میزند و دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود و بخی و سختی بیند و انیال علیه السلام گوید لرزیدن اندامها در خواب ترس و بیم بود  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم  
 حضرت بیماری لرزیدن چهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید و دلیل که در اندیشه  
 و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید و دلیل که پادشاه آندیا را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان  
 لرزید و دلیل که آشوب در نزدیکیان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میزند و دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه  
 و دلیل که پادشاه آندیا را مضرت رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عرش میزند و دلیل بر فساد و بی و پانتهی ملکا بود  
 و اگر بیند که لوح و قلم میزند و دلیل بر بد حالی و بیرون اهل علم بود و اگر بیند که هفت آسمان لرزید و دلیل که عذاب خشم باری سبحا  
 و تعالی بسبب فساد و بر اهل آندیا بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان میزند و دلیل بر جنگ و خصومت  
 پادشاه آندیا و قتل و خونریزی بود و اگر بیند که گوشه یا سرای پادشاه لرزید و دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع رسد و اگر  
 بیند که تری لرزید و دلیل بر مصیبت و فساد بود و لشکر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا کوه را  
 و دلیل که اهل آن موضع را کندی رساند و اگر لشکر آهسته بیند و دلیل بر قوت و نصرت آندیا که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود  
 که لشکر از آن را بود و اگر لشکر را صلاح بود و دلیل بر ضعف عجز آن پادشاه بود و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر

لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی آنکه دوم میل سوم باوخت چهارم چنانکه خدمت پنجم بلاوخت لعل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 لعل در خواب بی باجان توانگر بود و اگر بینید که لعل آشتی فراگرفت یا کسی بوی داد یا بخرید دلیل که بدین صفت که لغتیم فی الجواب یا کنیز  
 پاکیزه خرد و اگر زنش باشد و خری با جمال لطیف صورت زاده و اگر بینید که لعل بسیار داشت دلیل که بعد از آن مال حاصل کند لیکن در دین  
 کرده بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که کسی آشنا پدر لعل بود یا دلیل که بعد از و قیمت کنیز توانگر از خویشان خود خواهد و اگر بینید  
 که بیکانه او را باز لعل داد دلیل که زنی مجهول بدین صفت خواهد و اگر بینید که جوانی پاره لعل باو داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید و دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیز سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران لعوق  
 العیسید بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که طعم آن شیرین خوش شوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بینید که چول لعوق  
 و لعوق چلخوره و لعوق شخاش و آنچه بیان ماند و اگر تلخ ترش بود بوی نامحش داشت دلیل بر شر و ضرر باشد مغربی رحمه  
 الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر ترش بود تا ویش بخلاف این بود و افحاح الشما  
 و مستنویه را گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید که دستنبویه بخورد دلیل که بیمار شود و اگر کسی داد آن کنیز را کرد و اگر بینید که  
 افحاح را بوی میگرد دلیل که سخنهای خوش شنود و اگر بینید که افحاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته باید جعفر صادق رضی الله عنه  
 افحاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف لعل ابن سیرین رحمه  
 الله علیه گوید لعل در خواب مردی با حسب و نسب و از او و خاقت اندیش بود و اگر بینید که لعلی گرفت یا کسی بپاید دلیل که او را  
 یا کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بینید که لعلی را بکشت دلیل که دشمنی بزرگ بردست وی ملاک شود و اگر بینید که لعلی باوی  
 سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن محب آید و از محبتی او را منفعت رسد و اگر بینید که لعلی بر بام و نمی نشست  
 دلیل که مهنری در خانه نوی و را پدید و اگر بینید که لعلی از دست وی پدید دلیل که او صحبت مردی و بهقان جدا ماند و اگر بینید  
 که گوشت لعلی بخورد دلیل که بعد از آن مال و بهقان خود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لعلی در خواب بر چهار وجه بود یکی  
 مردم و بهقان دوم پادشاه ضعیف سوم باسبان چهارم غریبی و درویشی بود لقمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینید  
 که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد دلیل که آنکس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ ترش بود تا ویش بخلاف این بود  
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینید که لقمه زید و شیرین در دهان وی نهاد مصلح بود دلیل که مال حلال یا بد و اگر بینید که لقمه پرا  
 گرم در دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید لقمه در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر لقمه  
 لقمه او ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وی از غلت لقمه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر  
 بیند که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقمه در خواب بر سه صفتی بود  
 که میان مردم سخن نفاق گوید و اگر بیند که لقمه شده بود دلیل بر آشکارا شدن علت و نقصان دین بود لکام ابن سیرین رحمه

علیه گوید اگر بیند که گام بشکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که گام بر سر داشت چنانچه سپاه  
را باشد دلیل که روزه و از دوازده تا که تو بکنی و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسی که با کار و بدست کار تر بود گام در  
و اندیش رود و مغربی رحمة الله علیه گوید گام در خواب بر سر بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر ازاد نیکو نبود و گویند  
که بیننده خواب با اوب و فرزندش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین گام در خواب بر سر نه وجه بود یکی شرف و بزرگی  
دوم روزه داشتن سوم اوب و فرزندش و گام فروش در خواب بدتر کارهای ولایت باشد لکن رزون این سیرین رحمة الله علیه  
علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که کسی را لک زد و دلیل که از وی یا از خویشانی او از زیان رسد و اگر بیند که کسی را لک زد و دلیل که در  
شرف و بزرگی او نقصان پیدا یابد و بعضی از متبحران گویند بفساد و مشغول گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی او را لک زد  
و دلیل که بسبب زنی ناند و بگین شود و اگر بیند که کنده پیری لک زد و دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که شتر او را لک زد و دلیل که از شتر او  
محتشم او از زیان رسد و اگر بیند که خری او را لک زد و دلیل که در سفر او از زیان و حضرت رسد و اگر بیند که گاو او را لک زد و دلیل که در شتر او  
او از زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لک زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم حضرت سوم غم و اندوه چهارم  
فساد و خیال لک این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لک داشت دلیل که از کسی فرومایه او را نفعت رسد و اگر بیند  
که لک را برایش نماند و او را دیگر و دلیل که نامش در آید یا برینگی شسته گردد و اگر بیند که لک بخورد و دلیل که غمگین شود و اگر بیند که  
در دست و می بود و ملک محکم میکرد و دلیل که در میان دو کس مصالح میزدند لوبیا این سیرین رحمة الله علیه گوید که لوبیا در خواب  
بوقت خورده و اگر بیوقت نخورده و غم و اندوه بود و لوبی محضو خط این سیرین رحمة الله علیه گوید که لوبی محضو خطا و بل عالم  
با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که مانی رحمة الله علیه گوید که لوبی محضو خطا و بل علم و حکمت و قرآن باشد  
بیند که لوبی محضو خطا و بل حکمت و حقیر بود و دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلم بر لوبی محضو چیزی می نوشت و دلیل که کاشن نیکو گردد  
بیند که بر لوبی محضو میرفت و دلیل که او را با پا و شپاهی بزرگ شغل افتاد و در آن فرمان روا گردید و اگر بیند که نام وی بر لوبی محضو خطا  
چو و دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین لوبی محضو خطا و بل بر شش وجه بود یکی زیادت دوم پسر سوم  
علم چهارم هدایت پنجم فرمان دوائی ششم علم و حکمت و لوبی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لوزینه بشکند و دلیل که  
نماند و دلیل که از کسی سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه کسی را خورد  
و یا سخنی خوش گوید یا از بهر کار نیکو کند مغربی رحمة الله علیه گوید که لوزینه خوردن در خواب دلیل بر مال نعمت بود و اگر بیند که لوزینه  
یا خرید یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال نعمت از حلال باید و خرج کند و اگر بیند که لوزینه کسی داد و دلیل که از وی بزرگ مال  
رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدید و دلیل که آن نقصان مال بود لکن شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که لک شد بود و دلیل که کار با طلب کند از خیر و شر و دست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از متبحران گویند اگر کسی خواب  
لک و حقیر بیند و دلیل که بچشم مردمان خوار و حقیر گردد و مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب لک بیند و دلیل که در زمین و در شکیست

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

سیرین

بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بعد از آنکه ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که  
 لنگ شده بود و بعضا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که  
 بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظا هر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی  
 خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که لشغل که خدائی در ویش عاجز و در و مسند بود  
 و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست غیثو است رفت دلیل که از لشکر گسل این کرد و اگر بیند که در بر دو  
 پای وی خار بود و آما سیده بود و منی لنگید دلیل که دشمن بروی حسد بروی مال جاه وی زیادت شود و همحیل اشاعت  
 الله علیه گوید اگر لنگ خواب بیند که پای او درست شد چنانکه منی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشاده کرد و از مردم  
 که نویسنده باشد بیا بدو کارش نظام کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر پنج وجه بود یکی سستی در کار  
 دوم نادرادی سوم در ویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و بیدار خواب خدمتکار خانه که اصلش ترسنا بوده باشد  
 و اگر بیند که در دست لوبیدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتکارش با امانت بوده باشد و اگر لوبیدی کهنه و چرخین  
 و کوچک بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوبی بقیقا و بیشکست دلیل که خدمتکارش بمیر و کربانی رحمة الله علیه  
 گوید اگر بیند که لوبی را سوراخ شده بود دلیل که خدمتکارش بهیاری شود و اگر بیند که لوبی را آصافی بود دلیل که خدمتکار او  
 منفعت رسد و اگر بیند که لوبیش پر خورده بی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوبی خورده و دلیل  
 از خدمتکارش خیر و منفعت رسد لیمو این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون نزد  
 بود دلیل بهاری و در و پنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کشته باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبود و اگر  
 اعلی بالصواب حرف المیم مار این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر  
 بیند که در خانه وی مار بود دلیل که دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن نیگانه بود و اگر بیند که با حنک  
 و نیزه میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر نیاید و اگر بیند که مار  
 او را بگزد دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن اقرار کند و اگر بیند که گوشت مار خورد  
 دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار را بدو پار کرد و دلیل که از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند  
 که هر دو نیمه را ذر گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت دلیل که بر او عجب کاری پدید آید  
 که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بزوی به تنه تنی و زشتی سخن گفت دلیل که دشمن بروی خطر یابد و اگر ماری مرده بیند  
 دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند بی آنکه بجای بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی او  
 و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار  
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران میگردند دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیایرگون باشد و اگر

بود دلیل بر دشمنی طرب و دوستی معاشرت بود و اگر بیند که با رباها داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که با ربا  
 در پیش می جمع شده بودند و کز نادر برساتیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند و لیکن از ایشان متصرف  
 و اگر بیند که ماران سرونها و دندانها داشتند دلیل که دشمن او سینه دار و بدسیرت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با  
 از پیشانی یا از گوش یا از پستان یا از قصب یا از مقدار و بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دانه یا از  
 آمد دلیل که سخنی گوید که در اوران و بالی شده است و حیل شبع است رحمة الله علیه گوید که مار از قند و دشمن بود و مار بسیار سیرنگش لشکری  
 باشد و اگر بیند که از مار میگریخت و مار او را ندید دلیل که در امش و غری میاید و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزندی نکرد دلیل که بزرگی یا  
 و از دشمن امن کرد و خلفه صفهانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز را مطیع شد دلیل که گنجی یا بدو اگر بیند که از آستین او  
 ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که ماری بگشت و خوش در خورد دلیل که مال دشمن میاید و اگر بیند که بر سر خود ماری  
 دلیل که زرش میزد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دندان او بیرون آمد و زمین فرو شد دلیل که هلاک کرد و در خار مار در خواب دشمن ضعیف بود  
 صداقتی شد عینه گوید و در خواب برده بود یکی نهادنی در دم زندگانی سوم سلامت چهارم پارسای پنجم سپهسالاری ششم شتر  
 دولت ششم مرکب نیم سپه و هم سیلاب مار چوبه اگر بیند که مار چوبه از زمین جمع میکرد بوقت خود دلیل که بقدر آن از  
 منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام میخورد و دلیل بر ضررت و پنج بود و قشیش این سیرین رحمة الله علیه گوید و دیدن مار  
 در خواب دلیل بر پنج و مضرت و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد مار و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 درخت مار و جمع کرد و دلیل که برنج و سختی مال حاصل کند و اگر بپار بیند که بخور از مار داشت دلیل که مال کرد و بود و اگر بیند  
 که مار در سبزه و دلیل که مال حرام خورد و اگر مار زرد بود و دلیل که بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود و دلیل غم و اندوه بود و جعفر  
 رضی الله عنه گوید مار در خواب بر چهار وجه بود یکی مال کرده و دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی مار و یون  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید مار و یون در خواب در وقت و بیوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال  
 هلاکت تن بود و دیدن وی خیر نباشد ماست این سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب و دلیل خیر نیست  
 و ترش غم و اندوه بود و انبیا علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حمل شود و اگر بیند که ماست بخورد و دلیل که مال از  
 حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست مسکیر بیرون آورد دلیل که بقدر آن دارا مال حاصل شود و زمانی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد و دلیل که مال حلال بدست آورد و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست این سیرین رحمة الله  
 علیه گوید ماست در خواب اگر بخت بود و دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد و بگین شود و اگر بیند که ماست در خانه گذاشت  
 و بر دم داد و دلیل که بنیم کرد و زمانی رحمة الله علیه گوید ماست در خواب چه خفتش و تر و خام یا بخت و دلیل غم و اندوه  
 باشد ما گمان مرغ خانگی بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید ما گمان در خواب دلیل بر خادوم و کتیک بود و اگر بیند که مرغ  
 خانگی بخرد یا کسی بپزد و دلیل که کتیک بخورد یا خاومی بزد و اگر مرغی خانگی بسیار و بقیاس داشت دلیل که ریاست و سرور بود

ح

در خواب مار

در خواب مار

در خواب مار

در خواب مار

در خواب مار



باید و اگر بیدار گشت ماکیان خورد و دلیل که بقدر آن ماه نعمت از خدا مان باید و اگر بیدار گشت ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کنیزک او تبلائی گرفتار شود و کافری رحمت الله علیه که  
 اگر بیدار گشت ماکیان را یافت دلیل که او را دشمنی آید یا مالی از خدا مان حاصل کند مغربی رحمت الله علیه که ماکیان در خواب  
 زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیدار گشت ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد و دلیل که شخصی خوش  
 شنود اسمعیل اشعث رحمت الله علیه که بدید بخوابد ماکیان در خواب بر سر درختی بود و یکی زن با جمال دوم کنیزک سوم خادم مامی این  
 سیرین رحمت الله علیه که مامی را خواب دلیل بر بیماری کند که ویرانان خیر و صواب حاصل شود اما پیش این سیرین رحمت الله علیه  
 که دید مایشا در خواب که بوقت یا بوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن مایشا بخواب خیر نباشد ماه وانیال علیه السلام که در خواب  
 در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیدار گشت ماه از آسمان فرا گرفت یا او را ملک خود دید و دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد  
 و اگر بیدار گشت ماه با جنگ ببرد و دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیدار گشت بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه  
 گردد و اگر بیدار گشت ماه بست و دلیل که وزارت یابد و اگر بیدار گشت ماه از آسمان فرا گرفت و نور و شمع داشت نیز تاریک  
 بود و دلیل که انغمنا فرج یابد و اگر بیدار گشت تیره و تاریک بود و بجای خود نبود و دلیل که وزیر پادشاه بجای محتاج وی گردد این سیرین  
 رحمت الله علیه که ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بیدار گشت ماه بدو نیم شد و دلیل که وزیر یا پادشاه باشد  
 و اگر بیدار گشت ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و او خود خواهد بست و اگر بیدار گشت ماه با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد  
 و اگر که دو ماه بایکدگر جنگ میکرد و دلیل که دو پادشاه با هم بکرجنگ کنند و اگر بیدار گشت از آن دو ماه یکی بغیا و با پاره پاره و نقصان  
 شد و دلیل که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی سیقت مغربی رحمت الله علیه که دیگر بیدار گشت ماه در دست یا در کنار گرفته بود و دلیل که  
 زن خواهد بود و اگر ماه جلالت بود و دلیل که زن به اصل منب از او کمتر باشد و اگر ماه بایک نیمه شود و دلیل که زن از اصل مولد او گان باشد  
 و اگر ماه بدر بود و دلیل که آن زن با اصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی میزد دلیل که شوهری بدینصفت بخوابد و اگر  
 که ماه روشن بود و پاکیزه بود و در خانه وی ثابت و دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از ویابد و اگر بیدار گشت چیزی ماه را پسندید  
 که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیدار گشت ماه مخف شد بود و دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد و اگر ماهی رحمت الله علیه  
 اگر ماه بدر و منور بیدار گشت و موضع خویش و نورش مقابل خانه وی ثابت و دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند  
 و اگر ماه بدر بود و تاریک بیدار گشت و اگر اینج و اگر اینست رسد و اگر ماه بلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قول نه نورش زیاده  
 شد یا بدر گشت و دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه جلالت از موضع خود برآمد و دلیل که از وی فرزندی آید یا  
 کاری صعب افتد که مردم از آن غم و اندوه باشد و بعضی از متبحران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیدار گشت و دلیل که پادشاه  
 و یا بر پسر آید و اگر نور ماه را بدید و دلیل که آن پسر از نذکانی و از بزرگان و اگر ماه را بدید و دلیل که عمرش میان نبود و اگر ماه نقصان  
 بیدار گشت و دلیل که بجز مت پادشاه یا وزیر مشغول شود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه که دیگر بیدار گشت ماه را بدست گرفت یا بکند روی

سیرین  
 سیرین  
 سیرین

دلیل که فرزند می عالم و دانا اورا آید و اگر این خواب کسی را مقربان پادشاه ببیند دلیل که او پادشاه شود و اگر ببیند که ماه و آفتاب و اجرام  
 ستارگان فرا گرفت و همسیره و وسیله بود و دلیل که ببیند خواب بیاک شود و اگر مصحح بود و در غم و اندوه افتد یا ببیند که بکار  
 و عاقبت شغلی یا بد جعفر صادق صلی الله علیه و آله دیدن ماه در خواب بر بخت و وجه بود یکی پادشاه و دوم وزیر سوم بدیم چهارم  
 رئیس پنجم شرف و جاه ششم دست به تمام کینک به تمام غلام نهم کار باطل و دهم والی یازدهم عالم معتمد و دوازدهم مستر بزرگ  
 سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هجدهم همسر بزرگاری ماهی و انبیا علیهم السلام گوید ماهی در خواب  
 در دریای گرم سیر بلاد سختی بود و در سرد سیر بلاد و پیش خلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ بسیار دید و دلیل بر مال غنیمت است  
 و اگر ماهی خور و ببیند غم و اندوه یا بد و اگر در شکم ماهی مرور یا دید یا غایت دلیل که او را پسری آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که  
 شکست یا شور کسی بود یا دلیل که از پادشاه بزرگی او به حضرت رسد و اگر ماهی شور خور و دلیل که غلام بوی حضرت رسد و بعضی گویند  
 که ماهی شور بریان کرده بتاول سفر و طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن ماهی خور و خدمت باشد اگر ببیند که چیزی  
 از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر ببیند  
 که در دریا ماهی گرفت و بزرگ بود و دلیل که از اهل کسی زنی بخواهد که او را مال بسیار باشد معترفی رحمة الله علیه گوید ماهی تازه بریان  
 کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام آسمان  
 آورده اند و قوله تعالی وَتَبَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَاءَ ذَرْوًا لِّنَحْمِلَ بِهِ الثَّمَرَاتِ اگر ببیند که از دانه ماهی بیرون آمد دلیل که غنی و دروغ و کاری  
 و اگر ماهی از قصب و بی بیرون آمد و دلیل که او را دختری آید و اگر زنی ببیند که از دانه وی ماهی بیرون آمد دلیل که از دانه بیرون شود و اگر  
 ببیند که از دریا ماهی گرفت و دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یا بد و اگر ببیند که ماهی تازه بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و دلیل  
 رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که ماهی خروشی میکرد و دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر ببیند که ماهی از خوض یا از جوی بیرون  
 و دلیل که از مردی عامه بکر و حیلت چیزی بستاند و اگر ببیند که ماهیان دریا یا آب و سخن در آید و دلیل که راز از پادشاه آشکارا گردد و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب بر شش وجه بود یکی وزیر دوم لشکر سوم دختر و شیر و چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم همسر  
 ماهی خواره این سیرین رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب آن بود و اگر ببیند که ماهی خواره را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل  
 زن خواره اگر ببیند که ماهی خواره از دست وی بگریزد یا ضایع شد و دلیل که زن را طلاق دهد و اگر ببیند که گوشت ماهی خواره میخورد  
 و دلیل که بقدر آن مال صرف کند معترفی رحمة الله علیه گوید ماهی خواره بتاول غم و اندوه باشد و سیرین رحمة الله علیه گوید ماهی  
 علیه گوید اگر ببیند که بهر دی و شب و رنگ بدان میزد و دلیل که کاری مشکل بر وی کشاد گردد و خاصه که این ملک باشد و اگر ببیند  
 که آسمان روشن پاکیزه را در آنجا بخیر میزد و دلیل که کاری کند که در آن زمان و حضرت ببیند و بعضی گفته اند که بهر سخن نرم باشد  
 و اگر ببیند که میر و او شکست یا ضایع شد و دلیل که کاری طلب کند و بدست وی با صلاح نیاید معترفی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند  
 که کسی از آتش یا خانه بهر در و درفش میگرد و دلیل که چیزی از وی بخواهد و خانه وی رسد یا شغل خاوش بسبب و یا از خلاصی یا بد

در

در

در



دلیل که او را شادی رسد و اگر بسیار بود شفا یا بد و اگر دشمن دارد و اگر کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد مراد پیدا و دلیل که درین  
 سینه صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مرد مراد نبند و بپند و دیو بود و دلیل که او را خوار  
 تبارک و تعالی بپناه باید گرفت و توبه باید کرد تا او را از شر و فتنه نگاه دارد و عذری آب نشا ط بود چون کسی شهرت بازاری  
 اول آب ندی یا رخصتیب او فرو آید این سیرین رحمة الله علیه گوید درین ندی در خواب شناسای و عذری بود بقدر آنچه دیده باشد  
 مرد جهان این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد جهان در خواب فرزند بود اگر سرخ بود فرزند خبروی بود و اگر مرد جهان با جا هر نامی بسیار رسید  
 و دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد جهان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم  
 زینت سوم خال چهارم مال رزقه خادم مرد و معزوف این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معزوف را بخواب بیند بسیار  
 همچنان ببیند با هم نام او یا کسی که مانند او باشد اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول ببیند دلیل که تحت  
 باشد و خیر و بزرگی باشد اگر جوانی ببیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و استقامت دین وی بود و اگر پیری معزوف ببیند  
 مویش سیاه شده بود تا مویش بخلاف این بود که رانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را ببیند دلیل بر زیادت دیانت و استقامت دینی  
 او در دین بود و اگر مردی جوان را ببیند دلیل که از بزرگی تحت و کرامت رسد و اگر مردی ضعیف ببیند که با وی سخن سر و بگفت دلیل  
 که با مردی بدان صفت و خصوصیت افتد و بر وی ظفر بابد و اگر مردی ببیند که کدک شده بود دلیل که کاری بپیش کند که راه هر مرد  
 علامت کند و اگر مردی ببیند که زن ویرا قصب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پسری آید که مثل ایل است که دو اگر مردی  
 که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بد حالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین مرد و پیر و خواب و دولت و بخت بود  
 مرد مراد و درین مرد جوان مکر و حیلت چهری مکر و بود مرد و اسنک این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد اسنک در خواب با مردی  
 و اگر ببیند که مرد اسنک مخدود دلیل که بیمار شود و چنانکه بیم هلاک باشد و اگر ببیند که مرد اسنک کسی بخشد یا بفروخت دلیل که از بخت  
 و بیماری ایمن شود و مرد اسنک زده بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد اسنک در خواب بر سه وجه بود یکی  
 دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مرد و خواب و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرد و مرد هم بروی میگر بیند و ناری  
 میگردند یا ویرا بیند و در کفن چپیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند یا بخیل و پهل بر خنود او در دین بود و اگر آنکه ببیند که او را  
 بر بختند و بیرون آوردند بعد از آن که دغن کرده بودند و اگر ببیند که او را دغن کردند و گورش باز خاک پر کردند مرد و امیر سر کرده  
 باز گشتند و دلیل که ویش هرگز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر ببیند که مرد و زود بر جنازه نهادند و حال جنازه اش بر داشتند و خشت  
 بسیار از بخت جنازه وی بر خشتند دلیل که شرف و بزرگی یا بد و فرمان روا گردد تا با ایشان خلک کند و اگر ببیند که مرد و زود زنده شد دلیل  
 که گناهی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر ببیند که کسی او را گفت که تو بر گزینی دلیل که شهید گردد  
 شود و اگر ببیند که مرد و کسی بروی نگر نیست و از پس جنازه او کسی نبوده دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد بر گز آید و آن  
 نباشد و اگر در خواب خود را در میان ببیند و او را تصور باشد که ویراست که او مرده است و دلیل که با مردان جا بل سفر

درین ندی  
 درین ندی  
 درین ندی

درین ندی

درین ندی

میرزا

مندان سیرت رحمة الله علیه گوید هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک است یا اصلاح چگونه است اگر مردگان صلاح و برادر خانیان  
 میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و کشته روی بودند دلیل که حال وی نزدیک است سجان و تعالی نیکو بود و اگر میند  
 مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی برگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک است باری تعالی بد باشد مغرب رحمة الله علیه  
 گوید هر که مغایرات و خواب دیدن و دلیل بر احوال نمودن و عذاب کافرو و اگر مغایرات نبود و ضا و درین بود و چنین  
 که جان کند و خود سخت تر میند عذاب عقوبت صغیر بود و اگر میند که بر و کسی در پیش است دلیل که تاب کرد و اگر میند که در پس جنازه و وی قوی  
 در هوا میرفتند دلیل که بزرگی از ان شهر در سفر میرد که تا می رنج گوید اگر میند که بر و او را بر جنازه ها و در فلق و در پس جنازه ها میرفتند دلیل که بزرگی  
 و لایق بزرگی یابد و اگر مرد جنازه کران بود دلیل که بر مردم قهر و تمکار بود و اگر میند که بر جنازه نسبت بود دلیل که با خلق نیکو می کند و اگر میند که مرد  
 بر داشت وی بر و دلیل که مال حرام یابد و اگر میند که زنده بر و او را بر تخت خوابانیدند و آن تخت بر کف نهاده و دلیل  
 که بخت پادشاه بود و جانی منفعت و راحت یابد و اگر میند که بر و زنده شد و دلیل که ان شهر خراب کرد و اگر میند که  
 بار و مرد و دلیل که از فرزندان او کسی میرد و اگر میند که فرزندی از ان او بر و دلیل که او اگر شود و نیز گویند که از دشمن این شود  
 و اگر میند که پدر و مادر وی بر و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی میند که آتش بود و مرد و مردی میگیرند  
 دلیل که او را پسری آید و تمخیل اشعت رحمة الله علیه گوید اگر میند که مرده بار و دیگر خبر و برکت گیرد و بلکه بهتر میگردد دلیل  
 که از اهل بیت وی بخیر از بی گزند شادی و خوشی بود و اگر میند که برکت وی زمان و مردان فغان بر داشتند و نوحه میکردند  
 که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی میند که بر و او را بستند و بر جنازه نهاده و دلیل که سخن نیکو گوید و اگر میند که او  
 و فن کرد و دلیل که بد باشد مرده زنده شدن که باقی رحمة الله علیه گوید اگر میند که مرده زنده شد و دلیل که حال وی  
 نیکو شود و خاصه که مرده را شاد و کشته روی میند و اگر زنده را مرده میند و دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که ترس  
 بود و اگر کسی میند بدخود را که مرده است زنده و خرم و کشته روی و با جامه پاکیزه میند و دلیل که دولت اقبال  
 و کارش ساخته گردد و اگر نادر زنده میند و دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی میند که پسری زنده شد و دلیل که غیش از سفر یابد  
 و اگر میند که مرده بیگانه زنده شد و دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر میند که زنده بر و او را میشد بخلاف این بود  
 و اگر میند که مرده را زنده کرد و دلیل که کافریست وی مسلمان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترسید  
 و غمگین و با جامه های چرکین میند و دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد و زیرا که در ساری حق است هر صفت کسی مرده  
 و خواب میند و دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را کشته روی با جامه های پاکیزه میند و دلیل که  
 بسیار یابد و اگر بر او خود را بدین صفت که دریم زنده میند و دلیل که شرف و بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این میند و دلیل  
 بخلاف این بود که تا فی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را و خواب دید و پرسید که تو مرده گفت بد که زنده ام و دلیل که سخن  
 مرده نیکو دران جهان باشد و حق سجان و تعالی از وی خوشنود باشد و تعالی ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

میرزا

بلی

بَلْ أَحْيَاكُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ فَرَحِينَ بِمَا أَنَّهُمْ اللَّهُ مُقْضِيهِمْ وَإِنْ يَدْلِيلُ سَتِ بَرَاكَ بِرَحْمَةِ مَرْدِ كَوْنِ  
 گوید اگر بیند که مرده حرم و شادمان بخانه خود رفته است دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که  
 مرده بخانه خویش در کنار گرفت دلیل که ستم است و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خستیان او  
 بود و دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادمانی و  
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت خود بر وی حجت و  
 بلوی مناظره میکرد دلیل یا روی از وی بگردانید دلیل که امر زده وصیت کرده باشد و وصیت او بجانیا زده باشد و اگر  
 بیند که مرده شاد و خندان نزدیک وی آمد دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی  
 قصص کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد و اگر سخن بگفت یا او را وصیت کرد تا ویش بدو  
 و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دایست خداوند خواب بود و اگر  
 را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاستگاهش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند  
 دلیل که مرده از عذاب خدا تعالی ایمن باشد و عاقبت محمود بود و حاطه متبرک بود اگر بیند که مرده دست در گردن آورد و در کنار  
 گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که سینه را از بر وی صدقه باید داد و او را بدعا  
 یا کند و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند دلیل که عاصی و گناهکار بود و اگر مرده بخندید و باز نگوشت دلیل که آن مرده مسلمان زنده  
 و اگر مرده سیه روی بیند دلیل که کافر مرده باشد و قول تعالی فَاَمَّا الَّذِي يُوْا قَوْلَهُ تَوَجَّهْ لِمَنْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ مَا نَبَّأْنِيْمُ فَلْيَقْ  
 الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ و اگر مرده را در مانده و بیجا بیند دلیل که حال مرده بد باشد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه  
 اگر بیند که مرده در نماز بود و دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و متبرک ان گفته اند که مرده را بجای حاجت ثواب است  
 دلیل که بیند خواب بطاعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را در جائیکه زندگی نماز کردی و نماز نکرده دلیل که پاک دینی مرده و صلاح  
 عاقبت زنده بود و مرده چیری را و اعراف و انبیاء علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرانچیزی از متعلق دنیا و دلیل که آنجا  
 که امید ندارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی از خوردنی و آشامیدنی بود یا در بخور و دلیل که روزی حلالی بدو اگر بخور و آشامید  
 بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را مال و نفس غم نماند و رسد و اگر جامه پوشید  
 و همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند این سخن رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بدو او را از آنجا  
 در پوشید و باز بر سر او نکرده و مرده و دلیل که او را هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت گزود و اگر بیند که جامه خود بر دم داد و گفت  
 که جامه بدو زیاب و زیاده دارد دلیل که او را غم نماند و رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را بعاریت بدو داد و دیگر باره از وی  
 طلب میکرد دلیل که آن مرده را زکوة و ابر بده باشد و اگر مرده جامه بسته بدو داد و دلیل که خداوند خواب در ویش کرد و اگر جامه نپوشید  
 دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند و دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

مرده چیری را

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مروه چاره میفرودست دلیل که انعامه کران کرد و اگر چیزی مروه می بخشد و قبول کرد دلیل که او حضرت وزیان رسیده و مروه  
برین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی مروه را بدجال و نالیده بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند و اگر  
را بچار بیند دلیل که او را از دین و ایمان سوال کنند و اگر مروه از در و سر بینا لید دلیل که از بچه که در دنیا کرده باشد او را سوال  
و بعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر و پدر کرده است او را سوال کنند و اگر از در و داندان می نالیده دلیل که از غیبتی که در حق  
نزدیک کرده باشد او را سوال کنند و اگر از در و چشم بینا لید دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد از آن سوال کنند و اگر از در و گوش نالیده دلیل که  
سبحن شریفه باشد و دنیا و از انان سوال کنند و اگر از در و دست بینا لید دلیل که آنچه در دنیا در حق زمان و برادران کرده باشد او را سوال کنند  
و اگر از در و پهل و بینا لید دلیل که آنچه در دنیا در حق زمان کرده بود او را سوال کنند و اگر از در و پشت بینا لید آنچه در حق مادر و پدر کرده باشد او را  
سوال کنند و اگر از در و عورت بینا لید دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد او را سوال کنند و اگر از در و سر بینا لید دلیل که آنچه در حق  
خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از در و ساق و پای بینا لید آنچه در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند  
مجامعت کردن با مروه جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل این خواب آنست که اگر با مروه مجامعت کند  
منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تا ویل آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تا ویش تا بطل شد  
و اگر بیند که با مروه مجامعت کرد دلیل که از جانی که امید ندارد و امیش بر آید و اگر با مروه مجامعت کرد و مروه بود و مجامعت  
کرد و دلیل که از جانی که امید ندارد و امیش بر آید و اگر با مروه مجامعت کرد و مروه بود و مجامعت کرد و دلیل که صدقه و نوا  
بدان مروه برسد و اگر بیند که با مروه که اهل حرمت بود مجامعت میکند دلیل که از آن مروه چیزی بوی رسد و اگر مروه را  
بشودت بوسه میداد دلیل که زن خواهد از بهر مروه چیزی کند یا او را بدعا یا کند و اگر با مروه مجامعت کرد و دلیل که از نال  
مروه چیزی بوی رسد از پس مروه شدن که مانی رحمة الله علیه گوید از پس مروه شدن دلیل که اگر صلح و بار سار  
بود راه او گزیند و اگر فاسق بود راه و میرت او گیرد و اگر نداند که مروه مصلح بود یا مفسد و از پی وی میشود دلیل که بهای  
شود و عاقبت شغایا به مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروه ویرا بانگت جواب داد و مروه را ندید دلیل که از دنیا  
زود برود و اگر بیند که در پس مروه بسرانی مجهول در شد دلیل که بمیرد و اگر مروه را گفت که خلان وقت پیش من بیا وقت  
که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند و قتی که مروه مصلح و راست گوئی بوده باشد و اگر بیند که مروه او را بستی و  
خوانده او را منع ننمود اینست که دلیل بر وفات او بود و اگر بیند که مروه را بستی خود خوانده او را و بر سرای مروه نرفت دلیل  
که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مروه او را به بازار برود دلیل که کسب و معیشت او نیکو گردد و اسبیل اشعث رحمة الله علیه  
گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند دلیل که امر معروف نمی کند و از وی نشنوند و اگر بیند که با مروه دوستی گرفت  
دلیل که بسفر رود و در آن سفر ولایت و اقبال و شادای و خرمی یابد و اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه خیر و میان  
کسی دیگر نزنده نبود دلیل که با گروهی مجامعت کند که دین ایشان نغیسا بود و اگر بیند که او را بستی چو ایشان مروه

دلیل

دلیل که در دین او نیز فساد بوده اگر میند که روی مردگان طعام خوردند دلیل که در اندام طعام کران شود حافظ مقبره رحمة الله علیه  
گوید اگر کسی میند که پاره از تن مرده میخورد و دلیل که از زمین کنجی یابد و اگر میند که مردگان جمول را بشنید کردن همیز و اگر مصلح  
بود و دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معتبران گویند که با مرده مباحشه و مناظره کند و همیز را بپوش  
و حجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که مرده را راه می نمود و دلیل که راه شریعت در یابد و اگر میند که مرده خود را می  
دلیل که خوششان او از غم رسته کردند و اگر میند که مرده را بر زمین می کشید و دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار یابد و اگر میند که مرده  
را بر داشت و دلیل که مال حرام یابد و اگر میند که مردگان زنده میگرد و دلیل که و باغی کند و اگر میند که با مرده در یک خانه خفته بود  
دلیل که عرش دراز بود مرده را حجاج بن ابی سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که مرده جامه سبز پوشیده بود و دلیل که با ایشان  
از دنیا رفته باشد و اگر میند که جامه سپید داشت دلیل که درجه او نیکو باشد و اگر میند که جامه سیاه پوشیده بود و دلیل که با ایشان  
بد باشد و جامه و زخیمان سیاه باشد و اگر میند که جامه سرخ پوشیده بود و دلیل که بد باشد و اگر میند که جامه زرد یا کبود پوشیده  
بود و دلیل که میند خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود و دلیل که به وقت زنده گشتن سینه را با او چسبیده  
باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این میند حق بجانب زنده بود و بعضی از معتبران گویند زنده و خواب چون مرده را  
جامه می پوشانند دلیل که اجلش رسیده باشد تا ویل کفن مرده که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که مرده معروف  
کفن کند و دلیل که در دنیا طریق آن مرد میجوید اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود بمال و اگر نجرب میند که مرده را کفن کند و دلیل که  
آن مرده در کور زنده بود و حال آن مرده در کور نیک بود و اگر میند که مرده را کفن کرد و دلیل که از خوششان آن مرده یکی را جدا کند  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرده در خواب برسته وجه بود یکی مال و دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر میند که  
مرده بگرست و دلیل که عرش باز بود و لیکن در سرایش خرابی افتد و اگر میند که مرده زنده شد و دلیل که کار مشکل بود و یکی ظاهر  
کرد و چنانکه اگر مغرول بود عملی بد و اگر پادشاه بود علم و حکمت زیادت کرد و او امید کرد و او در و اگر دانه شغلی برود بود با  
یابد قوله تعالی فَاَمَّا كُنَّا فَتِلْكَ حَانَتْ حَامِثُ بَعَثَ اَلاَیْهِ مَغْرَبِی رحمه الله علیه گوید اگر میند که بهترین یا عالمی زنده شد  
بود و دلیل که مذنب یا سیرت زنده شود اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر میند که مرده او را در آغوش گرفت و دلیل که عرش دراز شود  
و کایش بالا گیرد و اگر میند که چیزی بر مرده او و دلیل که آنچه غریز کرد و در رخ او کران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهب بود و اگر میند  
که مرده از وی طعام میخورد و دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد و مرز نکوش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که مرده  
می پوشید و دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد و اگر میند که مرز نکوش از جای خود بر  
دلیل که پسش بیمار کرد و اگر فرزند نداشت و او را غم و اندوه رسد و اگر میند که در میانی که ملک وی بود مرز نکوش بسیار رسته بود و دلیل  
که و بر مردم مصلح بسیار باشد که زمانی رحمه الله علیه گوید درخت مرز نکوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست داشت و او را دوست داشت  
که مرز نکوش نیز بود و در زمین او رسته بود و دلیل که کسی از اهل بیت او دوست داشت شود و اگر میند که مرز نکوش زرد و پرمرو بود و دلیل

مکمل

مکمل

مکمل



نوع اول

نوع دوم

نوع سوم

نوع چهارم

که آنکس مفسد و بد بخت بود مرغ این سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود و دلیل که چشمش در آنکار غلب کند که  
عظیم تر باشد و اگر بیند که مرغ آن بسیار در جایگاهی بانگت میکرد و دلیل که اهل آن موضع را غم مصیبت رسد و اگر بیند که خای مرغ  
داشت و دلیل که او را فرزندی آید که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت و دلیل که کارش بلند شود و اگر بیند  
که مرغ در دست او برود و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که باز بر پشت مرغ ننهد و برود و دلیل که بدان مرغ منسوب باشد  
او امضرت رسد و اگر بیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بر بود و دلیل که مال او بزرگتر باشد و اگر بیند که گوشت از اندام خود میبرد  
پیش مرغ می افکند و دلیل که مال از مال خلیش چیزی بکسی بخشد و اگر بیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند و دلیل که مال آن  
و بدانکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بد و منسوب بود و این ما قول بیان کردیم مرغی رحمة الله علیه گوید هر مرغی  
نخاس بود که غلام و کینک فروشد استعجیل اشرف رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آن مختلف در شهری گرد آمد و دلیل که  
شکری بیگانه در آنجا رسد و اگر بیند که مرغ چشمهای وی بر کند و دلیل که در زمین او از کسی تباهی رسد و اگر بیند که خون مرغ  
میخورد و دلیل که بقدر آن نقصان مالش رسد مرغ آبی این سیرین رحمة الله علیه گوید مرغی در تعبیر بهتر از مرغ آن دیگر است  
و اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بود یا و دلیل که مال نعمت و بزرگی یا بد و بکام دل برسد و اگر بیند که مرغ آبی بسیار در زمین  
شد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یا بد کوفتی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بیند که مرغ آبی بجز  
یا کسی بود یا و دلیل که بقدر آن مال بزرگی یا بد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مرغی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آبی  
جانی میداشت و دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بیند که بچه مرغ آبی را گرفت یا کسی بود یا و دلیل که او را فرزندی آید و جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید ویدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم بزرگی سودم ریاست چهارم فرزانگی و زبیر  
که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خدا در این سبب است که هر که مرغی در خواب بیند هر  
مرادیکه خدا بدید بر مردمان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان بسیار جامه های بنفشه داشتند و دلیل بر این است که  
و پاک دینی وی بود و اگر بیند که مردمان جامه های سیاه و چرکین داشتند تا و پیش خلاف این بود و اگر بیند که جامه های کبود  
و دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که جامه های نو و فراخ داشتند و دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود و مرغ آبی این سیرین رحمة  
الله علیه گوید اگر کسی بخواهد مرغ آری بیند که جوهر نباتی او نشا سه و دلیل بر دین و سلام او بود و اگر بیند که میان مرغ آری  
بود و آن مرغ از ملک او بود بقدر مرغ آری بر حقا و درین پاک وی باشد و اگر مرغ آری ملک دیگران بود او و نشا سه  
و دلیل بر صحبت و باندگان باشد و اگر بیند که در مرغ آری خوش و خرم میگذشت که عیش بر وی فراخ شود و کار او نظام گردد  
و مرغ آری در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکی وی و اگر مرغ آری بزرگوار بود و اندک ملک است و دلیل که او را  
با مردی بزرگ پیوندی بود و از وی خیر و منفعت یا بد و اگر بیند که بوقت بهار در میان مرغ آری بود خوش و خرم و گلها و درختان  
در وی شکفته بود و جوی آب در وی روان بود و دلیل که مرگ وی باشد و اگر بوقت بهار مرغ آری بیند باشد

معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آن مرد از خدمت چشم چاشنی  
مانده بود و اگر مرغاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان بیاید و آن مرغار را از بیج بر کند و خواب گردد و دلیل که  
پادشاه اندازد را در آن مغاجات رسد مغربی که گوید اگر بیند که در مرغاری درون شد و در آن جایشان دید و دلیل که پادشاه اندازد را  
و شکوه بود و اگر در آن مرغار گویند و دید و دلیل که پادشاه اندازد را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغار کاوان و خران دید و دلیل که لشکر پادشاه و سوار  
و برایشان عطا و شهادت و اگر بیند که در مرغار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برود و دلیل که او را پادشاه خیر و منفعت رسد سمعیل ان شت رحمة الله علیه  
مرغار در خواب نباشد و اگر بیند که در مرغاری سبزه خرم رفت و در آنجا مقام کرد و دلیل که در آنجا از فی سبزه و خبر وی بر نی کند و اگر بیند که مرغار سبزه  
بود تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق علیه السلام گفته گوید دیدن مرغار در خواب بر نفیست چه بود یکی بن دوم عقدا و سوم معیشت و نظام  
چهارم پادشاه پنجم و بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد ما بر مظهر بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که مرهم در آنجا  
خسته و ریش مینهد و دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مرهم میخورد و دلیل که حرام خورد یا نداده و مضرت بد و رسد  
و اگر مردی بیند که مرهم کسی داد و دلیل که فرزندان مرد و خیر و منفعت رسد اند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرهم بر انداخته یا  
ریش نهاد و آن مرهم گشت میخورد و دلیل بر نقصان مال می بود و مروارید و انبیا علیهم السلام گوید مروارید در خواب فرزند  
یا فرزند کنیزت بود این سیرین رحمة الله علیه گوید مروارید در خواب کنیزت خبر وی بود یا زن با جمال اگر بیند که مروارید یا  
چنانکه در شمار نیاید و دلیل که بقدر مروارید او منفعت رسد و بعضی مخبران گویند که چون مروارید بر آنکه بیند دلیل بر سخن حکمت  
بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چندین بیند و دلیل بر زنان و دختران کند و اگر  
که مروارید بسیار داشت و دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از زنان وی عقد مروارید بیرون آمد و دلیل که از زنان وی کلام  
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مروارید میخورد و دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را پسوند از آنرا فراموش کند و اگر  
بیند که در منزل یا در راه عقدهای مروارید کسره و شربت دلیل که ویراده علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی  
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هریم مروارید میسوزد دلیل که علم و حکمت بسیار مردم آموزد که سزای علم و حکمت است  
و اگر بیند که مروارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود و دلیل بر زیادتی دین و دیانت وی کند و اگر نکو او بود مالش زیاد شد  
که کافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید داشت و دلیل که او را فرزندی خوبری آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرمود  
است **كَانَ تَحْتَهُ لَوْكُوهٌ مِّمَّكَوْنٍ** و اگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود و دلیل که مال بسیار او را حاصل گردد و اگر بیند  
که مروارید را بفر و خست و دلیل که علم و قرآن فراموشش کند و اگر بیند که مروارید در بان و ماحت و فرود برد و دلیل که او را حق تعالی  
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مروارید را بجای چهل بیند خست و دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند و اگر  
بیند که عقد مروارید در دست بسته داشت و دلیل که ویراده غری آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت  
و دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از زنان وی یکت یکت مروارید گر نماید بیرون می آید و دلیل که

سخنهای نیکو گوید و مردم آنرا پسندند و اگر بیند که عقد مردار یا زدن دست و پایی و شکست دلیل که بسیار بود پس میل شست و شوی  
 علیه گوید اگر بیند که مردار یا بزرگین دان یا بجای پلید افکند دلیل که علم و حکمت و پیش مردم نادان گوید و اگر بیند که مردار یا بکش بست  
 یا بست و دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مردار یا در زیر پای وی شکست دلیل که فرزندش بسوزد و اگر بیند  
 مردار یا در تفتیب وی بیرون آید و آن مردار یا در سوختن نداشت دلیل که او را در خیزی آید و اگر بیند که عقد نامی مردار یا در گزین بست  
 و دلیل که اگر بزرگ علم و حکمت و اگر در گردن کسی بست دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بیند که گوشواره اندازد و در هر دو  
 داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مردار یا در بخور و داشت دلیل که بقرآن اهل و ملکند حافظ مغربی رحمه الله علیه گوید  
 بیند که مردار یا در فروشی میکرد دلیل که آنکس را پساد و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آنکس را اهل علم نبود و دلیل که او را فرزند  
 بسیار حاصل شود و جفته صادق یعنی الله عنه گوید ویدن مردار یا در خواب برشش وجه بود و یکی قرآن دوم حکمت و فریبک سوم مال  
 چهارم زن چشم کنیز که با جمال ششم فرزند نیک و مردار یا در فروش و خواب کسی بود که فرزند آن و مال بسیار دارد و علم دین و دنیا  
 مرد و در آن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرد و در آن در خانه وی کار میکرد و دلیل که در آن با خویشان یا دشمنان دوست  
 افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در خانه کسان مزدوری میکرد و دلیل که بجاری صاحب خانه  
 شود و خدا و بدخانه را کسی خصوصت افتد و اگر بیند که مرد و در آن در خانه وی کار میکرد و دلیل که غمگین شود و سحیل ششم  
 علیه گوید اگر بیند که مرد و در آن در خانه وی خاک یکشید و دلیل که بقد آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند  
 و دلیل که مال وی نقصان شود و شرکان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شرکان در خواب نگهداشتن این باشد که کسی بخواب بیند که  
 شرکان وی جنبید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شرکان چشم فرو ریخت و دلیل که در دین وی خساد بود و کوفانی رحمه الله علیه گوید  
 بیند که شرکان چشم وی باز گشته و دلیل که بقد آن او را زیان مال بود و اگر بیند که شرکان چشم وی جنبید و دلیل که بیمار شود  
 جفته صادق یعنی الله عنه گوید ویدن شرکان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگه داشتن دین دوم دوستی موافق سوم مال  
 و روزی چهارم خرمی بقد فرزند فی الجمله هر خیر و شر که بر شرکان بیند و دلیل برین چهار وجه بود هر طور که ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید هر طور که چون ترش و ناخوش نبود و در آن جری باشد و دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود و دلیل  
 مضرت و غم بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید پس آنچه جبهه بود آن باشد و اگر بیند که مس داشت و دلیل که بقد آن او را  
 مال حاصل شود و کوفانی رحمه الله علیه گوید و ندسح من شر به و اضاف به و آنچه بدین ماند جمله و دلیل که خدائی بود مغربی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که مس میکشد و صاف پاکیزه گرد و دلیل که کاری مشکل بر دست نوی کشاده گردد و گویند که مال حلال است  
 دست آورد و مستی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کابلی کردن چنانکه در کلام مجید فرمود  
 تَوَلَّى نَفْسًا يَاقُوهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلَا تَصْغَرُ وَتَوَلَّى نَفْسًا يَاقُوهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَلَا تَصْغَرُ وَتَوَلَّى نَفْسًا يَاقُوهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
 شرب بود و دلیل که بقد مستی ترش بر عظیم بود و جفته صادق یعنی الله عنه گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم

سوم تا توانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد این سیرین رحمة الله علیه گوید مسجد اکابران بنا و میل مردمی عالم بود که  
مردم نیز و یکت او بسیار آید از بهر صلاح و حقیقتی در کلام قدیم فرموده تبارک و تعالی و مَسَا جِلْ دین کو فیها اسم الله کثیرا  
اگر بنید که مسجد بنا کرد و دلیل که از بهر مسلمانان خیر و نیکی کند و آنان او را جود ثواب بپوشا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بزرگ  
و شریف بدار و مغربی رحمة الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نبهادن زن خواستن بود و اگر بنید که مسجدی بنا کرد و اگر بنید و تمام کرد  
و دلیل که زن حلال خواهد از آن ویندارد و پارسای بود و اگر بنید که چراغ مسجد بکشت و دلیل که فرزندانش میرند و اگر بنید که در مسجد جامع  
نشسته بود و پیرامن و پیری رسته بود و دلیل که بروی کسان بارند که در وی نباشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را  
مسجد باز داشت و دلیل که آنکس بروی ستم کند و اگر بنید که در مسجد نماز میگذارد و در وی شوی قبله نبوده تا ویش بر بود  
بنید که در مسجد دست و روی می شست و دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر بنید که مسجد پیش  
و دلیل که عالمی میرد و سخیل اشقی رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خواش بود و جمع کردن مردمان  
که در ضلالت باشند باز صلاح آمدن و غیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قال الذین غلبوا علی امرهم  
لننصقن علیهم و یسجدوا و اگر بنید که جایگاهی از ملک می مسجد بکشت و دلیل که درین شرف و بزرگی یابد و خلق را  
بدعت حق خواهد و اگر بنید که با قومی مسجد میرفت و دلیل که زنی ستیزگی برنی کند و اگر بنید که در مسجد چرامی برافروخت و دلیل که او  
فرزند می صالح آید و اگر بنید که در مسجد مکعب یا در مسجد مدینه درون شد و دلیل که از بهر ترس این گرد و جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید و بدین مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس چشم امام ششم خطیب  
برفتم مؤذن هفتم مسجدی نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن و دوازدهم نیکو کردن و اگر بنید که مسجد او بنی  
می آید است و دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بنید که مسجد را عمارت میکرد و دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود  
بنید که در مسجد شد و دلیل که از خوف این شود قوله تعالی و مَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مسجد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر  
بنید که مسخ نموده میکرد و دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که مسجد  
حیکر و دلیل که مسخر و دودوران بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام گردد و مسکه این سیرین رحمة الله علیه گوید  
روغن تازه بنا و میل مال و نعمت حلال بود و اگر بنید که مسکه فرا گرفت یا کسی نوبی و او و از آن بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال  
یا بدکردانی رحمة الله علیه گوید مسکه خورون و خواب گواهی رست دادن بود و اگر مسکه که سپند در خواب بخورد و دلیل که او  
مال و نعمت حاصل شود و مسکه کا و دلیل که آنسان بزوی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوریکه  
گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد و دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید مسکه در خواب و دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم مصیبت مسواک  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که مسواک کرد و دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد مغربی

رحمه الله عليه گوید اگر بیند که دماغهای پیشین را سوا کند و دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه زندانها را  
 سوا کند و دلیل که با همه خویشان نیکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر بزرگواری  
 است و برآمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهت بادشاهان بود و فروشدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بجاری  
 صلاح بشیرت بود و دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند و دلیل که مراوش بر نیاید و همه حال جای برآمدن آفتاب بهتر از فرو  
 شدن باشد و جای آفتاب برآمدن دلیل از اقبال بزرگی بود و جای فروشدن آفتاب دلیل او بار و فروماندگی بود و مشرک شدن  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد و دلیل که در مسلمان میسر و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میگردد و پیشتر  
 تقاضا میکرد و دلیل که مسلمان شود و نعمت بروی زیادت گردد و چنانچه الله تعالی فرموده قوله تعالی الله فوالسموات  
 و الاارض مشك فوزه کیشکوة الا اگر بیند که مشرک در خانه مسلمان آمد همین دلیل که جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 اگر کسی مشرکی را بخواب بیند و بیند که خواب مستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر بیاورد و اگر مستور نشد و دلیل که با بر  
 بد مذنب او را صحبت افتد مشک و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک با خود داشت دلیل که با او بد و فزینت بود و همه  
 کس بروی آفرین کند و شاگرد بیند و اگر بیند که بوی مشک از وی می آید یا کافور و دلیل که یقین می یابد که وصاف گردد و در راه  
 حق در آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مشک را میسود و دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافه مشک بلبکافت و از آن  
 مشک بوی ناخوش می آید تا دیش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود یکی  
 زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کینه پنجم مال بسیار ششم خج شش مشک آب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مشک  
 سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نوب بود و دلیل که سفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود تا دیش بخلاف  
 این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی مصحف  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مصحف در خواب تباه و علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرد و دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر  
 بیند که مصحف را بافتن سوخت و دلیل بر فساد دین او بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصحف کشاده و بر سر زودیده و نماز  
 و دلیل که هر چه کند بقد آن کار کند و والی انشه گردد و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر  
 گفت دلیل بر شر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج وجه بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم  
 امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت مصطفی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که مصطفی می خواند دلیل که ویرا گفت گوئی بود کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصطفی آب  
 بمچاید دلیل که بقدر فحاشیدن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطفی آبش بخرد و دلیل که ویرا از بادشاها و بزرگان رسد  
 مصطفی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصطفی از بهر بیماری می بخت و آن مطبوخ سرفاق بود و دلیل که صلاح در هیچ  
 بود اگر مطبوخ موافق نبود دلیل که صلاح دین از وی بخرد و اگر بیند که مطبوخ بخرد و در وی اثر کرد و دلیل که صلاح و تندرستی و خیر بود

بخلاف این بیند دلیل پنج و زیان باشد مطرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطرب میگرد و چیزی از سر و دریا  
 میزد و دلیل که بخیر نای حرام گراید چون فساد و طبل آنچه بدین ماند میزد و دلیل که اندوگین شود و مطرب کرون در خواب خیر و منفعت  
 معتبر خواب گذار بود و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و و اعطایر که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و تفسیر دلیل ضایع  
 کند معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معجون از هر درد بیماری می ساخت و دلیل که مردم را از و خیر و منفعت باشد و اگر بیند  
 که معجون از هر بیمه تن بود و دلیل که از هر درد و مان خیر و منفعت رسد معده ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوی و بی  
 افت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند عرش کوتاه بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید معده در خواب شش  
 وجه بود یکی مال حرام و دوم شفاعت سوم سخنانی ناخوش چهارم فرزند خیم زندگانی دراز ششم کار کردن و مفتی که از و صحت  
 بودن معقول شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی و یا معزول کرد و دلیل که زندگانی  
 او در گزند دارد و در تجارت زیانی کند معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن معصم در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم  
 و دوازده سوم کار نای که ازان کار کردن رنج و سختی او را رسد معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصم در خواب بر سه وجه و دوازده  
 و اگر بیند که معصم میگرد و کوکب را علم می آموخت و دلیل که با مردمان سخن حق گوید یا کانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معصم میگرد  
 گوید که از علم می آموخت و دلیل که شایسته پادشاهی نبود و در موضع خود او را سخن روا کرد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید معصم  
 کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن مغروران یا علی السلام گوید مغرور سر و  
 در خواب مانی بود که به ذخیره نماند و بود اگر بیند که مار و گزوم مغرور می بخورد و دلیل که بعد از آن مال مردم بخورد و آتیل تحت  
 رحمه الله علیه گوید مغرور در خواب مال ضایع بود اگر بیند که مغرور کند و ناخوش خورده بود و دلیل که مال و حرام بود یا زکوٰه داده باشد  
 جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید و دیدن جمله مغرور خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صیبتل شدن  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نیتوانست خواندن دلیل که در کار ضعیف و ست بود مغربی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد که عیش را نکست یا کند و مغربی بوی رساند مقراض ناخن گیر بود و در عرف نون بیان بخیر  
 معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب و دیدن شغل کسبی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمد دلیل  
 که کسب و کاری تبا و گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد و دلیل که کار و کسب بروی بسته گردد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله  
 و دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم حیثیت مقصه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب زیان  
 شوی و مردان از آن بود اگر بیند که مقعد از سردی جدا شد و دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقعد سیاه بیند و دلیل که شوهرش فاسق بود  
 و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب و دوست بود و اگر گدازد و دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند و دلیل که شوهرش  
 بیمارگون بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید و دیدن مقعد در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کینک سوم خادم چهارم منفعت  
 از زمان و اگر مقعد که پاسبان یا پیشین بود و دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود و مسلمان شدن ابن سیرین رحمه الله

خلاف این بیند دلیل پنج و زیان باشد مطرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطرب میگرد و چیزی از سر و دریا میزد و دلیل که بخیر نای حرام گراید چون فساد و طبل آنچه بدین ماند میزد و دلیل که اندوگین شود و مطرب کرون در خواب خیر و منفعت معتبر خواب گذار بود و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و و اعطایر که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و تفسیر دلیل ضایع کند معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معجون از هر درد بیماری می ساخت و دلیل که مردم را از و خیر و منفعت باشد و اگر بیند که معجون از هر بیمه تن بود و دلیل که از هر درد و مان خیر و منفعت رسد معده ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوی و بی افت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند عرش کوتاه بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید معده در خواب شش وجه بود یکی مال حرام و دوم شفاعت سوم سخنانی ناخوش چهارم فرزند خیم زندگانی دراز ششم کار کردن و مفتی که از و صحت بودن معقول شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی و یا معزول کرد و دلیل که زندگانی او در گزند دارد و در تجارت زیانی کند معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن معصم در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم و دوازده سوم کار نای که ازان کار کردن رنج و سختی او را رسد معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصم در خواب بر سه وجه و دوازده و اگر بیند که معصم میگرد و کوکب را علم می آموخت و دلیل که با مردمان سخن حق گوید یا کانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معصم میگرد گوید که از علم می آموخت و دلیل که شایسته پادشاهی نبود و در موضع خود او را سخن روا کرد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید معصم کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن مغروران یا علی السلام گوید مغرور سر و در خواب مانی بود که به ذخیره نماند و بود اگر بیند که مار و گزوم مغرور می بخورد و دلیل که بعد از آن مال مردم بخورد و آتیل تحت رحمه الله علیه گوید مغرور در خواب مال ضایع بود اگر بیند که مغرور کند و ناخوش خورده بود و دلیل که مال و حرام بود یا زکوٰه داده باشد جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید و دیدن جمله مغرور خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صیبتل شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نیتوانست خواندن دلیل که در کار ضعیف و ست بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد که عیش را نکست یا کند و مغربی بوی رساند مقراض ناخن گیر بود و در عرف نون بیان بخیر معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب و دیدن شغل کسبی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمد دلیل که کسب و کاری تبا و گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد و دلیل که کار و کسب بروی بسته گردد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله و دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم حیثیت مقصه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب زیان شوی و مردان از آن بود اگر بیند که مقعد از سردی جدا شد و دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقعد سیاه بیند و دلیل که شوهرش فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب و دوست بود و اگر گدازد و دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند و دلیل که شوهرش بیمارگون بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید و دیدن مقعد در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کینک سوم خادم چهارم منفعت از زمان و اگر مقعد که پاسبان یا پیشین بود و دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود و مسلمان شدن ابن سیرین رحمه الله

علیه که اگر ستمانی بخوبی بیند که دیگر باریه مسلمان نشد و دلیل که از بلا و آفتها ایمن گردد و اگر کافری بیند که مسلمان شد و دلیل که کافری  
 حقیقی ستمانی روزی کند و اگر بیند که ستمانی کافر گرفت که ستمانی شود دلیل که کارهای وی مستقیم شود و مغربی رحمت الله علیه  
 گوید اگر بیند که ستمانی کافر شد و دلیل که در بلا گرفتار شود و خاست کارش بخیر شود و اگر بیند که کافری بدست وی مسلمان شد  
 و دلیل که کسی از فسق و فساد بازدارد و مسلمان را از سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب سمار بیند و دلیل بر مردی بزرگ بود  
 که بکار یا ایستاده باشد و بهرم پیوندد و بعضی معتبران گویند که سمار خواب پادشاه یا امپری بزرگ بود اگر بیند که سمار بی بزرگی  
 قوی داشت و دلیل که او را مردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیند که چیزی بسمار بدو خست و دلیل که بسبب مردی بزرگوار کارهای او  
 او بصلاح آید و جمع شود و اگر بیند که سمار بنگست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گویند که سمار  
 خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار و دوم مردیکه با مردان عهد پیوندد و سوم امیر یا والی چهارم مکروه و مصرت کار و مکنس  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مکنس در خواب مردم سفله و دوریش بود اگر بیند که کسان بر وی جمعیند یا در چشم و دمان وی  
 و دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند اما مصرت یا بدو اگر بیند که مکنس و کوش می شد و دلیل که از کسی سفله سخن برشت شود و کازان  
 خاطر گردد و اگر بیند که بانگ مکنس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند که مانی رحمة الله علیه گوید مکنس در خواب مردی حاسد و فرو  
 بود اگر بیند که سیرین و کسان جمعی شوند و دلیل که با مردم حاسد و دشمنان افتد و اگر خواب بیند که مکنس بسیار در خانه وی می کشیدند  
 که مردم سخن وی گویند و اگر بیند که کسان او را میکشند دلیل که مردم دون بر خونیان او حسد بزند و اگر بیند که مکنس میکشند دلیل  
 که حاسد از او قهر کند و اگر بیند که کسان در زیر زمین جمعیند دلیل که حاسدان از مال نمان کرده وی بستانند و غزنیته کنند و پیرا  
 مصرت رسد مکنس انگبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مکنس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کنند و پیرا  
 و اگر بیند که مکنس انگبین فرا گرفت یا کسی بود یا دلیل که بقدر مال و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 کسان انگبین بر وی جمعیند و او را میکشند و دلیل که سرخ مال و لغت حاصل کند و اگر بیند که کسان انگبین میخوردند  
 و دلیل که او را بقدر آن زبان و مصرت رسد و اگر بیند که انگبین از کسان می ستند دلیل که سختیابی با خیر و منفعت  
 و از آن فایز بیند مکنس بسیار کت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکه بیند و دلیل که زیارت کعبه  
 گویند که مکنس در پیاید و اگر بیند که مکه از بهر تجارت رفته تا از بهر حج و دلیل که حرص مال دنیا دارد و مغربی رحمة الله علیه  
 گوید اگر بیند که در مکه بصلاح و زهد بود و بسبب دلت مشغول بود و دلیل که در منفعت دنیا باشد  
 و اگر مکه را با دو پر بیند و دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود و اگر خواب بیند تا ویش  
 بخلاف این بود و طبع ابن سیرین رحمة الله علیه گویند که طبع از زنده در خواب لشکر بود و طبع پنجه ورم و دنیا بود و اگر بیند که  
 شهری یا در موضعی طبع پیدا و دور آنجا مصرت رسانید و دلیل که بقدر آن طبع در آنجا لشکر جمعی شود و اهل آن موضع را  
 بلا و رحمت رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبع بسیار جمع گردد و در طبعی می انداخت و دلیل که مال جمع کند و بکار

زن و دواگر بیند که طبع سقیاس در دریا می جمع شده و نبات انجا خورند و دلیل که مال بی قیاس در انجا جمع شود و همه  
 بتا راجع به بند دلیل که خواب کنند مناوی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که مناوی گذشت و کلامش  
 موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که  
 مناوی بصلاح انجمنی کرد و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر مناوی بخیر و نیاید کرد و دلیل که مراد انجمنی بیاید و اگر بشیر  
 و مناوی بود تا ویش بخلاف این بود و مناره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مناره و خواب مروی بود که مروان را بر  
 دین خواند و اگر خواب بیند که مناره و بشارت کرد و دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمعه دارد و اگر بیند که مناره  
 و خواب کرد و دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود که فی رحمه الله علیه گویند  
 و خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بیند دلیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از کوچه  
 دلیل که از منتر سلطان بود و اگر مناره از پشت خام بود و دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره  
 از سنگ و آهک بیند دلیل که آن مهر پادشاه شکر بود و اگر مناره از چوب بیند دلیل که آن مهر سفلن و دین است باشد و اگر  
 مناره بر در مسجد دید و دلیل که آن مهر عالم و فاضل بود و خلق را بخوار می شریعت خواند و اگر بیند که مناره مسجد افتاد و  
 دلیل که از یکی بزرگان دین ملاک شود و میان خلق تشویش و پراکنگی افتد و اگر بیند که میان شهر مناره بود و دلیل که  
 کند و اگر بیند که سر آن مناره از من باریج بود و دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بیند که سر او از زیار نیم بود و دلیل که  
 پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر مناره از پشت بخت بود و دلیل که پادشاه کرد و نکش متکبر بود و اگر خود را مناره  
 آید و بیند دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بیند که بر مناره طعام نهاد بود و دلیل که در آن مناره  
 بر پادشاه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مناره بود و با ناک نماز میگفت و دلیل که پادشاه خلق را عده نیکو دهد و اگر  
 بیند که در مناره مسجد جامع با ناک نماز داده و دلیل که عمره آرد و اگر بیند که مناره بجنبه دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بیند که  
 پادشاه مناره را بنفیکند و دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق علیه السلام  
 عنه گوید در مناره در خواب بر چپا روجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منتهی است  
 رحمه الله علیه گوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شریکی در منبر بیند تا ویش بر سلطان کند و اگر خواب بیند که  
 منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نبی بود و دلیل که فرزندان یا کسی از خویشان او عالم شود و اگر بیند که بر منبر شد  
 میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت و دلیل که در میان اهل اسلام به بدین و بدعت رسوا کرد و بعضی از متقدمین گویند که  
 بر او که کند و اگر پادشاهی بیند که بر منبر بود آن منبر سقیما و یا شکست و دلیل که از پادشاهی مغرور گردد و اگر پادشاهی  
 الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آید و دلیل که از خطابت مغرور گردد و اگر فی بیند که  
 کلام و حکمت و علم در میان مردم میگفت و دلیل که رسوا شود زیرا که نماز عالم گفتن و خطبه خواندن در میان مردم رسوا

در خواب  
 مناره



و نیز مردان و زنان هم میان زمان بد باشند و اگر بیند که از منبر بیفتد و اگر عالم بود یا جاهل لیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خواب  
 و خیر شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر نشاند دلیل که عالم و مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یابد و اگر منصف بود دلیل  
 که او را بد زوی بگیرد و بر دار کند و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر بیند منزلت و جاه بلند تر بود و جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید دیدن منبر در خواب برنج و جو بود یکی پادشاه و دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب پنجم برادر کردن منجم این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منجم شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یابد و منزلت و بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید همان  
 که در خواب سخن از احکام بخم گفته باشد که فی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم بخم و هدایت افلاک میگفت دلیل که پادشاه و  
 بزرگان او را حرمت و ارادت و اگر بیند که سخن در احکام بخم میگفت تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید منجم  
 در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی بخند منجم حقیق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعه سلطان  
 سنگ منجمی می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنانی بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعه کاوان سنگ منجمی می انداخت  
 دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیر من شهر می منجمی بنماید و بوند  
 و بنامی انشهر خراب میگردد دلیل که انشهر را از دشمن خطر بود و اگر بیند که منجمی بکشت یا باتش بسوخت دلیل که پادشاه  
 انشهر بر دشمنان مظفر و منصور شود و اهل انشهر از ترس و بیم این شود منبیل و ستار بود این سیرین رحمة الله علیه گوید بیند که  
 خادم بود و هر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم باز گردد اگر بیند که منبیل بود داشت یا کسی بود یا در او دلیل که او را خادمی حاصل شود  
 و اگر منبیل بنمایند بود دلیل که خادم وی با و یا نیت بود و اگر منبیل سرخ بود دلیل که خادم وی عاشق و سرکش بود و اگر منبیل زرد  
 بود دلیل که خادمش بیمار گردد و دلک در اصل بیمارگون بود و اگر کبود بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر منبیل سی  
 و طه بود دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که منبیل زرشم یا پنبه بود دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از گدازان و نیکب  
 باشد و اگر از قریب یا ریشم بود دلیل که خادمش وفا و متکبر بود و اگر چرم یا کهنه پلورید بود دلیل که از آن خادم نیکوئی بیند و اگر منبیل  
 ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر منبیل بسوخت دلیل که خادمش پیر و منشور این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 مردم عالم باز با مصطلح منشور بدو دادند که در آن کامها بنشسته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت  
 دنیا و آخرت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که دستکاری نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بود یا در دلیل که شرف و بزرگی یابد  
 مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در انشهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ تر می عظیم یابد  
 و کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که انشهر خراب و ولایتی درون بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید اگر بیند که خرشته یا پیغام منشور بخط بنشسته بدو داد و دلیل که حق تعالی او را بیا مرد و از وی خوشنود و راضی شود و اگر منشور  
 سیاه بود تا ویش بخلاف این بود منقار این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را انسان مرغ منقار بود دلیل که بقدر  
 منقار مال حاصل کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون اله و کرکس و مانند این او را منقار بزرگ داد و او را در و کرد دلیل که در این مرغ منجمی

و نقصان مال می بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مقدار معینی داشت دلیل که بقدر وقت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و شرف رسد و اگر بیند که مقدار داشت و مرد را به مقدار کند بسیار دلیل که مرد را از وی کردن و رحمت رسد منی آبی بود که از وی فرزند پیدا کرد این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن منی در خواب مالی بود که بسیار بد و از آن نشاد شود و اگر بیند که یک سبوی از آب منی داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که قضیب می منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر منی که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قضیب می آبی منی می رفت دلیل که بقدر آن مال بزرگیانه بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرو آمد و دلیل که مالی بد چنانکه با ریشالی غرض جمل میور از آن خلقنا الا انسان من نطفة امشاج تبثک فی الرحمه صا دق رضی الله عنه گوید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم زیادتی مال سوم نقصان مال چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آمد مستب را باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی می آید نقصان مال بود محمد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محض نشسته بود و خداوند خواب سزاوار محمد بود و دلیل بر راحت است و عیش خوش می بود و از ترس و بیم ایمن گرد و اگر بیند که از محض بیفتاد و تا ویش بخلاف این بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محض نشسته بود و دلیل که زنی مهربان خواهد یا کینتری غریبی خرد و بعضی معتبران گفته اند که محمد در خواب کلاه و عروم وقت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان های حبس بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید محمد در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم غنایم دولت پنجم مرتبت ششم یعنی هفتم کینک مهربان ششم زن و دیدن محمد در ویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه چهارم بخت و محنت پنجم سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشتین نهاد دلیل که خداوند انگشتین نفع و بزرگی یابد و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی بدو رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشتین بود یا کینک و خزینه را محسوس کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه بوی بسیار اند و اگر سزاوار خزانة پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان یکی مال خود بدو بسیار دهد اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید محمد نهادن بر نامه و کینک و آنچه بدین ماند بر پشت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قربت دین سوم ریاست چهارم حقیقت و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب مجسمه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بخوبی یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر و قیمت آن مجسمه مال بدو رسد یا او را خدنگار حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود و دلیل که آن خدنگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بود و دلیل که خدنگار مبارک روی بود و اگر زرد بود و دلیل که خدنگار شش بهایگون باشد و اگر سیاه بود خدنگار شش سخت دل و بد خو باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خدنگار سوم کینک چهارم مال پنجم

و درینک ششم فرزند هفتم غلام خرد و پسر زیاده و نقصان که در مهره بیند بین بخت خیر که به محضان ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید بهمانی در خواب اجتمع و چیرگی بود اگر بیند که قومی را بهمانی خانه ایس که کاری کند که آنکارا روزانه مشغول باز و آرد که  
 بیند که او را در باغی بهمانی بروند که آن باغ پر از میوه های الوان و آب روان بود دلیل که بغزار و دو شهید شود و توله تعالی فیما  
 قاصد کتب و شرب آب که تانی رحمه الله علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در اینجا جنگ و جخانه و نای و دقص بود  
 دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر ازینها بنود خیر و برکت و غرضی باشد مغربی رحمه الله علیه گوید بهمانی در خواب دلیل  
 بر باز آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عوسی بی کجاست خواست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه  
 مورچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیرگی شد دلیل که مردم بسیار در خانه  
 وی نارسند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آید و دلیل که مردم آن سرای تحمل بجای دیگر کنند و اگر بیند که مورچه  
 بیگانه در خانه وی شد دلیل که در دختخانه وی رود و اگر بیند که برتن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا از دانه های  
 بیرون آید و دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر خانه خود مورچه  
 بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آید و دلیل که نسلش کم شود و ستمش شفت حقه است  
 علیه گوید مورچه خرد و سرخ و دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر زود مالی از این است  
 و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آید و در هوا می پرید و دلیل که خویشان از سر بار آید جعفر صادق رضی  
 عنه گوید بین موران تا دلیل این است بهینه خواب بود و اگر بیند که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال آنها در پنهان بود و از سرین  
 رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب مردم زاده و خوش طبع و خوب روی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مورچه در خانه  
 که او را با چنین مری صحبت افتد و از وی منفعت یا بد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که درخت مورد و شکست  
 یا از جانی بر کند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمه الله علیه گوید مورد در خواب مال و نعمت  
 بسیار بود و بعضی از معتبران گویند که مورد و فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مورد در خواب  
 بر چهار وجه بود یکی زود از آن عاقل و دم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مورد بسته  
 شود و دلیل که نکاح ایشان پدید آید و مورد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورد تو انگار از مال بود و دیندار از دین  
 و برکت مورد بهترین برکت درختها بود و اگر بیند که مورد را گرفت یا کسی بود یا دو انگس تو انگار بود و دلیل که مالش زیاده  
 گردد و اگر بیند که مورد میخورد دلیل که منفعت عینی و دنیاوی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مورد در خواب بر سه وجه  
 بود یکی زود مالی دوم زود دین سوم دوزی حلال و عیش خوش و بعضی از معتبران گویند اگر بوقت پیش بیند که مورد خورد  
 که زنی خوب روی و توانگر مری که دانه های منفعت یا بد مورد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورد در خواب بانی مستان  
 دلیل بر خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه معتبران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر

بیند که موزه در پانی داشت و سلاح پوشیده بود و دلیل که دشمن از وی متحیر بود و اگر بیند که با موزه سلاح نداشت  
 دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه ادریم در پانی داشت دلیل که زن خواهد اگر بیند  
 که موزه ادریم در پانی داشت و باز که بود دلیل که او را غم و اندوه رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش  
 بوشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزه او دریده بود دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که از پای موزه بیرون  
 آید و دلیل که شادی و خرمی یابد و اگر زن آن بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه اش به سخت دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند  
 که موزه او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه شش  
 از خانه بدر افتاده است دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که موزه بمردم بیگانه داد یا بفروخت دلیل که زن او بمیرد و اگر  
 بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که زن او بمیرد و اگر بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند و حضرت صادق  
 در معنی الله عنه گوید موزه در خواب چون نرم بود و پائین آید و دلیل بر بخت و جود و یکی زن دوم خادم سوم کنیز که چنانچه  
 حوت پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت یافتن موش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خواب بی بود  
 که بظاهر مستوره باشد و بیاطمین فاسقه بود و اگر بیند که موش را گرفت یا کسی بود یا دلیل که زنی بدین صفت که گفته  
 خواهد و اگر بیند که موش را در طلب گرفت دلیل که زنی بکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند  
 و جمله کیسان بودند دلیل که بقدر موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضی  
 سیاه و بعضی سپید و دلیل که اختلاف تاویل آن در شب و روز بود و جز است از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود  
 شب و روز و موش اند که عمر و دمرامی برند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ عینی یا از سوراخ قضیب او  
 موش بیرون آید دلیل که او را ختری یا بکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که  
 در آنجا زنان ناپاک گرد آیند و تنبیه موشان در خواب تاویل و کالای زنان مضربه بود و موش خانگی و دشتی تاویل یکسان بود  
 استغیل اشعث رحمة الله علیه گوید که اگر بیند که موش بگرفت دوم داشت دلیل که زنی فصل خواهد و اگر بیند که موشی در  
 وی برود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بیند که موش را بسای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند  
 که سنگ بموش انداخت دلیل که کسی را متمم گرداند و اگر بیند که موشی در بستر وی بود دلیل که زنی مضربه قصد فساد کند  
 و اگر بیند که موش میخورد دلیل که مال زنی مضربه بخورد و موش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش سپید در خواب مال مضربه  
 بود و موش زرد بیماری و اگر بیند که موش سپید میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موش از وی ضایع شد یا بقدر  
 دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موش هر زن است که باشد مال و نعمت بود و اگر بیند که موش سپید  
 بود و میخشد بهتر از موشهای دیگر بود و اگر بیند که موشی بخورد دلیل که کسی شکایت کند و اگر بیند که موش با تنش به سخت  
 دلیل که بقدر آن پا و شاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موش شمع میگرد و نیز دم میداد دلیل که مال خود بخورد و ضایع شود

کتاب  
الکلیات

فرج کند و با مردم خود و احسان کند موسیائی بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موسیائی میخورد و دلیل بر غم و اندوه بود که  
بیند که موسیائی کسی بخشد یا از خانه بیرون اداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بخشد و  
ندام موسیائی خورد و صحبت یافت تا پیش خلاف این بود موسی و انبیا علیهم السلام گوید موسی در خواب مردی را دید و اندوه  
نور از او نیت و موسی چهار پایان مال اندک بود و اگر صوفی بیند که موسی حسرت و راز شد دلیل که او نیت و صلاح یابد و اگر صوفی  
بنمود دلیل که غم و اندوه بود و بقدر وادی موسی و اگر بیند که قدری از موسی ببرد و بیند اخلاص دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود  
بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در وقت چمنی سر راست و دلیل بر صلاح و برکت کفایت گشتن آن بود و اگر در خواب  
ملک بهمانی حرام یعنی رجب و ذی حجه و کوفه و القعدة و محرم بیند دلیل که و دش گذار و دشوار و از غم فرج یابد و اگر بیند که موسی تمام  
بست و دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب بن سیرین بود و بیند که موسی سر بسط و دلیل که شوهرش بیرون رود و یا والی کرمانی رحمة  
الله علیه گوید اگر پادشاهی موسی خود بیند دلیل بر لشکر بود و اگر رحمت بیند دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موسی ششم  
غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که موسی سر او آشفته بود و دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موسی سر خود او خسته بیند دلیل  
بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا جهت جهتری بود و اگر سر خود را خلع بیند بنا بر زیادتی عیش و بشاوی بود و اگر بیند که او را بسا  
علو بان و دو گیسوی بود و دلیل که مهری یا بدو نیکنام گردد و اگر بیند که موسی خود را میکشد و دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند  
که موسی خود را شانه میکشد و دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر آن غمت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موسی این سر را میکشد  
صلاح دین وی باشد و موسی بخاستن و دلیل بر یافتن مال و مراد بود و ناستردن موسی بغل و دلیل بر زیادتی بیرونی بود و اگر  
بیند که در سینه وی موسی بود و دلیل که دام بروی جمع شود و موسی بر تن و آلم بود و اگر بیند که موسی از تن خود بسترد و دلیل بر نقصان  
مال وی بود و اگر انگش درویش و دام دارد بود و دش گذار و دشوار و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که انگش بر تن خود  
و موسی از تن خود بسترد و اگر توانگر بود و دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود و توانگر گردد و استعجال شست رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که قدری از موسی فروخت اگر توانگر بود و دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر درویش بود و توانگر گردد و اگر دام دارد باشد و دش گذار  
شود و اگر بیمار بود و دلیل که شفا یابد و اگر بیند که موسی ریه است او مشرق رفت و موسی چپا و مغرب دلیل که او را دوا پس باشد  
که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد و حافظ معتبر رحمة الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که موسی او جسد بود و دلیل بر عت  
و دولت وی بود و اگر عامل یا خواب بیند دلیل که نعمت و عزت یابد و اگر بیند که موسی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که موسی زنا کرد  
در از بود و دلیل که او زانی را رسد و زانی موسی زنا زانیت باشد و اگر بیند که موسی زنا کرد و موسی ستر و دلیل که دین وی نقصان شود  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن مردن موسی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن و دوم سفر کردن سوم عزت و جاه  
چهارم امینی تخم دولت و بار بقیال در کلام می فرمود محققین و مؤسسه و مقصود بن الحارث اگر خداوند خواب را موسی ترا  
عادت بود و دلیل که نیک و بدان سهل باشد و می نخبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید با ویل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند

کتاب  
الکلیات

که غنی خرد و دست شد دلیل که بقدر مستی آن جاده و منزلت یابد و اگر میند که بی می بخت و خمر مست شد دلیل که ترس و بیم عظیم بود  
 قوله تعالى و توفى الناس سكاوتی الخ مغربی رحمه الله علیه گوید مستی از می بخت و یا شراب مویز بقدر خرد و نال نعمت کم شود  
 و اگر میند که می بخت داشت و بهمنامی خورد دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر میند که در میان می بخت خلق شد دلیل  
 و در خصومت با کس شود و اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر میند که می بخت میخورد و دلیل که مال حلال بگرام مبدل گرداند و اگر میند  
 که می بخت باب صافی بود دلیل که مالی به دست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان بستاند و اگر میند که می  
 بخت میخورد و دلیل که چیزی حرام فرو نشاند میخورد این سیرین رحمه الله علیه گوید میخورد خواب برادر بود و اگر میند که میخورد و بود  
 ز و دلیل که برادرش در آنجا که میخورد و مردی فرا گیرد و یا برادرش را بپوشد و دلیل که میند که میخورد برستی به بست دلیل که برادر  
 بر مردی پیوندد و اگر میند که میخورد برستی ز و دلیل که از پشت او فرزند می آید که پادشاه بود یا شرف و بزرگی تمام برسد یا  
 شود که نام و در تمام عالم منتشر گردد و اگر میخورد و در خواب به همه چیزی بزرگی و شرف و بزرگی و دنیا بود و  
 میند که میخورد بر در خانه او بود و دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر میند که میخورد از خانه خود بچکند و بپنداختن تا و پیش بخلاف این بود  
 و اگر میند که میخورد از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی آنکه زن خواهر یا  
 گید و اگر میند که میخورد برستون یا در چوب زد و دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر دخت زد و قرارش طاعت کند  
 و آن که چه درست بود تا و دلیل زن دخت کند و برستی یا بکلیح یا ببطا و وحدت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میخورد از سرخ  
 یا از مس بود تا و دلیل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود و دلیل بیکوئی و قوت کند و اگر میند که در دست وی میخورد از  
 دلیل که او را فرزند می آید که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند ندارد و دلیل که محتالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از اهل علم تا  
 و دلیل که اهل علم و با دوست دارند و اگر میند که میخورد از زین یا سپین در زمین زد و دلیل که آنکس خود توانگر گردد و جعفر صادق  
 رحمه الله علیه گوید وین میخورد خواب بر چهار وجه بود یکی برادر و دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواهر پنجم میخورد از سرخ  
 رحمه الله علیه گوید پیش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر میند که بر سرش  
 میخورد شسته بود و مطیع او بود و دلیل که مردی بزرگ فرمان بردار او شود و اگر ماده میخورد در جنگ بود و آن زن میخورد مردی  
 چیره گشت و دلیل که خصم بر وی غالب گردد و اگر میند که شاهجای زه میخورد بزرگ و قوی گشته و دلیل که آنکس قوی و توانگر شود  
 و اگر میند که زه میخورد فراغت یابد و دلیل که از مردی بزرگ مال نعمت یابد و اگر میند که پوست زه میخورد بکشد و گوش  
 جدا کرد و دلیل که بر شخصی غالب گردد و در مال وی بستاند و اگر میند که زه میخورد از کشتن باز نماید و دلیل که از غم برادر کاف میخورد  
 علیه گوید اگر میند که ماده میخورد با وی جنگ کند و دلیل که زنی با وی مکر و حیلت کند و اگر میند که گوشت ماده میخورد از خانه وی بخاکه می  
 شد و دلیل که زن وی بخش کسی دیگر مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین زه میخورد و خواب برش وجه بود یکی  
 تمام دوم خلیفه سوم امیر چهارم پیش پنجم مال ششم فرزند میوه این سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود و دلیل

خواب

خواب

خواب

خواب

از این

خیر و منفعت بود و هر میوه که خام و ترش و در خوردنش بود و دلیل بر سختی میوه و سرد باشد و اگر سیاه و آلود و زیتون دلیل  
 بر غم و اندوه بود و اگر میند که از درخت میوه چید و دلیل که بقدر آن میوه از روی بزرگوار مال یا بد و اگر میند که نشسته بود و از درخت  
 میوه می چید و دلیل که آنچیز یا بد حلال و شایسته بود و اگر میند که بی آنکه دست بردارست کرد و میوه پیچیده و دلیل که بی نیکی و قبیاحت  
 یا حلال حاصل شود و اگر میند که از درخت لختی میوه را گرفت اگر بوقت باشد یا نباشد و دلیل بر درستی حلال بود و اگر بوقت  
 باشد تا ویش بخلاف این بود و انیال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود بخواب میند و بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل  
 و اگر میوه بوقت خود نباشد و دلیل که مالش پاکنده شود و دلیل بر میوه باصل درخت باز گردد و خواه نیک است یا بد بود و میوه یا آنچه  
 از بود و دلیل بر ماری بود و اگر ترنج و پند و اگر که این برسته و زنا و این بیان ندارد و میوه ای ترش غم و اندوه بود و میوه ای چون سیب و شیرین  
 باشد و دلیل بر درستی حلال بود و میوه ای که رسیده و ناخوش در خواب بلیت بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر میند که میوه است یا نه و دلیل  
 یا نشود که آنی رحمة الله علیه گوید میوه شیرین در خواب بلیت بر مال حرام و اندوه بود و میوه تلخ اگر بوقت خود و دلیل بلیت کار را  
 و بلیت حیش بود فی الجمله هر میوه که بنویزد و خوشبوی و شیرین بود و بنا بر این خبر و منفعت بیشتر باشد و اسمحیل شفت رحمة الله علیه  
 گوید اگر میند که میوه میوه درخت اگر میوه باشد که مردم آنرا دوست دارند و دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوه ترش  
 و ناخوش فروشد و دلیل که غم و اندوه و رنج بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون میوه خوش بوی  
 فروشد و دلیل بر ضرر و مضرت بود و معتبر باید که نیک و بد چنین فحش اند که که اما را چگونه باید گفت و خواهی هر کسی را بدان  
 نوع فرق تواند کرد و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد و الله اعلم **حرف النون** یا بینا ابن سیرین رحمة الله علیه  
 جمله گوید اگر کسی در خواب بیند که نا بینا شده است و دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر میند که چشم وی گم گشت و دلیل  
 که بیند دین وی بشود یا کنایه بزرگ کرده باشد و بیک اندام از اندامهای وی مصیبت رسد یا شکست کرمانی رحمة الله علیه  
 گوید اگر میند که نا بینا یا دست گرفت و بر و دلیل که گمراه گردد و سخن رحمة الله علیه گوید اگر میند که نا بینا شد و دلیل که کارهای خوب  
 بر دست وی بگذرد و اگر میند که چشم کسی را کور کرد و دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر میند که چهار پای را کور کرد و دلیل  
 بر کسی بود که بدین چهار پای منسوب باشد و ویران کند و مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نا بینائی در خواب  
 بر بهفت وجه بود یکی در ویشی و دوم بد حالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم تنهایی  
 قوله تعالی **صَحَّحْتُ لَكُمْ هَؤُلَاءِ لِكَيْ تَعْلَمُوا مَا تَكْفُرُونَ** و اگر نا بینائی بخواب بیند که نا بینا شد و دلیل که کارهای دنیا بر وی کشاده  
 شود و از آنچه نوسید گشته باشد آسوده و اگر در و از رحمت حق تعالی نصیب یابد قوله تعالی **لَا تَقْطَعُوا رِجْلَيْ رَجُلٍ مِنْ جِهَةِ اللَّهِ** الله  
 یقطع الرِّجْلَ **فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ هُمْ عَنْ حَتَمِ اللَّهِ** ناخن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از معتبران گفته اند  
 که خداوند صلاح را ناخن بود اگر میند که ناخن را بمقراض برید و دلیل که دین وی قوی گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید  
 در خواب بقوت و توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر میند که ناخنهای وی بشکست و دلیل که مال تو از دامن کردن و اگر

بر نیکی

بیت

که چنین

که ناخن ازین بهفتا و دلیل که قدیمی از مال می صنایع شود و اگر بیند که ناخن چیتا و دیگر بانه بهست و زیادت شد دلیل که کاری نیکو  
 گزود مال بسیار بهست آورد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود و دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنهای او  
 چنان دراز شده بود که بهیم شکستن داشت و دلیل بر باشد و اگر بیند که ناخنهای او بریده بود و متغیر گشته و دلیل بر سنگی کار بود  
 باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود و دلیل بر صلاح دین و دنیا می و بی بود و اگر بیند که ناخن  
 راست میگرد و دلیل که مال بسیار زیاد بود و ناخن پای و دست را یک تاویل بود و بعضی از متجربان گفته اند تاویل ناخنهای دست  
 حاصل که وزن مال بود و از آن پای هم حاصل کردن مال بود اما در سفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب برین  
 وجه بود یکی خوب و ثوابی دوم مقدر از مردم و در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم سنده زادگان یا برادرزادگان  
 ناخن سپید بعضی مضراض بود این سپید رحمه الله علیه گوید ناخن سپید در خواب مردی بود که نصیبت کند اگر بیند که موی سپید  
 بر او برید یا ناخن سپید بر او برید و دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پرانی و یا ناخن پرانی دارد و دلیل که سپید  
 آید و اگر در خضوار و دختری دیگرش آید و اگر ناخن پراد و باره بود و همین تاویل بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن  
 بر او و یا ناخن بر او بیاض است که پس و دلیل که پس و دیگر بخور و یا بیاض و اگر ملکی و یا ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل برین  
 باشد از چنانچه یکی باشد دیگر حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید مضراض در خواب مردی نیکام و نیک است اصل باشد که با این  
 کوفتی کنند و دین و دنیا می و زیادت گزود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پراد در خواب برسته و وجه بود  
 یکی مرد صفت کننده دوم مرد نیک خل سوم دوست ناموافق ناریا این سپید رحمه الله علیه گوید ناریا در خواب خردون  
 چون شیرین بود و بگوشت گو سپید یا بگوشت مرغان بخته بود و دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر گوشت گاو یا گوسفتنی غلیظ  
 باشد و دلیل بر غم و اندوه بود ناریا مرشک ابن سپید رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او ناریا مرشک رسته و دلیل  
 که ناریا مرشک و خرمی و خوبی در اندازد و مرشک گزود و اگر بیند که ناریا مرشک از زمین بر کند تا ویش بخلاف این بود که مانی  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رسته ناریا مرشک داده داشت و بوقت خویش بود و دلیل که خیر و منفعت یا ناریا مرشک و ناریا مرشک  
 السلام گوید ناریا مرشک گزود است اما بوی خوش دارد و دیدار نیک است پاکیزه است و امیدواری بهشت است لاجرم  
 در خواب نیکو باشد ابن سپید رحمه الله علیه گوید ناریا مرشک خواب از یکی ناریا مرشک گزود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد ناریا  
 آن ناریا مرشک و ناریا مرشک ناریا مرشک ناریا مرشک ناریا مرشک ناریا مرشک ناریا مرشک ناریا مرشک ناریا مرشک ناریا مرشک  
 بود و بعضی از متجربان گفته اند که ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک  
 در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان یا طاف ابن سپید  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک  
 و حسن بسیار کند مغربی رحمه الله علیه گوید ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک و ناریا مرشک

ناریا

ناریا

ناریا

ناریا

ناریا

ناریا



خواب

ما

بر

نیم

نیم

ناطق انگبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناطق انگبین در خواب بر سه وجه بود یکی سخن شیرین دوم مال و  
 سوم معیشت ناف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناف در خواب آن بود که کثیر که نیر و سنت بی باشد و اگر بید  
 که ناف وی بفتیاد و دلیل که زنا طلاق و بدای کثیر کش نیر و اگر ببیند که ناف بریده است دلیل که عیال بی سر و سر  
 وی تنه گردد و اگر ببیند که ناف بی کوچک نشد تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که ناف و سوراخ شد دلیل که در حال  
 غلبه بر آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که ناف یا سینه او همچو خطی سوی برآمده بود دلیل که سینه های پنج چیز است  
 علیه و سلم راغب گردد و اگر ببیند که اصل ناف بی بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناف تا شکم  
 شکافته بود دلیل که وانا و غلام گردد و لیکن مالش برود و اسمحیل شد رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که ناف کسی سیر شود  
 دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه بود یکی زن  
 خو بروی دوم کثیر سوم مال و روزی چهارم پسر تحم مادر و پدر با قوس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناف  
 در خواب بر وی منافق دروغ زن بود و در هیچ خبر نباشد و اگر ببیند که ناف قوس زد و دلیل که با مردی منافق نشیند  
 و به لفاق سخن دروغ گوید و در صنادید و اگر ناف قوس شکست تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید دیدن ناف قوس در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافق سوم مهربان که در دل داشتن نام  
 گروانیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نام گردانیدن خواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد  
 و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین ماند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر  
 و منافق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب نشیند چون ابو الحیر و ابو الفضل و ابو  
 یا لعلو البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این ببیند چون ابو جبر و ابو لیب عقیبه و شکیب  
 ایضا العنم و دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم نام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند  
 که ناف سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشود و اگر ناف سر کشاوه داشت دلیل که چیزی فاش بشود و اگر ببیند  
 که ناف سر بر داشت دلیل که مهربان آن خیر بود که بوی رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کسی نام بر یاد  
 که روی آن نام بخواند دلیل که از کسی خیر روی رسد و اگر آن نام را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر ببیند که  
 نبشته بود و محو داشت و کسی نکشاد و دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاهر نیکو نماید و به باطن غم و اندوه قضا کند و اگر ببیند  
 که مهر نامه بکشاد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت گردد و اگر ببیند خواب خواننده بود و دید که نامه را بخواند  
 که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از مجربان گویند که اجلس نزد یک آئده باشد قوله تعالی افق کتبک کفی  
 بِنَفْسِکَ اَلْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسِیدٌ مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که نامه پادشاه بدو داد اگر نکشاد و بخواند  
 دلیل که غم و اندوه بود و اگر بر کشاد و بخواند بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای

و این

نه خوش نباشد و دلیل بر عیش ناخوش ترس و تسلیم بود و اگر بیند که نامرغ بر پاقت و سپا و شاهی و او دلیل بر خیر  
 بود و تحصیل شرف رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامر از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امیدواری بود و کارهای وی  
 بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نباشد و دلیل که کارهای او بر نیاید تا بچند و انبیا علیه السلام گوید  
 تا نهایی پاکیزه و در خواب عیش باشد و اگر آن پاکیزه نباشد و دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیند که تا نخرید و بختانه بر و دلیل بر خیر  
 و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیند که تا کسی را راحت و آسایش است و اگر کسی سزاوارت این سیرین رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که دودسته نان یافت و دلیل که از غم و اندوه برده و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جانی مجبور نم نان یافت  
 و دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیند که نان بیافت و نتوانست خوردن و دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که  
 تا نهایی بسیار داشت و میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که نان گرم میخورد و دلیل که اندوهی نوبت رسد که تا رحمة  
 الله علیه گوید تا نان گرم خواب دیدن و دلیل بر عیش و راحت کند و تا نان خشک بخلاف این بود و سیوس خوردن و دلیل بر قطع و تکلیف  
 بود و تا نان گرم و پاکیزه خوردن و دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و تا نان گاه و بسبب لیل بر تنگی عیش و پیریزکاری بود و تا  
 جوین خوردن و دلیل بر نهاده و وضع بود و تا نان بر بخت و دلیل بر سختی و تنگی کار نکند و تا نان عدس و نان باقلا و دلیل بر غم و اندوه  
 که بخیر نباشد و رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نان خشک میخورد و دلیل که روزی بر وی فرسخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن نان  
 در خواب لیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که نان کرده بر پیشانی او بچسبید و دلیل که درویش گردد و تحصیل شرف رحمة الله علیه گوید تا نان  
 تا نان بر او مردم بزرگ در نیاست و اگر سلطان یک نان بخواب بیند و دلیل که ملکش زیادت گردد و اگر باز بزرگان برین دلیل  
 که مالش زیادت شود و یک نان از یکدم تا هزاردم باشد بقدر شخص اگر رعیت بدین ضیاع و قارش زیادت شود و آن مال  
 گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که هیچ بدست آید و تا نان بخت و در خواب  
 بتاویل کار کردن باشد و طلب معیشت و تعبیل کردن اندر نان نیزگی حاصل کردن باشد مال جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 تا نان در خواب بر بیماری و چه بود یکی عیش خوش و دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و برکت و با آنکه تا نان در خواب  
 کسی بود که طلب مال کند و اگر بیند که نان باشد و دلیل که بسیار مال بخت و خصوصیت جمع کند و بعضی از معبران گفته اند که نان  
 در راه پادشاه عادل بود تا نخواهد این سیرین رحمة الله علیه گوید تا نخواهد و دلیل بر غم و اندوه بوده و اگر بیند که تا نخواهد کسی را  
 یا بیند اخذ و دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و روز دیدن و خوردن تا نخواهد هیچ منفعت نباشد بخیر غم و اندوه تا و دان  
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که تا و دان آب از باها فرو می آید و دلیل که در مقام جنگ و خصومت و  
 خونریزی پدید آید و اگر بیند که باران نمی آید و از ناودانها آب فرو می آید و دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصاف  
 و رنج رسند و اگر بیند که باران بود و از ناودانها آب فرو می آید و دلیل که از حق تعالی محل علایق اهل موضع عنایت است  
 باشد بخیر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تا و دان بر بام خود نماد و دلیل که از بزرگی شرفت یابد و اگر بیند که تا و دان خفته

و این

بنیاد و بخت و دلیل که تا پیش بخت این بود و اگر بیند که نادان حسین یا امین بود و دلیل که بخت نام باشد و اگر  
که از نادان کسی آب فرا گرفت دلیل که بخت آن را کسی منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نادان و خواب بر سر و جد و جد  
پیش شهر و دم و متر سوم خیر و منفعت اندک نامی زدن این حسین رحمه الله علیه گوید نامی زدن و خوار شدن دلیل غم و اندوه و بیست  
بود و شنیدن او از نامی دلیل غم و فکر بود و اگر بیند که نامی میر و دلیل غم و اندوه و گرفتار نشود که نامی رحمه الله علیه گوید نامی زدن کسی  
که خبر مردم برساند و در نامی زدن خبر نباشد نبات این حسین رحمه الله علیه گوید بر نباتی که بوقت خود بیند که او را ساق نباشد  
و دلیل بر خیر و منفعت کند و هر نباتی که او را ساق و پیشانی نباشد دلیل یا فروتنی مال و نعمت و جاه و بعد بر سر و نوک نامی و بدست  
و باز می شناسد نامی وی بود و اگر بیند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بعد از آن خیر و منفعت یا بد و چند نبات  
بیشتر بیند خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بیند که چشم و گوش و زبان وی نبات زسته بود و دلیل که او را بزرگی زیادت که در کمالی  
رحمه الله علیه گوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود و در خیر و رفاه و مالت و عمار و اگر بیند که در زمین که ملک او بود و نبات بسیار  
بود و دلیل که بیند خراب دین و دار و مسلمان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم  
منفعت و بزرگی و جاه و سوم حیثیت خوش چهارم زیادتی دولت نبات جلای این حسین رحمه الله علیه گوید نبات جلای بخت  
و بدین سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند کسی نبات در دهان وی نهاد و دلیل که از آنکس سخن خوش  
یا ویرا بود و هر کمالی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بخت و ارشاد داشت دلیل که بخت آن مال و نعمت و مملکت جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید نبات جلای در خواب بر پنج وجه یکی سخن خوش و دوم نسیه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزند و پنجم روزی حلال نبات آن سخن خوش  
که کفن از مردگان بکند بزدی این حسین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخت یا بیند که نبات از آنکس از اهل علم بود دلیل که عمار فرزند  
و طلب دنیا باطل باشد و عمر خود را در ضایع و صرف کند سفری رحمه الله علیه گوید اگر نباتی بیند که کفن بسیار و بخت و دلیل که صلح  
شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از بخت آن گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم مالت و سر نشانی یا بد نویسنده و دلیل علیه السلام  
گوید اگر بیند که چیزی می نویسد و نویسنده باشد دلیل که بکر و حیلت مال کسی نباشد و کار ناکردنی بکند و اگر بیند که از بهر شاه خیری  
می بشت دلیل که مال و نعمت بسیار یا بد و اگر بیند که از بهر مردم عامی بشت دلیل که دل مردم بخواهش بکر و حیلت گرم کند  
این حسین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناگاه نویسنده شد و دلیل که بکر و حیلت و زری از مردمان بدست آورد و اگر مردی عالم باشد  
و بیند که نویسنده کی میگرد و دلیل که خیر و منفعت یا بد و اگر بیند که شعر و غزل و افسانه می بشت دلیل که بخت و دنیا مشغول گردد  
و مشغول آخرت فرو گذارد و اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات می بشت دلیل که خیر و منفعت یا بد و مغربی تر گوید اگر بیند که نامه  
بشت و دعا و سخن نود و دلیل که قباله را با نویسنده تحصیل شست رحمه الله علیه گوید اگر در سیر بخت یا بد و بختی می بشت که صلح بود دلیل  
دین و دانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود یا بیکر و اگر بیند که بستی می بشت دلیل که عیش و عشرت دنیا کند و اگر بیند که بزدی می  
بشت دلیل که بسیار گردد و اگر بیند که بستی می بشت دلیل که نامش بخیر و خرمی در اندازد یا رفته گردد و اگر بیند که بزدی می بشت دلیل که

خبر  
بخت  
بخت

بخت

بخت

بخت

پادشاه خیر و منفعت یا بعضی صداق رضی الله عنه گوید بنشین در خواب هر چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال نعمت سوم یک وجهیت  
چیزی حاصل کردن چهارم معزولی عمل بنشیند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بنشیند در خواب مال حرام بود که جنگ و خصومت بدست آید  
و اگر بنشیند که در بنده غرق شود دلیل که در قفسه عظیم افتد و اگر بنشیند که در خانه او بنشیند بسیار بود دلیل که تقدیر آن از دست خدای بد و منفعت رسد  
و اگر بانی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که خرد و مست شود دلیل که خونی و ترسی بدور رسد و اگر بنشیند که دیگران میخورد و دلیل که تقدیر آن که  
خورد و بدو جنگ و خصومت کند و اگر بنشیند که در جوی یا در رودی بنشیند میرفت و او در میان شما میگرد و دلیل که در قفسه افتد و اگر بنشیند که بنای  
در جنت او بود و در عزم او بسته و دلیل که بسبب بیست و نیا جنگ و خصومت کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که بنشیند آب آشامید  
بود و میخورد و دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر بنشیند که بنشیند میفرودخت و دلیل که مال بر او بدو خورد  
بنشیند وانی با دلیل بر عمل بود بعضی صداق رضی الله عنه گوید بنشیند در خواب بر سر نهاده بود یکی ترویج پنهانی و دوم مال حرام سوم نعمت  
پنجانی اگر بنشیند که بنشیند میباید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یا بدو مخاسی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
اگر بنشیند که مخاسی میگرد و دلیل که سخنجای محال گوید و سوگند دروغ خورد و مخاسی در خواب پنج فائده نبود بخیر ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر بنشیند که بخیر او را مطلع و رام شد و دلیل که مهتر و بزرگ شود و بعضی از مهران گویند که سال روز دان شود و اگر بنشیند که بخیر او را متابع شود  
تا ویش بخلاف این بود و اگر بنشیند که بصورت بخیر شد و دلیل که بدین شود و باطل کرد یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که بخیر بنشیند یا بد  
گرفت و دلیل که تقدیر بخیر او را از مردی بیابانی بزرگ و حلیت فایده رسد و اگر بنشیند که گوشت بخیر میخورد و دلیل که از مال مردی بیابانی غریب  
و اگر بنشیند که در میان بخیران میخیزد و از آن بخیران او را کند زید و دلیل که در میان گر و غریبی یا بانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را  
رسد و اگر بخلاف این بنشیند و دلیل که او را کند و منفعت نرسد و اگر بنشیند که بخیر این با وی سخن گفتند و در اسطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود  
و دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یا بد و اگر جابل بود و دلیل که کار بکند و در اذن کا عجب آید نحو و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
نمود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود و اگر کسی خواب بنشیند که بخود از کسی بسته بخورد و دلیل که بسبب کسی بدو غم  
و اندوه رسد و اگر بنشیند که بخود کسی داد و آنکس بسته بخورد و تا ویش بخلاف این بود و اگر بنشیند که بخود بخورد و دلیل که در غم و اندوه  
گرفتار شود و اگر بنشیند که بخود بشوید یا بگوید شست بخیر و دلیل که غم و اندوهش کمتر بود و سیر و با خشن ابن سیرین رحمه الله علیه  
گوید نزد با خشن در خواب باطل و غریب دنیا بود و اگر کسی خواب بنشیند که نزدی بی ناخت و بخصم غلبه کرد و دلیل که بسبب کاری  
باطل و غریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر بنشیند که آنکس بی رویی غالب آمد تا ویش بخلاف این بود و نزد و بان ابن سیرین رحمه الله علیه  
علیه گوید اگر کسی خواب بنشیند که بر نزد بان بالا میزند و آن نزد بان از گل و شست بود و دلیل بر خیر و صلاح بود و درین وی زیاده  
و نیکی بود و اگر نزد بان از سنگت و آگت بود و دلیل که سنگدل و بی رحم بود و اگر از چوب بود و دلیل بر ضعف دین او بود  
و اگر بنشیند که بر نزد بان بالا شد اگر از آگت باشد و دلیل که پادشاه شود و اگر از آگت نباشد و دلیل که خیر و منفعت یا بد و اگر بنشیند  
که از نزد بان بریزد آه ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که از نزد بان بریزد آه و دلیل که از جاه و بزرگی بخت

خبر  
بنشیند

بنشیند  
بنشیند

بنشیند  
بنشیند

بنشیند

در خواب

و او حضرت برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب دیدم بان در خواب بر سر من طغیان کرد و فاسق را  
 بود نرسد و انبیا علیه السلام گویند که در خواب مردی ظریف و خبر دمی و لطیف بود این سیرین رحمة الله علیه گوید  
 نرسد در خواب سخن شیرین باشد و اگر زنی بیند که نرسد تازه فرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند می خبر دمی آید و اگر  
 شوهر ندارد و دلیل که شوهر می خبر دمی کند و اگر بیند که نرسد از زمین بر کند دلیل که زنی طلاق دهد یا فرزندش بمیرد و اگر بیند  
 که نرسد از دخت بر کند و بخلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر زنی بیند که دشته نرسد شوهر داد و دلیل که شوهرش طلاق دهد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نرسد در خواب بر سر من و در ظریف خبر دمی دوم فرزند سوم دوستی کرد و  
 می در بماند و اگر بیند که نرسد زنی دلیل که حسان و یکنوی کند و در شوهر کرد و اگر بیند که نرسد بود و زیادت شد دلیل که عیال تنگ است و اگر نرسد  
 در خواب صاف خواند و اگر بیند که نرسد و اگر گرفت دلیل که بندان خدا را بگری یا بدین و اگر بیند که نرسد بود و در شوهر داد و دلیل که تائب بود  
 و اگر بیند که نرسد بود و با نرسد شد و دلیل که منافق بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که نرسد تار یک شد و دلیل که نرسد  
 و اندوه بود و کارهای شان بسته گردد و اگر بیند که بوار روشن بود و ناکاه نرسد بدید آمد دلیل که مرگ و شجاعت در اندام  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نرسد در خواب بر چهار وجه بود یکی تاخیر دوم پوشیدن کار سوم بدعت چهارم  
 اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نرسد بروشنائی آمد و دلیل که از دور و پیشی بتوا گری آید و اندوه بدعت و ضلالت  
 دور باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید نرسد در خواب خوب نباشد سیرین این سیرین رحمة الله علیه گوید نرسد در خواب  
 اگر بوقت خود بود و دلیل که چیزی بوی رسد و نیز گویند که او را فرزند می آید و اگر نرسد از دخت دور باشد دلیل بر غم و اندوه  
 بود و اگر بیند که کسی نرسد سیرین بود و دلیل که میان ایشان گفتگوی پیدا شود و اگر نرسد سیرین بر دخت بیند و دلیل که  
 غمی بوی رسد و باشد که و با باشد که از کسی چیزی اندک یابد نشاسته این سیرین رحمة الله علیه گوید نشاسته گندم در  
 خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست آید اگر بیند که نشاسته مسجود و دلیل که اندوه گین شود و بعضی از خبر ان گفته اند  
 بیار گردد و اگر بیند که نشاسته حلو گردد و بخورد و دلیل که مال و نعمت بدست آورد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از گندم  
 نشاسته میکرد و دلیل که از گندم خود برنج و سخن پیوستی حاصل کند نشستن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر  
 سقیم نشسته بود و قرار گرفته بود و دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بیند که بسیار خفته بود و بین نام و در جعفر صادق رضی الله عنه  
 نشستن بر آب یا بر آستر یا بر خرد دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرقت چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد و دلیل که  
 کند چنانکه باد مطیع او باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم مصالح می رسد و در راه نشست و دلیل که بهر او احوال مخالفین  
 چنانکه خدا تعالی و حکام مجتهد فرموده و تعالی فرج الخالفون بمقعد هم و اگر بیند که مخالفین را در راه نشست و در راه  
 مانده نشستن مخالفین بود و اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با گروهی مصلحان و پارسایان نشسته بود و دلیل که خیر و صلاح او را بخت  
 گردد و اگر بیند که با فاسقان نشسته بود و مانده نشستن مخالفین بود و دلیل که این سیرین رحمة الله علیه گوید در نعل و خواب مال بود و اگر سیرین

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در بیان  
نعمت

بر ورسد اگر میند که نعل ستر داشت دلیل که از پا و شاه منفعت یابد و اگر میند که نعل خزان داشت دلیل که بقدر آن مال زبر زگان میکند  
و اگر میند که نعلبندی میکرد چهار پایان خود را و دلیل که بسفر رود و نعلبندی کسی بود که میان مردم دوستی جوید نعلین این چنین  
رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که دوازده نعلین شکست دلیل که روزگاری در سفر بازماند و اگر میند که نعلین او سوخت و داشت  
و دلیل که بسبب کاری از سفر بازماند و در پنج کشته و اگر میند که نعلین او بسوزد و دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر میند که نعلین او  
بودن سبب از سفر بازماند و دلیل که کینزگی یا بر سفری رحمة الله علیه گوید اگر میند که نعلین او سیاه بود و دلیل که از آن مالدار باشد و اگر  
سرخ بود و نعلین او در محاش بود و در طرب دوست دارد و اگر میند که نعلین او سفید بود و دلیل که از آن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر میند که  
نعلین او بویون بود و این صفتی است که گفتیم از هر یکی برخی در وی بود و اگر میند که نعلین او از پوست گاو بند داشت و دلیل که از آن از  
اصل عجم بود و اگر میند که بند نعلین او از پوست اشته بود و دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او سفید و در ضایع  
احتیاط کند و آن نعلین از پوست چه بود اگر از پوست اشته بود و دلیل که زرش بپاشد و استعجل شست رحمة الله علیه گوید اگر میند که  
نعلین او در پیر بهین و دلیل دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین در خواب بر سر او جود بود یکی سفر دوم زن سوم کینز و نعلین  
پرو نعلین پیر رحمة الله علیه گوید نعلین در خواب غم و اندوه بود اگر کسی خواب میند که در زمین مکتان و نعلین بود و دلیل که در غم  
و اندوه گرفتار شود و اگر میند که نعلین میخورد و دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر میند که نعلین در زمین دیگران بود و دلیل که خداوند  
را غم و اندوه بود و اگر میند که نعلین از زمین خود بر کند و بینداخت و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و نعلت این پیر رحمة الله علیه  
گوید نعلت در خواب زنی نابکار بود و اگر زنی خواب میند که نعلت در خود مالید و دلیل که باری نابکار جمعش و بعضی از متبران گفته اند که  
چیزی حرام خورد و اگر میند که نعلت بنیاد داشت و دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید نعلت در خواب بر سر او جود  
یکی زن نابکار دوم مرد غماز و آن سیدم مال حرام نفرین این پیر رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که بر ظالمی نفرین میکرد  
و دلیل که بر آن ظالم ظفر باید و اگر میند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد و تا پیش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند  
که سیاحی بیگانه را نفرین میکرد و دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که مرد در اوقات نفرین کرد و دلیل که کار او  
بد شود و بعضی از متبران گویند که نفرین سناحق در خواب بخوابد و خواب باز گردد و اگر نفرین بحق کند تا ویش بر آن کس باشد  
که او را نفرین کند و مرد مصلح را زودتر از آنکه از مفسد مفسد اگر نفرین بحق یا ناحق کند محض باز گردد و نفاق و در خواب عالم  
و دانا و حکیم بود زیرا که احتیاط کننده هر چه نیست بهترین باشد این پیر رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی درین دنیا مصلح و نفاق  
شد و دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر او سکار و نفاق بود و دلیل که از هر خود شرف و بزرگی حاصل کند و آن که نفاق  
کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفاق در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفسد جعفر  
رضی الله عنه گوید نفاق در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد و دانا و دوم حکیم سوم مرد و دانا و چهارم در اینده کار نفعه پس این  
و آن که نفاق بر پیر رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که نقره از کار خود گرفت و دلیل که از آن موضع ولایت که او بود زنی را بزرگوار

نعمت

نعمت

نعمت

نعمت

نعمت



در این

بهر میدیکه دارد بر آید و اگر میدیکه فرضیه شام میگذازد و دلیل که این عیال خود معامله کند و از آن شاد و خرم گردد و اگر میدیکه که  
 میگذازد و دلیل که بسفر رود و اگر این زنی بیند عایض شود و اگر میدیکه بی و صومع نماز میگذازد و دلیل که بیمار شود و اگر میدیکه فرضیه شام  
 میگذازد و دلیل که این شود و بر دشمن ظفر بدو اگر میدیکه در باغ نماز میگذازد و دلیل که از کینه و ثوبه کند و اگر میدیکه در کشتیما نماز میگذازد  
 دلیل که دوش گذارد و شود و اگر میدیکه بجای نمازی بنویسد و نماز گذارد و دلیل که مسند و بد کرد و از باشد و اگر میدیکه نماز کرد و روی  
 بصحرانما و دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم کند و اگر میدیکه در کعبه نماز گذارد و دلیل که کاشی خنجر  
 بظلم شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر میدیکه بعد از نماز سجده کرد و دلیل که بر مردی بزرگ و از محشم ظفر یا بد و روی مسلط شود  
 و اگر میدیکه بجز خدا بیعتی کسی را سجده نکرد و دلیل که مرادش حاصل شود و اگر میدیکه بر سر دیواری سجده میکرد و دلیل که با و از  
 بزرگان بچ و خوانی رسد و اگر میدیکه نماز میگذازد و همچنین بخورد و دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر میدیکه در نماز نجات  
 نشسته بود و دلیل که از غم فرج یابد و در جانش رول گردد و اگر میدیکه سلام نماز اول بدست چپ داد و دلیل که احوالش شورید شود  
 و اگر میدیکه نماز نشسته میگذازد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد و بعضی که سینه عدوی گوید که از وی سپید گردد و اگر میدیکه در نماز خود را دعا کرد  
 و دلیل که دین فرزند یا بد و تلکاف نادیده نماند و اگر میدیکه در تازی نماز گذارد و دلیل که از غمنا فرج یابد و اگر میدیکه نماز  
 شب میگذازد و دلیل که از همه ترسها ایمن گردد و نعمت و بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر میدیکه نماز بپوشی میگذازد و دلیل که بهر کار  
 و اگر میدیکه نماز سجده کرد و دلیل که در سفر و دور و زنی حلال یابد و اگر میدیکه در بیت المقدس نماز میگذازد و دلیل که میراث یابد و روی  
 بروی فراخ گردد و اگر میدیکه در کعبه نماز میگذازد و یا در بام کعبه دلیل که روی یکصد آورد و عاقبت کاشی بخیر گردد و حافظ معتبر رحمة الله علیه  
 که در نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فرضیه دوم سنگ قطع و اگر میدیکه نماز فرضیه میگذازد و دلیل که حق سبحانه و تعالی محل و علا  
 و در حج روزی گرداند و از فرجش نکا چار و قوله تعالی ان الصلوة یقضى عن الفحشاء والمنکر و اگر میدیکه نماز سنت میگذازد  
 و دلیل که صبر کردن کار او شکار شدن نام نگیرد و شفقت بر خلق بود و اگر میدیکه نماز قطع میگذازد و دلیل که برای دشمن عیال  
 و سعی کردن در کارهای دوستان و مروت کردن با هر کسی بود و اگر میدیکه بر ستون نماز میگذازد و دلیل که او را همی عظیم رسد و اگر میدیکه  
 که در کارخانه یا دوکانی نماز میگذازد و دلیل که حق تعالی در کار و کسب برکت کند و اگر میدیکه نماز نایب گذارد و دلیل که کار وی صحیح گردد و حال  
 اضغما فی حج گوید رکوع و سجود و خواب بحضرت مابری تعالی بزرگوار دلیل که تقرب بود قوله تعالی کلا لا تقطعه و انسجد و اقترب  
 و معتبران گفته اند اگر میدیکه در نماز رکوع کرد و دلیل که زکوة مال دهد و اگر میدیکه نماز بجای آورد و دلیل که از بزرگواران و ثقل عبادت او  
 گردانند و دعای او مستجاب کند و بر روی رحمت کند جعفر صادق عنی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی اینی  
 با و م شادی سوم خواب چهارم مرتبت پنجم دستکاری ششم مردا یافتن هفتم نقصان در قضا و همه گوید که رکوع و سجود در خواب پنج  
 بود یکی مردا یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم اگر حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذکعوا و سجدوا  
 و اعبدوا و ابکم و افعلوا الخیرات لعلکم تفلحون و اگر میدیکه بر مرده نماز گذارد و دلیل که او را دعا و ثنا گوید و اگر میدیکه نماز



در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

تمام کرد و تا پیش بکلاف این بود که این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینید که ندی سید و پاک بود و داشت دلیل که مال جلال بود اگر سیرین  
 بیند و آن هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که ندی بسیار داشت دلیل که بعد از آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بیند که ندی بسیار داشت  
 مال بقضا و نفی کند که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که برتن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که نیمی توانا و اگر او را یک کبیرکی و شنبیه  
 بخورد و اگر بیند که ندی از چشمش برود دلیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی جملة نقد علیه گوید اگر بیند که ندی داشت و از وضو شنبیل  
 که در بالش نقصان شود و بخواب بر روی بود که جلال را بد و از حرام بر میزد غایب نمک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نمک در خواب  
 درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب نمک سپید داشت دلیل که بقدر اندم نقد حاصل کند که آتی رح که گوید  
 بیند که نمک خور و دلیل که راه را بدید و کار خیر کند و نمک چرکین سیاه دلیل جنگ و خصومت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود نمک خور  
 نمک گوید نمک در خواب بر چوبه بود یکی درم بی درم نقد و دوم آبروی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نمک خوش  
 در خواب بر چهار چوبه بود یکی درم بی درم و دوم خنهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم خورسندی نمک سوختن  
 سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نمک سود خرب بود و خورد و دلیل که نعمت در وزی بود و میراث یابد و اگر نمک  
 سود و لاغ بود و دلیل که زانی بد و رسد و هر چند که شور تر و لاغر تر بود و دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قد بد خوردن در  
 و دلیل بر غلبت کردن بود و مغربی رح گوید اگر بیند که گوشت قد بد است لاغ بود و دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد  
 و اگر گوشت بیشتر لاغ بود و دلیل که از مغربی مضرت یابد و اگر نمک سود از گوشت چهار زیان و شتی بخورد و لاغ بود و دلیل که از مردم  
 بیابانی مضرت بیند فی الجمله در گوشت لاغ منفعت نباشد نمک ابن سیرین رح گوید نمک در خواب در و باشد و ستمکار  
 و ستمگر بود و اگر کسی بخواب بیند که نمک در اسوی آب کشید و غرق شد و دلیل که در آب هلاک شود و اگر بیند که نمک او را  
 بگریزد و دلیل که بقدر کند از دشمن حضرت رسد و رحمت بیند که آتی رح گوید اگر بیند که او را آب فرو برد و دلیل که با میان  
 هلاک کند و اگر بیند که نمک بر و غالب شد تا و پیش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا تخوان نمک  
 داشت دلیل که از دشمن حضرت یا بد مغربی رح گوید اگر بیند که نمک او را در آب کشید و دلیل که در دست دشمن شسته شود  
 نو و بدین ابن سیرین رح گوید هر چیز که نو باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و گفته را در حرف گاف بیان کرد  
 نوحه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد و دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد  
 در دهان بهتر از آن موضع متفرق شود و اگر بیند که والی اشهر برود و مردم بر او نوحه میکرد و دلیل که ایشان را از آن ایام نوحه  
 رسد و بعضی از مجربان گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که با نوحه میکرد و دلیل که برایشان بهیاد و ستم کنند و این  
 وی غمگین و ستممند شوند که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود  
 و از بد مغربی رسد و اگر بیند که میکشید و آهسته نوحه میکرد و دلیل خرم و شادی بود و اگر بیند که بازماند از دهان بسیار بود  
 و نوحه را و از سیرین و دلیل که بسبب پادشاه و آن موضع غم و اندوه رسد و نوحه را و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که



ملک بخت و اگر میر بود یا سردی بود دلیل که از جاده و منزلت بخت و اگر تو اگر بید ویش کرد و اگر در ویش بید فرزندش میر و نوحی  
 گفته اند که داشته مردی میسر بود و اگر بید که گوشت داشته مجوز دلیل که بقدر آن مال دشمن خرد و اگر بید که داشته بسیار در جانی جمع شد  
 و دلیل که عیاران در آن موضع جمع شدند جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن داشته در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان و  
 سوم مال چهارم منفعت و مالی کار داری و فرمان رسانی بود و اگر بید که کار داری از تحت بیعت و یا تحت او شکست یا کسی از وی  
 بشیر بید یا سراسی او خراب گشت یا در واهی گرفتار شد و کشته شد یا چهارپای بسز آمد و بیعت یا کسی او را بکشد اینهمه دلیل بر آنکه از دشمن  
 و بزرگی بخت و مغرول گردد و این سیرین رح گوید اگر کار داری بید که دشمنش با دست کسی سپوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بری  
 پاینده باشد و اگر بید که بندی بر پای دوست دلیل که شرف بزرگی او زیادت گردد و مغربی رحته اند علیه گوید اگر بید که کار داشت و خوش  
 مسخت و در بندار بود چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این بید دلیل بر شر و فساد بود و خاصه  
 بسینده و فساد و ناپارسا بود و خوش چهارپایان دشتی باشد هر چند از ایشان زب و دلیل بر مردان کند و هر چند ماده بود دلیل  
 بر زمان بود و این سیرین رحته اند علیه گوید اگر بید که خوش صید میکرد یا کسی از خوش صید بدو داد دلیل بر مال و ثروت غنیمت بود  
 و گوشت و پوست او همین دلیل بود که رانی رح گوید اگر بید که خوش مطیع و فرمان بردار او شد چنانکه سلیمان علیه السلام بود دلیل  
 که وی ایشان را بکشد و سلیمان علیه السلام را بکشد و او را مطیع و فرمان بردار او شد خاصه که بید که خواب مستور بود و ریخ در حرف سین تان کردیم  
 و رونه و بتوک نان هر دو در خواب انباز متفق یکدیگر بود و اگر بید که در دنده و بتوک نان کسی بودی داد و دلیل که او را انباز که گفتیم  
 حاصل شود مغربی رحته اند علیه گوید اگر بید که در دنده داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق نماید و از باطل دور کند و اگر بید که در  
 او شکست دلیل که از صحبت بچنین کسی جدا افتد جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن و رونه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق و کار  
 دوم انباز یکم طلب کند و صحبت سوم کار دشوار که بر وی آسان گردد و رونه و این سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بید که بر دست  
 دشمن و رونه شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند که رانی رح گوید اگر بید که برده میفرودخت چون غلام و کنیز که دلیل  
 او را خیر و منفعت رسد و اگر بید که رونه از کافران بسته و بخیزد دلیل که باشد مغربی رحته اند علیه گوید اگر برده غلام بود که خرید دلیل  
 که باشد و اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلامی که فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن نظریابد و اگر بید که در دنده داشت و از وی  
 بگریخت اگر غلام بود و دلیل نیک باشد و اگر کنیز بود و دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مرد را چ  
 و رسان جانوری بود که فرسان آنرا بکشد و تر خوانند دیدن و می در خواب بدین یا کنیز بود و این سیرین رحته اند علیه گوید که  
 کسی بخواب بید که کنیز گرفت یا کسی بید و دلیل که زن خواهد و اگر بید که و رسان بخیزد اگر از دست وی سپرد و دلیل که زن را  
 طلاق دهد یا کنیزک فروشد که رانی رحته اند علیه گوید اگر بید که و رسان بکشد و گوشت او بخورد و دلیل که بقدر آن نان  
 بستم بستند و اگر بید که و رسان بسیار داشت دلیل که کنیز بسیار بخورد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق علیه السلام گوید  
 قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم و اندوه و رونه و این سیرین رح گوید رونه در خواب بر سه

راه و عابد بود اگر کسی بخواهد بید که فری بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بید که با فری بگرفت که چنین  
 مردی خصوصیت کند و اگر بید که فری بسیار در جائی جمع شد ند و فریاد میکرد و ند دلیل که در آن موضع عذاب خداست که فریاد میفرستد  
 گوید اگر بید که فری را بگشت و از گوشت وی بخورد و دلیل که مردی زاهد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بید که  
 فری را بگردد دلیل که از مردی زاهد و پیرانج رسد و اگر بید که فری را از آب بگرفت و بر خشک انداخته دلیل که زاهد را از کار  
 باز دارد و مضرت رساند و نیز بر این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود و دلیل که آن وزیر را گ  
 نیکو شود و دولتش زیادت گردد و اگر بخلاف این بید تا ویش بد بود و اگر کسی بید که وزیر شد و منصف و دادگر بود  
 و دلیل که بعد از عدل انصاف و شرف بزرگی یابد و اگر بید که وزیر با طعنه و دلیل که جاه و لغت مال بروی فراخ گردد و خوش  
 دراز بود و اگر بید که وزیر ویرا خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم ویرا والی گردانند و اگر بید که وزیر در ساری او آمد و دلیل که او را  
 بسبب پادشاه غم و اندوه رسد که تانی روح گوید اگر بید که با وزیر طعام خورد و دلیل که از وی شرف بزرگی یابد و اگر بید که  
 خانه وزیر افتاده بود و یا بیمار بود یا پادشاه او را محضول کرده بود یا اسپ را میگفتند یا کاهی او را بپرون زندانبان و دلیل  
 بر غل می بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بید که چشم و آفتاب است  
 کشته بود دوم آنکه چون بید که چشم او و جلعه بخند و کشته بود سوم آنکه چون بید که پادشاه مری بر میان او بست چهارم آنکه  
 بر چهار یا ران رسول صلی الله علیه و سلم بی تاجی بر سر او نهاد و این همه دلیل بر یافتن وزارت کند و سیمه این سرین رحمة  
 علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زمین داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود و  
 بید که زمین داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بید که و سیمه از زمین بر کند و  
 بید اخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بید که سیمه بخورد و دلیل که بسبب عیال در پرچ و محنت افتد و اگر کسی بید  
 که و سیمه بد و داد و دلیل که میان ایشان خصوصیت افتد و فری روح گوید اگر بید که و سیمه بدست عیال خود داد و دلیل  
 که از بید که اگر بزرگ و در دیدن و سیمه خیر نباشد و سیمه این سرین رحمة الله علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر  
 که و سیمه بر دار داشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر و سیمه بکسی داد و دلیل که از غم و اندوه خلاص شود و فری رحمة  
 علیه گوید اگر بید که خیری نباشد و سیمه بکسی داد و دلیل که کار پراننده او جمع شود و اگر بید که و سیمه بخوراید و دلیل که غیبت مردم بسیار  
 گوید و ضحوی نماز این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که دست و روی بآب صافی بشست و دلیل که کاری جوید که تمام  
 کار بسیار بد و مقصودش حاصل گردد و اگر بید که بآب پدید روی حیثیت تا ویش بخلاف این بود که تانی روح گوید اگر بید که  
 در روی خود را حیثیت دلیل که از بید یا ران خود یا ران خواهد و اگر بید که دست و روی شست و دلیل که مرادش حاصل شود  
 و دلیل این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواهد بید که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود و دلیل که خیر و قابل  
 دنیا یابد و اگر وکیل قاضی شد چنین توفیق دارد و اگر در شغل کالت منصف و دادگر نبود تا ویش بخلاف این بود و فری

رحمه الله عليه گوید اگر وکیل بیند که منیب را بنواخت دلیل که او را بامردی سخن لطیف گفته شود و اگر منیب را کشتاده زنی  
 بیند دلیل که او را از منیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بدو واری علت حرام بود و بدین او در خواب  
 مانی بود که بوی رسد خاصه که در قرن آله سفید بیند این سرین رحمه الله عليه گوید اگر بیند که در قش واری بسیار شده بود  
 دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معتبران رج گفته اند که او را معروف کردند جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید واری در خواب در ویش را تو انگری و نعمت بود و تو انگر از ایستادن از گناه و اگر بیند که چنان شد که همه گناهان  
 افتاده بودند دلیل که کاری نیکو کند و باشد که فرزند یا درش از دنیا برود و ویرانی این سرین رحمه الله عليه گوید  
 که ویرانی خانه و دکان و آنچه بدین ماند دلیل که اسی بود و درین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود  
 که مانی رخ گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان  
 میکرد و لین بر صلاح کار خداوندش بود و بیند از گمراهی براه صلاح آید مغربی رج گوید اگر ویرانی از کار خالق است  
 دلیل که بیننده را نفع بود و اگر از کار مخلوق است تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند  
 که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کاری باشد حرف اخصاء تا و این سرین رحمه الله عليه گوید  
 تا و دوست هر دو شریک باشند که ایشان را از یکدیگر ناگزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند فایده رسانند  
 و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در تا و ن چیزی میکوفت و آن چیزی خوردنی بود دلیل که بقدر حاجت  
 آن او را برنج و سختی نفع رسد و اگر آنچه زار بود اگر داری امساک بود دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمه الله عليه  
 گوید اگر آنچه در تا و ن میکوفت شیرین بود دلیل که برنج و سختی فایده یابد اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر چه بر تا بود که  
 تا و ن میکوفت و می سود دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف بکند بسیار بدانکه که و و ذره آفتاب  
 بود این سرین رحمه الله عليه گوید بسیار در خواب سخن بلا و کرداری پراکنده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حقیقت  
 در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منسود و اگر مغربی رحمه الله عليه گوید اگر بیند که بسیار سخن در هر دو  
 دلیل که در انداز بسیار شود اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد و در این سرین رحمه الله عليه  
 علیه گوید هر دو در خواب مردی زیرک و دانا بود که از کار دنیا مردم خبر دهد و اگر بیند که بد بگرفت یا کسی بود دلیل که هر دو  
 دانا بزرگ بصیفت که گفتیم او را بصفت افتاده از وی فرهنگی صاکنه و اگر بیند که بد بگرفت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظرفیت و بزرگ  
 و اگر بیند که گوشت می بخورد دلیل که قدر آن مال از مردم او غلش صاکنه که دانی رج گوید هر دو در خواب بدین صاحب خبر بود یا رسول نیک بود  
 اگر بیند که بد و باری سخن گفت دلیل که اهل آنجا که جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین هر دو در خواب بر چاک و چه بود و یکی خوشتر کشند و  
 و دوم بزرگی سوم بر دشمن ظرافتن چهارم در کار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقیقت فرمود و در هر مغربی رج گوید اگر بیند که یکی  
 دانا و اگر آن بدیه چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیده بود و بود دلیل که هر دو بر منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود دلیل که

خواب واری

بیند

میر

یک

بد

که اندک آنچیز را دوست دارد و دلیل بر خیر و صلاح بود اگر آنچیز دوست ندارد و دلیل بر شر و فساد بود و اگر بیند که مردی پیرایه دارد و دلیل  
بر خیر و منفعت یا بد و اگر مردی جوان بازی جوان بدید و دهنش بخلاف این بود هر سیه بر سینه رخ گوید اگر کسی خواب بیند که هر سیه بخورد و دلیل  
آن خیر و منفعت بد و در سود و حاجت می رسد و بشود و بعضی از متبحران گفته اند که او فرزند می آید که چشم او بدان فرزند روشن شود زیرا که خضر رسول  
صالحی شد علیه و سلم فرمود که اگر کسی تا طعمه الجنت مغربی رخ گوید خوردن هر سیه خواب دلیل بر اندیشه بود و از جمله اعمال خضر ص و در بعضی  
عنه که بداند هر سیه بکشد که سپید فرید بود و دلیل بر خیر و منفعت بود و آنچه گوشت غلیظ باشد و طعم ناخوش بود و دلیل بر فقر آن و فقر است و هر سیه  
این سینه رخ گوید بنهار دستان خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود و الا ضعیف احوال باشد و خداوند علم و ادب فرزند یک بود و بنزدیک مردمان خوب  
باشد و اگر بیند که او را بنهار دستان عطا داد و دلیل او را فرزند بی نصفت آید و اگر بیند که بنهار دستان بی باغ گرفت و دلیل او را بر مردمان بی  
مخلف و خوب سخن می رسد که توانی رخ گوید بنهار دستان در خواب رخ خوش آواز بود و اگر بیند که بنهار دستان بی بخورید و دلیل که کثیر خوش آواز و مظهر بود  
مینه که بنهار دستان از دست می پیرید و دلیل که نزل اطلاق بدیال کثیر می پیرید و با کثیر و جابر مغربی رخ گوید بنهار دستان در خواب فرزند غلام بود و سخن شیرین  
و شنیدن آواز خوش بود و خضر ص و در بعضی گفته اند که بنهار دستان در خواب بدیدن پنج وجه بود یکی زن دوم فرزند غلام سوم قنای چهارم حکیم و غلام  
پنجم این سینه رخ گوید مینه که با در خواب بدیدن دلیل غم و اندوه بود و مینه زرد و دلیل بیماری بود و مینه سیاه و دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که  
ازین مینه بخورد و دلیل که اندیش و مشق صعبتر باشد و اگر بیند که بن مینه با یکی باشد که با نگین بخورد و دلیل که اندیش کمتر باشد و در دیدن مینه رخ  
بنود و همای این سینه رخ گوید بهای خواب دولت و غنت و بزرگی و نظیر باشد و اگر مینه که بهای داشت دلیل که بقدر بهای خود دولت  
یابد و اگر بیند که بهای از دست و پیرید و دلیل که در جاه و حرش نقصان شود و توانی رخ گوید بهای خواب پادشاه بود و یا رئیس مردم بزرگوار و اگر  
که بهای را بکشد و گوشت وی بخورد و دلیل که بر مردی بزرگوار قهر کند و توانی نشاند و بخورد و اگر بیند که بهای داشت دلیل که ازین گمان که گفته اند  
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بهای را بر با بکشد و دلیل که ازین مردم چنین سخن بدگوید و اگر بیند که بهای او را بخورند و دلیل که ازین گمان که گفته اند  
خضر ص و در بعضی گفته اند که بنهار دستان در خواب بر صفت چه بود یکی پادشاه دوم رئیس مردم بزرگوار چهارم دولت چهارم بزرگ ششم فرمانروای غم  
غیر قابل هم و این سینه رخ گوید علیه که بداند هر سیه که بهار و شرف صافی بود و دلیل که مردم انداز را نشاند و سستی و حلیت نیک و راحت بود و دلیل که  
را و دولت و اقبال یافت شود و اگر بیند که بهای را بکشد و دلیل که با ک نایار را غم و اندوه بود و اگر بیند که بهای را بکشد و دلیل که در آن و با جنگ  
و غنم بود و اگر بیند که بهای را بخورد و دلیل که در آن بکشد و غنم و نبات عین بسیار پیدا شود و اگر بیند که سپید و پاکیزه شد و دلیل که بقدر آن اهل  
را نعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار بود و توانی رخ گوید اگر بیند که بهای را از گرد پاک بود و با سختیست دلیل که پادشاه و بیکار اندازد یا بدین و بزرگوار  
برایشان رساند و اگر بیند که بهای را بر سر شهر می یا محلی بر سر صفائی کشت و دلیل که در آن سال اهل آن موضع را نعمت و فراخی و خیر و منفعت بود و اگر بیند  
مختلف بود و دلیل که اهل آنجا را حاکم کند و خضر ص و در بعضی گفته اند که بنهار دستان در خواب بخورد و دلیل که بزرگی دوم منفعت سوم تندقی چهارم غنی پنجم  
معیشت این پنج وجه و دلیل که بهای بر سر صفائی بود و هم بداند که بهای را بنهار دستان در خواب بخورد و دلیل که بزرگی دوم منفعت سوم تندقی چهارم غنی پنجم

در خواب بیند که هر سیه بخورد و دلیل  
آن خیر و منفعت بد و در سود و حاجت می  
صالحی شد علیه و سلم فرمود که اگر کسی  
عنه که بداند هر سیه بکشد که سپید  
این سینه رخ گوید بنهار دستان خواب  
باشد و اگر بیند که او را بنهار دستان  
مخلف و خوب سخن می رسد که توانی  
مینه که بنهار دستان از دست می پیرید  
و شنیدن آواز خوش بود و خضر ص و در  
پنجم این سینه رخ گوید مینه که با در  
ازین مینه بخورد و دلیل که اندیش و  
بنود و همای این سینه رخ گوید بهای  
یابد و اگر بیند که بهای از دست و پیرید  
که بهای را بکشد و گوشت وی بخورد و  
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بهای را  
خضر ص و در بعضی گفته اند که بنهار  
غیر قابل هم و این سینه رخ گوید علیه  
را و دولت و اقبال یافت شود و اگر  
و غنم بود و اگر بیند که بهای را بخورد  
را نعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار  
برایشان رساند و اگر بیند که بهای را  
مختلف بود و دلیل که اهل آنجا را حاکم  
معیشت این پنج وجه و دلیل که بهای

9

2

10

25

ع

2

7

باز

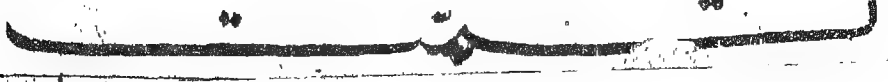
باز

باز

باز

باز

آنکه در و بروی حرام گردد که تانیج گوید اگر بیند که یا قوت بند داشت دلیل که زنی خوب باهل و نسب بخواد و اگر زن دارد و دلیل که فرزندش را  
یا قوت منشوش داشت دلیل که فرزندش مفید بود و همچنین اگر بیند که یا قوت بند داشت دلیل که زنی را اگر با جمال بخواد و اگر بیند که یا قوت  
بند بود دلیل که زنی با حسن و نیکو سیرت بخواد و اگر بیند که یا قوت بند داشت دلیل که آن زن بهارگون باشد و اگر بیند که یا قوت سفید بود دلیل که زنی سفید  
بصلح باشد و بعضی صاف و صنی الله عنه گوید یا قوت در خواب پیشش جبه بود یکی مال دوم که بزرگ سوم علم چهارم پسر پنجم مرد نیک ششم دشمن و هفتم  
بروج با نیک بروج را بر و صنف نیز خوانند و بصورت مردم باشد از این سیرین ج گوید اگر بیند که بر و صنف داشت یا کسی بر و داد و دلیل که بخند  
روی فرو ماید و در قدر مشغول گردد و از روی رحمت یابد و اگر بیند که بروج خورد و دلیل که از مال مردی بدین صفت بخورد و در دیدن بروج در خواب  
باید بخند و نال علیه السلام گوید بروج در خواب غم و اندوه بود و خاصه که بوقتی پیش بیند و اگر بیند که بروج خورد و دلیل که روی بسیار یا بدکاران یا بی رویان  
بیند بوقتی پیش یعنی نستان و اگر بیند که بروج صافی بخانه میبرد و دلیل که بقدر آن مال جمع کند که تانیج گوید اگر بیند که در تابستان بروج صافی بود  
دلیل که مال حلال جمع کند و اگر بیند که بروج تیره و تلخ بود و دلیل که مالی جمع کند از حرام بود و اگر بستان بروج پاکیزه بخوابد و دلیل که پیشش گذارد و منفعت  
ز روزگار خود بیند و دل در نستان بر روی شاد گردد و جابر مغربی ج گوید بروج در سردی در نستان بخوابد و دلیل که بروج بخت و منفعت و تندی بود  
مردم بروج بخت و تکی و اندوه بود و بعضی بجهان گفته اند بروج در برق در خواب دیدن در دیار سردی دلیل که فراخی نعمت بود و در گرمی دلیل که قحط و  
بود و بعضی صاف و صنی الله عنه گوید بروج در خواب پیشش جبه بود یکی روزی فراخ و دوم زندگی سوم مال چهارم بروج از آن پنجم غم و اندوه ششم قحط و تکی  
ششم از این سیرین ج گوید دیدن بروج در خواب دلیل که زنی بی اصل بود و اگر بیند که بروج پیشش ششم داشت یا کسی بر و داد و دلیل که زنی بی اصل  
اگر زن دارد و دلیل که او را خوشی یابد و اگر بیند که ششم داشت دلیل که از قبل بان خیر و منفعت است پس از آنکه مبارک و مبارک بود و این سیرین ج گوید اگر  
بیند که مبارک بود و دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی بیند که حاصل یکانه در بخت بود و دلیل که خضم غالب گردد و اگر بازگانی بیند که  
شد و دلیل که تجارت مال بسیار حاصل کند و اگر سبایی بیند دلیل که توانگر شود و مال بدخوار نماید و این آیه انما اوتوا کعوا و انسجدوا و اعتدوا  
و بکرم و انفسا و الخیر و کما کرم و نقل و ان و اگر بیند که با کسی مبارزت کرد و بروی غالب آمد و دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که خضم بروی غالب  
نمود و دلیل که مخالفین بود و اگر بیند که با زنی مبارزت کرد و زن بروی غالب شد و دلیل که عاشق بود و دود خوار و متذکر بود و این سیرین ج گوید  
یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بروی ظاهر گردد و اگر بیند که با یوز جنگ بنزدیکد و اگر یوز چیره شد و دلیل که دشمن ظفر یا بدکارانی ج گوید اگر  
که یوز گرفت و دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر بیند که یوزان وی بگریخت و دلیل که دشمن از وی بگریزد و اگر بیند که یوزان بسیار مطیع او بود  
و دلیل که دشمنان او بودند و جابر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت یوز میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بسیار بود و بعضی استعبار گفته اند  
اگر بیند که گوشت یوز از بخت دلیل که در هیچ چیز نباشد و اگر بیند که یوز برگردن نهاد و میبرد و دلیل که با دشمن کشد و اگر بیند که یوزان در خانه  
او یا در موضعی با نیک میگردند و دلیل که از سبب دشمنان مرغ و مضرت یا بد بقدرا نکه دیده باشد و الله اعلم بالصواب و الله اعلم  
اولا و اخره و الصلوة علی نبی محمد و علی آله و صحبه









CALL No. { ۱۳۵۵۳ } ACC. No. ۸۶۵۳

AUTHOR \_\_\_\_\_

TITLE \_\_\_\_\_ کامل التعبير یعنی خواب نامہ

Class No. ۱۳۵۵۲ Acc. No. ۸۶۵۳ Book No. ۲۵۲

Author \_\_\_\_\_

Title \_\_\_\_\_ کامل التعبير یعنی خواب نامہ

| Borrower's No. | Issue Date | Borrower's No. | Issue Date |
|----------------|------------|----------------|------------|
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |
|                |            |                |            |



## MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

### RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

